http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 9 of 711

بسم الله الرحمن الرحیم

نادر افغان

جلد اول

که مشتمل بر اجمال حیات اعلحضرت محمد نادر شاه از ولادت

تا بدو سلطنت میباشد

مؤلف : برهان الدین کشککی

Ketabton.com

در مطبع سنگی ریاست عمومی مطابع کابل طبع شد

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 10 of 711

اهدا

این کتاب مفید که دارای معلومات نافعه و آثار مهمه و از جملهٔ مفاخر تاریخی و مشتمل بر اجمال حیات پر افتخار شهریار استقلال و نجات بخش افغانستان اعلیحضرت «محمد نادر شاه غازی» از تاریخ ولادت با سعادت شان الی فتح کابل و نجات وطن است و من آنرا از جرائد و مطبوعات وطنی و خارجی و اسناد مهمهٔ رسمی که خوشبختانه در هنگام مدیریت خویش در اخبار اتحاد مشرقی، و اخبار حقیقت کابل و تصدی من در دائرهٔ تحریرات حضور عصر امانی و ریاست شورای دورهٔ ماضی و در اثنای انقلاب، جمع آوری کرده بودم اقتباس و ترتیب داده بمعرض مطالعه و افادهٔ ابنای وطن که علاقه مندی یادی به سوانح درخشان این مرد تاریخی افغانستان دارند اهدا میکنم .

کابل - ۲۰ جوزا - ۱۳۱۰ - برهان الدین کشکی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 11 of 711

ضمیمهٔ صحیفهٔ (۲) جلد اول کتاب « نادر افغان »

ازطرف راست بجانب چپ :—

(۱) سردار محمد هاشم خان . (۲) سردار احمد شاه خان . (۳) سردار محمد نادر خان . (٤) سردار محمد عزیز خان .
(٥) سردار شاه محمود خان . (٦) سردار شاه ولیخان (۷) سردار محمد علی خان (مرحوم)

این عکس تاریخی درسنهٔ ۱۲٦۸ شمسی گرفته شده است

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 13 of 711

بسم الله الرحمن الرحیم

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي مَا لِلْعَالَمِ سِوَاهُ خَالِقٌ وَصَانِعٌ، وَلَا لَهُ عَمَّا يُرِيدُ مَانِعٌ وَدَافِعٌ، وَالصَّلٰوةُ عَلٰى مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ النَّادِرِ الَّذِي سَيْفُهُ لَامِعٌ وَبُرْهَانُهُ قَاطِعٌ، وَالسَّلَامُ عَلٰى آلِهِ الطَّاهِرِ الطَّابِعِ، وَأَصْحَابِهِ الظَّاهِرِ الْفَائِعِ وَعَلٰى مَنِ اتَّبَعَهُمْ مِنَ الْمُسْلِمِينَ السَّاجِدِ الرَّاكِعِ .

سلسلهٔ نسب و تاریخ ولادت و تعلیمات

جناب سردار محمد نادر خان بن سردار محمد یوسف خان که سلسلهٔ نسب اصولی و فروعی شان در ضمیمهٔ این کتاب ان شاء الله مرقوم میگردد، بتاریخ ۱۵ حمل ۱۲۶۲ هجری شمسی در دیره دون هند تولد یافته اند .

امور رضاعت و حضانت او شان تحت نظارت والد امجد شان سردار محمد یوسفخان و والدهٔ ماجدهٔ شان بکمال غمخواری و دلسوزی اجرا ، و بعداً جهت آموختن آداب ابتدائیه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 14 of 711

که لازم همچه اطفال اعزه و اشراف است توجه خصوصی پدر و عم معظم بر اوشان مبذول و مخصوصاً اتالیق دانشور را برای شان استخدام فرمودند .

چون این دودمان معظم از روی نجابت ذاتی و شرافت فطری ، طبعاً ملت دوست و وطنخواه بودند ، همین روح وطن دوستی و ملت پروری را بر علاوهٔ پابندی شدید بامور مذهبی و محترم شمردن همه اوامر و مقررات اسلامی در تمام اولادهای خویش تزریق و تنمیه میفرمودند ، و بنا بر همین ملاحظات اساسی ، اولیای معظم این فامیل محترم بامید خدمتگذاری وطن و قوم نسبت به تعلیم درست و تربیهٔ صحیح همه فرزندان خود توجه و اهتمام انتهائی شانرا مبذول و معطوف میفرمودند .

تعلیمات ابتدائی و انتهائی سردار محمد نادر خان و دیگر برادران و عموزادگان شان ذریعهٔ اساتذهٔ لایق اسلامی و معلمین دانشور عصری که مخصوصاً برای شان از طرف همین اولیای دلسوز شان به معاش گزاف و اعزاز ممتاز استخدام شده بودند ، در محل نشیمن شان به تکمیل رسیده است :

از دیدن مناظر رذیله ، گشتن به اطراف و حوالی عادات قبیحه ، جداً ممنوع و محروم حتی در مواقع تفریح هم تحت نگرانی اتالیق مخصوص ، و یکی از اولیای امور شان بوده ، بر حرکات و اوضاع سردار محمد نادر خان و دیگر اخوان و عموزادگان عالیشان اوشان ،

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 15 of 711

نیز نظارت دلسوزانه جاری، و نسبت بتعدیل و اصلاح هر نوع اعمال شان توجه کافی کرده می شد.

چنانچه بواسطهٔ همین تعلیم و تربیت صحیح و حسن مراقبت، تمام افراد این خاندانی مجسمهٔ اخلاق و دیانت و صفات عالیه گردیدند.

در فرصتیکه تفریح و ساعت تیسری این سرداران عالی مستلزم میشد و تقویهٔ جسمانی و تهیهٔ استعداد عسکریت، ریاضت بدنی و زحمت کشی و حرکت را برای اوشان ایجاب مینمود عند اللزوم از طرف صبح و عصر عموماً و در ایام تعطیل های عمومی زیاده تر به سیر نمودن و شکار کردن و کوه پیمائی و جنگل نوردی مشغول میشدند و بعضاً بزیارات متبرکه تشرف میجستند.

علت مسافرت

خاندان سردار یحیی خان از افغانستان

در عصر امیر محمد یعقوب خان که از اوضاع ناگوار خود مورد عتاب پدرش امیر شیر علیخان شده هفت سال تمام را در انواع زحمات و مشقات، به محبس گذرانیده تماماً قوای فکری و اداری خود را فنا، و به ضعف اعصاب و امراض دماغی مبتلا بود، و در

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 16 of 711

موقع عزیمت امیر شیر علیخان بمزار از طرف پدرش وکیل دار السلطنه، وبعد از وفات او در ربیع الثانی ۱۲۹۶ ق بامارت رسید اولاً بکشیدن آن افواج انگلیزی که موجب حرکت پدرش از مرکز شده بود، بشرائطی چند پرداخت، متعاقباً از خودغرضی کاردارها و آشوب پسندی لشکرها، انقلاب شدیدی واقع شد که در آن (سر لیوی کیوناری) سفیر انگلیز مقتول، وتکرار قوای انگلیزی جهة خونخواهی نماینده خود بر افغانستان تجاوز کرد.

امیر محمد یعقوب خان ازین بی جلو شدن عساکر ونفاق اندیشی مأمورین، و مخالفت انگلیزی سرداران قوم، زیاده تر عصبانی واز ادارهٔ امور مایوس شده بشرحیکه در صحیفهٔ (۳۵۳) جلد دوم سراج التواریخ مرقوم است، دستش از کار کشیده شد، این استعفای او که ناشی از ضعف دماغی او بود بر ملت افغانستان اثر بد انداخت، تمام عشائر وقبائل افغانی بشدت بر علیه قوای انگلیز شوریدند.

انگلیزها این آشوب را از طرف اعزه ومعاریف ومتنفذین افغانستان دانسته عدهٔ از آنها را شهید، وبعضی را حبس، وخود امیر محمد یعقوب خان را با متعلقین آن ودیگر سرداران وقائدین بارسوخ وطن تحت الحفظ بهند بردند، که در ان ضمن خاندان سردار یحیی خان هم (که صبیهٔ او شان حرم امیر مذکور بود) از وطن محبوب شان اخراج شدند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 17 of 711

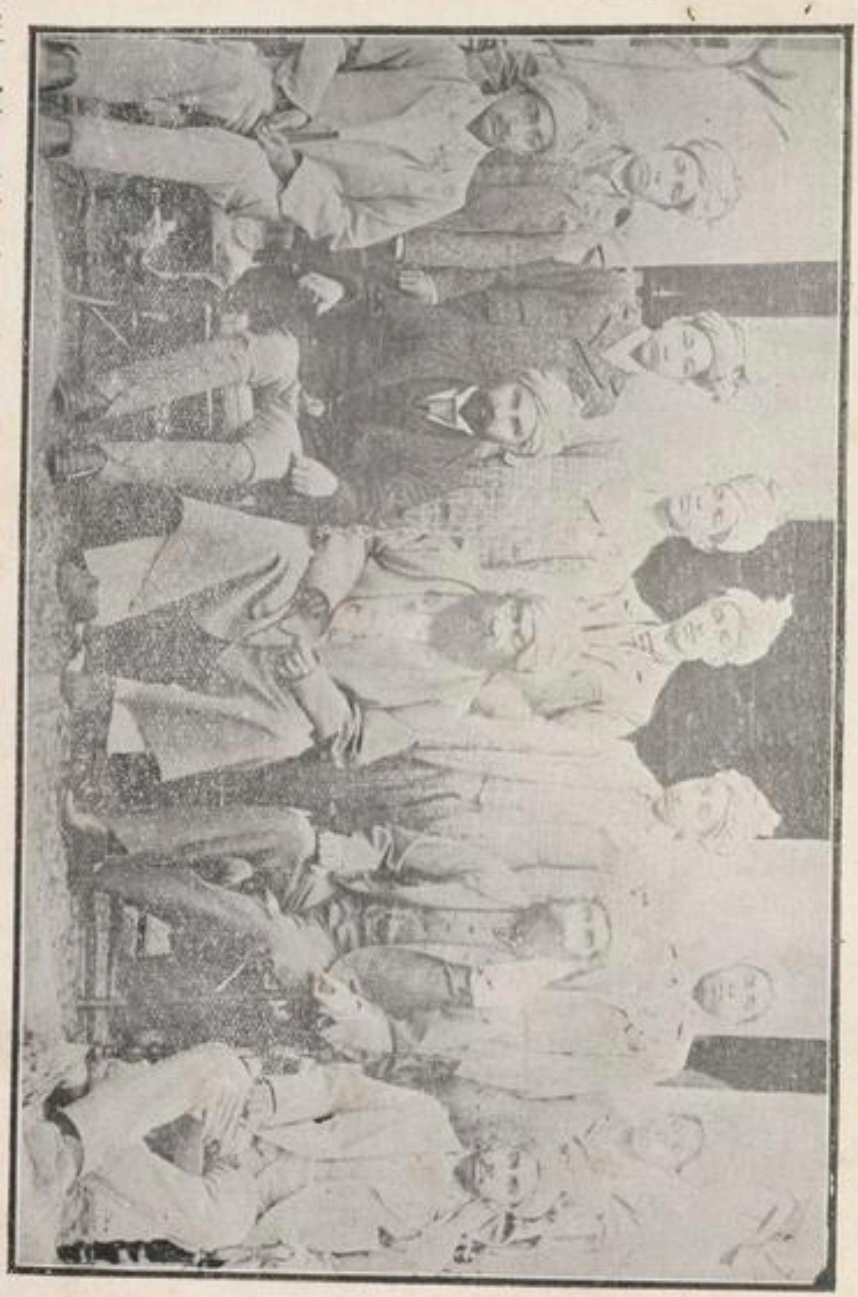

صف اول ازطرف راست بچپ : (۱) سردار شیراحمد خان . (۲) سردار فتح محمد خان (۳) سردار معظم یحیی خان . (٤) سردار محمد سلیمان خان
(٥) سردار محمد عزیز خان
صف دوم ازطرف راست بچپ (۱) سردار شاه محمود خان (۲) سردار نوراحمد خان (۳) سردار محمد هاشم خان (٤) سردار محمد نادر خان
(٥) سردار شاه ولی خان (٦) سردار محمد علی خان (۷) سردار احمد شاه خان

این گروپ تاریخی در سنه ۱۲۷۷ ش گرفته شده است

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 19 of 711

در هند هم بنا بر همین نسبت خویشی، محل توقف امیر محمد یعقوب خان و سردار یحیی خان در دیره دون تعیین شد، ولی سردار معظم یحیی خان و باقی افراد این دودمان عالیشان با وجود همان نسبت قرابتیکه در بین آنها ده سال قبل ازین در عصر والدش امیر شیر علیخان پیدا شده است، چون با اوضاع و طرز عمل محمد یعقوب خان از ابتدا موافقت نداشتند و همه حرکاتش را بنظر تخالف و تأسف دیده بر خبط و خطاهای سیاسی او را ملامت میکردند، با اینکه هر دو خاندان در یک منطقه اقامت داشتند با همدگر حرف زدن و مخالطت کردن درکنار، حتی بسا لها همدیگر را نمیدیدند و سرداران عظام از رفت و آمد و خلا و ملاقات اطفال خود با اولادهٔ او مخالفت و جدًا این موضوع را مراقبت میفرمودند.

گذارهٔ نیکو و رفتار شیرانهٔ خاندان نادری

چون اعلیحضرت ضیاء الملة والدین در طی دگر اطلاعاتیکه از عامهٔ مجاری امور میگرفت، از گذاره و چگونگی آن اعزهٔ افغانی که در خارج سکنا گزین بودند بیشتر معلومات موثقه را اکتساب میکردند، لذا درین سلسله از حسن گذاره و پابندی اوامر اسلامیه و رعایت عرف و عادات افغانیهٔ خاندانی سردار یحیی خان نیز معلومات صحیحه

(۵) ـ داد شاه لغمان (۶) سردار محمد علی خان (۷) سردار احمد شاه خان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 20 of 711

دائماً با وشان مواصلت میکرد ،،

تا اینکه بعلم الیقین دانستند که این دودمان عالی در بین همهٔ آن خاندان های افغانی که در خارج مسکن دارند ، واحد خاندانی است که بدین و وطن و ملت خود محبت دارند و در آن عالم غربت بکمال شرافت و استقامت طورے امرار حیات ، و چنان گذارهٔ اوقات شانرا مینمایند که موجب تحسین از خود و بیگانه و عموماً باخلاق عالی شان معترف اند .

بر علاوهٔ آن در بین این خاندان عالیشان یکعدهٔ کافی از جوانهاے صاحب تعلیم و تربیهٔ عالی که دارای تمام خصائص اسلامی و افغانی میباشند نیز موجود است ، که برای وطن مظهر خدمات باصداقت ، و برای ترقی افغانستان زیاده مصدر فعالیت خواهند شد ، ازین جهة در اواخر سلطنت خود یک دعوتنامهٔ احترام کارانه را بنام سردار صاحبان تحریر و از اوشان خواهش کرد تا با آل و اولاد و تمام افراد خاندانی خود عازم وطن محبوب خویش شوند و هم این موضوع را رسماً بحکومت هند نگاشت تا در فراهم آوری تسهیلات لازمهٔ سفریهٔ آنها مساعدت کند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 21 of 711

ورود خاندان نادری
بکابل

چون این دودمان عالیشان بنابر رفع آن ایجابات سیاسی که موجب عزلت وگوشه نشینی شان در خاک اجنبی واقع شده بود، بملاحظهٔ اینکه وطن از تجربه ودانش وخدمات ورویهٔ بی آلایش آنها مستفید، وملت از کارروائی شان طوریکه از آبا واجداد معظم شان دیده بودند بهره ور شود در سنه ۱۳۱۹ قمری وارد خاک مقدس وطن شدند، از طرف تمام اعزه ومشاهیر وطن ومأمورین رسمی حکومت، درعرض راه وخود کابل پذیرائی را که درخور شان واحترام آنها بود مورد شدند.

برعلاوهٔ آن این ذوات از طرف شخص پادشاه وعامهٔ زعمای امور آنوقت باعزاز وتکریم معقول قبول شده تمام املاک واراضی ومایملک شان که امانتاً در دست حکومت بود برای شان ابداً گردید.

درمقاربت وتوصل با اوشان تمام اعیان واشراف افغانستان بر همدیگر سبقت وبسا مخدرات باعفت را درسلک ازدواج جوانان صاحب تعلیم وتربیهٔ این دودمان صاحب دیانت منسلک نمودند، واکثریه مائل وراغب به خویشاوندی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 22 of 711

و مواصلت باعفائف صواحب عصمت این دودمان نجیب هم بودند، ولی حسب عادت مستمره که از قدیم الایام در بین این سرداران ذوی الاحترام، معمول است، آنها کمتر بهیچه مواصلت ها که خارج از افراد خاندانی شان میبود رغبت، و علی الاکثر سلسله مناکحت بنین و بنات شانرا در خود افراد فامیل جلیل شان اجرا و تعمیل مینمودند.

تنها بنا بر اصرار و استرجای بار بار والده و همشیره های اعلیحضرت سراج الملة والدین و میلان طبع همایونی که بر علاوه توحد سلسله نسبی و نسبت قریب خاندانی، یک علاقه جدید مواصلتیکه موجبات مزید تحکیم محبت و صمیمیت را بین اعلیحضرت و این سلاله صاحب عفت فراهم آورد، کریمه سردار صاحب محمد یوسف خان (که یک عالمه فاضله و زباندان عاقله و صاحبه تقریر و تحریر بودند) در حباله نکاح شهریاری آمد و بکمال تزک و احتشام مراسم این عروسی بجا آورده شد، خطاب این صبیه عفیفه که در سنه ۱۳۲۰ عقد نکاحش با اعلیحضرت امیر حبیب الله خان بعمل آمده از طرف اعلیحضرت (علیا جناب) گذاشته شد، از بطن ایشان شهزاده اسد الله خان در سنه ۱۳۲۸ قمری هجری تولد یافت.

عالیجنابان سردار محمد آصف خان و سردار محمد یوسف خان خاصه و باقی افراد

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 23 of 711

این دودمانِ عالیشان عند اللزوم به حضور پادشاه مدعو و مشرف، در مجالسِ مهمه و تقاریب رسمیه و تفریحیه دائماً به حیث رفیق صمیمی بنام مصاحب و حواشی و اعضای دربار پادشاهی شامل میبودند و در هر شعبهٔ که بحث و مذاکره می افتاد، افکار معقول و نظریاتِ مقبول آنها موثر و نافع افتاده موجبات رضا و خورسندی پادشاه را حاصل، و تحسین و آفرین دیگر زعمای امور را نائل می شدند، حتی همه آثار مدنی و عمرانی وغیره که از محصولاتِ مفیدهٔ عصر سراجیه گفته میشود، در اثر پیشنهاد هاے نافعه و مشوره هاے خیراندیشانهٔ همین حضراتِ سردارانِ عظام جنابِ محمد آصف خان و محمد یوسف خان بعمل آمده است.

الحق که این ذواتِ عالی صفات دائماً برای منافع مملکت و فراهم آوری رفاه و آرامیِ ملت و رفع تکلیف و مضرت بسیار ساعی و کوشان بودند، و عموم مردم خاطرهایِ شیرین حسن اخلاق و خیراندیشی ها و همدردیهاے اوشان را بخاطر دارند.

شمولیتِ سردارانِ عالی

(در خدماتِ موطنِ آبائیِ شان)

رفته رفته این دودمان عالی از عقل و فراستِ خداداد و وسعتِ نظر و خیراندیشی و حقائق گوئی و جذباتِ ملتخواهی و حسِ وطن دوستی خود هر روزه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 24 of 711

در موقعیت و احترام خود می افزودند و توجه قدر شناسانهٔ پادشاه و دیگر ذوات خبرت آگاه را بخود جلب میکردند و مشارکت رسمی و معاونت اساسی آنها را در انجام خدمات وطن بشدت بر اولیای امور آنوقت مستلزم و ایجاب مینمودند.

چنانچه این پرتو دانش و صمیمیت ملی سرداران عظام و کیاست و فهم و اطوار عالی سردار محمد نادر خان، رئیس حکومت آنوقت را باین مسئله وادار کرد تا نه تنها در اعزاز رسمیه، و احترام مقتضیهٔ این خاندان بیفزایند و در همه امور مملکت داری آنها را سهیم و شریک قرار دهند زیرا که فکر رسای آنها در همه شعبه های آن به بسیار خوبی از نقطهٔ نظر خیر اندیشی ملت و منفعت جوئی حکومت بخوبی میرسید، بلکه دگر افراد خورد و بزرگ این دودمان را هم باید حتماً در خدمات مملکت و فراهم آوری موجبات مسرت رعیت حصه بدهند.

درینجا چون مقصود از نگاشتن واقعات عمدهٔ است که بحیات سردار محمد نادر خان ربط و تعلق دارد، ازینجهة قلم از اعطای توضیح انواع قدردانی و مقرریهای دیگر افراد دودمانی شان نکول کرده بناظرین محترم وعده میدهد که ان شاء الله اختصار حیات و خدمات و مفاخر آنها را اخیراً در ضمیمهٔ این مجلد اول می نگارد و فعلاً

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 25 of 711

بتذکار اجمال حیات نادری از بدو شمولیت رسمی شان در خدمت افغانستان تا انجام آن خدمت خیلی عالی و قیمتدار شان که بموقع حدوث انقلاب در نجات قوم و وطن از گرداب رنج و محن فرموده اند تصمیم میکند، بعون الله تعالی.

(اولین منصب نظامی سردار محمد نادرخان)

چون ذاتاً سردار محمد نادرخان از آوان طفولیت الی سن بلاغت خویش بهدف زدن و شکار کردن و کشیدن انواع ریاضت و زحمت که لازم یک جوان افغان عسکری مشرب میباشد، خیلی عادی و صاحب مهارت است و مبادی تعلیمات علمی و عملی قشونی را هم از اولیای شجاع خود (که در چندین مواقع حرب و ضرب آنرا اموخته و تجربه کرده اند) یاد گرفته است، و هم از شوق فطری خود و علاقمندی زیادیکه درین مسلک شریف دارد، مطالعات شان در فن جلیلهٔ عسکری مکمل است، و هم از موقع ورود شان به افغانستان الی الآن زیاده تر بدیدن پریت ها و مشق های نظامی و نشست و برخواست با صاحب منصبان افغانی عادی شده اند، و هم در موقع شمولیت بدربار پادشاهی زیاده تر با مور عسکری دلچسپی خود را نشان میدهند، و علی الاکثر در موقع شیرفابی پادشاه در اطراف مسائل حربی و نظم و نسق قوای نظامی بیانات میدهند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 26 of 711

لذا اعلیحضرت سراج الملة والدین نظر به اهلیت و لیاقت و کفایت این سردار صاحب شجاعت، او شان را در اواخر سنه ۱۳۲۱ قمری مطابق سنه ۱۲۸۲ شمسی بمنصب (درمشری) کندکشری در اسپور اردلیان حضورش منصوب فرمودند.

در حین این تقرر در محضر والد امجد و عم معظم شان شجاعت مآب محمد نادرخان را ازین موضوع مطلع نموده گفتند که «فعلاً شما را در اسپور اردلیان حضورم کرنیل مقرر کردم، تا ازین چیزهائیکه در شعبهٔ نظام از آن بحضورم اعلام میکنید عملاً بحکومت و ملت خود امتحان بدهید و این نفری را که بتحت امر شما مقرر میکنم مطابق فکر و آرزوی خود تعلیم و تربیه کنید».

شجاعت مآب سردار محمد نادرخان ازین اشتراک رسمی خود در خدمات وطن و اختصاص بسلکیکه او را نهایت عزیز و مقدس میداند، و از مدتیست که در اطراف آن مصروف معلومات و اکتساب عملیات هست، خیلی مسرور و متشکر شده بکار نظام بکمال فعالیت و جدیت اقدام کرد.

در تعلیمات عملی، نظری، اجرای ریاضت بدنی، مانوره های عسکری، تعمیم هدف زدن، شطارت، فعالیت و تعلیم امور یکه دانستن آن برای هر فرد عسکری لازمی است، در اندک فرصت قطعهٔ منسوبهٔ خود را از سائرین بهتر، و در همهٔ شعبات

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 27 of 711

لازمه، مطابق مقتضیات عصریه، آنها را تربیه، وحسن عملیات نظامی خود را علناً مشتهر فرمودند.

ترفیع شجاعت مآب محمد نادرخان

(به غندمشری)

شخصاً اعلیحضرت سراج الملة والدین از اجراآت وزحمت کشی شجاعتمآب محمد نادرخان بالعموم نظارت میفرمودند، وهمهٔ این تطبیقات مفیدهٔ عصریهٔ نادر را در نظام، بنظر محبت دیده اوشان را تحسین، ودر فراهم آوری تسهیلات لازمهٔ آن اوامر میدادند، وبتعدیل بعضی تعلیمات هم بشجاعت مآب موصوف نظریهٔ خود را میدادند، وهم در وسعت معلومات اوشان بذل مساعی میفرمودند.

درعین زمان خود کرنیل موصوف (با اینکه تعلیمات اوشان بالنسبه سائرین عالی ومکمل بود) درخواندن اثرات نظامی واتخاذ اصول ومقررات عساکر تازهٔ دنیا نیز خیلی جدوجهد میفرمودند.

بعد از اینکه اوشان در تعلیم وتربیه وضبط وربط قطعهٔ منسوبهٔ خود طوری کسب موفقیت کردند که نه تنها شخص پادشاه، وزعمای امور آنگاه، بلکه عموم عسکر وسپاه حسن تعلیم وتطبیقات این جوان کارآگاه را تحسین وتصدیق میکردند، وزحمت کشی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 28 of 711

و وظیفه شناسی اورا آفرین میگفتند، از حضور پادشاهی در صلهٔ این مساعیات قدردانی شان، به ترفیع منصب شد، و در اوائل سنه ۱۳۲۳ ق مطابق سنه ۱۳۸٤ ش به منصب برگدی (غندمشری) در اثر همان فعالیت و زحمت و صداقت خود ترفیع یافتند و یک نشان خدمت را هم حاصل نمودند.

درینموقع باز از حضور همایونی، در محضر پدر و عم و دیگر منسوبین خاندانی شان و عامهٔ زعمای امور از صنف ملکی و نظامی، بعد از اظهار مسرت از مجاهدت و فعالیت شان، این خدمات آنها را باعطای ترفیع تقدیر، و به اوشان توصیه کردند، تا در مزید تعلیم و تربیهٔ نظامیان حضوری بذل مساعی کنند، و منتظر مزید نوازش حکومت و تقدیر ملت باشند.

حضرت محمد نادرخان غندمشر ازین قدردانی پادشاهی اظهار مسرت و از توسیع دائرهٔ خدمتش شکرگذاری کرده، از خداوند توفیق خدمت و فعالیت را برای خود خواستار شده از ذات پادشاهی رجا کردند تا الآن کماکان در فراهم آوری تسهیلات مطلوبه، و معاونت های اخلاقیه باو مساعدت فرمایند، اعلیحضرت پادشاهی هم این تمنای اوشان را بکمال محبت پذیرفته گفتند که «شما را طوریکه من الی الآن کرنیل حضورم دانسته باشما در هر امر کمک و معاونت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 29 of 711

میکردم، بعدازین نیز شما را ارجمند عزیز الوجودم دانسته غندمشر حضورم مقرر کرده در رفع هر نوع مشکلات واعطای تسهیلاتِ لازمه بشما کمک میکنم امید دارم که بعدازین لیاقتِ فطریِ شما محتاج معاونت ونظارتِ من نخواهد بود».

درینجا باندازهٔ که حلقهٔ مجاهدتِ حمیت مندِ موصوف وسعت کرد، بهمان پیمانه مراتب خدمت وفعالیت وزحمتِ خود را افزونی داد وکندکمشرهای درست وتولیمشرهای خوبے را درمفرزاتِ ماتحتِ خود از اشخاصِ لائق مقرر فرموده راجع بتعلیم وتربیه وهمه مقرراتِ نظامیهٔ غند منسوبهٔ خود بیش ازپیش بذل مقدرت ورزید، ودائرهٔ تعلیم واعمالِ نظامیِ خود را هم بلند گرفت، شب وروز بجز ازفکر ترقّی وپیشرفت عسکر وافزونی مطالعات وبلندبردن معلوماتِ خود، وصاحب منصبان ماتحتِ خویش دیگر مشغلهٔ نداشت تا اینکه درظرفِ دوسال وچند ماه درچندین مواقع از امتحان قابل تقدیر ونمایشهای بی نظیر، غند مربوطهٔ خود را بهترین افراد عسکری افغانستان تمثیل کرد، وخود را باین وسیله موردِ تقدیر وتبجیل عمومی قرار داد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 30 of 711

اظهار لیاقت عسکرانه و جذبات عالیجنابانهٔ حمیت بنیان محمد نادر خان بتقریب سیاحت پادشاه افغانستان

در موقعیکه اعلیحضرت امیر حبیب الله خان در سنه ۱۳۲۴ ق مطابق سنه ۱۲۸۵ ش بدورهٔ هند تصمیم کردند، و یکعدهٔ از اعیان و اشراف افغانستان بمعیت شان در آن سیاحت مشارکت داشتند، حصهٔ مهم این رفقا و مصاحبین شهریار را افراد معظم این خاندان عالیشان تشکیل کرده بود، که در آن ضمن حمیت مند محمد نادر خان برگد بحیثیت نمایندهٔ عسکری افغانستان شامل، و از فعالیت و کیاست و وظیفه شناسی خود، در تمام دورهٔ امصار و بلدان مشهور هندوستان؛ نام و شرف عسکری افغانستان را بدرستی تثبیت و رضا و مسرت شهریار را بوجه احسن تحصیل، و ضبط و ربط و فوقیت تعلیمات نظامی مربوطه اش را (که امتحانات آنها در وطن مکرراً از طرف قرین الشرف گرفته شده بود) در مقابل قوای اعزازیهٔ حکومت انگلیز که در همه مواقع جهة پذیرائی همایونی تشرف می جستند،

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 31 of 711

تمثیل دادند !

هکذا بعد از فراغ سیاحت هند در اثنای دورهٔ ولایات و حکومتهای افغانستان که در سنهٔ ۱۳۲۵ ق مطابق سنهٔ ۱۲۸۶ ش از طرف همایونی اجرا شد (و در آن سیاحت تاریخی هم بر علاوهٔ همرکاب بودن حمیت مآب محمد نادرخان غند مشر حضور، سرداران معظم و دگر ذوات محترم این خاندان افخم هم برفاقت و همراهی موکب پادشاهی ملتزم بودند) نیز خدمتگذاری، و زحمت کشی و علاقه مندی حمیت مند محمد نادرخان و قطعات عسکری مربوطهٔ این ذات عالی صفات، اسباب مسرت و خوشنودی شهریار را فراهم آورد، و بر علاوهٔ آن حسن تدقیق و تعمیق و اطلاع گرفتن این برگد حضوری از تمام مجاری امور عسکری و مملکتی (عام از اینکه جزوی میبود یا کلی) ذات شاهانه را با آتیهٔ درخشان و جوهر عقل و ذکای فراوان خود امیدوار ساخت.

تقدیر خدمات منیع حمیت مآب محمد نادرخان به ترفیع یافتن شان بمنصب جنرالی

نظر به مساعیات جمیله و خدمات عالیه که از حمیت انتساب محمد نادرخان غند مشر حضور، در امور نظامی مشاهده شده، و فعالیت و جراری و بیداری

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 32 of 711

در سیاحتِ هند، و وظیفه شناسی و دانشوری که در هنگام دورهٔ داخلهٔ افغانستان بملاحظه پیوسته، وکفایت ولیاقتیکه از وجودِ خبرت آمودش هویدا بود، در سنه ۱۳۲۶ ق مطابق سنه ۱۲۸۷ ش به منصبِ منبع جرنیلی (لوامشری) حضوری عزّ افتخار یافتند، ومیدان مجاهدت ومساعیاتِ قیمتدار این سرعسکر هوشیار بسیار وسعت پیدا، وشب وروز تمام قوا وحواسش را، اصلاح وتنظیم وانضباط واستواری امور عسکری مشغول میداشت! ودائماً در تعلیم وتربیه وتقویهٔ صوری ومعنوی نظامی مربوطه اش بذل مساعی میورزید.

داوطلبی عالیشانِ شجاعت مآب محمد نادرخان در موقع عصیان وسرکشی اشرار جنوبی

در فرصتیکه عالیشان شجاعتمآب محمد نادرخان حسب مطلوب، در تنظیم وتنسیق آن عساکر خاصهٔ حضوری که تحت قیادت وادارهٔ شان بود، کسب موفقیت کرده بودند، واقعهٔ بغی منگل در اواخر سنه ۱۳۳۹ ق مطابق سنه ۱۲۹۰ ش بظهور انجامید، وطورے فضای سمتِ جنوبی را مکدّر ساخت که یک قلم مأمورین محلی وقوای نظامی متعینهٔ سمت جنوبی، از جلوگیری واستیصالِ آن عاجز وپریشان ماندند، وفکر اعلیحضرتِ امیر حبیب الله خان را هم نهایت سراسیمه وحیّاتِ

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 33 of 711

دیگر زعمای امور را نیز حیران و واله ساخت، چراکه سردار محمد اکبر خان حاکم اعلای جنوبی در خوست، و شاغاسی خواجه محمد خان در جاجی، و ناظم دوست محمد خان در گردیز با عدهٔ زیاد عسکری و ملکی در هر نقطه محصور و قلعه بند، و چارهٔ کار بر آنها حصر شده بود، و خود سری و سفید چشمی اشرار جنوبی بدرجهٔ نهائی رسیده بود چنانچه قوای محلی جنوبی را تماماً مجبور و محصور کرده، در صدد تجاوز بر مرکز بودند، تا اینکه کوتل «تیره» راهم اشغال و راه آمد و شد و مخابرهٔ مرکز را با جنوبی مسدود نموده بودند.

از همین جهة بود که درین سال برخلاف معمول، حرکت هیئت همرکابی اعلیحضرت از مشرقی محض جهة حفظ ما تقدم و اتخاذ ترتیبات دفاعیه پیشتر واقع شد، و در عین زمان قوای قومی مشرقی را بصورت فوری جمع آوری نموده با آنها شخصاً اعلیحضرت بالنسبهٔ سرکوبی اشرار تشویق و تحریص میدادند[1]، و در نظر داشتند که دگر اقوام و عشائر ملی راهم وادار نمایند، تا در سرکوبی اشرار جنوبی مشارکت ورزند.

چراکه بملاحظهٔ عدم موفقیت آن قوای مکفیهٔ عسکریهٔ عصر سراجیه که در موقع بروز این واقعه در جنوبی بودند، از عسکری یک قلم مایوس و متیقن شدند،

(۱) ملاحظه شود نطق اعلیحضرت به صفحهٔ (٤) شمارهٔ (۱۵) سال اول سراج الاخبار، و برای مزید اطلاع شماره های قریبهٔ آن.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 34 of 711

که نشانیدن این جوشش مخالفت ذریعهٔ قوای عسکری محال، وحتماً باید این قضیه بقوای قومی انفصال یابد.

ولی در یک دربار خاص الخاص که در موضوع سرکوبی اشرار و استیصال این واقعهٔ جنوبی منعقد شده بود، عالیشان شجاعت بنیان جنرال محمد نادرخان، بکمال رشادت و جلادت بحضور اعلیحضرت جذبات سرشار عسکریتش را ضبط ناکرده قبل از پرسان مردانه وار این بیانیه را عرض نمود:

«اعلیحضرتا! این واقعه آنقدر مهم نیست که شما راجع به جلوگیری و چگونگی نتایجش اوقات قیمتدارتان را صرف میکنید، و از بحث و کنکاش زیاد بخود درد سر را عائد میفرمائید.»

«اگر اجازهٔ اعلیحضرت باشد که من بشرف این خدمت پر مفخرتی که از سالیان دراز آرزومند آنم، امتیاز و افتخار یابم امید است که بفضل خدا و حسن نیت شما در فرصت قلیل، این اشرار را خوار و ذلیل و همه امور جنوبی را حسب دلخواه اصلاح و تعدیل میکنم.»

«اعلیحضرتا! بسیار ممنون و متشکر میشوم تا از جلب قوای قومی منصرف و تنها بانجام این خدمت این خادم خود را با عسکریکه خودم تربیه کرده ام مأذون فرمائید

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 35 of 711

تا رفتهٔ بمعاونت پروردگار، دو دوازده مار آن اشراریکه بملت وحکومت متبوعهٔ خود اضرار را وارد میکنند بکشم، و وظیفهٔ ملیت وعسکریت خود را بدرستی ایفا کنم».

اولاً اعلیحضرت وزعمای امور باین عریضهٔ شفاهی جرنیل حضوری چندان عطف توجه نکردند، ویا تصور داشتند که این عسکر هم مانند عساکر جنوبی کاریرا از پیش برده نمیتوانند، جناب جنرال از دربار برگشته علی الفور این مطلب را در یک معروضهٔ خود نگاشت ومحض جهة قبول واجابت آن چندی از اعیان دربار را هم باین مسئله وادار کرد تا در اخذ اجازهٔ این فقره با او همنوا ودر فرستادنش برای خدمت ملت ومملکت در جنوبی بحضور عرض والحاح باصرار کنند.

مسروریت شاهانه ازین جذبهٔ عسکرانهٔ جنرال محمد نادر خان واعزام شان جهة انطفای نائرهٔ شرارة به سمت جنوبی

پس از تقدیم شدن این عریضه واجازه دادن ذات شاهانه برای جناب جنرال، همچنان که عالیشان شجاعت بنیان محمد نادر خان ازین امتیاز شان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 36 of 711

بخدمت وطن و نائل گردیدن خویش به تمنا و آرزو ئیکه از مدت مدید انجام آنرا بخاطر می پرورانید، بمسروریت و مشکوریت زیاد هم آغوش گردید، اعلیحضرت امیر حبیب الله خان هم ازین رشادت و حسن عسکریت و جذبات ملیت این جنرال خجسته خصال خود فوق العاده مسرور و مشکور گشته بلا نهایه محبت و احترام او شانرا در دل خود جا دادند، بر علاوهٔ آن همهٔ ذوات بزرگ حکومت ازین حسن شریف این جنرال صاحب توصیف، تعریف ها نموده، دعای موفقیت و کامیابی آنها درین داوطلبی او شان، از درگاه رب منان ورد زبان خورد و کلان افغانستان بود !.

بالجمله جنرال با یک غند از عساکر منسوبهٔ خویش و اختیارات تام و تشکیلات عالی و امور تشریفاتی که شخصاً از طرف قرین الشرف همایونی، از قبیل پیشخدمت و فراش و آبدار و چایدار و طباخ وغیره تخصیص و تعیین شده بود عازم صوب مقصود شدند.

چون واقعات این سفر مظفریت اثر سنهٔ ۱۲۹۱ یعنی جنوبی را در همان موقع شخصاً جناب جنرال نیکو خصال بقلم حقایق رقم خویش بصورت یک راپور مختصر بنا بر درخواست فاضل شهیر محمود بیگ خان سر محرر و مدیر اخبار تحریر کرده

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 37 of 711

و در سراج الاخبار افغانیه عیناً منشور گردیده است ناظرین میتوانند که کوائف مفصل این فتوحات و مظفریت های جناب مستطاب جنرال محمد نادر خان را دران ملاحظه فرمایند (۱)

درینجا راقم الحروف محض جهة ارتباط وقائع خلاصهٔ ازین مساعی جمیلهٔ نادری باستناد همان منشورات رسمی و اخباری (که الی الآن موجب افتخار جهان عسکری است) قرار آتی تذکار میدهد :-

خلاصهٔ این جنرال شجاعت مثال بتاریخ ۲۳ جمادی الاول با عزاز و احترام مخصوصی از دار السلطنهٔ کابل حرکت و شب ۲۴ را جهة تهیه و تکمیل لوازم ضروریه در ولایتی گذرانیدند و فردای آن با ترتیبات مخصوصی از انجا سفر و شب ۲۵ را در چهار آسیا و شب ۲۶ را در محمد آغهٔ لوگر منزل گرفتند.

بعد از مواصلت در حدود لوگر از یکطرف جناب جنرال با خذ ترتیبات لازمهٔ عسکری از قبیل مقرر کردن هیئت های استکشافیه و اعزام پیشدارهای عسکریه وغیره صرف

(۱) ناظرین درین مورد صحیفهٔ ۳ و ۴ شماره ۱۸ سال اول سراج الاخبار منطبعهٔ ۲۸ جوزا و شمارهٔ ۴ سال دوم سراج الاخبار منطبعهٔ ۱۹ عقرب سنه ۱۲۹۱ کابل را ملاحظه کنند، بر علاوهٔ این معلومات مفصلی که راجع به اجراآت و طنخواهانهٔ نادری درین شماره و دگر شماره های سراج الاخبار افغانی مرقوم است، ذکر این مجاهدات عالی العال جناب جنرال در ضمن یک قصیدهٔ طویلی که در صحیفهٔ ۱۴ شمارهٔ ۱۸ سال اول تاریخی ۲۷ جوزا منطبعهٔ کابل موجود میباشد نیز مشرحاً مرقوم است.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 38 of 711

مقدرت ورزیدند، واز جانب دگر مکاتیب متحد المآل را که تماماً مشتمل بر مواعظ خیر اندیشانهٔ بود اسمی سرکردگان سائر اقوام وعشائر جنوبی نگاشتند ودران عموم اهالی را از اثرات وخیم این سرکشی که از طرف بعض اقوام آن نواحی بنا بر غلط فهمی ویا مجبوری سرزده است مشرحاً ومفصلاً دانانند.

اخطارنامهٔ مهمهٔ نادری بعنوان اقوام جنوبی

درین دعوتنامهٔ اصلاحیهٔ نادری این نکته بعموم اهالی آن خطه خاطرنشان شده بود:-

«چون حکومت آرزومند تباهی وبربادی شما اقوام نمیباشد، این خیرخواه قوم وبهیخواه افغانستان از مرکز جهت اداره وتنظیم رشته های ازهم گسسته سمت جنوبی وتنویر اذهان آنانیکه بنا بر غلط فهمی ویا نادانی به سرکشی ومخالفت با حکومت اسلامی خود قیام دارند، مقرر ومعین شده است، چون من خود را خیر اندیش ملت وحکومت میدانم وسعادت ونیکنامی شما اقوام غیور را خواهانم، میخواهم که اولاً از راه نصیحت وملائمت شما را بخیر وشر تان آگاه کرده براه بیاورم»

«اگر عقل ودانش بشما راهبری کند، واین نصائح خیر اندیشانهٔ مرا که ضامن سعادت وبرومندی حال وآتی شماست، بسمع قبول بشنوید: من بشما عهد وپیمان میکنیم وبهمهٔ آن اقوام

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 39 of 711

وطوائفیکه بر علیه حکومت مصروف اقدامات مخالفانه هستند اطمینان میدهم که سمت جنوبی از سرزنش و بازپرس حکومت معفو خواهد بود و من بحضور اعلیحضرت سفارش خواهم کرد تا ازین خطاها و تجاوزات شما که موجب این هنگامه و سبب سوقیات عسکریه شده است، صرف نظر فرمایند و این همه تقصیرات شما را که الی الآن فهمیده و نافهمیده از شما سر زده است بذیل عاطفت شاهانهٔ خود بپوشانند »

« اگر خدانا خواسته این نصیحت همدردانهٔ مرا کار بند نشدید، و یا این پیشنهاد خیر اندیشانهٔ مرا تعمیل ننمودید، و بمثل سابق در مخالفت و عناد عجولانهٔ خود با حکومت اسلامیهٔ تان مداومت را اختیار کردید، البته که حکومت جهة تأمین امنیت و انضباط و اندفاع این تمرد و عناد (که اضافه براین اغماض و تحمل در برابر آن از هر حیث و جهة نهایت شاق و دشوار است) شرعاً و عرفاً مجبور خواهد شد که این شورشی را (که دامنهٔ آن بنا بر تحریک معرضین و مفسدین یوماً فیوماً در ترقی و تزاید است) بقوت عسکری و شدت فرو نشاند و دود از دمار آن اشرار نابکار برآرد که سد راه راحت و سعادت جامعه میشوند »

« اینک جهة حصول این مقصد مقدس که خیر اسلام و قوم و ملک و پادشاهی در آن است خودم با یک قوهٔ عسکری عازم سمت جنوبی میباشم و در نظر دارم که یک دورهٔ

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 40 of 711

مکلی را در تمام آن اجرا کنم و با شما برادران عزیزم در جرگه های قومی ملاقات کرده، شفاهاً شمایان را بخیر و شرتان بدانانم و در رفع آن تکالیف و مصائبی که موجب این حرکت شما شده است، بذل مقدرت و رزم و آن اشقیا و مغرضین را که سبب سلب امنیت و محرک خونریزی و برادرکشی شده اند، بموجب امر خدا و رسول و صوابدید شما مجازات بدهم»

«چون من بر عسکر معیتی خود تاکید زیاده کرده ام که بدون از دفاع تعرض و رد حملهٔ مخالفین با حدی از شما افراد و اقوام مسکونهٔ سمت جنوبی غرضدار نشوند از ینجهة همهٔ تان آرام و آسوده در محلات خود بوده خاطر جمع باشید، که این قوهٔ نظامی جهة خدمت شما و گرفتار کردن آن دستهٔ شرارت پیشه عزیمت فرمای آنصوب شده اند که راحت و امنیت عمومی آن نواحی را مختل، و فضای مأمون جنوبی را مکدر، و تمام اقوام را بدنام و سرگردان و خودها را مخذول و پریشان کرده اند»

«در خاتمه بعموم اقوام و طوائف سمت جنوبی توصیه میکنم تا این فرصت را غنیمت شمرده ازین موقع خوب استفاده کنند و بمجرد خواندن این اخطارنامه ام نه تنها خودها را از آن مفسدین و نفری شرارت پیشه که موجب این غلغله شده اند، کناره و گوشه نمایند بلکه اولاً به راهنمائی و اصلاح آنها صرف مساعی اسلامی خودها را بدرجهٔ اقصی مبذول نمایند و این بیانات فوق مرا که تماماً از جنبهٔ همدردی و خیراندیشی میباشد، با آنها حالی کنند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 41 of 711

اگر مفید افتاد خوب والا آنها را بقوهٔ قومی اصلاح و تأدیب دهند و مطمئن باشید که این خدمات شما که در راه بهبود ملک و ملت و منافع حکومت متبوعهٔ تان میباشد بی نتیجه نخواهد ماند» .

وقوع محاربه و افتتاح کوتل تیره و ادارهٔ امنیت عمومیه

مع الاسف قبل از وصول و تاثیر این اخطار نامه (که بتعداد مکفیه دو سه روز قبل از مواصلت جناب جنرال بموقع التمور بنام عموم مشاهیر و معاریف جنوبی ارسال شده بود) بتاریخ ۲۷ جمادی الاولی هیئت اکتشافیه و پوسته های نظامی در اردوگاه التمور این اطلاع را بحضور جناب جنرال آوردند، (که یک لشکر قومی منگل ها اقوام احمدزائی و غیره نفری را با خود طرفدار کرده بعزم حمله آوردن فوری و شب خون زدن ناگهانی بر قوای نظامی مصروف ترتیبات اند و در عین زمان وادی صعب المرور تیره را با سنگرها و استحکام های متین مستحکم داشته زیاده از پنج شش هزار آدم که اکثرشان با تفنگهای دنباله پر مسلح هستند فعلاً در آن موضع جمع آوری کرده در کمین نشسته منتظر موقع و فرصت و رسیدن معاونت دگر جمعیتها میباشند)

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 42 of 711

جناب جنرال محمد نادر خان بواسطهٔ اکتشافاتیکه از بدو حرکت شان در موضوع تعرض و دفاع و دگر حرکات مستلزمهٔ حربیه اجرا نموده بودند، بمجرد گرفتن این خبر و مصدق پنداشتن آن از دگر جهات و قرائن و امارات علی الفور صورت نقشه و پلان محاربهٔ خود را محرمانه بیک وضعیت بسیار مستحسنی ترتیب دادند، در وقت شب برگد (غلام نبی خان)، و برگد (غلام جیلانی خان)، و کرنیل (شیر احمد خان)، و دیگر افسران نظامی را با قوت کافیهٔ عسکریه و توپ های کوهی، ساخت جرمنی علی العجاله بحرکت امر داده بوقت صبح در نقاط بسیار مهمهٔ لازمه که بر موقع های دشمن حاکم و ناظر بود تعبیه گردانید.

بوقت صبح دو تولی از کندک اردلی و اردل را با دو بلوک طوپ های غرابین آتش فشان در زیر قوماندهٔ کرنیل (یاقوت شاه خان) بیک سرعت فوق العادهٔ بهجوم و یورش امر نمود.

مهاجمین تا میخواستند که در مقابل قوای عسکری یک کاری بکنند نفری نظامی که در جناح یمین از شب بر موضع های حاکم تعبیه شده بودند، بیک آتش بسیار شدید توپ و تفنگ آنها را استقبال نمودند و در ظرف یک چند ساعت همهٔ مواقع مستحکمهٔ شان را بگله های رون و شرپنل پاره پاره ساختند، قوای جانب مقابل که

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 43 of 711

چند ساعت قبل خود ها را غالب و قوهٔ عسکری را مغلوب تصور میکردند، بمجردیکه ازین بیداری و دفاع اساسی نظامی خبر گرفتند، و بقدر (۳۰۰) نفر را مقتول و مجروح در میدان کارزار دیدند، لاچار انهزام و عقب نشینی را در برابر این دفاع عالی عسکری تصویب و تصمیم کردند.

عساکر شاهانه بکمال مظفریت بیرقهای خود شانرا بر مواقع متعرضین بتموج آوردند یک بلوک رساله یعنی سواری و یک بلوک تفنگ ماشیندار و یک مفرزه از صنف احتیاط بعقب گیری منهزمین دوام ورزیدند، این مفرزه را دیگر مفرزه های عسکری نیز تقویت داده و مفرورین را در مرکز شان که قلعهٔ (تُندان) بود، زیر تضییق و فشار گرفتند، و در اندک مدتی قلعه را ضبط و تسخیر نموده، محصورینش را در کوها و صحراها و جنگلها طرد نمودند.

حقیقتاً جناب جنرال محمد نادر خان درین محاربه (که حقیقتاً حکم دفاع را داشت) موافق به اصول و قواعد حربیه حرکات عسکریهٔ شانرا اجرا نموده اند و شجاعت و بهادری عساکر همرکابی و کار آگاهی و بیداری افسران نظامی معیتی شان را نیز اثبات نموده اند الحق که خدمات عسکر و افسر درین مدافعه جداگانه شایان تحسین و آفرین است.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 44 of 711

بالجمله اردوی عسکری بروز جمعه ۲۹ جمادی الاولی از (التمور) حرکت کرده از همه طرف خطوط مواصلهٔ خود را تأمین داده راه هائی را که مخالفین از امنیت بر روی عباد الله محروم گذاشته بودند، پاک و صاف ساخته مظفرانه اردوگاه خود را در موقع گردیز برپا نمودند.

این دفاع و هشت رسان جناب جرنیل محمد نادر خان قوهٔ معنویه و تاب و توانائی مخالفین حکومت را که الی الآن خود ها را در هر میدان غالب و فاتح و قوهٔ حکومتی را مغلوب و ناتوان دیده بودند، خراب ساخته اغلب آنها عرض استیمان نمودند.

از طائفهٔ احمدزائی هفت قوم قرآن های شریف را مهر و دستخط کرده شفیع آوردند، و باقی آنها قلعه و دهات خود را ترک کرده بصوب علاقهٔ منگل فرار نمودند، (جانداد) که رئیس این گروه مخالف بود نیز فرار نمود، قلعهٔ جانداد را دو تولی از عسکری اشغال نموده غلهٔ بسیار وافری را از ان بدست آوردند.

بتاریخ ۳ جمادی الاخری (جانداد) همراه ملک اصیل وغیره اقوام منگل قرآن شریف را مهر کرده به حضور جناب جرنیل صاحب روانه کرده به بسیار ندامت عرض استیمان نمودند، (ولی محمد) برادرزادهٔ (جانداد) همراه عزیز خان و تیمور شاه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 45 of 711

وغنی نام دگر برادران جاندادنیز بخدمت جناب جرنیل آمده عرض اطاعت و ندامت کردند .

بمجرد مواصلت اردوی عسکری بمنطقهٔ گردیز از هر طرف مناظر فرحت انگیز مشهود و امنیت و انضباط کلی در سرتاسر آن حوالی از اثر آن نصایح آبدار جنرال محمد نادر خان که شفاهاً به مجامع عمومی میفرمودند و بوسیلهٔ همان تحریرات مواعظ آثارشان که شمهٔ از ان در صحیفهٔ (۲۴ تا ۲۷) اشاره شد حکمفرما گردید .

درهمین روز دوشنبه ۳ ماه جمادی الاخری عهدنامه های اقوام باقیماندهٔ احمدزائی وطوطاخیل که در قرآن مجید نموده بودند ، به نزد جنرال محمد نادر خان رسیده عموماً اهالی احمدزائی ومنگل از کردارهای ماضیهٔ خود ها نادم ومنفعل شدند .

درموقعیکه جناب جرنیل صاحب آثار وعلائم کامیابی وموفقیت خود و حس تأثر وانفعال را درناصیهٔ آن جماعت گول خوردهٔ جنوبی مشاهده فرمودند ومتحسس شدند ، که به حل این قضیهٔ مدهشه (که فکر مرکز را مکدر بلکه افکار تمام مردم را مختل ساخته بود) بصورت ابلاغ واصلاح وجرگه موفق شده میتوانند ، بهمهٔ قوماندانهای نظامی وسرکردگان قومی درخوست وجاجی وجدران وغیره اوامر فوری ترسیل داشتند ، که حتی الامکان از اقدامات عسکری منصرف بوده باشند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 46 of 711

و تا میتوانند بطور الوسی و جرگهٔ قومی به اصلاحات اساسی آغاز کنند، و عساکر را نگذارند که به اتلاف مال و جان اهالی اقدام کنند بلکه بصورت دل آسائی و تسلی آنها را از خطایای شان آگاه ساخته براه راست راهنمونی کنند زیرا که بربادی آنها در اثر این غلط فهمی و گول خوردگی نقصی است که به مملکت و حکومت عائد می شود.

از اثر آن دفاع جناب جرنیل که از قوای قوی مهاجمین (که در کوتل تیره بر عسکر ها تعرض نموده بودند و نظامی ها آنها را بشدت پاشان نمودند) و ازین تبلیغات و نصائح همدردانهٔ او شان که تقریراً و تحریراً بعموم میفرمودند، تمام اقوام و طوائف جنوبی مطمئن و متسلی شدند و فهمیدند که حکومت بربادی آنها را خواستار نیست، و بهمین یک گوشمالی سرسری ما را متنبه گردانید اگر ما بیش ازین بمخالفت خود دوام ورزیم البته که بمقابل ما قوت هم موجود است.

البته بعضی مفسدین که شقاوت شان زیاد بود همراه عیال و اره خود ها بکوه ها بالا شدند اما از حکمت عملی جناب جنرال محمد نادر خان و تشبثات اساسی شان در اندک زمان اکثر همین نفری که خود شان به ارتکاب و خطای خود مقر و قائل و از خوف کرده های نامشروع خویش به جنگلها و کوه ها متواری شده بودند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 47 of 711

به حضور شان خجالت زده حاضر و توبه نامه های خود ها را بقرآن شریف نوشته امضا و مهر کرده تقدیم مینمودند و بر قول و پیمان جرنیل موصوف اعتماد کلی میکردند زیراکه عموماً متیقن شده بودند که جنرال محمد نادر خان بهمه اقوال و مواعید خود عمل پیرا و پابند است .

درحالیکه ملت افغانستان بالعموم خاصتهٔ اقوام جنوبی همچه اشخاص صادق القول واثق العهد را خیلی محترم میدانند و ذواتی را که مواعید خود را ایفا می کنند خیرخواه و امین میدانند و به تعمیل هر نوع اوامر همچه رجال صاحب صداقت صرف مجاهدت مینمایند .

مسرت اعلیحضرت از خدمات این جنرال صاحب شجاعت

چون جناب محمد نادر خان همین اجراآت یومیهٔ خود را مفصلاً و منظماً به بحضور اعلیحضرت امیر حبیب الله خان میفرستاد و هر روزه فرامین وصول این راپورهای خود را با هدایات لازمهٔ مرکزی میگرفت ، لذا ما از جملهٔ آن فرامین مهمهٔ تاریخی درینجا به زنگوگراف کردن همان فرمان اعلیحضرت سراج الملة والدین

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 48 of 711

هو الله

سنه ۱۳۳۰ ۲۵

عالیجاه عزت و عزیزی پسر ارباب شان از بندی محمد نادر خان جرنیل نظامی حضور تیم سید خوله شگلی
واضح خاطر باد عریضه مصادقت ضمیمه مورخه ۹ ماه حال رسالی در بندر اسطالو مرسوم شرح جریان
مردم شگلی و احمدزائی و پسران جهانداد و سرکه های سفید شان از پناه زنبی در حد غزنی و علاقه
انگریز شگلی حدود رفتن چند نفر شگلی که سابق آمده بودند شتی از ایشان در حبس و غیره
برای هدایت و رزشاد آنها و پی آیه عنوان درباره ایشان و بلاخطات خود در تصرف عنوان
سیدان خوله بلحاظ کوتاه شدن دست تصرف مردم شگلی از بردن حاصلات و از این راه کذا
تکلیف افتادن آنها و بلاخطه اینکه سیدان خوله نفس شگلی و جای تعلق و تعرض آوردن آن
در آینده مفید است و نیز بلحاظ اینکه راه خوست و پکتی هم تمام بند کرده تا برای اردوی عسکری
از قمر خور که تکلیف بوطه بندش راه واقع نشود و عزم حرکت سیدان خوله را بعنوان سیاسی
نظامی و حکم بازگیری و رفتن اطمینان باراده حمله بر مفسدین و از نتایج برشته و تدابیر در دست
رحمت و مکلفت و اهلی سیدان خوله کوبدن و هدر شدن زحمات مخالفین و قبایل حاضر شان
بدست اردوی عسکری و تجوز خود در فرار هم کون غله و کاه خانه های سیدان خوله و قرب آن و
و بعد حکم سوختاندن خانه های مزبوره را دادن و در ضمن آن یک نکته از نتایج رجاعت شعبه بردی
امتیاز از مفسدین خط امان سرنامه خود را حاصل کند بعد با آنها و غلوشان مرحم نشدن و
بلاخطه مفسدین از یک جانب کمال ترحم را درباره مطیعان و از جانب دیگر شقاوت و بدی
و دربدری و بی خانمانی و پریشان حالی و عدم مدارای خود و بوطه هدایت و بدر شهر و طاعت و انقیاد
آنها کوبدن و دانستن آنها تفریقه شدن خود بکشه زنبی عرض که رسالی آنها را بدعا داشتند

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 49 of 711

و تجویز حمله بر آنها و فرستادن آنها بکفر بلاد و قرآن شریف را بالتماس و تضرع و تقدیم اعتقاد و
اجازه حاضر شدن را خواهش و آورده اند نماز مجلس بهاند او و خدا نظر بکمال احتیاط
و تنفل که جمله بیست و پنج نفر شد قرآن شریف را برای معذرت و ارتهار مقول که از
جانب همه مردم بوکالت حاضر شده ایم برای باهر آمدن شهر و آمدن تمامی بکمال تنفل
و احتیاط و پسران نماند او و عفو گناهان قصور را خواهش و حاضر شدن تمامی در تمام
در تعلی و تلقی و غیره قربانیات و فرستادن عرضه آنها و رفع عرضه قصور و بعض بکمال
و تعبیر شان در اردوی عسکری در زر نگرانه و ورود شدن اقتصانات بکار بار
از قسم الحمد و مال و مواشی و همه پسران و برادر زاده ملک و مصاحب علما رخصت رسیدیم که در
کابل بیایند و ترک عهد ارند خود و همه پسران و خواهر زاده ها حاضر دارند و فرستادن عرضه بکمال
تنفل که کابل در گردیز آمده با رجوع بهند و مطیع شدن تمامی تعلی معود حدیث قصور
دانسته شدیم از حسن کارگذاری و کاردانی و لشکرکشی و غیره اقدام شما خورسند گردیدیم
در دنیا شما را با عزت و نیکنام خواهیم و در آخرت آمرزیده از خطاهای شما خورسند
خداوند از شما راضی باشد بیشتر در این خدمت شما مرا شوق می نخواهد شد —
البته آنچه را که رفته شد باید بدهند و نقصانات را هم بقدری که بدهند از
نزد شان خواهید گرفت پسران و برادر زاده ها بکمال هم لازمی است که رفته
شوند و بجائی که رسیدند من بندهٔ و دیگر نخواهم کرد بلکه آنها را رشتی فرزندان خود
ترتیب داده آدم خواهم شناخت انشاء الله تعالی — در ترتیب پسران جهاندار
تحت تاخیر باشد که بجا شوند فیرباید فساد و مردم زاده که حاضر شده

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 50 of 711

اکتفا میکنیم که بعد از وصول این اطلاعات فوق از موفقیت جنرال محمد نادر خان تقدیر و بحق اوشان دعا و مزید اظهار مسرت و ثنا کرده اند .

الحق که این اجراآتِ عالی و خدمات قلمی و سیفی نادری که در راه اصلاح و تنظیم و ادارهٔ امنیت سمت جنوبی در موعد قلیلی از فکر رسای جناب جنرال محمد نادر خان بعمل آمده سبب مزید مسرت رجال معظم حکومت گردیده فوق العادهٔ موجب مزید امتنان و شکران عامهٔ ملت گشته است .

بر علاوهٔ خورسندی حکومت و خوشحالی عموم طبقاتِ ملت افغانستان همان اقوام و طوائفی که الی الآن کمر مخالفت را بر علیه حکومت بسته بودند و شدیداً بر خلافش مقاومت و عموماً راه معاندت را می پیمودند، در اثر آن نصائح خیرخواهانهٔ نادری که بعموم اهالی جنوبی متوالیاً و گوشمالی پدرانهٔ که بشوخ چشمان ناعاقبت اندیش آن سامان موقتاً دادند، تماماً جناب جنرال محمد نادر خان را خیرخواه و سعادت اندیش خود قبول کرده همگی از اعمال سابق خود نادم و برای امتثال هر نوع اوامر و هدایات این وطنخواه ملت دوست خود ما را حاضر کردند .

مخصوصاً بعد از اینکه جناب جنرال همه آن مواعید شانزاد (که در اول و هله بهمراه آنها بالنسبهٔ عفو تجاوزات آنها نموده بود) مکملاً ایفا نمود و عذر این خطای

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 51 of 711

آنها را قسمیکه لازم بود از حکومت خواست و تمام تقصیرات شانرا بذیل عاطفت پوشانید، بلانهایه در قلوب عموم افراد و اقوام جنوبی عزت و احترام این جنرال عالی جانشین شد.

عموم آن اقوام و عشائر جنوبی که دانسته و یا نادانسته بمخالفت حکومت تصمیم کرده بودند، بعد از شنیدن مضامین آن فرمانی که بعنوان جنرال بجواب معروضهٔ حقیقت اشتمالش از حضور اعلیحضرت سراج الملة والدین راجع بعفو شدن مخالفین نگاشته شده بود، از مسرت در جامه های خود نمیگنجیدند، و تماماً بجوش و خروش زیاد به دعاگوئی و اظهار خوشنودی خود از جناب جنرال و حکومت سراجی پرداختند.

انابت و اطاعت سکنهٔ جنوبی بحکومت سراجی

اقوام جنوبی در برابر این نوازش پادشاهی که بنا بر عرض و درخواست نادری دربارهٔ آنها امر عفو را صادر کرده بود، تماماً یک عریضهٔ پر سوزی باسم اعلیحضرت سراج الملة والدین نگاشته توسط جناب جنرال بمرکز تقدیم داشتند که خلص مفاد این معروضه قرار آتی است :-

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 52 of 711

«بحضور مراحم ظهور اعلیحضرت سراج الملة والدین عرض عاجزانهٔ ما اقوام جنوبی که مجبوراً بر خلاف حکومت خود قیام کرده بودیم این است:-»

«عموم ما در اثر نصیحت و راهنمائی جناب مستطاب جرنیل محمد نادر خان به خیر و شر خود کاملاً مطلع شده از حرکات گذشته عرض ندامت کنان تکرار توبه نامهٔ معذرت ختامهٔ خود ها را بحضور اعلیحضرت سراج الملة والدین تقدیم میداریم، و از صمیم دل میگوئیم که ما اقوام سمت جنوبی از شما پادشاه مراحم پناه خود، بعد ازین سرکشی نداریم»

ما اقوام از صدق دل عرض میکنیم این مخالفتی که از ما سرزده در اول شکل بغاوت و سرکشی از حکومت را نداشت بلکه ابتداً ما این حرکت را محض نجات یافتن از جبر و تعدی حکام و مأمورین سوء مصدر شده بودیم که از هر طرف چاره را بر ما حصر کرده بودند»

«ما میخواستیم که خود ها را از مظالم مأمورین سوء خلاص و صدا های مظلومیت خود ها را باین ذریعه بسمع شاهانه برسانیم تا غور رسی ما را بفرمایند»

«ولی بدبختانه کشران و عامهٔ افراد ما درین وهله مرتکب غلط فهمی شده

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 53 of 711

مسئله را وخیم ساختند در نتیجه آنچه بر ما مقرر و مقدر بود، متأسفانه بظهور انجامید و ما را درین عالم خجالت کشانید.»

«باز شکر میکنیم که خداوند کریم ما را نه تنها بواسطهٔ نصائح جناب جرنیل محمد نادر خان از ان تهلکه نجات بخشید، بلکه مورد عفو و لطف شاهانه نیز گردانید.»

«اینک ما اقوام سمت جنوبی در برابر این همدردی جناب جرنیل صاحب که با ما نموده اند و این نوازش و الطاف پادشاهی که در بارهٔ ما رعایای گول خوردهٔ خود مرحمت فرموده اند، جداً حاضریم که به تعقیب و دستگیری آن اشرار و مفسدینی که فضای مأمون این اطراف را بنا بر اغراض شخصی و مقاصد نامشروع خود مسموم کرده اند، و اسباب بدنامی و پریشانی ما را فراهم آورده اند، و الی الآن ربقهٔ اطاعت حکومت اسلامی را بگردن خود نکشیده کوه گریز میباشند، حسب هدایت جناب جرنیل صاحب محمد نادر خان با برادران عسکری خود برائیم، و از هر طرف چاره را بر آنها حصر کنیم و تا آنوقت از تعاقب آنها منصرف نشویم که یا اوشانرا

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 54 of 711

اصلاح و تأدیب و یا دستگیر نموده بجنرال صاحب تسلیم کنیم (۱) »

« برعلاوهٔ آن ما اقوام سمت جنوبی یکعده از اولادهای اعزه و معاریف خود ها را بغرض تعلیم و تربیه به حضور اعلیحضرت پدر معنوی خود تقدیم میکنیم، تا بهر قسمیکه ذات شاهانه بالنسبهٔ تعلیمات آنها هدایت میفرمایند، تحت نگرانی جناب جرنیل محمد نادرخان، که ما اوشان را خیرخواه خواه خود میدانیم کسب علم نمایند (۲) »

« همچنین ما اقوام سمت جنوبی از جوانهای رشید خود بهر اندازهٔ که جناب جرنیل صاحب مناسب میدانند برای خدمت عسکری میدهیم تا جهة تعمیل هر نوع اوامر حکومت متبوعهٔ ما بهر نقطهٔ که مأمور شوند خدمت نمایند (۳) »

---

(۱) چنانچه افراد قومی این سمت هم در تعاقب این اشرار بهمراه قوهٔ نظامی شرکت ورزیدند وحسب نقشهٔ جناب جرنیل از طرف چکنی و خوست و میدان خوله اشرار کوه کوه گریز را تحت تضییق گرفتند و در اثر این تعرض عدهٔ از متجاوزین بدون خونریزی و محاربه عهد و پیمان کرده توبه نامه ها و اطاعت نامه های خود را تقدیم و خود را به جنرال تسلیم کردند و بعضی نفری دگرشان دستگیر شدند.

(۲) بعد از مواصلت جنرال بمرکز بنا بر صوابدید جناب اوشان، حکومت سراجی کفالت تعلیم و تربیت این نفری را که بالغ بر یکصد نفر بودند تحت نگرانی خود جنرال ممدوح گذاشت و بر اوشان امر فرمود، تا مکتبی را بنام مکتب ملک زاده های جنوبی بمصارف سرکاری دائر نمایند، چنانچه جنرال ممدوح بتفصیلی که در صفحهٔ (۵۵) مرقوم است این مکتب افتتاح فرمودند.

(۳) جناب جرنیل یکعدهٔ کافی از جوانهای اقوام جنوبی را برای خدمت عسکری انتخاب کرده قبل از حرکت خود از جنوبی بکابل فرستاد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 55 of 711

« هر قدر خرابی که در اثر این هنگامه بحکومت متبوعهٔ ما عائد شده ما اهالی سمت جنوبی حاضریم که خسارهٔ آنرا بهر اندازهٔ که جرنیل صاحب بفرمایند تلافی کنیم (۱) »

« بواسطهٔ جناب جرنیل صاحب ما اقوام سمت جنوبی از حکومت اسلامی خود امیدواریم تا بعد ازین در مسئلهٔ رشقه (که برای علوفهٔ کمندهای سرکاری بر ما اهالی الآن ششصد جریب حواله میشد و مجرائی آنرا فی جریب شش روپیه در مالیات بهزار مشکل برای ما میدادند) مأمورین حکومت بمقابلهٔ ما شیوهٔ عدالت و انصاف را مرعی دارند زیرا که اولاً بقرار حسابی ششصد جریب رشقهٔ سرکار بر ذمهٔ ما نمیشود و باز قیمت یک جریب آن بقرار نرخ روز شصت روپیه می شود (۲) »

(۱) از طرف جناب جنرال امر شد تا همهٔ آن بهانه ها و چهاونی و عمارات حکومتی را که اهالی در جوش مخالفت خراب کرده اند سر از نو تعمیر و اسلحهٔ را که به یغما برده اند واپس تحویل کنند، و مالیات و محصولات مواشی وغیره رسوم دولتی را علی العجاله تسلیم نمایند، و صد نفر از ان اشخاصی را که جنرال انتخاب میکند بکابل بفرستند، مردم بکمال محبت همهٔ این اوامر را پذیرفتند.

(۲) از حضور جناب جنرال امر صادر شد که این قاعده برخلاف امر پادشاهی اجرا شده بعد ازین برای مواشی سرکاری رشقه بقرار نرخ روز خریداری شود.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 56 of 711

« در مسئلهٔ حوالهٔ مندوی هم دربارهٔ ما اقوام سمت جنوبی حق تلفی، وبر علاوهٔ آن از طرف سرکار قیمت اجناس هم برای ما بدرستی نمیرسد درین باره هم نظر لطف حکومت را خواهانیم (۱) »

« در موضوع غلهٔ که اضافه از حاجت حکومت در رباط خندخیل برما اهالی سمت جنوبی حواله وتحویل میشود، نیز امیدواریم که اگر بعد ازین باندازهٔ کار آمد حکومت برما حواله شود بهتر خواهد بود (۲) »

« در خاتمه ما اهالی سمت جنوبی ازین لطف عدیم المثال پادشاهی که برای ادارهٔ امنیت واصلاح وتنظیم سمت جنوبی همچه یک جنرال عالی را که مقصدے بغیر از سعادت ملک وملت وخیر خواهیِ حکومت ورعیت ندارند مقرر فرموده اند، بحضور مبارک اعلیحضرت شهریاری باز عرض شکرگذاری میکنیم، مخصوصاً در برابر این مرحمت جناب

(۱)- جنرال صاحب امر اصدار کرد که این قاعده از طرف حکومت گذاشته نشده، قسمیکه در دگر حصص افغانستان همچه حواله جات وجود ندارد در جنوبی هم باید نباشد اگر حکومت جنس بکار داشته باشد بعد ازین بصورت خوش رضا از مردم خریداری کند.

(۲)- بعد از علم آوری جنرال صاحب معلوم شد که واقعاً غله اضافه از مصرف براهالی حواله وتماماً در گدام حیف وخراب میشود، لذا امر دادند که مصرف سالیانهٔ گدام خندخیل را از روی خرج چند سالهٔ آن سنجیده بها نقرار از مردم اجناس در بدل مالیات شان تحصیل وحوالهٔ مزید آن تعطیل شود.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 57 of 711

محمد نادرخان جرنیل حضور که مجروحین ما را پرستاری و با غربا و مساکین ما مهربانی و بما رهنمائی صحیح کردند، و این خطای بزرگ ما را بحضور شهریاری شفاعت خواهی نمودند، بسیار منت گذاریم، و از خداوند متعال امثال این رجال صحیح را برای خدمت ملک و ملت بیشتر خواهیم » [محل امضاء و مواهیر عموم اعزه و معاریف و خوانین و ملکان و مشران اقوام سمت جنوبی]

در جواب این معروضهٔ اهالی جنوبی که بخلص مندرجات آن فوقاً اشاره شد اعلیحضرت سراج الملة والدین امر دادند :-

چون قبلاً اختیارات کافی درین مطالب معروضی شما و دگر مهمات امور به عالیجاه رشادت همراه عزیزی بسیان محمد نادرخان جرنیل حضوری خود داده ام قسمیکه او شان مناسب دانستند و اجراآت کنند منظور است .

معاودت مظفرانهٔ جناب جنرال محمد نادرخان از جنوبی

جناب جنرال شجاعت مثال محمد نادرخان بعد از استیصال این واقعهٔ هائله و پژوهش و دلجوئی عموم اقوام و طوائف جنوبی و اعطای هدایات درست در امور ملکی و نظامی و اخذ مالیات و سائر رسوم حکومتی و جمع آوری آن اسلحه و سامانیکه در موقع اختلال بدست مردم رسیده بود و کار انداختن دران محلات و تهانه های سرکاری که خراب شده بود و دستگیری آن مفسدین شرارت پیشه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 58 of 711

عالیشان شجاعت بنیان جناب جنرال محمد نادر خان

(این عکس از صحیفهٔ ۱۱ شمارهٔ ٤ سال دوم سراج الاخبار)
(گراور شده است)

« کابل سنه ۱۳۳۰ »

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 60 of 711

که یگانه عامل و برافروزندهٔ این نائرهٔ مدهشه شده بالآخر فرار را بر قرار اختیار و در قلل جبال و جنگلها متواری شده بودند، و تسویهٔ امور مهمه و اعطای مکافاتِ لازمه برای آن خادمین و اجرای مجازات برای آن مجرمین شقی که رفتن و آوردن آنها بمرکز لازم نبود و می بایست که در همان محل علی العجاله نتیجهٔ اعمال نیک و بد خود ها را میگرفتند، بنا بر امر و اجازهٔ مرکز حکومت افغانستان عازم دار السلطنهٔ کابل شدند، مراسم تودیع این سردار والاتبار بر علاوهٔ اینکه از طرف قوای عسکری محلی بکمال مسرت و گرمجوشی فوق العاده ایفا و بجا آورده شد عموم اقوام و طوائف سکنهٔ سمت جنوبی هم دقیقهٔ از دقائق اخلاص و محبت و مراتب احترام و صمیمیت خود ها را فروگذار نشده با یکجهان فرحت در یک عالم دعاگوئی و مسرت نهائی حضرت معظم له را وداع نمودند و در همه جا سلسلهٔ پذیرائی و استقبال و مشایعت این جنرال با اجلال دوام داشت. بالجمله جناب جنرال یکعدهٔ بزرگی از اشرار را مجموساً و جم غفیری از صاحبان نفوذ و اشخاص مشتبه را یرغمل و ملک زاده های آنجا را بغرض اعطای تعلیم و تربیه با خود گرفته در عشرهٔ آخر ماه رمضان ۱۳۴۰ق مطابق سنبله ۱۲۹۱ شمسی مع الخیر و العافیه از جنوبی بکوضع باشکوه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 61 of 711

عازم دار السلطنهٔ افغانی شدند.

مراسم پذیرائی حضرت معظم له هم از طرف اعیان و مشاهیر عموم ملت در همه مواقع مواصلت و نقاط مجاور عرض راه و خود مرکز و هم از طرف قوای نظامی و مأمورین حکومت بشیوه های مملو از تحسین و محبت بعمل می آمد.

اینک ما در ذیل اولاً این ورود ظفر آمود نادری را از نقطهٔ نظر ملی و متعاقباً از حیث رسمی از سراج الاخبار افغانی نقل میکنیم:-

مسرت ملت از مظفریت

جنرال صاحب درایت

مکتوب بعنوان فاضل شهیر محمود بیگ خان طرزی مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه

«یوم دوشنبه ۲۷ رمضان المبارک که یکروز مبارک این ماه بود در هر طرف شهر یک شوق و شادمانی مشاهده می شد. مردمان شهر فوج فوج بسوی سرک بزرگ (بینی حصار) میرفتند، ازین معلوم میشد که غیر از شرافت معنوی آنروز مبارک یک شرافت مادی دیگری نیز در بر دارد.»

«این مخلص شما نیز بعد از فراغت از وظیفه با رفقای خود در عرابه نشسته بهانسمت عرابه چی را براندن اشارت کردم»

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 62 of 711

«عرابه از حد قومی باغ هنوز نگذشته بود که بیک منظرهٔ بسیار پرشکوهی برخوردیم، آمد آمد اردوی مظفر از زبان هر رهگذر بیک سرور مفتخرانه شنیده میشد عرابه را در یک کناره کشیده در پیش یک منظرهٔ بسیار باشکوهی خود را یافتم که همه هیبت و سطوت موجودیت عسکریهٔ افغانیه را بکمال مهابت در نظرها تجسم میداد!»

«پیش از همه این را عرض کنم که شتافتنم باین تماشا مبنی بر یک وقت گذرانیدن و ساعت تیری نبود، دو سه روز پیش ازین خبر گرفته بودم که اردوی مظفر عودت میکند»

«آمد اردو که یک غائلهٔ پر ولولهٔ گمراه شدن و نادانسته عصیان یک قومی از اقوام و بلکه یک عضوی از اعضای ما را بموجب رضا و تعلیمات همایونی برآورده و مانند بغی و عصیان یک مرض مهلک و خبیثی را از آن قوم و عضو ملت بتدابیر صحیه کمترے عملیات جراحیه اصحاح و اصلاح نموده عودت میکند، لهذا استقبال و دیدن آمدن مجاهدین وطن را از زمرهٔ مثوبات شمردم.»

«عرابهٔ ما چون در مقابل توقف داشت مجرای جریان آمدن اردو را بتمامها مشاهده میتوانستیم، صداهای دهلهای عساکر رساله و موزیکه های عساکر پیاده

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 63 of 711

تقرب نمودن اردو را اشعار میکرد ، اولاً عساکر نظامی غند اردل و اردلی با عساکر سواری خاصه که با اونیم فورمه های رسمی خودشان ملتبس بودند و به استقبال برامده بودند موزیکه های اهویه لطیفه فتح را نواخته بتمام نظام مهابت انجام مرور نمودند » .

« در عقب آن عساکر ملکی شاهانه که هر فرقه و هر جماعه هر قبیله با تخته چوبهائیکه اسم و شهرت شان بران نوشته شده بود و یکی از آنها که در صف اول شان میبود بدست داشته بودند شناخته میشدند ، از همه بیشتر جماعه قوم جدران بود که (بقیافه عجیب الخلقه مردانه رئیس و افسرشان بیرک خان) از دور شناخته میشدند . »

« بعد از ان دیگر صفوف عساکر ملکی بیک انتظام تمام درگذشتند ، که بسبب دوری و ضعف بصر نوشته تخته های شانرا خوانده نتوانستم » .

« در عقب آن یک منظره دهشتناکی دیگری ظهور کرد که آنهم مرور گروه اشقیای گمراه شده بود که مجبوراً تحت نظارت یک قوه عسکری که بمقدم و مؤخر و جناحین شان در حرکت بودند » .

« حقیقتاً که این منظره خیلی رقت آور بود ، مجازات مدهشه جهالت و شقاوت را

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 64 of 711

برای العین نشان میداد، نتیجهٔ شقاوت وعصیان ذلت وحقارت وخذلان است که خدا انسان را از آن بلای خانه ویران بحفظ وصیانت خود نگهدارد.»

«بعد ازین منظرهٔ نظر پرور دیگر بمرور آغاز کرد که عبارت از عساکر ظفر مآثر مجاهد مسافر آقای محمد نادر خان بود که با یک نشئهٔ سرشار غالبیت که از صنوف پیاده وطوپخانه وبلوکهای متراليوز مرکب بود مرور نمودند ودر عقب آن سواری خود جناب جنرال (محمد نادر خان) با بلوکهای عساکر سواری معیتش وباقی افسران نظامی وبعضی از ذوات مستقبلین ودر پی آن دیگر متفرقات اردو گذشتند»

«با رفیق خود چنان قرار دادیم که از راه نزدیکتر پیش از رسیدن جنرال در چهاونی خود را برسانیم، واگر ممکن شود یک رسم ملاقات استقبال را نیز بجا بیاریم، وهم پیشتر ونزدیکتر ازین آن برادران عسکری خود را ببینیم».

«جناب جنرال هنوز از مراسم ایفای سلام اعلیحضرت پادشاهی در مقابل دروازهٔ ارگ مبارکه فارغ نشده بودند که عرابهٔ ما در پیش دروازهٔ قشله توقف ورزید.»

«رفیقم چون از افسران صنف نظامی بود در داخل شدن چهاونی مزاحمتی نکشیدیم.»

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 65 of 711

« اگر کسی میخواهد که یک مجسمهٔ شجاعت و مردانگی را به بیند در چهاونیهای عسکری در آمده حیاتِ عالم عسکری را تماشا کند، اتحاد، یگانگی، مشقت، سعی، کوشش، صبوری، حقیقت پادشاه و وطن دوستی را درین منبع ناموس و شرف مشاهده خواهند کرد. »

« امروز درین قشلهٔ غندار دلی عساکر خاصهٔ شاهانه یک رونق تازه و یک شکوهِ بی اندازهٔ دیگرے دیده میشد ».

« همهٔ نفری موجودی غند بدریشیهای مکمل خودشان ملبس بوده در میدان چهاونی صف بستهٔ احترام شده بودند، در افسرها یک شوق و شطارت مشاهده میشد، درین اثنا جناب (کرنیل عبدالوکیل خان) که یکی از افسران بسیار لایق و خلیق این قشله و غند مبارک میباشد، بما پیش آمده اظهار لطف و مرحمت نمود. »

« والحاصل بعد از کمی انتظار جناب جنرال صاحب محترم از مدخل جبهٔ غربی چهاونی، سواره با عسکر سواری معیتِ خود داخل شدند، و بر صفوف عسکر رفته مراسم سلام و خوش آمدی و احوال پرسی را با عساکر اجرا نمودند ».

« اگرچه فرصت مکالمه و پرسیدن بعضی کوائف با جناب جنرال دست نداد، ولی بیک مصافحه و معانقهٔ بسیار صمیمانهٔ عالیجنابانهٔ شان نائل شد

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 66 of 711

و بر سلامتی و کامیابی شان شکرها و ثناها گفته و اپس عودت کردیم.»

«اینست که سیاحت امروزی خود را بهمین قدر نوشته بخدمت آن ادیب محترم تا یکدرجهٔ تصویر و تحریر نمودم.»

از ده افغانان کابل فی ۲۷ رمضان سنه ۱۳۳۰ (۱)

م، ط

احترام حکومت بمناسبت این موفقیت جنرال شجاعت مآل

«از جانب سرنگران (۲) ادارهٔ مبارکهٔ سراج الاخبار افغانیه برای مدیر و سرمحرر ادارهٔ موصوفه (۳) خبر داده میشود که کوائف ذیل را ان شاء الله تعالی عیناً درج روزنامهٔ مبارکهٔ سراج الاخبار نمایند اینکه:-»

«عالیجاه رشادت همراه محمد نادر خان جرنیل حضور انور که از برای تهدید و توبیخ طائفهٔ منگل وغیره از حضور مبارک والا مقرر و مأمور گردیده همراه یک غند فوج مکمل عازم و روانهٔ آنصوب گردیده بود، بدستیاری فضل ایزدی جل سلطانه در آنجا

(۱) ملاحظه شود صفحهٔ ۱۳ و ۱۴ شمارهٔ اول سال دوم سراج الاخبار افغانیه ۴ میزان ۱۲۹۱
(۲) سرنگران سراج الاخبار افغانیه جناب علی احمد خان شاغاسی ملکی حضور پادشاهی است.
(۳) یعنی فاضل شهیر محمود بیگ خان طرزی.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 67 of 711

رفته باصول درست و سررشتهٔ مناسب، انتظام اموراتِ آنولا را نموده به فتح و فیروزی و کامیابی از انجام مراجعت نموده چنانچه در ثانی فوائد انتظامات مذکور نتیجه های نیک خواهد بخشید، بروز دوشنبه ۲۷ ماه شریف رمضان وارد دارالسلطنهٔ کابل گردید ».

« خود جرنیل صاحب موصوف و نفری منصبداران ماتحتِ او و علم عقاب و افواج ظفر امواج که همراه شان بود بعافیت و خیریت بروز مذکور بدارالسلطنه رسیدند، از مردم رعایای شهری به استقبال برادرانِ نظامیِ خود برامده برسیدنِ آنها و کامیابی شان خوشی های زیاد و خورسندی تمام نمودند و بقرار قاعدهٔ مقرره موازی یازده ضرب توپ سلامی برای علم از بالای تپهٔ شیرپور از جائیکه توپ چاشت زده میشود فیر شد ».

« در موقع وصول نفری نظامی که همراه جرنیل صاحب رفته بودند بحد چونیهای شان، چون از غند اردلی های حضور انور یک مت[1] و از اردل حضور یک مت و از غند کوتوالی و دارالسلطنه مخلوط یک مت برای خدمتِ مزبور رفته بودند باقی نفری غند شان که در کابل بخدمت بودند بحد چونیهای خود برامده قرار سررشتهٔ نظام

(۱) مت در افغانی بمعنی بازو و قوت است و باصطلاح عسکری آنوقت مطلب از یک کندک بود .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 68 of 711

ادای سلامی را بذوق تمام نموده هر مست مذکور همراه غند خود یکجا شده داخل چونیهای خود شدند.»

«جرنیل صاحب موصوف همراه نفری منصبداران ماتحت خود بحضور مبارک اعلیحضرت والا حاضر شده شرفیابی حضور مبارک را حاصل نمودند، حضور انور والا از روی عنایت هر کدام از منصبداران را که بدست بوس شان مشرف میشدند، بشفقت زیاد دست مبارک را بسر و روی شان کشیده نوازش و مهربانی میفرمود.»

«حضور انور والا بعد از آنکه جرنیل موصوف و نفری منصبداران بدست بوس مبارک شان مشرف شدند، بزبان مبارک چنین بیان واضح فرمودند:»

«من از خدمت شما خوش شدم خداوند از شماها خورسند باشد و بقدر و اندازهٔ که جرنیل حضور از شماها خوش باشد من هم همانقدر خوش میباشم ان شاء الله تعالی بعد از عید سررشتهٔ کارهای شما خواهد شد (در حال زیاده تفصیل داده نمیشود در موقع آن البته مطلع خواهید شد) بعد از ان جرنیل حضور و باقی نفری منصبداران را مرخص فرمودند، همینکه از حضور مبارک مرخص شدند باقی خدام حضور (۱) که بحضور

(۱) مقصود از زعمای امور و اعزه و معاریف افغانستان است.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 69 of 711

مبارک حاضر و ایستاده بودند بهمراه نفری منصبداران خدمتی منگل بغل کشی ها و معانقه بمحبت های تمام نمودند، بسیار بملاقات همدیگر ذوق و خوشی و گرمجوشیهای زیاد کردند، و از برای نفری منصبداران مذکور در کوتی مهمانخانه نان بسیار مکلف طبخ و آماده شده بود، که نفری مذکور تناول نمودند، و کل نفری فوجی وغیره که بخدمت در منگل رفته بودند تماماً بضیافت پادشاهی مدعو و برخوان انعام شهریاری صرف طعام نمودند.»

«از نفری مردم منگل و احمدزائی وغیره که بهمراه جرنیل صاحب موصوف برای سلام حضور مبارک و بطور یرغمل وغیره از ملکان و معتبرین و پسران شان و مردم رعیتی آمده اند موازی هفتصد و بیست و هشت نفر میشوند (۱).»

نتیجهٔ مکافات و مجازات واقعهٔ منگل

بعد از انجام امور تشریفاتی روز نخستین عالیشان شجاعت مآب جنرال محمد نادرخان اوراق کار و نتایج افکار شانرا که راجع به نتیجهٔ این واقعه داشتند بحضور تقدیم نمودند که ذات شاهانه در تمام فقرات نظریات همین جنرال رشادت مثال را منظور، و در اثر آن بعد از چندی اعلیحضرت امیر دربار عامی را منعقد

(۱) منقول از صفحهٔ ۵ و ۶ شمارهٔ ۲ سال دوم مورخهٔ ۲۰ میزان ۱۲۹۱ سراج الاخبار افغانیه.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 70 of 711

وعموم خدام واشرار بدفرجام جنوبی را دران حسب تصویبات اولیه ومعرفی وتشریحات متعاقبه سپه سالار بمکافات کامگار، وبمجازات اخطار نموده هرکدام را بصواب وخطای شان مطلع وصورت نتیجهٔ اعمال نیک وبد شان رامیدانانند.

چون تذکر این نتایج خارج از موضوع ماست، ناظرین راکه مائل به استطلاع آن باشند درین مطلب بمطالعه کردن سراج الاخبار حواله میدهیم (۱).

نائب سالاری جناب جنرال محمد نادرخان

بالجمله جناب جنرال فاتح درصلهٔ این خدمات مهم قابل قدرشان به ترفیع منصب واتخاذ نشان ذیشان سرداری کسب افتخار کردند که سراج الاخبار افغانیه ازین مفخرت تاریخی شان چنین معلومات میدهد:-

« ازطرف قرین الشرف اعلیحضرت پادشاهی جناب جنرال محمد نادرخان از منصب جنرالی حضور، بمنصب عالی نائب سالاری حضور اعلیحضرت همایونی به ترفیع منصب مفتخر وسرافراز وبیک قطعه نشان ذیشان (سردار) نائل وممتاز گردیدند. »

(۱) شایقین نتیجهٔ وقایع منگل را از صفحهٔ ۳ - ۱۱ شمارهٔ ٤ سال دوم سراج الاخبار افغانیه مطبوعهٔ ۱۹ عقرب ۱۲۹۱ ملاحظه نمایند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 71 of 711

«ذاتِ اعلیحضرتِ پادشاهی در آخر دربار معالی بار یوم عید سعید بزرگان قوم را خطاب فرمود، درباب خدمات نمایان جناب جنرال در واقعهٔ منگل بیان داد و رأی طلب فرمودند، همهٔ حاضرین بر حسن خدمت و شایستگی و لیاقت جنرال تصدیق و شهادت دادند(۱).»

«بعد از آن ذاتِ اعلیحضرت شهریاری بجنرال خطاب نموده فرمودند: که شما را بمنصب نائب سالاری سرافراز فرمودم و یک قطعه نشان سرداری را بشما احسان کردم، با اینهمه از حضور خود دور نداشته نائب سالار حضور مقرر داشتم»

«الحق که این تلطیف و مکافاتِ جهاندرجاتِ شاهانه دربارهٔ مشارالیه شایان هزاران تبریک است، که باوجود ترفیع منصب و نشان شرف عنوان سعادت نشور (حضور) نیز برای شان باقی بماند».

«ما جناب (نائب سالار حضور اعلیحضرت همایونی سردار محمد نادر خان) را باین مظهریت مراحم شاهانه تبریک میگوئیم.(۲)»

---

(۱) قارئین در اثنای خواندن این مضمون دقت کنند که راجع بترفیع جناب محمد نادر خان در محضر عمومی اشراف نظامی و ملکی مذاکره بعمل می آید و از عموم حضار درین مورد فکر گرفته میشود و نظریه مجموعیت عمومی اوشان در قلوب ملت داشتند، عموماً ترفیع و اعزاز اوشان را باکثریت مطلقه تصویب میکنند.

(۲) صحیفهٔ ۵ سال ۲ شمارهٔ ۱۰ مورخهٔ ۳ عقرب ۱۲۹۱ سراج الاخبار افغانیه مطالعه شود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 73 of 711

ضمیمهٔ صحیفهٔ (۵۵) جلد اول کتاب « نادر افغان »

جناب مستطاب محمد نادرخان درمکتب ملك زاده های سمت جنوبی
کابل سنه ۱۳۳۵ ق

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 74 of 711

نوازش و تلطیف نادری
به اقوام و اشخاص خدمتگذار

عالیشان عزت و شجاعت مآب محمد نادرخان نائب سالار در ینموقع بحکومت متبوعهٔ خود راجع بمکافات آن صاحب منصبان شجاع و اقوام غیرتمند که در انطفای نائرهٔ مخالفت جنوبی بهمرکاب شان مظهر خدمات شده بودند پیشنهادات نافعه را تقدیم کردند، از حضور پادشاهی تمام آن برطبق افکار و نظریات نائب سالار صاحب منظور و بالنسبه تطبیق آن تلطیفات و اوامریکه اصدار یافته بود شخصاً اوشانرا موظف فرمودند، تا حسب نظریه و صوابدید خویش آنرا از قوه بفعل بیاورند، و اخیراً راپورت اجراآت خویش را بحضور تقدیم دارند.

چنانچه نائب سالا صاحب محمد نادرخان بتمام آن صاحبمنصبان رشیدیکه درین حادثه حسب اوامر و هدایات شان خدمت و مظهر فعالیت شده بودند برعلاوهٔ تلطیف و نوازش یک یک منصب ترفیع داد (۱) و به عموم نظامیهای فاتح نیز بخشش و تحسین نامه ها اعطا فرمود، بآن اعزه و معارف اقوام

(۱) تفصیل منصب هائیکه حسب تصویب و انتخاب نائب سالار صاحب و منظوری حضور به مستحقین آن درین موقع داده شد در صفحهٔ ۳ شمارهٔ ۸ سال دوم سراج الاخبار مورخهٔ ۱۹ جدی ۱۲۹۱ ملاحظه شود.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 75 of 711

که حسب هدایات شان اجرا آت نموده بودند، خلعت های فاخره و انعامهای لایقه، و بعامهٔ لشکریهای شان نیز تلطیف و اکرام نمودند، یعنی خدمت هیچ فرد و جمعیت و قوم را بدون مکافات نگذاشت و همه را از خوان احسان پادشاهی شاد کام فرمود، و پس از ان توجه فعالانه و اقدامات مؤثرهٔ شانرا در امور نظام مبذول فرمودند.

مکتب ملک زاده های جنوبی

مخصوص جهة تعلیم و تربیه و اصلاح آن اولادهٔ اعزه و معاریف جنوبی که بهمراه نائب سالار صاحب وارد کابل شده بودند علی الفور حسب استیذان و منظوری اعلیحضرت یک مکتب عالی را افتتاح و معلمین لایق را در ان استخدام و سلسلهٔ تدریس و تعلیمات آنهارا آغاز کردند، راجع بخورد و نوش و بود و باش و رفع هر نوع تکلیفات و فراهم آوری هرگونه تسهیلات شان شخصاً و اسی و در نظم و نسق صوری و معنوی و حسن تعلیمات آنها نظارت میفرمود و بر علاوهٔ خبرگیری که وظیفهٔ در اوقات رسمیه حسب پروگرام مقرره بهمراه اجرای دیگر امور مفوضهٔ خویش از مکتب ملک زاده ها میکردند علی الاکثر از طرف صبح و عصر نیز بمکتب مذکور، حاضر، و از چگونگی جریان امور شان اطلاعات را

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 76 of 711

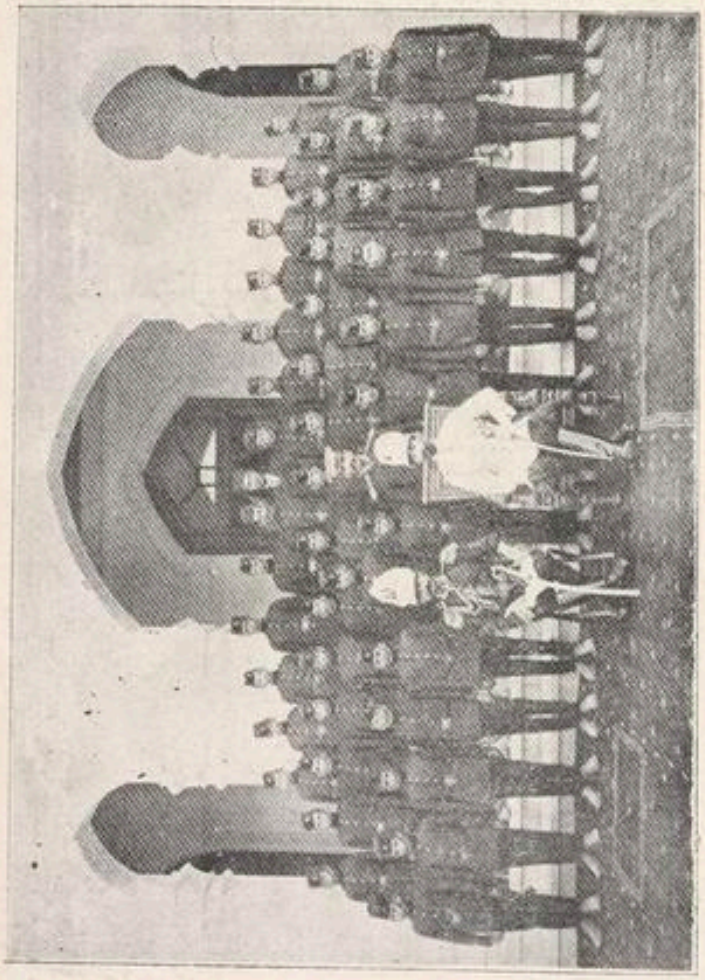

جناب مستطاب سردار محمد نادر خان سپه سالار بالتابهٔ نظامی جدید الاسلام

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 77 of 711

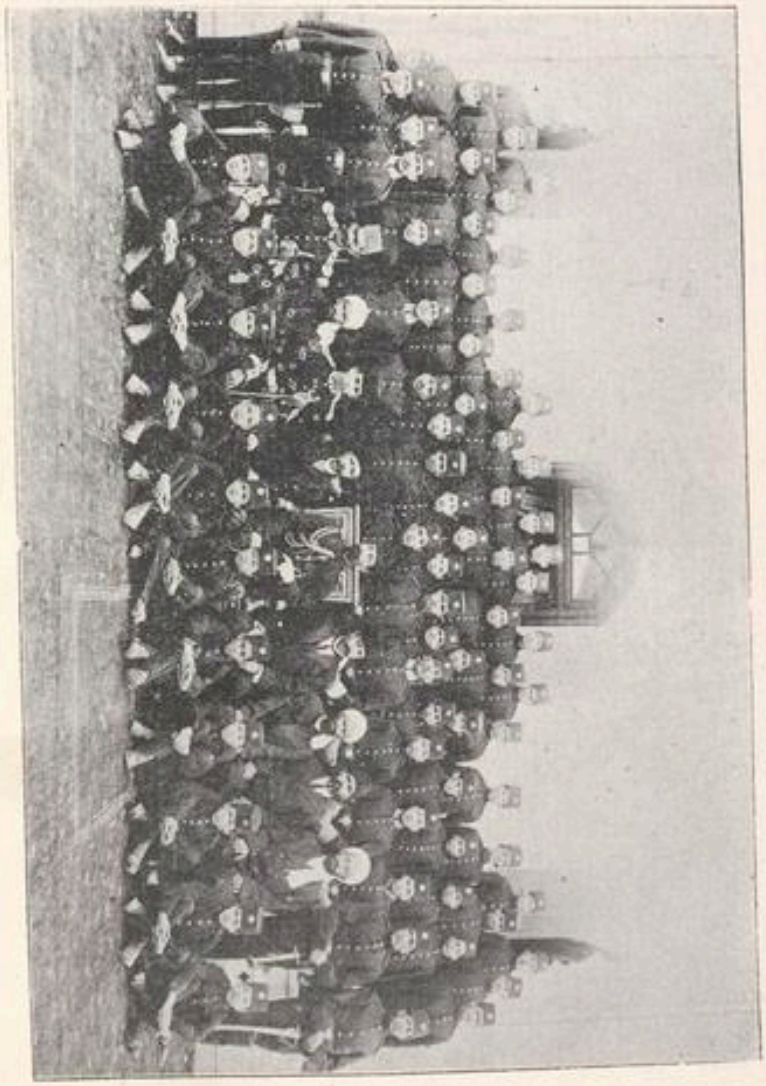

جناب سردار اعلی محمد نادر خان سپه سالار باعظمین وعصلین مکتب حربیه
دارالسلطنهٔ کابل سنه ۱۳۳۵

معرفی ذواتیکه بر چوکی نشسته اند

۱ معلم ۲ داکتر عبدالعزیز خان ۳ قاری عبدالله خان ٤ نظیف افندی
۵ جناب محمد نادر خان سپه سالار ٦ علی افندی مدیر مکتب حربیه ۷ محمد گل
خان کیدان ۸ معلم ۹ نور محمد خان کیدان داخلهٔ مکتب

صفوف مقدم ومؤخر که نشسته و ایستاده اند تماماً طلبهٔ مکتب حربیه میباشند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 78 of 711

حاصل مینمودند .

چنانچه در اثر نگرانی و غمخواری این ذات عالی همهٔ متعلمین این مکتب به حلیهٔ فضل و کمال و حسن اخلاق متحلی و در اندک زمان هم در تعلیمات علمی و اخلاقی و هم در فنون عسکری بلندتر از سائرین شدند ، و هر واحد شان حسب مراتب اهلیت و لیاقت خویش مواقع لازمهٔ خدمات ملک و ملت را اشغال و در پیشرفت مقاصد حکومت مصروف شدند .

مکتب جدید الاسلام

از انجا که یگانه منظور نظر معارف اثر نادری تعلیم علم و عرفان و تعمیم تعلیمات عصری عسکری و اصلاح اخلاق و امور تربیوی نظامی بود ، ازین جهة بیشتر از همه امور باین شعبه توجهٔ شانرا مبذول میفرمودند و بهر اندازهٔ که حلقهٔ ماموریت شان وسیع ، و اختیارات شان عالی شده میرفت ، بهمان پیمانه آن اختیارات و نفوذ و رسوخ خودرا در خدمت بعرفان و تنویر اذهان عسکریان و عامهٔ ابنای افغانستان صرف میکردند .

مثلیکه بر علاوهٔ غمخواری و نگرانی که از مکتب ملک زاده ها به اجمالیکه فوقاً اشاره شد و نظارتیکه از مکتب حربیه میفرمودند ، یک مکتب دیگر را هم بنام « مکتب جدید الاسلام »

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 79 of 711

بنا بر پیشنهاد خویش و منظوری حضور تأسیس و افتتاح فرمودند، که دران مخصوصاً نوجوانان مردم نورستان خود را به حلیهٔ علم و عرفان می آراستند، و از خرمن فضل و اخلاق نادری و معلمین منتخبهٔ این ذات عالی دانه های رفتار نیک و محصول تربیت و تعلیم درست رامی برداشتند، و تحت تعلیم اساتذهٔ دانشور مراتب علمی و فنی خود را تکمیل میکردند، و بالآخر حسب منظور جناب محمد نادر خان نائب سالار اشخاص خوب و افراد درست ازین مکتب هم برآمدن گرفت و یکی بعد از دیگری هر واحدی از متعلمین آن، مواقع و مناصبی را که درخور احوال شان بود اشغال نمودند.

مکتب حربیه

از انجا که جناب محمد نادر خان از ابتدا خواهان تعلیم و تربیت اساسی و تعمیم اصول و فنون عصری در تمام قوای نظامی بود و این مطلب را بار بار بسمع شهریاری و دیگر اولیای امور میرسانید و در اثر همین بیانات و اقدامات خویش بسیار اشخاص فهمیدهٔ منور اطرفدار فکر خویش نموده بود، ازین جهة در سنه ۱۳۲۵ ق مطابق سنه ۱۲۸۶ ش موفق شده توانست که فکر پادشاهی را به افتتاح یک مکتب عالی العال حربیه راغب سازد.

چنانچه این مکتب تأسیس شد، و آقای محمد نادر خان منتهای فعالیت و همدردی خود را راجع بموفقیت و کامیابی طلبهٔ آن حسب خاطر خواه مبذول نمود، ولی مع الاسف

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 80 of 711

بواسطهٔ یک انتخاب سوئی که در مدیر آن از طرف بعضی زعمای امور (که مسلکی بجز از عیاشی و فکری بغیر از تن پروری نداشتند و میخواستند که روح فحاشی و تنبلی و لاابالی گری را ذریعهٔ همین طور اشخاص فضول در محیط بپرورانند) شده بود، مساعی اوشان بهره ور شده نمیتوانست و امور مجریهٔ مکتب حربیه عوض افادهٔ جزویه اضرار متعددهٔ را عائد میکرد.

تا اینکه در اثر تفتیش و وارسی نائب سالار صاحب انواع امور مخالف شرعیه و احساسات ملیه از اجراآت او بمشاهده پیوست و در ادارهٔ مکتب بسیار ناگواریها و فساد اخلاق و حرکات ناشایسته از ان پست فطرت دیده شد، لذا مراتب بمقامات مرجوعه ابلاغ و در نتیجه معلم مذکور از رتبه و منصبش مطرود و به نفی و اخراج، از خاک پاک افغانستان محکوم شد[1].

پس از ان شخصاً جناب محمد نادر خان تا چندی از اجراآت و امور اداریه و تعلیمیهٔ آن مکتب نظارت، و اشخاص فاضل و دانشوری را برای تعلیمات، و اصلاحات آن مقرر فرمود، و حسب نظریهٔ عالیجنابانهٔ نادری در ان تعلیمات آغاز و طلبهٔ صاحب تعلیم و تربیهٔ ممتاز از ان اخراج، و حسب لیاقت و اهلیت خود

(۱) تفصیل خیانت کاریهای محمود سامی در صفحهٔ ۳ شمارهٔ ٤ سال دوم سراج الاخبار ۱۹ قوس ۱۲۹۱ موجود است.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 81 of 711

مراتب عسکر را اشغال میکردند، هرچند در عصر امانیه تکرار همان مخرب اخلاق ومایهٔ فساد (مدیر نخستین مکتب حربیه محمود سامی) مقرر شد، ولی در اثر وارسی وتفتیش مساعی نادری وانتخابات صحیحیکه در سائر معلمین وهیئت اداری آن مطابق فکر نادری شده بود محمود سامی ازان بیباکی های خود علانیهٔ تا چندے منصرف وحسب نظریهٔ سپه سالار اجرات میکرد.

توجهات نافعهٔ نادری در اصلاح امور نظامی
افزودی تنخواه ومقرری غلگی

درعین اقدامات نافعهٔ که عالیشان عزت وشجاعت مآب سردار محمد نادر خان نائب سالار در ترقیات عرفانی وذهنی عساکر میفرمودند از غمخواری عموم عساکر نیز غفلت نمی ورزیدند، وتا اندازهٔ که میتوانستند وکسب موفقیت می نمودند در آرامی وآسوده حالی وفراهم آوری اسباب دلگرمی نظام میکوشیدند.

چنانچه در اثر یک مجلس وتبادل افکاریکه باعموم صاحبمنصبان نظامی نمود واز معلوماتیکه راجع به معیشت نظامی گرفته بود، باین نکتهٔ مهمه ملتفت ومطلع گردید که معاش ماهواره ده روپیهٔ کابلی برای نظامی مکفی نمیباشد، زیرا اگر یک عسکر احتیاجات شخصی خود را ازین تنخواه خویش تهیه کند، نظر به نرخ آنوقت بیش از دوسه روپیه برای مخارج خانگی وپس انداز او باقی نمی ماند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 82 of 711

چون جناب محمد نادرخان بمنصب نائب سالاری حضوری نائل و بشمولیت در همه اجراآت قشونی و اعطای نظریات عالی مأذون بود، این مسئله را بالفاظ درست و مضمون دلنشین بحضور عرض کرد و راجع به افزونی تنخواه و تهیهٔ ارزاق نظام که به نرخ مستقل از طرف حکومت برای آنها اعطا شود اصرار و الحاح کرد.

در نتیجه فکر پادشاهی را به اصلاح این امر مهم متوجه ساخت تا رسماً امر داد که در معاش عامهٔ عسکر افغانستان ماهواره دو روپیهٔ کابلی افزود و بر علاوهٔ آن امر رسمی و عمومی اصدار یافت که برای هر عسکر فی روپیه را یک سیر گندم از مخازن ارزاق سرکاری (گدام ها) در بدل معاش شان اعطا شود، چنانچه از منظوری غله گی که برای هر فرد نظامی ماهواره چهار سیر به چهار روپیهٔ کابلی داده میشد و افزونی دو روپیه تنخواه در هر ماه بعد از وضع مخارج ضروریه الی شش هفت روپیه برای شان باقی میماند.

تهیهٔ دریشی و اهتمام بترقی صوری و معنوی نظامی

راجع به تهیهٔ دریشی و منظم بودن نظام از لباس و مسکن گرفته تا بهمه امور انضباطیه و تعلیمیه و تربیوی شان نیز نظریات خوبی را به اعلیحضرت تقدیم و از آنجا عموماً افکار نادری بصورت رسمی در همه قطعات تحت تطبیق و اجرا آمد، همه عسکر

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 83 of 711

بدریشهای مخصوصهٔ شان ملبس وقشله وچهاونیهای شان صاف و درست و
در برابر و قرب هر چهاونی دکانهائیکه دران ضروریات عساکر موجود میبود احداث
و به اقامهٔ صلوة، مساجد تعمیر وائمهٔ مقرر وجهة اجرای تفریح شان میدانها و منظرهای
دلنشینی در حوالی نشیمن آنها ترتیب داده شد و بلانهایه در همه شعبات امور عسکری
یک روح و رونق و رشادت و شطارت بمشاهده می پیوست .

افتخار منصب سپهسالاری بوجود مفاخر بنیان سردار محمد نادرخان

چون این فکر رسا و اعمال صداقت انتما و رشادت و فعالیت و وارسی جناب
محمد نادرخان بتمام امور جزوی و کلی نظامداری بعلم الیقین پیوست، و در همه
اجراآت افکار او شان نافع و قیمتدار ثابت شد، از شخص شاه گرفته تا عامهٔ زعمای
امور، از سائر افراد نظامی گرفته تا جمهور صاحبمنصبان حتی افراد ملت او شانرا
بنظر تقدیر و تحسین میدیدند، و تمام اعمال دلسوزانه و مجاهدات غمخوارانهٔ شانرا
بنظر تقدیر مشاهده میکردند، ازینجهة اعلیحضرت سراج الملة والدین نه تنها مقام
منیع سپه سالاری عمومی افغانستان را بوجود عرفان و شجاعت نمود شان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 84 of 711

افتخار دادند و باین وسیله در مزید ترقی و اعزاز نظام و در خوشنودی و مسرورت عامهٔ انام افزودند، بلکه بدیگر اخوان و منسوبین این خاندان که تماماً در مناصب رسمیه شامل بودند نیز نظر لطف و مرحمت خود را مبذول، و اعزاز و احترام جمهور شان را میفرمودند، بهترین مصدق این مطلب نظریه ایست که سراج الاخبار افغانیه بالنسبهٔ این تقرر و ارتقای جناب سپه سالار نگاشته است که ذیلاً نقل میشود، و خواننده می بیند که شخص پادشاه راجع به این انتخاب بجا در محضر عامه صاحبمنصبان نظامی و اعیان ملکی بحث میاند[1]، تا عموم مردم ازین اعزاز و احترام شان مسرور شوند، و این خورسندی عمومی که بواسطهٔ قدردانی یک مجاهد صادق مملکت و وطنخواه صحیح ملت حاصل میشود، در محبوبیت شاه بیفزاید :-

نظریهٔ سراج الاخبار
راجع به ترفیع سردار سپه سالار

« از طرف ایشیک آقاسی نظامی[2] حضور اعلیحضرت همایونی در خصوص تعیین

(۱) مطالع قبلاً در صحیفهٔ (۵۰۳) خوانده که در موقع ترفیع جناب محمد نادر خان به نائب سالاری هم در همچنین یک محضر عمومی که مشتمل بر اعیان وطنی بودند، راجع به انتخاب شان مذاکره نموده اند، و او شان به اکثریت مطلقه از طرف جمهور قابل تقدیر و ترفیع گفته شدند .

(۲) مطلب از جناب محمد سلیمان خان است .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 85 of 711

منصب جلیلهٔ سپهسالاری جدید، برای ما چنین تحریر یافته است[1]، که روز سه شنبه ۲۱ ماه حال اعلیحضرت والا در سلامخانهٔ عام دربار نموده بودند، اینکه دربار انعقاد یافت، چنین نطق وامر فرمودند که عالیجاه عزت همراه امیر محمد خان سپه سالار نظامی بواسطهٔ که دائم الاوقات مریض میباشند و بدربارها وغیره رسیده نمیتوانند بنابران عالیجاه ارجمند سردار محمد نادر خان نائب سالار حضور را به منصب رفیعهٔ سپه سالاری حضور مقرر و مباهی فرمودیم، و در منصب و عزت و تنخواه عالیجاه امیر محمد خان سپه سالار سابق هیچ تغیر و تبدیل داده نخواهد شد، و بدربارها و جشن ها و عیدین هرگاه صحت داشته باشد بیاید، در همان چوکی مقرری خود خواهد نشست.»

«سراج الاخبار: این لطف و مرحمت عالی العال اعلیحضرت پادشاه مراحم خصال ما خلد الله ملکه که در حق خدمتگذاران صادق دولت شان فرموده شده است الحق که یک لطف و مرحمت پادشاهانهٔ بسیار امید آور مکرمت پروری میباشد.»

«جناب عالیجاه شجاعت و بسالت همراه (امیر محمد خان) سپه سالار، که اکثر عمر گرانمایه را در راه خدمت دولت علیهٔ افغانستان در صنف جلیلهٔ عسکریه

(۱) یعنی فاضل شهیر محمود بیک خان طرزی مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 86 of 711

بسر آورده است، و در زمان خاقان مغفور جنت مکان در صنف جلیلهٔ افسران عسکریه داخل شده و در بسی محاربات ابراز شجاعت و صداقت نموده و در پاداش هر خدمت و صداقت بالتدریج ترفیع مناصب کرده تا آنکه در زمان سعد اقتران اعلیحضرت سراج الملة والدین بمنصب جلیلهٔ سپهسالاری که منتهای مناصب عسکری دولت مقبوعهٔ ماست سرافراز و کامیاب آمده است ..... تا بحال بران منصب جلیله برجا بوده و بسبب ضعف پیری و انحراف صحت شان، ذات اعلیحضرت همایونی استراحت فکریه و بدنیهٔ شانرا التزام فرموده از کار ایشان را معاف، و عزت و اعتبار و شرف عسکری شانرا کماکان برقرار داشتند، که در حقیقت این مسئله یک لطف عالی العال و مرحمت فوق العادهٔ است، که از طرف ذات اعلیحضرت بادشاهی در حق آن خدمتکار صادق سالخوردهٔ شان ابراز فرموده شده است.»

«سپهسالار جدید جناب شجاعت و بسالت مآب سردار «محمد نادرخان» از امرای عسکریهٔ بسیار کارگذار پسندیده اطواریست که از تربیه شدگان محفل حضور ذات شوکتسمات اعلیحضرت سراج الملة والدین پادشاه معظم بادانش و دین ماست.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 87 of 711

«مشار الیه بعلوم و فنون عسکریه از روی احتیاجات وقت حاضر، آگاه و دانا و در عین ریعان شباب میباشند، عالم، فاضل، هوشیار، بیدار یک ذات خجسته صفاتیست، بزبان انگریزی آشنا و در امورات عسکری دانا و بینا هستند، علی الخصوص بذات خجسته صفات و لینعمت بی منت خود در غیبت و حضور، از نزدیک و دور، یک اخلاص و صداقت قولی و فعلی مفرطه دارند از هنگامیکه در صنف جلیلهٔ عسکریه داخل شده اند، و برغند عساکر خاصه یعنی از دل وار دلی مأمور گردیده اند، هر وقت بعد وقت یک تجدد و تازه گی نشان داده اند از قراریکه از دفتر مبارک نظام استعلام نموده ایم، ترفیع مناصب عسکریه سردار مشار الیه از قرار ذیل است:»

«جناب شجاعت مآب سردار محمد نادر خان سپه سالار در سنه ۱۳۲۱ در صنف جلیلهٔ عسکریه داخل شده اند، که بهمان وقت بمنصب زرشری یعنی کرنیلی اسپورهای اردلیان حضور مبارک مقرر شده بودند، در سنه ۱۳۲۳ یعنی دو سال بعد از حضور مبارک به منصب برگدی غند اردلیان حضور مبارک انور والا مأمور گردیدند، در سنه ۱۳۲۶ از حضور مبارک در غند مذکور به منصب بهینه جرنیلی سرافراز شده اند، در سنه ۱۳۳۰ بعد از آنکه از محاربهٔ منگل مظفرانه عودت نمودند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 88 of 711

درغند اردلی به منصب عالیهٔ نائب سالاری ولقب سرداری مفخر و سرافراز گردیده اند، بتاریخ یوم سه شنبه ۲۱ ماه رجب ۱۳۳۲ از حضور مبارک همایونی بمنصب جلیله سپه سالاری سرافرازی یافته اند.»

«سراج الاخبار. این منصب جلیله شانرا از صمیم دل تبریک میگوید، و از درگاهِ حضرتِ خالق متعال جل وعلی نیاز میکند، که در امورات تنسیقیه و اصلاحیهٔ عموم اردوهای جنود ظفر نمود دولتِ متبوعهٔ مقدسهٔ شان که فرض عین و عین فرض ذمهٔ منصبی شان است بر موافق رضای خدا و پادشاه و امیدواری ملت و وطن موفق و کامیاب آیند. (۱) »

معرفی رسمی سردار محمد نادر خان
سپه سالار
در یک پریتِ مهم عسکری

در اثر این تقرر و انتخاب از حضور پادشاهی ذریعهٔ فرامین متحد الآمال بعموم قوماندانهای نظامی مرکزی و ولایات و حکومات افغانستان ازین ترفیع و تعیین مرجع عمومیهٔ امور نظام افغانستان که جناب محمد نادر خان سپه سالار میباشند

(۱) منقول از صحیفهٔ ۸ و ۹ و ۱۰ سال سوم شمارهٔ (٦١) سراج الاخبار افغانیه.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 89 of 711

اعلام شد. علاوهٔ امر شد تا یک پریت بزرگ نظامی نیز ترتیب و در ان رسماً ازین تقرر سپه سالار بعامهٔ عسکری اخبار شود. اینک تفصیل این پریت بزرگ نظامی از سراج الاخبار افغانیه (که فاضل شهیر محمود بیگ طرزی مدیر و سرمحرر آنرا نوشته) عیناً نقل میشود:-

«روز چهارشنبه ۱۴ ماه شعبان المعظم در قشلهٔ یعنی چهاونی قلعهٔ (شیرپور) یک پریت عمومی عسکری بوقوع آمد.»

«در شمارهٔ سابقهٔ خود از تعیین فرموده شدن منصب جلیلهٔ سپه سالاری جدید در عهدهٔ جناب عزت و شجاعت مآب (سردار محمد نادر خان) بیان نموده بودیم، بناءً علیه شهزادهٔ جوانبخت معظم، سردار عنایت الله خان معین السلطنه صاحب که از آغاز جلوس میامن مأنوس ذات شوکتسمات (اعلیحضرت سراج الملة والدین) والد ماجد کثیر المحامد خودشان بمنصب فخیمهٔ نظارت جلیلهٔ حربیهٔ دولت خداداد افغانستان، از طرف قرین الشرف همایونی سرافراز و ممتاز بوده و هستند، اعلان نمودن و معرفی کردن سپه سالار جدید را بعموم عساکر ظفر مآثر شاهانه لازم و مناسب دانسته در یوم چهارشنبه ۱۴ شعبان المعظم اجرای یک پریت عمومی عساکر را امر نمودند.»

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 90 of 711

یك گروپ مهم تاریخی صاحب منصبان نظامی افغانستان در سنه ۱۳۳۳

صف اول که برچوکی نشسته اند و مشتمل بر صنف آمران و ارکان عسکری است از راست به طرف چپ:—

۱ — نائب برگد عبد الرحمان خان .
۲ — برگد محمد علیخان .
۳ — برگد محمد انورخان .
٤ — جناب محمد نادر خان سپه سالار .
٥ — نائب سالار صالح محمد خان .
٦ — برگد غلام محمد خان .
۷ — برگد محمد اسمعیل خان .

صف دوم وصف سوم وصف چهارم مشتمل برصاحب منصبان بزرگ و کوچك است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 92 of 711

«شهزادهٔ معظم و سپه سالار صاحب محترم با جملهٔ افسران در (شیرپور) که همه عساکر ظفر مآثر از همه اصناف پیاده و رساله و طوپچی وغیره حاضر و آمادهٔ تشریف آوری شان بودند، تشریف فرمای سعادت و اقبال گردیده از طرف عموم عساکر، مراسم سلام ایفا و یک (رسم کچید، یعنی رسم استعراض) مکمل اجرا گردید، و از طرف حضرت عالی منصب جلیلهٔ سپه سالاری سردار محمد نادر خان بر عموم افسران و عساکر رسماً اعلان گردیده مراسم سلامی بجا آورده شد»

«بعد از آن شهزادهٔ معظم با جملهٔ افسران محترم بمکتب حربیه تشریف آوردند و در آنجا میوه و شیرینی و چای که از طرف سپه سالار صاحب حاضر شده بود تناول فرموده شد، و نطقها و تبریکها و شادمانی ها اجرا گردیده مراسم مذکور بانجام رسید»[1]

مساعی جمیلهٔ نادری در اصلاح و تنظیم امور عسکری

بعد از اینکه سپه سالار درایت مدار بوزارت حربیه رسماً بکار آغاز فرمودند به اصلاح و تنظیم همه امور متعلقهٔ نظام صرف مجاهدت ورزیدند، مخصوصاً در تمام فروع و اصول مواد آتی الذکر داخل اقدامات اساسی شدند:-

(۱) ملاحظه شد صفحهٔ ۴ شمارهٔ ۲۲ سال سوم سراج الاخبار مطبعهٔ ۲ اسد ۱۲۹۳ - کابل

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 93 of 711

(۱) بوجه و مصارفات عساکر مرکزی و اطراف و نواحی افغانستان را از نظر گذرانیده، در آن بسا تعدیلات و ایزادات نافعه فرمودند.

(۲) راجع به تغییر و تبدیل و ترفیع و تطییف بعض صاحبمنصبان در عموم نقاط افغانستان، بنابر ایجابات نظامی و ملاحظات سیاسی، اوامر لازمه را اعطا فرمودند.

(۳) راپورهای مفصل هریک از قوماندانی های عسکری افغانستان را (۱۵ در ۱۵) خواستار شدند.

(٤) نسبت به اصلاح امور مهمهٔ نظامی، بعموم صاحب منصبان اوامر جدی را اصدار کردند، تا دائماً در آن مورد نظریات شانرا بمرکز اشعار دارند، برعلاوهٔ آن امر فرمودند که علی الفور از جمال مجاری امور سابقه و حالیهٔ هر قوماندانی عسکری یک یک راپور مفصل جامعی را تقدیم نمایند.

(۵) در فراهم آوری اسلحه و تهیهٔ لوازم حربیه و انداختن روح تازه در امور متعلقهٔ ارکان حربیهٔ عمومیه و تشکیل و تفریق کندکها از حیث اسلحه و البسه و اسماً و صفات، بذل توجه فرمودند.

(۶) سررشتهٔ امور نقلیهٔ عسکری و تهیهٔ ارزاق را حسب مطلوب نمودند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 94 of 711

(۷) انتظام بر اصل تنخواه نظامی را بصورتیکه در وقت موعود عموماً معاش خود را میگرفتند و هر واحد از صورت حساب خود بکلی مطلع و مطمئن میبودند نمودند .

(۸) تجویز حاضری و رخصتی و اعطای هدایا بت مخصوص راجع بمریضی و وفات و غیر حاضری افراد عسکری .

(۹) تهیهٔ سامان و لوازم و ادویهٔ شفاخانه های نظامی و سنجیدن و بکار انداختن مقدمات نافعهٔ حفظ الصحه .

(۱۰) تقسیم و توزیع قوای مرکزی در نقاط لازمهٔ اطراف و نواحی و تعیین محل و تعلیم اسپورت یومیهٔ شان در مواضع متعدده .

(۱۱) مأمور داشتن نظام را به انعقاد یک پریت عمومی در چمن نظامی خواجه رواش یا شیرپور در هر هفته یکبار، که ذاتاً سپه سالار صاحب بر عملیات شان نظارت میکرد .

(۱۲) عیناً تطبیق نمودن این مفکوره را در تمامی نظامی افغانستان، در سائر ولایات و حکومات افغانستان .

(۱۳) بکار انداختن و محصول گرفتن از فابریکهٔ حربی و عطف توجه نمودن در افزونی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 95 of 711

کار آن و ساختن و ترمیم نمودن انواع اسلحه و مواد انفلاقیه دران .

(۱٤) تکمیل لوازم و بهم رسانی اسلحه و سامان ضروریه بعموم قوای مرکزی و اطراف و اکناف مملکت افغانی .

(۱۵) تأسیس قشله ها و چاونیها برای قرارگاه مرکزی هریکی از قوای مرکزی و ولایات افغانستان و احداث تهانه ها در تمام سرحدات افغانستان .

(۱٦) حسن مراقبت و توجهات مزیده بمکاتب حربیه و غیره مدارس متعلقهٔ آن مثل مکتب ملک زاده ها و جدید الاسلام و مخابره و غیره .

(۱۷) تعمیم انواع اسپورت و ریاضت های بدنی و تعلیمات نظامی در تمام افراد عسکری .

(۱۸) تقرر دوائر استخباریه راجع به اخذ حالات و جریانات عمومیهٔ عسکریه در مرکز و اطراف .

(۱۹) سررشتهٔ انتظام امور سرحدیهٔ وطن، و کشودن در مناسبه را با قبائل همدین و همزبان مجاور افغانستان .

(۲۰) تشکیل کتابخانهٔ عسکری .

(۲۱) تأسیس دار الترجمه برای افاده گرفتن از اثرات مفیدهٔ عصریه .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 96 of 711

ضمیمهٔ صحیفهٔ (۷۲) جلد اول کتاب «نادرافغان»

کابل سنه ۱۳۳٤ ق

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 97 of 711

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 98 of 711

(۲۲) طبع و نشر اوراق و لوائح و تعلیمنامه های نافعهٔ امور عسکریه .

(۲۳) ترتیب تهیهٔ نقشه ها و غیره امور لازمهٔ سوق الجیشی و مسائل متعلقهٔ امور تعرض و دفاع .

(۲۴) تعیین سلسلهٔ مراتب و توضیح صلاحیت و تکالیف صاحبمنصبان و هیئت معیت شان .

(۲۵) تفریق صنف محارب و غیر محارب ، و ایزاد تشکیلات لازمهٔ عصریه در عساکر از قبیل تعیین امام و مؤذن و سقا و دلاک و بیطار و داکتر و محاسب و تحویلدار و امثال آن بهر کندک یا غند در تمام عسکری افغانستان .

(۲۶) تنظیم و تنسیق علم مبارک و صورت بست پرک ، بلوک ، تولی ، کندک ، غند ، لوا و فرقه و قطعات جسیمه .

(۲۷) اجرای مانوره ها و جنگ های مصنوعی و انواع مشق نظامی .

(۲۸) مسابقهٔ اسپ دوانی و جمناستیک و هدف زدن و دویدن و غیره اعمال نظامی .

(۲۹) اجرای سفری و سوقیات فرضی بنقاط مجهول بصورت ناگهانی جهة اصلاح نقائص سوق الجیشی .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 99 of 711

(۳۰) اهتمام بصفائی اسلحه وطرز استعمال آن وتوجه کردن به ترمیم واصلاحات لازمهٔ آن .

(۳۱) تقرر هیئت های تفتیشیه جهة اخذ معلومات از ضبط وربط وتعلیم وتربیه وطرز ادارهٔ قشونی وغیره .

(۳۲) اعطای مقالات عسکریهٔ روح پرور، در سراج الاخبار افغانیه جهة تنویر افکار ضابطان عسکری از طرف صاحبمنصبان دانشور معیت شان جهة تشویق .

(۳۳) ترخیص سپاهیان پیر، معیوب، وطرد چرسی، بنگی، بداخلاق، شرارت پیشه را از نظام، وگرفتن جوانان تنومند سالم الاعضای خوش اطوار بعوض آنها .

(۳٤) نهادن اساسهای صحیح ودرست را جهة جلب قوای عسکری بصورت نفوسی، تا در سه سال دورهٔ تعلیمات خود را تمام، وبعداً رخصت وعوض شان دیگر نفر از اقوام فرستاده شود .

(۳۵) سبکدوشی صاحبمنصبان ضعیف وسالخورده که قابل کار نظام نبودند وتقرر وجه مستمری ویا زمین بخشی برای شان از طرف حکومت .

ودیگر اموریکه ذکرش بطوالت می انجامد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 101 of 711

کابل سنه ۱۳۳۵ ق

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 102 of 711

اهتمام به احیای روح فعالیت عسکری

ازیکطرف جناب محمد نادرخان در امور اداری و اعطای هدایات لازمی و وضع دستور العمل های عالی برای ترقیات مادی و معنوی عسکری (باجمالیکه فوقاً بآن اشاره شد) عطف توجهات صمیمی شانرا فرمودند، و از جانب دیگر شخصاً در بیداری و فعالیت عسکری و تطبیق همین اوامر و مفکوره های نافعهٔ خویش بذل مجاهدت میفرمودند.

ازین مساعی و کارگذاری نادری در امور قشونی شخص شاه و اولیای امور و عموم تبعهٔ افغانی نهایت مسرور، و در برابر دیدن این جوش و خروش نظامی که تا چندی قبلبرین اکثری از آنها همچو اجساد بی روح دیده می شدند و کنون که در قالب آنها روان فعالیت و شطارت از طرف جناب محمد نادرخان دمیده شده از هر گوشه و کنار تحسین و آفرین به اوشان نثار میشد، جهت تصدیق این مطلب ذیلاً مضمون یکی از نامه نگاران، فاضل شهیر محمود بیگ خان طرزی مدیر و سر محرر سراج الاخبار افغانیه مطالعه شود:-

" درین ایام که جناب محمد نادرخان سپه سالار مقرر شدند، در هر هر جا صدای مارچ، عساکر ظفر مآثر افغانیه سامعه نواز و آواز موزیکه های افغانیه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 103 of 711

باظفر و نصرت هم آواز زند.»

«روز سه شنبه ۱۰ شوال المکرم در پیش باغ چرمگری قریب مکتب حربیه چه دیدم که از چهار غند عساکر مقیمهٔ دار السلطنه صاحب طنطنهٔ کابل «شی مت» آنها را آورده بود که سپه سالار شهامت آثار شجاعت دار، امتحان عساکر فیروزی مظاهر را میدیدند، حقیقتاً خیلی مؤثر یک منظره بود.»

«افسر افغان، سپاه افغان، موزیکه افغان، تماشا بین افغان، همه افغان، هر صدای موزیکه راست در دلم جا میگرفت، و نغمه های آن برای محو مخالف آوای:

رو اَشِدّآءُ عَلَی الکُفّار باش ❊ خاک اندر دیدهٔ اغیار باش

بر سر اعدای خود شمشیر باش ❊ گاه مکن رو باه بازی شیر باش

را بلند مینمود.»

«هر تار مویم برای بلند نمودن نام اسلام، افغان، پادشاه، راست ایستاده بود، انتظام نظام، ترانه های ملی، موسیقه ها، درخشیدن برچه های دشمن کش، (پرمخ زاو) افسرها، دلها را مسرت، رقت چشم را حیرت، گوشها را سامعه نوازی میفرمود.»

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 104 of 711

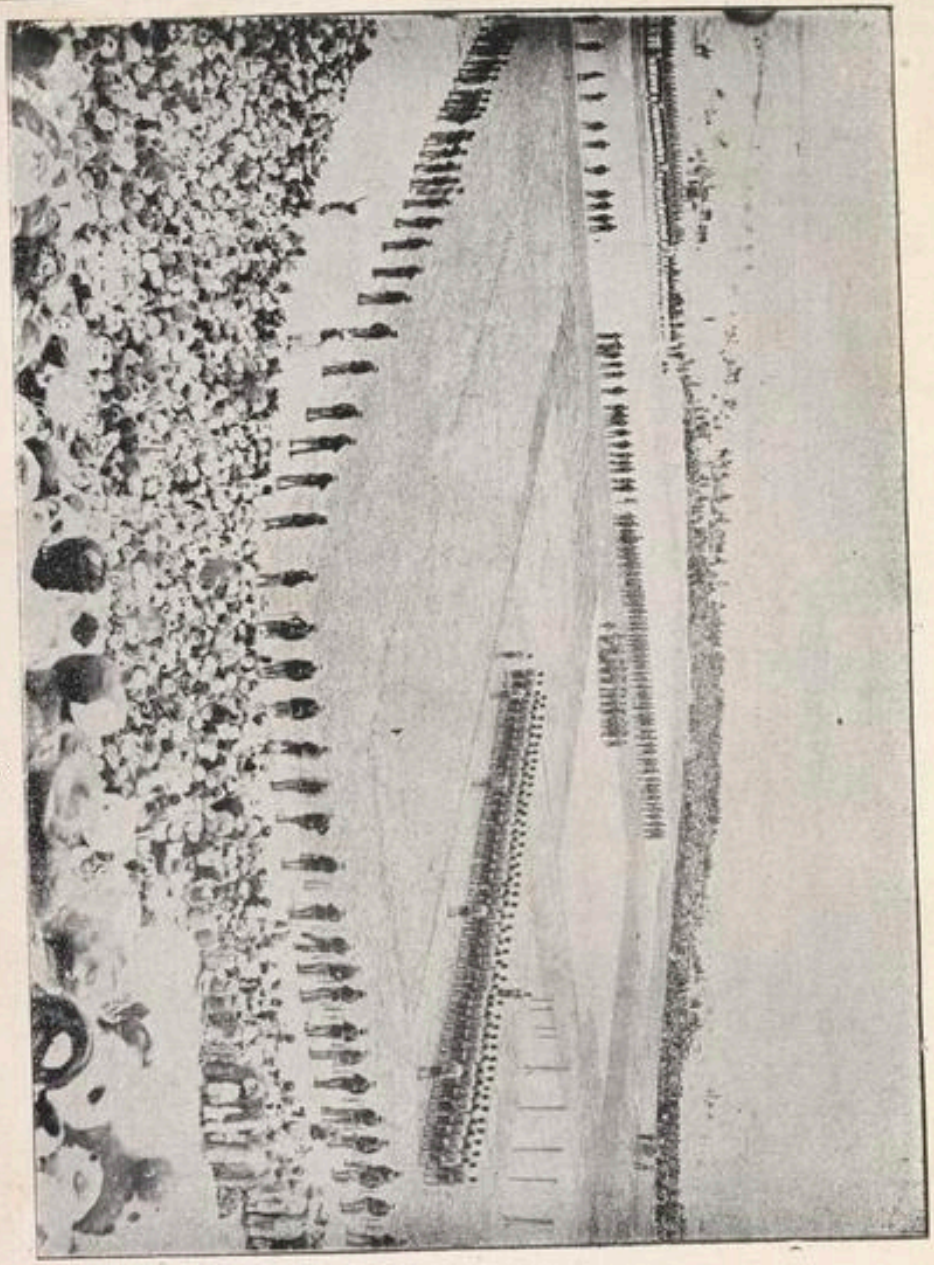

(کابل سنه ۱۲۹۳ ش)

(امتحان مشق تفنگ غند اردلی)

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 106 of 711

«درین روزها در عالم عسکری یک جدیت، ورونق ونشاط دیگری معلوم میشود، گروهی در یکطرف شهر مینوبهر بزدن آماج مشغوف اند، وطائفهٔ در دیگر جانب به تعلیم قواعد حربی مصروف.»

«شنیده شده که به سه شنبه دیگر امتحان ست های منزلی عساکر نصرت مآثر وبه سه شنبه دیگر امتحان ست های کین است، وبعد از ان خود حامی ملت افغانیه یگانه رعیت دوست نظام نواز وطنخواه ملت پرور، اعلیحضرت همایونی روحنا فداه امتحان جمیع عساکر وغیرهم را میگیرند.»

«بعد از استجازهٔ حضور، جناب سپه سار صاحب تمام ضعفا وریش سفیدهای عسکر را کشیده جوانان تنومند را در آن داخل کرده است»

«ای وطنخواهان! عسکر در عصر حاضر نگهبان وطن وناموس میباشد اهمیت عسکریه در هیچ ملازمت پیدا نمیشود، خواه از روی دین، خواه از روی دنیا در حدیث شریف منقول است، که نگاهداشتن یک شبهٔ سرحد از دنیا ومافیها بهتر است، وافضل صحابه بعد از عشرهٔ مبشره، اصحاب بدر رضی الله عنهم میباشند، که من حیث عسکریت یا حفظ وطن واعلای کلمة الله افضل میباشند.»

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 107 of 711

« هر فرد مسلمان را لازم است که خطاب (عسکری) را بخود قبول فرماید[1] »
(ع، ه)

مفکورهٔ سراپا نافعهٔ نادری
در موقع حرب عمومی

چون درین ایام جنگ عمومی کمال شدت و عظمت را بخود گرفته بود، و به بسیار سرعت حیرت افزا شرارهٔ عالم سوز حرب، از هر طرف شرر بار شده خرمن امن و آسایش اوستریا را در داده از انجا بروسیه سرایت و از روس گذشته المان را شعله افشان کرده، ثم فثم بفرانسه و بلژیک و انگلیز تجاوز کرده، دولت عثمانیه را هم فرا گرفته بود، و تمام این مناطق را بشرر باری قرمزی خود خونبار کرد، و قتل ولیعهد اوستریا در مغرب، و بعضی حصص شرقی عیناً تمثال خون سیاوش را که اوراق تاریخ مشرق زمین از ان خون آگین است قایم کرد.

ازین جهة تعیین خط مشی سیاسی افغانستان، درین هنگامهٔ کلان حتمی و ضروری بود، که نظر بموقعیت سیاسی و جغرافیائی خود و اهمیت جنگجوئی و سلحشوری

(۱) ملاحظه شود ستون ۲ صفحهٔ ۳ شمارهٔ ۲ سال ٤ سراج الاخبار مطبعه ۳۰ سنبله ۱۲۹۳ - کابل

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 108 of 711

ملت شجاعش اعلان شود، والا در صورت عدم تعیین مسلک ممکن است که تحت کدام تضییق وفشاری بنام طرفداری ویا اتحاد روس وانگلیس که از همسایگان شرقی وشمالی اوست بیاید.

درحالیکه بعض جرائد انگلیزی وهندی پروپاگند شمولیت افغانستان را درجنگ عمومی واعطای معاونت را بحکومت انگلیز میسرودند، هکذا دول مخالف اتحاد مثلث یعنی (روس، انگلیز، وفرانسه) مخصوصاً جرمنی وترکیه آرزومند مساعدت ومشارکت افغانستان بود با اوشان درین محاربه عظیم چنانچه برای همین مقصد یک وفدی نیز از طرف المان وترک وارد کابل شده بودند. (۱)

درینجا مجلس خاص الخاصی منعقد ودر آن همه اولیای امور شامل شده در اطراف تعیین خط مشی افغانستان بالنسبه آن حرب جهانسوز مذاکره کردند، بعد از بحث ومذاکره طولانی زعمای امور عصر سراجی این مسئله را باکثریت تصویب کردند که «باید افغانستان در حرب حاضره کاملاً بیطرف باشد، تا زمانیکه برخلاف شان وشرافت واحترام وحیثیت ملت وحکومت ما اندک یک تجاوز

(۱) که ذوات مشهور این وفد ندر ماهر المانی وکاظم بیگ ترکی، فلوکس، وان هینگ، راجا مهندر پرتاب، ومولوی برکت الله خان بود.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 109 of 711

و حملهٔ از طرف هیچ یک از دول متحارب عاید نشود، مخصوصاً همسایه های شمالی و شرقی ما که فعلاً با همدیگر متحد و بر علیه اتفاق مثلث داخل حرب اند تمام شرائط بیطرفی و مراتب حقوقی ما را مراعات نمایند، حتمی است. که افغانستان هم تمام شرائط غیر جانبداری را بالمقابل آنها مرعی دارد »

درین مجلس خاص سپه سالار صاحب یک نطق مؤثری را راجع به اهمیت نظام ایراد، وضمناً فرمودند، باید ما توجه خصوصی خود ما را بسوی امور عسکری بیش از پیش مبذول، و در رفع هرگونه نقائص آن بذل ساعی نمائیم، تا در صورت اندک یک تجاوز بر حقوق مشروعهٔ ما و یا تصور افتادن کدام یک لکه بر دامن شان و شرف وطن و یا توجیه کدام خطره بکدام گوشهٔ مملکت علی الفور مشت های سختیکه از دست های شجاعت پیوست ملت غیور و عسکر جسور ما تشکیل شده باشد بر دهن و گردن اینگونه متجاوزین و متعرضین حواله کرده شود.

در دنیای موجوده بهر اندازهٔ که در قوت و عظمت و قدرت عسکری افزوده شود، و در ملت ها روح شجاعت و حفظ شان و شرف ملیت و وطنیت شان موجود باشد، بهمان اندازه بعزت و اعتلا هم آغوش و بمقاصد عالیهٔ خود نائل میشوند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 111 of 711

اعلیحضرت امیر حبیب‌الله خان سراج الملة والدین
کابل ۱۲۳۹ ش

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 112 of 711

اگر بدیدهٔ انصاف و تعمق ببینیم امروز بعوض این حقوق دولیه و بین المللی که برای نام موجود است، و کسی بران عمل نمیکند، قوت و قدرت قایم گردیده است واقعاً که حقانیت و انصاف امروزهٔ عالم، بفحوای اَلحَقُّ لِمَن غَلَبَ به قوت مربوط است و قوت هم در عصر حاضر عبارت است از بودن روح وحدت و شجاعت در ملت و داشتن عسکر زیاد مجهز صاحب تعلیم و تربیه و دارائی مکفی توپ و تفنگ و دیگر وسائل و وسائط مقتضیهٔ حربیه است، لذا از حضور اعلیحضرت رجا میکنم تا زیاده تر بترقی و انضباط عسکری بذل مساعی فرمایند هکذا مزید توجه و اهتمام عموم مأمورین مسئول این شعبه را در اعتلا و اصلاح نظام خواهانم.

اثر این مفکورهٔ نادری در ترقیات عسکری

بیانیهٔ غرای فوق سپه سالار صاحب چون مبنی بر حقانیت و سعادت بود، اعلیحضرت و عموم زعمای امور بتصدیق آن پرداختند. حتی شخص اعلیحضرت سپه سالار صاحب را مخاطبه کنان فرمودند که :-

«بعد ازین خودم حتی الامکان در پریت های عمومی که هفته یکبار اجرا میشود بالذات برای گرفتن امتحان و تشویق عساکر حاضر میشوم، و برای شنیدن

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 113 of 711

واجرا نمودن هر نوع عرائض وامور نظامی بهر وقتیکه شما خواسته باشید مائل وحاضرم »

وارسی اعلیحضرت همایونی بمعاینهٔ نظامی وانجام امور عسکری

این مفکورهٔ نادری که مزید توجه واهتمام شخص پادشاه را بطرف عالم عسکری ایجاب میکرد وازطرف اعلیحضرت بنظر استحسان وقبول دیده شد، اینطور اثر وثمر داد، که امور سررشته طلب وزارت حربیه را بهر وقتیکه سپه سالار صاحب تقدیم میکرد فوراً اعلیحضرت بآن وارسی مینمود، وبه معین السلطنه نیز تأکید اکید فرموده بود تا بمعاونت ومساعدت سپه سالار درراه ترقیات مطلوبهٔ عسکر جرار دقیقهٔ را فروگذار نشود، برعلاوهٔ آن شخصاً با اعیان افغانستان وحواشی شان احضاریت شان را حتی الامکان درهر هفته به پریت گاه نظامی جهت معاینهٔ تشویق عمومیه التزام فرمودند. اینک بتصدیق این مطلب عین آن مضمون سراج الاخبار افغانیه مرقوم میشود، که بقلم فاضل شهیر محمود طرزی مدیر آن مرقوم شده است :-

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 114 of 711

« در ظرف این دو هفته در چمن حضوری و چمن نظامی امتحانات مهمهٔ عسکریه اجرا گردید »

« ذات شوکتسمات اعلیحضرت یک امتحان عمومی عساکر نصرت مآثر ملوکانهٔ شانرا اراده و فرمان فرمودند، در هفتهٔ گذشته امتحان صنف پیادهٔ (غندار دلی) یعنی عساکر خاصهٔ همایونی در چمن حضوری اجرا گردید، ذات اعلیحضرت همایونی با همهٔ شهزادگان عظام و مصاحبان و سرداران کرام بدریشی نیمروزی عسکری در چمن شوکت پیرامن تشریف فرما گردیدند، عساکر ظفر مآثر همایونی در زیر کمان افسری جناب سپه سالار محمد نادر خان به ترتیب بسیار منتظمی صف آرائی نموده بودند، تشریف موکب همایونی بسواری عرابهٔ موتر بوقوع آمده بود، بعد از انکه از عرابهٔ موتر فرود آمدند در حالیکه شهزاده گان عظام و یکی از مصاحبان خاص همرکاب بودند بسواری اسپ بر همه صفوف عساکر مرور فرمودند.»

« از طرف عموم عساکر شاهانه سلامی بزرگ ایفا گردید، ذات اعلیحضرت پادشاهی عساکر شاهانه را به التفات و نوازشات همایونی مظهر سعادت فرموده، در وسط چمن در زیر بیرق بزرگی که مخصوص پادشاهی است عودت و توقف فرمودند.»

« اولاً امتحان (شی ست) و بعد از ان (منزنی ست) و بعد از ان (کین ست)

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 115 of 711

اجرا گردید که هر یک از مت های مذکور از چند رقم کار تفنگ، و کار قدم بکمال مهارت و اتفاق صنعت بحضور شوکت موفور قوماندانِ مقدسِ اعظم ذات شاهانه ابراز نمودند، و باز همه مت ها غند بست شده (مارچ پاس) یعنی رسم کچید دو بار از حضور همایونی گذشتند، بار اول کمپنی بست و بار دوم مت بست گذشتند، که این مارچ پاس یا رسم کچید مت بست از مشکلترین کارهای امتحان مذکور شمرده میشد و آنرا عساکر شاهانه بکمال درستی اجرا کرده توانسته مظهر تقدیر شاهانه گردید.»

«بعد از ان ذاتِ اعلیحضرت یک تقریرِ دلپذیری در باب اهمیت عالم عسکری و سعی و غیرت در راه وظیفه شناسی بر عموم افسرانِ نظامی بیان فرموده و از طرف حاضرین دعای سلامتی پادشاه و فتح و فیروزی عسکر و سپاه تکرار گردیده مراسم امتحان بانجام رسید، و ذاتِ اعلیحضرت بسواریِ عرابهٔ موتر باهمرکابان حضور بقصر شاهانه عودت فرمودند.»

درین هفته در چمن نظامی امتحان عساکر طوپچی و بطاریه های طوپ گرفته شد که ان شاء الله در شمارهٔ آینده از تفصیلاتِ آن با بعضی لوحه هایِ تصاویرِ آن تزئین صحائف اخبار خواهیم نمود.» (۱)

(۱) ملاحظه شود صفحهٔ ۲ شمارهٔ ۳ سال ٤ سراج الاخبار مورخهٔ ۱۳ میزان ۱۲۹۳ - کابل.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 116 of 711

ضمیمهٔ صحیفه (۸٤) جلد اول کتاب « نادر افغان »

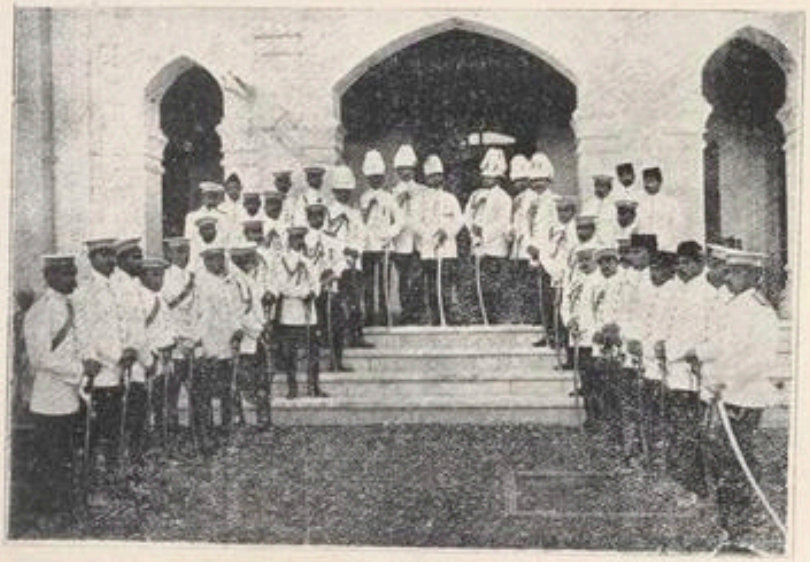

کابل سنه ۱۳۳٤ ق

عالیقدر جلالتمآب سردار محمد نادر خان سپه سالار باجی از صاحب منصبان افغانستان

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 118 of 711

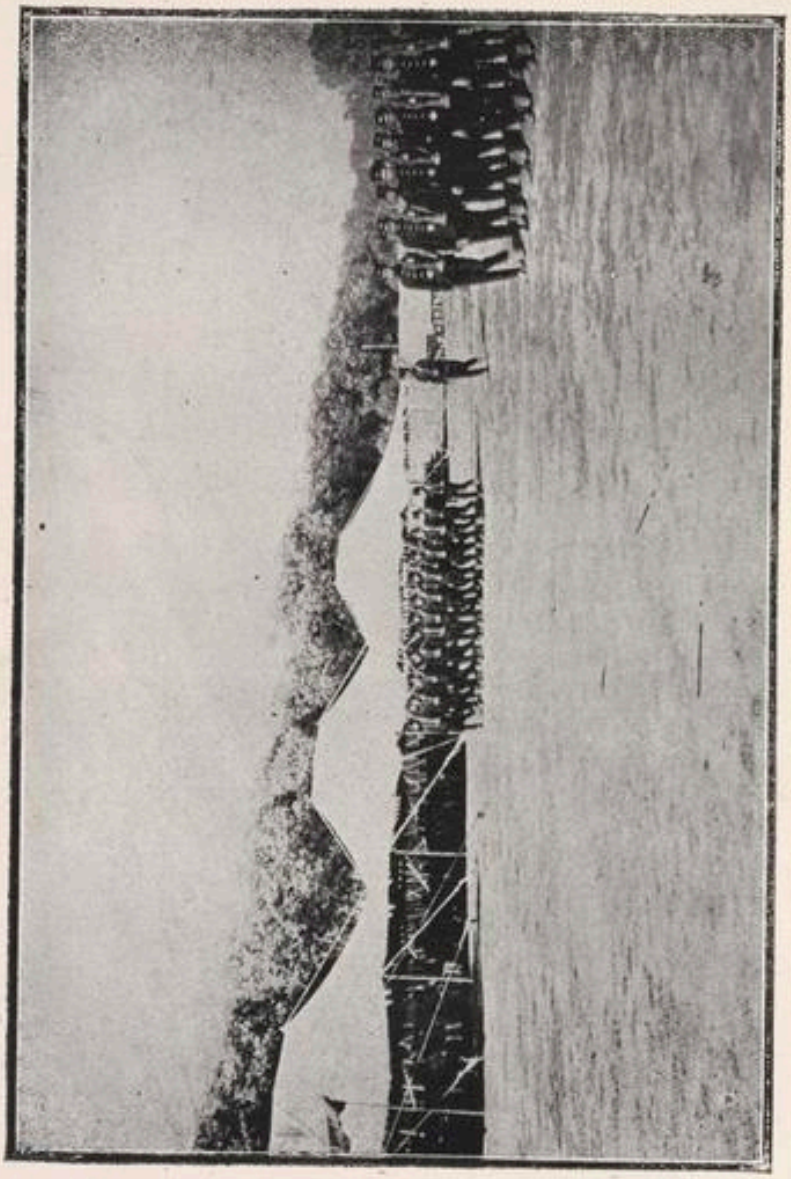

امتحان ورسم صورعساکر مرکزی درسنهٔ ۱۳۳۲ق

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 120 of 711

(در شمارهٔ ما بعد حصهٔ موعودهٔ این مضمون را چنین تحریر و تکمیل میکند :-)

«اعلیحضرت دائماً یک توجه خاصی در امورات مهمهٔ عسکر پروری و ترقی روز افزون لشکری مبذول میفرمایند، حتی درین اوقات با وجود بسیاری کارهای دولتی در هفتهٔ یکروز را منحصر برؤیت و تمشیت امورات مهمهٔ عسکریه داشته اند چنانچه در دربار روز شنبه، بزبان مبارک فرمودند که سبب تبدیل دادن ایام دربار که بروزهای سه شنبه مقرر بود ازین است که روز سه شنبه را برای ملاحظهٔ امورات عسکریه مقرر فرموده اند.»

«سپه سالار بیدار هوشیار جناب سردار محمد نادر خان و دیگر همه نائب سالارها و جرنیل ها و افسرهای نظامی اردوهای عساکر شاهانه نیز بنا بر پیروی افکار قدسیت نثار قوماندان اعظم و متبوع مقدس مکارم شیم خودشان از جد و جهد دائمی باز نمی ایستند.»

«درین دو سه هفته نمایشها و امتحانهای مختلفهٔ عسکری در چمن حضوری و چمن نظامی از حضور میامن موفور ذات اعلیحضرت پادشاهی گذارش یافته و موفقیتها و کامیابی های کامله از ان بحصول انجامیده است، چنانچه در هفتهٔ گذشته امتحان رسم مرد و انداخت طوپخانه ها در چمن حضوری بعمل آمده درجهٔ انتظام عساکر

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 121 of 711

طوپچی، ونظم ونسق طوپخانه ها پدیدار گردید، علی الخصوص طوپ های میدان وکوهی که درماشینخانهٔ دارالسلطنه بمعرفتِ کاریگرانِ وطنی ساخته شده موجب افتخار ومسار بیشمار دیده میشد، درجهٔ مقاومت ومتانت این توپها را ازین قیاس باید کرد که بعضی ازین توپهایِ وطنیِ خودِ ما پنج شش هزار گلّه انداخته توانسته است که حقیقتاً شایان شکران بیشمار یک چیزی است .»

«این نمایشها وامتحانها که اجرا میشود محض برای اینست که نواقصاتِ لوازمات عسکریه ظاهر گردیده، درباب اکمالِ آن سعی شود، چنانچه بنابر استفساریکه ازجناب سپه سالار صاحب سردار محمد نادرخان درخصوص سبب وچگونگی نمایشهای مذکور ازطرفِ عاجزانهٔ ما واقع شده است، ذاتِ عالیِ شان ازقرار ذیل معلومات عطا فرموده اند که عیناً مکتوب شفقت اسلوبِ عالیِ شانرا درج مینمائیم :»

نقل مکتوب

(بعنوانِ فاضلِ شهیر محمود طرزی مدیر وسر محرر سراج الاخبار)

یوم یکشنبه ۷ شهر ذی قعده الحرام سنه ۱۳۳۲ قمری

چون آن مشفق کیفیت نمایشِ عسکری راکه روزهای سه شنبه بحضور مبارک اعلیحضرت پادشاهِ معظم گذارش یافته ازبنده جویا شده بودید، بنابران حقیقت آنرا

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 122 of 711

برای آن دوست دانشمند تحریر نمودم ، اینکه همواره نظر و توجه ذات همایونی اعلیحضرت والا به ترقی ملت و دولت افغانستان است ، و اساس ترقی دولت وابسته بانتظام و آراستگی عسکر است ، بنابران پادشاه معظم اعلیحضرت والا در هر هفته یکروز از اوقات قیمتدار شاهانه را که روز سه شنبه باشد برای اجرای امورات عساکر دولت علیه شان معین فرمودند ، که در روزهای مذکور جمله امورات که در باب ترقی عسکر باشد بحضور مبارک گذارش داده از حضور سررشته تکمیل آن نموده میشود ، بنابران حسب الامر همایونی ، بروزهای مذکور شروع از غندار دلی نموده ملاحظه جمله عسکری پایتخت را ان شاء الله تعالی فرموده و سررشته تکمیل شانرا از جمله لوازمات سفری و حضری که بکار باشد میفرمایند ما جمله افسران و سائر عسکر و افراد افغانستان از درگاه خداوند کریم استدعا داریم که ما خدام دولت را توفیق عنایت نماید که خدمتگذاری پادشاه معظم و دولت علیه افغانستان را بصدق دل انجام ، کاهلی و سستی را از خود دور و در خدمت خود ها جد و جهد بی اندازه نمائیم ، تا باعث نجات دنیوی و اخروی ما باشد . محل امضای سپه سالار محمد نادر » (۱)

(۱) ملاحظه شود صفحه ۳ شماره ٤ سال ٤ سراج الاخبار افغانیه مطبوعه ۲۸ میزان ۱۲۹۳ .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 123 of 711

انصراف از تفصیل بنا بر خوف تطویل

از انجا که حصص مهم سراج الاخبار افغانیه را همین ترقیات و اقدامات عالی که از مجهودات این شخص وطن دوست ملت خواه در موقع سپه سالاری او از قوه بفعل آمده و عمده ترین اجراآت عصر سراجیه را امثال همین اعمال قابل امتثال نادری تشکیل نموده است .

اگر نگارنده درین محل خواسته باشد، که تنها به نقل کردن همان مندرجات اخبار اکتفا کند، و یا لااقل باقتباسش توجه نماید البته بر علاوه اینکه تحریرات مابطوالت می انجامد، این مجموعه ما نیز صورت یک رویداد مفصل وزارت حربیه را بخود خواهد گرفت .

لهذا درین مورد بنگاشتن همین اجمال و اشاراتیکه قبلاً گذشت اکتفا، و خلاصهٔ مطالعین را آگاه میکنیم، که حضرت عالی سردار سپه سالار صاحب از سنه ۱۲۹۱ الی اواخر سنه ۱۲۹۷ که جمله (۶) شش سال شود، در تطبیق و اجرای مواد یکه در صحیفهٔ (۶۹) تا (۸۶) قبلاً به تلخیص آن ایما شد بکمال فعالیت بذل مقدرت میورزیدند و دقیقهٔ از اصلاح و ادای خدمت وجیبهٔ ملک و قوم و شاه واجب الاحترام شانرا فروگذار نمیشدند، و در عسکر نوازی و تلطیف افراد قشونی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 124 of 711

واعزاز و ترفیع صاحبمنصبان و خدام صمیمی نظامی بحکومت پیشنهادهای اساسی را تقدیم و منظوری آنرا تحصیل و باین قدردانی خود در خرسندی و مزید فعالیت و کارپردازی آنها می افزودند، و در عین زمان نظام افغانی را به بهترین صورتی منظم و مخصوصاً اردوی مرکزی را از هر حیث عالی و معظم ساختند، و در ضبط و ربط قوای همرکابی اردوی سراجی که در سفر و حضر با او شان میبود بیشتر بذل مجاهدت مینمودند!

بهمراه ترقیات حربی پیشرفت امور عرفانی را هم برخود (طوریکه قبلاً نگاشتیم) الزم قرار داده از یکطرف در انواع تعلیم و تربیه و تنویر افکار منسوبین عسکریه ذریعه مکاتب و مدارس و معلمین و اتالیق های مخصوص میکوشیدند، و از جانب دیگر در وسعت معلومات صاحبمنصبان و افراد عسکری به نشر تألیفات و اثرات نافعه عصریه عسکریه بذل مقدرت مینمودند.

با اینکه سپه سالار منتظماً و مسلسلاً شب و روز گاه و بیگاه در عظمت و رفعت و اصلاح صوری و معنوی امور قشونی مصروف و همواره اوامر و هدایات نافعه را بعموم قطعات مرکزی و اطراف و نواحی میدادند همه وقته شرفیابی حضور را نیز حاصل، و در سفر و حضر همراهی شهریاری را نائل میبودند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 125 of 711

در امور نظامی وظیفهٔ و در سائر امور مملکتداری عند اللزوم بحضور پادشاه و دیگر زعمای امور، افکار و نظریات قیمتدار شان را اهدا میکردند.

اعتماد و اعتبار دودمان نادری در عصر سراجی

از همین هوشیاری و بیدار مغزی و دوراندیشی و حکومت دوستی و ملت پروری و وطنخواهی خویش یوماً فیوماً مراتب اعزاز و امتیاز و افتخار و اعتبار جناب محمد نادر خان و تمام افراد فرخ نهاد خاندانی شان در ترقی و تزاید بود، و عمدهٔ امور ملکی و نظامی در مواقعیکه بر دیگران اعتماد و اعتبار نمی شد، و یا کدام اصلاح مطلوبه حسب دلخواه از سائرین توقع نمیرفت، بیکی از افراد این دودمان صداقت بنیان اعطامی شد.

بهترین مصدق این مطلب همانا وجود مفاخر آمود سرداران عظام جنابان سردار محمد آصف خان و سردار محمد یوسف خان بود، که بحیثیت مصاحبین افخم دائم الاوقات بحضور پادشاه میبودند، و راجع باکتساب فضائل و اجتناب از رذائل و خدمت ملک و ملت و کندن ریشه های منحوس جهالت و خیانت، دائماً افکار خود ها را تقدیم میکردند.

و باز تقرر حضرتعالی سردار محمد عزیز خان است در مقام وزارت خارجه

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 126 of 711

این گروپ از شماره ۲۱ سال ۳ سراج الاخبار افغانیه منطبعه ۱۸ سرطان ۱۲۹۳ ش گراوشده است

(صف اول از طرف راست بچپ

(۱)جناب سردار سپه سالار محمد نادر خان (۲) جناب محمد سلیمانخان شاغاسی نظامی حضور (۳) مصاحب خاص اعلیحضرت جناب سردار محمد آصف خان (٤) مصاحب خاص اعلیحضرت جناب سردار محمد یوسف خان (٤) جناب محمدعزیز خان شاغاسی خارجه حضور

صف دوم از طرف راست بچپ : —

(۱)جناب محمد علی خان کرنیل رساله شاهی (۲) جناب شاه ولیخان رکاب باشی حضور (۳) جناب احمد شاه خان سرمیر اسپور حضور (٤) جناب محمد هاشم خان سرسروس حضور (٥) جناب شاه محمود خان سرخان اسپور حضور .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 128 of 711

عصر سراجیه، وبودن عالیشان عزت وشجاعت بنیان سردار محمد هاشم خان نائب سالار نظامی هرات، وتقرر والاشان جلالتمآب سردار محمد سلیمان خان به نائب الحکومه گی هرات است، که این ذوات محترم این وظائف بزرگ شان را بچنان درستی وخوبی انجام داده اند، که الی الآن حسن اعمال ورفتار صداقت آثار شان ضرب المثل وورد زبان صغار وکبار افغانستان است.

برعلاوهٔ آن ذوات معظم آتی الذکر ازین خاندان جلیل الشان بمناصب افتخاری آتی حضور شهریاری (که درواقع یک یک اسم مصاحبی وهمراهی خصوصی شان بود در سفر وحضر بحضور آن شاه جلیل القدر) نیز نائل بودند:

جناب سردار شاه ولیخان برادر سپه سالار، رکاب باشی حضور.

" " شاه محمود خان " " : سرسراوس " .

" " محمد علی خان " " : برگدغند سپور اولیان " .

" " احمد شاه خان پسر عم سپه سالار : سرمیر اسپور " .

" " احمد علی خان نواسه " " : سرخان " " .

با این همه جاه وجلال، حشمت واقبالیکه از فضل خدای متعال بواسطهٔ صداقت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 129 of 711

و امانت و حسن اخلاق و رفتار عالی العال باین خاندان صاحب کمال حاصل و موجود بود، عموماً هر هر فرد این دودمان بغیر از خیر اندیشی حکومت و فکر سعادت ملت و وطن دگر فکر و ذکرے نداشتند و بجز از تواضع و انکسار و همدردی باصغار و کبار اثری از خود غرضی وغیره اوضاع لایعنی در وجودشان دیده نمیشد.

به صفات پابندی با وامر دین حضرت سید المرسلین و صمیمیت با شهریار مسلمین و اخلاص و محبت با مملکت و باخبری از چگونگی اوضاع عمومی ملت و عزت و احترام بزرگان و مراعات مراتب شفقت و الفت با خورد آن متصف و معروف، و بنظر عموم طبقات ملت و اعیان حکومت محبوب و مرغوب بودند.

محبوب القلوبی خاندان نادری

در انظار عمائد حکومت، و عامهٔ افراد ملت

بواسطهٔ همین رفتار نیک و اخلاق حسنه و خیرخواهی حکومت و طرفداری از آرامی وطن و نیکنامی عمومی تبعهٔ افغانی که از صفات ممتاز این خاندان عالیشان مخصوصاً از ذات بابرکات محمد نادر خان سپه سالار بود، و همیشه از دست و زبان اوشان برای مردم رفاه و سعادت حاصل میشد، و گاهی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 130 of 711

از اوشان باوجود این تقرب سلطان و اشغال مناصب کلان و عظمت و اقتدار فراوان باحدی ضرر و اذیتی از وشان واصل نمی شد عموم افراد ملت آنها را بنظر عزت و احترام میدیدند، همچنین تمام احزاب ملی و طبقات سیاسی، بواسطهٔ صداقت و امانت و صفات برگزیدهٔ شرافت و نجابتیکه درین ذوات صاحب درایت موجود بود، از اوشان توقیر و طرز عمل شان را بالعموم تحسین و از فراهم آوری مساعدتهای لازمه و معاونتهای اخلاقیه، در پیشرفت امور متعلقهٔ شان که تماماً برای خیر و بهبود ملک و ملت، و تحکیم و تشیید حکومت میبود، خود داری نمیکردند.

اجمال واقعهٔ شهادت امیر شهید

و انقلاب سنه ۱۲۹۷ در جلال آباد

مع الاسف اعلیحضرت امیر حبیب الله خان در سالهای اخیر سلطنت شان (که از نقطهٔ نظر سیاسی و اثرات حرب عمومی خیلی مهم بود) کاملاً از امور مملکتداری بی پروا، و بشکار و مجالس تفریحی و انواع ساعت تیری مصروفیت زیاد پیدا کرده، همه امور را به برادر و فرزندانش سپرده، خودش را گل بیخار قرارداد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 131 of 711

از یکطرف این بی اعتنائی اعلیحضرت و از جانب دیگر تشبثات غرضجویانه اضراب خیانت، (در سفر شتائی ۱۲۹۷ موکب سراجی که حسب معمول سنوات ماضی بعمل آمده بود) بشکارگاه کله گوش لغمان آن شاه مظلوم را در لیل پنجشنبه ۱۸ جمادی الاولی ۱۳۳۷ شهید ساخت، اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ.

سردار نصرالله خان نائب السلطنه با جنازهٔ امیر شهید از لغمان وارد جلال آباد شده امر داد تا نعش شاه شهید را در میدان گلف که مقابل سراج العمارت است دفن کنند، و در عین زمان سلطنت خود را هم اعلان کرد، سردار عنایت الله خان معین السلطنه و سردار حیات الله خان عضد الدوله و دیگر افراد خاندان شاهی که در جلال آباد حاضر بودند، و شاغاسی های حضور، و عموم زعمای امور و قوای نظامی و افراد ملکی مشرقی با او بیعت کردند.

امیر نصرالله خان اطلاع این امارت خود را طوریکه بعامهٔ نقاط افغانستان مخابره کرد، بمرکز کابل به سردار امان الله خان عین الدوله (که حیث وکالت ½ ۱ ماههٔ مرکزی را داشت و درین ایام موعدش هم بسر رسیده بود و میباید که در جلال آباد می آمد) نیز فرستاد، و از وی تقاضا کرد تا بیعت عموم طبقات مرکز را گرفته توأم بیعتش بحضور بفرستند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 132 of 711

لیکن عین الدوله امارتِ نصر اللهی را تحتِ تنقید گرفت و اراکینِ ملکی و نظامی مرکزی را با خود متفق کرده نه تنها از فرستادنِ بیعتش انکار، بلکه خودش مدعی تاج و تخت شده در کابل بیک طمطراقِ زیاد سلطنتش را اعلان، و به امیر نصر الله خان و عموم طرفدارانش انذار حرب فرستاد.

درعین زمان از یکطرف تمام ذرائع خبر رسانی افغانستان زیر سانسور گرفته شد، و جمیع اعلانهای امارتِ نصر اللهی و فرامین شاهی مشرقی از بین راه گرفته شد، و تمام معابر و خطوط مواصله را تحتِ نظارتِ شدید عسکری گرفتند، و از طرف دیگر ذریعهٔ اعلانهای اشتعال آمیز خود و تبلیغاتِ جمعیت های متعددهٔ پروپاگندچی که بهر سمت و هر نقطهٔ مخصوصاً در مشرقی بتعداد زیاد ذریعهٔ موترها اعزام، و در ظرف شش ساعت به فتح آباد مواصلت و از انجا پیاده شده در اطراف ذیحق و امین و صالح الاماره بودن عین الدوله و قاتل بودن امیر نصر الله خان و ذی مدخل بودن تمام هیئتِ معیت او به پروپاگند شروع، و بمردم از عطا پاشی و خطا پوشی و بخشش های حکومتِ امانی داستانها را تذکار، و اعلانهای رقت افزای امانی را که بتعداد زیاد، بر له حکومتِ کابل و بر ضد حکومتِ جلال آباد، با خود داشتند توزیع، و عامهٔ

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 133 of 711

اهالی و تمام افراد نظامی را بنام خونخواهی امیر شهید تحضیض داده میگفتند که عین الدوله تنخواه عسکر را فی ماه بیست روپیه منظور و بعسکر امر میکند، تا در القای یک بلوا، و برپا کردن یک آشوب قیامت نما، علی الفور اقدام نمایند و تمام هیئت معیت امیر نصر الله را تار و مار، و عمائد و اراکین سلطنت را گرفتار کنند.

در اثر این تشبثات اساسی و اقدامات مؤثرهٔ حکومت امانی نه تنها سلطنت نصر اللهی سقوط، بلکه یک هرج و مرج شدیدی سرتاسر مشرقی را فرا گرفت، اشخاص معظم و اراکین بزرگ حکومت سراجیه، که در ان ضمن خاندان سردار یحیی خان و فامیل امیر نصر الله خان و منسوبین و متعلقین سردار عنایت الله خان معین السلطنه هم شامل بودند یکی بعد از دیگری بندی شده محبوساً بکابل فرستاده شدند.

چون مسئلهٔ خونخواهی امیر شهید یک آلهٔ موفقیت حکومت امانی، و بهترین ذریعهٔ بدنام ساختن آن اراکین سلطنتی قرار داده شده بود، که در مشرقی بمتابعت معین السلطنه و دیگر دودمان شاهی به امیر نصر الله خان بیعت کرده بودند همین که آن بازار طلسم بدون استعمال سلاح و یک مقاومت جدی در اثر یک

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 134 of 711

مرحوم امیر نصرالله خان نائب السلطنهٔ عصر سراجیه که بعد از شهادت برادرش اعلیحضرت امیر حبیب الله خان سراج الملة و الدین در مشرقی با بر تکلیف عمومی برار یکهٔ پادشاهی نشست، و در اثر پروپاگند حکومت امانیه در اواخر سنهٔ ۱۲۹۷ ش سلطنتش سقوط کرده خودان مظلوم بچنان یك محبس شدیدی افتاد که دران بمدت قلیلی جانش را بجهان آفرین سپرد

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 136 of 711

پروپاگند فرضی و تحریکات انقلابی شکست، و میدان برای امیر امان الله خان خالی ماند، و قاتل اصلی را هم نه تنها او خوب میشناخت، بلکه اکثری از اهالی افغانستان میدانستند که کجاست و می شناختند که کیست؟ لهذا اولتر منسوبین خاندان سردار یحیی خان مرحوم، که دران ضمن سپه سالار صاحب هم بود رها کرده شدند و بعد از ان معین السلطنه خلاص شد، تنها امیر نصر الله خان مظلوم بندی ماند، و در همان محبس جانش را بجان آفرین سپرد.

چون اعطای تفصیل اینطور مضامین از اساس موضوعهٔ این کتاب خارج بود درینجا محض جهة ربط واقعات بهمین قدر اجمال اکتفا شد زیرا یقین داریم اکثری از اهالی افغانستان از اسباب و علل این واقعه پوره واقف اند[1].

---

(۱): باز هم اگر ناظرین خواهان تفصیل این واقعات باشند بصفحهٔ ۵ الی ۱۲ شمارهٔ اول سال اول منطبعهٔ ۲۲ حمل امان افغان و صحائف ۳ و ۴ شمارهٔ ۲ سال اول منطبعهٔ ۷ ثور امان افغان و صحیفه های ۴ الی ۷ شمارهٔ ۳ سال اول منطبعهٔ ۲۲ ثور سال ۱۲۹۸ امان افغان مراجعه فرمایند. که از قلم آقای عبد الهادی خان مدیر آن تحریر شده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 137 of 711

علل و اسباب موجبهٔ محاربهٔ استقلال

بالجمله چون امیر امان الله خان بدون اشکال و موانع، تاج و تخت افغانستان را باین وسائل و وسائطیکه اجمالش مرقوم شد اشغال، و میدان را از اعمام و برادرانش ربود، در صدد تحکیم و تشیید قوائم امارتش در دیگر ولایات و حکومات افغانستان برآمد و در پی شناختاندن خویش بحکومت انگلیز افتاد زیراکه باوجود اعمام و اخوان بزرگش ازین ادعای بلا استحقاق شاهی او همانطوریکه در داخل افغانستان تمام زعمای امور و اولیای حکومت و عامهٔ ملت در ورطهٔ حیرت و استعجاب افتاده، در موضوع قبولیت او بشاهی افغانستان تردد داشتند، حکومت انگلیز هم رسماً از شناختن او بشاهی افغانستان درحالیکه عم معظم و برادران بزرگش موجود بودند، استنکاف داشت.

درینموقع شاه امان الله خان بحیرت افتاد که بکدام اصول جلب توجهٔ ملت را بخود حاصل، و هم حکومت انگلیز را بشاهی خود قانع سازد، همان بود بدون تدقیق، و سنجش (درموقعیکه از عسکر و ذخائر حربی خود هم معلوماتی نگرفت، و نه آنقدر پولی داشت که بتواند مصارف مکمل محاربه را تا جریان طبیعی آن تأمین کند) بهترین طریقهٔ موفقیت را در اشغال مقام سلطنت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 138 of 711

انداختن ولولهٔ جهاد را در ملت اسلامی افغانستان دانسته، در بدو امارت خود اعلان غزا را محض ازین نقطهٔ نظر داد، تا باین وسیله وحدت حقیقی ملت را که در همه مواقع، نظر به اقتضای طبیعی و مقررات دینی و ذوق فطری و شجاعت جبلی ملت دیانت طویت افغانستان، خود بخود بوجود می آمد تشکیل، و ازین مراعات جذبات عمومی و چیزیکه دائماً ملت افغانستان در هوس و آرزوی آن می طپیدند و از فقدان آن بخود می پیچیدند، جلب محبت مردم را بخود تحصیل، و باین وسیله پادشاهی خود را بر انگلیس بقبولاند.

اجرای سوقیات افغانی

و تهیه گرفتن امور حربی

لهذا اعلیحضرت امان الله خان موقع را غنیمت دیده علی الفور بنام حفظ و تأمینات سرحدیه یک یک فرقه از ان قوای منظمهٔ عسکری را که سپه سالار صاحب آنرا بهزار زحمت و مشقت در عصر سراجی تحت تعلیم و تربیه گرفته بود، و یک فوج بسیار زبردست و منظم بود، و اگر بصورت صحیح از آنها کار گرفته میشد و مشکلاتی که از هر طرف آنها را زیر تضییق و فشار گرفته بود، از راه پیشرفت شان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 139 of 711

برکنار میشد، البته مصدر بسا شجاعت وافتخار میشدند؛ بهمه حواشی سرحد ونقاطِ لازمه سوق داد، وبهمراه تمام این قوای اعزامیه باندازهٔ لازمه تجهیزات و ذخائر حربیه، از ان مخازن وجباخانه های احتیاطی که در موقع سپه سالاری نادری، ذخیره وتهیه شده بود، نیز فرستاده شد.

نفیر عام جهاد جهة اشتراک عامهٔ ملت شجاعت مدار، درخطِ محاربه، نواخته شد؛ واز هرطرف بجار متموج غزاة ومجاهدین بکمالِ جوش وخروش تمام آن اطراف ونواحی سرحدی راکه درخورِ دفاع وتعرض بودند، در تلاطم خود گرفته، بدونِ عایت وترتیب واتخاذِ اوامر وتطبیق یک سلسله وانتظام مقتضیهٔ حربیه (که اجرا ونظارتِ این امور از وظائفِ مهمهٔ حکومت بود) وبعض نقاط دربین طرفین تصادم هم واقع شد!

همچنین اعلانهای جهاد جهة تشویق وتحریص اقوام تهور مقام سرحدی نیز ترسیل، وهمه قبائل وعشائر سرحدیه برعلیه حکومتِ هند یک پارچه آتش شده (آنها هم بدون از مراعاتِ نقشهٔ مقررهٔ که دراعطای آن مرکز افغانستان اغفال شدیدی کرده) اطراف وحوالی خودرا درالتهاب وسرگردانی متوالی گرفتار نمودند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 140 of 711

عساکر درجه اول عالی العالِ افغانی که عبارت از غند اردل وار دلی ورسالهٔ شاهی بود، با لوازم وتشکیلاتِ لازمهٔ آن از قبیل ماشیندار و توپهای متنوعه، تحتِ قیادتِ عالیجاه صالح محمد خان سپه سالار درجه اول و وزیر حربیه ویکعدهٔ از صاحبمنصبان دیگر (که موظف و با مورد فاعیه و تعرضیهٔ تمام سرحدات افغانی از شنوار تا اسمار بودند) و لشکرهای مجاهدین ملی را بمشرقی اعزام و در انجا با قوای محلی قومی و نظامی که به پیمانهٔ بسیار وسیع و حرارتِ زیاد، تماماً تهیه گرفته، بانتظارِ ورودِ امر مرکز و قائد عمومی بودند، ملحق و داخل اقداماتِ قبل از وقت شدند.

هم جناب شاغاسی عبدالقدوس خان اعتماد الدوله را با یک فرقهٔ مکمل الاسبابِ درست و یک قوهٔ مکفیهٔ مجاهدین وطنی جاده پیمای ولایت قندهار نموده در آنجا با قطعاتِ جسیمهٔ قوای ملی سمتِ مغربی و نظامی مقامِ آنجا ملصق و در صدد اجراآتِ مقتضیهٔ جهاد شدند.

مع الاسف این جوش و خروش مجاهدین ملی و نظم و ترتیباتِ مکملهٔ نظامی بواسطهٔ انتخاباتِ ناموزون و سوء اداره و عدم سنجیدن یک پلان معقول جهة امور تعرضیه و دفاعیه و بدنظمی در رسانیدن آذوقه و دگر

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 141 of 711

خطاهای ناقابل عفو در امور تعبیوی و سوق الجیشی و عدم رعایت مقررات لازمهٔ حربی که تماماً از طرف خائنین و بعضی زعمای امور مرکزی و قشونی عامیانه و ناعاقبت اندیشانه اجراآت میشد، اثرات مطلوبه و نتائج لازمهٔ خود را نداد، بلکه در برخی از نقاط عوض منفعت خساره و عدم موفقیت را هم بنصیب قوای اعزامیهٔ ما آورد و آن عسکر منظمی را که سپه سالار جهة دفاع از اضرار متوقعهٔ حرب عمومی ترتیب کرده بود، بعضی قوماندانهای متلون المزاج بی استقامت معرفی کردند.

اعزام موکب نادری بسمت جنوبی
جهة حصول شرف و استقلال ملی
به حیثیت یک قوماندان حربی

درین ضمن حضرت عالی محمد نادر خان سپه سالار عصر سراجی را که درین ایام موقتاً بیکار، و در خانهٔ خود با قلب فکار، این واقعات متنوعه و سوء اداره را بکمال حیرت مشاهده میکردند، امیر امان الله خان بکمال اعزاز و احترام بحضور شان مدعو، و به او شان اظهار کرد «که قوای عمده و سامان مکملهٔ ما با افواج ملکی و قوای نظامی و قومی همان است که بسمت مشرقی و مغربی افغانستان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 142 of 711

به تحت سرافسری دیگر صاحب منصبانیکه از حضور ما مستقیماً مقرر شده اعزام شدند»

«چون فعلاً بدست ما اینقدر یک قوه هم نیست که حسب مطلوب بتواند، از عهدهٔ دفاع سمت جنوبی برآید، بهتر است که شما محض بنام خدمت اسلام وحفظ شان وشرف ملی وکسب آن مفاخر تاریخی حربی که از سالهای دراز ذوق حصولش را بخاطر میپروراندید، قوماندانی عمومی منطقهٔ مهمهٔ جنوبی را بکف باکفایت خویش گرفته باهمین نفری باقیمانده وسامان موجوده علی الفور عازم سمت جنوبی شوید، زیرا که این ناحیه شدیداً از خطر وبیشتر تصور سوق الجیشی خصم ازین نقطه که بمرکز بسیار زیاد نزدیکست بخاطر میرود..»

«هرچند میدانم که جناب شما نظر بآن اوضاع ناملائمی که مع الاسف ناحق وبی موجب بادود مان تان در اثنای انقلاب جلال آباد، از طرف حکومت من مرعی شده شکسته خاطر میباشید، اما از حسیات وطنخواهی وجذبات ملت پروری تان یقین دارم، درین فرصتیکه وطن در خطر است وافغانستان فهمیده یا نافهمیده اعلان حرب داده، مصروف امور سوق الجیشی است، تا بحفظ شان وشرف ملی خود نائل شود، شما

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 143 of 711

گاهی آن امور را که بمسائل شخصیهٔ ما و شما متعلق است اهمیت نمیدهید؛ و بکمال آن فعالیت و شطارتیکه مخصوص ذاتِ شما است، بسم الله گفته، عازم سمت جنوبی میشوید، تا درین کشمکش موت و حیات محض جهتِ حفظِ شئوناتِ ملیه و سیاسیهٔ این وطن اسلامیهٔ خود، شما در جنوبی و دیگر عساکر ظفر مآثر تربیت یافتهٔ دستِ شما، در مشرقی و مغربی و دیگر سرحداتِ افغانی باتفاقِ قوای ملی حسبِ هدایاتِ واصلهٔ مرکزی، داخل اجراآتِ موثرهٔ حربی شوید.»

«من امید میکنم که با اینکه عسکر معیتی شما کم، و با آنهم غیر منظم و سامان و لوازم حربی شما حکم کالعدم را دارد، ولی نظر به محبت و رسوخیکه شما در جنوبی دارید و به برکت عزم و استقامت و دانشوری که خدا بشما عطا کرده است اغلباً موفق میشوید.»

«چون وقت کم و فرصت باریک میباشد، بهتر است که از حالا تهیهٔ سفر خود را ببینید و یک آن اولتر عازم سفر شوید.»

سپه‌سالار بدون اندیشه و تردد، از شنیدن این اختصاص برای شان و شرف وطن (بچنان یک مسرتیکه کدام یک متاع گرانبهائی را یافته باشد)

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 144 of 711

داوطلبانه این خدمتِ بزرگِ باشرف عسکریت را قبول، و نسبت بآن جفای حکومت و بی احترامی که اعلیحضرت از وقوع آن معذرت خواستند یک لفظی راهم ایراد نکردند.

فقط اینقدر گفتند: «باک ندارد اگر دگر قوماندانهاے محترم آن عساکر وقوای صاحب تعلیم و تجربه‌ام را که از چندین سال من بآنها تعلیم داده‌ام و روابط دارم و از روحیات شان باخبرم با سامانِ مکفیه و تمام لوازم مهمه باخود برده اند، چون من متکی بلطف خدا و باز متسلی بر آن حسن گذارهٔ خودم هستم، که با اقوام و عشائر جنوبی در سنه ۱۲۹۱ ش نموده ام، اینک بکمالِ ذوق و محبت حاضرم، که برای خدمتِ وطن خود درین موقع نازک علی الفور برای جهاد عازم سمتِ جنوبی شوم، تنها اجازه میخواهم که ارجمند شاه ولیخان رکاب باشی و شاه محمود خان سرسراوس و جناب حضرت صاحب شور بازار را باخود ببرم و هم توقع میکنم تا همه عرائض و پیشنهادهایم را، که از محاذ جنگ بشما بفرستم حتی الامکان اجرا و در محل تطبیق بگذارید».

بعد از ختم این مذاکرات در اوائل رجب المرجب سنه ۱۳۳۷ ق / ۱۲۹۸ ش حضرت عالی سپه‌سالار با دو برادران و عدهٔ از دوستان و همسلکان خویش و یک

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 145 of 711

کندک نظامی و دو طوپ هودزر و هشت ضرب طوپ نه پن قاطری و صد سوار شاهی و یک اندازه جبا خانه از مرکز کابل عازم سمت جنوبی شدند، شب اول را در چهار آسیاب و دوم را در کلنگار و سوم را بالتمور گذرانیده روز چهارم داخل حدود گردیز شدند، و بعسکری امر دادند تا از عقب شان بیایند »

مراسم تعظیم و احترام شان هم بدار السلطنهٔ کابل از طرف شاه و زرا و عامهٔ خلق الله، به پیمانهٔ بسیار اعلی بجا آورده شد، و هم در تمام نقاط عرض راه جمعیت های نهایت انبوه مردم، رسم پذیرائی این سرعسکر خجسته پیکر را به منتهای اخلاص و صمیمیت بجا آوردند، از شنیدن نطقهای شجاعت آور او شان مسرور و تماماً یکی بعد از دیگری تهیه دیدن شان برای جهاد خود ها را آماده میکردند .

چون ما بقی واقعات سپه سالار که در عرض راه الی فتح تهل وغیره واقع شده مجملاً در امان افغان مرقوم است، اینک نگارنده حالات ما بعد از ۲۰ رجب ۱۳۳۷ را ذیلاً از ان اخبار اقتباس میکند که آقای عبد الهادی خان مدیر امان افغان آنرا از یکی از نامه نگاران حربی خود گرفته است :-

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 146 of 711

اجراآتِ عالی وحُسنِ مساعیِ سپه سالارِ غازی

درموقعِ جهادِ استقلالِ ۱۲۹۸

(۱)

(از قلم یك نامه نگار حربی امان افغان)

«.....۲۶ رجب چون جناب سپه سالار محمد نادر خان و برادران گرامی قدرشان، بعد از منزل التمور به قلعهٔ سفید که تقریباً بر مسافت سه کروه از التمور واقع است رسیدند، مردم منگل وغیره جوق جوق جمع آمدند وگردشان حلقه انداخته اظهار جوش وخروش نمودند. تفنگ هاے شادمانی را فیر ونقاره های مسرت را نواختند، این همه مسرت وشادمانی شان ازینجهة بود، که ایشان باز مربی قدیمی خود را دیدار نمودند، اینها تا این وقت از عزیمتِ جهاد خبر نبودند، این جم غفیر همرکاب سپه سالار صاحب به قلعهٔ بالاحصار گردیز رسیده در آنجا جناب سپه سالار مردم را بواسطهٔ یك تقریر موثر از عزیمت خود بسوی جهاد اطلاع بخشید، عموم را برای عفو قصور وتقصیر یکدیگر هدایت نموده به اتحاد واتفاق تاکید فرمودند،

(۱) منقول از صفحهٔ ۵ پ، شمارهٔ ٤ منتشرهٔ ۱۸ سرطان ۱۲۹۸ سال اول امان افغان.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 147 of 711

مردم بجوش و عده کردند که برین گفتار سپه سالار رفتار، وخود ها را با افتخار و در جهاد کامگار خواهند کرد.»

«۲۷ رجب: فرقه های اقوام مختلف در بالاحصار گرد آمده جوش وخروش خود ها را نسبت بغزا اظهار نمودند، جناب مستطاب هر طائفه را از شرف جهاد مطلع کرده برای آماده شدن آنها باجرای آن، هدایات فرمودند..

«شوق مردم ازین اطلاع غزا مضاعف گردید، نوشتن وقلم بند کردن این شوق مسلمانان از احاطه و قدرت قلم خارج است، جوش مردم را دیده تقریر پر اثر جناب سعادت مآب سپه سالار صاحب را شنیده یک عالم غریب قلوب حضار را فرا میگرفت، چشم ها از مسرت پر نم میشد، سخن کوتاه هر روز همین عالم بود، وهمین جوش، اعادهٔ این را ضروری ندیده درینجا فقط کوایف ضروریه را قلم بند می نمایم:»

«۲۸ و ۲۹ رجب الی غرهٔ شعبان راهم در اجراآت مهمه والقای جوش وخروش وترتیبات لازمه گذرانیدند».

«۱، ۲، ۳، ٤ شعبان هم درهمین موضوع گذشت، جناب سعادتمآب سپهسالار صاحب مردم را ترغیب وتحریص وتشویق مینمایند، جوش

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 148 of 711

وخروش مردم روز بروز مترقی است، مناقشهٔ باهمی داخله قریباً مرفوع وعلائم اتحاد واتفاق درهمه جا مرئی است.»

«۵ شعبان: امروز بوقت ۹ بجه جناب سعادت مآب فوجی گردیز را ملاحظه وبرای امتحان بغیر توپ امر فرمودند ۹½ بجه به لینیکه بفاصلهٔ قریب یک میل بطرف شمال مغرب بالاحصار واقع است رسیدیم، بفاصلهٔ قریب ۲۰۰۰ گز آماج را نصب وچهار عراده توپ را برای نشانه کردن آماج امر، وهدایت ضروریه را برای توپچیان تبلیغ نمودند، توپچی ها فیر کرده گلولهٔ اول از آماج سر وبه نشان نخورد، جناب سعادت مآب غلطی توپچی ها را تصحیح نموده، باز امر "اور" ایراد نمودند، سه گلوله ها بدرستی فیر شد بعد از ان یک شرابنل فیر کرده شد، تا که نشانه بدرستی معلوم شود، شرابنل دوم فیر شد به نشانه خورد، سپس چهار شرابنل یکجا فیر شد، هر چهار بدرستی به نشانه خوردند.»

«۶ شعبان: جناب سعادت مآب سپه سالار امر فرمودند، که فوج گردیز نشانه زدن توپ ها را مشق کنند، نزدیک تپهٔ ماران که بالای چشمهٔ ماران است، فوج مذکور چاند ماری کرد، انتظار

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 149 of 711

اردو هر روزه کرده میشود (۱) مردم عام و خاص چشم براه هستند، دیروز طوفان باد شروع، اکثر خیمه‌ها را کند، درین ضمن خیمه ما هم کنده شد بعضی نقشه هائی را که تیار میکردم قدرے خراب شد.»

« ۷ شعبان: امروز بخیر و عافیت اردوی معلی رسید، جناب سعادت مآب ایشان را "مانده نباشید برادرها" فرموده با آنها جور پرسانی کرده یک نطق مؤثر را ایراد نمودند، و از یکسر بدیگر سر عساکر نظامی و ملکی گروش کنان همه ایشان را ملاحظه فرمودند، و در آخر جناب سعادت مآب سپه سالار، امر "لوی سلامی" را اعطا، ورود بقبله سلامی اعلیحضرت را بجا آوردند، بعدًا به خیمه خود تشریف آورده منصبداران را، "مانده نباشید برادران" فرموده و همراه شان معانقه و مصافحه کرده در طی نطق خود فرمودند: "الحمدلله که خداوند تعالی ما یانرا برای این خدمت معظم و مقدس منتخب فرمود، از شما یان امید دارم که فرض خود را بدرستی و صداقت بجا خواهید آورد، تا خداوند تعالی و حضرت رسول الله (ص) و حکومت اسلام

(۱) اردو عبارت از همان قوهٔ نظامی است که در صفحهٔ (۱۰۵) مذکور است، علت عقب ماندن شان اینکه سپه سالار صاحب با اخوان شجاعت مدار و دگر مقطعانش بعد از تودیع مرکز حرکت شانرا پیشتر از عسکر برای تنظیمات و اجراآت مطلوبه سمت جنوبی تصمیم کردند، چنانچه چند روز پیشتر از وصول عسکر به جنوبی شروع باقدامات مؤثر کرده شد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 150 of 711

از ما رضامند باشند، بدرگاه الهی دعا میکنم خداوند تعالی ما را پیش پادشاه اسلام و برادران عسکری و ملی ما نشرماند» حضار صدای آمین آمین را بلند کردند نماز شام را همین جا ادا نموده بعد طرف بالاحصار مراجعت نمودند»

«۸، ۹ شعبان: جناب سعادت مآب سپه سالار بوقت ۱۰ بجه بفرودگاه تشریف بردند، پریت شد یک تقریر مؤثر را ایراد فرمودند که هر لفظ آن تأثیر منفعت بخشی را پرتاب نمود، بعد از پریت، فوج از طرف خود برای جناب سعادت مآب چای تقدیم نموده اتن ملی را برپا نمودند، حضار بسیار محظوظ شدند، عسکر ملکی هم اتن کردند، جناب سعادت مآب اتن کنندگان را مبلغ سه صد روپیه انعام داده مرخص فرمودند، جناب حضرت صاحب بوقت ۳ بجه روز [از کابل] تشریف آوردند، سرسراوس صاحب شاه محمود خان، برای استقبال شان رفتند، حضرت صاحب فوج را نصیحت و تشویق به جهاد فرمودند.»

«۱۰ شعبان: الحمدلله خیریت است، در سائیکلوستائل اشتهارات ضروریه برای اصلاح قبائل، چاپ کرده روانه شد، تمام شب بر سائیکلوستائل کار جاری بود.»

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 151 of 711

« ۱۱ شعبان باد و طوفان سخت آمد اکثر خیمه‌ها کنده شد، بعد از یکساعت قدری باران شد، در علاقهٔ گردیز طوفان باد عموماً میخیزد، ازین سبب ما گردیز را گردیز میگوئیم. »

اعزام جنابان شاه ولیخان و شاه محمود خان بجاده‌های مفوضه شان

« ۱۲ شعبان نقشه‌های کرم و وزیرستان که از چند روز بسر دست بود، به تکمیل رسید تا یکعدد از آن ارکاب باشی جناب شاه ولیخان بغرض توزیع نمودن در مسعود، و باقی آنرا جناب سرسرداوس صاحب شاه محمود خان بکوتل پیوار، جهت استطلاع عامه با خود ببرند؛ از مرکز اطلاع اعلیحضرت رسید که در سوقیات مشرقی بینظمی واقع شده است، از استماع این خبر یک افسردگی قلوب سامعین خاص را فرا گرفت برای فتح و خیر اسلام دعاها کردند، و لزوماً این اطلاع را بصورت مژدهٔ فتح لوارک وغیره بعسکری و قوای قومی آنجا ابلاغ نمودند، چنانچه این مژده تاثیر عجیبی بخشید[1]، درین روز نقشه کشی کرم شروع شد. »

« ۱۳ شعبان: برای تشویق اقوام سرحد دیگر اشتهارات چهاپ شد، برای اصلاح توری اعلان طبع گشت، که در صورت خدمت آن جوئی که

(۱) ناظرین عزم قوی و ارادهٔ (نادری) را ازین امر تخمین کرده میتوانند همچو وقایع مهم که فکر رجال مرکزی را مشوش و کابل را متزلزل کرده، باوشان اثری را وارد نمی کند، بلکه بالعکس موجب مزید شجاعت و غیرت و اقدامات جدی اوشان و قوای معیتی شان میگردد، اگر درین موضع نانک لطف الهی برانگیزندهٔ عرق حمیت جناب محمد نادر خان وطن دوست نمی شد، البته آن نتایج خوشگوارے که ازین جنگ پیدا شد و شرف و عزت و افتخار حقیقی وطن را نمود در ساحت گاهے بدست نمی آمد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 152 of 711

پیشتر ملک شانرا آبیاری میکرد، والحال بند است، باز جاری خواهد شد»

«بوقت ۹ بجه جناب شاه ولیخان رکاب باشی بمعیت حضرت صاحب (نور المشائخ) عازم ارگون جهة ملحق شدن به مسعودها و وزیها شدند، جناب سعادت مآب سپه سالار صاحب پیش روی فوج اعزامیهٔ محاذ مسعود یک تقریر پر تأثیری ایراد نمودند، جناب رکاب باشی صاحب از طرف فوج خود جواب پرجوشی را عرض کردند، و بعد از یک دعای مخلصانهٔ رقت آوری توکل بخدا کرده روانه شدند، فوج جناب شاه محمود خان سراوس صاحب را که عازم کوتل پیوار بودند، جناب سعادت مآب سپه سالار، بعد از تشویق نمودن به جهاد مرخص فرموده و بخدا سپردند، جناب سرسراوس صاحب طعام چاشت را صرف نموده بوقت یک بجهٔ روز روانه شدند.»

«درین اثنا خبر قطع مناسبات رسید الحمد لله بسیار خورسند شدیم، برای جناب سرسراوس صاحب و رکاب باشی صاحب این خبر و اشتهارات فرستاده شد»

«۱۴: شعبان: جناب سعادت مآب در انتظام بارگیر و آذوقهٔ اردو

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 153 of 711

که بخیر فردا عازم خوست خواهند شد، مصروف بودند، بواسطهٔ اشتهارات چهاری به عسکر و افواج چهاونیهای سمت جنوبی هدایات ضروریه برای مدافعه، خلاف هجوم آوری جهاز هوائی در وقت حرکت و قیام فرستاده شد.»

حرکت جناب سپه سالار از گردیز بعزم جهاد

«۱۵ شعبان: قریب ۹ بجه عسکر شجاعت اثر بقرار هدایتیکه دیروز نشر شده بود برامد، اول توپخانه کوچ داده شد، در عقب آن بفاصلهٔ صد گز فوج پیاده برآمد، جناب سعادت مآب سپه سالار از بالا حصار برآمده بر سر راه فوج را ملاحظه فرمودند، برای سلامی اردو، توپ ها فیر کرده شد، جناب فضیلت پناه حضرت صاحب خطبهٔ جهاد را خوانده و نماز جمعه را در مسجد جامع گردیز ادا کردند، سپس یک تقریر مؤثر ایراد فرمودند، قریب یک بجه روانه شدند، راه بالکل خراب بود، سرک هیچ نبود، بارگیر توپخانه و هودز به تکلیف زیاد از ان مرور مینمود، نشیب و فراز، فرود آمدن نه صرف مردم پیاده را مانده ساخته بلکه اسپ و یابو هم زله و مانده میشد، بر سر راه مردم در اکثر جایها قرآن شریف را آویزان کرده بودند، فوج تیمناً از زیر آن میگذشت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 154 of 711

وهر کس قرآن شریف را می بوسید، بوقت پنج بجهٔ شام به منزل (دره) نزدیک شدیم .... مردم بجوش وخروش استقبال کردند، حتی مادرهای سالخورده هم درین هجوم مستقبلین شامل میبودند، وخود را برای جهاد پیش میکردند، جناب سعادت مآب آنها را انعام داده مرخص میفرمودند، اردوئی که پیشتر رسیده بود بجوش سلامی جناب سعادت مآب را گرفت، سپه سالار صاحب ایشان را (مانده نباشید برادران) فرمودند، داک آمده بود، در ضمن خطوط واصله یک اشتهار عام در باب کوائف پشاور که از طرف دپتی کمشنر آنجا نشر شده بود نیز موجود بود.»

«۱۶ شعبان: بوقت صبح مکتوب جناب سر سراوس صاحب شاه محمود خان رسید، الحمدلله آنجناب بخیر و عافیت بمنزل حسن خیل رسیده اند»

«بوقت ۹ بجه ازینجا کوچ شد، راه نسبت به دیروز زیاده خراب بود نشیب و فراز حسب معمول، مگر آب دریای جدران بران مستزاد است، ازینجهة بمشکلات سخت، سر دچار میشدیم، واز پای میماندیم. بعد از قطع نمودن ربع منزل یک منظر غریب بنظر برخورده تمام کوها وتپه ها شاداب وبر آنها درخت های جلغوزه، ارچه، بلوط وغیره روئیده بودند، این مناظر از منظره های سوئیڈزرلینڈ

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 155 of 711

در هیچصورت کم نبود ..... بر سر یک کوتل بالا شدیم، اینجا مردم ما را بدوغ تواضع کردند، درین محل یک دو مزار اولیای بزرگ است بوقت ۱۱ بجه در قریهٔ ملک مگس خان رسیدیم، مردم موکب نادر را بجوش و خروش استقبال کردند این علاقه نهایت حاصل خیز است، مردم میهمانی غریبانهٔ خود را بما تقدیم نمودند ماست و نان جواری فراوان آوردند، صدق و اخلاص شان بر قلوب حضار نقش گردید، بعد از صرف طعام جناب سعادت مآب قدری استراحت فرمودند، بعد از نماز ظهر ازینجا روانه شدند.»

«مردم در راه به اکثر جاها جمع آمده بودند، آتن برپا کرده نعره های "یا چهار یار" را بلند و تفنگ ها را بر هوا فیر میکردند، قریب ۶ بجه بمنزل (وزه) رسیدیم، جناب سعادت مآب با ملکان جدران ملاقات کردند.»

«در مابین قبائل جدران قبل ازین بسیار "بدی" بود، خانه های یکدیگر را میسوختاندند، باهم کشت و خون میکردند، از قلعه ها برامدن قطعاً غیر ممکن بود از یک قلعه قدری آب و آتش وغیره را بعضی نفری ما خواستند مالک آن از سر دیوار این چیزها را داد، مگر دروازه را باز نکرد، که مدعی ما دارد میگویند که ناظم دوست محمد خان حاکم اعلای جنوبی از مابین ملک شان بمعیت فوج هم

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 156 of 711

گذشته نمیتوانست، ملکان وعده کردند که بمنزل آینده همراه غازیان اقوام خود خواهند رسید.»

«۱۷ شعبان اردو علی الصباح کوچ کرد، جناب سعادت مآب بوقت ۹ بجه روانه شدند، راه نهایت خراب و نسبت به دیروز بدتر بود، غیر از سنگ نام و نشان ریگ یا گل دیده نمیشد، بعد از وقفهٔ هره ۵ دقیقه از میان دریا و شیلها گذشتن لازم می آمد، مشکلات طبیعی و مزاحم های قدرتی و بی امنی این سمت را ملاحظه و دقت باید کرد، مگر فضل خداوند تعالی شامل حال است، الحمدلله راه بخیر و عافیت قطع گردید، این منزل بسیار دراز بود، دریک جاے اسپ فقیر محمد خان مهاجر هندی بیطار، افتاد و سقط شد.»

«دریک قریه جناب سعادت مآب پایان شده نان چاشت را صرف نمودند، جناب فضیلت پناه حضرت صاحب نور المشایخ، هم همین جا پایان شدند غازیان قوم ملک نگس خان رسیدند، و آتن برپا کردند، حاضرین بسیار محظوظ شدند، منظرهٔ این علاقه بسیار دلکش بود، درختهاے انار، توت، زیتون روئیده بودند، بفاصلهٔ دو کروه از منزل مقصود نفری قومی ببرک خان برای استقبال آمده بودند، فرزند دویمینش لیوک خان، فوج ملکی را بویلے

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 157 of 711

"سلامکی" داده رسم تعظیم را بجوش و خروش بجا آوردند، مردم درینجا بیرقی را که بیکطرفش نوشته « نَصْرٌ مِنَ اللهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ » ودیگر طرفش نشان دولت علیه و الفاظ دولت خداداد افغانستان را جائز بود باخود داشتند، بعد از مسافرت نیم ساعت علاقهٔ (المره) شروع گردید، این علاقه نهایت حاصل خیز است، هر طرف باغات و مزرعه های سبز موجود اند ..... به ٦ بجهٔ شام در منزل (المره) که قریهٔ خان موصوف است رسیدیم، فوج بجوش سلامی جناب سعادت مآب را گرفت، موزیکه نواخته شد طبیعت سامعین بحال شد، پنجاه نفر مسعود که بیشتر در فوج انگریزی نوکر بودند از انجا منفصل و بحضور جناب سعادت مآب مشرف شدند، جناب سپه سالار صاحب با اوشان بسیار مهربانی فرمودند، ملکان (تنی، وزیری، مسعودی، خوست) نیز آمدند، در المره شرف ملاقات سپه سالار غازی را نائل شدند »

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 158 of 711

وصایای نادری برای قوای افغانی

آغاز پیشقدمی عشائر افغانی در خاک انگلیز

« ۱۸ شعبان، برای عسکر و فوج ملکی جناب سعادت مآب بواسطه اشتهارات هدایت فرمودند که در موقع پیشرفت و فتوحات، بمال رعایا و مسلمانان و هندوان هندوستان دست اندازی نشود، اگر کسی خلاف این حکم کرد از و سخت باز خواست خواهد شد، این اشتهارات برای سرداوس صاحب جناب شاه محمود خان و رکاب باشی صاحب جناب شاه ولیخان نیز فرستاده شد، و هم در دیگر مقامات ارسال گشت »

« به ملکان مسعود، وزیر، داور، تنی، و دیگر معتبرین نیز ازین اشتهارات داده شد، خبر آمد که مسعودها بنا بر وصایای نادری به حمله های خود شروع کرده اند هفتاد و پنج راس شتر که بچهاونی (سروکی) انگریزی در علاقه مسعود غله میبردند، بدست مسعودها افتاد که بر ۳۰ راس غله بار بود، و چهل راس آن خالی میباشد »

« امروز غازیان قوم تنی رسیدند، قریبا دو هزار نفر خواهند بود، تفنگ ها فیر کردند و شادمانیها نمودند، ۱۱ نفر از قوم تنی سیم تلغراف چهاونی (میرانشاه) را

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 159 of 711

کنده بودند، یک ستون آهن آنرا نیز بطور ثبوت باخود آورده اند، جناب سعادت مآب برای شان بهادری و سفر خرج و کارطوس دادند.»

«آب و هوای این علاقه گرم است. فصل پخته و تیار است توت هم پخته شده است. برک خان مبلغ چهار هزار روپیه برای مهمانی فوج اهدا نمود، بوقت عصر توپ های قاطری و هودزر فیر شد، پنج گله از قاطری زده شد همه بر نشانه بدرستی خوردند دو گلوله از هودزر فیر شد، یکی رون و دیگر بم، هر دو بدرستی به نشانه خوردند، اثر صدای توپ و مسافهٔ آماج و درستی نشانه، مردم را چنان متأثر کرد، که جوش و خروش شان بلا مبالغه چهار چند گردید. ایشان درباب موفقیت خود بفضل خدا متیقن شدند، خبر آمده است که مسعودیها (۲۲۰) راس اشتر دگر را هم که برای سردکی غله میبردند، گرفتند، بر همه غله بار بود.»

«درین مسئله جای شک نیست که حملات از نظرف بخوبی تا حال شروع نشده مگر: کجا دانند حال ما سبکساران ساحلها؛ نظر بر مشکلات راه و بی امنی ملک هرچه که از فضل خدا شده بسا غنیمت است.»

«الحمدلله مسعودها کار خود را آغاز کرده اند، همراه دیگر اقوام یاغستان و رعایای انگریزی عهد و مواثیق بسته شده، ان شاء الله بمجرد رسیدن فوج

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 160 of 711

ظفر موج بر سرحد، کامیابی بقدمبوسی غازیان ملت بیضای اسلام حاضر خواهد شد، فردا ۱۹ شعبان ان شاء الله از ینجا سوی خوست چهاونی (ماتون) کوچ است، چهاونی ماتون مرکز حرب این اردو که همراه جناب سعادتمآب سپه سالار رهست خواهد بود، ان شاء الله تعالی.»

«اینجا قلت کاغذ است برای چهاپ کردن اشتهارات وغیره کاغذ بکار میشود، از راه مهربانی کاغذ سفید روانه بدارید، برای خود بنده هم کاغذ سفید و کاغذ و پاکت داکی خرید کرده روانه بفرمائید.»

(از اردوگاه قدم)

آغاز حرب منظم در تمام سرحدات جنوبی

«روز ۲۰ و ۲۱ شعبان تاما در دلجوئی و تشجیع عساکر و اقوام و نصایح لازمه و اعطای پروگرام نقشه جات جنگ باآخر رسید.»

«۲۲ شعبان از محاذ وزیرستان و مسعود که در زیر سرکردگی جناب رکاب باشی صاحب شاه ولیخان میباشد، و مرکزش الحال چهاونی ارگون است، خبر آمد که نفری وزیرستان چهاونی وانا را که در جنوب و مغرب وزیرستان یک چهاونی مستحکم و حصین است محاصره نموده اند، نقشه ارسال خدمت است

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 161 of 711

نقشهٔ محاذ کرم و کوهات را عنقریب روانهٔ خدمت خواهیم کرد.»

«۲۳ شعبان نیز در اعطای پرگرامهای جنگ و تشجیع و تحریص عساکر گذشت.»

«۲۴ شعبان از طرف کوتل پیوار که زیر سرکرده‌گی جناب سرسلاوس صاحب میباشد، خبر رسید که دشمن بوقت شام ۲۱ شعبان بر سنگرهای ما هجوم آورد مردم توری، نظامی و ملکی درین هجوم شامل بودند، جنگ تا دو ساعت دوام داشت که دشمن عقب نشست، بوقت ۸ بجه ۲۱ شعبان باز دشمن در حد سرسنگ هجوم آورد جنگ تا سه ساعت جاری بود، دشمن بار عقب نشست فوج ما آنها را تعاقب کرد، و تلفات کثیر رساند، از طرف ما یکنفر شهید شد.»

«بهمین روز ۲۴ شعبان فوجی دشمن در حد سرسنگ سنگرهای نو تیار میکردند به فوج متعینهٔ ما اطلاع رسید، مایان فوراً هجوم بردیم یک صوبه دار میجر دشمن مجروح شد، و دشمن رو بفرار گذاشت فوج ما سنگرهای شانرا قبضه نموده وضعیت خودرا استحکام نمود.»

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 163 of 711

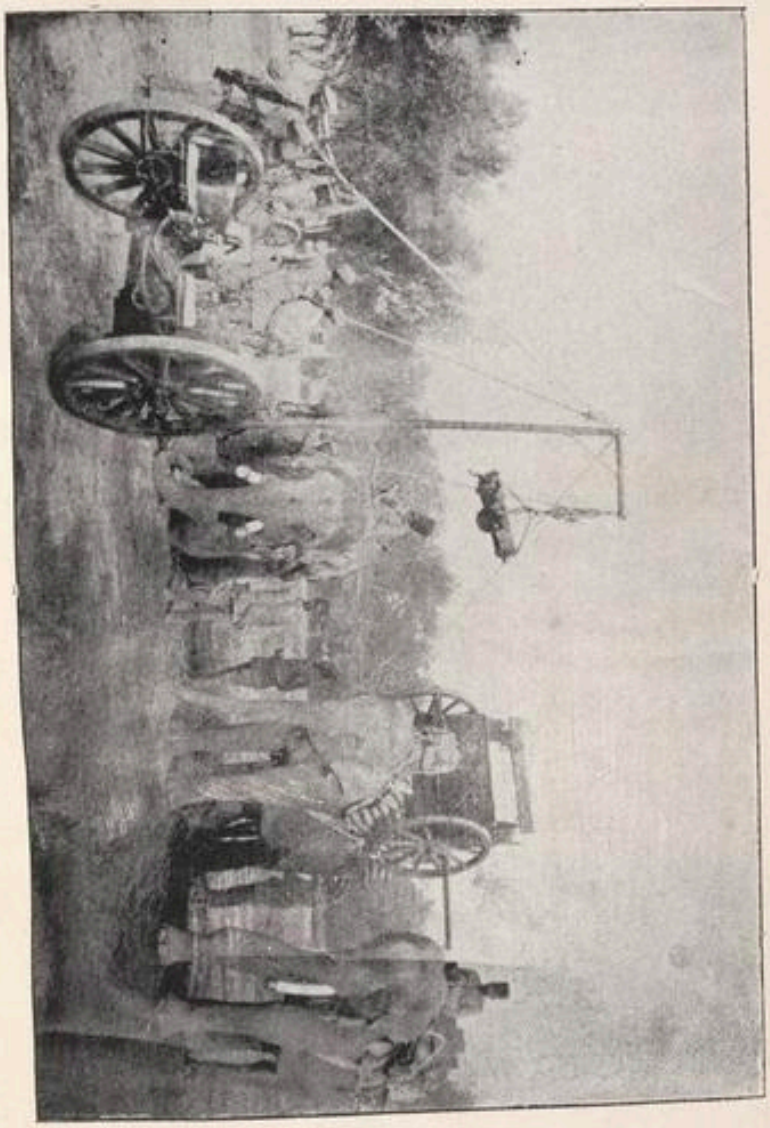

توپ هوفزر در اثنای سوار کردن میل بر سر اراده در محاذ تیل

حمل و نقل دادن سریع توپ هوفزر در دره هلوشیله ها و تلها و صعب المرور از جملهٔ آن کارنامه های عبدالطول بیگ «محمد نادرخان» سپه سالار غازی است که الی الآن در کتب جلیها نظیر آن دیده نشده ، مخصوصاً این ابتداع نادرخان سپه سالار جلیل قابل التحلیل است که اوشان برای اولین مرتبه توپ هوفزر را بصورت توپ سیل تبدیل داده اند.

۱۲۹۸ شمسی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 164 of 711

تسخیر سپین وام

انقطاع طرق مواصلهٔ معسکرهای بزرگ انگلیزی

«۲۵ شعبان، مبارک باشد! الحمدلله تهانهٔ "سپین وام" که بر سرک درمیانی "تهل و میرام شاه" در وزیرستان واقع است (از طرف قوای همرکابی سپه سالار غازی) مسخر گردید.»

«بوقت ۲ بجه در لیل ۲۴ شعبان جناب سعادت مآب سپه سالار، عالیجاه عبدالقیوم خان کرنیل توپ خانه و عالیجاه خداداد خان کرنیل پیاده را همراه دو تولی پیاده و ۲ عراده توپ برای تسخیر تهانهٔ سپین وام فرستاده بودند، نفری ملکی جدران همراه برک خان رفته بودند، ۱۱ بجهٔ روز ۲۴ شعبان قشون ظفر مقرون به تهانهٔ سپین وام رسیدند، فوج دشمن که قریب ۳ صد نفر مسلح بودند گریختند، بیست و شش نفر افریدی از جملهٔ آنها پیش آمده بعسکری ما سلامی گرفتند، و تفنگ های خود را تسلیم نمودند، گدام فراوان بدست آمد نخود، آرد، بوره، کچالو وغیره جبا خانه را فوج دشمن سوخانده بود، مردم وزیری مال شان را بطور غنیمت بدست آوردند، به رعایا و اهل قریه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 165 of 711

هیچ تکلیف نرسید، در مال کسی دست اندازی نشد.»

«نقشهٔ وزیرستان ارسال خدمت میشود، تا موقعیت سپین وام بخوبی معلوم شود، ان شاء الله سلسلهٔ رفت و آمد و کمک رسانی تهل از میرام شاه منقطع گردید، میرام شاه، بنون، تهل در تهلکه افتاده است.»

«۲۶ شعبان جناب سعادت مآب سپه سالار زاد الله اقباله از منزل صادق ولندر کوچ کردند، تا که برای توپ ها و اردوگاه جای درست را معین بفرمایند، راه نهایت خراب بود، آب پیدا نمی شد، برگد مبارکشاه خان خوست که یکروز پیش آمده بود، جاهای مهم و مواقع مناسب را بدست آورده قوهٔ خود را تخمیناً بقرب سه هزار گز بقلعهٔ دشمن رسانده بود، بوقت ۱۱ بجهٔ روز جنگ آغاز شد، از هر دو طرف گله باری شدید شد، جناب سعادت مآب سپه سالار زاد الله اقباله بوقتِ دو بجهٔ روز رسیدند، موضع های ضروریه را استحکام نموده سرهای کوه را تصرف کردند، بوقتِ شب اردو رسید، تا نصفِ شب بهر طرف گشته، مواضع توپ را معین فرمودند.»

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 166 of 711

فتح شهر تهل

و احتراق مخزنهای انگلیزی از بمباردمان نادری

« ۲۷ شعبان بوقت ۹ بجهٔ روز گلوله باری شدید آغاز شد، الحمدلله چهاونی و قلعه و استیشن ریل دشمن در تهل از بعضی جایها خراب شد از گله باری هود زرما که خود جناب سعادت مآب محمد نادر خان سپه سالار زاد اقباله آنرا نصب و فیر میکردند، گدام دشمن سوخت، آتش تمام شب و نصف روز ۲۸ شعبان شعله زن بود. »

« شهر تهل به تصرف ما آمد، شفاخانه و بعضی تهانه های سرحدی تسخیر شد خودم شب ۲۸ شعبان را در شهر تل بسر بردم، مردم را تسلی دادم، مردم بسیار خرسند شدند، از شفاخانه بعضی ادویه و اسباب بدست آمد، بوقت عصر یک تهانهٔ مستحکم و معمور که در آن افریدیها بودند، مسخر گردید، افریدیها بقرار عهد خود همراه تفنگ ها بر آمدند، و به افواج اسلامی خود سلامی گرفتند، تعداد شان قریباً ۵۰ نفر بودند در تهانهٔ مزبور، آرد، گر، تیل خاک، جبا خانهٔ فراوان بود

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 167 of 711

همه اسباب را غازیها بدست آوردند. الحمدلله.»

«۲۸ شعبان قدری بخاموشی گذشت، جهازات هوائی صبح وشام هردو وقت گلوله باری کردند سه نفر شهید وچهار نفر زخمی شدند، مگر الحمدلله غازیهای غیور وسپاهیان شجاع ما هیچ پروا ندارند.»

«۲۹ شعبان، باز بوقت صبح طیاره ها آمدند، وگله باری کردند تاثیری نه بخشید، مجاهدین بر هدایات عمل کردند، مأمون ماندند. بوقت عصر از طرف ما گله باری شدید آغاز، ویک توپ دشمن بیکار شد. الحمدلله گله های دشمن آنقدر بیموقع وبیکار میخورد که نزدیک یکصد گز هم به توپهای ما نمی آمد هیچ تلفات برای ما نرسید یک توپ دگر دشمن را هم الحمدلله خراب کردیم بوقت شب وزیر یها زیر کمان افسری عبدالقیوم خان کرنیل وداد محمد خان کرنیل که از سپین وام به تهل رسیده بودند، وپادشاه میرخان و جدران ها زیر کمان ببرک خان یورش بردند، سنگرهای دشمن را در تصرف آوردند مجاهدین چشمهٔ که مال مواشی را سیراب میکرد با مخزن آبلوله که بعسکر انگلیزی آب میدهد، بدست آوردند. قلعه وچهاونی تهل بالکل بفضل خدا محصور است.»

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 168 of 711

قوای مجاهدین ملی با منصبداران افغانی در جهاد سنه ۱۲۹۸ ش در موضع وانای وزیرستان.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 170 of 711

رشادت اقوام و قبائل سرحدی
تسخیر وانا، سروکی، پیوار، خرلاچی وغیره

« غرهٔ رمضان المبارک خبر رسید که ۳۰ نفر افریدی و پنجابی بروزیکه از طرف ماگله باری شدید شد، از قلعهٔ تهل گریختند، چهاونی هنگو که مابین تهل و کوهات واقع است محصور میباشد، قوم ارکزائی هم بنای تجمع را گذاشته و بیرق بسته اند و عنقریب در محاربه شامل خواهند شد - افواج انگریزی از تهانه های (وتهٔ خیل، شپانه، خیسوره، توت نری ابو) که در شمال وزیرستان واقع اند برآمده به پیش سعادت مآب سپه سالار زاد الله اقباله حاضر شده اند و تهانه های مزبور، در تصرف افواج اسلامیهٔ افغانی میباشند چهاونی میرام شاه هم محصور است، الحمد لله »

« مکتوب از طرف نامه نگار حربی مورخهٔ غرهٔ رمضان »

« مبارک باشد الحمد لله که جناب رکاب باشی صاحب شاه ولیخان چهاونی (وانا) و چهاونی (سروکی) را تصرف نمودند، فوجی که در آن چهاونیها بود

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 171 of 711

بقرار عهد خود افسران انگریز را کشته جباخانه را چور کرده برآمدند، جناب شاه محمود خان سرسراوس صاحب کوتل پیوار را در تصرف خود آورده، به کامیابی پیشرفت دارند، تلفات دشمن بآن حدود ۳۰ نفر و از ما یان سه نفر شهید شده اند، دو قریهٔ دشمن خرلاچی وغیره را تصرف نمودند و دو ضرب توپ دشمن بیکار شد.»(۱)

عزم آهنین و قیام خونین نادری در فتوحات تاریخی سمت جنوبی

به تمام هموطنان عزیز عموماً و بکسانیکه بمیدان حرب شامل، و یا در سیاسیات ایام جهاد ذی دخل بودند، بهتر معلوم است که بمقابل حضرت عالی محمد نادر خان غازی، در موقعیکه عزم و تصمیم جهاد را فرمودند، بسا اشکال مادی و معنوی عائد بود که جهة استطلاع ناظرین بچند مواد آن ذیلاً اشاره و از ما بقی آن لزوماً منصرف میشویم :-

عسکر و جباخانه و لوازم و تجهیزات حربیهٔ شان بالنسبهٔ فرقه های سفری شرقی و مغربی نامکمل بوده بسیار نقائص داشت.

(۱) منقول از صحیفهٔ ۵ الی ۸ شمارهٔ ۴ سال اول امان افغان منطبعهٔ ۱۸ سرطان ۱۲۹۸ - کابل

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 173 of 711

عالیجاه جلالتمآب سردار محمد نادر خان سپه سالار غازی در یکی از غلاذهای هرقی سمت جنوب بموقع جهاد استقلال

سنه ۱۲۹۸ ش

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 174 of 711

عسکری هر کابی شان، باندازهٔ نبود که میتوانست بقوهٔ محض نظامی سرتاسر حواشی و سرحدات جنوبی درکنار، حتی یک منطقهٔ حربیه را بصورت صحیح اشغال میکرد.

در داخل اقوام و عشائر جنوبی چندان جدال و خانه جنگی از ضعف ادارهٔ مأمورین محلی مناقشهٔ قومی موجود بود که توحد و اجتماع آنها در موقع مطلوب نهایت زحمت طلب بود.

اداره و تنظیم امور از هم گسیختهٔ جنوبی، و باز رعایت همه امور سوق الجیشیه و تعرضیه و دفاعیه، بالای افرادیکه از همه چیز (بجز از شجاعت و تهور که بهمراه آن جوش و خروش مذهبی هم منضم بوده است) عاری بودند، امر نهایت صعب بود.

رسیدن خبر عقب نشینی قوای دکه، شنوار، باسول، بتی کوت، سپراجهٔ علیخان و بالآخره اطلاعیهٔ سقوط جلال آباد و وصول عسکر مشرقی بصورت غیر منظم بکابل و انحلال ادارات حکومتی مشرقی، تأثیرات سوئی را در انولا القا نمود (زیرا که یکهفته قبل از تعرض تهل اطلاع این واقعات مشرقی کاملاً بذریعهٔ فرامین و مکاتیب وغیره در سرتاسر جنوبی رسیده بود).

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 175 of 711

اطلاعات تذبذب و سوء اداره و سراسیمه گی و عدم دقت و اهتمام رجال بزرگ مرکزی در حل و فصل آن امور مهم مملکتداری که تقریباً فیصلهٔ موت و حیات ابدی افغانستان را مینمود، زیاده تر فکر و حواس سپه سالار غازی را مشغول، و خیلی توجه او شانرا به طرز عمل مرکز مبذول میداشت.

ولی این اشکال و موانعیکه شمهٔ از ان اشاره شد، در عزم بالجزم و ادارهٔ قوی نادری هیچ یک نقص و فتوری را عائد نکرد و متوکلاً علی الله با جمالیکه فوقاً مرقوم است کسب موفقیت نمود، و بمدد الهی و حسن مساعی خود، روح وحدت را در عموم اهالی جنوبی تزریق و همه اقوام داخلی و سرحدی را از حسن اجراآت خود و برادران خیراندیش خویش، بیک جوش و خروش زیاد بمیدان جنگ سوق داد، و بهمت قوای قومی و تدابیر قابل تقدیر جنابان شاه ولیخان و شاه محمود خان و دگر خدام افغانستان و تلقینات حضرات شمس المشائخ و نور المشائخ تمام تهانه های مهم و قشله های بزرگ (۱)، و خطوط های مواصله و نقاط دفاعیه انگلیز را که در اطراف و حوالی سرحدات جنوبی افغانستان، در وزیرستان باصول نهایت عالی و منظم موجود بود تسخیر، و قبضه، و بسیار اسلحه و سامان

(۱) اکثر این چهاوفی ها را نفری وزیرستان که دران وقت در جملهٔ لشکری افغانستان شامل شده بودند قبضه کرده اند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 176 of 711

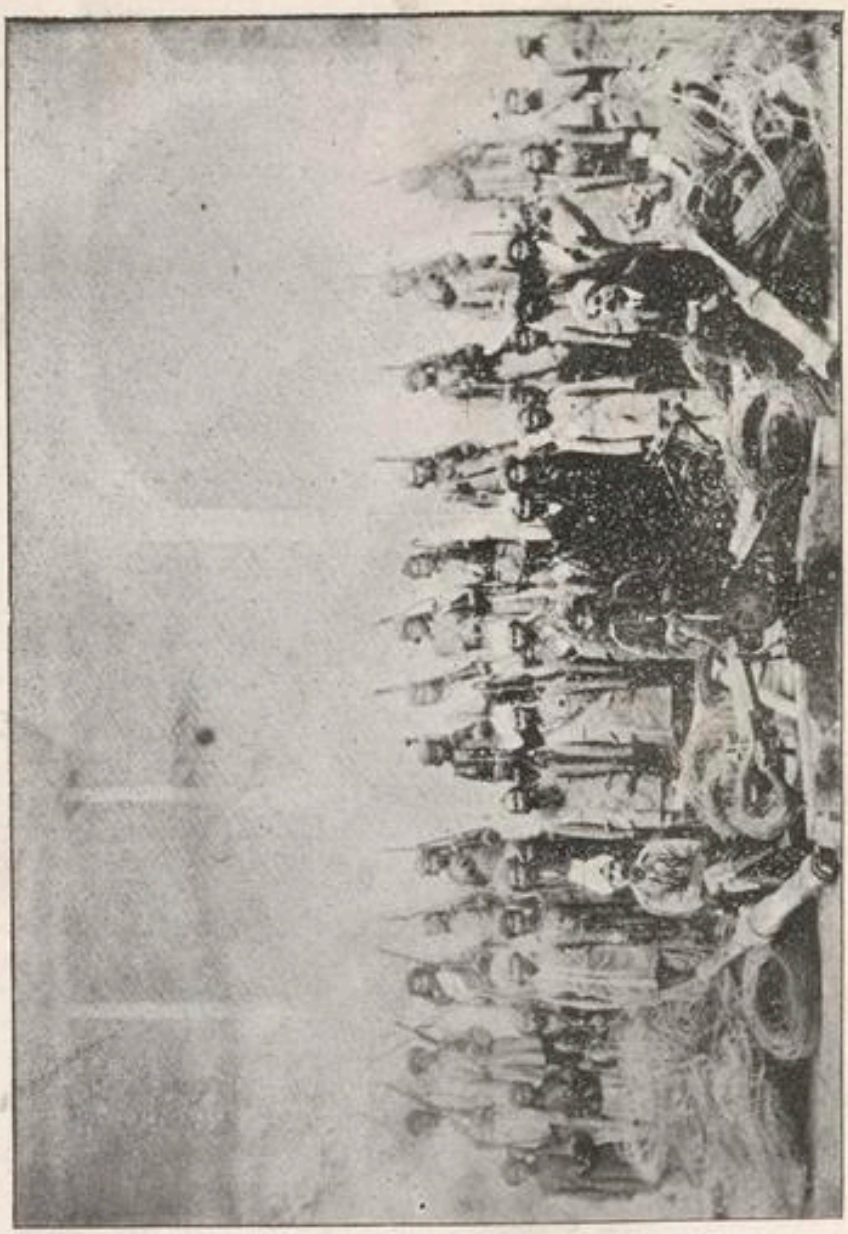

یک گروپ بسیار مهم تاریخی در ایام جهاد استقلال ۱۲۹۸ که در یکی از جاده‌های حربی سمت جنوبی گرفته شده است

۱ : در وسط گروپ که بر اموال غنیمت نشسته اند : جناب سردار محمد نادرخان سپه سالار غازی فاتح تهل ، بطرف دست راست شان جناب سردار شاه ولی خان غازی فاتح وزیرستان و بطرف چپ اوشان جناب سردار شاه محمود خان غازی ، فاتح تندی سر

۲ : صف ایستادهٔ پیشروی از جملهٔ منصبداران ملیشای اقوام و زیر و مسعود که داخل عساکر افغانی شده اند .

۳ : صف ایستادهٔ عقب از جمله سپاهیان ملیشای اقوام وزیر و مسعود که از عساکر انگریزی خودرا کشیده داخل عساکر افغانی شده اند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 178 of 711

وغنائم و ذخائر متنوعه را بدست آوردند .

بر علاوهٔ آن بنا بر اقداماتِ موالفت آمیز این ذواتِ صاحب تمیز اکثر قطعات قشون انگلیز و از اقوام افریدی و ارکزائی با اسلحه و سامانِ خود از معسکرهای جانب مقابل بعد از رسانیدن تلفات بانگلیز جدا، و مطیعانه بحضور سپه سالار صاحب احضار، و اسلحهٔ شانرا تهدیه و خودها را جهة ایفای هر نوع اوامر و خدماتیکه از حضور شان تعیین شود تقدیم میکردند (چنانچه سپه سالار آنها را با اسلحه و تجهیزات شان علی الاکثر بمرکز روانه مینمود، تا موجب تقویهٔ روحی و تحکیم معنویات مرکزی بشود) .

همچنین تمام تبعه و ساکنین خطوط مجاور سرحد افغانی و انگلیز از نقاط دور و دراز عرائض اخلاص و نیاز شان را در جواب خطوط و اعلانهای مرسولهٔ سپه سالار تقدیم، و آماده بودن شان را برای اجرا و تعمیل هرگونه هدایاتِ شان تبلیغ مینمودند .

واقعاً بهر طرف و بهر نقطهٔ که اردوی مظفر و عسکر شجاعت پیکر نادری عزم و تصمیم میکرد، فتح و ظفر، موفقیت و اقبال، برکاب نصرت انتسابش کله فرسائی، و حریف در برابر اقداماتِ عنیفش خود بخود میدان را خالی، و

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 179 of 711

عموم سکنه و تبعهٔ همان اطراف و حوالی محض به کشش مقناطیسی نادری هم با انگلیز داخل اقدامات حربی میشدند (۱) و هم بحضور تلطف ظهور این سپه سالار غازی مشرف، و بالنسبهٔ پیشرفت عزائم و مقاصد عالی شان عموماً خود ها را مفخر و مباهی میشمردند، و تماماً استدعای حرکت و تعرض شان را بسرعت مسئلت میکردند.

اختناق پیشرفت نادری از طرف حکومت امانی

آری این موفقیت سپه سالار غازی در سرتاسر سرحدات جنوبی که در واقع طلیعهٔ مظفریت آتیه و دیباچهٔ فتوحات منویهٔ نادریه است، اگر بنا بر اوامر مکرر و تاکیدات یکی بعد از دیگر مرکز مختنق نمی شد، و زعمای امور کابل بحجت قهقری آن مجاهدین جنوبی را که بهمرکاب سپه سالار غازی برای حصول استقلال و شان و شرف ملی خود داخل اقدامات و مساعی بودند، ایجاب و الزام نمیکرد (و عساکر ما از سمت مشرقی به عقب نمی نشستند) البته که پرچم افغانی بسرعت نهائی بر طبق نقشه و پروگرام نادری بمواضع مطلوبه

(۱) چنانچه اکثر نهانه ها و چهاونیهای وزیرستان را که انگلیز ها تخلیه نمودند بقبضهٔ همین اقوامیکه طرفدار و معاون افغانستان بودند در آمده، تحت ادارهٔ مأمورین ما و نظارت مجاهدین میبود.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 180 of 711

نصب و متموج میبود، و تمام اردوی همرکاب سپه سالار غازی که با یک جوش و خروش و حسیات بلند داخل مجاهدات ارجمند بودند، بهترین مانورهٔ عسکری و نمایش قابلیت و شجاعتِ ملی خود را میدادند، و منطقهٔ پیشرفت آنها یوماً فیوماً در ترقی و تزائد میبود (زیرا که سپهسالار، یک پلان بزرگ را تجویز نموده بود، که یک حصهٔ آن در وزیرستان اجرا و دیگر حصهٔ آن از طرفِ تیراه بصورت تعرض ارکزائی ها از طرف شرقی بر تهل در شرف اجرا شدن بود، و پس از تطبیق آن، همهٔ مقاصد مطلوبهٔ سپه سالار تکمیل، و متعاقب آن بمزید اقدامات و تعرض خود تعجیل میکردند.

راهنمائیِ سپه سالار غازی به زعمای امور عصر امانی در راه حصول استقلال و آزادی و حفظِ شان و شرفِ ملّی

مع الاسف درین مورد ضعفِ ادارهٔ مرکزی و شکست قوای شرقی نه تنها مانع پیشرفت اقدامات و تکمیل آن پلان مطلوبهٔ سمت جنوبی گردید که اجراآت آن در نظر گرفته شده بود، بلکه توجه زیاد و اهتمام بسیار سپه سالار غازی را بسوی حل و فصل آن مسائل نهایت مهم سیاسی مبذول نمود

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 181 of 711

که اگر خدا ناخواسته بر طبق مفکورهٔ حواشی دربار امانی و مصوبهٔ شورای او (که عبارت از چند اشخاص محدود غیر ذمه‌دار بودند) آن مسائل بشیرفانه که شدیداً حضرت عالی محمد نادرخان از قبولیت آن ابا و استنکاف کرد، در محل اجرا و تطبیق گذاشته میشد، البته که افغانستان بالنسبهٔ زمان امیر شهید بدرجهٔ پست تری میرسید، و خار اندیشهٔ خرابی آن (لاوقع الله) بدل وطنخواهان صادق بسیار تر می خلید.

بلی اگر فضل خدا شامل حال افغانستان نمی بود، و باز ملت شجاع آن مردانه وار جهت حصول شرف و عزت و استقلال وطن کمر همت خود را نمی بستند، و یا همچو محمد نادرخان سپه‌سالار یک سرعسکر با غیرت دلاور متوکل علی الله ادارهٔ امور را نمیکرد، و یا این سپه‌سالار فرزانه بهمراه آن فتوح و مظفریتهای عسکرانهٔ شان (که بهترین نمونهٔ حزم و تدبیر و ضرب شمشیر شان است) ذریعهٔ آن افکار و نظریات قیمت دار خود (که اعلی ترین نشانهٔ وطنخواهی و ملت پروری و اثر قلم سیحار رقم نادری است) به تقویهٔ روحی و راهنمائی اسای اعلیحضرت امان الله خان نمی پرداخت، و از آن لغزشهای ناقابل عفو رجال بزرگ ارتجاع پسند دورهٔ امانی (که مجملش در فرامین دستخطی اعلیحضرت موجود است)

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 182 of 711

ضمیمهٔ نمبر (۱) صحیفهٔ (۱۳۸) جلد اول کتاب « نادر افغان »

صحیفهٔ اول فرمان دستخطی امیر امان الله خان تاریخی ۲۶ شعبان ۱۳۳۷ ق

۲۹

۷

۸

پناه عزت و عزیزی بدان نمی نویسد محمد نادر خان سپهسالار سلطنت و فتح خان بهادر

قبلین در باب فوج نظامی و یکی تمت شرقی و دلی رشته گی دفتر را بی حالی محمد خان سپهسالار در نمی شد آن

دشت خوردن فوج نظامی آنجوب از حضور متصل بهی خاطر داده شده مستحضر باشید و فوج نظامی که در آنجا

شکست خورده و بطرف کابل آمده بود بجناب محمد نعیم خان نایب سپهسالار در نرخ بی پیش بهی شان مقرر و معلوم که

آنها سوی هر صورت بدل دلی که بگردند در از آمدن آنها کم دلی بهی شان فوج مقیم در الشقه کابل و کدک

روزنه جات آمده شده و در همان راه باشند از شکست آنها پیش نشوند جان بعد در نایب سپهسالار در آنجا هر قدر که دانش

نگشته عازم کابل شده و شکایت نامه که بشما می منضم بدان نموده بود بهمدت آن را در جوابی آورده بود

که بتدریج لشکر شان رفته مرخص گردد چون روز شنبه ۲۳ بهمن ماه ... کابل آمده چند گلوله

در دیگ بیاکه و تمام خانه و کندا انداخته ... بطرف آنها ... اثر قدم ... کلان

و لشکر ان رسیده ولا محاله ... آنها ... این مدتی را بحضور رفتن ... وقت ... و بهار گرسنگی ...

و شما در جناب ... رفتن ... حضرت ... بهمراه ... بدل ...

پناه ... محمد نادر ...

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 183 of 711

ضمیمهٔ نمبر(۲) صحیفهٔ (۱۳۷ جلد اول کتاب « نادر افغان »

صحیفهٔ دوم فرمان دستخطی امیر امان الله خان تاریخی ۲۶ شعبان ۱۳۳۸ ق

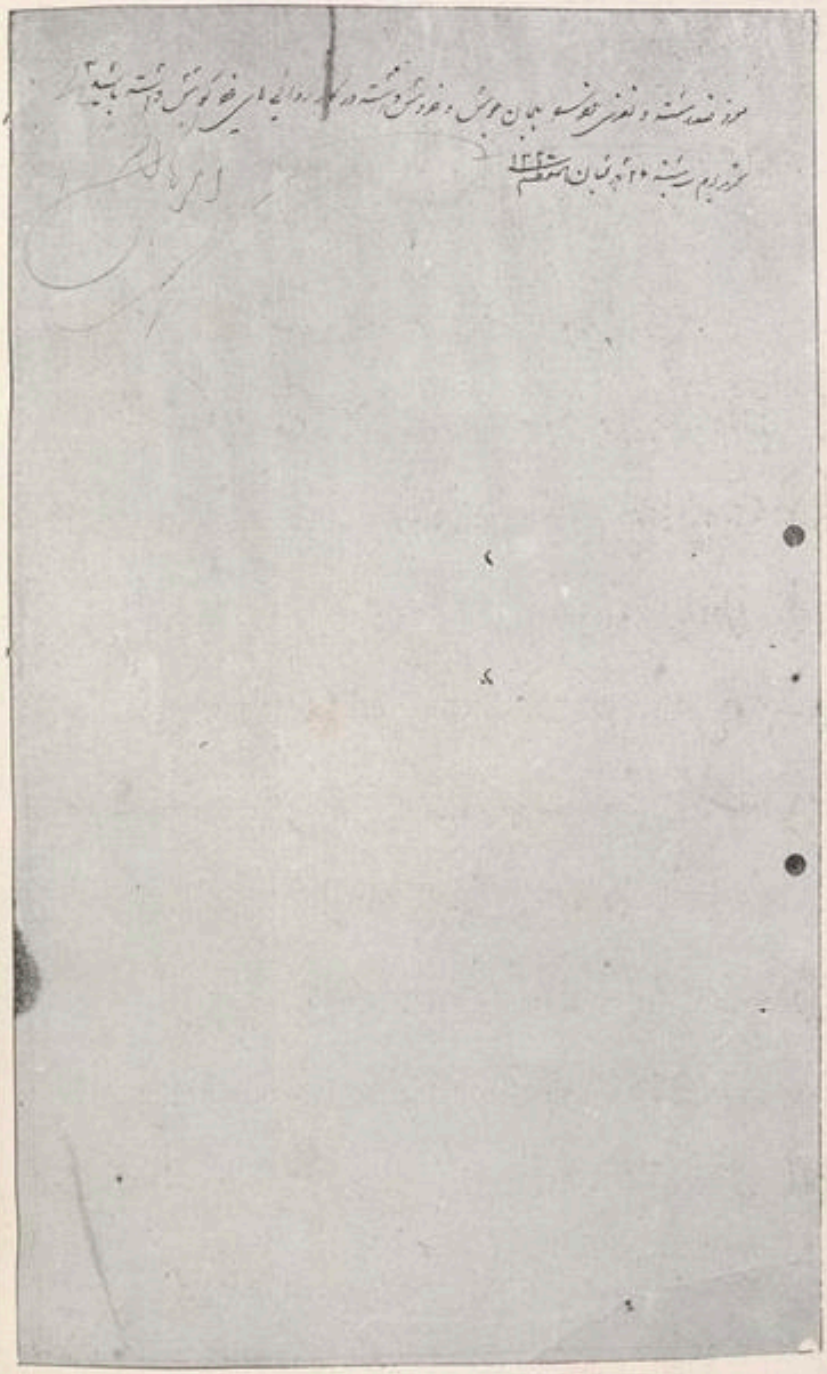

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 184 of 711

دستگیری نمیکرد، همان است که افغانستان عشر عشیر این موفقیت وشرافت را حاصل نمی نمود، درنتیجهٔ این محاربه عوض آزادی واستقلال هزاران پریشانی واشکال را بخود حاصل میکرد.

چنانچه ناظرین از مطالعهٔ عین فرمانِ نمبر ۲۸ تاریخی ۲۶ شعبان المعظم ۱۳۳۷ که در ضمیمهٔ این صفحه رنگوگرافی آن موجود است، پریشانی حواس و تذبذب خاطر زمامداران بزرگ مرکز را بخوبی فهمیده میتوانند، و میدانند که ازین بدنظمی وسوء رفتار خود بجای تمجید در معرض تنقید بوده اند و مورد اعتراض جدی ملت واقع شده اند، زیرا درین موقعیکه ملت شجاع افغانستان مردانه وار داخل محاربه بوده، جهت حصول شان وشرف ملیهٔ خود بقدر سر موهم از غنیم خود خوف وهراس نداشتند، این سراسیمه گی وپریشانی رجال مرکزی طبعاً بانظار عمومی، قبیح وناموزون دیده میشد.

برعلاوهٔ آن معلوم میگردد که اعلیحضرت امان الله خان قبل از مشوره و راهنمائی محمد نادر خان سپه سالار باصرار وتلویم بار بار اطرافیان دون همت وحواشی نشینان پست فطرت خود همان معاهدهٔ ذلت آور عهد پاستا را آرزومند بود که با انگلیز دوام دهد. امّا انگلیز چون ازین تردد مرکز اطلاع داشت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 185 of 711

برآن تمکین نکرده شرائط نهایت سنگین را بروی تحمیل نمودن در نظر داشت.

مشوره خواهی حکومت امانی از سپه سالار غازی

خشونت مقدسهٔ وطنخواهانهٔ نادری

جای شکر است که اعلیحضرت درین مسئلهٔ مهم از یک ذات بزرگ ملت دوست وطنخواه (سپه سالار محمد نادر خان) خواهان مشوره و مصلحت شد.

آن مفکورهٔ عالیه و نظریهٔ قیمتدار یرا که این سپه سالار با افتخار اولاً ذریعهٔ مکتوب مخصوص و ثانیاً بوسیلهٔ دیگر معروضهٔ خاص الخاص خویش، (توسط یک وفد) در آن موقعیکه موت و حیات ابدی افغانستان فیصله میشد، با اعلیحضرت امان الله خان داد، حقیقتاً خیلی مفید و مؤثر افتاد.

چنانچه این جذبات استقلالخواهی نادری نه تنها اعلیحضرت امان الله خان را برخبط دماغی و خطای سیاسی حواشی او متنبه و آگاه ساخت! و جداً او را و همقطارانش را ازین حرکت شان که بمضاد وطن و برضد احساسات عامه بود مانع شد! و بلا نهایه اوشان را به پیش کردن شرائط باشرف و تقاضای حصول استقلال تشویق و تحریص کرد، بلکه بالمره از تلون مزاجی و تردد فکری وارهانید!

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 186 of 711

و بیک عزم و ثبات و استقامت، هدایت؛ و دماغ شانرا تقویت فرمود.

بالجمله ما از بین آن نامه های متعدده نادری که متوالیاً با علیحضرت میفرستاد درین محل یک مشوره نامهٔ شانرا که بعنوان اعلیحضرت امان الله خان فرستاده است جهت استطلاع عامه مرقوم مینمایم که سپه سالار درین مکتوب و دگر مکاتیب خویش اعلیحضرت و سائر ارباب سیاست مرکزی را درین فرصت نازک بحسن نیت مقدسه و حفظ شان و شرف ملیه و ادار، و همفکری و همنوائی آنها را با خویش درین جذبات قیمتدار خواستار است:-

عمدهٔ مطالب مشورهٔ نادری

سپه سالار درین معروضهٔ خود از وصول پروتوکول تجدید معاهدهٔ عصر ضیاء الملة والدین و خواندن دگر شرائط سنگین هیجان انگیز انگلیز، که نظر به پریشانی مرکز آنرا تقدیم کرده بود، تذکر کنان این نکته را بشدت خاطرنشان اعلیحضرت امان الله خان و زعمای امور آنزمان نموده است که:-

«نظیر اینقسم واقعات و محاربات را تاریخ افغانستان بسیار تر بخاطر دارد؛ و این وطن شجاعت قرین با قبل ازین زیاده تر بمشکلات و موانع سر دچار شده که در ارتفاع آن همه مصائب و اندفاع تمام مصاعب ملت افغانستان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 187 of 711

امتحان شجاعت و مردانه گی خود ها را بدرستی داده اند .

چنانچه در مواقعیکه تشکیلات حکومتی در افغانستان منحل، عسکر منظم لادرک، خزانه بکلی خالی میبود، همین ملت غیور شجاعت طویت ما بوطن خدمت، و این خاک پاک را در برابر همه خطرات حمایت، و شر اعدا را از و بدرستی کفایت میکردند ! و برای نجات آن و راحت ملی و حفظ شان و شرف افغانستان بقربانیهای بیشمار احضار، و وطن را از پایمالی و اثر دشمنان شرف و عزت مملکت نگهبانی قابل افتخار کرده اند .

چون در عروق و شرائین همین طبقهٔ موجودهٔ ملت شجاع ما نیز همان جوش و خروش و خون پدرهای شان در غلیان است، چطور میشود که ما به این شرائط بیشرفانه تمکین و یا از آمدن یک جهاز انگلیزی بمرکز کابل، روح ملی خود را بر عکس آن تعبیر کنیم درحالیکه روزانه طیاره های متعدد حربی، بالای اردوی ما گله باری میکند، و یکفرد ما بقدر ذرهٔ از ان متأثر نمیشود !

در باب نظریهٔ اهالی شورا که اعلیحضرت ارقام فرموده اند مینویسم که این اشخاص نماینده های حقیقی ملت نیستند و این اشخاص را نباید شورای افغانستان شمرد، نماینده های حقیقی ملت محمود سامی و محمود شاغاسی و امثال آنها شده نمیتوانند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 188 of 711

ضمیمهٔ نمبر ٦ صحیفهٔ (١٣٩) جلد اول کتاب « نادر افغان »

صحیفهٔ (١) فرمان نمبر ٣٨ دستخطی امیر امان الله خان

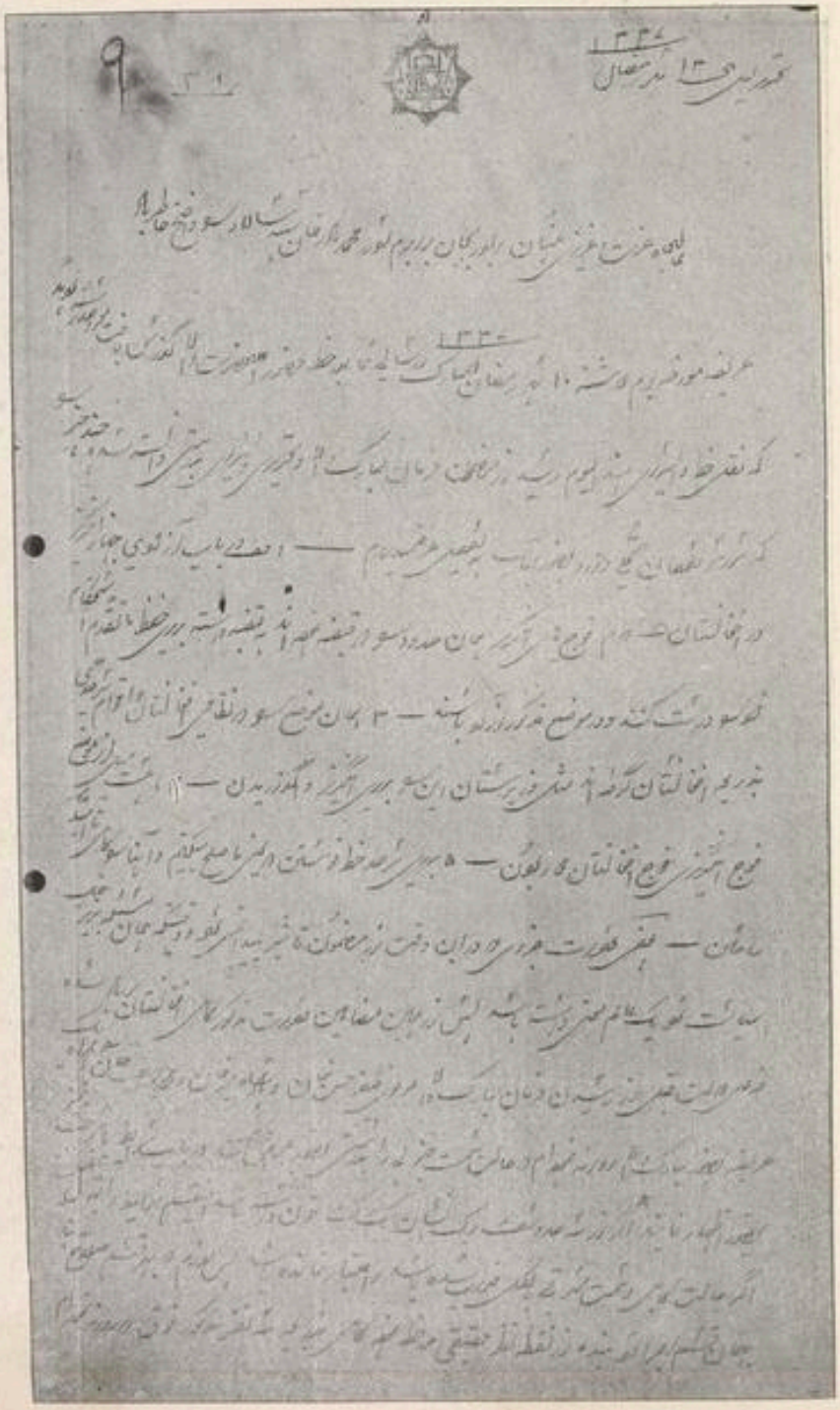

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 189 of 711

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 190 of 711

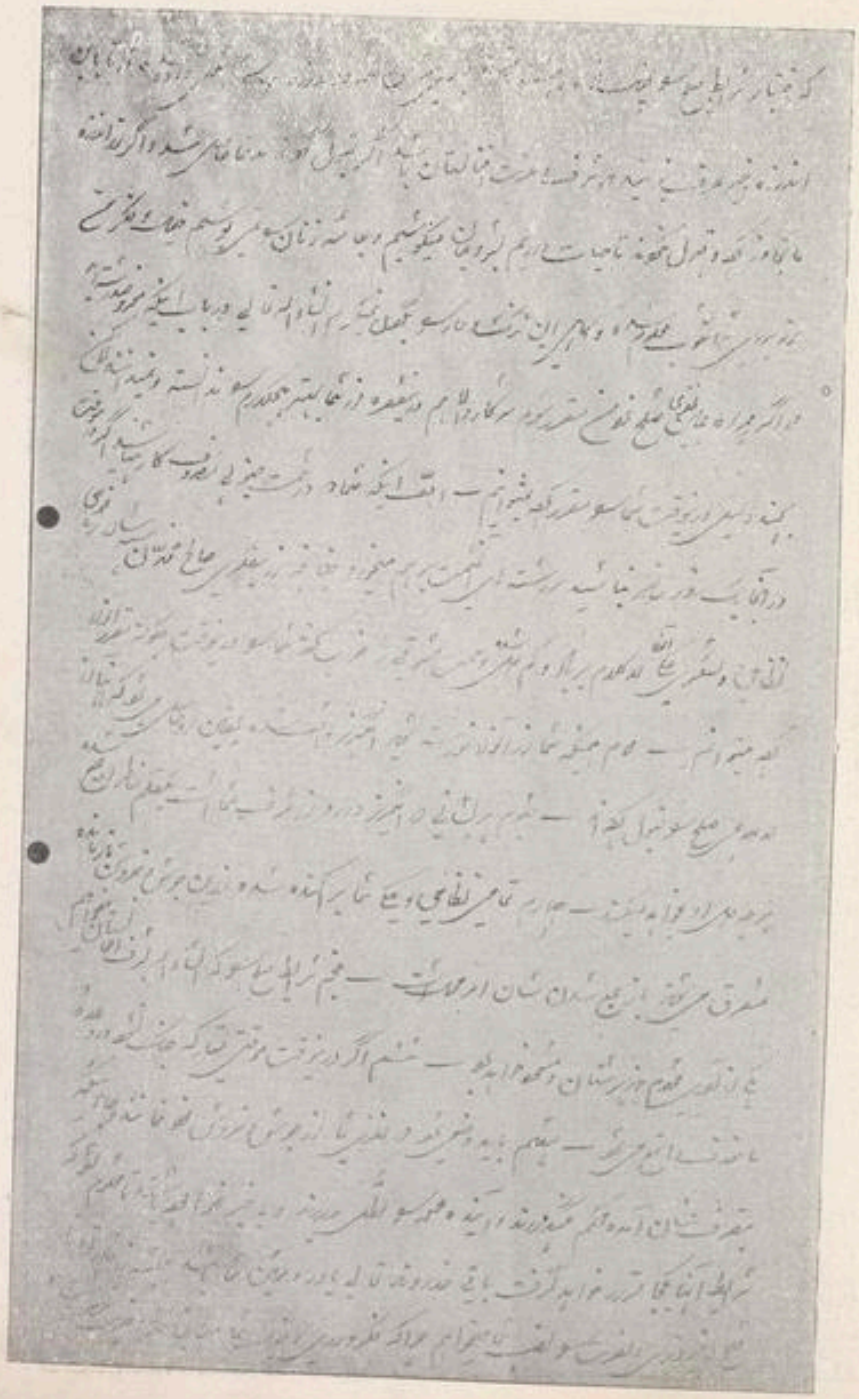

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 191 of 711

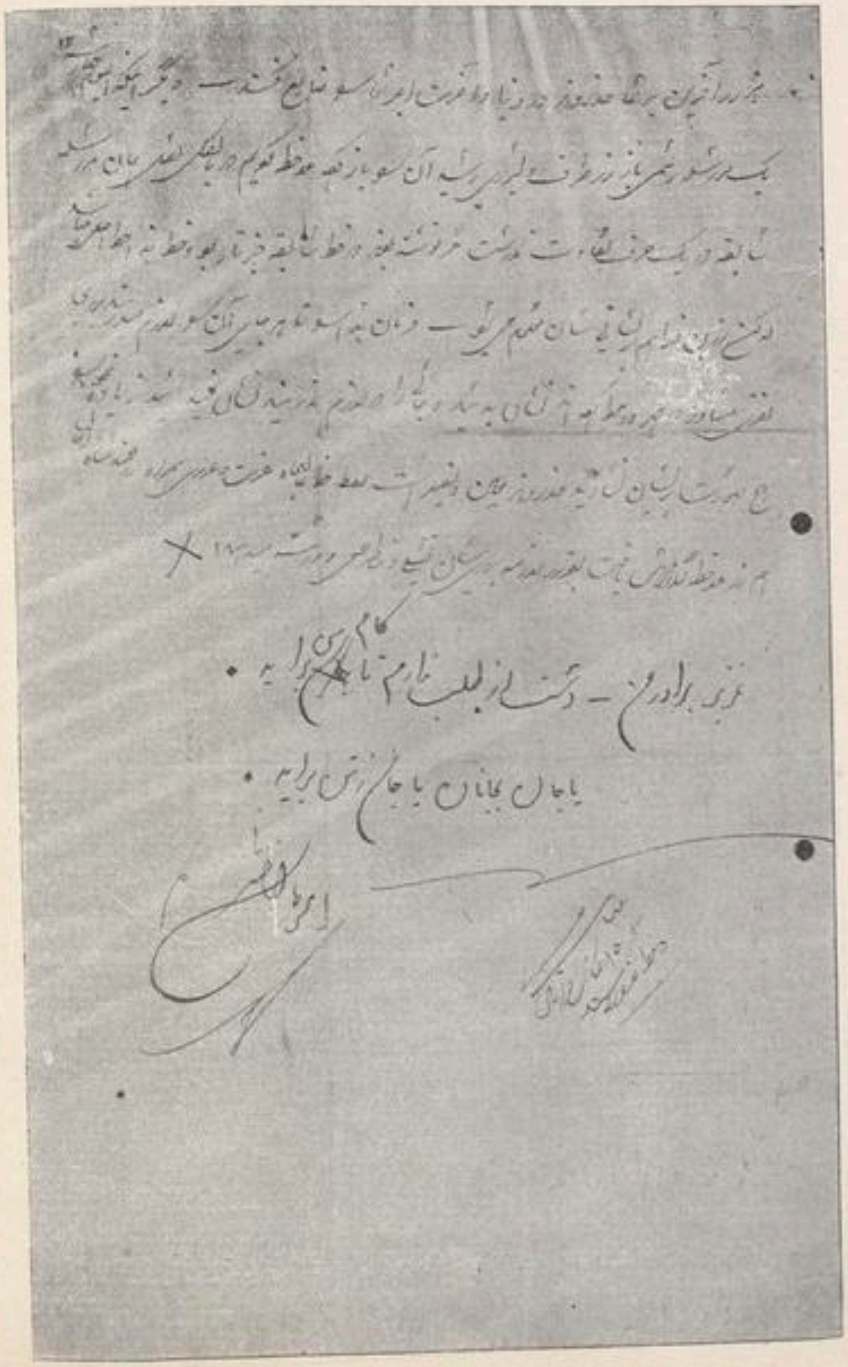

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 192 of 711

لطفاً شما همچه مقدرات مهمهٔ ملیه و سیاسیهٔ وطن محبوب ما را که بموت و حیات ابدی ملت متعلق است نه خود تان و نه وزرا و مأمورین شما خودسرانه حل و فصل نمائید! بلکه حل و فصل همچه امور را ضرور بصد ضرور بخود ملت واگذارید؛ تا آنها مطابق ذوق و روحیاتِ خود آنرا فیصله کنند برای خدا هوش کنید که بقدر یک ذره درینموضوع برخلاف جذبات ملیه اقدام و حرکت نکنید والا بسیار پشیمانی زیاد خواهید کشید.»

«محمد نادر»

غرض از زنگوگرافیِ فرامین امانی چیست

اینک اولاً جهت تصدیق این مطلب عین همان فرمانِ اعلیحضرت امان الله خان زنگوگرافی شد که در آن از بینظمی مشرقی و تذبذب و تردد زعمای امور مرکزی و مسئول بودن خود اعلیحضرت امان الله خان بنظر عامهٔ ملت افغانستان تذکار و مفکورهٔ سپه سالار را در موضوع حصول استقلال و یا قبولیت تحت الحمایگی خواستار است، بجواب آن سپهسالار مشورهٔ نادرانهٔ فوق خود را که در صحیفهٔ (۱۳۶) تا (۱۳۸) مرقوم است فرستاد، و او شان را به نفع و نقصان شان بدرستی دانند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 193 of 711

ثانیاً همان فرمانهای اعلیحضرت امان الله خان را که در جواب دیگر پیشنهاد روح افزای حریت بخش استقلال خواه نادری تحریر شده است و در ضمیمهٔ این صحیفه زنکوگرافیش موجود است، بناظرین تقدیم میکنم که در فرمان نمبر ۳۹ مخصوص و خیلی مهم دستخطی اعلیحضرت امان الله خان تاریخی لیل پنجشنبه ۱۳ رمضان المبارک سنه ۱۳۳۷ ق از خلص مطالب مکتوب این سپه سالار غازی و اجمال مفکورهٔ وطنخواهی و نظریهٔ ملت دوستی و جذبات عسکری و روح استقلالخواهی نادری تذکر داده است، مواد هفتگانهٔ ما بعد از سطر پنجم صحیفهٔ سوم این فرمان تماماً مصدق این مدعا است که استقلال و حریت افغانستان تماماً از لطف خدا و جوش و خروش عامهٔ ملت و باز در عالم اسباب فقط و فقط از حسن اقدامات و شجاعت و دلیری و تدبیر محمد نادر خان غازی بکف می آید؛ و بدون از حزم و عزم بالجزم و تدابیر صائب و رأی ثاقب نادری ممکن نیست که انگلیز بقدر یکسر موی از آن شرائط شرم آمیز و فقرات خجالت خیز که تحمیل آنرا نظر به نادانی و ناعاقبت اندیشی و جبانت زعمای امور مرکزی حتماً خواستار بود تنزیل خواهد کرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 194 of 711

ضمیمهٔ نمبر (۱۰) صحیفهٔ (۱۴۰ و ۱۴۲) جلد اول کتاب « نادر افغان »

صحیفهٔ (۱) فرمان نمبر ۴۶ دستخطی امیر امان الله خان

۱۴۶

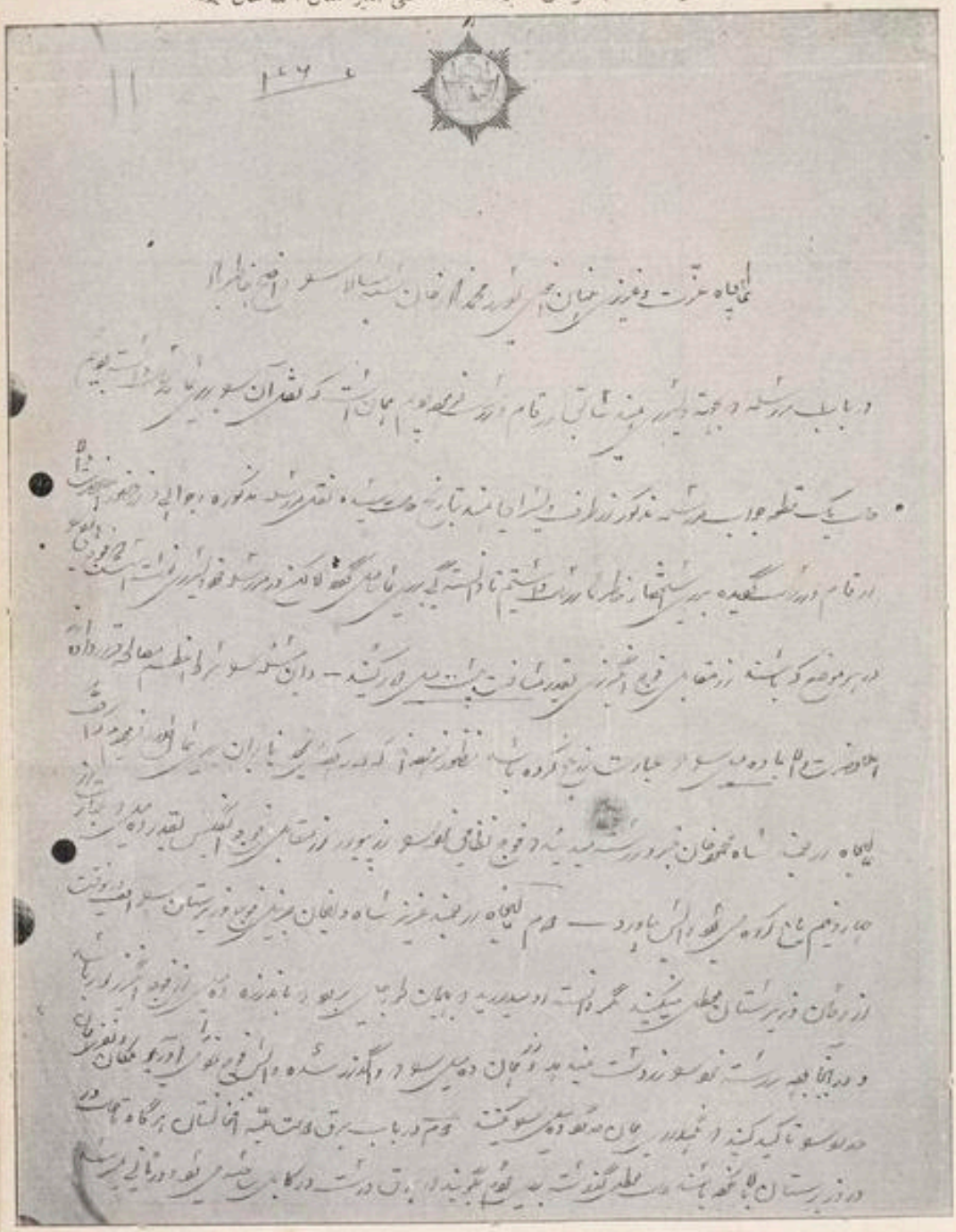

دراین فرمان به ۱۳ جمله تاکید به عقب اشینی ده میل دورتر از سرحد کرده شده ملاحظه شود: سطر ۶ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ صفحهٔ اول- وسطر ۴ و ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۲ صفحهٔ ۲- وسطر ۸ و ۱۱ صفحهٔ ۴ این فرمان

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 195 of 711

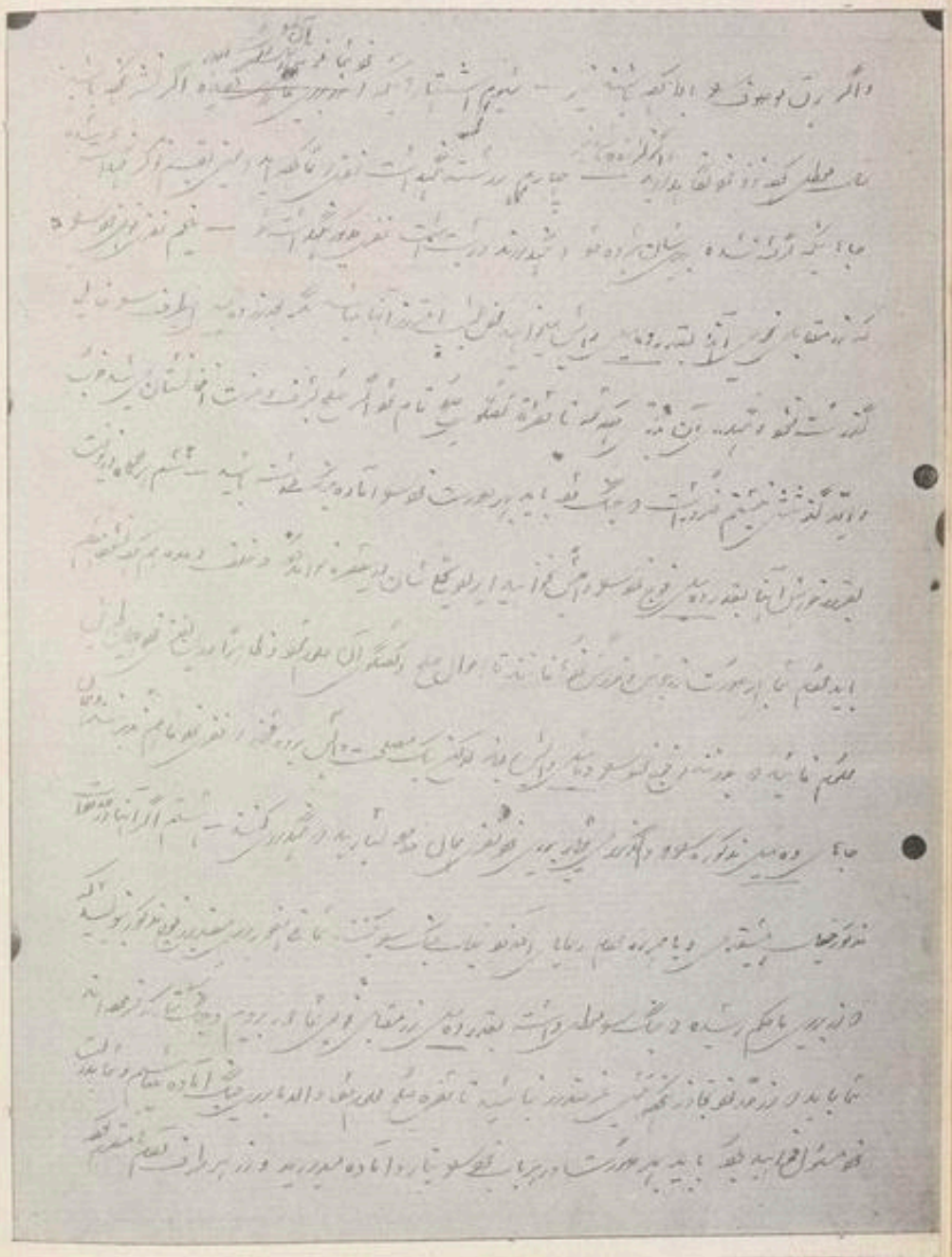

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 196 of 711

ضمیمهٔ نمبر (۱۲) صحیفهٔ (۱۴۰ و ۱۴۲) جلد اول کتاب « نادر افغان »
صفحهٔ (۳) فرمان نمبر ۴۶ دستخطی امیر امان الله خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 197 of 711

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 198 of 711

خواهش متارکه فوری و مصالحه انگلیز و افغان

ناظرین محترم قبلبرین در اثنای خواندن سطور اخیر صحیفه دوم فرمان نمبر ۳۸ تاریخی ۱۳ رمضان ۱۳۳۷ در عکس ضمیمه صفحه ۱۳۹، این کتاب از انتخاب ایشیک آقاسی ملکی جهة عقد شرائط متارکه مطلع شده اند، همان بود که رئیس مذکور با اعضای خویش بنا بر خواهش و تمنای حکومت هند جهة مذاکرات بهندوستان اعزام شدند، و در طی مذاکرات از همه اولتر حکومت انگلیز خواهش متارکه را نمود، و در اثر آن خواهشمند دوام سلسله مذاکره شد تا بنا بر موافقه طرفین یک معاهده را عقد کنند.

یکی از شرائط متارکه مذکور این بود که باید عساکر و عشائر افغانی تمام آن مقامات و قشله های عسکریه شان را که از انگلیز در جنگ گرفته اند استرداد، و از مقر عساکر انگلیزی بفاصله بیست میل دورتر از سرحد داخل خاک خود اقامت گزین شوند.

مع الاسف حکومت مرکزی افغانستان نا عاقبت اندیشانه و خودسرانه بدون تدقیق و مفاهمه با ملت این شرط متارکه را که برخلاف حسیات عامه و جذبات ملیون بود قبول و اعلیحضرت ذریعه فرمانی که در زنکوگراف ضمیمه این صحیفه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 199 of 711

موجود است، بحضرت عالی سپه سالار محمد نادر خان غازی، اطلاع اکید کرد تا علی الفور نه تنها همه قشله ها و سنگرها و نقاط حاکمه را که از حکومت انگلیز متصرف شده است تخلیه، بلکه تمام قوای همرکابی شانرا از خاک انگلیز بیرون و بمسافهٔ ده میل دورتر از سرحد بداخل خاک افغانستان اقامه دهند و آنها را از اقدامات مخالفانه بر علیه انگلیز مانع شوند.

هرچند این وطنخواه ملت دوست بالنسبهٔ ناموزونی و بی نزاکتی این شرط متارکه دلائل را اقامه کرد و بمضار و مفاسد آن مرکز را مکتوباً و رسالهٔ داناند و بآنها بکمال وضاحت و صراحت خاطرنشان کرد، درینموقع که کاملاً معنویات خصم مقابل باخته شده و در هر میدان بمقابلهٔ قوای مجاهدین سپر انداخته، و علی الیقین بفضل الٰه العالمین در برابر این قیام خونین و عزم آهنین ملت افغانستان مغلوب و منکوب، و بهمه شرائط و خواهش های ما حسب مطلوب مجبوراً تمکین میکند چه حاجت است که ما از محاربه منصرف و بمتارکه تن بدهیم، فرضاً اگر متارکه را آنها خواهش دارند پس بر ما چه لازم است که اینطور شرائط ننگین آنها را متقبل شویم!

اما امیر امان الله خان باینطور عرائض هیچ اهانه و مسائل مهمه اهمیتی نداده و تکرار امر اجرا و تعمیل آن شرائط را از سپه سالار شجاعت مدار (که آنها جداً

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 200 of 711

ضمیمهٔ نمبر (۱٤) صحیفهٔ (۱٤۲) جلد اول کتاب « نادر افغان »

صفحهٔ (۱) فرمان نمبر ٥٥ دستخطی امیر امان الله خان

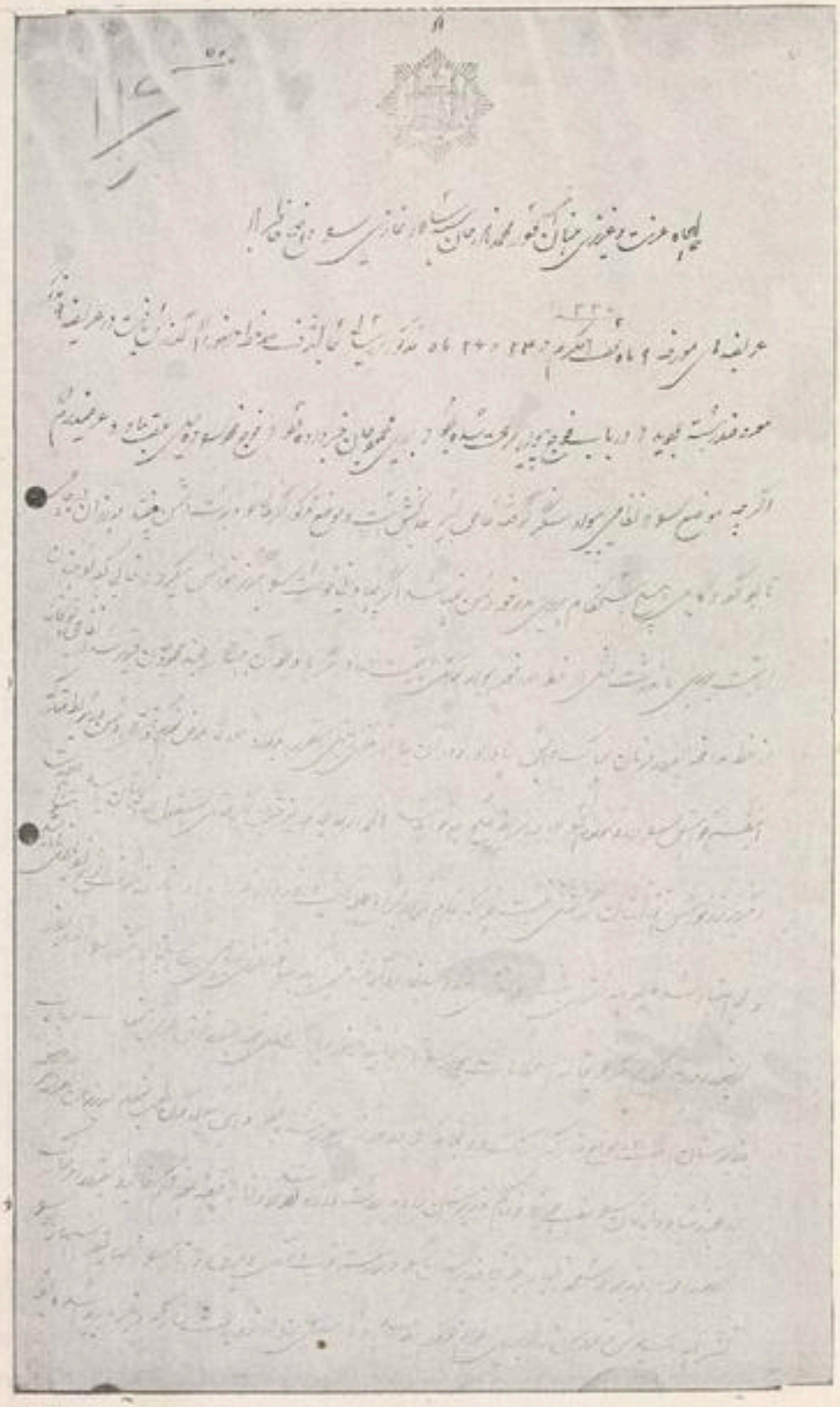

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 201 of 711

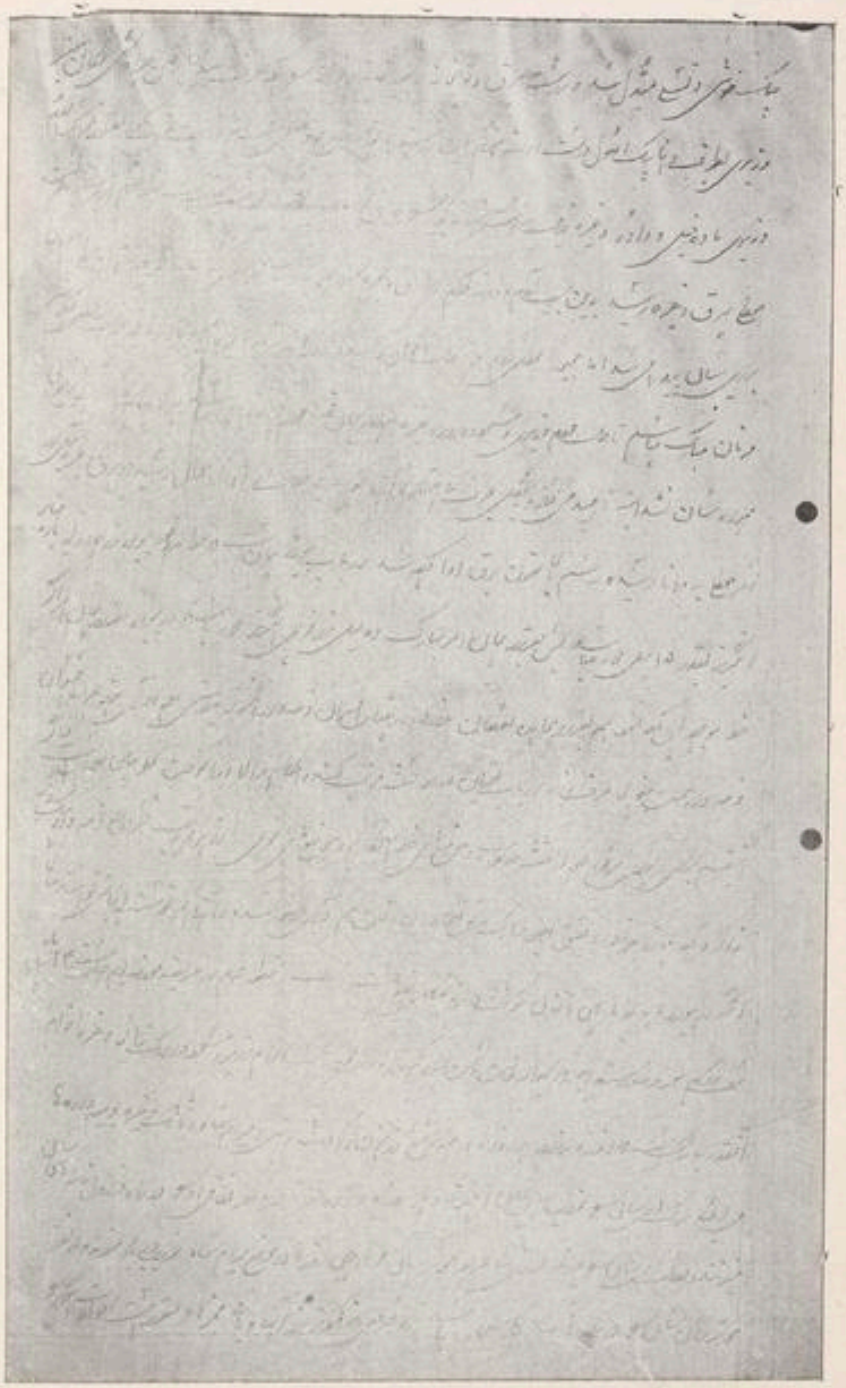

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 202 of 711

صفحهٔ (۳) فرمان نمبر ۵۵ دستخط امیر امان الله خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 203 of 711

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 204 of 711

از قبول آن انکار داشتند) اصرار میکرد .

چون اطاعت آمرین مافوق و انقیاد بهدایات مرکزی از مقررات عمدهٔ قانون نظامی است ، لذا سپه سالار صاحب ، از همهٔ اقدامات و پیشرفت خود منصرف شده بعد از تعاطی خبر متارکه بین سپه سالار و جنرال دایر قوماندان عمومی محاذ « توغ » که جهت دفاع از مزید پیشرفت قوای نادری عوض جنرال یوسٹیس مقرر شده بود ، بنهایت نظم و ترتیب بسرحد افغانستان مراجعت کرد .

همان امر مؤکد مرکزی را بچنان یکصورت مقبول و اصول معقول در محل اجرا و تنفیذ گذاشت ، که بقدر یک ذره در جوش و خروش عسکری و قوای قومی نقص و فتوری واقع نشد ، و نه عساکر خود را با وجود امر و اصرار بار بار مرکز (که فقط در همین فرمانی که بضمیمهٔ این صحیفه موجود است در ۱۳ جمله تاکید بعقب نشینی و میل کردن شده است) از خط مدافعهٔ سرحد دور کرد ، بلکه خط مدافعهٔ کوتل پیوار را تا زمان معاودت وفد افغانی ، از منصوری و عقد متارکه در دست داشتند ، و پس از ان از شنڈی سرحد علاقهٔ کرم منصرف شدند ، و نه شیفتگان جهاد مذهبی و فدائیان سعادت و شرف ملی که سر دادن و جان کندن را درین راه نیک فخر ابدی و سعادت و افتخار دینی و دنیوی خود میدانند ، از گرفتن این امر چندان متأثر شدند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 205 of 711

اجمالِ این فتوحات و شجاعتِ نادری
از نقطهٔ نظر خارجی

مضامینی را که الی الآن مانسبت بآن اقداماتِ تاریخی و مظفریتهای نادری نگاشتیم که بمحاربهٔ استقلال از وشان در عالم حربی بقوهٔ شمشیر و طنخواهی و در جنبهٔ سیاسی بنوک قلم ملت پروری شان بمنصهٔ شهود پیوسته گویا تلخیص مطبوعات وطنی بوده بر علاوهٔ آن تمام این تحریرات ما مستند به اسناد مهمهٔ رسمیه است.

چون درینموضوع جرائد خارجه مخصوصاً مطبوعات دول و ملل همجوار ما هم مطالب مهمی را نشر کرده اند، که درین محل اقتباس آن باعث مزید دلچسپی ناظرین را فراهم میآورد، ولی در عین زمان نقل و خلاصه نمودن آنهمه مضامین بر علاوهٔ اینکه وقتِ زیاد میخواهد، موجب تطویل کلام و نوشتن تمام آن خارج از مرام است، لذا از ان بین تنها بگرفتن چند یادداشتی از ان کتاب "محاربهٔ ۱۹۱۹ افغان و انگلیز" که از طرف ریاست ارکان حربیهٔ انگلیزی ترتیب و طبع شده است اکتفا، و متعاقباً آن معلوماتِ اساسی و بیطرفانهٔ را که صاحبمنصبان معظم ترکی در یک کتابیکه آنهم بهمین نام "محاربهٔ ۱۹۱۹ افغان و انگلیز" موسوم و از

(c) ketabton.com: The Digital Library

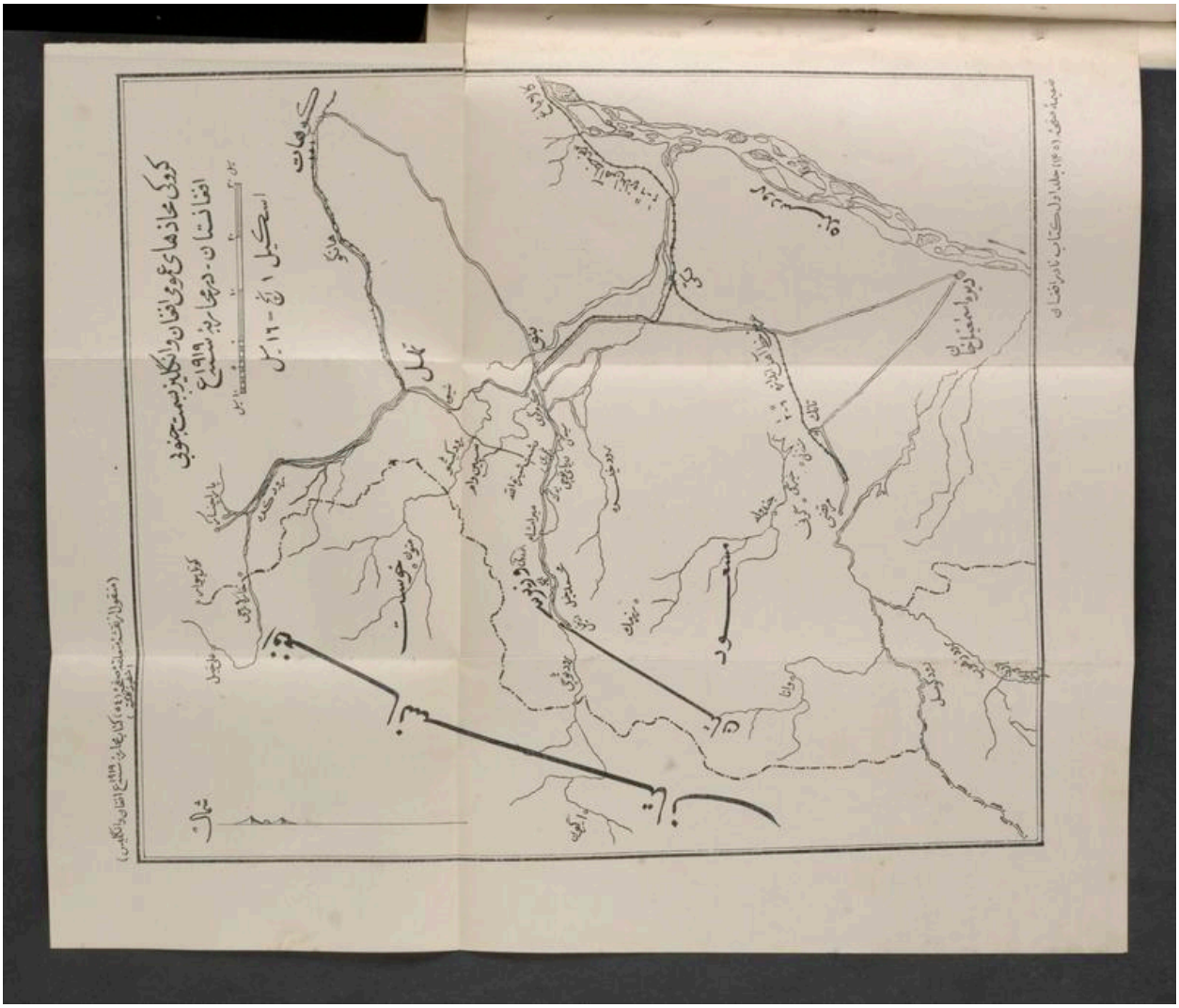

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 207 of 711

راپورهای بسیار صحیح و مطبوعات عصری جمع و ترتیب گردیده بمنصهٔ طبع و اشاعه گذاشته شده است نقل میکنیم.

اقتباس از راپور رسمی انگلیزی

نسبت بجاهدات نادری در محاربهٔ استقلال

(۱)

[از مطالعهٔ فصل ششم محاربهٔ ۱۹۱۹ع افغان و انگلیز معلوم میشود که در محاذ سمت جنوبی عدهٔ آن قوهٔ منظمهٔ مکمل الاسباب صاحب تعلیم و تربیهٔ نظامی انگلیز که آنها را مخصوصاً برای مقابله و مدافعهٔ سپه سالار صاحب تهیه کرده بودند و در موقع پیشرفت سپه سالار و برادرهای شجاعت مدارش، داخل حرب بودند قرار جدول صفحهٔ ۱۴۵ است؛ ولی درینجا ناظرین محترم دقت و انصاف کنند که قوهٔ منظم عسکری افغانستان به این پیمانه که نوشته شده است نمی باشد و جناب سپه سالار درین معرکه فقط از معاونت قوای ملی و اقوام و عشائر سرحدی کار گرفته است.] (مؤلف)

(۱) منقول از فصل ششم کتاب محاربهٔ ۱۹۱۹ع افغان و انگلیز مطبوعهٔ سنهٔ ۱۹۲۶ کلکته از سلسلهٔ مطبوعات مرکزی حکومت هند که در صحیفهٔ ۱۴۰ تا ۱۶۰ این کتاب مرقوم است.

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 208 of 711

اسم موضع	قوای محارب انگلیس در مقابل سپه سالار	قوای اردوی محاربین	صفحه کتاب	قوای محارب افغانستان در مقابل قوای انگلیز
اردوی جلال آباد	ملیشیای کرم یک کندک پیاده، یک تولی رساله، دو دسته توپخانه کوهی، یک کندک رساله، موترهای ماشیندار.	[illegible]	۵۲	قوای افغانی در محیط گردیز و علی خیل و ستون یک کندک رساله و چهار رده غلمه پیاده و چهل و هشت ضرب توپ بود.
پیشاور	یک تولی رساله، دو دسته توپخانه کوهی یک تولی انشاآت، چهار کندک پیاده دو دانه توپ ۳ پاونده و دو زر.	[illegible]	۵۶	
درره بولی	یک تولی رساله، یکدسته توپخانه، یک تولی انشاآت، یک کندک ڈگره، یک کندک پیاده		۵۳	
هانگو و سنا	یک کندک پیاده.		۵۴	
کوهاٹ	یک قطعه رساله کمتر از دو تولی یک توپخانه کوهی، سه کندک پیاده.		"	
بنوں	ملیشیای وزیرستان شمالی.		"	
ڈیره اسمعیل خان	یک کندک پیاده.		"	
ٹوچی	موترهای زره پوش، کندک رساله کمتر از دو تولی یکدسته توپ های ۱۰ و زر دو کندک پیاده		"	

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 209 of 711

[درین راپور رسمی که از صفحهٔ ۵۲ آغاز شده در ضمن کشفیات واطلاعاتِ استخباریِ مرقوم است که :-]

« بتاریخ ۶ می علائم مصروفیت دشمن (یعنی مجاهدین بمرکاب سپه سالار) بمحاذ مرکزی یعنی بر کوتل پیوار اظهار و مشغولیت شان در کندن سنگر و ساختن استحکام دوام، و مساعیات نماینده های حکومت در القای جوش و خروش و تحریک قوم ارگزائی، وزیری، مسعودی جریان داشت، ولی چندان کسب موفقیت کرده نتوانستند، آوازهٔ آمد آمد و حرکت نادر خان سپه سالار سابق افغانستان الآن کماکان از ماتون بغرض حمله بردن بر محاذ توچی و کرم دوام دارد، هرچند اولاً ما (یعنی عسکر انگلیزی) تصمیم کرده بودیم که از طرف جنوب و مغرب، خوست را زیر فشار تعرض خویش بگیریم، اما قوماندان نظامی ما از فقدان عساکر مکفیه و نبودن لوازم نقلیه ازین مفکورهٔ خویش منصرف و مجبوراً وضعیت دفاعیه را برای عسکری خود مستحسن دید، کنون انتظار میکشیم که نادر خان با ۱۴ غند پیاده و ۴۸ ضرب توپ (۱) بر کدام نقطه و محاذ ما حمله آور میشود.»

« مسائل در میانی کرم و توچی هم سخت اختلاف داشت، چنانچه ما بغرض دفاع یک قوم شجاع مگر در تعداد از دشمن کمتر در علاقهٔ کرم آمدیم در موقعیکه ظاهر شدن قوای افغان

(۱) ناظرین مطلع اند که با سپه سالار اینقدر قوهٔ نظامی و تجهیزات حربی موجود نیست و درین حمله بهراه شان فقط ۳ کندک عسکر پیاده و ده ضرب توپ، و باقی قوای مجاهدین قریب شش هزار نفر لشکر ملی بوده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 210 of 711

در علاقهٔ توچی یک علامهٔ اغتشاش را در افراد وزیری متردد تولید میکند، و توقع میرود که قوم مسعود در میدان حرب نیز شرکت کند، و در عین زمان امکان خواهد داشت که عداوت دیرینهٔ این دو طائفه مانع اقدامات متحد کارانهٔ شان بر علیه ما بشود (فرقهٔ مشر یوسفیس که در کوهات قوماندان بود، بغرض مدافعهٔ علاقهٔ کوهات، کرم، حتی سرحد افغان تا کوتل پیوار و خارلاچی در محاذ کرم تعیین گردید).»

«قوماندان عمومی این محاذ فرقهٔ مشر یوسفیس بالعموم امر گرفتن ترتیبات دفاعیه را در تمام اضلاع کوهات و کرم و کوتل پیوار و خارلاچی و دیگر نقاط مجاور سرحد افغانی داد و هم مقرر داشت که در موقع حمله آوری افغانها بر وادی توچی، تمام پهره های متصل دریا و بالای میرام شاه باید تخلیه و قشون حضری آنجا بعلاقهٔ سفلای توچی مراجعت کنند.»

«منطقهٔ مخاطرهٔ اولین پاره چنار، سنجیده شده بود؛ چنانکه در فصل سوم مذکور است یک غند پیاده و یک غند رساله و یکدسته توپخانهٔ جبل جهة تقویهٔ قوای دائمی ملیشیائی کرم در پاره چنار فرستاده شد و این قوهٔ الظهر در ۷ می بآنجا واصل و از آمدن این قوه برای آن محل تسکین کلی حاصل شد، بر علاوه عساکر محلی که در کوهات موجود بود، به دو غند پیاده و سوار و دو کندک پنجابی و گره وال و یکدسته ماشیندار دیگر هم تقویه کرده شد که متعاقباً ازین قوا غند پیاده و دستهٔ ماشیندار تکرار به پاره چنار ارسال شد، که به

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 211 of 711

۱۲ و ۱۵ می رسیدند، بر علاوهٔ آن سه صد نفر از افراد عسکری قدیمی ملیشیای کرم جهت پهره داری نقاط لازمهٔ پاره چنار تازه استخدام شد، تا که موجب استراحت تمام ملیشیا بشود».

«میجر ڈاڈ قوماندان ملیشیای کرم یک پهرهٔ ۶۰ نفر را به قیادت نائب کپطان (فیرویل) جهت نگاهبانی کوتل پیوار، طرف خندخیل و ۴۵ نفر را برای تأمین جادهٔ دریای کرم، به شین غاخ الی خارلا رچی سوق نمود».

«در ۱۴ می اطلاع واصل شد که نادر خان به علی خیل رسیده که بفاصلهٔ ۱۱ میل بجانب غربی کوتل پیوار واقع است، و در نظر دارد که از آنسمت حمله آور شود، لذا میجر ڈاڈ با ۴۵۰ عسکر پیاده و ۵۰ نفر سوار و دو توپ از ملیشیای کرم پیش رفته متصل قریهٔ پیوار اقامه نمود، چون این خبر افواهی بود، اخیراً غلط ثابت شد».

«بنابرین به ۱۶ می توپهای فوق الذکر در پاره چنار پس فرستاده شد، قوای معینهٔ آن محل به استمداد مردم توری از تعرض دشمن در دهات پیوار بخوبی جلوگیری نمودند، از تهانهٔ لکه تکه که بمسافهٔ ۱۶ میل جانب جنوب غربی پاره چنار واقع است اطلاع آمد که افغانها آنموضع را بمخاطره انداخته اند، لذا در همین روز ۱۶ می تحت کمان افسری کپطان چین مین یکدسته نظام دو صد نفر پیاده و ۶۰ نفر سوار ملیشیای کرم

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 212 of 711

اعزام شدند، تنها نفری ملیشیای کرم بدیدن دشمن موفق (ولی بدون رساندن کدام خسارهٔ جانی) ۶۰ راس مال مواشی آنها را بتصرف آورده توانستند، حقیقتاً نظام باقاعدهٔ افغان و افراد قومی آنها را بدرستی تقویه کرده بودند و گاه گاه فیرهای توپ و تفنگ بر تیری منگل جاری بود، تاهم در اثنای سه هفته هیچیک واقعهٔ مهمه حادث نشد.....»

«بتاریخ ۲۲ می تقسیمات نظامی ما و از افغانان که (اقوام) را در خوف انداخته قرار آتی است» (۱)

«به ۲۳ می نادرخان از (ماتون) حرکت کرده جانب پائین دریای کیشو پیشرفت نمود، از سمت حرکت مشارالیه ممکن نیست که پیشگوئی کرده شود، ولی این حرکت او موجب جوش و هیجان وزیریهای علاقهٔ توچی شد»

«در ۲۴ می یکدسته نظامی از دردونی به محمدخیل که بفاصلهٔ ½ ۱۴ میل واقع است جهت تقویه و اطمینان پهره های ملیشیای آنسمت و تهدید اهالی آن نواحی که به ماسخت اذیت میدادند فرستاده شد، در عصر همین روز محقق شد که نادرخان طرف پایان سپین وام از نقطهٔ که راه تهل به ایدک آمده بحد دریا یکدیگر را تقاطع میکند

(۱) صورت این تقسیمات قبلاً در صفحهٔ (۱۴۵) تحریر شده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 213 of 711

و در انجا یک پهرهٔ ملیشیائی ما هم واقع است حرکت خواهد کرد از ینجهة فیصله شد که قوه های سپین وام و شیوه که بر دریای کرم هشت میل جانب شمال مشرق سپین وام واقعست به اید ک فرستاده شود، جهة تسهیلات رجعت این قطعات (ایل وڈ) کرنیل، دو کندک رسالهٔ را در کهوری مجموع نمود، و علی الصباح ۲۵ می مقابل دشت شیرت الله پیشرفت را آغاز نهاد نخستین عساکر حضری شیوه به سپین وام پس پاشدند، پس هر دو قوهٔ متحده الی اید ک ۲۱ میل پیش رفتند (۱) در حالیکه آنها از سپین وام مرخص شدند، قشون منظم افغان قلعهٔ مذکور را متصرف شدند بمجرد وصول و عبور نادر خان از خاک ما یک جم غفیری از وزیریها با اردوی شان ملحق شده، این وزیریها علی الفور به تعقیب آن قوای ملیشا که ایل وڈ کرنیل جهة حمایت و مراجعت آنها آمده بود پرداختند، چنانچه یک صاحبمنصب هندی و ۱۵ نفر عسکر ما را با خود اسیر برده، دیگر موفق نشدند که ضرر و خساره بما عاید کنند در عصر ۲۵ می جمعیت مذکور به اید ک رسید، در عین تخلیه شدن پهره های فوق الذکر بقوماندان دستهٔ نظامی محمد خیل نیز امر رسید که عساکر حضری سپین خیسوره، و اتا خیل و توت نزر را جانب حصهٔ علیای توچی بعقب کشیده بعداً به دردونی

(۱) یعنی بعقب نشستند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 214 of 711

مراجعت کنند، این پهره های مذکور بکمال موفقیت تهانه را تخلیه نمودند، تنها ذخائر و مالزمهٔ خود ها را چون نقل داده نمیتوانستند، آتش زدند، قلعه بیک ملک با اثر و صاحب رسوخ قوم دور (که یک قبیلهٔ مختصر در وادی توچی سکونت دارد) سپرده شد، این شخص همت نگهداشت قلعه را نداشت یا برین رضامند نبود، بنا برین حصن مذکور از دست اهالی آنجا چور و تاراج، علاوهٔ سوختانده شد (دستهٔ نظام ملیشیای حضری قریب نیمهٔ شب به میرام شاه و در دونی مراجعت کردند) در اثنای همین عقب نشینی و پسپائی تقریباً یکصد و پنجاه نفر ملیشیا رو گردانیده ملحق به قوهٔ افغانان شدند، اکنون متیقن گردید که نه تنها وزیر بهای توچی با ما مخالفت دارند بلکه وزیر بهای شمالی نیز مکملاً بر علیه ما مخالفت دارند، لهذا مناسب دانسته شد که یک قطعهٔ ۲۰۰ نفری از عسکر ڈوگره برای اصلاح افکار مشوش اهالی و تهدید مخالفین در قلعهٔ میرام شاه اقامه داده شد»

«در ۲۶ می آن افراد ملیشیا که از قوم وزیری بودند علناً از ما بغاوت و به سرکردگی پت خان صوبه دار، و ترین خان جمعدار از زیر دیوار (چاونی) نقب کنده بادگر اقوام مسلح شان که بر خلاف ما داخل جنگ بودند ملحق شدند»

«پهره های ملیشائی، چونکه از یکسر تخلیه میشدند لذا در علاقهٔ وزیرستان جنوبی

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 216 of 711

نیز احوال ما از بد بدتر شده میرفت، زیرا که شاه ولیخان برادر نادر خان از ارگون برای حمله آوری و انا داخل اقدامات بود فیصله شد که باید ما پهره های وانا و گول را قبل از وقوع حادثهٔ توچی تخلیه نمائیم »

« به ۲۶ می بعد از اینکه اقوام وزیری و افریدی آن مواضع مملوکهٔ ما را گرفتند بمقابله و مجادله کردن با آن عساکر و منصبداران ما که تاکنون بهمراه ما شیوهٔ صداقت را مرعی داشته بودند، عطف توجه نمودند، میجر رسل با افراد متباقی بعد از قطع کردن ۶۰ میل راه در حالیکه با افراد باغی و اقوام وزیر وغیره اهالی جنگ نموده، طرف قلعهٔ سنڈے مین راه خود را گرفت، در اثنای این پسپائی از عسکر خود پنج نفر افسر مقتول و دو نفر زخمی گذاشت !..... »

« عساکر حضری بلیشیا به مشکل از سپین وام پس شدند، که نادر خان با سه هزار پیاده و دو توپ اودزر ۱۰ انچهٔ کروپ، و ۷ توپ ۷ ½ انچهٔ کروپ با تعداد زیاد قومی در مقابل تهانهٔ مذکور نمودار شد، در انجا مشار الیه از تهل، و بنو، و ایدک، و توچی بفاصلهٔ بیست میل دور بود، پیشرفت مشار الیه ازین راه ابداً متوقع نبود زیرا از اطلاعات سابقه تیقن شده بودیم که جادهٔ مذکور برای سوقیات چنین قوای بزرگ ناقابل مرور است الی الآن از سمت حرکت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 217 of 711

ونقطهٔ مطلوبهٔ مشار الیه بصورت صحیح معلوماتی در دست نیست (۱) »

« از بنو یکدسته نظام که مرکب از دو تولی جاٹ و یک تولی رساله و یکدسته توپخانهٔ جبل و یکدسته هوتزر طرف گڑھی کرم که چار میل مفاصله از بنو دارد برای محافظهٔ تنگی دریای کرم حرکت نمود، جنرال یوسٹیس نیز در ۲۵ می با یک کندک سکھ و یک کندک گڑھوال و یکدسته توپخانه آنرا تقویه کرد، به ۲۶ می یک تولی انشاآت برای تقویهٔ قوای تهل نیز واصل شد »

قوهٔ حضری در تهل قرار آتی است :-

« رساله یک تولی »

« توپخانه دو دسته »

« انشاآت یک تولی »

« گڑهوال یک کندک »

« پیاده یک کندک »

« سکھ یک کندک »

(۱) یعنی پیشگوئی کرده نمیشود که این سوقیات سپه سالار به سپین دام که یک نقطهٔ مهم و بقلب همه جاده های بزرگ عساکر انگلیزی میباشد و از تصرف این محل نظامی (بنو)، (تهل)، (پاره چنار) و دیگر قشله های انگلیز از هم منفصل و زیر تهدید گرفته میشود، چه نتیجه خواهد داد، و سپه سالار بر کدام منطقهٔ فوجی ما یلغار خواهد نمود.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 218 of 711

« گورکھ یک کندک »

« توپ هوتزر ۳ انچه دو ضرب »

« قوماندانی قوای فوق الذکر را خود پوستیس فرقه مشر گرفته جهة دفاع افغانها مصروف اقدامات شد و خطوط داخلی و خارجی محاذ را قرار آتی تقسیم کرد .....»

« خطوط محاذ خارجی :- »

« از شیلهٔ سنگ روبا تا کوه کوهات ، کندک گڑهوال »

« و از کوه کوهات تا پگٹ هل ، کندک سکھ »

« از پگٹ هل تا شیلهٔ سنگ روبا و قلعهٔ کنگره یک کندک پیاده کمتر از یک تولی »

« خطوط داخلی محاذ :- »

« قلعه و استیشن و عمارات مامورین ملکی یک کندک گورکھ کمتر از دو تولی »

« برای ذخیرهٔ عمومی :- »

« متصل عمارت مامورین ملکی بسنگرهائیکه بشکل قطر در عصر لارد رابرٹ به سنه ۱۸۷۹ع حفر کرده شده بود دو تولی پیادهٔ گورکھ و یک تولی پیاده »

« تا ۲٦ می کار استحکام و سررشتهٔ دفاع جریان داشت »

« در ۲۷ می عساکر افغانی بساعت ۹ بصورت ناگهانی آشکار و محاصرهٔ تهل را آغاز نمودند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 219 of 711

قلعهٔ تهل دریک دشتی مرتفع که یک میل وسعت دارد، بین سنگ روبا و شیلهٔ اشکائی واقع، واز دریای کرم که یک میل دورتر جانب غربی قلعه جریان دارد بارتفاع صدفت بلند است، وقریهٔ بزرگ تهل بفاصلهٔ نیم میل طرف غرب آن موجود میباشد که دران ۳۷۲ خانه آباد، وافغانهای بنگش در آن بود وباش دارند، بطرف شمال غربی سنگ روبا یک قلعهٔ "خدے مخ" بارتفاع دوهزار وسه فت واقع میباشد، میدان سرسبز طرف مشرق بین کرم ووادی میران زائی قریب ۲۰ میل متدرجاً بلند شده میرود، طرف جنوب شیلهٔ اشکائی وسمت مشرقی ومغربی را سلسلهٔ کوه ها احاطه کرده است واین سلسلهٔ جبال مرتفع سرکشیدهٔ حیرت انگیز بشکل قله های کافرکوٹ بالتدریج بطرف قلعه سرنشیبی دارد"

"بجانب غربی کرم یک کوه خشک وخالی بنام خفیانگه معروف و ۸۰۰ فت از دریا بلند واقع، وزمین این منطقهٔ منظمه هموار ووسعت ۵ میل را حائز است، سرحد ذی مخت طرف شمال (خدے مخ)، رفته طرف جنوب وجنوب مغرب یک خط را الی نیم میل دورتر از قریهٔ تهل به پهلوی دریای کرم بجانب مغرب تشکیل و حدود وزیری را نشان میدهد"

"آب برای معسکر تهل واستیشن آن ذریعهٔ فابریک آب کشی از شیلهٔ سنگ روبا

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 220 of 711

که بمسافهٔ سه صد گز بشمال مشرقی قلعهٔ تهل واقع میباشد رسانیده میشود، اردوگاه مرکزی افغانها در موضع یوسف خیل برکنار دریای کرم سه میل دورتر بجانب شمال مغربی تهل تشکیل یافت و دستهٔ توپخانهٔ خودها را برخفیانگه در سنگلاخ سیاه که یک کوه بچهٔ یوسف خیل است تعبیه نموده داخل عملیات شدند، از فاصلهٔ (۳۵۰۰ الی ۵۵۰۰) گز قلعهٔ تهل را زیر آتش اتواپ خود گرفتند، و بعمارات و فصیل و قشلهٔ نظامی خساره های بی اندازه را عائد کردند، که درین ضمن بسیاری از بمبهای شرابل سربازخانهای که بطور خسته خانه استعمال میشد ترکید»

«(چون آمدن و رفتن و داخل و خارج شدن از قلعه حتی حرکت کردن باندرون قشله بواسطهٔ بمبارد مان شدید افغانها مشکل و متعسر شده بود سنگرهای رفت و آمد بدرون قلعه ساخته شد، تا در تعداد تلفات آن (افراد محصور قوای محارب انگلیس تقلیل، و موقتاً از بمبارد افغانها) نجات یابند.

قوهٔ پیادهٔ افغانها بر قریهٔ تهل قابض شد، و افراد قومی از کرم گذشته کوهائی را متصرف شدند که رخ شان بسمت ده محمد زائی بود، و تپه های کوچک (خدی مخ) و مقامات مرتفع کوهائی که بجنوب قلعه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 221 of 711

بارتفاع (۳۵۰۰) سه هزار و پنجصد گز واقع است تصرف کردند.»

«به ۲۸ می آتش توپهای هودز صحیح و شدید شده رفت، و مخزن تیل پترول وگدام کاه سفید و آذوقه که در بیرون قلعه ذخیره شده بود، و استیشن ریل (از اثر گلوله باری اتواپ افغانی) در آن واحد آتش گرفت. و استیشن تلگرام بی سیم از ضرب گله های توپ خراب شد، محض درین محاربه توپهای ما بالنسبه اتواپ افغانی پست و از صفت دوررسی عاری بود، در اثر اجرای مساعیات زیاد و بمبارد مان طیاره مخصوصاً بر منطقهٔ که توپخانهٔ افغانی آنرا بخود سنگر گرفته بود، آتش توپ افغانها را برای اندک فرصت خاموش کرده توانستیم، اما این نجات ما و خاموشی توپ های افغان موقتی بود، قشون باقاعدهٔ افغانها از قریهٔ تهل برامده متردداً تهیهٔ حمله بردن شانرا بر قلعهٔ نظامی ما گرفتند، اما بذریعهٔ فیرهای متحدانه و متوالیهٔ توپ، تفنگ، ماشیندار، بعقب نشستن مجبور شده تکرار حملهٔ خود ما را تجدید نکردند»

«در شب ۲۸ و ۲۹ می قوهٔ ملیشیای سرحدی تهانهای طرف راست شیلهٔ سنگ روبا را تخلیه کرده جانب هنگو رهسپار شدند، از تصرف کردن دشمن این موضع راسپر چشمهٔ که از انجا به تهل آب رسانیده میشد در مخاطره افتاد»

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 222 of 711

« در ۲۹ می قشون حضری قلعه بکندن چقوریها باندرون قلعه مشاغلت داشته آبهای آنرا در تکه های موم جامه برای خود ذخیره میکردند، وبسبب سوختن آذوقه حیوان وانسان برای هردو صنف مناصفه جیره داده شد »

« درشب ۲۹ و ۳۰ می، برپکت هل حمله آوردند، چون پوزهٔ طرف جنوب قلعهٔ تهل را قوهٔ پیاده ودستهٔ توپخانهٔ ما اشغال کرده بود، دشمن را زیر آتش گرفته، بیک توپ چول مهتابی می انداخت وبدیگر شرابنل را استعمال میکرد، ازین آتش توپ و تفنگ، ماشیندار واستعمال بمبهای دستی، دشمن پس پاشد، درین مجادله ایس، سی، سکات لفتننانت و پنجنفر دیگر مجروح شد »

« به ۳۰ می طیاره ها به منازل دیگری تعیین شد، اما توپخانهٔ افغانی بشدت نهائی تمام این روز را هم متوالی در آتش باری گذرانید، درین اثنا توپهای هوتزر افغانی از طرف جنوب تهل در مقابل دشت برده از یک موضع حاکمی که ارتفاع آن ۲۹۳۱ گز بود، آتش باری شدیدرا شروع وفصیل قلعه وجای اقامهٔ اتواپ مارا بخساره های زیاد معروض نمودند.....»

« فی الحال این اقدامات وحملهٔ نادرخان ومحاصره شدن تهل تهیهٔ پیشرفت مارا بطرف جلال آباد معطل نمود، وبرما لازم شد تا مجاهدات آخری خودرا در تخلیص تهل

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 223 of 711

از جنگ نادرخان فوری بند و کنیم، تا مبادا اقوام اورکزائی وزی مخت، که تا اکنون طرفداری و معاونت افغانها را عملا نکرده اند، در صفوف دشمن داخل، و بر علیه ما کارروائی کنند»

«(در صفحهٔ ۵۹ مرقوم است که) علی الصباح ۲ جون ژنرال ڈائر اداره امور نظامی تهل را بدست خود گرفته و یوسٹیس فرقه مشرکوهات از محاذ تهل (بطرف هند) مراجعت نمود..... درهمین روز جنرال ڈائر، از نادرخان یک مکتوبی را گرفت که دران مرقوم بود، که [بامر اعلیحضرت، جنگ ملتوی شد]»

«(در صفحهٔ ۶۸ مرقوم است که) بورخهٔ ۷ جون درحالیکه جنگ ترقی داشت، جنرال بینن قوماندان فرقهٔ کوهات وارد پاره چنار گردیده بعنوان شاه محمود خان برادر کوچک محمد نادرخان که در سنه ۱۹۱۹ بنام سرسراوس شهرت داشت، مکتوبی نگاشت که [چون معاهدهٔ متارکه امضا شده است باید عساکر افغانی را واپس بخواهید]»

«(در صفحهٔ ۶۲، ۶۳ مرقوم شده که) این تعرض و پیشقدمی نادرخان یک دار استادانه و ضرب ماهرانه بود، این حرکت و سوقیات او بر راه های خراب دشوارگذار و حرکت دادن یکقوهٔ زیاد را با توپهائیکه بر فیلها بار کرده شده بود، بر شخصیت و اقتدار مشارالیه می افزاید، چنانچه در خاتمهٔ این جنگ بمنصب جلیلهٔ سپه سالاری و وزارت جنگ هم واصل شد»

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 224 of 711

اقتباس از مطبوعات ترکی نسبت بمجاهدات نادری در محاربهٔ استقلال

(۱)

راه کرم، کوهات، کابل:

« در ۱۵ می راپوریکه به باش قوماندان اوردوی هندوستان جنرال (مورفی) رسیده بود، از قوتیکه افغانها در خوست جمع کرده بودند دو (کندک) طابور پیادهٔ آن از حدود گذشته به (کوتل پیوار) آمدن شانرا، دیگر سه (کندک) پیاده بهمراه یکمقدار توپچی به (علی خیل)، نام موقعیکه به جهة حدود افغانی واقع است بودن شانرا میفهماند، بناءً علیه (۲) به کوتل پیوار یکدسته از ملیشیای کرم (یکقطعه ۵۰۰ الی ۸۰۰ نفری) وبقدر (۲ طابور) دو کندک پیاده، یک بلوک سواری وچهار توپ جبل فرستاده شد وهمچنان از فرقهٔ که در قصبهٔ کوهات بوده و در احتیاط عموم نگاه کرده شده بود

(۱) منقول از صفحهٔ ۱۲ الی ۱۸ کتاب "افغان وانگلیز حربی" ۱۹۱۹ عیسوی که از طرف دائرهٔ تعلیم وتربیهٔ ریاست ارکان حربیهٔ عمومیهٔ ترکیا در سنهٔ ۱۳۴۱ ق ترتیب ودر مطبعهٔ عسکری « درسعادت » طبع شده صفحهٔ (۱۷۳) این کتاب آمده.

(۲) از طرف انگلیزها.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 225 of 711

چهار کندک عسکر نیز سوق کرده شد، زمانیکه این قطعات به کوهات مواصلت نمودند
در اثنائیکه پیشرفت افغانها را خبر گرفتند در حال به (تهل) و (پاره چنار) فرستاده شدند»

« در راپورو صلهٔ ۲۴ می آرزوی حرکت جنرال (نادرخان) را به جهت
توچی وکرم، و بدون ازین تعرض یک قطعهٔ عسکریهٔ افغانیه را به تهانهٔ سپین وام
نام یک قلعهٔ خوردیکه در جوار حدود کائن است نشان میداد (مندرج بود) بنا بر علیه
یک کندک پیاده و دو طوپ از کوهات بواسطهٔ شمند وفر به (تهل) سوق کرده شد
بهمراه مواصلت این قطعهٔ عسکریه یک قوتیکه عبارت از چهار کندک پیاده یک تولی
سواری، چهار طوپ جبل، یک تولی استحکام مرکب باشد در تل جمع کرده شد،
در ماه می در پاره چنار دو کندک پیاده، یک تولی سواری، چهار طوپ موجود بود»

« در ۲۷ می عساکر افغانی باتفاق قبائل سرحدیه یکجا در جوار (تل) دیده شد»

« خود قصبه را و جوار تپه های جنوب غربی این قصبه را اشغال نمود، انگلیسها در
قلعهٔ تل که بجهت شرق شهر کائن است میبودند، افغانها به ضرب بومباردمان شدید
توپچی خود قلعهٔ تل را بلرزه درآوردند، انگلیسها: این بومباردمان افغان را بواسطهٔ
دو طوپ ابوس آلمانی ۳۸ انچه مینویسند در نتیجهٔ این بومباردمان مدهش انگلیسها
بیرق تسلیم را بالا کشیدند، لیکن افسوس ازینکه افغانها این تکلیف را قبول نکرده عساکر انگلیس

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 226 of 711

قلعه را ترک نموده، از قلعه برامده رفتند.»

«جنرال (بررت) پس از خبردار شدن این عاقبت فجیعهٔ تل بذریعهٔ شمندوفر از پشاور بکوهات یک کندک پیاده و یک بطریهٔ طوپچی صحرا سوق نمود، و همچنین از دو فرقهٔ که بمحافظهٔ تنگی خیبر مأمور بود بسوق یک قوهٔ امدادیه نیز امر کرد. حقیقتاً وضعیت خیلی زیاده کسب اهمیت و نزاکت را دارا شده بود.»

«جنرال نادرخان اگر به رفتار و پیشرفت خود دوام کرده میتوانست، پس از گرفتن عقب تنگی خیبر به پیشروی پشاور خود را رسانده میتوانست.»

«بموجب امر جنرال (بررت) قوهٔ امدادیهٔ که از فرقهٔ دوم محافظ تنگی خیبر ترتیب و تکمیل یافته بود، همچنانکه در ۲۹ می ۳ کندک پیاده بکوهات سوق کرده شد، از قوهٔ احتیاط عمومی که در لاهور نگاه کرده شده بود نیز ۴ و از (انباله) هم دو کندک پیاده فرستاده شد، این قطعات در ۲۹ می به (کوهات) به مواصلت شروع نمودند.»

«در ۳۰ می بطرف شرق (تل) اجتماع نمودند، در ۳۱ می به تعرض شروع کردند و قصبهٔ تل را در ماه حزیران از نزد افغانها استرداد نمودند، انگلیسها مینویسند که افغانها در اولین محاربه خیلی ضعیف یک مقاومت نشان داده اند، لاکن سبب این نیز رسیدن امر تعطیل مخاصمات این محاربه است، که از طرف امیر به جنرال

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 227 of 711

نادر خان رسیده بود، بدین سبب است که افغانها بدون یک مقاومتی عقب نشسته اند.»

«در ۲ ماه جون انگلیسها افغانها را تعقیب کرده از حدود گذشتند، حین رسیدن بپاره چنار شش ده افغانهای (سرحدی خودرا) پس از سوختاندن تخریب نمودند.

«در نواقعه انگلیسها برای استرداد تل ۱۲ الی ۱۴ کندک نظامی استخدام کرده اند»

«فرستادن دو کندک پیاده، یکدسته ملیشیا، یک تولی سواری چهار طوپ جبل به (کوتل پیوار) فوقاً نشانداده شده بود، اخبارهای انگلیسی ازینها هیچ بحثی نمیراند، احتمال که اینها نیز بهمراه قطعاتیکه بکوهات سوق کرده شده بود، یکجا برای استردادِ تل فرستاده شده بودند.»

«حرکات جنرال نادر خان خیلی مهم و حاکمانه بود، درحالیکه جنرال نادر خان از تل پیشرفت نمود، از جنوب تنگی خیبر بر سر پشاور رسیده میتوانست، بنابرین سبب بمجرد خبر سقوط قصبه و قلعهٔ تل انگلیسها بتمام موجودیت خود باین جبهه بسوق قوه مجبور گردیدند.»

«در روزهائیکه جنرال نادر خان تعرض میکرد در احتیاطِ عمومیِ انگلیسها تنها چهار کندک مانده بود (چون از فرقهٔ احتیاط عمومی یک مرتبه ۶ کندک و دوم دفعه ۴ کندک

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 228 of 711

سوق کرده شده بود لهذا از فرقهٔ مذکور تنها ٤ کندک موجود بود) طیارهٔ زیادی هم در دست وجود نداشت.»

«چون اصلاً قوهٔ موجودهٔ طیاره کم و به تنگی خیبر تخصیص شده بود، بناءً از انجا نیز برای امداد گرفته نمیتوانست. درینروزها اگر امر متارکه بجنرال نادرخان مواصلت نمیکرد جنرال موصوف هم حرکات خود را جرأت کارانه پیش می برد، انگلیسها خیلی بیک وضعیت مهلک دوچار میشدند، چونکه عساکر سمت خیبر به سبب تعجیزات قبائل از جاهای خود حرکت کرده نمیتوانستند.»

«درصورتیکه در احتیاط عمومی تنها ٤ کندک باقیمانده بود، اگر بمجردیکه حرکت پیشرفت نادرخان مشاهده میشد تماماً قبائل سرحد بر علیه انگلیسها قیام نموده پیش میرفتند و به عقب تنگی خیبر عساکر انگلیسی را که دران حوالی موقع گزین بودند از عقب شان احاطه کرده میتوانستند.»

«جنرال نادرخان تا به آنزمان به اراضی قبیلهٔ (اورکزائی) قدم نگذارده بود، درحالیکه بآن منطقه میرسید (اورکزائی ها) نیز به او التحاق کرده تحت قوماندهٔ جنرال نادرخان یکقوت بزرگ مهیا شده میتوانست.»

«از چندبمی که یک طیارهٔ انگلیس در ۲٤ ماه مئی در کابل انداخته بود، اگر هم نکرده

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 229 of 711

و بمتارکه قرار نمیدادند در عین زمان محاربهٔ که در سمت خیبر جریان یافته بود تنها به قبائل سرحدیه منحصر نگردیده و محاربه بهمراه اوردوی افغانی دوام داده میشد، جنرال (بررهت) از قوهٔ عسکریه که در تنگی خیبر موجود بود به تل فرستاده نمیتوانست و بنابدین سبب اجراآت جنرال نادرخان یک شکل آسانرا در برگرفته میتوانست.»

«علاوه برین اگر حرکات جنرال (نادرخان)، و حرکات سردار صالح محمد خان متحداً در معرض اجرا گذاشته میشد، بازهم وضعیت انگلیسها خراب و بمقابل اوردوی افغانی از مدافعه و محافظهٔ تنگی خیبر و شهر پشاور عاجز میماندند.»

«در ٤ ماه می در تنگی خیبر و خاصةً در ١٤ می بجهة تل نیز بمحاربه شروع نمودن شان به اوردوی افغانستان خیلی بقیمت گران تمام شد، در جون بطرف تل نیز بین افغانها و انگلیسها محاربه جریان نیافته قبائل افغان همچنانکه در تنگی خیبر مشغول محاربه بودند تنها بشخصیت خود و از نقطهٔ نظر اسلامی محض در راه دین مبین اسلام بمحاربه دوام نموده اند»

«در ایام جولائی تعجیزات قبائل به آن درجه زیاد شده بود که چهارده کندکیکه در حوالی تل موجود بود انگلیسها به تقویهٔ دو کندک دیگر مجبور گردیدند، و تا ایامیکه متارکه بعقد صلح منجر نگردیده بود ١٦ کندکیکه در دست داشتند، به استقامت خوست حرکت داده شانرا تصمیم کردند، لیکن به ۲۲ جولائی هیئت صلحیهٔ افغانیه از توکه به (راولپندی)

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 230 of 711

حرکت کرده و در ۸ اگست در (راولپندی) ازبین مرخصین دو حکومت مصالحه نامه امضا کرده شده است.»

«راه های بنو، دیرهٔ اسمعیل خان، غزنین»

«تا به ۲۰ ماه می از طرف افغانها بسمت وزیرستان هیچیک حرکتی ظهور نیافت خبر حرکت عساکر افغانیه که در انسمت بود بطرف (توچی، وانا) پیشرفت نمودن شان، بسر قوماندان اوردوی انگلیسی رسید.»

«(وانا) یک موقع مهمی است که در حصه های وسطی وزیرستان و در بین نهرهای (توچی) و (گومل) واقع است.»

«عساکر در تحت امر قوماندان عسکری منطقهٔ وزیرستان جنرال (اوودوت) بودند، از مرکزهای شان باستقامتهای (درهٔ گومل) و (وانا) و (میرام شاه) دور نشدن شانرا امر نمودند.»

«نظر بفکر سر قوماندان اوردوی انگلیسی این قوهٔ مذکوره خیلی کم و یک قسم از عسکر های شان ملیشیا بودند، لهذا سر قوماندان اوردوی انگلیسی نظر به تجربه و نتیجهٔ تلخی که از خیبر حاصل نموده بود، بقوماندان منطقهٔ وزیرستان فهمانده بود که به نفری ملیشها اعتماد نکنند، درین اثنا یک امر جنرال (بررت) بدین مضمون وصل گردید:»

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 231 of 711

« اگر افغانها بتعرض شروع نمایند قلعه های (ٹوچی، وانا، گومل) تخلیه و صاحبمنصبان انگلیسی بهمراه طیشیه هائیکه در تحت امر انگلیسها صادق بمانند، خود را عقب بکشند.»

« در ۲۴ می جنرال (اودوه ت) امر نمود که از قطعات عسکریهٔ قلعهٔ (دردونی) یک قلعهٔ عسکریه به استقامت غرب حرکت نموده و اختلال و فتنهٔ که قبائل سرحد بروی کار آورده بودند تسکین نماید، و ازین مسئله جنرال (بررهت) را نیز مطلع نمود، بررهت این خبر را در انروز گرفته و فی الفور به جنرال (اودوه ت) امر نمود که امر خود را واپس گرفته و حرکت تاخیر کرده شود.»

« نظر برسیدن این امر مفرزهٔ که نو حرکت کرده و بقدر پنج کروه پیش رفته بود واپس بجاهای شان طلب و اعاده نمود.»

« این امر (بررهت) مصیب افتاد، چونکه دران روزها جنرال (نادرخان) به تل نزدیک شده بود اگر مفرزهٔ (اودوه ت) پیش میرفت از سببیکه جنرال (نادرخان) در بین خیبر و قطعهٔ مذکور میبود حالت مفرزهٔ که برای تسکین فتنه در بین قبائل درآمده بود کسب وخامت میکرد، نظر به امریکه از طرف بررهت در خصوص قلعه های ٹوچی، گومل، وانا، صادر گردیده بود به سببیکه حرکت جنرال نادرخان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 232 of 711

ملحوظ بوده و در عین زمان بقطعات عسکریه که در قلعه های مذکور و در تحت امر جنرال اوودوه ت ، میبودند معاونت کرده نمیتوانست و ضمناً نظریه گذشتن یعنی طرفدار شدن ملیشها به افغانها در پیش خاطر بود ، بنا بران بتخلیه قلعه توچی امر داد.»

«مأمور پولتیقه (سیاسی) سرحدی که در (وانا) میبود ، در اثنائیکه امر تخلیه قلعه (پولتیکل ایجنت) و (توچی) را پس از قیام قبائل سرحدیه و گذشتن ملیشها بطرف افغانها داد محافظه و مدافعه این قلعه های خورد بهیچصورت ممکن شمرده نمیشد ، مأمور پولتیقه پس از تخلیه قلعه های خورد ، (وانا) را نیز تخلیه نمود ، ضابطان انگلیسی بهمراه ملیشهائیکه به انگلیسها صادق مانده بودند یک قوت ضعیفی تشکیل کرده از راه وانا ، مخه کوت ، علی خیل ، به قلعه مرتضی که در کنار نهر (زهوب) کائن است رجعت شروع نمودند در اثنای رجعت ، عموماً قطع گردیدن راه رجعت شانرا که واقع روی یک تپه از طرف افغانها مشاهده نمودند بالمجبوریه تعرض نموده در تمامی یک شبانه روز محاربه دوام نموده ، نهایت بکشادن راه موفق گردیدند و بدون توقف ، ۴۰ میل انگلیسی راه قطع نموده ، در نتیجه جان خودها را به قلعه (مخه کوت) یا خود مخه کوتل بسلامت رسانیده توانستند ، اکثر از ملیشیه های صادق که از وانا متفقاً حرکت نموده بودند ، نیز در اثنای رجعت طرفدار افغانها شدند .»

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 233 of 711

« صاحبمنصبان انگلیسی وقتیکه بقلعهٔ علی خیل که از مخه کوت بمسافهٔ ده کروه واقعست رسیدند، تکرار به تعرض قبائل معروض گردیدند، درنتیجه از هشت صاحب منصب انگلیسی چهار نفر آن بقتل رسیده و دو نفر دیگر آن زخمدار گردید، دو نفر دیگر نیز بهمراه چند نفریکه از ملیشها باقیمانده بود، پس از رفتار یکشب دیگر در قلعهٔ سنڈی مین التجا نمودند، قلعهٔ (سندی مین) از قلعهٔ (مخه کوت) به مسافهٔ ۸۰ میل انگلیسی بعد دارد. »

« امر تخلیهٔ قلعه های (ٹوچی) و (وانا) در ۲۴ می داده شده بود، در ۲۶ می سرقوماندان اوردوی انگلیسی گرفتن یکمقدار عسکر را از خیبر برای تقویه کرده توانستن سمت وزیرستان امر نمود بنابرین امریک بطریه طوپ چیل بهمراه دو کندک پیاده را بسمت (بنو) حرکت داد، از دیره اسمعیل خان نیز براه تانک یک لوای پیاده را بقلعهٔ مرتضی سوق نمود. »

« این قطعات در ۳۰ می بهمراه مسعودیها به مصادمه شروع نمودند، در ۲۷ می جنرال (اودوه ت) عزل گردیده [+] بعوض آن جنرال (قلی مو) تعیین و مقرر گردیده و عساکر انگلیسی که در منطقهٔ وزیرستان بودند، سر راست به باش

[+] سبب عزل موی الیه هیچ فهمیده نشده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 234 of 711

قوماندان اوردوی انگلیسی مربوط گردید.»

«در اول اپریل (حزیران) در وزیرستان وضعیت بقرار ذیل بود:-»

«در بین (میرام شاه، بنو) مواصله منقطع، در بنو ٤ کندک انگلیسی موجود بود، (اینها بطرف توچی انتظار تعرض را میکشیدند)»

«در قلعهٔ مرتضی ٤ کندک پیاده و یک بطریه جبل (اینها نیز باستقامتهای توچی و غرب منتظر تعرض بودند)»

«عساکر افغانیه در اطراف توچی بوده و قلعهٔ (سپین وام) که ٤ کیلومتر بطرف شمال غربی میرام شاه واقع و در صورتیکه از جانب خیلی وزیری و مسعودی تقویه گردیده بود، در قبضهٔ تصرف افغانها، و قسم اعظم ملیشهائیکه در وزیرستان بودند طرفدار قبائل گردیده به زیر ادارهٔ انگلیسها نیز تنها به نسبت ⅙ یعنی از شش حصه یک حصه باقیمانده بود»

«در اول اپریل خبر رجعت نمودن افغانها به اوردگاه انگلیسی که در شهر بنو واقع بود رسید، بناءً علیه برای جنرال (قلی مو) تنها تسکین نمودن اختلال قبائل باقیمانده بود، و برای اینمقصد نیز قطعات ذیل در تحت امر جنرال مذکور:-»

«در بنو ٤ کندک پیاده، ٤ کندکیکه از (درهٔ جات) رسیده بود و ۲ کندکیکه از خیبر آمده بود

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 235 of 711

یک غند سواری هندی، یک بطریهٔ شش طوپه، وجداگانه دو طوپ جبل ویک قطعهٔ استحکام ۴۵ نفره که جمعاً: دو کندک پیاده، ۳ تولی سواری، ۸ طوپ جبل، ویک قطعهٔ استحکام موجود بود.»

«درصورتیکه در تحت قوماندهٔ جنرال (قلی مو) اینقدر عسکر موجود بود، باوجود آن جسارت کرده نتوانست که بر قبائل اجرای حرکتی بنماید، وعلاوةً ورود دو کندک دیگر را از خیبر انتظار میکشید.»

«قوهٔ معنویهٔ غروپ (جنرال قلی مو) به آندرجه خراب وبرهم شده بود که قطعات از اوردوگاهای شان بهیچیک طرفی حرکت کرده نمیتوانستند، حتی برای معلومات گرفتن از اطراف خود نیز به افراز یک قطعهٔ کشف هم مقتدر شده نمیتوانستند.»

«بقرار تذکار رفوق یگانه وظیفهٔ که برای (قلی مو) مانده بود عبارت از تسکین قبائل بود، اینهم نظر به فعلیات به دو قسم منقسم میگردید، اول قلعهٔ توچی را تصرف نمودن ودیگر آن قلعه های خورد را از قبائل استرداد نمودن وموقع (جندول) را تقویه نمودن.»

«(قلی مو) رجعت افغانها را براین حمل مینمود که افغانها در اطراف قلعهٔ توچی جمع شدن آرزو دارند.»

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 236 of 711

« بناءً علیه دو وظیفهٔ فوقیکه در پیش نظر داشت ، در عین زمان به اجرا کردن وتوانستن آن قناعتی برایش حاصل نگردیده بود »

« باین سبب تنها به استرداد قلعه های خورد قرار داده توانست ودر ماه اپریل برعلیه قبائل مفرزه های خوردی سوق نمود ، لیکن مفرزه های که برای استرداد قلعه های خورد و به اینصورت برای انطفای آتش اختلال قبائل سوق نموده بود زمانیکه بهمراه قبائل بمصادمه شروع نمودند ، از دیگر جهة در (جندولا) و (دیره جات) وضعیت کسب وخامت نمود . »

« مسعودیها بهمراه غروپ ها یعنی دسته های ۴۰۰ الی ۵۰۰ نفری هر روز به قراغولهای انگلیسی تعرض میکردند ، حتی مواصلهٔ مواقع مذکوره بهمراه (قلی مو) منقطع گردیده بود . »

« در ۵ اپریل همچنانکه از طرف طائفهٔ (شیرانی) چوده وان ، نام قراغول انگلیسی ضبط گردید ، قلعه های خورد و (شرپل) نام نیز از طرف مسعودیها ضبط گردید . »

« درین اثنا نظر به ۳ کندک امدادیکه جنرال (قلی مو) گرفته بود ، در نهم اپریل برای کشادن راه (جندولا) یک مفرزهٔ بزرگی مأمور نمود ، این مفرزه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 237 of 711

در (۱۱) اپریل پس از گشادن راه (جندولا) موصلت نمودند، در ۹ اپریل خبر اشغال گردیدن (وانا) از طرف افغانها بجنرال (قلی مو) رسیده بود (قلی مو) سبب این را نیز فهمیده نتوانست، حال آنکه درحقیقت عساکر افغانیه نظر به امر متارکه وانا را ترک نموده عقب نشسته بودند، لیکن در دور متارکه بمقابل دکه یعنی بعوض (دکه) برای بدست آوردن (وانا) وضمناً برای تصحیح خطای واقع، پیشرفت نموده تکراراً موقع مذکور را اشغال نموده بودند، بناءً علیه عساکر افغانی تا بزمان امضای مصالحه در (وانا) ماندند، ودرمقابل دکه، (وانا) به انگلیسها داده شد.»

«امر متارکه پس از انکه از هردو طرف گرفته وفهمیده و در موقع اجرا گذاشته شد انگلیسها در وزیرستان به تسکین اختلال قبائل مشغول گردیدند، ونظر به این مسئله برای تخریب ده ها و برای تخویف وترساندن قبائل، طیاره ها فرستاده وازانها، کار گرفتند، مصادماتیکه دربین قبائل شجیع افغانی وانگلیسها دراین زمان واقع گردیده است جرأت وفداکاری که افغانها نشان داده اند حقیقةً شایان تقدیر وتذکار شمرده میشود، اینها در ۱۴ - اپریل تا به شهر (وانو) که یک شهر بزرگیست پیش رفته ودرانجا استحکامات هم بوجود آورده بودند، ودرشب همان روز اگرچه به هانگارهای طیاره (۱)

(۱) خانه های مخصوص برای محافظت طیاره.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 238 of 711

هجوم نمودند، مگر موفق شده نتوانستند.»

نظر به جرأت و حرکات فداکارانهٔ قبائل، انگلیسها تا بزمان عقد مصالحه در داخل وزیرستان به پیش رفتن و قلعه های خوردیکه در دستِ قبائل افتاده بود، تصرف و استرداد نمودن جسارت کرده نتوانستند.»

«پس از امضای مصالحه وغیره یک مقدار عسکر گرفته، قطعاتیکه در وزیرستان بودند تقویه نموده و بدینصورت قلعه های مذکور را متدرجاً به استرداد موفق شده نتوانستند»

صرف مجاهدت و مساعیِ نادری در ایامِ متارکه بسمت جنوبی

درینموقع حضرت عالی سپه سالار غازی با دو برادر حماست پیکر شان در القای روح تعرض و دفاع، و افزونی جوش و خروش اتباع افغانی بلا نهایه صرف مساعی ورزیده در تقسیم و توزیع غنائم و اسلحه و سامان حربی که از غنیم گرفته بودند بر اقوام و تعیین مناطق خدمتگذاری هر قوم و طائفه در صورت آغاز محاربهٔ دوباره و تهیهٔ ارزاق و نواقل و دیگر لوازم حربیه مصروف اقدامات و تشبثات بودند.

درعین زمان سلسلهٔ مراوده و مخابرهٔ خود ها را با آن اقوام و قبائل افغانی که داخل خاک انگلیز بودند و بواسطهٔ تبلیغات نادری که از بدو ورود شان جریان داشت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 239 of 711

قلباً طرفدار افغانستان و منتظر وقت و فرصت پیشرفت ما بودند، تا عملاً با ما در این وظیفهٔ ملیت و اسلامیت مشارکت کنند، و ازین متارکهٔ ما مأیوس و متأثر شده بودند نیز بیشتر از پیشتر قائم تر کرده، دقیقهٔ از دقائق تسلیت و دلدهی آنها را فروگذار نشده همهٔ شانرا برای منتظر بودن حملهٔ آتیهٔ افغانستان امیدوار، و در اجرای حرکات واقداماتیکه مستلزم آنوقت بود وادار میفرمودند.

سلسلهٔ مخابرات و اخذ مشاوره و هدایات مرکز هم متوالیاً و مسلسلاً جریان داشت و در همه امور مهمهٔ داخله و مسائل جزوی و کلی خارجه از جناب سپه سالار مشاوره و استفسار میشد که حضرت عالی سپه سالار با سنجیدن اطراف و جوانب هر امر و تدقیق بمفاد و مضمون آن، مرکز را از افکار و نظریات و طنخواهانهٔ شان اطلاع میدادند، و در تمام امور مستفسر حق (اَلْمُسْتَشَارُ مُؤْتَمَنٌ) را ایفا و وظیفهٔ اسلامیت و جذبات افغانیت و حسیات ملیت خود را حقانه و صادقانه ادا میفرمودند، چنانچه حکومت امانی از تعمیل و اجرای این آراء و مصوبات نادری در بسا امور مهمهٔ سیاسی بموفقیت های کلی واصل می شد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 240 of 711

معاودت مظفرانهٔ سپه سالار فعال از معرکهٔ جهاد استقلال

بعد از عقد قرار متارکهٔ موقتی بین حکومت افغانی و انگلیس و معاودت وفد علی احمد خان شاغاسی ملکی با مواد مذاکره طلب دقت خواه از راو پسندی بملاحظهٔ موثر افتادن پیشنهادهای سابقهٔ نادری درین مورد تکرار افاده گرفتن از فکر و خیالات قیمتدار سپه سالار مستلزم شد، لذا شخص پادشاه و زعمای معظم امور آنگاه ورود مسعود او شانرا بمرکز افغانی جهة اشتراک در مسائل مهمهٔ داخلی و راهنمائی کردن در مهمات امور خارجی و نظم و نسق وزارت حربیه که همچو جسد بیروح افتاده بود، تصویب کردند و رسماً باو شان بعد از اظهار تحسین و آفرین از اجراآت سیفی و قلمی شان نگاشتند، تا یک آن اولتر جهة معاونت فکری و امداد اخلاقی شاه و کابینهٔ امانی و اصلاح امور عسکری مرکزی و سررشته و تنظیم دگر سرحدات افغانی عازم دارالسلطنهٔ کابل شوند و برای ادارهٔ امور جنوبی یکی از اخوان شانرا با همان اختیار انیکه خود شان دارند از طرف خود کفیل بگذارند.

بالجمله جناب رشادت مآب محمد نادر خان غازی بعد از اعطای هدایات و دستورهای مکمل برای جناب شاه ولی خان و مقرر داشتن او شان به کفالت خویش

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 241 of 711

جهت تدویر امور ملکی و نظامی و نظارت مسائل سرحدی جنوبی و تودیع و خداحافظی باهمه قوای ملکی و نظامی در یکعالم دعاگوئی و گریه وزاری که از فراق این ذات عالی بر مجاهدین طاری شده بود عازم مرکز افغانی شدند .

مراسم استقبال و مشایعت و تعظیم شان در تمام عرض راه باصول خاطر خواه در تمام نقاط از خط سرحد گرفته تا کابل انجام و ایفا می شد و جمهور انام ازین فتح و مظفریت شان که در راه حصول استقلال ملت و احیای شان و شرف و اجلال مملکت نائل شده بودند اظهار مسرت و در محمدت و شان مزایده میکردند .

بالمقابل این پذیرائیهای مسرت آثار و ارائهٔ این جذبات قیمتدار جناب سپهسالار در تمام مواقع از مردم اظهار سرور نموده اینهمه موفقیت شانرا از لطف الهی و در عالم اسباب بمساعدت و مجاهدت ملت شجاعت طویت انگار داده ملت را بیش از پیش برای حفظ وطن و محبت باهمدیگر، و حاضر و آماده بودن شان برای هرگونه زحمت و مجاهداتی که برای شان در راه احیای مجد و اعتلا و شرف و ارتقای وطن عائد شود، تشویق و تحریص میفرمودند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 242 of 711

پذیرائی عالی العال سپه سالار ستوده خصال

در مرکز دار السلطنه از طرف ذات شاهانه و هیئت کابینه و باقی اعیان و مشاهیر ملکی و نظامی و معارف ملی

(۱)

بدون مبالغه گفته میتوانم که پذیرائی جناب محمد نادر خان غازی در موقع معاودت مظفرانهٔ شان از میدان جهاد استقلال باندازهٔ عالی العال و با شکوه و اجلال بود که قلم نمیتواند بنگاشتن تمام مرئیات سرور و مشهودات حبور و تعظیمات قدر دانانه و احترام های محبت کارانهٔ حکومت و ملت که بتقریب آن ورود پر افتخار و مظفریت کما حقه حکایت کند .

حقیقةً هم ملت و هم حکومت و هم هوا و فضای وطن مستحق بود که باین تقریب تاریخی از مسرت و خوشحالی در جامهٔ خود نگنجند، و قولاً و عملاً ازین محصل استقلال و شرف و اجلال خود پذیرائی ها میکردند ! و مقدمش را فوق العاده گرامی میشمردند !

(۱) چون در موقع معاودت موکب نادری از سمت جنوب بجز از یک اخبار امان افغان دیگر روزنامه و صحائف موقته در افغانستان موجود نبود و امان افغان هم بواسطهٔ نداشتن لوازم طباعتی معطل بود، لذا مراسم پذیرائی سپه سالار غازی را طوریکه عموم بخاطر دارند امان افغان بصورت یک فوق العاده مطنطنی اشاعه داده بود .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 243 of 711

چراکه همچه یک فرزند صادق فدائی وطن را بعد از احیای شان و شرف ملی و حصول استقلال و آزادی و مرهم گذاری بر همهٔ آن جراحاتیکه از اعصار ماضی بر جسم نازک مادر وطن رسیده بود، سرافراز و ممتاز مشاهده میکنند، و تماماً باین مسئله متیقن میباشند که اگر لطف الهی و شجاعت ملی حامی این خطهٔ اسلامی نمیشد و ضربهای شمشیر و هدایات قلم نادری در امور سیاسی معاونت مادی و معنوی رجال مرکز را نمیکرد، نزدیک بود که از سوء ادارهٔ مأمورین ملکی و نظامی مشرقی و مخبوط الحواسی بعضی ارباب سیاست تکرار آن زخمهای گذشته تازه و از اثر آن لا دفع الله مملکت پریشان و سراسیمه شود.

واقعاً رجال حکومت، و همه افراد ملت، و تمام ذوات مملکت، حق دارند که باین تقریب به منتهای مسرتها و فرحت ها هم آغوش، و اقسام خوشی ها و میله ها و جوش و خروش خود ها را اظهار کنند؛ زیرا بعد از رؤیت آنهمه مناظر جگرخراش عقب نشینی قوای مشرقی و تجاوزات هیجان آور عساکر انگلیزی بر بعضی خطوط سرحدی ما، و احتراق یک شهر عمدهٔ (که پایتخت شتائی افغانستان جلال آباد بود) و انحلال تمام تشکیلات حکومت در سرتاسر آنحوالی، و دون همتی بعض ذوات مسئول سلطنتی در مقدرات آتی این خاک پاک افغانی طبعاً روز فیروز ورود مسعود

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 244 of 711

جناب محمد نادر خان غازی، روز فرحت و سرور، و موقع خوشوقتی و حبور است!
زیرا این مرد دانا که بهمت و بازوی توانای خود آبروی ملی را بجا، و حق اسلامیت
و افغانیت را از طرف تمام ملتش وکالةً بجا، و فخر و شرف وطنش را دوبالا
و استقلال و آزادی را بعموم اهل کرد با یکقطعهٔ از عسکر مجاهد سرفروش و سرباز که در
رکاب نادری انواع فداکاری را اظهار کرده اند و با اسلحه و اموال و دیگر
غنائمی که از دشمن ربوده است و عسکر و افسریکه تماماً بنا بر مقررات اسلامیت
و رعایت جذبات افغانیت خود ها را از عسکر انگلیزی افراز به این سرافسر مردانه
تسلیم کرده اند، و نفری که اسیر گرفته شده اند، مفخرانه وارد مرکز میشود.

بالجمله بروز وصول موکب نادری بدار السلطنهٔ افغانی تمام اهالی شهر کابل
و شش کروهی بیک مسرت و افتخار انتهائی خط حرکت جناب محمد نادر خان
سپه سالار غازی را از ارگ گرفته الی ولایتی دو طرفه در صفوف متوالی و پیهم گرفته بودند
و هر کدام در موقع وصول سپه سالار ادعیهٔ مسرت بار و غریوهای "زنده باد غازی
کامگار، محمد نادر سپه سالار" پاینده باد استقلال افغانستان را بعیوق میرسانیدند.

طلبهٔ مکاتب ترانه های مخصوصهٔ مظفریت نادری را با موزیکه ها میسرودند که
بیک دقت و مسرت و اعتنائی فوق العاده از چندی باینطرف تهیه و ترتیب

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 245 of 711

و بالا رموزیقه تطبیق داده شده بود) و مردم دسته های گل و ریاحین را بر او شان نثار میکردند (که بر طبقهای عالی و سبدهای زیاد اطراف و حوالی خط عبور نادر را همچو یک خطِ مستطیلِ لاینقطعِ گلزار نمودار کرده بود).

از روپیه گرفته تا طلا و از میوه های عادی گرفته تا میوه های اعلی از طرف ملت بتقریب این معاودتِ پر از مسرّت این قوماندان صاحب شجاعت بحضور ایشان اهدا و نثار، و بر فقرا و مساکین بذل و ایثار می شد.

اطراف سرک و خط عبور نادری به انواع بیرقهای رسمی و ملی و قطعات منظوم و منثور دعاگوئی، و تابلوهای قشنگ، و مناظر خوشرنگ تزئین شده بود.

بالجمله به این تقریبِ سعید از طرف حکومت ذریعهٔ وزارتِ حربیه یکدعوت نهایت عالی پرشکوه اشراقیه بشرف ورود حضرت عالی محمد نادر خان سپه سالار در ولایتی تهیه شده در آن تمام وزرا و مامورین بزرگ ملکی تا درجهٔ مدیر و صاحبمنصبان نظامی الی کندکشر حاضر و منتظر، و مقدم نادر را خوش آمدی و تحسین و آفرین گفته رسم تعظیم شان ذریعهٔ یکدسته از عسکری مرکزی با موزیکهٔ نظامی نواخته شد.

پس از حرکت سپه سالار از ولایتی از بین همان افواج مشایعین وارد کابل شده در چمن حضوری از طرف شخص اعلیحضرت و قوای نظامی مرکزی بیکوضع مجلل

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 246 of 711

عالی پذیرائی شده در عین زمان اعلان این معاودت با افتخار شان ذریعهٔ اتواپ نظامی بکمال فرحت و شادمانی انجام و ذریعهٔ نطق پادشاهی از ان خدمات بزرگ قابل افتخار نادری در محاربات جنوبی اعتراف و اعلام کرده شد، بعد از ان سپه سالار در بین تلاطم خواص و عوام و اهالی نظام رونق افزای وزارت حربیه شدند، در انجا نیز رسم تعظیم شان از طرف اعزه و معاریف و اعیان ملکی و نظامی به منتهای صمیمیت و گرمجوشی و غلغلهٔ ادعیه و یک جهان گل پاشی و آوازهای « زنده باد محمد نادر خان غازی » پاینده و برقرار باد پادشاه و استقلال مملکت افغانی بعمل آمد.

در چاشت این روز بشرف ورود فیروز نادری یکدعوت نهایت عالی پر تکلف (ضحوه) بعموم هیئت همرکابی و جمعیت های مستقبلین سپه سالار که از طرف وزارت حربیهٔ افغانستان ترتیب و به پیمانهٔ عالی گرفته شده بود عطا شد.

سپه سالار غازی طرف ظهر این روز بیک تزک و احتشامیکه بلندتر از ان بخاطر نمیگنجد، در بین غلغله های مسرت و شادمانی بحضور اعلیحضرت امان الله خان با هیئت وزرا و صاحبمنصبان بزرگ نظامی که برای استقبال شان،

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 247 of 711

در وزارت حربیه حاضر آمده بودند تشریف بردند.

اعلیحضرت جهة استقبال شان از قصر خارج شده بیک محبت و صمیمیت فوق العاده سپهسالار را علی الفور در میدان مقابل قصر، تنگ در بر کشیدند، و از سر و رویش بوسه های پیهم گرفتن را آغاز کردند و بدعاهای پرسوز این خدمات سعادت اندوز او شانرا تقدیر و از ان مجاهدات بینظیر شان که در راه حصول استقلال و شرف و اجلال آنرا اکمال کرده اند تعریف و توصیف کنان بعداً با دیگر هیئت معیت نادری اظهار تلطف و مهربانی کنان دستش را بگردن سپهسالار انداخته او شانرا با خود باندرون قصر بردند که بشرف ورود سپهسالار غازی نهایت آراسته شده بود و با او شان داخل مذاکره و احوال پرسی هائیکه لازم همچه وقت است شدند، و در هر جمله و هر فقره از مساعیات جمیلهٔ نادری نه تنها اعلیحضرت همایونی بلکه همه وزرا و منصبداران و اعزه و معاریف مرکزی تحسین و آفرین میگفتند، و روح و روان اجراآت مرکزی را هم از تعقیب و تمثیل نمودن افکار عالی و نظریات نادری پیهم تصدیق میکردند، و تماماً اظهار مینمودند که اگر زور شمشیر نادری در عالم حربی و راهنمائی قلم نادری در جهان سیاسی درینموقع نازک که فیصلهٔ ابدی وطن میشد، از ما دستگیری نمیکرد، البته که مایان سهو و خطایای بزرگ را مرتکب شده بودیم.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 248 of 711

یك گروپ تاریخی که بتقریب معاودت موفقانهٔ حضرت عالی (محمدنادرخان) سپه سالارغازی ازجهاد استقلال سنه ۱۲۹۸ ش در یك دعوت رسمی بدار السلطنه کابل گرفته شده است :—

(صف اول که برزمین نشسته ازراست بطرف چپ)

۱ـ سردارمحمدعظیم‌خان ۲ـ جرنیل محمد یونس‌خان ۳ . . . . . ٤ داکتر ٥ ـ داکتر ٦ـ موسیو براوین‌سفیر روسیه ۷ـ سردار احمدشاه خان سر میراسیور ۸ـ آقای محمود بیگ وزیرخارجه ۹ـ نائب محمد علیخان ۱۰ـ آقای علی احمد خان وزیر داخله ۱۱ـ عظیم‌الله‌خان وزیرزراعت ۱۲ـ برگدمحمدعلیخان ۱۳ـ آقای شیراحمدخان‌شاغاسی نظامی ۱٤ـ پادشامیرخان ۱٥ . . . . ۱٦ـ سردار محمد هاشم‌خان نائب‌سالارهرات ۱۷ـ سردارمحمد سلیمان‌خان نائب‌الحکومهٔ هرات ۱۸ـ . . . . ۱۹ـ سردار فتح‌محمدخان امین‌العسس ۲۰ـ بیرك‌خان جدرانی ۲۱ داکتر ۲۲ . . . ۲۳میرزامحمدیعقوبخان ۲٤ـ سردارمحمد عزیزخان شاغاسی‌خارجه ۲٥ـ میرزاخان‌محمد خان ۲٦ . . . ۲۷ . . . ۲۸ـ عبدالرشیدخان

(صف دوم که به چوکی نشته اند از راست بطرف‌چپ) ۱ـ . . . . ۲ سردارمعظم محمد یوسف خان مصاحب خاص امیرشهید ۳ . . . ٤ـ سردارمعظم محمدآصف خان مصاحب خاص امیر شهید ٥ـ کرنیل عبدالقیوم خان ٦ـ سردار حیات‌الله خان عضد الدوله ۷ـ جرنیل شاه محمودخان فاتح پیوار ۸ـاعلیحضرت امان الله خان ۹ـ سردار سپه‌سالار محمد نادرخان فاتح تهل ۱۰ـ سردارمحمد عمرخان ۱۱ـ برگد پنین بیگ ۱۲ـ سردار امین‌الله خان ۱۳ـ برگد عبدالحمید خان ۱٤ـ غلام علی‌خان ۱٥ . . . جدرانی ۱٦ـ غلام محمد خان وزیر تجارت ۱۷ـ شیراحمد خان ۱۸ . . . . (صف سوم که ایستاده اند ازطرف راست به‌چپ) ۱ . . . ۲ . . . . ۳ـ محمدمیرخان مهمانبدار باشی ٤ـ حبیب الله خان طرزی ٥ـ شاغاسی حضور محمود خان ٦ـ غلام محی‌الدین خان مصاحب ۷ـ برگد عبدالرحمن‌خان ۸ـ عبد العزیز خان یاور حضور ۹ـ جرنیل محمود سامی ۱۰ـ روشندل خان ۱۱ . . . . ۱۲ . . . . ۱۳ـ برگد عطاءالحق ۱٤ـ سبحان خان کرنیل ۱٥ـ محمدابراهیم خان‌احمد زائی ـ۱٦ . . .

(صف چهارم که ایستاده اند از راست بط ف چپ) ۱ . . . . . ۲ ـ محمد یعقوبخان غلام بچه ۳ ـ کرنیل محمد یوسف خان ٤ ـ میرزا محمود خان وزیر مالیه ٥ـ مولوی ظفر حسن خان ٦ . . . . . ۷ـ حاجی ماك خان ۹ـ محمد غوث خان.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 250 of 711

در اثنای این مصاحبه بصرف آن (دعوت عصریه) که از طرف شاه بکمال اهتمام تهیه شده بود نیز پرداختند.

اعلیحضرت به عصر این روز به سپهسالار صاحب اجازه دادند تا برای چند ساعت بخانه رفته پدر و عم بذرگوار و عائله و اطفال شانرا ملاقات و تکرار در ان دعوت شاهانه که برای امشب بشرف ورود آنها ترتیب شده است وارد شده در مسرت عمومی بیفزایند.

این دعوت بزرگ پادشاهی بکمال گرمجوشی و فرحت که هر هر دقیقهٔ آن بهترین مناظر حسیات ملی و تقدیر از مجاهدات نادری را تمثیل میکرد ختام یافت.

در اثر آن هر وزارت یک یک دعوت پر از اخلاص و صمیمیت شانرا یکی بعد از دیگری جهت تقدیر از خدمات و مجاهدات نادری ترتیب و در آن حضرت عالی سپهسالار و باقی رفقای شجاعتمدارشان را مدعو میفرمودند، و این سلسلهٔ دعوتها و اعطای میهمانی ها به افتخار موفقیت سپهسالار، تا بسیار وقت دوام و تکرار داشت.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 251 of 711

تقدیر خدمات نادری از طرف ملت و حکومت افغانی

این مجاهدات نادری که فوق العاده بر مفاخر و شرافت تاریخی مملکت افغانی افزود و از هر طرف درهای خیر و سعادت را بواسطهٔ حصول استقلال و آزادی بر روی وطن کشود، طبعاً جناب محمد نادر خان غازی را در نظر عموم طبقات ملی محبوب القلوب و هر دلعزیز و رهبر ملی ساخت، و وجود مسعود او شانرا عموم ملت بحیث راهنمای ملی و پیشوای قومی خود اتخاذ نمودند.

حکومت هم دقیقهٔ از دقائق تقدیر و دلجوئی این رادمرد تاریخی را فروگذار نشده از هر حیث و هر جهة این خدمات عالی العال نادری را تحسین میکرد.

چنانچه به افتخار این معاودت قیمتدار نادری و حصول حریت و استقلال مملکت افغانی یک منار یادگار تاریخی را در قرب وزارت حربیهٔ افغانستان بنام نامی محمد نادر خان تعمیر و نصب نمود، و بر آن این عبارت را منقوش ساخت که در زنکوگرافِ متعلقهٔ این صحیفه موجود، و بهترین مظاهر ملیت ما را وانمود میسازد.

و هم در افتخار وزارت حربیهٔ افغانستان بتقرر این شخص شجاع فرزانه افزود

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 252 of 711

منار استقلال افغانستان

« این منار ملی افتخار در سنهٔ ۱۲۹۹ ش در حادثهٔ مقابل وزارت حربیه در کمال تعمیر، و بر روی آن عبارتی منقوش است که »
(عیناً عکس آن در زیر ملی گرفته شده و عبارت راست نوار (دیوار) منظره ۱۸۸) است)

یادگار آن مجاهدات بزرگ وخدمات تاریخی جناب محمد نادر خان غازی که در موقع جهاد حریت ازوشان در راه حصول استقلال افغانستان واحیای شان وشرف و افتخار ملت افغان بظهور پیوسته است .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 254 of 711

وجسم بیروح آن وزارت را بوجود این ذاتیکه روح و روان عسکر افغانستان است
بیک زندگانی مشعشع و درخشان، همعنان ساخت، و یک نشان ذیشان
(المراعلی) را با مکافات مقرره اش که شرح مصرف این مکافات، برای مفاد ملیه
و وطنیه و ترقی امور تعلیمیه وطن در آتی می آید، برای شان تقدیم کرد.

بجناب شاه ولیخان رکاب باشی در صلهٔ آن خدمات عالیشان، که بهمرکاب
سپه سالار نموده بودند، منصب لوامشری را اهدا و به عزو کالت نادری در
غیاب برادر موقرش (سپه سالار غازی) در افتخارش افزوده، به اعطای
نشان (سردار اعلی) نیز مفتخر گردید.

به جناب شاه محمود خان سرسراوس، که اوشان هم تحت اوامر نادری
مظهر مجاهدات در جنوبی شده بودند، نیز منصب لوامشری را اعطا و حسب تصویب
اخیرهٔ برادر معظمش اوشان را بحکومت اعلای جنوبی و لوامشری نظامی آنسمت،
با اختیارات کافی منظور کرده، مزید بران اعطای نشان (سردار اعلی) مفتخر ساخت.

برای جمیع آن اشخاص و اقوام و عسکری و منصبدارانیکه بمعیت سپهسالار
در جهاد جنوبی مظهر خدمات عالی شده بودند، حسب تجویز و پیشنهاد سپه سالار
صاحب انعام و اکرام کافی و بخشش و مستمری و ترفیع و نشان های عالی اعطا نمود

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 255 of 711

بالجمله حسن اجراآت نادری باندازهٔ در اعتماد شان افزود که در غیاب اعلیحضرت وظیفهٔ وکالت را هم انجام میدادند.

همه کس بخاطر دارد که اعلیحضرت امان الله خان ازین مجاهدات وطنخواهانه و مساعی ملت پرورانهٔ نادری دائماً تقدیر و تحسین های نهائی میفرمودند، و تکرار و بار بار استقلال و آزادی و شرف مملکت افغانی را بر علاوهٔ آن سند تحریری که بشکل منار یادگار جهة استحضار صغار و کبار افغانستان نصب است تقریراً نیز در همهٔ تقاریب بحسن تدبیر و قوهٔ شمشیر نادری استناد میدادند، مؤید این مدعا آن نطقهای اعلیحضرت امان الله خان است، که در موقع پذیرائی این سپه سالار غازی در چمن حضوری ایراد فرمودند و بیانهائی است که در جرائد موقوتهٔ جشن استقلال و امان افغان مرقوم است(۱).

مساعیات جمیلهٔ سپه سالار محمد نادر خان در وزارت حربیه

درین موقع متارکه که بسیار زیاد امکان تیرگی مکرر آن مناسبات را داشت که در اطراف انعقاد اساسی آن مذاکرات، مدتی بطول انجامید، ضرورت توجهٔ زیاد

(۱) مؤید این مدعا شمارهٔ (۱۰ و ۱۱ سال ٤) امان افغان است که اعلیحضرت امان الله خان در اثنای نطق خود علی رؤس الاشهاد اعلان کرده که:- « این کامیابی ما از مهربانی خداوند و شمشیر و تدبیر سپه سالار محمد نادر خان است زنده باد محمد نادر خان وزیر حربیه »

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 256 of 711

بسوی تسویهٔ امور حربیه بود ، درحالیکه وزارتِ حربیه از حیث اداره و تنظیم امور مهمهٔ سوق الجیشی به تمام سرحدات و نقاط لازمه کاملاً درهم و برهم و حکم یک جسد بیجان را داشت ، زیراکه بواسطهٔ دور شدن دست حق پرست سپه سالار محمد نادر خان (که حقیقتاً روح و روان این وزارت بود ، و از مجهودات اساسی خویش که در دورهٔ سراجیه در همه شعباتِ آن نموده بود ، بعد از وقوع شهادت امیر شهید) ازین وزارت ، انواع فتور در اجراآتِ اساسی آن ، بوجود آمده بود ، ازین جهة سپه سالار مجبوراً و ایماناً مکلف بود ، تا در تنظیم و تنسیق آن ، که اس الاساس تمام حرکات و اقدامات عسکریه شناخته میشود ، درین موقعی که تکرار وزارتِ حربیهٔ افغانستان بجود او شان افتخار یافته است ، بکمال دلسوزی و فعالیت صرف مجاهدت ورزند ، و در رفع آن همه شکایات و موانعیکه موجب اشکال برای عامهٔ عساکر افغانی نه تنها در مشرقی و مغربی حتی در خود سمت جنوبی نیز شده بود ، بیک اساسِ صحیح صرف مقدرت و مساعی ورزند .

بلی اگر قوای مجاهدین ملی سمت جنوبی و عسکری ، شرف سرافسری این ذاتِ عالی و قیادت همین حضرتِ سپه سالار شجاعت مدار را

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 257 of 711

نمیداشتند و یا قبضهٔ مقدرات آنها را همچه یکذات غیور متوکل علی الله بلطف باکفایت خود نمیداشت و بوسائل ممکنه برفع احتیاجات خود و قوای معیتش نمیپرداخت، و یا در فراهم آوری ضروریات حربیه لطف ربانیه ممد و معاون جناب محمد نادر خان نمی شد، و یا از گرفتن غنائم و پیشرفت در خاک غنیم مانند سائر همقطاران خود محروم میماند، البته که سمت جنوبی نظر بآن اشکال و موانعیکه باوشان عائد بود نه تنها از گرفتن خاک غنیم بی نصیب، بلکه خدانا خواسته بیک تفرق و تشتت هم سرد چار میشد.

همینکه جناب محمد نادر خان در مرکز وزارت حربیه آغاز بکار کردند و چندی خدمت و فعالیتی را که مخصوص وجودشان است، پیشهٔ خود گرفتند، در کالبد بیجان وزارهٔ حربیه روح تازهٔ را دمیدند، یعنی نه تنها همه نواقص را اصلاح بلکه به پیمانهٔ زیاد تجهیزات حربیه را تهیه، و اوامر ترسیل و تذخیر آن را در سرتاسر سرحدات داده و پیش بینی های موثرهٔ را برای تعرض و پیشرفت تحت سنجش و مداقه گرفتند و در عین زمان از گرفتن ترتیبات اساسی دفاعیه نیز فروگذاشت نکردند.

بهمراه نظم و نسق امور نظامی در تشویق و ترغیب و دلجوئی و غیرت افزائی قوای ملکی و سائر اقوام و قبائل دین دوست افغانستان هم میکوشیدند و یوماً فیوماً

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 258 of 711

عامهٔ ملت را بتأثیر نطقهای مهیج و بیان نامه های موثر به سلسلهٔ وحدت مستحکم و در حب جهاد مدغم میفرمودند .

برعلاوهٔ آن این شخص ملت پرور و طنخواه در اعطای افکار و نظریات مفیدهٔ برای امیر امان الله خان و ترتیب پروژه های مذاکراتی که با انگلیزها جریان داشت و پیشنهاد دگر مفکوره های سیاسیه و مبارزه های قلبیه هم کار میکردند و سائرین را بسر غیرت و کار می آوردند .

پس از اینکه امور اداریهٔ وزارت حربیه فی الجمله جان گرفت ، و کارهای آن به مجرای اصلیش رو بجریان گذاشت ، نوبت بملاحظه کردن آن حصص و حواشی مملکت رسید ، که خطرهٔ تعرض جانب مقابل ، بالنسبهٔ دیگر نواحی ، بر آن بیشتر بود ، و بیاد یست یک سرافسر دانشوری از ان جلوگیری کند .

خدمات مهمهٔ سپهسالار محمد نادر خان وزیر حرب

در اصلاحات و تنظیمات سمت مشرقی

چون منطقهٔ سمت مشرقی در اثر سوء ادارهٔ زعمای امور ملکی و نظامی آنولا از موقع آغاز جهاد استقلال الی اواخر سنهٔ ۱۲۹۸ از حد گذشته بود و چندان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 259 of 711

مشکلاتے را در اجرای امور حکومتی و مسائل اداری و نظم و نسق محلی وارد کرده بود که تا یک ناخن گره کشا، و یک فکر رسا، و شخص جامع الاوصافی مانند سپه سالار محمد نادر خان بعقده کشائی آن مصروف نمی شد و بحل و فصل آن در پرتو عقل و ذکای خداداد خویش نمیپرداخت، همانا که مجاری امور مشرقی از بد بدتر، و روح حربی و اتفاق و وحدت قومی آنجا بنا بر تسلب اثر مرکزیت و انواع مشکلات و موانع پر زحمت مضطر و منزجر میگشت .

زیرا که از نبودن مرکزیت در همچه مواقع هرج و مرج که اعلان نفیر عام شده باشد و تمام اقوام و عشائر ملی در خط حرب شامل، همه قرا و قصبات از اعزه و معارف خالی افتاده باشد و مثل جلال آباد یک شهر عمده مرکزی نه تنها از بیکفایتی حکام و مأمورین بیغما و تاراج، بلکه سراسر طعمه آتش شده باشد، همه قصور عالی و عمارات دولتی از فرش و ظرف خالی، سرتاسر مشرقی معرض تطاول اشخاص مغرض فتنه جو شده باشد، خزانه، جیخانه، تشکیلات حکومتی درهم و برهم، نزاع و جدال خورد و ریزه در میان مردم حکمفرما شده باشد، حتماً همان جوش و خروش که در بین قوای قومی بر علیه جانب محارب موجود است، خود بخود زائل، و میدان بدون جائل برای حریف مقابل خالی بماند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 260 of 711

در حالیکه تسویهٔ امور و پژوهش احوال عامهٔ اقوام جسور مشرقی که تن تنها بدون معاونت و مساعدت و نظارت حکومت در خط حرب شامل و بکمال حماست و غیرت از خاک پاک خود دفاع، و برای دوام شرف و عزت و ناموس اسلامی خود، داخل اقدامات بودند، از حد زیاده حتمی و ضروری دیده میشد.

تقرر جناب شاه ولیخان بوکالت وزارت حربیه و حرکت سپه‌سالار بمشرقی

ازینجهة وزیر صاحب حربیه بعد از تسویهٔ امور مرکزی و قرارگاهای نظامی و حواشی سرحدی، و خواهش تقرر جنرال شاه محمود خان جهة ادارهٔ امور مملکتی و نظامی جنوبی بر طبق وصایای نادری و پیشنهاد وکالت جنرال شاه ولیخان فاتح وزیرستان را در وزارت حربیه تا اجراآت مرکزی را حسب بیان اساس و اصولیکه خود سپه‌سالار نهاده است، در معرض تطبیق و اجرا گذارد، عزم حرکت را بطرف اصلاحات و تنظیمات سمت مشرقی فرمودند.

مراسم نهضت فرمائی سپه‌سالار صاحب از کابل بصوب مشرقی بکمال گرمجوشی از طرف شخص پادشاه و کابینهٔ وزرا و اعیان و معاریف ملی و قوای نظامی و اهالی کابل ایفا و در میان هلهله‌های تکبیر و دعای موفقیت با یک فرقهٔ عسکری

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 261 of 711

که آنرا خود وزیر صاحب حربیه در موقع کار کردن شان بوزارت حربیه از همان افراد تعلیم یافتهٔ نظامی که در دورهٔ سراجی از طرف سپه سالار صاحب غازی تحت تربیه گرفته شده بود، جمع آوری و تشکیل فرموده بودند جاده پیمای صوب مقصد شدند.

اجراآتِ سپه سالار غازی در عرض راه مشرقی

با اینکه لوازم تشریفاتی سپه سالار صاحب باصول مکمل ذریعهٔ موترهای تیز رفتار ولاری تهیه شده بود، ولی حضرت معظم له منازل مشرقی را بسواری اسپ تصمیم، و حرکت هیئتِ معیتِ شانرا برفتار اردوی همرکابی خویش مقرر فرمودند تا در عرض راه کماهی از اوضاع عمومی و ترتیباتِ لازمی کسب استحضار کنند وهم باعطای هدایاتِ ضروریه، تشویق و تحریص عامه، رفع نواقص مهمه، جلب قلوب عامه اقدامات ورزند.

در عرض راه مشرقی عامهٔ اهالی شادان و فرحان، جوق جوق ازین محصلِ شان و شرف افغانستان، و فاتح عالیشان خود پذیرائی میکردند، و بنصایح و هدایات این سپه سالار دیانت مدار خویش حوالهٔ سمع کرده تحت تاثیر می آمدند.

بالجمله منازل مربوطهٔ منطقهٔ ولایت کابل را بهمین اصولیکه نگاشتیم قطع

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 262 of 711

و یادداشت ها و پیشنهادهای لازمهٔ اصلاح امور و رفع اشکال این نقاط را مسلسلاً ذریعهٔ تیلیفون و مکاتیب بمراجع مربوطهٔ آن میدادند .

ولی همینکه رونق افزای اولین منطقهٔ مشرقی شدند حسب اطلاعی که قبلاً بهمهٔ اهالی که بمنازل عرض راه مجاورت دارند عطا شده بود ، عامهٔ اعزه و معاریف و اهالی اطراف و اضلاع (جگدلک) را در قصریکه در آنجاست در استقبال خود منتظر یافته با آنها ملاقات مفصل نموده و وظائف ملیت و وطنیت را بهمه شان مدلل فرمودند و اصلاحات آنجا را با مقدمات ربط و ضبط و تأمین منتش که مختل بود بوجه احسن نموده ، در جگدلک یک قوهٔ عسکری را بر علاوهٔ تعهد خدمتگذاری که مردم قومی کرده بود خدمتی گذاشتند .

همچنین در سرخ پل با رعایا و مشاهیر قریهٔ آن تبادل افکار کرده ، تشویق و تحریص انجام خدمات وطن و وظائفی که بر عهدهٔ آنها گذاشته شده بود بیانات دادند و حاکم و مأمور مالیهٔ حصارک غلجائی را تعیین ، و تکالیف شانرا مقرر داشته انضباط و اصلاحات اینجا را نیز انجام ، و بودن یک مفرزهٔ دیگر نظامی را درین محل نیز اعلام کردند .

در بلولی ، و گندمک ، و هاشم خیل و غیره هم پذیرائی اهالی را قبول و

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 263 of 711

آنها را در بجا آوری وظائف اسلامی شان مسئول قرار داده، در نمله عموم اقوام خوگیانی را ملاقی و آنها را هم به وحدت و اخوت و انجام خدمات ملی و تعمیل اوامر اسلامی داعی شده در تأمین امنیت و تهیهٔ اسباب رفاهیت ملت و تقرر تشکیلات حکومت بذل مساعی و امر اقامهٔ یک یک قوهٔ عسکری را در (گندمک) و (نمله) نیز اعطا فرمودند.

پس از فراغ پذیرائی و نصائح مردم (فتح آباد) و (بهار) در (بهاولی) اعزه و معاریف (سرخرود) را از مکالمات خود خوشنود، و با آنها راه سعادت و بهبود شانرا وا نمود، و به ایفای خدمات ملت و حکومت آنها را تشویق و در تقرر امنیت و رفع گزند خاطر رعیت بذل مقدرت، و یک قطعهٔ نظامی را در ینجا هم خدمتی مقرر فرمودند.

وصول سپه سالار در جلال آباد

در موقع ورود جلال آباد مراسم پذیرائی این سر عسکر غازی از طرف عامهٔ اهالی اطراف و نواحی آنجا و سادات و علما و مشائخ و اعزه و معاریف و کلان شوندهای (چپرهار) و (شنوار) و (کامه) و (کنرها) و (نورستان) و (لغمان) وغیره که اکثریه از سنگرها و سرحدات و بعضاً از محلات خود آمده بودند بوجه احسن

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 264 of 711

بشوق و ذوق زیاد اجرا و تماماً از لقا و شنیدن نصایح و هدایات موثرهٔ این فاتح تهیل و صاحبمنصب اکمل خود که برای پژوهش احوال و تقویهٔ مادی و معنوی اهالی مشرقی همچو یک فرشتهٔ رحمت موصلت کرده است اظهار مسرت کردند و آمدن این مرد نیکبخت را موجب سعادت و رفاهیت خود دانستند .

چنانچه پیشتر نگاشتیم جلال آباد در موقع ورود سپه سالار نه تنها خالی و ویران بلکه تمام موجودیت آن حریق شعلهٔ آتش عدم تدبر آن زعمای امانی که زمام مهام آنجا را در دست داشته بودند، شده بود ؛ و همه قصور سلطنتی و عمارات مأمورین بزرگ تا درجهٔ اخیر از دروازه و تمام سامان و لوازم محتویهٔ خود عاری و خالی افتاده و بالآخر در تمام جلال آباد اینقدر یک جای نبود که سپه سالار بتواند خیمهٔ سفری خود را بیک اطاق معمولی عوض کند .

تشکیلات حکومتی بالمره نابود، و در هر طرف تحریک خائنین و فتنه جویان وانمود و آثار پریشانی هویدا، و اسباب راحت و اطمینان مردم ناپیدا بود .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 265 of 711

مفادِ نطق سردار سپه‌سالار غازی در محضرِ اهالیِ سمتِ مشرقی

جناب محمد نادر خان سپه‌سالار از همه اولتر با سادات و علما و مشائخ و اعزه و معاریف و ملکان و کلان شوندگانِ عموم نقاط مشرقی تبادل فکر کرده، و آنها را بسوی نتائج بدنظمی های داخلیه متوجه کرده، از نزاکت امور خارجی دانانده (۱) و بآنها فهمانده که تا زمان تکمیل مطالباتِ افغانستان ما و شما هر لحظه در حالت حرب، و منتظر به حصول حقیقی همین حیات باشرفیکه بعد الحمد از بفضل الهی و عزم مجاهدین جنوبی و قوهٔ شمشیر اسلامی قبلاً بدست آورده ایم و یا مترقب همان مرگ باشرفیم که آبا و اجداد نیاکان ما آنرا در راه حفظ شان و شرف و ناموس دین و وطن با افتخار تحصیل کرده اند، میباشیم.

لهذا جهة موفقیت باین مقصد با سعادت لازم است که ما و شما آن اوامر اسلامی را که درین مورد شرع نبوی بما توصیه کرده است تعمیل، و از نفاق و خانه جنگی و نزاعهای درمیانی منصرف شویم؛ و تماماً متحداً برای تکمیل مقاصد خود مانند آن مجاهدینی که در دره و غیره سرحدات مشرقی بمقصد انجام خدمت ایستاده اند

(۱) نطق های سپه‌سالار در عرض راه مشرقی بعائد اهالی و مستقبلین نیز همین مضمون بوده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 266 of 711

کمربسته حاضر و آماده باشیم .

شما اولاً این موضوع را بقسم نصیحت و طور الوسی و قومی به عامهٔ آن اقوام و طوائفی که قبل از فراغ و تصفیهٔ معاملهٔ خارجه با مور خانگی و مسائل داخلی پیچیده اند خاطرنشان کنید، اگر شنیدند فنعم المطلوب والا خودتان آنها را بهر صورت ممکنه که بتوانید براه بیاورید اگر نشد این اقوام و یا اشخاص نصیحت ناشنو را بمن معرفی کنید تا بقوهٔ عسکری آنها را تأدیب و تکالیف لازمهٔ شانرا برای آنها تعیین کنم .

برای تهیهٔ اسباب جنگ، جهاد بالمال و بالنفس فرض است، چون جوانهای شما فعلاً در سرحدات بانتظار جهاد حاضر، و در عامهٔ مردم ذوق دفاع از وطن و حفظ شان و شرف ملی زیاد است ولی از حیث ثروت و لوازم احوال مشرقی طوریکه ظاهر است، خراب میباشد، پس راجع به اعطای مالیات و محصولات حکومتی و استرداد آن اموال و اجناسیکه شما ملت بنا بر امر قبل از وقت حکام ماضی خود از مال دولت برده اید نیز مسارعت کنید .

هم در فرستادن عسکری و یا قوای قومی بهر صورتیکه بشما سهل باشد بذل مجاهدت کنید، چراکه وجود و تهیهٔ قوهٔ قومی عند اللزوم اندکی وقت میخواهد، و عسکرها چون دائماً برای خدمت ملت و دفاع وطن حاضر میباشند، لهذا تا موقعیکه امر

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 267 of 711

اجتماع به عامهٔ اهالی داده میشود، وآنها حاضر میشوند عسکرها به انجام وظائف خود مجاهدت ومتعاقباً از وصول معاونت نفری ملکی تقویت میشوند.

درصورتیکه ما عسکری منتظم ویا قوای حاضر باش مکمل قومی را در دست نداشته باشیم، اگر دشمن ناگهانی حمله کند، تاکه ما اعلان نفیر عام را کنیم ومردم جمع آوری کنند معلوم است که کار از کار گذشته میباشد.

بعد از رفع نزاع وگفت وشنید خانگی وجریان روح وحدت ویگانگی در عامهٔ اهالی ووصول مالیات ومحصولات واسترداد اموال حکومت ورسیدن افراد عسکری ویا قوای قومی تان البته ما وشما وعامهٔ برادران سرحدی ما نشسته یک لویه جرگه تشکیل ووظائف خود ما را برای جهادیکه آتیاً درصورت عدم تکمیل مطالبات ما واقع شدنی است تعیین خواهیم کرد.

عزیزانم! حالا بروید ودر تعمیل این اوامر من که تماماً ضامن سعادت دینی ودنیوی تان است بفوریت بکوشید وبه نزاکت این وقت دیده بهر اندازهٔ که بکوشید بهمان پیمانه مسعود میگردید.

بروید شما را بخدا سپردم، حفظ شان وشرف وعزت واستقلال وطن محبوبم را از خدای برتر به همت وشجاعت شما اقوام خواستارم.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 268 of 711

مفادِ معروضهٔ اعیانِ مشرقی بحضور جناب سپه سالارِ غازی

اهالی از شنیدن این افکار عالی سپه سالار غازی که عین مقصود شان بود، خوشحالی زیاد کرده معروضه داشتند « هر چند از سوء اداره و بیکفایتی حکام ماضی نظامی ما، برجعت قهقری ترجیح داده زعمای امور تقسیم ذخائر و تجهیزات حکومتی را بر اهالی مستحسن دانسته اند، که در ضمن آن بسا بی نظمی ها و غلط فهمی ها واقع و شهر خراب شد ولی ما مجاهدین ملی و حامیان دین مبین اسلامی به این نزاکت وقت که شما از آن تشریح دادید دانسته برای یک لحه هم محاذ جنگ را خالی نگذاشتیم و کمال صداقت و شجاعت خود ها را در دفاع از وطن محبوب خود و حفظ شان و شرف اسلامی خویش بدون معاونت و مساعدت حکومت به اثبات رسانیدیم و هم در جلوگیری از نزاع و خانه جنگی و تشتت عمومی اقوام و عشائر حتی الوسع کوشیدیم.

اکنون که مثل شما یک مجاهد فعال بسر وقت ما رسید، البته تحت ادارهٔ همدردانه و نظارت غمخوارانهٔ شما هم امنیت و انضباط کلی در سر تا سر مشرقی حاکم و هم امور تعرضیه و دفاعیهٔ این نواحی بوجه احسن مستحکم میگردد.

ما حاضریم این نصائح و اوامر شما را بعامهٔ ملت ابلاغ کنیم، و آنها را بوجه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 269 of 711

واخوت، وانصراف از مجادلت، وکمر بستن بمانند دیگر مجاهدین برای خدمت، توصیه کنیم ویقین داریم که این ابلاغ ما چون از طرف همچو شما یک مجاهد ملت دوست میباشد موثر ومفید واقع خواهد شد، واگر این نصائح خیرخواهانهٔ ما در برابر جهالت ومفسدت بعض افراد موثر واقع نشود، البته که اطلاع آنرا اولاً بشما اعلام وباز باستیذان شما باتفاق قومی در تأدیب وگوشمالی آنها میکوشیم.

راجع برسانیدن مالیات ومحصولات واسترداد اموال حکومتی هم بذل مساعی میورزیم وهم بهر سرعت ممکنه که بتوانیم جوانهای خود را بر علاوهٔ آن مجاهدین ما که فعلاً در سنگرها وسرحدها مصروف حراست وطن اند، بحضور شما حاضر میداریم تا در تعمیل وانفاذ همهٔ آن هدایات واوامرتان که برای خیر وبهبود مملکت وادامهٔ عز و شرف ملت وپیشرفت مقاصد حکومت آنرا صادر میفرمائید مخلصانه بکوشند.»

مجاهدات سپه سالار غازی در اصلاحات وتنظیمات مشرقی

پس از رخصت شدن این جرگهٔ بزرگ اعیان مشرقی به اوطان شان حضرت عالی سپه سالار صاحب از یکطرف وجناب سردار محمد هاشم خان از جانب دیگر باصلاحات وتنظیمات فعالانهٔ آن سمت ویرانه بکمال سرگرمی آغاز فرمودند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 270 of 711

و دقیقهٔ از دقائق همدردی و دلسوزی را برای تأمین رفاه و آسایش عمومی فروگذار نشدند .

راجع به تمدید سلسلهٔ تلفون، پسته و دیگر ذرائع خبر رسانی به نقاط لازمه عملیات را آغاز، و حکام مأمورین و تشکیلات حکومتی ها و علاقه داریهای آن نواحی را تجدید، و مفرزه های محافظ عسکری را بهمه جهات مقتضیه اعزام، و قوای نظامی را تحت سر عسکری قوماندانهای امین و صادق با هدایات مفصل سر از نو بسرحدات مشرقی کوچ داده، ضمیمهٔ قوای قومی هر محل فرمودند، بر علاوهٔ آن یک یک مفرزهٔ سیار را که دائماً در نقاط معینه هر واحد آنها در گشت و گذار باشد مقرر داشته و در تهیهٔ غله و دیگر لوازم حربیه و تعمیرهای مخروبه و ترمیم عمارات آسیب رسیده نیز بذل مقدرتِ انتهائی خود را نمودند .

در اثر ابلاغ نصائح سپه سالار صاحب غازی بعامهٔ اهالی مشرقی تماماً آن اموال و سامان حکومتی و رعیتی را که تلف نشده بود و در دست مردم مانده بود بکمال خرمی سترد میکردند، و نفری زیاد قومی و آن افراد عسکری، که سابقاً در نظام خدمت، و صاحب تعلیم شده، بعد از اکمال دورهٔ ملازمت بخانه های خود رفته بودند، داوطلبانه جهة قبول و انجام خدماتِ وطن حاضر میشدند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 271 of 711

همچنین رعایای صد اقتمند دین دوست مشرقی بر علاوهٔ تادیه و تحویل محصولات و مالیات ذمگی شان از اعطای اعانه و فراهم آوری دیگر تسهیلات برای پیشرفت مقاصد و طنخواهانهٔ سردار سپه سالار نیز خودداری نمیکردند.

آنهمه نزاع و تشاجریکه بعد از انحلال تشکیلات ماضیهٔ حکومت و قبل از ورود وزیر صاحب حربیه، بنا بر فقدان مرکزیت عائد شده بود در اثر ابلاغ وصایای سپه سالار بعموم عوام و خواص آن دیار، و ربط و ضبط و تعقیبات مؤثرهٔ این مرد هشیار در اندک زمان بوحدت حقیقی و اخوت اسلامی تبدیل، و همهٔ مردم برای دفاع از وطن و حفاظهٔ شان و شرف خود بجان و تن حاضر شدند.

مساعی جمیلهٔ این وزیر حرب عدهٔ از ان دزدان و اشقیای محلی را که بر همزن راحت و طمانینت ملت شده بودند، و خواب آرام را بر مردم حرام کرده بودند دستگیر، و حسب امر شرع اعدام، و بعضی را حبس، و چندیرا از وقتاً بمرکز فرستاده، بوزارت امنیهٔ عمومیه نگاشت، تا به حصص دور دست مرکز تبعید شوند و آنهارا که از راه انابت شفاعت خواه به حضور عدالت ظهور این وطنخواه غیور حاضر، و توبه نامهٔ خود ها را تقدیم کردند، نه تنها معفو قرار داد، بلکه حسب ذوق و سلیقه هر واحد شانرا بخدمات لازمه نیز مقرر داشت که تماماً در انجام خدمات امتحانهای

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 272 of 711

خوبی را دادند .

دائماً اقوام وطوائف هر منطقه را مدعو بمهمانی والطاف پژوهی از اوشان پذیرائی ، ودر جوش وخروش ووحدت واخوتِ درمیانی ، وابلاغ وصایای وطنخواهی ، حفظ شان وشرف اسلامی آنها میکوشیدند ، در پیشرفت مقاصد عالیه وملیهٔ اجتماعیه ، آنها را تشویق میفرمودند .

برعلاوهٔ آن عالیجاه عزت وشجاعت همراه محمد هاشم خان نائب سالار حاکم اعلای مشرقی را تکرار بدوره ونظارت براجراآت لغمان وشنوار وغیره نقاط مأمور میداشت که مشارالیه در همه جا اسباب رضای خالق وخوشنودی مخلوق وانداختن جوش وخروش در جذبات عمومی وپیشرفتِ مطالب باشرفِ ملی وحکومتی را فراهم آورده موفقانه برمیگشت .

خود سردار سپه سالار یکحصهٔ وقتِ خود را برای انصرام امور مرجوعهٔ نظام و باخبری از مجاری سرحدات وحسیات افواج واعطای جواب فرامین ومکاتیب واردهٔ مرکز ، ونگاشتن افکار ونظریاتش به پادشاه وکابینهٔ وزرا راجع به بهبودگاه وپیش بینی منافع واضرار تخصیص فرموده بودند ، وحصهٔ دیگر آنرا جهة شنیدن عرض وداد اهالی واقامهٔ عدل وانصاف ، وملاقات از اعزه ومعاریف واقوام وقبائلیکه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 273 of 711

جهت ملاقات و اخذ هدایات حاضر میشدند در محضر عامهٔ هیئت همرکاب و صاحبمنصبان نظامی و مأمورین ملکی میگذرانیدند .

هرچند امورات عادی عرضه چی و نظامی را بعهدهٔ حمیت مند محمد علیخان برگد مفوض فرموده بود که مشارالیه ناموسکارانه و علاقه مندانه آنرا تا جائیکه اختیارات برای شان داده شده بود و از عهدهٔ آن برامده میتوانستند انجام ، و امور مهمه و سررشته طلب را به حضور برادر معظم شان مرافعه میدادند .

از طرف شب بالعموم کارهای ادارات مرکزی را ملاحظه و اوامر و هدایات ضروری را برای عامهٔ مأمورین مشرقی اعطا ، و بجواب معروضات و مکاتیبیکه خدمت شان از عموم صاحبمنصبان و قوندانهای نظامی ولایات و حکومات اعلای افغانستان میرسید میپرداختند .

تشکیل جرگهٔ عمومی بنام اتحاد مشرقی

بعد از اینکه امورات اداری و تشکیلات حکومتی مشرقی فی الجمله تحت نظم و نسق آمد و روح وحدت و یگانگی در کالبدش دمید ، و عمارات جلال آباد تا یک اندازهٔ آباد و رعایا از مساعی جمیلهٔ نادری دلشاد گشت ، مسائل دیوانی مرتب ، و قشله های

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 274 of 711

نظامی از افراد مملو، و همهٔ مجاری امور بر محور طبیعی خود بگردش آغاز کرد، سردار سپه سالار حسب وعدهٔ نخستین خود عموم سادات، علما، مشائخ و اعیان مشرقی و مشاهیر آنجا را جهة تعیین وظائف آتیهٔ شان و مقرر داشتن تکالیف و خدمات هر قوم و قبیله در موقع آغاز جنگ مکرر افغان و انگلیز بیک مجلس عالی (اتحاد مشرقی) ذریعهٔ مکاتیب خصوصی و اعلانهای رسمی که بتعداد مکفی طبع و نشر شده بود مدعو فرمود.

زیرا تا حال که از سنه ۱۲۹۸ یکماه باقیمانده است انگلیز بر علاوهٔ تسلیم نمودن استقلال افغانستان که در اثر جوش و خروش ملی و مطالبات پیهم عملی عموم مسکونین مملکت افغانستان و فتوحات و مظفریت سیفی و خشونت مقدس قلمی سپه سالار آنرا علی العجاله بصورت رسمی قبول و خواهش متارکه و فتح باب مذاکرات را کرده است، بدیگر شرائط باشرافانهٔ افغانستان تمکین نمیکند و در عین زمان به ترتیبات نظامی و تکمیل تجهیزات حربی خود مشاغلت دارد.

درینصورت حتمی بود که ما هم محض جهة اتمام سلسلهٔ مذاکرات و حاصل داشتن همه مطالب و تمنیات خویش به پیمانهٔ بسیار وسیع و اساس مستحکم باز برای تعرض

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 275 of 711

ومقابله وتکمیل نمودن همهٔ مطالب مدنیه واجتماعیهٔ خود ترتیبات بگیریم وروح جهاد ومقدمات حربی را تقویه وتنمیه کنیم، که اگر واقعاً از طرف حریف مقابل اندک یک خطره وبی پرداختی در اعطای حقوق مشروعهٔ ما دیده شود، باید که شدیدتر از پیشتر در راه اندفاع آن مقاومت، وبشجاعت فطری وحماست جبلی و مقررات مذهبی خود همهٔ مطالب حقهٔ خود را تأمین ومحافظه کنیم.

بالجمله وکلا ومبعوثین ملی وعامهٔ اعیان ومعاریف سرحدات بموجب همان مواد وشرائطیکه از طرف سپه سالار توضیح واشعار شده بود بیک سرعتِ صاعقه نمائی بمجرد وصول اعلان در مرکز نسمت مشرقی یکی بعد از دیگری واصل وشرف ملاقات ومهمانی سپه سالار صاحب غازیرا که بیک پیمانهٔ وسیع نهایت عالی گرفته شده بود حاصل میکردند.

تصویباتِ تاریخیِ مجلسِ عالیِ اتحادِ مشرقی

در عشرهٔ اولیهٔ حوت ۱۲۹۸ بعد از اجتماع عامهٔ مدعوین که در ظرف یکهفته به تکمیل رسیدند، در بدرهٔ مشرقی بمیدان همجوار زیارتِ نجم المشائخ، مجلس عالی (اتحاد مشرقی) منعقد، وراجع به حفظ شان وشرف اسلامی بیانات مؤثره

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 276 of 711

از طرف وزیر صاحب حربیه و تمام روحانیون ایراد، و مراتب شوق و محبت عمومی راجع به حرب و مجاهدت ایزاد، و تقاضای جدی در تکمیل تمام مطالب مشروعهٔ ملت افغانی عموماً از طرف تمام اقوام و قبائل و طوائف و عشائر سرحدی به حکومت افغانستان پیشنهاد شد. تا جواب آخری حکومت انگلیز را به خود حاصل نماید و بوی خاطرنشان کند که در صورت عدم پذیرفتن خواهشهای حقهٔ ملت افغانیه البته جهاد بر ما فرض و ما بمجردیکه از پهلوتهی کردن انگلیز در برابر این مطالبات مطلع شویم، فوراً در سر تا سر سرحدات مشرقی از اسمار گرفته الی پاره چنار داخل میدان کارزار میشویم. (۱)

درینصورت حتماً آتش حرب در سرحدات جنوبی و مغربی افغانستان تکرار افروخته میشود و مشکلات زیادیرا تولید میکند.

خلاصتهً صورت مفصل این قرارداد ها که باجمال آن فوقاً اشاره شد در اثر نطق مهیج عسکرانهٔ سپه سالار، و تائید و تصدیق روحانیون دیانت مدار بیکجوش و خروش فوق العاده در میان غلغلهٔ تکبیر و تسبیح از طرف عامهٔ شرکای مجلس باکثریت مطلقه تصویب و در حاشیهٔ قرآن پاک راجع بفداکاری و جان نثاری خود

(۱) برای مزید اطلاعات این جرگهٔ ملی ناظرین بشمارهٔ اول سال اول اتحاد شرقی مطبعهٔ ۹ حوت ۱۲۹۸ رجوع کنند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 277 of 711

در راه تعمیل و انفاذ این قرارداد ها با تعیین صورت تکالیف و ذمه داری هر هر قوم راجع بامور تعرضیه و دفاعیه یک یک محاذ تعهد کردند، و هر کدام شان با تعداد نفری مجاهدین و سرکردگان جهاد و علم برداران غزا را از ذواتیکه حرمت و شرافت عامه را حائز بودند معرفی کردند .

از طرف وزیر صاحب حربیه برای علم برداران و مشران هر قوم یک یک تفنگچهٔ عالیه که بران اسم همان قوم و محاذ خدمت آن منقوش بود با انعامات کافی اعطا و یک یک علم افغانی که بران آیات بینات فرضیت و عظمت جهاد و مراتب عظمای جنگیدن در راه خدا و اعلای کلمة الله مرسوم بود برای علم برداران اعطا شد .

تأسیس اخبار اتحاد مشرقی بیادگار این مجلس عالی

بیادگار این مجلس بامر و ارادهٔ سپه سالار صاحب غازی یک اخباری نیز در مرکز سمت مشرقی بنام « اتحاد مشرقی » در منصهٔ اشاعه گذاشته شد که رسم همان علم اتحاد را در عنوان خود دارد ، ذاتاً این اخبار در اثر مقررات همین مجلس انتشارات خود را تدویر و تکرار میکرد و یکروح وحدت ، اخوت ، شجاعت

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 278 of 711

وتأمین حقوق وحیات باشرف را بمردم اعطا وجذبات شریف واحساسات منیف را در ملت تزریق، وجبن وخوف وزندگانی ننگین را تقبیح وملت را از هر نوع مجاری امور در هر هفته دو بار استحضار داده، از مضامین دلنشین خود همه قارئین خود را مطلع ومشکور میساخت. (۱)

گویا درین مجلس عالی اتحاد مشرقی مساعیات جمیلهٔ سپه سالار صاحب غازی که از بدو ورود خود الی الآن دران زمینه صرف مجاهدت کرده بودند، عملاً ثمر داد ونتیجهٔ خوبی را ازان گرفت وهر قوم وطائفه دریک مسرت وخوشحالی اوامر این قوماندان عالی را پذیرفته به نقاط معینهٔ خود رجعت کرده منتظر نتیجهٔ این یادداشتهای خویش که توسط حکومت متبوعهٔ خود به انگلیز داده بودند مانده، درعین زمان بامر سپه سالار غازی چشم انتظار را دوخته بودند که چه وقت بما اذن میدهد

(۱) ازین مساعی جمیلهٔ نادری که در اصلاحات مشرقی مؤدا مخصوصاً از مضامین این اخبار، که نهال دست شاندهٔ سپه سالار است، عامهٔ جرائد خارجه وسیاسیون وعقلای عالم خیلی تعریف وتمجید واز مندرجات آن اظهار مسرت میکردند. از انجمله نظریهٔ معاصرش امان افغان که دربارهٔ آن نوشته باین قرار است :-

«بایکمال مسرت می بینیم که از سمت مشرقی درخشانترین انوار معارف (اخبار) بایک انتظام مکمل شائع شده میرود، وبنام سعادت التزام «اتحاد مشرقی» «در هفته دو بار چشم انتظار را بدیدار افادت بار خود منور می سازد ..... ما از مساعی جمیلهٔ جناب عالیقدر جلالتمآب مستطاب محمد نادر خان وزیر صاحب حربیه، رئیس تنظیمیه واصلاحیهٔ سمت مشرقی خیلی ممنون وشکریم که برای اهالی آنجا از همه گونه بیداری را مهیا کرده است .....».

منقول از صفحهٔ ۲ شمارهٔ ۲ سال اول امان افغان مطبوعهٔ ۱۸ حمل ۱۲۹۹ - کابل.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 279 of 711

که داخل خط حرب شویم .

حتی بعضی ازان ذوات واشخاصیکه جذبات مشتعلانه وحسیات اسلامیانه خود را قید وضبط کرده نمیتوانستند، بمجرد انحلال این مجلس عالی اتحاد مشرقی بصورت دسته ها وجمعیت ها داخل گیرودار، ومصروف جنگ وپیکار، با حریف سیاست مدار خود هم شدند وباوجود ممانعت وجلوگیری سپه سالار صاحب غازی ازینچه شور وغوغای ملی وجنون مذهبی، ولو ازیکطرف تا چندی ساکن وآرام میشدند، باز از گوشهٔ دیگر اسباب پریشانی حریف را فراهم می آوردند .

تاثیر مجلس اتحاد مشرقی بر حکومت انگلیز

وقتیکه این یادداشت اقوام وطوائف مشرقی وسرحدی به انگلیز رسید در حالیکه قبلاً بدیگر ذرائع ازین جذبات فنا ناپذیر وحسیات آتش گیری که در اثر مساعی این سپه سالار شجاعت آثار ما، در کانون ضمیر صغیر وکبیر مشرقی افروخته شده بود، خودش هم اطلاعات موثقی را گرفته بود، علی الفور در اوائل حمل ۱۲۹۹ خواهش افتتاح سلسلهٔ مذاکرات را سر از نو، وسلسلهٔ تدقیق نمودن مطالبات افغانستان را درمیان آورده خواهش آمدن یک هیئت اصلاحیهٔ افغانستان را

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 280 of 711

در موضع منصوری هندوستان نمود .

چنانچه از مرکز هیئتی برای گفت و شنید تعیین، و با تشریفات و اختیارات مخصوصی عازم آن سرزمین شد ولی باز انگلیز نگران اوضاع و جریان افغانستان مخصوصاً از مشرقی و حواشی سرحدی و طرز عمل این سپه سالار غازی بود حل و فصل مذاکرات صلحیه را بهر صورت ممکنه که میتوانست، به تطویل کشانیده میدید و انتظار میکشید که این جوش و خروش سکونت پذیر است یا نی؟ و این تعهد و اقوالیکه از جرگهٔ معظمهٔ افغانیه در پهلو جوار مرقد حضرت نجم المشائخ علیه الرحمه تحت صدارت وزیر حربیه بسته و گفته شده تاثیرات خارجی دارد یا نه؟

اما جای مسرت و شکران است که در جوش و خروش ملی و مساعی و اجراآت محمد نادر خان غازی و ضبط و ربط عسکری ما هیچیک بی نظمی و سوء مجاری دیده نشده در همه طبقات ملکی و نظامی حرارت و صمیمیت نهائی مشاهده میشد .

غمخواری و نگرانی از مهاجرین هندی

درین موقع که سپه سالار در انجام وظائف محوله خود سرگرمی داشت یک مسامحهٔ بزرگی از اعلیحضرت امان الله خان سر زد، که در فاتحه گیری امیر شهید رسما

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 281 of 711

آن هندیهای مظلوم را بدون تعیین صنف و تعداد، و سنجش و عاقبت بینی فجاءةً به مهاجرتِ افغانستان دعوت داد (۱) زیرا که هندیها درینوقت بواسطهٔ مظالمیکه بر ترکان و مقام خلافتِ اسلامیان از طرف اتحادیون که دران انگلیز هم شامل بود تحمیل میشد، سخت پریشان بودند و میخواستند که یا با انگلیز جنگ و یا از مقبوضات هجرت کنند ولی در ترجیح محل هجرت متردد بودند.

بمجرد نشر این اعلان جناب محمد نادر خان هم تلفوناً و هم مکتوباً به اعلیحضرت امان الله خان خاطرنشان کرد که درین مفکورهٔ خود مرتکب لغزش شدیدی که تلافی آن بهیچصورت ممکن نیست شده اند، چرا بر علاوهٔ اینکه درینوقت افغانستان به انواع مشکلات داخلی و خارجی خود گرفتار است، ثروت و هستی او هم باین اندازه بسیار نیست که بتواند از تمام مهاجرین هندی که به پیمانهٔ بلند خواهش مهاجرت را دارند، پذیرائی و سرپرستی، در کنار، حتی یکجای رهایش درستی را تهیه کند

(۱) این حصهٔ نطق اعلیحضرت امان الله خان که راجع بهجرت نموده چنین است:
« افغانستان با همه وسعت خود برای قبول کردن مهاجرین هندی حاضر است »
ناظرین جهة مزید معلومات عین این بیانیهٔ رسمی را در صفحهٔ ٤ شمارهٔ اول سال اول منشورهٔ (۱۰) حمل ۱۲۹۹ شمسی اخبار امان افغان مطبوعهٔ کابل که تحت مدیریت آقای عبدالهادی خان بود مشاهده فرمایند برای استطلاع از دیگر نشریات تشویقیهٔ هجرت بدیگر شماره های جرائد وطن که دران هنگام انتشار می یافت مراجعه فرمایند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 282 of 711

مخصوصاً درین مورد عالیجاه عزت و شجاعت همراه محمد هاشم خان نائب سالار حاکم اعلای مشرقی تلفوناً به حضور اعلیحضرت امان الله خان قدری تیزی هم کرد و بشدت برین اعلان شان تنقید، و از مضار آن پیشگوئی نمود .

بهر صورت سیل مهاجرین بلندتر از حدس و توقع مشاورین و مصدقین، «بلی صاحب گویان» و حواشی بلا ارادهٔ دربار امانی بکمال شدت و عظمت بنای آمدن را گذاشت، و سرتاسر عرض راه بین پشاور و کابل را امواج قوافل مسلسل آنها تشکیل داد، درین موقع همین سپه سالار و نائب سالاریکه بر اعلان قبولیت مهاجرین از نقطهٔ نظر خیرخواهی و دوراندیشی تنقید میکردند، با حواشی و ملتزمین خویش از صبح تا خفتن دقیقهٔ از غمخواری و خبرگیری این اخوان اسلامی خود را فرو گذاشت نمیکنند، و در فراهم آوری تسهیلات لازمهٔ آنها از تورخم الی باریکاب کابل صرف مساعی میکردند، و انواع مساعدتهای اخلاقی و اوضاع انسانی با آنها مراعات میفرمودند .

بهر تقدیر در تمام عرض راه مشرقی همه سامان راحت و تسهیلات مقتضیهٔ مسافرت برای مهاجرین از همدردی و حسن مساعی سپه سالار غازی موجود بود ولی در کابل و دیگر محلاتیکه برای بود و باش آنها تعیین و تخصیص شد حال این مظلومان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 283 of 711

خیلی پریشان بود و از هیچ طرف هیچ مواسات و مواخاتی بعمل نیامد، تنها در کابل سردار محمد عزیز خان برادر سپه سالار در بارهٔ این مهاجرین بمعاونت و اتفاق چند نفر هندی و افغانهای باحس، چاره جوئی و اظهار همدردی میکردند.

و راجع بفراهم آوری تسهیلات آن مهاجرینیکه از راه جنوبی وارد افغانستان میشدند، عالیشان شجاعت بنیان شاه محمود خان حاکم اعلی لوامشر جنوبی اظهار همدردی میفرمودند.

این سیلاب بی پایان مهاجرین چون طاقت خود ها را در اقامت افغانستان طاق دیدند، لاچار بمعاودت اوطان خود شتابان شدند، در موقع واپسی آنها هم در موجودیت تسهیلات و خاطرداری آنها بنا بر توصیهٔ سپه سالار عامهٔ اهالی و مامورین دیانت شعار مشرقی مخصوصاً جناب محمد هاشم خان کوتاهی نکردند.

مساعیات عرفانی سپه سالار غازی در مشرقی

چون وزیر صاحب حربیه در همه شعب اداریه و تنظیمیهٔ مشرقی موفق شدند و تا سر مشرقی براحت و سعادت و مرفه الحالی هم آغوش، و جذبات و حسیات آنها را برای حفظ حقوق و وقایهٔ شان و شرف شان زنده گردانیدند، در صدد تربیهٔ روحانی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 284 of 711

وتقویهٔ معنوی ابنای این سمت که بدون علم و معارف امکان پذیر نیست برآمدند.
عامهٔ اهالی و معاریف مشرقی را تماماً مدعو و لطفاً آنها را از محاسن علم و عرفان
و لزوم تعلیم و تربیهٔ اولادشان به بیانات مؤثر دلنشین رقت آور مستند
دانانده، آن مفکورهٔ خودشان را که بالنسبهٔ تأسیس مکاتب مشرقی داشتند
با اوشان حالی فرموده، آنها را به اعطای اعانه و ترسیل اولادهای شان
بمکاتب توصیه نمودند.

اهالی در مقابل این دلائل و نصائح خیراندیشانهٔ وزیر صاحب حربیه شکرگویان
و مسرت کنان بذوق تمام یک مبلغ زیادی را بنام اعانهٔ معارف بمالیات
خود متقبل و بکمال ذوق اطفال شان را در «مکتب راستی» در جلال آباد که بدواً
و رسماً آنرا سپه سالار صاحب غازی افتتاح فرمودند داخل کردند، و راجع
به اجرای مکاتب در عامهٔ حکومات مشرقی هم بنائب سالار محمد هاشم خان حاکم
اعلی و جناب محمد سلیمان خان وزیر معارف اوامر و دستور دادند، که
متعاقباً یکی بعد دیگری اجرا شده رفت.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 285 of 711

تقدیر زحمتکشی و خدمتگذاری سپه سالار غازی از طرف ملت و حکومت

جناب سردار سپه سالار صاحب ازین اجراآت نافعهٔ خود در مشرقی که ما به اجمال آن اشاره کردیم دران موقع نازک که مدهش ترین مناظر خرابی و پریشانی را بصورت حقیقی تمثیل کرده بود، بنظر عامهٔ ملت خواهان وطن دوست محبوب تر و از طرف جرائد نامدار مورد مزید تحسین و آفرین واقع شده از طرف اعلیحضرت امان الله خان و باقی وزرا و کابینهٔ سلطنتی نیز فوق العاده تقدیر شده فرامین بسیار بلند و تبریک نامه های ارجمندی از هر طرف خدمت شان تهدیه میشد.

برعلاوهٔ آن یک ثوب کوسی عالی را که مخصوص به نشان المرعالی و استعمال رجال درجهٔ اول مملکت افغانی است، با یک کلاه جیغه دار نیز برای شان از مرکز تقدیم شد، که ملت افغانستان، مخصوصاً اهالی مشرقی ازین قدر شناسی حکومت خیلی زیاد اظهار مسرت کردند، و در موقع پوشیدن کوسی و کلاه مزبور بدعاگوئی مزید موفقیت سرفراز و در یک مجمع بزرگ عالی که مشتمل بر تمام اعیان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 286 of 711

مشرقی بود، عموم مردم بدعا گوئی مزید موفقیت وزیر صاحب حربیه پرداختند.

معاودت هیئت اصلاحیه از منصوری و ضرورت ناخن گره کشای سپه سالار غازی برای مبارزهٔ قلمی

واقعاً نظم و نسق و اصلاحات مشرقی و مساعیات جمیلهٔ سپه سالار غازی همچنانکه برای سعادت و مرفه الحالی وطن و ملت مفید و مؤثر واقع شد در معاملات خارجه هم تاثیرات مهمی را نشانداد، و وفد اصلاحیهٔ افغانستان که برای مذاکرات و تکمیل مطالبات ملی، در منصوری رفته بودند تا یکدرجه بساختن و ترتیب دادن مواد معاهدهٔ افغانستان و انگلیز موفق شده، سواد آنرا جهت غور و تدقیق مرکز با خود گرفته در ۸ اسد ۱۲۹۹ برگشتند.

چنانچه علامه محمود بیگ وزیر امور خارجه رئیس وفد اصلاحیهٔ منصوری در همان مجلسی که برای پذیرائی وفد اصلاحیه بنا بر هدایت سپه سالار از مأمورین ملکی و نظامی و اعزه و معاریف کبار مشرقی در باغ شاهی حاضر بودند رسماً و علانیةً در جواب آن نطق وزیر صاحب حربیه که بصورت خیر مقدم وفد اصلاحیه ایراد فرمودند. گفت:

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 287 of 711

تکمیل این مطالبات باشرفانه را که ما از انگلیزها نموده ایم و تا یک اندازه آنها هم تمکین کرده از اصرار قبولانیدن آن شرائطیکه منافی عزت و وقار و شرف افغانستان است باز ایستادند از برکت شمشیر آبدار و مساعی قابل افتخار شما سپه سالار زحمت کش جرار افغانستان است اگر ما با آن فتوحات عالیشان شما که در جنوبی آنرا مردانه وار احراز فرموده اید استناد نمیداشتیم وانگلیزان وضعیت هزبرانهٔ ما را نمیدیدند و یا فعلاً خوف و سهم این شمشیر براق نادری، و اثر آن اقدامات شما نمی بود، که منتج بر جوش و خروش عمومی ملت افغانستان مخصوصاً از اقوام شجاع جنوبی و مشرقی و عامهٔ قوای عسکری ما شده است ابداً از ما باین درجه پذیرائی نمی نمودند، و نه باین اندازه در برابر مطالبات مشروعهٔ ما مطاوعت میکردند.

هر چند درینقدر مدتی که ما مشغول مذاکرات و تبادل افکار بودیم ولی بحل چند مسائل که از نبودن آن استقلال و حریت ما داغدار و روح افغانیت را فشار میدهد حسب مطلوب موفق نشدیم.

اینک همان مسائل بحث طلب را جهة غور و تدقیق با خویش بمرکز آورده ایم که بحضور اعلیحضرت و جناب شما که در همچه مواضع دائماً عصای پیری من ثابت شده اید

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 288 of 711

و دیگر اعیان تقدیم شود، یقین میکنم که بتوجه اعلیحضرت و مساعدت فکر رسا و قلم توانای تان که همسر شمشیر و برچه تیز و عالی شما است یک آن اولتر آن غوامض را بصورتی تحلیل خواهیم کرد که جانب مقابل هم بآن راضی خواهد شد، و اگر قناعت نکرد البته که برای اقناع خاطر، شمشیر شما بهترین حکم و مصلح است.

من درین مورد در اول دخولم بخاک افغانستان از طور خم به حضور عرض کرده ام که برای حل این اشکال ضرورت مساعدت فکری سپه سالار صاحب بسیار است اگر برای چندی او شانرا بمرکز بخواهید بهتر میشود، تا با ما درین مواد مرتبه معاونت کند، معلوم است که از ناخن گره کشای ایشان این عقده هم بخوبی حل خواهد شد، چنانچه ذات شاهانه این معروضه ام را پذیرفته امر دادند تا فردا ما و شما متفقاً عازم مرکز شویم.

فراغ سپه سالار غازی از اصلاحات مشرقی و اعزام شان بکابل

چون شالوده همه اصلاحات و تنظیمات مشرقی را وزیر صاحب حربیه بر اساس متین گذاشت و همه امور بمجرای صحیحه آن حسب اصول و دستور مقرره رو بجریان نهاد و ضبط عساکر و تنظیم سرحدات و کندن سنگرهای مهم و استحکام های متین جنگی حسب مقتضیات عصری

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 289 of 711

بعمل آمده و تماماً از قوای قومی و عسکری تحکیم و مملو شده بود، تنها یک شخص امین و صادق ملت دوست فعالی مانند جناب محمد نادر خان جهة نظارت و تنظیم و تدویر کارها به محور مقررهٔ خود بکار داشت، تا نشود که از سوء اداره باز در نموقع نازک یک پریشانی و بینظمی درین اصلاحات و تنسیقات واقع گردد، و باین ذریعه مسائل خارجی افغانستان که فی الجمله سر و صورتی بخود گرفته است باز اشکالی را پیش کند.

لهذا وقتیکه سپه سالار بنا به امر لازم التعمیل مرکزی و اصرار محمود بیگ طرزی علی الفور با معیت وفد اصلاحیهٔ منصوری بمرکز افغانی خواسته شد نظارت این امورات عسکری و حکومتی را که به پیمانهٔ عالی و اساس صحیح گرفته شده بود، ببازوی توانای خود آقای محمد هاشم خان نائب سالار نظامی حاکم اعلای مشرقی که در ایفای همه خدمات سهیم و شریک شان بودند، گذاشتند، و خود شان عازم کابل شدند تا بر علاوهٔ دمیدن یک روح تازه بمرکز وزارت حربیهٔ افغانستان به اعطای معاونتهای فکری در مذاکرات اصلاحیه نیز مساعدت ورزند.

چنانچه نائب سالار موصوف نقش قدم این سرافسر معظم را تأسی کنان از ینهالهای شان همان ثمر مطلوبه را در اندک مدت چیده از حلاوت آن کام ملت و مذاق حکومت را شیرین فرمودند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 290 of 711

مساعی جمیلهٔ وزیر حربیه در امور قشونی مرکزیه

در موقع ورود مکرر سپه سالار صاحب غازی بکابل باز در وزارت حربیه یک مجلس باشکوه پذیرائی شان از طرف اعیان نظامی و ملکی گرفته شد و اعلیحضرت امان الله خان و کابینهٔ وزرا و مأمورین بزرگ مقدم او شان را بلا نهایه گرامی دانسته بسیار زیاد ازین خدمات شاندار و اجراآت صحیح شان که پس از مظفریت ها و فتوحات سمت جنوبی و اصلاحات اولیهٔ مرکز وزارت حربیه در سمت مشرقی نموده اند، اظهار مسرت و شکران کردند.

بالجمله جناب سپه سالار همان اجراآت فرض منصبی خویش را که الی الآن در غیاب شان آنرا فاتح وزیرستان جنرال شاه ولیخان اداره میکرد، بکف باکفایت خویش گرفت و راجع به ضبط و ربط و ترقیات نظامی فکرهای تازه و عملیات مفیدهٔ دگر را در تحت اجرا و تعمیل گذاشتند.

از یکطرف به ساختن قواعد و نظامات حربی مصروف شدند، و از جانب دگر بتعلیم و تربیهٔ نظری و عملی عسکر اقدامات را آغاز کردند، و در عین زمان برای تنویر افکار صاحبمنصبان و افراد بسیار تعلیمنامه ها و لوائح را مرتب کردند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 291 of 711

امر اجرا و انفاذ یک مجلهٔ قشونی را بنام «مجموعهٔ عسکری» که حاوی مطالب مهمهٔ نظامی و مسائل عمدهٔ حربی بوده برای دمیدن روحیات سلحشوری و جذبات وطنخواهی بهترین ذریعه پنداشته میشد، نیز دادند، و شخصاً مضامین و مندرجات این رسالهٔ نافعه را اداره میکردند.

یک نقشهٔ بزرگ بسیار مفصل افغانستان را نیز در اثر زحمت کشی و برداشتن تکالیف متوالی در چار پارچهٔ کلان برای افادهٔ عساکر افغانی رسم و نقش و در منصهٔ طبع و اشاعه گذاشته بتعداد زیاد به صاحبمنصبان و قرارگاه های نظامی نشر و توزیع فرمودند.

راجع به قیام روابط و استحکامات خلل ناپذیر افغانستان با قبائل سرحدی نیز اقدامات مؤثری فرمودند.

یک کتاب بسیار جامع و مفیدی را که مشتمل بر حالات سرحدیه و اوضاع عمومی اقوام و رسم و رواج و تاریخچهٔ حیات و چگونگی احوال و کیف های نافعهٔ آنها بود نیز از کتب معتبره و آثار قلمیهٔ مورخین و سیاسیون تسوید و ترتیب دادند (۱)

راجع به طرز لباس حربی و رسمی اردوی افغانستان نیز ترتیبات و نظام

(۱) یک حصهٔ این کتاب سرحدی طبع و مابقی آن در حال تسوید ماند، که سفر سپه سالار بقطغن و بعد از آن تکرار بمشرقی و در اثر آن به بستر علالت افتاده، بعد از صحت عازم پاریس شدند، مع الاسف کنون اثری از آن مؤلفه نیست.

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 292 of 711

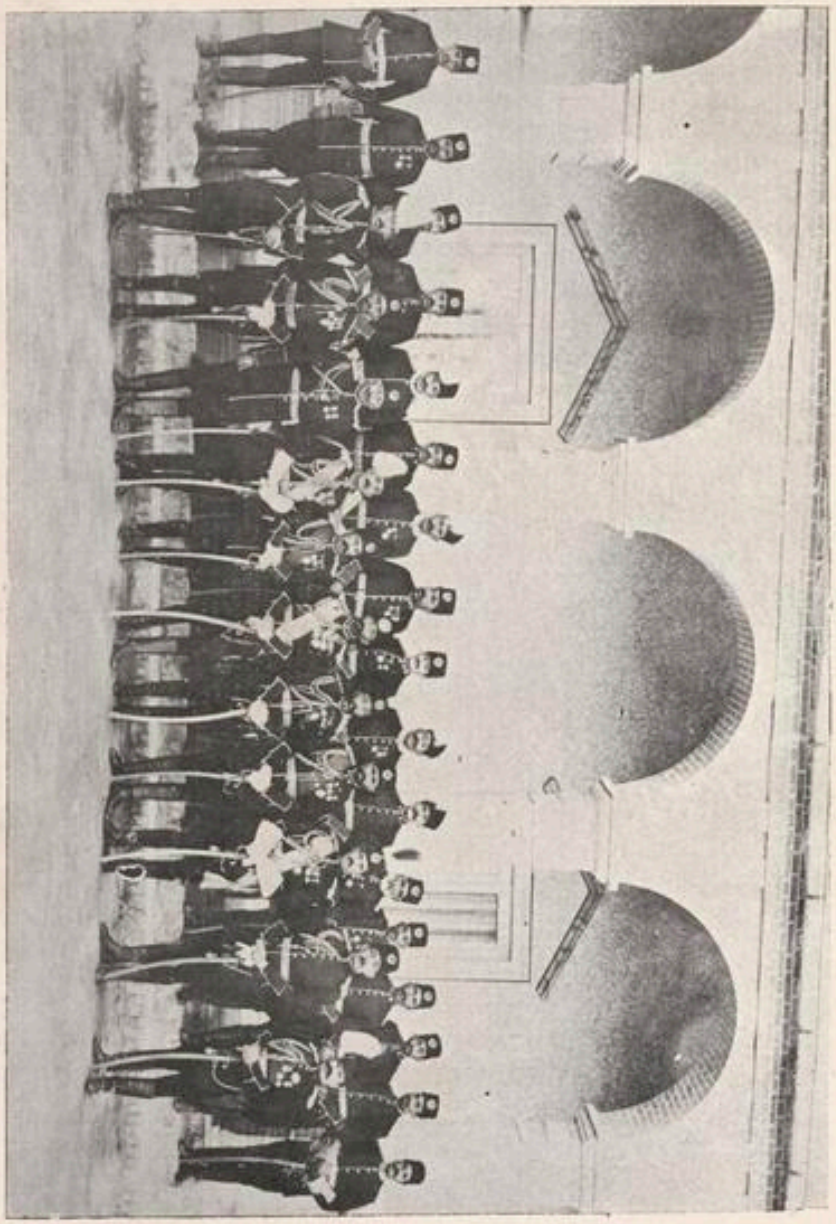

(کابل سنه ۱۲۹۹ ش)

صف موخر از راست بطرف چپ: ۱ کندکشر طوطی شاه خان ۲ کندکشر خان محمد خان ۳ غندمشر عطاءالله خان ٤ غندمشر عبدالقادر خان ٥ غندمشر عبد اللطیف خان ٦ کندکشر میر عثمان خان ۷ غندمشر عبدالرؤف خان ۸ غند مشر محمد غوث خان ۹ غند مشر محمد اکلیل خان ۱۰ غند مشر گل احمد خان ۱۱ غندمشر روشند خان ۱۲ غندمشر سعدالدین خان ۱۳ غندمشر عبدالرحیم خان ۱٤ کندکشر احمد شاه خان ۱٥ غند مشر محمد یعقوب خان ۱٦ کندکشر محمد ابراهیم خان ۱۷ کندکشر محمد لطیف خان

صف مقدم از راست بطرف چپ: (۱) لواءمشر محمد عمر خان (۲) لواءمشر محمد علیخان (۳) لواءمشر شاه محمود خان (٤) فرقه مشر عبدالوکیل خان (٥) نائب سالار محمد عمر خان (٦) ع ج ج س سردار سپه سالار محمد نادر خان وزیر حربیه (۷) محمد نعیم خان نائب سالار (۸) فرقه مشر شاه ولیخان (۹) لواءمشر محمود سامی (۱۰) لواءمشر غلام حیدر خان (۱۱) لواءمشر عبدالرحمن خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 294 of 711

کمتلی را نه تنها ترتیب بلکه عموم منسوبین عسکری افغانستان را بهمهٔ آن البسهٔ مقرره ملبس ساخته و بیکوضع گردانید، و نظامنامهٔ مخصوص برای آن وضع نمود. (۱)

همچنین در تشکیلات و تنظیمات نظام مطابق اصول حاضره تعدیلات و اصلاحات درستی نموده، در تقرر اسماء مناصب (۲) و تعیین رتب و اختیارات و صلاحیت شان نیز دستورهای خوبی را توسط متخصصین این فن وضع فرمود. (۳)

راجع بخریداری اسلحهٔ رقم تازه بیک پیمانهٔ کافی نیز بحکومت نظریات خوبی داد و توجهٔ زعمای امور را برای تکمیل این نقص بزرگ کرده فرمایش خریداری اسلحهٔ زیاد را به فابریکه های اروپا دادند (٤)

همچنین راجع به ترقیات فابریکهٔ حربی و مصنوعات آن اهتمام زیاد و سعی وافی شانرا بخرج دادند و تقریباً مواد مستحصلهٔ آنرا بالنسبهٔ سابق یک بر دو ساختند.

از یکطرف ذریعهٔ هیئت جمال پاشا یک قطعهٔ منظمهٔ عسکری را عیناً به اصول عسکرهای اروپا بنام «قطعهٔ نمونه» تشکیل فرمودند، و از جانب دیگر ذریعهٔ صاحبمنصبان

---

(۱) نظامنامهٔ البسهٔ عسکریه ملاحظه شود. (۲) ملاحظه شود نظامنامهٔ مناصب قدیمه و حاضره. (۳) ملاحظه شود نظامنامهٔ وزارت حربیه و نظامنامهٔ تفریق وظائف عسکری. (٤) اسلحهٔ که بدواً فرمایش داده شده بود، در عین موقع کار کردن سپه سالار در حربیه رسید، و مابقی اسلحهٔ را که آقای محمود طرزی و خود سپه سالار از فرانسه خریداری کرده بودند، خود سپه سالار در موقع سفارتش از پاریس ارسال کرد که برای خاتمه دادن واقعهٔ سنهٔ ۱۳۰۳ جنوبی کار آمد ثابت شد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 295 of 711

رشید افغانستان یک قطعه دیگر را در خود دارد و ترتیب دادند، و باین وسیله یک مسابقهٔ شیرین ترقیات عسکری را بمیان آورده عین مطلوب شانرا که منظم و باقاعده بودن عساکر افغانی است باین ذریعهٔ نافعه بوجود آوردند.

برعلاوهٔ آن عساکر افغانستان بالعموم و عسکر مرکزی کابل را بالخصوص از حیث نظم ونسق، و ربط وضبط، و تعلیم و تربیه، و پابندی وقت، و حسن اخلاق، و روح شجاعت و وطن پرستی وغیره صفات عسکری آراستند و راجع برسانیدن مکمل معاش وغله گی و رفع دیگر اشکالات آنها توجه مخصوص را بکار میبردند.

برعلاوهٔ اعطای جواب مکاتیب رسمی و هدایات لازمی در هر پانزده روز یک یک مرتبه امرنامه های مخصوصی بنام احوال پرسی که مشتمل بر مجاری امور مرکزی و خیریت عمومی در تمام اطراف و نواحی و یک سلسلهٔ نصایح عالی و وصایای لازمهٔ سرافسری میبود بعموم قوماندانهای نظامی افغانستان میفرستادند.

علاقمندی زیاد سپه سالار غازی به تعمیم فیوضات علمی و عرفانی

یکی از خصائص عمده و نظریات برجستهٔ این صاحب منصب دانشور که جداً قابل تقدیر میباشد، و عزت و احترام شانرا در قلوب تمام ذوات روشن ضمیر جاگزین نموده

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 296 of 711

همانا خدمات عرفانی شان میباشد، که تعمیم علم و آداب و اخلاق را در شعبهٔ نظامی خصوصاً و در سائر ابنای وطن عموماً آرزومند بودند و درین راه منتهای جد و جهد شانرا صرف میکردند.

حقیقتاً که مشغلهٔ تفریحی و بهترین لمحات سرور معنوی این سپه سالار غازی همان لحظه میبود که از تعلیم و تربیه و چگونگی اخلاق و اطوار طلبهٔ مکتب حربیه و غیره منسوبین عسکریه معلومات میگرفتند و یا بر طرز تعلیم و پیشرفت های عرفانی شان نظارت و یا از تحصیلات شان امتحان میگرفتند.

این ذوق فطری در وجود عرفان نمود سپه سالار از بدو مأموریت شان بوجود و بهمراه آن ترقیات و اعزاز و مراتبیکه خداوند باو شان مرحمت میفرمود، این حس شریف هم بالیده میرفت و رو بترقی می نهاد.

چنانچه اگر ما بتاریخ عرفانی مملکت خود یک نظر سرسری بیندازیم اولین طرفدار علم و عرفان و مجری تعلیمات عالیه بطرز حالیه درین وطن اسلامیهٔ ما همین مرد دانشور میباشد مثلاً در مرکز کابل اولین مکتبی که تأسیس و ثمرهای مطلوبی از ان تحصیل شده مکتب ملکزاده ها است که این طلبه را وزیر صاحب حربیه بعد از استیصال واقعهٔ ۱۲۹۱ ش جنوبی با خویش آورده و از حکومت امتیاز تعلیم و تربیهٔ شانرا گرفت، و دوم آن مکتب خورد ضابطان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 297 of 711

که بچه های نورستانی آنرا تشکیل میداد، و در عقب آن مکتب حربیهٔ سراجیه میباشد که نظارت این مکاتب را سپه سالار بحیث یکنفر مدیر و یا نگران شخصاً انجام و همه امورات متعلقهٔ تعلیمی و تربیه وی آنرا در معرض انصرام میگذاشتند.

همچنین در سمت مشرقی و قطغن و بدخشان و بعض حصص دیگر افغانستان نیز مؤسس نخستین مکاتب و مربی و غمخوار حقیقی معارف بهمین ذات عرفان سمات میباشند.

ذوق صحیح و علاقمندی مفرط سپه سالار نسبت به افاده رسانی علوم و فنون به صغار و کبار افغانستان ازین مسئله خوبتر معلوم میشود، که حضرت معظم له از یکطرف در تنویر افکار و بلند بردن معلومات افراد نظامی اساسهای درستی را که خادم جذبات شریف و حسیات قابل قدر عسکری بود زحمت میکشیدند، و از طرف دیگر راجع بترویج اسپورت و ریاضت های متنوعهٔ بدنی که نافع صحت و برای تقویهٔ بدنی مفید میبودند اثرات خوبی را در عسکر و افسر و طلبهٔ حربیه طرح میفرمودند و امر اجرا و تطبیق آنرا اصولاً اراده و اداره میکردند.

بهر موقعیکه فرصت برایشان مساعدت میکرد، در هر نوع تعلیم و دانائی سائر ابنای وطن خود میکوشیدند، از پول شخصی خود برخلاف عادت سائرین که آنرا بعضاً بمیل خود بتعمیر، وعدهٔ بآراستن مجالس بزم، و عدهٔ بنگهداشتن اثاث البیت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 298 of 711

عالی، و برخی بداشتن اسپ و موتر و گادی وغیره اسباب تجمل صرف مینمودند، در وسعت معارف وطن خدمت، و علی الاکثر اثرات مفیده و تالیفات عدیده را ازان در منصهٔ افاده میگذاشتند.

تأسیس مکتب طبیهٔ ملیهٔ امانیه در علی آباد

چنانچه مکافاتی را که حکومت در بدل آن مجاهدات قابل قدر و خدمات تاریخی شان که در جهاد استقلال نموده بودند بصورت یک قلعه و باغ و پنجصد جریب زمین حاصل خیز و مبلغ بیست و پنجهزار روپیه نقد برای شان عطا کرد، حضرت ممدوح همهٔ آنرا بصرف تأسیس یک مکتب ملیه که از عرصهٔ آرزوی تأسیس آنرا در دل میپروراندند رسانیدند.

چون تفصیلات این فیاضی و ایثار و عرفان پروری سپه سالار محمد نادر خان غازی که فوق العاده از طرف عامهٔ وطنخواهان ملت بنظر تقدیر و محبت دیده شده بهمان فرصت در جرائد وطنی و صحائف خارجی مرقوم گردیده لهذا درین محل از تشریحات مزید منصرف میشویم (۱)

(۱) ملاحظه شود شمارهٔ ۳ سال ۲ امان افغان مطبعهٔ سرطان سنه ۱۳۰۱ ش که بقلم ادیب بیات آقای پاینده محمد خان فرحت نشر میشد، و شمارهٔ ۳۲ مجلد ۲ " اتحاد مشرقی ، در هنگام مدیریت برهان الدین کشککی. تاریخی اول سرطان سنه ۱۳۰۱ ش .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 299 of 711

معاهدهٔ باشرفانهٔ افغانستان و انگلستان

مرهون مساعی جمیلهٔ سردار محمد نادر خان است

چندی بعد ازین ورود چون مذاکرات صلحیه آغاز شد محض جهة اینکه حضرت عالی سپه سالار جنبهٔ بزرگ عسکریت را داشتند و در عین زمان فاتح تهل و عنوان مظفریت سمت جنوبی را حائز بودند و انگلیزها از اوشان رم میخوردند و شمولیت رسمی شان در مجلس اصلاحیه خارج از دائرهٔ نزاکت بود از انجا شامل نشدند ولی برای اینکه حضرت معظم له از تمام مجاری مذاکرات و جزئیات مجلس کسب استحضار داشته باشند، جناب مستطاب شاه ولیخان سابق رکاب باشی را بحیث نائب رئیس هیئت اصلاحیهٔ افغانستان در مجلس شامل کردند (۱) تا اجراآت روزمرهٔ مجلس را در اقرب آوان بحضور برادر درایت پیکر شان عرض کنند و اوشان را از تفصیل گفت و شنود کما حقه مستحضر سازند.

بعد از چندی جناب فخامت انتساب محمد هاشم خان نائب سالار حاکم اعلای مشرقی را هم حکومت برای نظارت امور عسکری مرکز از جلال آباد طلب فرمود

(۱) ملاحظه شود صفحهٔ ۱۲ شمارهٔ ۳۳ سال اول امان افغان تاریخی ۱۰ دلو ۱۲۹۹ .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 300 of 711

زیرا که جنرال شاه ولیخان بصورت مستقیم و سپه سالار صاحب بصورت غیر مستقیم به امور اصلاحیه مصروف بودند و امور وزارت جریه هم نظر به مقتضیات وقت فوری الاجرا بود .

مقرر بود که واقعات روزمرهٔ مذاکرات را هیئت اصلاحیهٔ افغانستان به مجلس وزرا تقدیم و در مواد مشکله و امور سررشته طلب از آرا، آنها استمداد میکردند درین مجلس چون وزیر اول جناب محمد نادر خان بود و علی الاکثر حیثیت ریاست مجلس را هم در دست میداشت ، لهذا زیاده تر فکر عالی اوشان بحل امور موفق میشد ، و دستورهای نافع را طوری اعطا میکرد که ازان موجبات امتنان و شکران عامهٔ وطنخواهان تحصیل و در عین زمان نتیجهٔ مذاکرات مذکوره به خیر و سعادت افغانستان منتج شده معاهدهٔ موصوف که مدت زیادی را بحث ، و تمحیص آن بواسطهٔ عدم اشتراک این مرد دانشور صرف کرده بود بشرف و عزت افغانستان منعقد شد و بعد از امضای هیئت های مرخصهٔ دولتین بتصدیق سلاطین هر دو حکومت نیز موشح و در معرض اجرا گذارده شد .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 301 of 711

مفکورهٔ حسنهٔ وزیر صاحب حربیه راجع به تنظیم امور داخلهٔ افغانستان

پس از اینکه مناسبات افغان و انگلیز قائم، و افغانستان را دیگر دول و ملل عالم هم قبلاً برسمیت و حیات با استقلال شناخته بودند، و سفرای افغانستان در روسیه و ترکیه و ایران و ایطالیا اعزام و بدیگر ممالک هم در صدد حرکت بودند و از امور خارجه بکلی خاطر جمع شد، حضرت عالی سپه سالار صاحب غازی در مجلس ورزا به اعلیحضرت امان الله خان این مسئله را خاطر نشان کرد « الی الآن چون حکومت با مور خارجه مصروف و زیاده تر افکارش بسوی امور سیاسیه و حربیه متوجه بود، اگر بسوی اصلاحات داخله و فراهم آوری اسباب رفاه و تأمینیهٔ ملت و مملکت توجه نکرد معذور است، زیرا که افکار ملت هم بهمین طرف معطوف بوده شکوه و شکایتی هم از حکومت بواسطهٔ مصروفیتش نمیکردند.»

« اما اکنون که لله الحمد بفضل الهی و جوش و خروش ملی از امور خارجه بکلی مطمئن شدیم بهتر است که توجه تامهٔ خود ها را بسوی اجراآت داخلی و اصلاحات لازمی وطن مبذول نمائیم. زیرا که از مشاهدات و تجربهٔ که برایم از سفر حرب جنوبی و اصلاحات مشرقی حاصل شده است معلوم میشود که همه ولایات و حکومتی های اعلای افغانستان در حالت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 302 of 711

بینظمی و سوء اداره و عدم اجراآت صحیح میباشند، اگر بسوی این امور ضروری توجه فوری مصروف نشود، گمان میکنیم موجب پریشانی حکومت و گزند خاطر ملت و اسباب مذلت وطن خواهد شد.»

چون این نظریهٔ وزیر صاحب حربیه باندازهٔ آشکار و مسلم بود که در آن بجز از تصدیق و تعمیل چارهٔ اندیشیده نمیشد، لذا حکومت تصمیم کرد که یک آن اولتر چند هیئت های تنظیمیه را جهت اصلاحات ولایات عمدهٔ افغانستان باستثنای جنوبی و مشرقی که اساس تنظیمات آنرا قبلاً خود سپه سالار صاحب نهاده بودند و اجراآت این دو سمت خیلی عالی و درست بود، بفرستند.

تقرر وزیر حربیه بریاست تنظیمیهٔ قطغن و بدخشان

درین ضمن جناب سپه سالار اولتر بریاست تنظیمیهٔ قطغن و بدخشان که دران موقع دارای اهمیت زیاد بود و وضعیت او چنان متقاضی بود که باید یک ذات جامع الاوصافی مانند سپه سالار غازی رفته اوضاع آن را درست کند، مقرر شدند.

حضرت معظم له مأمور شدند تا هیئت معیت شانرا حسب ذوق خویش از رجال امین و صادق که مورد اعتماد اوشان باشند تکمیل و بوکالت خویش در وزارت حربیه هم

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 303 of 711

هر شخصی را که مناسب میدانند معرفی فرمایند.

جناب سپه سالار صاحب در نفری معیت خویش یکی برادر دانشور شان شاه محمود خان جنرال نظامی حاکم اعلای جنوبی را که درین ایام موفقانه و کامیابانه خدمات مفوضهٔ سمت جنوبی را انجام داده بودند، انتخاب؛ و دوم سردار احمد علیخان نواسهٔ عم معظم شان را که در انوقت مصاحب پادشاه بود در هیئت خود گرفتند.

و بوکالت خویش در وزارت حربیه جناب درایت انتساب سردار محمد هاشم خان نائب سالار حاکم اعلای مشرقی را مقرر داشتند.

بالجمله وزیر صاحب حربیه با قوای مکفیهٔ نظامی و اختیارات تامه در وسط برج جدی سنه ۱۳۱۰ در حالیکه از طرف شاه و وزرا و اعیان اولاً و از جانب قوای عسکری مرکزی متعاقباً پذیرائی درستی شدند، از کابل اعزام و جاده پیمای صوب قطغن و بدخشان شدند در عرض راه الی خان آباد و در خود مرکز خان آباد پذیرائی های بسیار پرجوش و صمیمیت کارانه ازین مرد فرزانه از طرف قاطبهٔ اهالی و قوای نظامی هر محل بعمل آمد و در همه جای حضرت معظم له نطقهای نافعه و نصائح مفیده را برای اهالی ایراد و بالمقابل از مردم جوابهای خوبی استماع ورزیده اند، و اصلاحات مهمی را اجرا فرموده اند. که از نگاشتن تفصیل آن از خوف طوالت مضمون صرف نظر میکنم.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 304 of 711

بهر تقدیر بعد از اینکه وزیر صاحب حربیه داخل اجراآت و اصلاحات قطغن و بدخشان شدند، واقعاً که امور اساسیه و اداریهٔ آنجا را هم طوریکه در مرکز اظهار کرده بودند خراب و قابل اصلاح دریافتند، از ینجهة بکمال همدردی و غمخواری، به تنظیمات و اصلاحات آن ولایت آغاز کردند، که اجمال این مساعی جمیلهٔ وزیر صاحب حربیه در آن خطه قرار آتی است که عیناً از اخبار اتحاد مشرقی (۱) نقل میشود:-

اصلاحات و تنظیمات سپه سالار محمد نادر خان در ولایت قطغن و بدخشان

(۲)

چون ذات شاهانه در طی نطقی که بتقریب شرفیابی مأمورین و اعزه و معاریف سمت مشرقی ایراد فرموده اند، از کارروائیهای قابل تقدیر و اجراآت لایق تقلید ع، ج، س، ا، ا، محمد نادر خان سپه سالار وزیر امور حرب افغانستان تعریف نموده اند. (۳)

(۱) درین ایام مدیریت اتحاد مشرقی، جلال آباد و برهان الدین کشکلی، اداره میکرد.

(۲) منقول از شمارهٔ ۸۸ سال سوم اتحاد مشرقی جلال آباد تاریخی (۲۲ جدی) سنه ۱۳۰۱.

(۳) آن حصهٔ این نطقی که متعلق اجراآت سپه سالار صاحب است در ولایت قطغن و بدخشان، قرار آتی است:-

«و هم لازم است که در ضمن سفر برای خود از هر قبیل و از هر چیز معلومات و تجربه های مفیدی بدست آورده شود چنانچه سپه سالار صاحب در ضمن تنظیمات ولایت قطغن و بدخشان علاوه بر ایفای وظائف رسمیهٔ خود از امورات مادی و معنوی و عادات و خصائل ستری آن مملکت نیز معلومات مفیدی برای خود بدست آورده است.

(منقول از سطر ۴۴ ستون ۲ شمارهٔ ۸۶ سال ۳ اتحاد مشرقی الی سطر ۴ ستون ۳ آن)

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 305 of 711

لهذا اتحاد مشرقی با شاعت یک مکتوبیکه در ضمن دیگر مکاتیب و اطلاعاتیکه در موضوع اصلاحات و تنظیمات قطغن و بدخشان باداره ما رسیده است اکتفا ورزیده مزید موفقیات خدمات واجبهٔ ملت و دولت را برای آقای محمد نادر خان وزیر حربیه مسئلت نموده افغانستان را بداشتن همچه اشخاص عالی صفات تبریک میدهیم . (اتحاد مشرقی)

(مکتوب از خان آباد)

(بعد الالقاب :)

از مضامین رنگین و مقالات شیرین شما که در اخبار بملاحظه میرسد خاطر ناظرین را نضارتی شامل ، و مذاق دل قارئین را حلاوتی حاصل میگردد .

اگرچه از کوائف داخل و خارج و دور و نزدیک هرگونه حقائق در آن درج است اما از وقائع انتظام امور ولایت قطغن و بدخشان که از دست حق پرست رئیس تنظیمیهٔ اینولا آقای محمد نادر خان سپه سالار صورت انصرام را در بر گرفته وقائع مکملی دیده نشد ، اینک مخلص تان مختصری از ان مطول و مجملی از ان مفصل را خدمت تان تحفه میکنم تا موجب استحضاری شما و عامهٔ ملت افغانستان بشود .

از آنجا که پیش ازین بعضی از کارداران و منگباشی ها و آقتقالان و ارباب :

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 306 of 711

وسارقان دستِ تسلط وستم را بجان ومال رعایای این محل دراز وابواب کلفت وسرگردانی را بر روی خاطرشان باز نموده بود، چون رئیس تنظیمیه که عبارت از ذاتِ فیض آیات جناب سپه سالار صاحب بهادر غازی محمد نادرخان وزیر حرب باشد، از بارگاه شهریار معدلت شعار بجهة انتظام این دیار مقرر ومأمور گردیده، رونق افروز دار الحکومهٔ خان آباد وزینت بخش آن سواد شد، جناب شاه محمود خان لوامشر بهادر غازی معاون خود را به بدخشان گماشته وخودش بخت بانتظام امور قطغن، توجهی مرعی داشته ودر اندک مدت حکیم رأی حذاقت پیرای ایشان بچشم دانش وانگشت فرهنگ از حرکت نبض وملاحظهٔ باریک یک تشخیص حال مریضان ومجروحان را فرموده، درد دلِ هر ستمدیده را بدوای دادرسی درمان وزخم خاطر هر جراحت رسیده را بمرهم غور، سامان نمودند.

دندان گرگان خونخوار را بانبور بازخواست کنده، گوسفندان را از اذیت شان خلاص ورمه ها را بچوپانیکه غیر از تیمارداری وغمخواری دیگر چیزے ملحوظ نداشته باشد اختصاص کردند.

دزدان وسارقان حرامخوارِ مستحق نار را از هر گوشه وکنار بدست آورده لقمهٔ توپ دشمن کوب وخلق خدا را فارغ از چنین فتنه وآشوب نمودند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 307 of 711

در کم فرصت آثار فساد پیشه گان معدوم، و جادهٔ حقگذاری بخاص و عام معلوم گردید، بدکرداران زشت طینت زهر ندامت چشیدند و نیک اطواران خجسته سیرت بادهٔ جام مقصد نوشیدند، هزاران خار غم و اندوه از پای دل مظلومان کشیده و صدها گریبان ستمگاران بسر پنجهٔ تنبیه و توبیخ دریده شد.

پس از استیصال فتنه کیشان جهال، و گوشمالی اهل سرقت و ضلال عنان توجه را بسمت استحکام اساس مالیات و معاملات دیوانی که از چندین سال رخ بویرانی نهاده خراب و منهدم و محاسبات دفترها مانند کلاوهٔ گسسته پیچ در پیچ پریشان و برهم بود، معطوف داشته همت در ارتباط و پیوند نمودن چنان رشته ها منقطع و پراگنده گماشته در چند روز بنوعیکه باعث رضامندی عام و رفاهیت انام و موجب خیر دین و دولت اسلام بود آنرا هم انعقاد و انتظام داد، و هم جماعهٔ زارعین و مالداررا که بیشتر از کیف تعداد وجه نقد و مقداری جنس مالیات زمین و محصول مال مواشی خود بیخبر و همیشه از این رهگذر پریشان و مضطر بودند، دانانده آئینه وار حساب بست مالیات و معاملات شان را ساخته برای شان اعطا نمود تا از روی آن هر شخص تعداد و کیف حق سرکار را بدرستی بداند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 308 of 711

دفاتر باقیات را که ازان بجز نام و نشانی نبود و عالمی سالها بدان اسم و رسم در دست محصلان غلاظ و شداد گرفتار شکنجهٔ کشاکش مزید و سرگردانی شدید بودند، کاملاً طعمهٔ آتش ساخت، و صفحهٔ خاطر رعایا را یک قلم از غبار آن تشویش پرداخت.

برخی از عوام الناس که مانند بنات النعش پراگندهٔ دیار غیر و بیگانه بودند، از هر جانب باستمالت و دلجوئی پروین آسا مجتمع و بمساکن قدیم شان مقیم فرمود. آرے: هر کجا چشمهٔ بود شیرین - مردم و مرغ و مور گرد آیند.

بعد ازان لوای عزیمت را بطرف محلات بدخشان با نفری قلیل افراخت، و بفیض قدوم مردم این مرز و بوم را نیز مرهون منت ساخت.

منظورش این بود که اولاً از روی معلومات و گنجایش حاصلات سررشتهٔ مالیات و معاملات آنجا هم بوضع شایسته منعقد و بسته و دوش خاطر آن مردم از بار تکالیف شاقه فارغ و رسته شود.

دوم: بر حواشی ملک مذکور و سرحدات و ثغور، و خط فاصل دولت های هم جوار، واقفیت حاصل و بر کیف هر چیز آگاهی کامل برایش شامل گردد.

اگرچه از روزیکه موکب اجلال آن خجسته خصال داخل خان آباد و مواد نش

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 309 of 711

مرحله پیمای این سواد شده بود، مردم بدخشان هم از بار تکالیف سبکدوش و باشاهد آرامی و رفاهی هم آغوش بودند، باری چون بشوق دیدار فرخنده آثار آن برگزیدهٔ انفس و آفاق ملکی و نظامی در کمال انتظار و اشتیاق بودند از بشارت قدوم میمنت لزومش خاطر صغار و کبار ملکی و نظامی را چون گل از بهار نضارتی قرین حال شد.

روزیکه داخل فیض آباد بدخشان شدند، جماعهٔ ملکی بیک سمت و عسکری بدیگر سمت جهة استقبال ایستاده بودند، پس از ادای لوازم تکریم، و شرائط تسلیم از طرف ملکی قصیدهٔ غرای راجع به خوش آمدیشان قرائت شد.

[از اشاعهٔ قصیدهٔ موصوفه نظر به قلت محل اندراج خواستار معافی میباشم]

برای ترقیات معنوی و اصلاحات روحی ابنای اینولا مکاتب متعددی (اتحاد مشرقی) در نقاط لازمه مفتوح و برای استعلام سائر انام این مقام امر و اجازهٔ نشر یک اخبار را در خان آباد بنام «اصلاح» اصدار و در مساعدت و معاونت این صحیفهٔ شریفه بسا معاونت و مساعدت های اخلاقی را تلطیف فرمودند.

دو روز مردم شهر فیض آباد، سعادت اندوز حضورشان بوده اند، این ذات والاصفات درین دو روز «مکتب شرافت» را ملاحظه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 310 of 711

وطلبه اش را انعام و معاملات شهر را کلیتاً انتظام بخشیدند .

سپس روانهٔ سرحدات گردیده ، در عرض راه رجال و اطفال هر قریه دوان دوان به استقبال شان حاضر و مورد نوازش و الطاف متکاثر این سپهسالار درایت مدار میگردیدند و عموماً خرم و شادان از حضورشان مرخص می شدند .

کودکان مکتب را خواسته ساعتی در امتحان شان پرداخته به تحسین و آفرین ، دلنوازی و انعام و بخشش سرفرازی میدادند .

عموم رعایای هر مقام را پژوهش احوال ، و دلجوئی و استمال کرده از عواطف پدرانهٔ شاهانه که « مصروف آسایش خلق الله میباشد » مستحضر و باتفاق جماعهٔ حاضرین در دعای ترقی دولت و اتحاد اهل دین و ملت پرداخته بعد از اتمام دعا با همه حضار مصافحه نموده به محفل می نشستند .

بی مزاحمت حاجب و دربان از پیر تا جوان ، خورد و کلان را بدربارش راه ، و از خوان احسانش عام و خاص را استفاده حسب دلخواه میسر بود .

از طعام و هدیهٔ حکام و معتبرین و عظام کاملاً احتراز تام داشته از عوام الناس اگر کسی یکان دانه تخم و کدام کاسه دوغ و یا ماست در حضورش میگذاشت ، علاوه بر هدیه اش ، پنج پنج ، ده ده روپیه را عوضش برای مالکش انعام و اکرام میفرمودند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 311 of 711

در اطاعت پادشاه اسلام و استحکام دین و ملت و اصلاح و اتفاق و ترک نفاق و شقاق، مردم هر قریه و قشلاق را پند و نصیحت نموده، در بست مالیات به تجویز و رضامندی اهل هر محل بنوعیکه باعث آسایش رعیت و خیر دولت میبود بذل مقدرت فرموده امور هر جا را انتظام میدادند.

خوراکهٔ نفری همرکاب خود را نقد داده از رعیتی بقرار و زنرخ و رضای خودشان جنس خریداری میکردند.

مردم از شیوهٔ عاطفت و الفت او در کمال تعجب بوده با خود میگفتند «آیا این احوال را که مشاهده میکنیم خواب است یا بیداری».

افسران سابقه که باینطرف می آمدند، کسی را به محفل شان راه و در حضور شان مجال آه نبود، این افسر بزرگ با وصف چنین درجه وزارت و شان و شوکت با مامردم ناتوان بچه شیرینی و ملاطفت و آمیزش مهربانی ها و نوازش میکند.

احدی از همراهانش بیک پرکاه کسی دست درازی کرده نمیتواند و صدها نفر بدسترخوان احسانش طعامهای لذیذ میخورند، و حصهٔ از هر چیز میبرند.

در هر امور خواهشات عاجزان و فقرا را می پذیرد، و هزاران روپیه بابنای جنس و اطفال با جود و بخشش و احسان ورزش میکند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 312 of 711

دمبدم از مراحم و رعیت نوازی پادشاهی ما را مژده و دلنوازی میدهد

مصرع : اینکه می بینیم بیداریست یارب یا بخواب .

همانا که اگر هر فردی از افراد ما هزار جان داشته باشیم و نثار حضورش کنیم حق اینهمه احسانش ادا و شکر این نعمت عظما بجا نخواهد شد :-

(زنده باد اشاه ما با این سپه سالار او)

خلاصه که بیک ملاقات آنچنان تألیف قلوب اهالی را نمود که هنگام وداع از تشریف بردنش، عشرتکدهٔ اهل قشلاق از درد جدائی شان غمکده میگردید .

بدین عنوان در تمام نقاط این سمت حتی پامیرات که موسوم به بام دنیا است و سرچشمهٔ دریای آمویه نی بلکه منبع تمام بحار گفته میشود، سیر و تماشا کرده بشوامخ جبال و طرق پر اختلال گاهی سوار و گاهی پیاده رفتار داشت .

معدنیات و عجائب مصنوعات و غرائب مخلوقات چشمه سارهای کثیر، و حوض های کبیر، آثار عتیقه، کوه های مرتفع، سرحدات و ثغور، بندرات و رهگذرهای نزدیک و دور را ملاحظه و علم آوری مینمود .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 313 of 711

عکس های بسیار مقامات غریبه و اشکال عجیبه را گرفته ارتفاع و مسافت و جغرافیهٔ هر جا را معلوم و نقشهٔ اوطان و بوادی و کوه ها و دریاها را منقوش و خطوط فاصل و ستاره های حدبخشی هر چهار دولت را که در انتهای پامیرات واقع، و بهمدیگر حدبخشی دارند مثل دولت افغانستان، و روس، و انگلیز، و چین، معاینه فرمودند.

بنادر و تهانه های جملهٔ سرحدات بدخشان را از زیر نظر گذرانیده نظامیان مقیم بندرات افغانستان را بانعام و بخشش ها مفتخر و ممتاز و انتظام هر بندر را بقراریکه لازم بود درست فرمودند.

در عرصهٔ دو نیم ماه سیاحت کل بدخشان را باتمام رسانیده چنانچه معلومات لازمه و نام نویس اعزه و پیداوار و آب و هوا و تعداد نفوس حتی خط مواصلت هر قریه را علیحده علیحده گرفته بصورت کتاب ترتیب، و موسوم به «رهنمای قطغن و بدخشان» نمودند (۱) سپس از آن مع انجیر خان آبا مراجعت نموده در آنجا محاسبان را مأمور سنجش مالیات و معاملات فرمودند.

یکی از کارهای نادرانه و تدبیرهای حکیمانه اش آن بود که جمیع

(۱) این کتاب مهم بعد از مراجعت سپه سالار با نقشه های مفصل آن در مطبعهٔ وزارت حربیهٔ طبع و از آن وقت الی الآن در معرض افادهٔ معارف خواهان افغانستان میباشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 314 of 711

مهمات تنظیمیه را بقرار استرضای خاطر رعیت در رفاه شان منظم ساخته قلم بطلان بر دفاتر باقیات نیز کشیدند ، در مال بیت المال که علم آوردند ده لک و پنجاه هزار روپیه فائدهٔ امسال بر سنوات گذشته ظاهر گردید .

از انجمله دو حصه از کل مالیات اصل و اضافه بخزانه واصل گشته که آنرا نیز بهراه خود بخزانهٔ دار السلطنهٔ کابل بارگیری کردند .

پس از تشریف بردنش رعایای قطغن و بدخشان از فراق او اندوهگین و از هجرانش ملول و حزین بودند ، که تلافی آن بجز از تقرر و حکمرانی همچه ذات ستوده صفات که مانند آقای اجل افخم محمد سلیمان خان وزیر معارف سابق حال نائب الحکومهٔ قطغن و بدخشان باشد ، نمی شد .

بهر تقدیر بالفعل اهالی این مملکت نسبت به معاودت سپه سالار صاحب بکابل و آمدن (پسر عم شان جناب محمد سلیمان خان وزیر معارف) حال نائب الحکومه صاحب اینولا ، باینجا ، بزبان حال این فرد را ترنم میکنند :-

عید رمضان آمد و ماه رمضان رفت
صد شکر که این آمد و صد حیف که آن رفت[1]

(۱) منقول از شمارهٔ (۸۸) سال سوم اتحاد مشرقی جلال آباد ، سنه ۱۳۰۱

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 315 of 711

ورود وزیر صاحب حربیه بدار السلطنه

عائد شدن مشکلات در انجام نظریات شان

بعد از اینکه عالیقدر جلالتمآب محمد سلیمان خان وزیر معارف بحیثیت نائب الحکومهٔ قطغن و بدخشان وارد آنولا شدند و کارهای ریاست تنظیمیه را بکف با کفایت خود طوری گرفتند که بهمان اساس و طرزیکه آنرا سپه سالار غازی طرح فرموده بودند اجرا و تطبیق نمایند وزیر صاحب حربیه در یکعالم دعاگوئی و تأثرات اهالی آن نواحی عازم کابل شدند و در برج قوس ۱۳۰۱ موفقانه و کامیابانه وارد مرکز شده با تعظیمات شانداری از طرف عساکر مرکزی پذیرائی، و اعلیحضرت امان الله خان و وزرا و دگر اعیان و معاریف هم با احترامات فائقه او شانرا خیر مقدم گفتند و از ان مساعیات نافعهٔ آنها که در ناحیهٔ قطغن و بدخشان ابراز فرموده بودند نهایت اظهار مسرت و خوشنودی نمودند. (۱)

باز حضرت معظم له تدویر امور مرکزی وزارت حربیه را در دست گرفتند و میخواستند که بلند تر از پیشتر مصدر اجراآت مزیدهٔ عمدهٔ در ترقیات عسکری

(۱) ملاحظه شود شمارهٔ (۷۶) جلد (۳) اتحاد مشرقی تاریخی ۱۰ قوس ۱۳۰۱

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 316 of 711

افغانستان بشوند و بسا امور نافعه و نظریات خوبی را در عسکر و افسر افغانی در محل تطبیق گذارند ولی درین مراتبه در راه پیشرفت این افکار عالیهٔ خود نه تنها بموفقیت نائل نشدند بلکه از طرف شخص اعلیحضرت امان الله خان و عدهٔ از حواشی و مقربین شان که بلباس دوستی بادی دشمنی داشتند و در عین زمان اسباب بدنامی و غلط فهمی را بین راعی و رعیت فراهم می آوردند و بچنان چیزهای نظر فریب لایعنی می پیچیدند که در نتیجه بی شرفی و کم سعادتی و اشکالات لاینتاهی را برای حکومت و مملکت فراهم می آورد؛ به مشکلات و موانعی زیادی که اجمالش ذیلاً مرقوم است سر و چار شدند.

تقلیل معاش عسکری مثلاً سپه سالار اصرار داشت «چون حکومت معاش عسکر را فی نفر بیست روپیه بذوق خود متعهد شده است، نباید تقلیل شود» ولی مصدقین بلا ارادهٔ امانی در تقلیل آن دلائل لاطائل را ایراد میکردند. و بدلائل معقولیکه سپه سالار صاحب بالنسبهٔ اصرار آن می آورد گوش نمیدادند و بالآخر بنام اکثریت یا ترجیح رای رئیس مجلس (مقصد از اعلیحضرت امان الله خان است) امثال همین مسائل را تصویب و سپه سالار را مکلف و مأمور میکردند که آنرا در محل اجرا و انفاذ گذارد (۱)

(۱) چنانچه در همین بودجه سنه ۱۳۰۱ شمسی که بسراج العمارات جلال آباد تدوین می شد سپه سالار بر هر قلم تنقیصات بودجه عسکری اقامه دلائل مزید میکرد چون مفید نمی افتاد و مجلس وزرای امانی بر افکار خود اصرار لاینتاهی میکردند سپه سالار خود می پیچید و انگشت حیرت بدندان باین ناعاقبت اندیشی رجال بزرگ حکومت میگزید و با دل ناخواسته در امتثال این اوامر میکوشید

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 317 of 711

کسر تعداد نظامی : در تقلیل قوای نظامی و خانه نشین شدن آن صاحب منصبان غیور عسکری که عمر گرانمایهٔ خود را در خدمت نظام انجام داده بودند نظریهٔ سپه سالار صاحب کاملاً بر خلاف مجلس وزرای امانی بوده در مضار و نقصانات متعدی آن خیلی بیانات مفصلی داد حتی بدلائل ثابت میکرد که «موقعیت امروزهٔ افغانستان که داخل حیات بین المللی شده و بفضل خدا مستقل و آزاد و در عین زمان در صدد اصلاحات جدیده و وضع و انفاذ پروگرام های بلندی میباشد متقاضی این امر است که عدهٔ عسکری او بالنسبهٔ حاضر، مضاعف و پاس خاطر آنها بلا نهایه کرده شود - زیرا توازن سیاست مساویانه و امنیت و انضباط داخله و اجرای اصلاحات مطلوبه بدون قوهٔ حربیه ابداً امکان پذیر نیست بر علاوهٔ آن چون وقت مصیبت و وقوع واقعات غیر مترقبه معین نمیباشد و علی الاکثر محاربات و حوادث بصورت ناگهانی بروز می یابد لذا ما اگر باتکای قوای قومی و ذوق سربازی و سلحشوری عامهٔ ملت خود تعداد عسکری خود را کم کنیم پس از آن اغتشاش ها و حوادثاتیکه فجاءةً ظاهر میشود و انسان قبل الوقوع از وضع و تخمین آن اطلاعی بهم رسانیده نمیتواند چگونه جلوگیری خواهیم کرد معلوم است تا وقتیکه اطلاع جمع آوری قوای قومی بنقاط مطلوب میرسد و آنها بموقع حرب حاضر شده تحت سلاح میآیند و اوامر مقتضیه را میگیرند کار از کار گذشته میباشد.»

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 318 of 711

عدم دلجوئی عسکر و افسر فالتو : مگر باوجود این اصرار و اقامهٔ دلائل سپه‌سالار کابینه و اهل دربار حکومت امانی ازین خبط و خطای خود که مفاد و مضار آن مسلم و آشکار است، چشم پوشی کرده باشارهٔ چشم و ابروی شاه ناعاقبت اندیش شان (اعلیحضرت امان الله خان)، رأی ناسنجیده الغا و سبکدوشی عسکر و افسرهای را که از مدت متمادی کار کرده بودند و مفکورهٔ تقلیل قوای نظامی را باکثریت تصویب و برخود سپه‌سالار امر کردند که حتماً بایست ازین عسکری موجودهٔ که آنرا وزیر حرب بخون جگر تحت تعلیم و تربیه آورده بود یک قوهٔ جزوی را نگهداشته باقی را مرخص کند.

اما سپه‌سالار باز از خشونت مقدسه اش دست نکشیده گفتند: «درصورتیکه این معروضهٔ خیراندیشانه ام را که برای خیر و سعادت وطن و حکومت تقدیم کردم منظور نگردید و علی الرغم من نظریهٔ تقلیل قوهٔ عسکری را تصویب میکنید پس لااقل برای آن ضابط ها و صاحب منصب هائیکه سبکدوش میشوند، یک معاش مستمری مقرر و یا بخشش و دلجوئی کنید والا من نمیتوانم که آنها را از سلک نظام باوجود خدمات و جانفشانی هائیکه از اوشان دیده شده بی موجب ملغی و اعلان سبکدوشی آنها را بدهم حتی درصورت عدم قبولی این نظریهٔ خیراندیشانه ام برای دست کشیدن از کار حاضرم.»

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 319 of 711

هرچند حزب مخالف میخواستند که درین موضوع هم مخالفت جدی سپه سالار صاحب برایند ولی اعلیحضرت امان الله خان نظر به خشونت و مقاومت جدی نادری درین پیشنهاد موافقت کرد و حسب تصویب و تجویزی که خود سپه سالار بالنسبهٔ تقرر مستمری و یا اعطای بخششی صاحبمنصبان نظامی که باید در موقع سبکدوشی برایشان داده شود یک احکام اجمالی را اعطا و اصرار کرد که یک آن اولتر باید عسکر را تقلیل کند.

چنانچه سپه سالار صاحب برای عموم این صاحبمنصبانیکه از طرف حکومت سبکدوش میشدند یک یک اندازه از ان اراضی سرکاری که در مرکز و دیگر ولایات و حکومات موجود بود علی حسب مراتبهم بصورت بخشش مرحمت فرمود هرچند این افسرهای مظلوم بنابر تسلیت و دلجوئی سپه سالار حسب ظاهر شاکر بنظر می آمدند ولی در حقیقت ازین عدم قدردانی حکومت نهایت غمگین و در هر محل شکایت میکردند.

عدم رعایت امور مذهبی و روحیات ملی: همچنین راجع بدیگر امور اداری و تشکیلات سلطنتی و اتخاذ طرز عمل قبل از وقت عصر امانی که مخالف مقررات دینی و عرف و عادات ملی بود و اعلیحضرت امان الله خان بعد از تسویهٔ امور داخله و خارجه تعمیل و اجرای آنرا بشدت در محیط اجرا نمودن میخواست نیز دائماً سپه سالار صاحب جگر خون می بود و بدلائل و شواهد سهو و خطا و مضار این تیز رفتن او را در مجالس وزرا و ملاقاتهای

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 320 of 711

خصوصی به او پیش بینی میکرد و همیشه از مختار ساختن و سپردن زمام امور باشخاص نااهل؛ و بیکار و مهمل گذاشتن صاحبان تجربه و لیاقت تنقید میکرد اما «گوش سخن شنو کجا؟، دیدهٔ اعتبار کو؟»

عدم فکر اتحاد ملی. نسبت به تشکیل احزاب قدیم و جدید و غیره که بحال وطن خیلی مضر بود و رفته رفته اسباب شقاق و نفاق را تولید، و نتایج بدی را به مملکت عائد میکرد (چنانچه کرد)، نیز جداً سپه سالار مخالفت داشت و بدلایل و شواهد این مطلب را خاطرنشان میکرد که پیر و جوان گل یک گلبن این بوستان و بودن و موقر انگاشتن هر واحد آن در جای خود برای خدمت وطن ضرور است بنابر حکومت بهمچه تعبیرات و حزبیت های خانه خراب کن دوئی و جدائی را در بین پدر و بچه، و محاسن سفید و جوانها القا کند.

سرحدی نسبت بامور سرحدی: راجع بامور سرحدیه و ادارهٔ قبائلی که از قدیم الایام از بسیار جهات و بسا ملاحظات با افغانستان مناسبات داشتند و در جهاد استقلال در پیشرفت مقاصد ملیه و وطنیهٔ ما حسب صلایای وزیر صاحب حربیه خیلی رشادت و فداکاریها را عملاً اجرا نموده بودند نه تنها از قبولیت عرائض و پیشنهادهای نافعهٔ سپه سالار انکار کردند بلکه ادارهٔ امور سرحدیه را که وزیر حربیه الی ماه میزان ۱۳۰۲

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 321 of 711

بکمال شرافت ونجابت انجام میدادند نیز از وشان منفک و به محمد ولیخان سپرد
و بالآخر نظریات محمد ولیخان راهم راجع بسرحدات منافی فکر خود یافته به محمود یاور تسلیم کرد
و به اینوسیله محبت وصمیمیت سرحد را از افغانستان مسلوب نمود .

عدم تعمیم فابریک و انهار و معادن و رفع ضروریات فوری ، راجع به دگر
مصارف بی لزوم گزاف هم نظریهٔ وزیر صاحب حربیه همین بود که نباید حکومت
بلافائده عوائد مملکت را صرف نماید بلکه این پول را بایستی ، در تأسیس و بکار
انداختن فابریکه هائیکه مواد خام را معموله ، وصنعت وحرفت مملکت را ترقی دهد
وکندن انهار ، و بکار انداختن معادن و ساختن قشله های عسکری و دیگر مسائلی که
افغانستان بآن احتیاج دارد و آن موادیکه برای رفاه عامه وسعادت و آرامی
جامعه مفید و نافع و مؤثر واقع میشود ، خرج نماید .

عدم توجه باصلاح اساسی معابر ؛ در ساختن سرک تنگی غار و وصالنگ
هم نظریهٔ وزیر حربیه چنان بود که همراه ساختن این راه های نو میباید که در معابر
موجوده و راه های معمولهٔ جانب مشرقی و شمالی افغانستان نیز اصلاحات
و ترمیمات لازمه بنمائیم و نگذاریم که قصور و عمارات و منازل و خطوط تیلفون و تلگرام
و رباط های عرض این دو راه خراب و برباد شود . اما حکومت نه توجه جدی و

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 322 of 711

اساسی خود را نسبت به اجرای عملیات معابر تازه حسب مطلوب مصروف کرد
و نه غمخواری از سرکها و منازل سابقه نمود .

تحقیر و تکدیر روحانیون : در الغای مصارف مساجد و وظائف علمای
حقانی و اعزاز مشایخ و روحانیون که استمالت و دلجوئی و احترام آنها فرض
ذمت حکومت اسلامیست نیز نظریهٔ سپه سالار غازی جداً بر خلاف عملیات
اعلیحضرت امان الله خان بود و تکرار میگفت که نگرانی مساجد و اماکن متبرکهٔ افغانستان
و احترام و عزت علما و فضلا و مشایخ و روحانیون وطن از حد ضرور است و نباید
طرزی اختیار شود که از ان اسباب گزند خاطر و انزجار این ذوات کبار
تولید گردد بلکه ازین رجال معظم در خدمت وطن و ترقی افغانستان و اعلاء
کلمة الله باید کار گرفته شود و با آنها حکومت از بذل الطاف و عواطف خود چنین
موقعیتی را اعطا کند که در سخت ترین مواقع مظهر بهترین خدمات برای حکومت و مملکت خود شوند .

مفکورهٔ نادری راجع به تعلیمات طلبهٔ افغانی : هر چند یکه نظریهٔ جناب
محمد نادر خان بالنسبه اعزام طلبهٔ افغانی به ممالک خارجی در اول امر مؤید و محرک
کابینهٔ امانی بود ولی برای طلبهٔ آتیهٔ افغانستان میفرمود که باید حکومت از تاسیس
مکاتب عالی خارجی در افغانستان مراتب ابتدائی تعلیمی طلبه را تکمیل و آنها را

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 323 of 711

برای ادخال در دارالعلوم ها و دارالفنونهای خارجه مستعد سازند تا باینصورت کمتر وقت و ثروت صرف، و معیار تعلیمی مطلوبشان بصورت سریع و صحیح تحصیل شود هرچند به قبولیت این مفکورهٔ نافعهٔ وزیر حربیه اولاً اهمیت داده نشد ولی بعد توجیه مشکلات تعلیمی طلبهٔ افغانی که در ممالک خارجی بدون مراعات این اصول اساسی فرستاده شده بودند این نظریهٔ عالیه خود بخود در محل تطبیق و اجرا گذاشته شد و یک یک مکتب المانی و فرانسوی در مرکز تأسیس یافت تا مراتب اولیهٔ درسیهٔ خود را طلاب درینجا امتحان داده بعداً بخارج بروند.

عدم مراعات تعلیم و تربیه: راجع به اجراوت دویر تعلیم و تربیهٔ صحیح در مکاتب، و رعایت اخلاق و اطوار طلبه هم وزیر صاحب حربیه متمادیاً عرائض خود را تقدیم و حکومت را برفع آن متوجه میساخت که باید در حسن اخلاق و خوبی تربیهٔ اولادهای امروزهٔ مکاتب که پدرهای فردا و اداره کنندگان آتی این وطن خواهند بود خیلی کوشش شود ولی این فکر قیمتدار نادری را نیز کمتر بسمع قبول می شنیدند حتی علی الرغم آن داخل اقدامات هم میشدند.

پروگرام مضرهٔ امانی: خلاصه که سنه ۱۳۰۱ و سنه ۱۳۰۲ شمسی این مردود انشور به مظاهره و مباحثهٔ همین افکار و نظریاتیکه اجراو تطبیق آن برای منفعت وطن و خیر

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 324 of 711

حکومت از حد زیاد نافع بود با شخص شاه و زعمای امور آنگاه در یک عالم قلق و اضطراب و تردد و تذبذب خطرناک بپایان رسانید ولی مع الاسف کسی با آن اهمیت نمیداد بلکه علی الرغم این شخص ملت پرور و دگر خیرخواهان وطن اکثری ازین اوامر و اجراآت مضرت رسان را بر خود او شان تطبیق و اجرا هم مینمودند .

بواسطهٔ همین تطبیقات و انفاذ همان پروگرام و اجراآت قبل از وقت فتنه زای که شخص شاه باتفاق چندی از حواشی خود آنرا تصویب و منظور و در محل اجرا میگذاشتند ، سپه سالار صاحب بعد از معاودت اصلاحات قطعن و بدخشان الی عزیمت شان بطرف پاریس از اجرا و انجام آن نظریات نافعه و اصلاحات مفیدهٔ شان که عالم عسکری افغانستان اجرا و تطبیقات آنرا بخاطر داشتند و اساس و بنیادهای آنرا قبلاً وضع و طرح فرموده بودند ، ناکام مانده تنها همان اوامر و یادداشت های غیر نافعهٔ حکومت امانیه را با دل پژمان و یکجهان یاس و حرمان آبا بیک وضع خوب و طریقهٔ مرغوب که موجب کدام غلط فهمی و سبب القای کدام رنجش نشود اجرا میفرمودند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 325 of 711

وقوع اثرات بی نزاکت اختلاف فکری

بین اعلیحضرت امان الله خان و جناب سپه سالار

چیزیکه زیاده تر فکر این ذات دانشور را بخود مشغول داشته بود از یکطرف نتایج وخیم این اقدامات ناعاقبت اندیشانهٔ قبل از وقت اعلیحضرت امان الله خان بود و از طرف دیگر تعریض و غرض پرستی اشخاصی بود بر علیه سپه سالار که بر فکر و حواس اعلیحضرت امان الله خان استیلا کرده و تسلط کلی یافته بودند و او را بازیچهٔ دست خود ساخته اغراض خود را بروے اجرا می نمودند و در عین زمان وجود این خیر خواه حقیقی حکومت و ملت را سد راه خود، و منافی پیشرفت آن مقاصد مغرضانهٔ خویش می پنداشتند لهذا بهر ذریعهٔ ممکنه که میتوانستند اسباب شکر رنجی و خفقان و غلط فهمی و جدائی را بین این سپه سالار عالیشان و اعلیحضرت امان الله خان القا مینمودند، و بلطائف الحیل افکار نافعه و نظریات خیر اندیشانهٔ نادری را به اعلیحضرت امان الله خان دگرگون نشان میدادند.

حتی به اعلیحضرت امان الله خان که عاشق تجدد فضول، و دلدادهٔ اجرای خرافات و اوضاع نظر فریب بی لزوم اروپا بود، و جداً در صدد مخالفت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 326 of 711

و براندا ختن تمام اوضاع و مجاری امور مذهبی و ملی بود و میخواست که خودش را بزعم خود بمنزلهٔ یک مجتهد و مخترع اعظم قرار بدهد (۱) و در نظر داشت که در هر چیز و هر امر یک طرح نو را عام از اینکه مفید باشد یا مضر، بیندازد و اساس تازه را بنام خود بگذارد - همین مغرضین و اشخاصیکه متاع خود را در پرتو افکار نادری کاسد و افکار خود را در برابر انوار ذکای او فاسد می یافتند اینطور دانانند « تا زمانیکه این سپه سالار در کابینه ات شامل باشد ابداً تو در پیش بردن نظریات خود موفق نمیشوی زیرا که او ابداً از این افکار خود که بار بار اظهار میکند و در تبدیل پروگرام شما اصرار مینماید منصرف نمیشود . »

اعلیحضرت امان الله خان از استماع و مشاهدهٔ این خشونت مقدس از جناب محمد نادر خان که در اعطای افکار حقانه و نظریات خداپسندانهٔ خود بمقتضای فرض منصبی و محبت ملی و وطن دوستی و عاقبت اندیشی خود مینمود - و از سخنان کم و زیاد که در بارهٔ سپه سالار صاحب از جانب مغرضین و مفسدین می شنید نه تنها محبت و صمیمیت سابقهٔ خود را بوزیر صاحب حربیه کمتر مبذول مینمودند بلکه بعضاً اینطور

(۱) چنانچه میگفتند که « جوهر مرد به تقلید نگردد حاصل × مخترع شو که دگر با تو تقلید کنند » ملاحظه شود صفحهٔ ۴۱۲ کتاب لویه جرگه ۱۳۰۳ مطبوعهٔ جوزا ۱۳۰۴ مطبعهٔ دائرهٔ تحریرات حضور و مجلس عالی وزرا .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 327 of 711

اوضاع ناملائم و حرکات خارج از دائرهٔ نزاکت را که موجب متأثر شدن این سپه سالار که بنظر عامهٔ ملت خیلی محترم و مقدس بود و وطنخواهان حقیقی او را از جان و دل دوست تر داشتند، مرتکب میشدند و در بعضی امور و جهات اسباب دلشکنی و ناامیدی او را فراهم می آوردند.

آغاز مخالفت ملی با اجراآت حکومت امانی

چون همه پیشنهادها و عرائض سپه سالار مستند بر مقررات صحیحهٔ مذهبیه و مذاق و روحیات عامه بود و حضرت معظم له از تجربه که حاصل کرده بود و بواسطهٔ تماس و علاقه مندی که با همهٔ طبقات ملت داشت خوبتر می فهمید که اثرات این اجراآت دل آزار حکومت امانی که ناعاقبت اندیشانه و خودسرانه در محل اجرا آورده میشود بر روحیات و جذبات ملی و رسوم و عادات وطنی اثرات سوئی را می افگند ازین جهت تنها مفکورهٔ مفیدهٔ سپه سالار غازی بلکه از عموم وطنخواهان صادق و طرفداران صحیح اعلیحضرت امان الله خان که در ان زمره والده اش علیاحضرت هم شامل بود از نقطهٔ نظر خیر اندیشی و امنیت پسندی، تعدیلات و اصلاحات اجراآت حکومت را متقاضی بود - تا نشود که یک اسباب فتنه و آشوب تولید، و ملت و حکومت بکلهٔ همدیگر بزنند اما مع الاسف اعلیحضرت امان الله خان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 328 of 711

از خود رائی و ناعاقبت اندیشی خود باین عرائض او حواله سمع نمیکرد و مطرداً و مستقیماً بهمان یک خیال محال خود پویان می بود .

چنانچه بمجرد انعکاس این اطلاعات اجرای پروگرام جدید امان الله خان در اطراف و اکناف وطن مخصوصاً در طبقات فهمیده ملت آثار نفرت و علائم مخالفت از حکومت یکی بعد دیگری مشاهده شده میرفت .

تا اینکه اخیر ۱۳۰۲ و مبدأ ۱۳۰۳ بر خلاف میل و آرزوی سپه سالار غازی و دگر سعادت خواهان وطنی که در برابر همه اجراآت ناصواب حکومت تنقید میکردند برای رعای امور آن عصر یک موقع خیلی زحمت افزای تکلیف ده ثابت شد . در قندهار آثار اضرار نمودار شد . مردم زمین داور علناً بنام اصلاح حکومت امانی و حمایت از امور مذهبی کوس بغاوت را نواختند . اقوام سلیمان خیل بنای آشوب و خلل را نهادند . در سمت جنوبی هم مواد و مقدمات واقعه مشهور ۱۳۰۳ فراهم آمد . در بدخشان هم علائم عدم اطمینان نمایان شد . در کنرها و خگیانی مواد بدنظمی کم کم مشهود میگشت حتی در تمام افغانستان رجال فهمیده و دانشور وطن بر شاه خود دروازه تنقید را کشاده بدین شدند .

اما اعلیحضرت امان الله خان از همان جنون و خودپسندی که خاصه طبعش بود

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 329 of 711

وبقول خودش که: «نه از دنیا غمی دارم نه از بلوا بتشویشم - جنون مسلک خویشم ازین پس کوچه دوکم»[1] نه از نصائح ونظریات نافعهٔ سپه سالار و دیگر ذوات خیر اندیش صداقت شعار افغانستان حتی والده اش که بار بار او را به خبط وخطایش می دانانند - و باصلاح وتعدیل کردارش مدعو میکردند، متنبه میشد ونه از مخالفت های عملی که «علائم وآثار آن در هر گوشه وکنار مملکت از رعیت مشاهده میشد» عبرت ونصیحت میگرفت .

بلکه میگفت : «من این پروغرام خودم را به آن عزم خویش که مانند کوه های افغانستان مستحکم ومتین است به قوهٔ سرنیزهٔ خودم پیش می برم وهر شخص وهر قومی را که در قبولیت این اصلاحات مطلوبه ام اندکی تردد داشته باشد بقوهٔ شمشیر تأدیب میدهم .»[2]

---

(۱) بخاطر آورده شود نطق مشهور اعلیحضرت امان الله خان که در سنه ۱۳۰۷ در قصر استور ایراد نموده اند ونیز ملاحظه شود نطقیکه در صفحه ۴۱۳ کتاب لویه جرگه ۱۳۰۳ مطبوعهٔ ماه جوزای ۱۳۰۴ مطبعهٔ دائرهٔ تحریرات حضور ومجلس عالی وزرا مرقوم است .

(۲) مفاد نطق اعلیحضرت امان الله خان که در جشن استقلال ۱۳۰۳ و ۱۳۰۵ و دیگر مواقع مذکور بوده ودر اخبار های جشن استقلال وامان افغان وحقیقت کابل وغیره جرائد وطنی موجود است ملاحظه شود .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 330 of 711

جناب عالیقدر جلالتمآب امیر اعلی نشان سردار محمد نادر خان
سپه سالار غازی وزیر امور حرب افغانستان در سنه ۱۳۰۲

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 332 of 711

علالت سپه سالار در اثر اندیشه و تراکم افکار

پس از وقوع و پیش آمد این اوضاع جگر خراش، خیر خواهان حقیقی و وطن دوستان صحیح و ملت خواهان همدرد، اندازهٔ پریشانی و وسواس و اندیشه و هراس سپه سالار صاحب را بفرمایند که از همان چیزیکه اندیشه داشت در وطن محبوبش واقع شد و بکمال تأسف از اجراآت سوء حکومت تخم مشاجره و مجادله و سلب اعتماد و بین راعی و رعیت در محیط کاشته شد عجب تر اینست که حکومت بجای اینکه از سهو و خطای خود متنبه شده عرائض نافعه و پیشنهادهای عناصر صالحهٔ وطن را بگوش هوش خود بشنود و باصلاح عمل خود بپردازد بدبختانه ملت را مورد عتاب و بازپرس و عقاب قرار داده آنها را بی اراده و نادان، خود را عاقل و فهمیده و همه دان تصور میکرد .

بسیار اشخاص بخاطر دارند که در اواخر ۱۳۰۲ و اوائل ۱۳۰۳ صحت این سپه سالار حذاقت شعار بواسطهٔ همین تهاجم افکار و حدسیاتیکه راجع به اضرار این رفتار میزدند، بدرجهٔ آخر خراب شده بود و شب و روز در افکار عمیق و تصورات ژرف گرفتار میبود بحال وطن و ملتش میسوخت و با حکومت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 333 of 711

سخن ناشنو خود میساخت ، با آتیهٔ پر از آفات و بلیهٔ ملک می‌طپید و بر حرکات واوضاع بیجای زعمای امور انگشت حسرت را میگزید .

این اندیشه و مراق به اندازهٔ بر اوشان غالب و مستولی شد که از خواب و خور ماندند و بصداع شدید و دوران سر و شکایت سینه و جگر مبتلا شدند .

استعفا و کناره جوئی سپه‌سالار غازی از کابینهٔ امانی

هرچند با همین وضعیت پر از زحمت این شخص با کفایت تا چندی امور رسمی حکومت را هم حسب هدایات حکومت انجام میدادند و هم در مجلس وزرا و حضور شاه عرائض نافعه و خیراندیشی های آخرین خویش را ابلاغ میکردند ولی رفته رفته اندوه و کاهش روحانی و امراض جسمانی باندازهٔ بر وجود شان غالب و مستولی شد که از حرکت نمودن و کار کردن افتادند لذا مجبوراً یک استعفانامهٔ نهایت مؤثر و رقت آور را در برج قوس سنه ۱۳۰۲ باین مضمون به اعلیحضرت امان الله خان تقدیم ، و انفصال خود را از کابینهٔ وزرای امانی تصمیم نمودند .

« اعلیحضرتا ! »

« شما از عقیدهٔ خالص و مسلک بی آلایش من خوبتر مطلعید و هم میدانید

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 334 of 711

که من از مدتی گرفتار ناخوشی های گوناگون هستم، امروز که من این معروضه را مینویسم وقتیست که آخرین قوا و حوصلهٔ خود را بخرج میدهم و دگر هیچ تاب و توان بمن نمانده است»

«اعلیحضرتا! یقین کنید که مانند من شخص مریض که روحاً و جسماً ناخوش است نمیتواند اضافه برین همچه یک بار سنگین را که متحمل هستم بشانهٔ خود بردارم. مخصوصاً از وقتیکه میان من و یک جمعیتی که اطراف و حوالی شما را فرا گرفته اند، تخالف فکری واقع است، و نظریات خیر اندیشانهٔ خود را برضد افکار شما و آنها مشاهده میکنم»

«نظر به تجارب عدیدهٔ که من درین ملک حاصل داشته ام و از معلوماتیکه بالنسبهٔ روحیات و جذبات ملی دارم خیلی اندیشه میرود که خدانخواسته سیل این افکار موحشه بنیان سلامت وطن ما را متزلزل و کاخ ترقیات مطلوبه را منهدم خواهد ساخت هجوم این خطرات روح فرسا روز بروز به ضعف و نقاهت من می افزاید. و محبت و درد وطن با روح من مجادله مینماید در حالیکه اعلیحضرت شما هم همهٔ آن عرائض بی خواهانه مرا که برای خیر شما و مفاد ملت و طرز مملکت داری و ایجابات فعلی به حضورتان تقدیم میکنم مع الاسف بنظر قبول نمی بینید - و هیچ کدام آن اهمیت نمیدهید!! و از وخامت نتیجهٔ این اوضاع جگرخراش هیچ نمی اندیشید»

«لذا من وجداناً معذور و عقیدهٔ مجبورم تا اظهار کنم چون من با این اوضاع که

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 335 of 711

تماماً بر خلاف میل و آرزوی وطنخواهانه ام جریان دارد، قلباً متأثرم پس امیدوارم تا مرا از عهدهٔ موجوده ام مستعفی قبول، و لطفاً منفصل فرمائید - زیرا هیچ میل ندارم که بعد ازین در داخل وطن به هیچیک مأموریت کار کنم - و اگر اصرار میفرمائید که حتماً باید کار کنم پس بشرط وفای این حیات مستعارم که بار بار آنرا برای خدمات قابل افتخار وطن نثار خواهم کرد و نجاتم از پنجهٔ این مرضیکه فعلاً دامنگیرم است در امورات خارجهٔ افغانستان بهر خدمتی که لازم دانند - مقررم فرمائید البته در خارج حاضرم که جهة استرضای شما اگرچه به سرکاتبی یک سفارت هم مقرر شوم آنرا بپذیرم و بوسیلهٔ این غیاب صوری خود از یکطرف ازین کشمکش های روحی، و وسوس کنونی که ناشی از اوضاع ناملائم فعلی و جذبات وطنخواهی من است هم قسماً نجات می یابم و از جانب دیگر بمعالجه و مداوات خود نیز خواهم پرداخت.»

انفکاک شمشیر و تدبیر نادری از مملکت افغانی

اگر انصافاً بنویسیم اعلیحضرت امان الله خان از گرفتن این استعفانامهٔ خیلی متأثر گردید - و از علالت مزاج جناب محمد نادر خان بسیار مضطرب شد و از طرف وزارت حربیه که الی الآن کارش (با وجود توجیه آن مشکلات و تصادم

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 336 of 711

موانعی که باجمال آن قبلاً اشاره کردیم، بخوبی جریان و نفاذ داشت زیاده تر اندوهگین گردید و ذاتاً برای ادارهٔ امور وزارت حربیه خودش میرفت و در صدد رضای خاطر و اعادهٔ صحت این ذات درایت سمات میخواست که تشبثات نموده مقدمات توافق کار کردن مکرر اوشان را در وزارت حربیه و یا دیگر مأموریت های مهمی که در داخل خواسته باشند حاصل کند.

اما ازین رنج و اندوه و تشبثات ظاهری او چه فائده که بر آن علل و اسبابیکه موجبات علالت و شدت مرض جناب محمد نادر خان را فراهم آورده و او را بتقدیم داشتن استعفایش وادار کرده بود یک نظرش را اعاده نمیکرد - و به تعدیل آن افعال و حرکات خویش که موجب وقوع غلط فهمی ها و وسائل سلب رفاه خلق الله و امنیت عمومی را فراهم می آورد، نه می پرداخت !!

این تأثر و غمگینی اعلیحضرت امان الله خان در اثر پروپاگند و تعبیرات غلط مغرضین و مفسدین که بقول حضرت سعدی: شوربختان بآرزو خواهند - مقبلان را زوال نعمت و جاه برطرفی و دلشکنی جناب محمد نادر خان را بهمه ذرائع ممکنه میخواستند این قدر هم دوام نکرد که اوشان از بستر مرض خارج، و بطبع آنها قدری افاقه و بهبود و انمود میشد چنانچه همین مقربین و حواشی غرض پرست امانی این استعفای نادری را

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 337 of 711

رقم رقم تعبیر، و به انواع معانی غلط تفسیر کرده، خلیج غلط فهمی و شکر رنجی را بین اعلیحضرت امان الله خان و جناب محمد نادر خان باندازهٔ توسیع دادند که در اواخر ایام مریضی سپه سالار اعلیحضرت کمتر باحوال پرسی مرضش که در ابتدا خیلی ازان متأثر بود میپرداخت.

این طرز عمل دلشکنانهٔ حکومت امانیه که با این وطنخواه مرعی میداشت بسرعت فوق العاده اولاً در مرکز، بعداً در تمام نقاط مملکت مواصلت کرد و این اوضاع خارج از دائرهٔ نزاکت ضمیمهٔ دگر اعمال پر از شکایت اعلیحضرت شده، رشتهٔ محبت و صمیمیت نادر را در قلوب عامهٔ وطنخواهان و ملت دوستان افغانستان مستحکم نمود.

کناره جوئی برادران سپه سالار از کار

جناب محمد هاشم خان که فطرتاً دارای خشونت مقدس و علی الاکثر با اعلیحضرت امان الله خان راجع به همین عملیات دل آزارش در مذاکره و مناقشه میبود و با اعمال ضرر افزای عمال امانی ابداً موافقه نداشتند و نظریاتش تماماً تالی افکار نادری بود سه چهار ماه قبل علالت و استعفا و انفصال برادر بزرگشان از وزارت حربیه جهة تیمارداری و معالجهٔ والد امجدشان که بمرض صعب العلاج گرفتار بود رخصت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 338 of 711

گرفته، مسافرت خارج را بالنسبه دیدن این اوضاع پر از بدعت حکومت ترجیح داده بودند و اخیراً حکومت هم این مباعدت صوری شانرا مستحسن دیده برخلاف میل و آرزوی شان آنهارا بوزارت مختاری افغانستان در ماسکو تعیین نمودند تا از پاریس مستقیماً بروسیه بروند چنانچه حضرت معظم له بعد از انجام خدمت سه ساله خود در وزارت مختاری افغانی در مسکو تکراراً از ملازمت حکومت استعفا داده بپاریس رفتند و آمدن افغانستان را برخود گوارا نفرمودند.

آقای شاه ولیخان که حیثیت نائب سالاری قول اردوی مرکز را داشتند چند روز بعد از استعفای برادرشان در اثر تخالف نظری که بین او شان و بعض از مغرضین مجلس عسکری در اجرای ماکولات واقع شد نیز استعفای خود را تقدیم کردند - زیراکه وزارت حربیه حسب امر و اراده اعلیحضرت امان الله خان اجرای ماکولات را در نظام اعلام کردن منجی استند در حالیکه تمام منصبداران صاحب تجربه از مدتی برخلاف آن تا نقطهٔ آخر (نظر به بیتظمی و سوء اداره که از ان متوقع بود) مقاومت داشتند و آقای شاه ولیخان هم برخلاف آن اقامه دلائل میکردند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 339 of 711

تقرر جناب محمد نادر خان بوزارت مختاری در فرانسه

علالت طبع بجناب محمد نادر خان در اواخر قوس ۱۳۰۲ طوری شدت کرد که در ظرف چند روز بستری شدند و در ماه قوس همین سال استعفانامه فوق خود را در حالت اضطرار بحکومت تقدیم کردند، تا اوائل حوت همین سال مرض شان بطوالت کشید و عرصه کار کردن شخص پادشاه در وزارت حربیه و مسئله سنجیدن اطراف و جوانب این استعفای جناب محمد نادر خان دوام داشت .

در وسط برج حوت چون صحت شان قدری خوب و کم کم بقدم زدن و حرکت کردن آغاز فرمودند فکر هر دم خیال امانی به تشویق و تحریک مغرضین متقاضی این امر شد که از پذیرفتن افکار منفعت بار جناب محمد نادر خان انکار کند و اعلان دوام خود را بهمان مسلک، و قیامش را بهمان اوضاع نماید بجز از ضیاع وقت و دردسر برای شاه و دل آزاری رعایا نتیجه نمیداد و بالآخر وطن را بهزاران رنج و آشوب و فتن آشنا سازد چنانچه استعفای سپه سالار را منظور و بعوض شان در صدد انتخاب و تقرر یک وزیر حربیه دیگری شدند .

بمجرد اظهار خصوصی این نظریه خویش به نزد آن مقربین و حواشی خود که همین مطلب را

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 340 of 711

آنها قبلاً و مشرحاً رقم رقم به او می فهمانیدند و این عقیدهٔ را بذهن شان بلطائف الحیل محکم ساخته بودند از طرف عموم (بلی صاحبان)، تصدیق، و برخلاف مضمون:

آئینه چون عیب تو بنمود راست - خود شکن آئینه شکستن خطاست

با این مریض سودای ترقی و تعالی مملکت اسلامی، و این خواستار سعادت و آرامی ملت افغانی جناب محمد نادر خان غازی بنای مشاجره و غرض پرستی را گذاشتند اما غافل بودند ازین که:-

با صاف دل مجادله با خویش دشمنیست - هر کس کشد بر آئینه خنجر بخود کشد

ولی این وضعیت حکومت که با یک خادم صادق صاحب عزو شرف و دارای افتخار و قدامت معامله میشد از طرف محیط و عامه بنظر خیلی نفرت دیده می شد و از هر دهان و از همه زبانها در اطراف آن تنقیدات، و با این نادر رشید شان اظهار همدردی مزید میکردند.

لهذا اعلیحضرت امان الله خان برای مسرت حقیقی آن مغرضین (که چشم و گوش شاه را زیر سانسور و مراقبت خود گرفته بودند)، و مغالطه دادن و خوشنودی مجازی عامهٔ طبقات ملکی و نظامی افغانستان که (محمد نادر خان را از دل جان خود، دوست تر داشتند و خدماتش را در داخل وطن همچو آب حیات و از دیانت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 341 of 711

وصفای عقیدتش تقدیس میکردند) اعلان سبکدوشی جناب محمد نادر خان را از وزارت حربیه و تقرر شانرا به وزارت مختاری پاریس که در واقع عین اعلام منظوری همان استعفا بود در محضر عموم وزرا و مأمورین بزرگ افغانستان بروز پنجشنبه ۲۴ حوت در قصر گلخانه بتقریب امضا و تصدیق بودجه سنه ۱۳۰۳ بعد از معرفی محمد ولیخان را بعوض اوشان بوزارت حربیه و وکالت امور خارجه باین الفاظ میکنند

نطق اعلیحضرت امان الله خان در موقع تبدیلی سپه سالار افغانستان

«جناب محمد ولیخان آقا را سر از امروز بوزارت حربیه مقرر کردم و باوشان تبریک میدهم تا کارهای حربیه و خارجه را بحیثیت وزیر حربیه و وکیل وزارت امور خارجه حسب اوامر و هدایاتم در معرض انصرام و انجام گذاشته تماماً پیروی افکار مرا بنماید.»

«یقین کامل دارم که وزیر صاحب حربیه کنونی بخوبی از عهدهٔ این دو کار بر آمده میتوانند و در امور حربیه و خارجهٔ افغانستان بمساعدت و معاونت من یک روح و رونق تازه را خواهند دمید.» (۱)

(۱) اقتباس از امان افغان شمارهٔ اول سال پنجم تاریخی ۲۸ حوت ۱۳۰۲ و فرمان مقرری محمد ولیخان.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 342 of 711

« جناب محمد نادر خان برای وزیر مختاری افغانستان در پاریس زیر نظر گرفته شده ولی چون این مسئله موقوف است به استمزاج از دولت بهیهٔ فرانسه پس تا رسیدن (اگر یمان) رضائیت نامهٔ دولت مشار الیها تقررشان صورت رسمیت را ندارد

« میدانید که چرا من ایشان را بخارج میفرستم یکی همان علت عمومی است که باید مأمورین بزرگ و کوچک وطن باین طریق ممالک خارجه را دیده نظامات و اصول کارها و ادارهٔ ادارات را بطرز تازه یاد بگیرند و هنگام مراجعت بوطن از روی علم و بصیرت باصول تازه اجرای امور کنند . »

« اینک اشخاصیکه بخارج رفته اند هر کدام در سائر امور یک مهارت فوق العاده دارند چنانچه یکروز فیض محمد خان پسر غلام نبی خان فرقه مشر دریاب یک مسئلهٔ اقتصادی و تجارتی چنان بحث متین با من نمود که متحیر شدم حالانکه او مدت قلیلی در اروپا بود ، هکذا جناب محمد ولیخان با اینکه مرد سیاسی بود لیکن محض از دیدن قشون اروپا بصیرت تامه در باب امور حربیه دارند . »

« پس نظر باین مسئله چون جناب محمد نادر خان به پاریس بروند و اصول نظام و عسکر و ترتیبات وزارت حربیه و تقسیمات عسکری و تعلیمات مکاتب نظامی آنجا را مطالعه و ملاحظه کنند در موقعیکه در وطن مراجعت نمایند معلومات

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 343 of 711

وفکر شان در امور حربیه صد مرتبه از حالت حاضره بلند تر و درست تر خواهد بود.»

«دوم اینست که طبیعت شان یکنوع کسالت دارد و مسافرت شان برای تداوی و تبدل مکان و تفریح طبیعت هم لازم است چنانچه خود ایشان بارها این مسئله را باصرار خواهش کرده اند».(۱)

درین موقع حضرتعالی سردار اعلی محمد نادر خان فرمودند

«بلی از مدتیست که به حضور شاهانه چند مراتبه بکمال الحاح عرض نموده ام که اگر مرا بکدام مأموریت خارجه بفرستند حتی اگر کار بزرگی نباشد بسر کاتبی و کاتبی یک وزارت مختاری یا کدام مأموریت دیگر نیز حاضر و رضامندم.»(۱)

جذباتِ وطنخواهانهٔ درعین حیاتِ خموشانه

بعد از اعلان رسمی انفکاک سپه سالار صاحب غازی از وزارت حربیه و تقرر شان بوزارت مختاری پاریس حضرت معظم له چون به استراحت ظاهری محتاج و مزاجش متقاضی خموشی و انزوا بود ازین جهة الی زمان وصول اگر بیان شان از فرانسه مطالعات ادبی، جمع آوری یادداشت های خصوصی، نظارت از

(۱) امان افغان صفحهٔ ۶ و ۷ شمارهٔ (۶) سال (۵) تاریخی (۴) اسد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 344 of 711

زمین و باغ و اراضی شخصی خویش را برای خود مشغله و اسباب تفریح قرار داد. گاهی بجای خود در ده افغانان و بعضاً در باغ شان در لغمان و علی الاکثر در قلعهٔ خویش به علی آباد کابل میبودند و بمجالست و مخالطت مردم کمتر اظهار رغبت میفرمودند.

فقط در بعض اوقات از طرف عصر بملاقات پادشاه، و علی الاکثر بحضور والد ماجد و عم معظم شان تشرف میجستند، و در محافل علمی و عرفانی بموجب اطلاعیه هائے که خدمت شان میرسید شرکت می ورزیدند و هم در موقعیکه از طرف شاه برای مشاورهٔ بعض امور دعوت میشدند، و یا در مجلس وزرا راجع به حل و فصل کدام مسئلهٔ مهمه ضرورت فکر و اخذ نظریهٔ شان می افتاد همدردانه و علاقه مندانه حاضر، در همان امور مرجوعه از سائلین دستگیری و برایشان رهنمائی میکردند.

چنانچه از تعقیب نظریات همین مرد وطن دوست که رسماً خود را از امور مملکت داری علیحده کرده ولی وجداناً سعادت وطن را خواستار بود - در رهائی آن اسلحهٔ وارده افغانستان (که خود شان بحکومت پیش نهاد و خریداری آن را از اوروپا فرمایش داده بودند، و در بمبائی توقیف و یک هنگامهٔ بزرگ سیاسی را برپا کرده بود) زعمای امور امانی موفق شدند.

ولی در فرونشاندن آتش مخالفت سمت جنوبی نظریهٔ مصالحت جویانهٔ او شاید

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 345 of 711

که اولاً پیشنهاد کرده بودند نشنیدند و بالآخر بدون از تقبل همان طریق مشی که اولاً سپه سالار آنرا تذکار داده بود و در لویه جرگه ۱۳۰۳ بنام هجده فقره مشهور اعلان کرده شد و بجز از شادت سردار شاه ولیخان سد راه آن طغیان بی پایانرا کرده نتوانستند(۱) در دگر فقرات مهمه سیاسیه نیز افکار و نظریات عالیه این مرد فرزانه نهایت مؤثر و مفید می افتاد .

وصول اگریمان وزارت مختاری و فاتحه گیری فرزند سپه سالار غازی

بعد از وصول اگریمان جناب سپه سالار و اتمام همه کارهای مربوطه وزارت مختاری شان از مرکز چون وفات فرزند ارشد شان آقای محمد طاهر خان در عین تحصیلاتش که با دیگر طلاب افغانی در مکتب لیسه میشله (LYCÉE MICHELET) فرانسه مینمودند

(۱) اهالی وطن ازین مسئله عموماً مطلع و جرائد وطنی و نطق های امانی مصدق این امر است که در فرو نشاندن این آتش یعنی جنوبی حضرت عالی شاه ولیخان باوجودیکه از کار حکومت مستعفی هم شده بودند، داوطلبانه حاضر و شامل و در ان زمینه مصدر خدمات مهمی شدند و از آن سبلی که میان مرکز را با بهتر از و اعلیحضرت امان الله غازی مجبور به نقل مکان مینمود، بدرستی جلوگیری کردند .

ملاحظه شود اجمال کارروائی های تاریخی او شان در محاربه یعنی ۱۳۰۳ جنوبی در صحیفه ۲، ۳، ۴ شماره (۳۱) جلد اول حقیقت منطبعه کابل و صحیفه ۳، شماره (۶۱) اخبار مذکور که تحت مدیریت برهان الدین کشککی بود .

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 346 of 711

در موقعی واقع شده بود که سپه‌سالار در حالت بیماری پر اضطرار افتاده بود ازین جهة وزارت معارف و شخص شاه مناسب دیده بودند که این خبر اندوه اثر وفات پسر شان الی زمان صحت و افاقه، برایش رسانیده نشود - هرچند صحت جناب سپه‌سالار الی الآن هم درست نیست اما چون حرکتش بمقامی است که مدفن نور چشمش در آنجا واقع است لذا باید حتماً او را از قضیه مطلع و مراسم فاتحه‌گیری او بعمل آورده شود.

چنانچه مجلس فاتحه‌خوانی آقای محمد طاهر خان از طرف وزارت معارف رسماً اعلام (۱) و شخص شاه و وزرا و اعیان و معاریف همدردانه و سوگوارانه از والدش دلجوئی و مراتب تعزیت را ادا نمودند

(۱) این مجلس فاتحه‌خوانی آقای محمد طاهر خان را فهامهٔ عالم آقای میر سید قاسم خان در امان افغان نشوره ۱۳۰۳ ۱۴ سنبله در ستون (۲) صحیفه (۶) سال (۵) خود باینصورت مینویسد :- « این شهید خدمت راه دین و وطن که بتقرر وفات او وزارت معارف روز دوشنبه (۱۶) سرطان مجلس ترحیم تشکیل داده و دوستان ملت و وطن را دوچار حزن و الم فوق العاده گردانیده آقای محمد طاهر خان پسر حضرتعالی سردار اعلی محمد نادر خان وزیر مختار افغانستان در پاریس میباشند که در پاریس مشغول تحصیل بودند » « خبر وفات شان تقریباً سه ماه قبل ازین رسیده بود ولی چون در آن موقع والد ماجد شان جناب سردار اعلی مریض بودند نشر این خبر مناسب دیده نشد، درینموقع که سردار اعلی عازم پاریس گردیدند لازم دیده شد که باو شان اطلاع داده شود تا در خود وطن با حضور اهل بیت و عشیره و دوستان بار گران حزن و الم شان تخفیف گردیده اضطراب خاطر شان تسکین یابد، همان بود که وزارت معارف که بمثابهٔ پدر و مربی محصلین است مجلس ترحیم آقای محمد طاهر خان را انعقاد داده اعلیحضرت غازی و سائر وزرا و مأمورین شریک این مجلس بودند . »

در امان افغان از وفات این اولاد جدی و فداکار وطن که در غربت داعی اجل را لبیک نموده منتهی درجه محزون و غمگین گردیده از خداوند در عوض این حزن و الم بزرگ عوض و اجرهای جزیل برای حضرتعالی والد ماجد آقای محمد طاهر خان و سائر افراد مملکت که بخدمات آینده او انتظار داشتند و امروز بوفات او محزون هستند آرزو مینماید، و بخداوند کریم با کمال عجز و خشوع التجا مینماید که بقیهٔ محصلین افغانرا در حفظ و امان خود نگهداشته مملکت افغانستان را بوفات آنان ماتمی و غمگین نسازد . »

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 347 of 711

آن نطق جوابیه را که سپه سالار درین مجلس عزاداری ایراد کرده جداً قابل تقدیر، و هر جملهٔ آن درخور نگاشتن بخطوط درشت طلائی در اوراق بزرگ تاریخ است اجمالش اینکه:-

نطق رقت آور سپه سالار

« والله من امروز از مرگ خود که شاید مرض موجوده ام مقدمة الجیش آن خواهد بود واز وفات این فرزندم که در راه طلب علم واطاعت از امر پادشاه خود در عالم غربت پدرود حیات کرده چندان غمگین ومتأثر نیستم ولی از اوضاع امروزهٔ که ملت محبوب وحکومت متبوعم را در تشنج واختناق آورده است خیلی محزون واندوهگینم »

در مراتب اندوه واضطرابم ازین مسئله بیشتری افزاید که شخص اعلیحضرت در شناختن امناء وخائنین اشتباه میفرمایند واز ان دوستان وبهی خواهان خود مباعدت می جویند که آئینه صفت براوشان تنقید، وخدمت شان توصیهٔ اصلاح عمل را بعذر وا لحاح مینمایند وبآن متملقین ومغرضین اعتماد ومقاربت میفرمایند وهر عمل وحرکت شانرا که بعضاً مضر بلکه مهلک است، مدح وتعریف مینمایند واز عواقب وخیم آن نمی اندیشند وفکرے از خیر جامعه وآرامی عامه نمی نمایند حتی در لباس دوستی منتهای مراتب دشمنی را معمول میدارند.

من درین موقعی که دلم از وفات فرزندم کباب وچشمم پر آب است دعا میکنم

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 348 of 711

الهی مرا و جمیع دودمان و خاندانم را و همه خیرخواهان افغانستان را در راه ادامهٔ فخر و شرف حقیقی وطن قربان کنی و بما چنان روزی را نشان دهی که در ملت، تخم نفاق پاشیده باشد و حکومت از ملت و ملت از حکومت متنفر و یکی بر علیه دیگری داخل اقدامات مخالفانه باشند »

« الهی صادقین افغانستان و مملکت افغانستان را بفضل و کرم خود از جمیع بلیات و آفات دهر مصئون و محفوظ و دشمنان شرف و عزت و خائنین این وطن اسلامی ما را در هر دو جهان ملول و مخذول و روسیاه بگردانی و بما طبقهٔ موجوده که امروز مقدرات وطن را بدست داریم چنان توفیق را عطا کنی تا خیر و شر خود را بفهمیم و راهی را اختیار کنیم که در آن رضای تو و آرامی بندگان تو و نیکنامی دارین ما حاصل شود »

این نطق باندازهٔ مؤثر و سهم انگیز بود که از شخص شاه گرفته تا عامه حضار را اشکبار ساخت و این مجلس فاتحه گیری را یک تعزیه خانهٔ حقیقی ساخت ولی احدی نتوانست که بتائید و تردید این گفتار سپه سالار چیزی بگوید .

عزیمت سپه سالار از کابل بطرف پاریس

باز هم این بیانهٔ همدردانهٔ سپه سالار که آخرین درد دل شان را اعلام و آنرا در یک مجلس رسمی بحضور همهٔ رجال حکومت و معاریف ملت ایراد کردند بقلوب

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 349 of 711

بی درد غمای امانی تأثیری نه بخشید .

چون تهیهٔ لوازم سفری شان کاملاً شده بود بروز پنجشنبه ۱۹ سرطان که سه روز بعد از ان عید اضحی ۱۳۴۴ بود وطن مالوف شانرا با چشم گریان و دل بریان طوری پدرود گفتند که با احدی از دوستان و مخلصین وداع آخرین نگفتند و نخواستند این عیدی را که در نظر شان هیچ محرم بود نزد عیال و اولاد و فامیل خود بگذرانند و یا لااقل آن اعزه و معاریف افغانستان را که برای لویه جرگهٔ ۱۳۰۳ مدعو شده بودند و تماماً در کابل حاضر و پروانه وار بگرد اگرد خانهٔ این شمع ضیا افشان افغانستان میگشتند مانده نباشید بگویند . (۱)

با این هم که سپه‌سالار پروگرام حرکت شانرا محرمانه گرفته بودند در موقع سواری اکثری از اعزه و معاریف ملت و دوستان صمیمی شان برای تودیع حاضر بودند و در عرض راه هم بهر جائیکه توقف شان اتفاق می افتاد بهترین مظاهر

(۱) فهامهٔ عالم آقای سید قاسم خان در صفحهٔ ۶ شمارهٔ ۶ سال پنجم امان افغان منطبعهٔ ۱۳۰۴ تحت عنوان حرکت سردار اعلی جناب محمد نادر خان بطرف فرانسه این مطلب را باین عبارت آینگارد : « درین روزهای اخیر اگر میان دولت بهیهٔ فرانسه نسبت به تقرر جناب محمد نادر خان بوزارت خارجه رسید لاجرم تهیهٔ مسافرت خود شانرا بعجلهٔ تمام دیده روز پنجشنبه ۱۹ سرطان بمعیت آقای احمد علیخان مصاحب حضور شاهانه و یکدو نفر دیگر عازم پاریس گردیدند - ما از خداوند نیاز میکنیم که مع الخیر و العافیه مقام مطلوب رسیده کسالت مزاج شان بکلی رفع گردیده ایام مقررهٔ خود را بکمال مسرت گذرانیده مع الخیر دوباره بوطن مراجعت کنند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 350 of 711

اخلاص و محبت را از طرف ملت قدردان خود مشاهده میکردند، مخصوصاً در حصص مشرقی، خاصتهً در جلال آباد و دکه بلا نهایه بگرمجوشی زیاد او را استقبال و از مفارقت این مجسمهٔ صداقت از افغانستان مردم بالعموم زار و گریان بودند.

پذیرائی جناب سردار اعلی محمد نادر خان در هند

مراسم استقبال این ذات صاحب کمال همچنانکه بداخل افغانستان در منازل عرض راه و محلات توقف شان از طرف اهالی افغانستان بمحبت و صمیمیت بی پایان در محل اجرا گذاشته شد، در خارج نیز به منتهای خلوص و مسرت بعمل آمده است اینک اجمال پذیرائی حضرت معظم له را امان افغان در همان موقع منظور بملت افغانستان اعلام کرده است (۱)

انسان عاقل، انسان خیرخواه، انسان خادم بنوع، انسان بادیانت و عاطفه نه تنها در وطن خود و میان قوم خود بلکه در هر جا و نزد همه عزیز و محترم است هر کس چنین شخص را قدردانی میکند، هر کس با او با احترام پیش میآید، هر کس ملاقات و صحبت او را آرزو مینماید، هر کس با او عاطفهٔ میل و محبت دارد.

(۱) منقول از صفحهٔ اول الی ستون اول صفحهٔ ۳ شمارهٔ ۷، ۸ سال پنجم امان افغان منتشرهٔ ۲۵ ثور ۱۳۰۳

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 351 of 711

سردار اعلی جناب محمد نادر خان (وزیر حربیهٔ سابق) وزیر مختار افغانستان بدربار دولت بهیهٔ فرانسه یکی از رجال بزرگ افغانستان و دارای محاسن و مزایای مزبوره است که از باعث آن محبوب القلوبی کسانی را که نام او شان بگوش آنان رسیده؛ حائز گردیده اند!

چونکه هندوستان همسایهٔ افغانستان و علائق اجتماعی بین مملکتین و ملتین از همه جا بیشتر است، رجال مشهور و معروف افغانستان را غالب ساکنین هند کماهی میشناسند، و حضرات موصوف را با یکنظر اعتبار می بینند مخصوصاً جناب سردار اعلی محمد نادر خان را که از باعث شجاعت های فوق العاده و فتوحات شاندار او در جنگ اخیر افغان و انگلیس (۱)، شهرت فوق العاده و محبت بی اندازه در هند و اهالی آن دارند.

در موقع مسافرت جناب موصوف بجانب پاریس برادران نوعی و دینی هندی ما در غالب نقاط هند که محل توقف قطار آهن بوده از جناب مشار الیه پذیرائی ها و مهمانی ها قدردانی های قابل تمجید نموده اند که گذارشات آنرا محض تقدیر ابنای ملت خویش لطف و محبت برادران هندی شان را و تشکر از عواطف قلبی آنان با افغانستان

(۱) مسئلهٔ هجرت و دگر اجراآت عمدهٔ شان.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 352 of 711

تا یک اندازه به تفصیل مینویسیم ،

هنگامیکه خبر ورود ع ، ج محمد نادر خان وزیر مختار افغانی مأمور پاریس برای برادران هندی ما رسید از کثرت محبت و صفای عقیدت باطنی همه مشغول تهیهٔ استقبال ایشان گردیدند .

منجمله برادران پشاوری ما که علاوه بر اخوت نوعی و مذهبی با ما تعلقات نژادی نیز دارند مقدم از همه مصمم استقبال جناب محمد نادر خان شدند .

کمیته خلافت پشاور تصمیم گرفت که استقبال شایان تقدیری برای جناب موصوف بعمل آورده شود چنانکه پروغرامی نیز برای مستقبلین از طرف آنها ترتیب شده بود لیکن متأسفانه حکمران پشاور بآنها اجازه نداده بعلاوه بر سرک ها و استیشن پشاور پهره های پولیس مقرر بود ، که در حین تشریف آوری ایشان کسی بر سرک ها و خیابانها عبور نکند ، در همان روز برای بعض مسافرین یک تعطیل اجباری حکمفرما بود ، فضای استیشن پشاور را ایروپلان ها احاطه کرده بود .

در ۱۹ سرطان ارکان کمیتهٔ خلافت تصمیم گرفت که با مستقبلین دیگر تا « لنڈی کوتل » باستقبال سردار اعلی محمد نادر خان حرکت نمایند ، اما معلوم شد که جناب مشار الیه در آن روز تشریف نمی آورند ، ناچار این تصمیم خود را بتاخیر انداختند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 353 of 711

رئیس کمیته مذکور باتفاق آرای سائر اعضا عریضه خدمت جناب موصوف نوشته وتوسط پوسته تقدیم نمودند، دران عریضه تعیین وقت آمدن مشارٌ الیه و در کجا منزل گرفتن ایشان استیضاح شده بود .

جناب موصوف فقط تعیین منزل و وقت ملاقات را بساعت پنج و نیم تصریح نموده بودند، ارکان خلافت بعد از استعلام وقت و منزل ایشان به هوتل ڈین اجتماع نمودند هیئت ملاقات خواهان علاوه بر اعضای کمیته خلافت خیلی زیاد بودند، سردار موصوف بوقت معین از کمره مخصوص خود برون شده و بایگان یگان اظهار لطف و محبت فرمودند و یک عده از رؤسا و اعضای کمیته خلافت را اجازه دخول در کمره مخصوص خود دادند و با ایشان تا قریب دو ساعت صحبت نموده سپس برای استراحت اجازه انصراف خواستند

۱۱ سرطان این روز مبارک که یکی از ایام متبرکه اسلامی و عید اضحی میباشد جلالتمآب آقای محمد نادر خان برای ادای فریضه عید بطرف مسجد جامع پشاور با عمله خود تشریف بردند حقیقتاً این روز فرحت اندوز علاوه بر تجلیل معنوی یک تجمل و شکوه ظاهری از باعث تشریف آوری مشارٌ الیه اکتساب نموده بود .

احساسات برادران پشاوری نسبت بجناب اعلیٰ بدرجه بالا گرفته بود که بهر لحظه صدا ئے زنده باد نادر خان گوش مخالفین را باهتزاز می آورد. بعد از

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 354 of 711

ادای نماز جناب وزیر مختار نطق بلیغ در اتحاد و اتفاق مسلمین ایراد نمودند. نطق آقای وزیر مختار یک تأثیر عجیبی برای مستمعین بخشیده بود که باختتام هر جمله صدای تصفیق و زنده باد اسلام و اسلامیان زنده باد برادران نسبی ما افغانیان بفلک میرسید در یک ملاقاتیکه جناب سردار اعلی محمد نادر خان با یکنفر وکیل قانونی پشاور نموده ضمناً فرموده بودند، که من فخر میکنم که در مملکت متبوعه ام افغانستان رعایای هنود و مسلمان مساویانه باهم در حیات اجتماعی شریک و برادر وار در شئون داخلی کوشان میباشند اگر هندوستانیها طالب ارتقاء و تکامل خود هستند ناگزیرند از یک اتحاد و اتفاق حقیقی که بی آن هیچ ملت نتوانسته کشتی چار موجه خود را بساحل کشاند پس اولین چیزیکه برای برادران هند من ضرور است همان حفظ اعتقادات و احترام در مقابل معابد همدیگر است. بقوای خارجی اتکا نمودن محض غلط است از بازوی توانای اولاد وطن باید کار گرفت، حکومت افغانستان ازین امتیاز رنگی که اروپائی ها نسبت بشرقی ها داده اند غافل نیست، و بکمال جدیت تساوی حقوق و موقعیت ایشانرا در عالم میخواهد.

سردار اعلی محمد نادر خان در روز ۲۱ سرطان از پشاور حرکت نموده و در همان روز بعد از چند ساعت وارد نوشهره شدند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 355 of 711

از طرف اهالی نوشهره هم استقبال بزرگی بعمل آمده بود، حتی لائحهٔ از طرف انجمن حفاظ قرآن بحضور شان تقدیم و نطق مفصلی در جواب آن از طرف مشار الیه ایراد گردید.

همچنین در «راولپندی» و استیشن های بزرگ دیگر استقبال خوبی شده در راولپندی علما و مشائخ خاصه ارکان کمیتهٔ خلافت چند روز توقف ایشان را درخواست نموده بودند، اما جناب ایشان نظر به پروغرامیکه مرتب نموده بودند توقف نتوانسته از احساسات پاک ایشان خیلی ممنون شده اند.

سردار اعلی محمد نادر خان در روز ۲۳ سرطان با تجمل و احترام فوق العاده که از طرف برادران لاهوری ما شده بود داخل لاهور گردیدند.

از استیشن بزرگ لاهور از بین هزارها مستقبلین هندی و نیز عدهٔ زیادی از انگلیس ها که محض دیدن انان حاضر بودند، بسواری موتر به منزل آقای عبد العزیز خان تاجر که پیشتر برای ایشان از طرف اهالی پیش بینی شده بود، روانه گردیدند.

در بین مستقبلین دستهٔ بزرگی از افغان ها بلباس مخصوص ملی خود حاضر بودند که در جلو موتر ایشان به نواختن موزیک و ترانه های ملی آتن کنان و ملهله گویان میرفتند.

همان روز تا عصر بمنزل آقای عبد العزیز خان تشریف داشتند، عصر برای ادای فریضهٔ معهود یکتا به مسجد وزیر خان تشریف بردند بعد از ادای نماز عصر

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 356 of 711

فرمودند :-

از برادران هندی خود عموماً و از برادران لاهوری خود خصوصاً تشکر مینمایم و در حق احساسات پاک شما را تقدیر و تعظیم می نماید از خداوند عالم برای عموم مسلمین این چنین یک حس دینی و اخوت نوعی را خواهانم .

(در دهلی و بمبئی و دیگر مقامات که قطار مخصوص معظم له می ایستاد از طرف عامهٔ اعزه و مشاهیر محلی جناب شان مظهر پذیرائی های خیلی عالی شده مقدم شانرا گرامی و بقای شانرا یک نعمت لایتناهی میشمردند بیانیه های خلوصیت نمای را بحضور شان عرض و جواب های مؤثر را از وشان میشنیدند.) (۱)

---

(۱) درین موقع جرائد هندی و نویسندگان مشهور آن نواحی قصائد بلند و مضامین ارجمند را نسبت باین انفصال نادری از مرکز و ورودش بهند نگاشته اند اینک با چند شعری که نسبت باین حرکت نادری در یک قصیدهٔ طویلی موجود است و در شمارهٔ (٤۳) سال اول حقیقت کابل نشر شده اکتفا میکنم :-

نادری کو از سپه داران عالم نادر است — جان خود کرده است وقف خدمت دین رشید
آنکه گشت از تیغ برانش عدو را زهره آب — مدعی در آتش توپش سپند آسا طپید
آن شریف ابن الشریف است و نجیب ابن النجیب — آنکه در اخلاق اسلامیست ممتاز و فرید
کو به نقد لطف وقت هجرت هندوستان — از مسلمانان این کشور متاع دل خرید
چون بعزم پیرس آن جنرال غیور جسور — رخت نهضت از وطن در ملک هندستان کشید
هر مسلمانی که از فیض قدومش مژده یافت — دیده فرش راه او کرده بدیدارش دوید

کرد مدحش هر که با او دید و او دیدی نمود
بود وصافش هر آنکه نطق شیرینش شنید

«حقیقت کابل»

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 357 of 711

بالآخره به ۲۹ سرطان سردار اعلی جناب محمد نادر خان در یک مجمع پر از ازدحام انام بمبئی را وداع و بطرف پاریس حرکت نمودند، در وقت تشریف بردن ایشان مردمان زیادی جمع آمده بودند، جناب ایشان با ایراد کلمات بسیار موثری هندوستان و برادران هندی خود را وداع گفته رهسپار منزل مقصود گردیدند.(۱)

وصول وزیر مختار افغانیه در پاریس

در موقع وصول جناب محمد نادر خان در خاک فرانسه بر علاوهٔ آن مراسم تشریفاتی که مطابق اصول مقررهٔ بین المللی گرفته شده بود، از طرف اعزه و معاریف و مأمورین بزرگ فرانسه و دیگر دول معظمه که در پاریس موجود بودند نیز ورود شان تبریک گفته شد و از ملاقات این ذاتیکه تازه از جهان عسکریت بمیدان سیاست قدم گذارده و یک شخص حساس و فعال تاریخی و دارای بسا مفاخر افغانی است بسیار محظوظ میشدند.

خلاصه حضرت معظم له وارد سفارت خانهٔ افغانستان شده بعد از رفع کسالت با تشریفات مخصوص بملاقات جلالتمآب رئیس جمهوریهٔ فرانسه شتافت و بکمال

(۱) از سرمقالهٔ امان افغان شمارهٔ ۷، ۸ سال پنجم ۲۵ سرطان ۱۳۰۳ منقول گردیده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 358 of 711

محبت وگرمجوشی از طرف شخص رئیس جمهور وحواشی شان پذیرائی وبعد از رد وبدل نطق های مقررهٔ ابتدائیهٔ رئیس جمهور فرانسه از دیدن وملاقی شدن باهمچه یک ذات عالی مسرور شدند وبا اوشان این موضوع را خاطر نشان کردند که برعلاوهٔ مقام رسمی شما که از طرف حکومت متبوعهٔ خود دارید ودرینجا بحیثیت ممثل رسمی افغانستان باشما مانند نمایندگان سائر دول معامله میشود، جمهوریت فرانسه شخص شمارا بنظر احترام، واز توقف شما در فرانسه مسرور است .

افکار ونظریات جناب محمد نادر خان در موقع وزارت مختاری شان

در پاریس

از روز ورود معظم له در فرانسه الی زمان معاودت شان مزید انجام وظائف وملاقات وبازدید های رسمی که در آن سلسله طبعاً بعمل میآید دائماً سلسله ملاقات مدبرین بزرگ ودانشوران معظم اوروپا وامریکا وغیره که وارد پاریس میشدند، باجناب محمد نادر خان وزیر مختار افغانستان، جریان داشت هر شخصیکه کمتر وقت را بصحبت اوشان میگذراند زیاده تر محظوظ شده از گرفتن ودانستن نظریات عالی شان در مسروریت خویش می افزودند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 359 of 711

وفکر بلند و افکار ارجمند شانرا تعریف و مزید ملاقات و آرزوی اخذ دیگر خیالات شان را مینمودند .

از جملهٔ این مذاکرات و اجوبه و بیاناتی که جناب محمد نادر خان در وزارت مختاری فرانسه شان اظهار فرموده اند، نظریاتی را که جرائد مهمهٔ خارجی بالنسبهٔ شان انتشار نموده اند از خواندن مضامین ذیل که در اخبارهٔ حقیقت» کابل نشر شده خوبتر معلوم میشود :

حسیّات جرائد جهان راجع بجناب محمّد نادر خان

(۱)

(هر دلعزیزی و پذیرائی های عالی سردار اعلی محمد نادر خان غازی در خارج)

دیرے نگذشته که معاصر عذب اللسان ما ن مجلهٔ شریفهٔ امان افغان در موضوع تبدل کابینهٔ وزرای افغانستان و تقرر سردار اعلی محمد نادر خان بسفارت مختاری افغانی در فرانسه و موجبات آن مانند « مجموعهٔ عسکریه » و وزارت بریه « و جریدهٔ اتحاد مشرقی » جلال آباد اطلاعات دلچسپی راجهٔ ناظرین شان سپرد قلم نموده مخصوصًا « امان افغان » در نمرهٔ (۷) خویش صورت آن خبر

(۱) منقول از صحیفهٔ اول و دوم و سوم شمارهٔ (۲۹) جلد اول حقیقت مطبعه ۲۸ میزان ۱۳۰۳ کابل که از خانهٔ برهان الدین کشکی در هر هفته سه بار در ٤ صحیفه انتشار می یافت .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 360 of 711

مقدم های گرمجوشانه و پذیرائیهای محبت کارانهٔ را که در موقع حرکت آن اجل افخم از افغانستان بصوب پاریس در عرض راه (علاوه بر مراسم تعظیمی که در داخل افغانستان از کابل الی طورخم از طرف هواخواهان و اخلاص مندان شان در محل اجرا آمده) از حد فاصل سرحد الی بومبائی از طرف برادران ما باشندگان هندوستان جابجا بکمال احترام و صمیمیت بعمل آمده بود محض تقدیر ابنای ملت خویش تذکار و از لطف و محبت برادران هندی ما و تشکر از عواطف آنانکه از بسیار جهات باهم داریم نگاشته بود.

الحق که انسان عاقل، عالم، متدین، شجاع، صادق، فدائی بی آلایش، خیرخواه، خادم نوع بشر، وفادار، صاحب عزم، ذی عاطفه صالح، صابر، صاحب استقامت، نیک کردار، نیک گفتار ذی قریحهٔ باوجدان، وطن دوست با ایمان، خلیق و نجیب، صاحب قوت و شمشیر که مصداق آن (جناب محمد نادر خان است) نه تنها در وطن خود و میان اقوام خویش بلکه بهر جا و نزد عموم نوع بشر عزیز و محترم است هر کس این چنین ذات عالی را قدردانی و با او باحترام پیش میآید ملاقات و صحبت او را آرزو مینماید هر شخص با او عاطفهٔ میل و محبت دارد.

ما قلباً مائل بودیم که از صورت آن پذیرائی های شاندار و خیر مقدم های

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 361 of 711

قیمت داری که بحضرت معظم له از دار السلطنهٔ کابل الی دکه و از لوارگ الی فرانسه
از طرف عموم و خصوص نسبت بحرکت این مرد نامدار و شخص دیندار بعمل آمده است
زینت افزائی صفحات جریدهٔ خود را همی نمودیم لکن دو مسئله مانع آمد، اول
قلت محل اندراج دوم چون صورت پذیرائی های مزبور بکمال تفصیل و وضاحت
در جرائد وطنیه و اخبارات خارجیه مرقوم گشته بود از انتقال آن مستغنی بودیم.

خوشبختانه درین ایام صورت پذیرائی و خیر مقدم محبت کارانهٔ آن دانشور
یگانه را در پای تخت فرانسه نیز بیکصورت مرغوب و طریقهٔ از حد خوب دریافتیم و نظریات
جرائد اوروپائی را در صفات و مزایا و خصال حمیدهٔ این مرد کار آگاه عدیل
و همنوای جرائد وطنی خویش دیدیم - چون نمیتوانیم که بر تمام آن مندرجات تبصره
و یا عدهٔ از آنها را اقتباس کنیم درین ضمن تنها به نقل و ترجمه نمودن نظریهٔ
(ریویو دیپلوماتیک (LA REVUE DIPLOMATIQUE) مجلهٔ سیاسی)
پیرس که نسبت بعموم اخبارات غربی او را جامع و مانع درین موضوع یافتیم
میپردازیم این مجله (ریویو دیپلوماتیک (LA REVUE DIPLOMATIQUE.)
(مجلهٔ سیاسی) در صحائف منتشرهٔ (۳۱) ماه اوت ۱۹۲٤ که مطابق ۸ سنبله ۱۳۰۳ میباشد
یک سر مقالهٔ غرائی را که دارای بسیار کنایات و اشارات مسرت افزائی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 362 of 711

که خاصهٔ قلم فرانسوی است نسبت بحضرت اجل محمد نادر خان غازی بعد از اینکه در آغاز آن تصویر شجاعت تخمیر محمد نادر خان را با عکس آن منار یادگار استقلال که بنام شان تعمیر یافته است زنگوگرافی کرده قلمبند نموده است که ما در ذیل عیناً ترجمهٔ آن سر مقالهٔ مجلهٔ سیاسی را که فعلاً به پیشگاه ما موجود است نقل کنان اعلیحضرت معظم غازی خود را بداشتن همچه رجالِ صادق تبریک و بحضرت محمد نادر خان توفیق مزید خدمات را خواهان بوده از عموم هواخواهان و دوستان افغانستان اظهار امتنان میکنیم .

جناب اجل مارشال محمد نادر خان وزیر مختار افغانستان در فرانسه و بلجیک

«در نوبهٔ اخیر خود عزیمت جناب اجل محمود طرزی را بجانب کابل که مدت دو سال نمایندهٔ فوق العاده و وزیر مختار مملکتش در فرانسه و بلجیک بوده است اشعاراً داشتیم معزی الیه ما را ترک گفته برای اینکه حسب الامر اعلیحضرت امیر مجدداً مسند وزارت امور خارجیه را که قبل از وزیر مختاری فرانسه نیز دارا بود اشغال نماید»

«جناب اجل محمود طرزی در پاریس دوستان متعدد و یادگار خوبی را از خود

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 363 of 711

باقی گذارده است فرانسه و افغانستان را در مدت اقامتش بیک دیگر نزدیک و شناسانیده است».

«شخصیکه بجای او تعیین شده فوق العاده بزرگ و ذیقیمت و یکی از اعمال استقلال افغانستان جناب اجل مارشال محمد نادرخان، است وزیر حربیهٔ افغانستان در دربار فرانسه چند روزیست که بپاریس وارد شده - این شخص معظمی است که اشتهارش مدتها است از سرحد وطنش عبور کرده - از خانوادهٔ بسیار نجیب و خاندانش نفوذ زیادی در آسیای وسطی دارند - از خانوادهٔ معزی الیه مردمان مشهوری بیرون آمده که برای عظمت افغانستان کار کرده اند، فعلاً چند برادرش چه در قشونی و چه در ادارات کشوری مصدر کارهای بزرگ هستند، یکی از برادران مارشال که سابقاً ژنرال دیویژیون بوده (محمد هاشم خان)، امروز وزیر مختار در ماسکو میباشد. برادر دیگرش (محمد عزیزخان)، مفتش کل طلبای افغانی است که در اروپا مشغول تحصیل هستند و سابقاً یکی از اشخاص قابل ملاحظهٔ حکومت بوده است، سومین برادرش (شاه محمود خان) قوماندان قطغن و بدخشان است، دیگریکه سابقاً حاکم نظامی کابل بود (شاه ولیخان)، حال نائب سپهسالار نظامی و مصاحب حضور اعلیحضرت امیر است

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 364 of 711

سن جناب اجل (محمد نادر خان) چهل سال است، معزی الیه یک فرد کامل و اعلای افغانی است که رهلکوس (RELCOUS) برای ما بیان کرده است.

قیافهٔ باهوش وزیرک پر معنی اعمال و رفتار عالی ساده. بعلاوه در اولین نظر از مارشال یک احساس شجاعت و تهوری دیده میشود - البته نباید فراموش کرد که محمد نادر خان قبل از اینکه داخل در خط سیاست گردد یک مرد رزمی بوده است ورود معزی الیه در خدمت عسکری در سال (۱۹۰۳) بوده در ۱۹۰۶ بسمت جنرال فوج مقرر گردید در ۱۹۰۷ بمعیت اعلیحضرت شهید امیر حبیب الله خان بهند رفت در ۱۹۱۲ بود که بخوبی توانست مراتب لیاقت و شایستگی نظامی خویش را ظاهر سازد - در ان موقع قبائل سمت جنوبی افغانستان سخت شورش کرده بودند پس از خاموش کردن آن فتنه برتبهٔ نائب سالاری مفخر گردید - و چند سال بعد بمنصب مارشالی (سپه سالاری) نائل شد در ۱۹۱۹ خدماتیکه در جنگ استقلال بعرصهٔ ظهور رسانید فوق العاده معزی الیه را طرف تقدیر و تحسین وطن پرستان افغانستان نمود.

امیر جوان بنائب السلطنهٔ هندوستان خبر داد که پس ازین مملکتش روابط خارجی خویش را اداره خواهد نمود نائب السلطنه جوابی نفرستاد ولی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 365 of 711

دستجات قشون انگلیسی که را اشغال نمودند، اینوقت مخاصمت از طرف افغانستان هم شروع شد قشون کشی چهار ماه طول کشید حکومت هند مجبور شد که ۹ بریگاد طوپخانه وقوای زیاد اعزام دارد. در ۱۹۱۹ مقدمات صلح در اول پندی بامضا رسیده ومعاهدهٔ قطعی چند ماه بعد در کابل امضا شد. بموجب آن استقلال کامل افغانستان شناخته شده و هرگونه قیودات از آن مرتفع گردید نادرخان درینواقعه چه مداخله وخدمتی کرده است البته اگر سوال کنیم از خود او جوابی نخواهیم شنید (زیراکه وی شخص خودپسند نبوده و بمدح گوئی خود دلچسپی ندارد) «حقیقت» ولی در ۱۹۲۰ بافتخار و یادگار استقلال افغانستان مناری در کابل ساخته شده و در روی آن این لوحه بدینمضمون نصب گردیده است :- بافتخار وطن پرست معظم محمد نادرخان فرماندهٔ کل دستجات (قشون)، که بقوهٔ شمشیر او استقلال مملکتش را از انگلستان گرفتند نصب شد». از ۱۹۱۹ نادرخان وزیر جنگ بود بواسطهٔ زحمات او اگر افغانستان از حیث عده بهترین قوای آسیای وسطی نشد لااقل از حیث تعلیم وانتظامات عسکری این رتبه را دارا است.

پس از تکمیل این تشکیلات محمد نادرخان بجای محمود طرزی منصوب گردید در موقع ورود «بمارسیل» (MARSEILLE) اظهار داشته است

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 366 of 711

که من بکمال افتخار این مأموریت را قبول کردم. ما برای دلائل بسیار و متعدد محبت فرانسه را در دل داریم، فرانسه بزرگترین و بهترین شاخص و پیشوای آزادی بوده و ما مدتها برای آزادی خود جنگ کردیم و مائلیم که خود را بیش از بیش بفرانسه نزدیک سازیم، عملیات و رفتار اعلیحضرت امیر و ملت افغان بهترین دلیل و اثبات این کلمات است».

پس از آنکه تربیت پسر خود و اطفال منصبداران بزرگش را بفرانسه سپرد اعلیحضرت امیر مکرر گفته است که باید مملکت افغانستان با کمک فرانسه داخل دائرهٔ تجدد گردد».

همیشه نمایندهٔ خود را در پاریس تاکید کرده است که هیئت معلمین برای تشکیل مکتب مقدماتی و عالی بکابل بفرستید، وقتیکه هیئت عتیقه شناسی بریاست الفرد فوشه (M. ALFREDFOCHER) بکابل رسید اعلیحضرت امیر امتیاز حفریات مملکتش را برای مدت سی سال بدولت فرانسه واگذار نمود.

بالآخر امیر نهایت مائل است که زبان فرانسه در افغانستان شیوع یابد برای تحصیل زبان فرانسه شوق دارد و فعلاً نیز تکلم میکند، مائل است که اهل فن فرانسوی از قبیل طبیب متخصص قابله - مهندس و مردمان صنعتی به مملکت او بروند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 367 of 711

«با این تفصیل اهمیت کار مامور افغان در پاریس معلوم است تا چه اندازه؟ و شخصیکه بسوی این ماموریت انتخاب شده معلوم است با چه وقعیتی بوده است وظیفه وخیال نادرخان فقط این نیست که افکار فرانسوی را بمملکت خود داخل نماید بلکه توسعهٔ روابط اقتصادی بین این دو ملت را نیز شامل است».

محمد نادرخان اظهار داشته چیزیکه ما بیشتر خواهانیم این است که نفوذ اقتصادی فرانسه در مملکت ما زیاد شود، قالین و پوست مملکتی ما برای بازارهای شما از مال التجارهای سائر کمتر نیستند».

«نباید فراموش کرد که در افغانستان معادن نفط، ذغال سائر معدنیات فراوان و هنوز دست نخورده است از نقطهٔ نظر زراعتی منابع ثروت افغانستان بسیار خوب است تجارت میوه خیلی ترقی کرده و تربیت حیوانات اهلی در حال نمو است بعلاوه زراعت و تخم پیله و ابریشم در بعضی ایالات افغانستان خیلی طرف توجه میشود - وضعیت فعلی افغانستان شبیه بوضعیت ۱۸۶۸ ژاپون است و میخواهد آن هم یک ملت مثل ملل ۱۹۲۶ شود؛ البته وضعیت جغرافیائی ملت جوان اسیای وسطی بمساعدت وضعیت مملکت مشرقی اقصی است. ولی در موقع استقلال افغانستان از حکومت هند حق عبور مال التجاره اش را از بنادر کراچی، بمبئی و سائر

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 368 of 711

بنادر هند تحصیل کرده و بهترین گواه ادعای ما این است که اسلحه و توپ های مسلسلی که افغانستان از فرانسه خریده و همچنین سائر مهماتیکه از ایطالیا خریداری کرد از هندوستان عبور و حتی وسائل تسهیل عبور آن از طرف حکومت هند فراهم آمد بنا بران برای توسعهٔ روابط تجارتی افغان و فرانسه که نقشهٔ جناب اجل محمد نادر خان است هیچ مانعی دیده نمیشود ، فرانسه امیدوار است که مقاصد این ژنرال فاتح و نماینده معظم ملت قوی و وطن پرست افغان که دوستی آن از نقطهٔ نظر اسلامی و آسیائی برای فرانسه مغتنم است عقیم نماند . (۱)

جناب محمد نادر خان آرزومند معاونت فرانسه با افغان است

[ژورنل) (JOURNAL) منطبعهٔ پاریس در اشاعهٔ ۱۸ - اکتوبر مطابق ۲۹ برج میزان ۱۳۰۳ مقالهٔ ذیل را از قلم موسیو ژان لون JEANLÉON که یکی از مستشرقین و ماهرین مشهورهٔ فرانسه است بعد از گراور نمودن فوتوی وزیر مختار فرانسه که ما آنرا در اخبار مزبور مشاهده نموده ایم نوشته است ، ما نیز آنرا قابل انتشار دیده ، یکی از دوستان خود تکلیف کردیم تا ترجمهٔ آن را

(۱) منقول از شمارهٔ ۲۹ صفحه ۲۰۲/۱ ، سال اول حقیقت مطبعهٔ ۲۴ میزان ۱۳۰۳ - کابل که مدیریش بران دین شکی بود.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 369 of 711

بغرض اشاعت بزبان فارسی برای ما ارسال دارد - «حقیقت» .]

« مارشل محمد نادر خان وزیر جنگ افغانستان بسمت وزیر مختاری از طرف دولت متبوعه اش بتازگی بپاریس ورود نموده ، اعلیحضرت امیر جانشین اوجناب محمود طرزی را که مدت دو سال در مملکت ما اقامت نموده امر احضار به پایتخت و مأموریت مهم وزارت خارجیه را بایشان سپرد » .

« مارشل یکشخصی است بلند قامت ، باریک و بسیار خوش قیافه دارای یک ریش کوتاه کمی که تازه بعضی از آنها میل به سفیدی آورده ، در چشم عینک های کلان و مدور . وزیر مختار جدید یک صورت و قیافه کامل افغانی را دارا میباشد دارای یک اخلاق اشرفانه باوقار و سنگین ، نژاد و نجابت او از قیافه و سیمایش هویداست » .

« با غرور و نخوت ابداً آشنائی ندارد ، در ملاقات و مذاکره دیده میشود که عبارت طویل و بی فائده را دوست ندارد ، تمام اطلاعات و اشارات او صاف و بی آلایش و با مدرک میباشد » .

« چون ازین شخص محترم تعریف شنیده بودم مائل بملاقاتش شدم ، در ضمن ملاقات بمن چنین اظهار داشت که وطن ما در قلب آسیای مرکزی بین هند و ستان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 370 of 711

روسیه - چین و ایران است .»

« در چارسوی تمام راهائیکه از عهد بسیار قدیم راه عبور از روسیه بهندوستان و واسطهٔ مرابطهٔ اهالی سواحل « مدیترانه » MÉDITERRANÉE و بشرق اقصی میباشد

« مذهب ما اهالی اسلام ، و پادشاه معظم کنونی ما یک شخصیست که دارای خیالات و افکار روشن و مائل است که مملکت خود را کاملاً یک مملکت جدیدی نموده و از تمام ترقیاتیکه باعث سعادت سائر ممالک شده است از آنها استفاده کرده ملک و ملت خود را بشاهراه ترقی هدایت نماید .»

« پایه و اساس تمام این ترقیات را امور معارفی دانسته باین دلیل پادشاه محبوب من قبل از هر چیز بدولت فرانسه رجوع کرده و از حکومت شما امداد برای تشکیلات معارفی خود طلب نمود و یک عدهٔ زیاد از جوانان افغانی را که تمام آنها از خانوادهٔ نجبا هستند بمملکت شما روانه داشت که الحال در لیسه مشیله LYCÉE MICHELET مشغول به آموختن علوم و ترقیاتیکه باعث خوشنودی مملکتین است میباشند .»

« موقعیکه جناب پروفیسر الفرد فوشه (M. ALFRED FOUCHER) فاضل معروف بکابل وارد شد راجع به امور تعلیمیه مشوره های مفید برای ما داد و یک مکتب

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 371 of 711

فرانسوی در پایتخت تأسیس شده که صدها اطفال وطن عزیزم دران مکتب مشغول تعلیم و تربیه میباشد .»

«حکومت افغانستان انحصار و امتیاز کشف آثار عتیقه را برای مدت سی سال به هیئت علمیه فرانسه عطا فرموده که در تمام خاک افغانستان جستجو نموده آثار تاریخی مملکت ما را کشفیات نمایند - اینها پایه و اساسی است که تاکنون ایجاد شده و امروز لازم است برای تأسیس و ادارات اقتصادی و ترقیات آن فکر و خیالات عمده نمائیم .»

« در خاک مملکت من معادن ذغال سنگ فراوان موجود میباشد که تاکنون در چند نقطهٔ معین در اطراف ولایت کابل کشف و پیدا شده است .»

«و یک معدن آهن که مهندسین فرانسوی جستجو کرده است یافت شده و از قرار گفتهٔ آنها آهن آن نقطه نهایت اعلی میباشد .»

«معدن مس هم در چندین نقطهٔ مملکت یا یافت شده است که بسیار قابل استفاده خواهد بود .»

«طلا هم در قندهار بکار افتاده است و در چندین نقاط دیگر هم یافت میشود.»

«معادن نفت ایران از قراریکه حدس میزنند دامنهٔ آن معادن تا بخاک ما

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 372 of 711

سرایت میکند .»

« از طرف دیگر مملکت ما برای تجارت پشم یکی از بهترین ممالک است و حاصل پشم، چرم، پنبه در نهایت اعلائی میباشد .»

« آبشارهای زیادی در مملکت ما است یک عدهٔ از ان آبشارها را برای قوهٔ برق بکار انداخته ایم .»

« با این حال بطوریکه می بینید مملکت ما از حیث ثروت یک مملکت پرمنافعیست ، از نقطهٔ نظر جغرافیائی دیده میشود که در آتیه نه فقط یک مرکز مملکت حاصل خیز بلکه یک مرکز تجارت درجه اول خواهد شد . و مرکز عمدهٔ آذوقه های ممالک آسیائی مرکزی خواهد گردید .»

« معاهدهٔ که با انگلستان بسته ایم بما کاملاً حق میدهد که مال التجاره ها آزادانه از راه کراچی و بمبئی عبور و بخارج فرستاده خواهد شد .»

« درین مأموریت خود نهایت شغف و خورسندی دارم که بسریع ترین اصول و حتی الامکان نقشهٔ جدید تشکیلات تجارتی ، صنعتی ، اقتصادی افغانستان را به کمک و شرکت با فرانس منعقد و تهیه نمایم قبل از هر کس ایجاد و اولاً میل و آرزوی ما آنست که فرانس دست مودت بما داده و برای منافع مملکتین

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 373 of 711

باما مساعد، و در انجام و قرار این کارها شرکت ورزند که فائدهٔ دو مملکت از روی دوستی بی آلایش و بغرضانه و صادقانه درین خواهد بود. (۱)

در خاتمه اجازه بدهید که آرزومند از صمیم دل امیدوار باشم که درخواست پادشاه معظم محبوب و صدای مملکت افغان که من حامل آن هستم در مملکت دوست که من آنرا بی اندازه عزیز میدانم شنیده و فهمیده شود. (۲)

زمزمهٔ عدم قدردانی حکومت ایران از محمد نادر خان غازی

هرچند این جناب از حکومت متبوعهٔ خود بنا بر جهاتیکه اجمالاً مذکور شد خیلی شکوه و شکایت داشت و متیقن بود که حکومت وجود مرا سد راه پیشرفت خیالات ضرر رسان شعله افشان خود دانسته، بودنم را در وطن لازم نمیداند ولی در داخل این در دل و کاهش روحانی خود را (باستثنای آن وطنخواهان صادق که مسلکاً با اوشان همنوا بودند) به احدی اظهار نکرد و در خارج ابداً

(۱) اگر بر تمام نطق های سفرای و وزرای مختار حتی وزارت خارجهٔ عصر امانیه نظر دقت و انصاف دیده و ملاحظه شود علانیهٔ معلوم میگردد که باین اندازه یک بیان جامع و اظهار نافع از هیچکدام آنها خوانده و شنیده نشده و در حالیکه ازین قبیل اظهارات عالیشان جناب محمد نادر خان تمام صحائف جرائد جهان مملو است.

(۲) منقول از صحیفهٔ (۱، ۲) شمارهٔ ۴۶ سال اول جریدهٔ حقیقت کابل منطبعهٔ ماه قوس ۱۳۰۳ که تحت اداره برهان الدین کشکاکی بود.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 374 of 711

با هیچکس و در هیچیک موقعی ذکر و اشارهٔ از این تباین نظری و فکری که بین او شان و حکومت امانی واقع است نفرمودند .

مگر در اثر ملاقات ها و تبادلهٔ خیالاتیکه او شان با دانشوران دنیا میفرمودند و فکر رسای شان بحل هر نوع غوامض و مشکلات میپرداخت و اشخاص مخاطب این افکار عالی و دیگر کارنامه های تاریخی او را بخاطر می آوردند و باز تقریر همچه یک ذات کامل الصفا در حالیکه بداخل وطن مظهر بسا خدمات عمده و اجراآت بلند میتوان شد بر تبهٔ وزارت مختاری حکومت متبوعه اش میدیدند، علی الفور باین نکته ملتفت میشدند که شاید نظریات شخص شاه با این شخص کار آگاه همراه نیست که آنها را بکاریکه جز او شان دیگری هم میتواند از عهده اش برآید مقرر و ملک و ملت را از مزید کارنامه های عالی و افتخارات تاریخی او شان محروم داشته اند .

چنانچه این موضوع از روز مواصلت جناب شان به پاریس الی مدتی دوام کرد و جرائد راجع به این مسئله رقم رقم سوال ها از حکومت افغانستان کردند حتی ماموریت موجودهٔ جناب محمد نادر خان را صراحتاً به لفظ تبعید یک مدبر عظیم الشان افغانستان از طرف شاه امان الله خان نگاشتند .

وقتیکه این شور و غوغای جرائد زیاد و این اطلاعات در داخل وطن هم

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 375 of 711

واصل شد نفری داخلی افغانستان این جد سیات جرائد دنیا را نظر به اعمال
اشتعال آمیزانهٔ حکومت امانیه و اوضاع خداپسندانهٔ نادری لفظ بلفظ تصدیق
کردند و این وضع امان الله شاه را هم به ردیف دیگر اوضاع بیجای او شامل ساخته
در نفرت و مخالفت از حکومتش افزودند .

چون اثر نشر این خبر بی احترامی آن وظیفه نامور در وطن برای حکومت امانی
اثرات سوئی را می بخشید علی الفور تردید آتی الذکر این نشریات از طرف حکومت
تحریر و بالسنهٔ متعدده بجرائد خارجه ترسیل و نشر و در خود مرکز در روزنامه رسمی
وزارت حربیه (حقیقت) که در انوقت یگانه اخبار مهم و زبان حکومت پنداشته
میشد نیز شائع و باینوسیله یک سکون آنی و تسلیت سرسری بملیون افغانی
داده شد، که این تردیدیه قرار آتی از جریدهٔ حقیقت مرکزی نقل میشود :-

« وزیر حربیهٔ سابق افغانستان یکی از فداکاران جنگ استقلال و از
فرزندان نامی افغانستان حضرت سردار محمد نادر خان بود و غالباً در غیاب
اعلیحضرت نظارت بحسن جریان امور داشت هرچند خدمات معزی الیه
در مدت سلطنت سابقه اظهر من الشمس و در همان دوره نیز بمنصب منیع سپه سالاری
نائل گردید ولی قدردانی اعلیحضرت غازی از زحمات او بقدری بود که تربیهٔ

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 376 of 711

اولین وزیر افغانستان مفتخر و منصوبش فرمودند روزنامهٔ وقت منطبعهٔ اسلامبول در شمارهٔ ۲۵- ذیحجه خود تصویر همین شخص معظم را گراور کرده از انتخاب نامبرده بوزارت مختاری پاریس متعجبانه سوال نموده و حتی برای این انتصاب، صورت بعیدی تصور کرده بود .

واقعاً مورد بسی تعجب ما گردید که نویسندهٔ محترم چگونه دچار این اشتباه عظیم گردیده و یک چنین گمانی در مورد این سردار بزرگ افغانی برده است هرچند که اطلاعات ما در بارهٔ معزی الیه و چگونگی انتصاب باین شغل بطوریکه باید و شاید نیست و آنچه را که سابقه داریم و تا درجهٔ نیز بصحت آن معتقدیم بکلی ازین تصور نگارندهٔ محترم روزنامهٔ وقت، تردید و تکذیب میکند- جناب سردار اعلی محمد نادر خان سپه سالار از اقربای اعلیحضرت غازی امیر امان الله خان فرزند ارجمند ارشد سردار محمد یوسف خان ولد سردار یحیی خان ولد سردار سلطان محمد خان ولد سردار پاینده محمد خان جد امجد اعلیحضرت امیر شهید . سنش بین چهل الی پنجاه است از سنه ۱۳۲۱ قمری یعنی بیست و سه سال قبل اولین قدم ترفیع خود را برداشته و بمنصب کندکشری نائل گردیده است . ازین تاریخ خدمات شایان معزی الیه بدولت و ملت افغانستان شروع شده در اغلب از نقاط مهمهٔ افغانستان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 377 of 711

مأموریت داشته و همیشه طرف تمجید و تحسین اعلیحضرت شهید بوده است، خدماتی که معزی الیه در دورهٔ سلطنت سابقه در فرونشاندن شورش سمت جنوبی افغانستان و سائر انقلابات سرحدی وغیره کرده است، واقعاً در افغانستان فراموش شدنی نیست. لیاقت و کاردانی این فرزند رشید افغانی باعث شد که در ظرف مدت قلیلی یعنی در سنه ۱۳۳۰ برتبهٔ عالی سپهسالاری مفتخر گردید در ان فرصت نیز در ترقیات عسکری از حد زیاده کوشیده نظام افغانرا یک نظام مکملی ترتیب داده چنانکه در جنگ استقلال همین سپاه دست پروردهٔ محمد نادرخان بود که در تحت فرماندهی خود او در یک محاذ جنگی که قطعیاً کمتر از ششصد میل نبود در مقابل عسکر دولت برطانی کبیر جنگیده پافشاری نموده در نتیجه این موفقیت از حضور اعلیحضرت غازی سردار سپه و وزیر وزارت جلیلهٔ حربیه منصوب و مناریادگاری بافتخار این سردار نامی بفرمان اعلیحضرت امیر در کابل ساخته شد، در دورهٔ سلطنت فعلی علاوه بر خدمت عسکری خدمات کشوری متعددی نموده ماموریتهائیکه برای انتظام رشته های پراگندهٔ نقاط مختلفهٔ افغانستان از قبیل اصلاح و تنظیم قطغن و بدخشان و سمت مشرقی بمعزی الیه تفویض شده که همهٔ انرا بانهایت خوبی و صحت انجام داده همیشه مورد تحسین و تقدیر ذات همایونی و ملت افغانی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 378 of 711

بوده است خدمات بزرگ این شخص بقدری است که اگر بخواهیم حتی بطور خلاصه نیز بیان نمائیم کاملاً از موضوع منحرف خواهیم شد این است که مختصراً میگوئیم چون در حین انجام وظائف و مأموریت های خویش تقریباً در اواخر ۱۳۴۲ ق در اثر زحمت های متحمله بعلالت مزاج و امراض متعدده گرفتار آمد پس از از مدتی بمعالجه مجبور باستعلاج در اروپا گردید اعلیحضرت امیر از همان نقطه نظر نوازش خادمان حقیقی افغانستان رضایت ندادند که یک همچه مرد جلیل القدر کار آگاه بدون داشتن یک سمت رسمی که استفاده های بزرگی را برای وطنش تأمین مینمود باروپا برود. این بود که معزی الیه را بوزارت مختاری پاریس منصوب فرمودند تا علاوه بر اطلاعات و معلومات داخلی تجربه و بصیرت کامل از سیاست و وضعیات خارجی بدست آورده و در واقع این سردار بزرگ یک مرد سیاسی نیز گردد. سائر برادران و اعضای خاندان معزی الیه که هر یک بنوبهٔ خود مانند برادر مکرم شان جان فشانیها نموده اند کما فی السابق مظهر الطاف شاهی بوده و میباشند مثلاً یک برادر شان آقای محمد هاشم خان سفیر افغانی در مسکاو و برادر دیگر آقای شاه ولیخان نائب سالار داماد اعلیحضرت امیر که در همین بغاوت اخیر سمت جنوبی و در همین مقابلهٔ جهل و علم، ظلمت و نور

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 379 of 711

بفرماندهی یک محاذ بزرگ مقرر است . برادر کوچکترشان آقای شاه محمود خان رئیس قشون قطغن و بدخشان است و دیگر برادرشان آقای سردار محمد عزیز خان نگران محصلین افغانی در اروپا میباشند همچنین سائر برادران و اعضاء خانوادهٔ شان از قبیل آقایان احمد شاه خان و احمد علی خان و علی شاه خان و محمد کریم خان هر یک یا منتظم در سلک عسکری و یا مرجع خدمات کشوری و همیشه از الطاف و توجهات مخصوصهٔ اعلیحضرت غازی کامیاب و برخوردار میباشند.....»(۱)

اجراآت عمدهٔ جناب محمد نادر خان در سفارت فرانسه و بلژیک

با این دلشکنی و عدم قدردانی که این مرد تاریخی برخلاف توقع از حکومت متبوعهٔ خود و بعض رجال خیانت پیشهٔ آن دورهٔ مشاهده میکرد و در راه پیشرفت آن مقاصد عالیهٔ خویش که برای تامین شرف و عزت و احترام مملکت و سعادت ملت خود آنرا از نظر گرفته بود و در راه آن به انواع مشکلات تصادم میکرد

(۱) منقول از صفحه ۳۰۲ شمارهٔ ۳۹ جلد اول مجرهٔ چهارشنبه ۲۰ عقرب ۱۳۰۳ اخبار حقیقت کابل که برهان الدین کشکی آنرا اداره میکرد.

و از شمارهٔ ۱۲ سال ۲۲ جریدهٔ حبل المتین کلکته در دوران مدیریت دانشور علامه آقای مؤید الاسلام .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 380 of 711

جاهدانه و صبورانه کار میکرد و زحمت میکشید و بسا افکار و نظریات مفید را در اثنای این ماموریت خویش در وزارت مختاری فرانسه و بلجیک در اثر مطالعات و تتبعات و کشفیات خود بدست آورده همهٔ آنرا جهت تطبیق اجراء و استیذان بمرکز میفرستاد ولی از طرف شخص شاه و زعمای آنوقت شنیدن و تحسین و آفرین گفتن و قبولیت آن پیشنهادهای نافعهٔ نادری در کنار حتی از وصول اکثری از ان مطالعات نیز اطلاعی به اوشان داده نمیشد .

بالجمله حضرت تعالی محمد نادر خان در اثنای این ماموریت سیاسیه شان بخوبی توانستند و موفق شدند تا آن نزاع پر از نزاکتی را که بین معلمین فرانسوی و وزارت معارف افغانستان راجع به بعضی امور اداری مکتب امانیه واقع و اسباب غلط فهمی را فراهم آورده بود و علامه محمود بیگ طرزی و ارباب حل و عقد حکومت امانی در ازالهٔ آن کامیاب شده نتوانستند - حسب دلخواه رفع کردند .

راجع بفراهم آوری تسهیلات برای آن هیئت حفریهٔ فرانسوی که امتیاز انحصار و انکشاف آثار عتیقهٔ افغانستان برای شان داده شده بود نیز اقدامات درستی نموده اند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 381 of 711

از ان طلبهٔ افغانی که در پاریس تحت نظارت برادر مهرپرورشان آقای سردار محمد عزیزخان مصروف تعلیم بودند نیز دائماً خبرگیری و اجریان امور تعلیمی و ادارهٔ حیات، و حسن اخلاق و طرز رفتار آنها هم بخوبی کسب استحضاریت میفرمود.

یکعدهٔ مکفی اسلحهٔ که وزارت حربیهٔ افغانستان بآن زیاده تر احتیاج داشت نیز بقیمت مناسب و استحصال منافع حکومت از ان خریداری و بمرکز ارسال فرمود.

چند عراده موتر زره پوشی را که دارای بروج متحرک و بشکل یک تهانهٔ سیار مستحکم و قابل دفاع و تعرض است نیز ابتیاع و بمرکز بقسم نمونه ارسال نمود تا اگر خریداری مزید آنرا لازم دانند اطلاع کنند.

چند دستگاه رادیو و آله های بکبر الصوت را که وجود و استعمال آن در افغانستان جهة اخذ و تبادلهٔ اطلاعات و ابلاغ مطالب از حد زیاد حتمی و ضروری بود نیز خریداری و بمرکز ترسیل داشت.

و بر علاوهٔ آن دیگر اقدامات و اجراآت را نیز مصدر شده اند، که تفصیل آن فعلاً بخاطر نیست.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 382 of 711

استعفای آخری و کناره جوئی قطعی جناب محمد نادر خان از حکومت امانی

چون آن التماس های ضروریه و پیشنهادهای نافعهٔ او شان که راجع بمنافع وخیر وطن دائماً بمرکز میفرستادند بسمع قبول شنیده نمیشد بلکه علی الرغم آن اقدامات بعمل میآمد و در عین زمان تمام اجراآت دورهٔ امانیه را طوری اشتعال انگیز و شر آمیز مشاهده میکردند که از تصور نتائج عالم تباه آن بر خود می پیچیدند و می طپیدند و همهٔ آن اقدامات مضرهٔ را که شخص اعلیحضرت امان الله خان متملقین حضور شان به گامهای بزرگ تجدد و ترقی تعبیر میکردند این مرد روشن ضمیر در پرتو عقل و ذکای خود عیناً مثل یک رفتار سریع تقاعد و تنزل و رجعت قهقری میدانست و یقین میکرد که این طرز عمل عنقریب جامعه را بانواع مصائب و بلیه گرفتار میسازد .

ازین جهت همان امراض متعدد دماغی و تکالیفی که باعضای رئیسهٔ شان در اثر آن کاهش های روحانی که بداخل وطن برایشان لاحق و عارض شده بود ، از این رفتار مصاعب آثار اخیرهٔ عصر امانی رو بترقی و تزاید گذاشته

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 383 of 711

رفت و این وسواس هر رقم و خوف و اندیشه هائیکه بر دل اوشان بالنسبه تباهی آتیه وطن مستولی میشد یوماً فیوماً بر وجود شان افزون و مضاعف میگشت .

تا اینکه همین علالت و مصیبت اوشانرا در سنه ۱۳۰۵ اش باین امر وادار کرد که قطعیاً باید از کار حکومت دست کشید . و در پی اعادهٔ صحت و علاج این درد پر زحمت خود باید افتید .

زیرا درصورت مشارکت بامور مملکت امکان نیست که از اوضاع و چگونگی رفتار و کردار حکومت اطلاعی حاصل نشود در حالیکه خبر گرفتن ازین حرکات پر از فتن برای همچو من یک خیر اندیش ملت و فدائی وطن موجب هزاران رنج و محن است .

درینموقع اگرچه جناب سردار محمد عزیز خان بمعیت عدهٔ از ان طلبهٔ افغانی که در فرانسه مصروف تعلیم بودند بکابل طلب شده بودند اما سردار محمد هاشم خان از سفارت مختاری افغانستان در ماسکو سبکدوش گردیده برای پرستاری برادر خود جناب محمد نادر خان وارد پاریس شده بودند - و هم سردار شاه ولیخان از شنیدن خبر ناخوشی شدید و تنهائی برادرش سپه سالار صاحب و دیدن اوضاع ناگوار حسرت افزای شاه و اهل کار افغانستان برای خبر گیری و تیمارداری

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 384 of 711

برادر موقرش و کناره بودنش را از ان محیط پر آشوب بهتر دیده بعد از اخذ اجازه از حکومت، کابل را پدرود و در فرانسه ورود نمودند .

این هر سه برادر دانشور چون از رفتار مخالفانهٔ اشتعال آمیزانهٔ حکومت اطلاع مکملی داشتند و هم میدانستند که عدهٔ از مغرضین طورے اطراف شاه را احاطه کرده اند که عرائض نافعهٔ هیچکی از وطنخواهان صادق که برائے خیر ملت و مملکت باشد در ینفرصت بسمع اعلیحضرت مؤثر و با اهمیت تلقی نمی شود، و بدخواهان افغانستان نمیخواهند که امثال ما خیر اندیشان حکومت داخل خدمات وطن باشیم اگر تکرار بوطن عودت کنیم البته این معاودت ما را همان اشخاص مغرضیکه موجبات حرکت ما را از وطن فراهم آورده اند وسیلهٔ القای مزید غلط فهمی و شکر رنجی و جدائی بین ما و شخص شاه خواهند ساخت، بنابران لازم و ضرور است که خود ما را از کار حکومت کناره کنیم زیرا درینموقع که اعلیحضرت امان الله خان بران افکار خود پسندیکه موجب پریشانی و گزند ملت را فراهم می آورد و آتش شقاق و نفاق را از دست خود بخرمن اینیت جامعه و وطن میزند و در مشکلات محیط می افزاید و بآن همه عرائض و پیشنهاد های تحریری و تقریری و تیلفونی و تلگرافی و معذرت و خشونتیکه ما همه بالنسبهٔ تعدیل افعال و اصلاح اعمالش برای خیر او شان و منفعت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 385 of 711

ملک نمودیم گوش نمیدهد بودن ما در معیت او موجب بدنامی دنیوی و عذاب اخروی شده بر جامه های سفید ما لکه های سیاه بدنمائی از تبعیت حکومت امانی می افتد .

لذا جناب محمد نادر خان بتاریخ ۳۰ ماه نومبر ۱۹۲۶ء یک استعفانامهٔ آخری و اعلان کناره جوئی قطعی خویش را از امور رسمی حکومت امانی مکتوباً و تلگراماً اشعار کرد ، چون صورت استعفای آخری شان عیناً من حیث المضمون بر طبق همان استعفانامهٔ شان است که در موقع سبکدوشی خویش از وزارت حربیه نگاشته اند تنها عبارت آن واضح و صریح و تفصیلدار است از نیجهت از نگرنگاشتن آن ، که در صحیفهٔ (۲۶۲) این کتاب قبلاً مرقوم است صرف نظر میشود .

مع الاسف از خواندن این استعفانامهٔ حسرت خنامه که هر حرف آن یکعالم پند و هر جملهٔ آن دارای نکات ارجمند بود و حکم یک تازیانهٔ عبرت و مانند یک لوحهٔ قیمتدار اخطار و نصیحت بود باز در نظر ضعیف البصر عمال امانی اهمیت نیافت و بر محتویات آن که برای خیر و منافع خودشان و مملکت افغانستان بود توجهی نکردند . و ازین بی اعتنائی و بی مبالاتی خویش فکر رسا و بازوی توانای نادری را که آنها جداً و ذاتاً بآن احتیاج داشتند از خود دور و خود ها را ازین وضع

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 386 of 711

پر از تکبر و غرور به انواع پریشانی و تکلیف مقهور و استعفای آخری الخرد غیور را متاسفانه منظور و ازین فعل خویش زیاده تر خود ما را بنظر ملت منفور ساختند .

بعد از اینکه آقای غلام نبی خان حیثیت وزیر مختار افغانی در فرانسه وارد و کارهای سفارت را تسلیم و حضرت عالی سپه سالار غازی از آنجا منفصل شدند یک نشان "افتخار و وطن" «HONNEUR ET PATRIE» با رقم آن از طرف حکومت فرانسه، و یک نشان دیگر (گراند کروا GRANDE CROIX) از طرف حکومت بلژیک برای مشار الیه در اثر حصول مناسبات صمیمانه دولتین و کارروائی حسنه شان اعطا گردید.

اهتمام بمعالجه و اعاده صحت

بعد از انفکاک رسمی جناب محمد نادر خان از انجام امور سیه حکومت امانی چون صحت شان بدرجه اخیر خراب و از علالت در پیچ و تاب بودند لذا توجه مزید شان را برای اعاده صحت و ازاله اوجاع و شکایت خود مبذول نموده بمعالجه داکترهای حاذق رجوع فرمودند - بعداً بنا بر مشوره معالجین بودن پاریس را بر نقل نمودن به نیس «NICE» که یک مقام عالی خوش هوا و برای اعاده تندرستی مرضا خیلی نافع است ترجیح دادند و در آنجا تحت مداوات و خبرگیری داکترهای ماهر به استعمال

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 387 of 711

ادویه و معالجهٔ اساسی خویش توجه نمودند و اخوان عالیشان آنها آقای سردار محمد هاشم خان و شاه ولیخان به تیمارداری آنها چنانچه شاید و باید عطف توجه و اهتمام مینمودند.

گذارهٔ حیات شانرا بعوائدیکه از حاصلات آن اراضی و املاک شان که در تحت نظارت سردار شاه محمود خان و سردار احمد شاه خان در افغانستان داشتند و وقتاً فوقتاً برایشان میرسید مینمودند.

برای تشمین خود محض از نقطهٔ نظر نجات یافتن از صرف مبلغ زیاد و گزاف کرایهٔ عمارات آنجا یک عمارت را در موضع "مانتون" «MENTON» که یک موضع گوشه و خاموش در حصهٔ جنوب فرانسه است خریداری نزویانه و خاموشانه دران محل امرار حیات مینمودند.

از جواب نگاشتن مکاتیب و خطوطیکه از دوستان صمیمی شان دائماً برای آنها میرسید هم یکقلم سکوت را اختیار، و بهیچ نوع با نفری افغانستان مکاتبه و در امور داخلهٔ وطن مداخله و تعلق نمی ورزیدند.

تنها پانزده در پانزده روز یکان مکتوب بنام عائله و اولادها و متعلقین شان که در افغانستان بودند می نگاشتند و در ان از چگونگی مزاج خود آنها توسط وزارت خارجهٔ افغانستان تسلی میساختند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 388 of 711

از مطالعهٔ جرائد جریانات افغانستان را دائماً می دیدند و از رفتار حکومت و حسیات ملت و اوضاع مملکت اطلاع میگرفتند .

تا اینکه در اواخر سنهٔ ۱۳۰۶ قدری صحت سردار اعلی محمد نادر خان رو بدرستی نهاد و فی الجمله باز قابل حرکت و قدم زدن شدند ولی از اعادهٔ دوران شدید مرض بکلی مطمئن نبودند درینموقع در جراید خبر دورهٔ اعلیحضرت امان الله خان را به اروپا گرفتند، متعاقباً خبر وصول و حرکت او شانرا از مصر جانب ایطالیا خواندند لذا تصمیم کردند که بنام افغانستان از و شان پذیرائی کنند، اینجهة بغرض استقبال شاه افغانستان هر سه برادر از خاک فرانسه حرکت و در ایطالیا یکروز قبل از وصول شاه وارد شدند .

پیش نهادهای همدردانه و غمخوارانهٔ جناب محمد نادر خان در موقع دورهٔ اعلیحضرت امان الله خان

چون آن جهازیکه حامل موکب شاه امان الله خان و رفقای همسفر شان بود اولین بار در قارهٔ اروپا لنگر انداز شد . حضرت عالی سردار اعلی محمد نادر خان و سردار محمد هاشم خان و سردار شاه ولیخان در بندرگاه ناپولی ایطالیا برای

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 389 of 711

پذیرائی و خیر مقدم گفتن اوشان حاضر و در خود جهاز جهة استقبال اعلیحضرت امان الله خان شتافتند و در آنجا با اوشان ملاقات نمودند .

جناب محمد نادر خان در ضمن این مصاحبهٔ خصوصی که بعد از چند سال باشاه دست داده بود ، بعد از مبادلهٔ کلمات احوال پرسی نیز همان افکار و نظریات خیرخواهانهٔ خود را که (در افغانستان برای سعادت و ترقی اساسی ملت از ان تذکار میفرمودند) بکلمات موثر و دلائل مقنعه تکرار اتبیان و بشاه خاطر نشان کرده بسیار نکات عالیه و اندرزهای نافعه را بشاه اهدا نمودند .

چون قلباً سعادت افغانستان را خواستار و اساساً مرفه الحالی و نیکنامی وطن مدارج ارتقائی ملت محبوب شان را آرزومند بودند ، دران موقعیکه رسماً از حکومت مستعفی و در عالم غربت و مسافری افتاده بودند نیز از خیرخواهی و حقیقت گوئی خویش دریغ نکرده از تقدیم نمودن پیش نهادهای همدردانه و نظریات غمخوارانهٔ خود کوتاهی نکردند .

بعد از اینکه جناب سپه سالار از پذیرائی و خیر مقدم خصوصی شاه بهمین قسمیکه فوقاً نگاشتیم ، فراغ یافتند هر سه ذوات معظم دوباره به لیمان حاضر شده با دگر وزرای مختار افغانی که تماماً جهة استقبال شاه حاضر شده بودند بیک نقطه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 390 of 711

مخصوص صف بسته احترام گشته جهة ادای رسم تعظیم عمومی شاه افغانستان منتظر ماندند

پس از ختم این مراسم رسمی هرچند از طرف اعلیحضرت امان الله خان بصورت غیر مستقیم برای شان تکلیف و اصرار شد که در ضمن هیئت سفریهٔ امانیه شامل و بهر مقامیکه شاه و رفقای او پذیرفته میشوند این سه ذوات کامل هم داخل باشند اما سپه سالار صاحب بواسطهٔ ناچاقی طبعش از پابندی بامور تشریفاتی و مراعات باصول مقررهٔ رسمی انکار - و در آزاد و بی تکلیف بودن خویش اصرار کرده از قبولیت همراهی با شاه استنکاف ورزید، همچنین جنابان محمد هاشمخان و شاه ولیخان هم بعذر تیمارداری و تنهائی سپه سالار خود ها را از مخالطت هیئت سفریهٔ امانیه سبکدوش کردند .

در ایطالیا چند روز سپه سالار بیک هوتل دیگر مقیم و بعد از ان عازم محل نشیمن شان در مانتون شدند (که از اضلاع ملحقهٔ نیس است) و شاه و رفقای او را بفکر و ارادهٔ خود شان گذاشتند .

بر علاوهٔ این صحبت ، ملاقات دیگری هم بین شاه و این سرداران دیانت پناه در موضع « نیس » واقع شده است .

جناب سپه سالار و برادران هشیار شان درین نوبت هم با علیحضرت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 391 of 711

شیوهٔ همدردی وصداقت را مراعات کنان حقائق را بی کم وکاست بدرستی وصفائی باوشان حالی نموده دراثنای این مصاحبه وتبادل افکار بالنسبهٔ مجاری امور حال واستقبال بسانکات عالمانه ونظریات دوراندیشانهٔ باوشان اظهار رویش نهاد فرموده اند.

ولی اعلیحضرت امان الله خان نظر بعادت مألوف شان نه تنها بآن کلمات نافعه وافکار همدردانه حواله سمع نمیفرمودند بلکه بعضاً درجواب این جملات غمخوارانهٔ نادری مضامین خارج ازموضوع را تقریر وبهمان بلند پروازیهای معتادهٔ پادشاهانهٔ خود به تردید آن می پرداختند که بسا اوقات درین اجوبهٔ امانیه چنان الفاظ وعباراتی استعمال میشد. که جذبات مسلمین صادق را مشتعل، وسائرین را ازان بیان خویش که به عقاید ومقررات دین مبین تصادم میکرد- متأثر مینمودند.

تشبثات اعلیحضرت امان الله خان بالنسبه موافقت سپه سالار

چون یکی ازموجبات سفر اعلیحضرت امان الله خان بارو پا حصول دلجوئی وموافقت ورفع کدورت این سپه سالار صاحب کیاست بود، اما برخلاف توقع دیده شد

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 392 of 711

که در اول صحبت آن کدورت از امثال همین اقوالیکه شمهٔ از ان اشاره شد و غرض پرستی بعضی نفری بجای تقلیل بزیادت خود افزود، اخیراً امان الله شاه ازین کرفته کی طبع سپه سالار بسیار متأثر شد و تصمیم کرد، بهر صورتیکه باشد، سپه سالار را بامدن وطن وادار و برفع نقار خاطرش بکوشد. لذا جهة حصول این مقصد وفدیرا هم بافراد خاص به نزد سپه سالار ارسال نمود.

اما این وفدیکه از حضور پادشاه جهة حصول موافقت سپه سالار صاحب آمده بودند بعد از شنیدن بیانات عاقبت اندیشانهٔ جناب محمد نادر خان گریان و بحقانیت و صحت مفکورهٔ شان تصدیق کنان پیام عدم موافقت او شان را (در صورت عدم تغییر مسلک حکومت بصورت خاطرخواه او شان) باخود بردند.

این وفد تکرار چند مرتبهٔ دیگر هم بحضور سپه سالار عالی مقدار احضار و صورت مذاکرات و جواب سپه سالار را بهمین قرار شنیده رفتند.

درینموقع جناب سردار محمد عزیز خان که چندی قبلبرین بافغانستان رسماً مدعو شده رفته بودند و چندی بعد از جریانات داخل وطن تنگدل شده (جهة خبر گیری سپه سالار غازی و علاج پسر خود محمد داؤد خان که در ضمن آن طلبهٔ افغانی که در فرانسه تعلیم میگرفتند شامل، و درین ایام مریض سخت بود) تکرار بفرانسه وارد و مصروف

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 393 of 711

معالجه و تیمارداری پسر و خبرگیری برادر مهرپرور شان شدند.

بالجمله چون اعلیحضرت امان الله خان که دل دادهٔ همان مسلک ناعاقبت اندیشانهٔ خود بود بعد از اینکه متیقن شد و دانست که بهیچ صورت سپه سالار این مسلک او را تعقیب نمیکند و بهمان مفکورهٔ خداپسندانهٔ شان که بحال ملک و ملت نافع و موافق هست دوام دارند. لهذا در برابر پیشرفت خیالات خود بصورت قطعی از سپه سالار و اخوان دیانت مدارش صرف نظر فرمود و بهمراه ختم دورهٔ اروپا و داخل شدنش در خاک شرق او شانرا بالمره از لوح خاطر خود فراموش کرده ازین وضع خودپسندشان که بر ضد احساسات ملی بود سردار اعلی محمد نادر خان سپه سالار را دوباره به بستر علالت و بیماری و قلق و اضطراب لاتناهی انداخت و بدرد مصائب ملت محبوب و مملکت مرغوبش مبتلا ساخت.

اثرات دورهٔ اعلیحضرت امان الله خان در افغانستان

در اثنای مصروفیت شاه بدورهٔ اروپا و غیره اطلاعات مفصل اوضاع و حرکات او بصورت مستقیم و غیر مستقیم بافغانستان و اصل و عامهٔ ملت اسلامیت طویت از وشان بسیار چیزها را برخلاف مقررات اسلامیت و عرف و عادات افغانیت می شنیدند، و بهمراه آن مضامین هیجان انگیز نسبت بحرکات شاه در اروپا

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 394 of 711

از جرائد دنیا می خواندند و انواع تعبیرات صحیح و غلط آن را از زبانهای از خود و بیگانه میشنیدند. در حالیکه این مسموعات و مرئیات، بلا نهایه در غضب و غیظ عامه می افزود و در جامعه هر روز یک دروازهٔ نو مخالفت را کشوده متوالیاً در ضمائر عامهٔ ملت حسیات معاندت و جذبات منافرت را افزوده میرفت.

وقتیکه در جرائد ایرانی خواندند که علما و مجتهدین ایران جمهوراً بحضور اعلیحضرت امان الله خان تلگراماً و کتباً این مسئله را پیش نهاد کردند، که نظر بمقررات اسلامی و عرف و عادات ملی نباید در موقع دخول موکبش با یران ملکه ثریا و دیگر نسوان منسوبهٔ فامیل شاه بی حجابانه درین خاک اسلامی داخل و جذبات مسلمین ایران را ازین فعل خود مشتعل سازند، و شاه بآن اهمیت نداد، مردم زیادتر متأثر شدند.

بعد از اینکه اقوال و افعال شاه و مخدراتش را مردم هرات، فراه، قندهار مقر، غزنی وغیره نقاط عرض راه برأی العین در اثنای عبورش دیدند و کلمات و بیانات اشتعال آمیزش را بگوش هوش خود شنیدند؛ زیاده تر مدهوش گردیده بفکر برهم زدن این چیزها برآمدند که آنرا ضد احساسات اسلامی و ملی خود میدیدند.

پس از وصول امان الله شاه بمرکز، آن نطق های شرر انگیز و تطبیقات با خیزش که با عرف و عادات ملی مخالف بود و با مقررات اسلامی هم چندان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 395 of 711

تطبیق نمیکرد، بیشتر مردم را از او متأذی کرد. مخصوصاً آن مجالس خصوصی شاه که دران نسوان عائلهٔ مأمورین و اعزه و معاریف کابل را تکراراً رسماً و جبراً مدعو به بی حجابی و پدرود کردن آداب اسلامی و گذاشتن عادات ملی تشویق میکرد و موی بعضی از آنها را جبراً امر قطع و پرده و چادری زنانرا در عرض راه از سر آنها بشدت دور و آنها را به بی حجاب گشتن مجبور میساخت، بسیار زیاد اسباب انزجار و تکدر خاطر اهالی را فراهم آورد (۱) خاصتاً آن نطق های مشتعلانه و اظهارات ناعاقبت اندیشانهٔ را که امان الله شاه بعد از سفر اروپای خود عموماً در جشن استقلال ۱۳۰۷ و در محضر عموم وکلاء و مأمورین و اعزه و مشاهیر افغانستان خصوصاً ایراد مینمود، هر هر کلمه جملهٔ آن بذات خود یک یک تازیانه بود که ملت را باید چار ناچار به مخالفت های علنی او وادار کند.

الحق هر واحدی از آن اوامر و تطبیقاتیکه امان الله شاه بر وکلای لویه جرگه

(۱) از جملهٔ شایعاتیکه دران ایام نسبت باعلیحضرت امان الله خان بحد تواتر و شهرت عامه رسیده بیشتر تر افغانهای غیور را به هیجان آورده همانا این قصه بود که در کوچه و بازار بزبان صغار و کبار اشتهار داشت که شخصاً اعلیحضرت امان الله خان در یک محفل نسوان برای جمله خانم هائیکه دران مجلس شامل بودند امر داد که (اگر در مسئلهٔ رفع حجاب و دگر امور یکه من اجرا و تعمیل آنرا از شما خواهم شوهرهای شما مانع شوند من برای شما تفنگچه میدهم تا شوهرهای خود را بگلوله بزنید، زیرا که من با خواست خون اینچنین اشخاص رانمی کنم).

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 396 of 711

وعامهٔ مأمورین ملکی و نظامی آنرا جبراً تحمیل و اجرا کرد (و تفصیلاتش عموماً به اذهان تمام اهالی افغانستان موجود است) آخرین رشته های تعلق شاه و رعایا را از هم گسیخت و ملت را خواه ناخواه به مخالفت عملی حکومت برانگیخت (۱)

بالاخره از عملی نمودن و تنفیذ همان اوامر و اعمال ضرر افزا و ترتیب دادن یک پروگرام نهایت شدید لایعنی بر عموم تبعهٔ افغانی (۲) (که تطبیق هر مادهٔ آن هزاران تکلیف و زحمت را وارد و خلق الله را بهزاران هزار مصیبت و شکایت گرفتار و بدگوئی

---

(۱) چون نگاشتن اسباب و علل این انقلاب بسیار و احتوا بر تمام جزویات و کلیات آن از خود یک دفتر جداگانه بکار دارد از نتیجه ما از شمردن تمام آن صرف نظر کرده تنها بچند مواد آن که تقریباً در بروز انقلاب عامل مهم و تأثیر بدش نموده است ذیلاً اکتفا میکنیم:

(۱) امر جبری پوشیدن البسهٔ اروپائی بر عموم (۲) امر شدید تبادل سلام مسنون بکشیدن کلاه (۳) انفاذ دگر عادات و رسوم بی لزوم اروپا (۴) جبراً شامل نمودن وکلای ملت و مأمورین حکومت و خانم های اسلامی در نمایش های جلسهٔ مضر طلاق (۵) مخالفت عرف و عادات ملی (۶) عدم رعایت اوامر اسلامی (۷) تعمیم فواحش (۸) اهمیت ندادن بخادمان صادق و باتجربهٔ وطن (۹) موقعیت دادن به افراد کم تجربه و خائن (۱۰) نشنیدن آن عرائض و پیش نهادهای جدی وکلای لویه جرگه ۱۳۰۷ را که راجع به تعدیل پروگرام و تبدیل افعال شاه بود (۱۱) کثرت رشوت و شراب نوشی و عدم اعتنا عملی از آن (۱۲) چشم پوشی کردن از مجازات وزرا و مأمورین خائن که لویه جرگه جداً آنرا عرض میکرد (۱۳) تحقیر ارکان مسلمانی (۱۴) استخفاف حضرت نبوی (۱۵) اعزام طالبات جوان افغانی به ترکی و امثال آن که ذکرش بطوالت می انجامد.

(۲) که در آن جمله بر دغال فروش ها و حمال ها و غیره افراد بی بضاعت و عامهٔ طبقات بی استطاعت ملت امر شدید پوشیدن درپشی و کلاه را نموده بودند و در صورت عدم تعمیل آن امر داده شده بود که فوراً از قاعلش جزای نقدی بذریعهٔ پولیس حصول گردد، چنانچه در اثر تطبیق امثال این اوامر شکایت عموم بالا و تمام بشور و غوغا مبتلا شده هر هر نفر در طول حرکات مقررهٔ اشاعت خود بیشتر از پنجاه الی صد مرتبه محکوم باعطای جریمه میشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 397 of 711

و دشنام دهی و ادار میکرد) طاقت ملت طاق و از هر طرف آثار سرکشی و رفع خرافات دورهٔ امانی و دفع محرمات و بدعات حکومتی از دهان توپ و تفنگ و بصورت جدال و جنگ نمودار شد و به تمام شدت همه مواد مجتمعهٔ اختلاف و افتراق و انفلاق افتاده تمام موجودیت وطن را به احتراق انداخت !

مع الاسف از چیزیکه دائماً جمهور وطنخواهان صادق افغانستان مخصوصاً جناب محمد نادر خان می اندیشیدند و از خطرهٔ که تصور آتش آن ملتخواه را در بستر بیماری در پاریس افگنده است بصورت بسیار مهیب و نهایت مدهش واقع شد و قسمی شدت و حدت و شعله افشانی دارد که اگر لطف و کرم الهی شامل حال نشود ، البته که در نتیجهٔ آن افغانستان محشرستان و برای ابد (لا وقع الله) بی نام و نشان خواهد ماند .

اشتعال نائرهٔ شدید انقلاب

در اول و هلهٔ آتش مخالفت حکومت امانی به ۲۴ عقرب سنه ۱۳۰۷ در سنگوخیل شنوار شرربار شد ، و مردم آنجا در ظرف چند ساعت حکومتی و مأموریت مالیهٔ محلی خود ها را طعمهٔ آتش و مأمورین حکومت را بر علاوهٔ تحقیر و تشهیر محبوس کردند ، در اندک وقت چهاونی کهی را تخریب و عسکری آنجا را خلع سلاح و به اسلحه و جبا خانهٔ آنجا خود را مسلح و عامهٔ اقوام و طوایف

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 398 of 711

اطراف و حوالی آن نواحی را بنام حمایت دین محمدی و استخلاص از فجائع امانی بوحدت و همراهی خویش اختصاص دادند .

در موعد قلیلی این هنگامه باندازهٔ کسب و خامت کرد که مخالفین حکومت امانی از یکطرف چهاونی دکه و از طرف دیگر مرکز مشرقی را زیر تهدید شدید خود گرفتند، نظر باین مقاومت و پافشاری سخت ساعت بساعت در جمعیت مخالفین حکومت کثرت، و در طرفدارانش ضعف و قلت مشاهده میشد .

مخالفین حکومت امانی بیک سرعت برقی تمام عمارات و قصور عالی جلال آباد و لغمان و سرخ رود و راچور و تاراج و تمام تشکیلات حکومت امانی را درهم و برهم نمودند، نفری معاونه و قوة الظهر حکومت را که از کابل برای تقویهٔ عسکری مشرقی می آمدند چور و تاراج، و اشخاصی را که بر اوشان تصور و گمان طرفداری حکومت امانی میرفت بانواع تکالیف و مصاعب گرفتار کردند .

آن خائنین مملکت که بلباس دوستی و انواع تملق و چاپلوسی مشاغل مهم و ادارات عالی حکومت امانی را اشغال و برای پیشرفت مقاصد شخصی خود از هر فعل امان الله شاه تعریف و او را باجرای اموری وادار میکردند که از ان اثرات اعتماد و وقار شاه سلب و انقلاب واقع شد در عین شدت و التهاب انقلاب فرصت را غنیمت دانسته

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 399 of 711

بمنافع شخصیهٔ خود بشکل و نقشهٔ دیگری داخل اقدامات شده در وخامت و تضعیف تخالف شاه و موجبات خون ریزی وطن افزودند .

زیرا این مغرضین تصور میکردند که ازین اعمال محیلانهٔ خود زودتر بمقصد کامیاب و به مطلوب خود بدون اشکال و مانع نائل میشوند، ولی ازین امر غافل بودند که ملت آنهارا خوبتر می شناسد و ابداً نه باوشان و نه بحکومت و قیمومیت ایشان راضی هستند و این هنگامه ابداً بمنافع شخصی آنها تمام نمیشود .

وقتیکه این خائنین دورهٔ امانی به ضعف و ناتوانی و سقوط قطعی حکومت در مشرقی مطلع و قانع شدند، فوراً بآن گدام چوب خشک انقلاب که به نفت عالی العالی پر و گرام تازهٔ امانی روغن داده شده بود آتش افگندند - یعنی جمعیت دزدان شرارت توامان کوهدامنی را بجلهٔ آوری بر مرکز افغانی بفردای سقوط قطعیهٔ قوای امانی در نمله و دستگیری محمود خان یاور و محاصرهٔ شدید شهر و معسکر جلال آباد و انحلال تمام نقاط مشرقی یعنی در ۲۳ قوس دعوت دادند و شهر شهیر کابل را برای پیشرفت مقاصد خائنانهٔ خود در خطر انداخته سرتاسر آنرا خط آتش شدید همان اشرار شقاوت مدار ساختند که از اغماض و مساعدتهای متنوعهٔ همین اهل خیانت خوب تقویه شده بودند .

از یکطرف جوش مخالفت ملت و از طرف دگر غرض پرستی اهل خیانت حلقهٔ

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 400 of 711

حرکت امان الله شاه را باندازهٔ مخفی و محصور ساخت که از ابتدای شورش مشرقی و از بدو هجوم و پیکار اشرار شمالی تا موعد مخلوعیت و حرکتش به صوب قندهار شب و روز در ارگ میبودند و کمتر می برآمدند حتی رفتن و نظارت نمودن میدان حرب را هم که تماماً به اطراف و حوالی قریهٔ شهر کابل واقع بود، و از طرف بچهٔ سقو (۱) و دزدان هم مشرب در آنجا به شدت جریان داشت مستحسن نمی پنداشت .

(۱) رئیس این جمعیت قطاع الطریق، حبیب الله بچهٔ سقو بود که شرح حالش در صفحه (۳۶۶) می آید نامبرده که در اثر وحشت و سبعیت خویش خیلی زیاد کسب شهرت و دهشت کرده بود و عموم مردم مخصوصاً اهالی شمالی از وی در اذیت و دائماً در خوف و خشیت می بودند، در ینموقع بروز اثرات مخالفت ملی نسبت باوضاع حکومت امانی بتحریک و تائید خائنها با یکدسته از دزدها بمخالفت شخص شاه کمر بست و ازین وضعش که تمام ملت در ان مشترک بود یوماً فیوماً در قوت و قدرت خود افزود، حکومت چون از گرفتاری او بقوت حربیه عاجز آمد در حالیکه آثار انقلابات در سرتاسر افغانستان نمایان بود مخصوصاً در مشرقی امواج انقلاب طغیان داشت به تقویت خائنین بزرگ لامحاله از در مصالحه با او پیش آمده از اعطای منصب نظامی و اسلحهٔ کافی و تقرر تنخواه و مناصب برای او و دزدان معیتش در نفوذ اعتبارش افزود، ولی این شقی آن اسلحه و جاخانه را که بنام سرکوبی اشرار شنواری گرفته بود بر خود قوهٔ نظامی حکومت استعمال و تمام مراکز عسکری شمالی را قبضه و عسکری را خلع اسلحه کرده، حتی بغمان، میدان را هم تسخیر کرده در ۲۳ قوس باتفاق جم غفیری از ملت کابل حمله آور شده ارگ را بزیر آتش گرفت بعد از ادامهٔ یک جنگ طولانی بین نفری سقوی و قوای امانی که بانواع اتواپ بزرگ و خورد و ماشینداره ها و طیاره ها حتی موترهای زره پوش و انواع الایعرضیه و دفاعیه مسلح بودند، در اثر جراحت شدیدی که بشانهٔ بچهٔ سقو اصابت کرده بود شکست کرده در شمالی متواری شد، در طول یکماه نه تنها بواسطهٔ اشکال آفرینی معترضین و سردمهری عسکری با حکومت امانی از وی تعقیب نشد، بلکه برایش معاونت مادی و معنوی و نقشه و هدایات مکملی اعطا شد و با اصرار او را وادار کردند تا مکرراً بر کابل حمله کند، چنانچه به ۲۳ جدی باز دزدان ناگهان بنای هجوم نهاده از هر طرف کابل را زیر آتش گرفتند، و باندازهٔ در پیشرفت خود تسریع و محاربه را شدت اداره میکردند که ساعت بساعت خطر سقوط کابل شاه و سپاه را در هراس و تزلزل می انداخت .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 401 of 711

عدم تأثیر عهد و پیمان و اظهار افسوس و پشیمانی

در موقعیکه شعله های انقلاب در التهاب و مخالفت علنی ملت بر علیه حکومت از هر طرف زبانه کشی را آغاز نهاد - و از هر طرف امواج متلاطم تخالف حکومت رو باشتداد گذاشت - و امان الله شاه بوخامت وضعیت مسئله عملاً دانست و از تشتت افکار صغار و کبار و متوجه بودن خطرات و اضرار از هر گوشه و کنار و اقطار بالنسبه خود به علم الیقین مطلع شد، آخرین مساعی و مجاهداتش را در راه فرونشاندن آن آتش که آب پاشیدن بر آن مانند پترول اثر می بخشید صرف کرد ولی از این صرف مقدرت و زحمت شان هیچ یک فائده و نتیجه معتنی بدست نمی آمد و روز بروز انواع مشکلات و پیچیدگی را بر علیه حکومت خود مشاهده میکرد.

تا اینکه در صدد بستن عهد و پیمان با عامه ملت افغانستان بر آمد و تصور فرمود که شاید باز این اظهار تاسف و پشیمانی من و دلجوئی کردنم از ملت برای دفع این تشتت و ویرانی خطه افغانستان که بهر دقیقه انواع مخاطرات مادی و معنوی او را تهدید میکند، نافع ثابت شود لهذا از یکطرف بواسطه اعلانهای رسمی که بتعداد کافی طبع شده بود، و از جانب دیگر در طی یک نطق طولانی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 402 of 711

خود که در محضر تمام اهالی کابل و شش کروهی وغیره در باغ عمومی ایراد فرمود، از تمام آن اعمال و افعال خود که موجب وقوع این هنگامه در مملکت شده و تمام ملت را بمراتب اقصی مخالفت آورده است، اظهار تأسف و پشیمانی نمود، و متعهد شد که پس ازین بر طبق اوامر شرعیه و حسیات ملت اجراآت میکند، مخصوصاً به ترقیات عسکری و کندن ناخن های خائنین شرارت قرین و، و، توجه می گمارد و دقیقه از دقائق دلجوئی عمومی را فروگذار نمیشود.

مع الاسف این اظهار پشیمانی و دلجوئی امانی برای فرونشاندن غیظ و غضب عمومی هیچیک فائده را عائد نکرد - بلکه در همان مجمع عمومی شکایات زیاد از رفتار سوء بعض مأمورین - عدم مراعات نمودن به جذبات ملت از طرف حکومت - مظالم پیشه گی اهل خیانت بی پروائی نمودن در امور اسلامیت - حدوث انواع خرافات و بدعت و، و، و) بالا و از هر طرف دروازه تنقید و شکوه مفتوح و سلسلهٔ اغراض و شکایت بر شخص شاه و مأمورین و عمّال خیانت اکتناهش باز شد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 403 of 711

بالآخر نتیجه و حاصل این مذاکرات این طور به مشاهده پیوست که مردم علی رؤس الاشهاد در جواب پادشاه چنین اظهار نمودند ،

چون قبل ازین هم شما چندین مراتبه بالنسبه همین مواعیدی که فعلاً ازان تذکار میفرمائید با ما ملت عهد و پیمان بسته اطمینان داده بودید که بعد ازین بقدر ذرهٔ هم برخلاف امور شرعیه و حسیات ملیه ، مصدر حرکات اشتعال آمیز نمی شوید - ولی اخیراً برعکس آن نه تنها از طرف شما بلکه از جانب مأمورین خیانت قرین تان تکراراً چنان اوضاع مشتعلانه و حرکات دلشکنانه به مشاهده پیوست که مردم را مجبور کرد تا برخلاف شما داخل جنگ و پیکار شوند و خود ما را ازین عذاب روحانی عملاً وارهانند و آتیاً برین مواعید موقتی و دلجوئی های سرسری شما ابداً اطمینان و اعتماد نکنند .

مایوسی شاه از فرونشاندن بلوا

وقتیکه امان الله شاه حسیات عمومی را علناً برخلاف خویش مشاهده کرد و رفتار یاس آور این شورش و غوغا را برعلیه خود

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 404 of 711

در هر هر دقیقه و هر هر ساعت دو بالا معاینه نمود و اظهارات مملو از شکوه و شکایت عامهٔ ملت را هم بگوش خود شنید - بر علاوهٔ آن از بسا جهات و اشخاص دگر نیز آثار و علائم مخالفت را متحسس شد و متیقن گردید که بالنسبهٔ اوشان فضای افغانستان روز بروز مسموم و تمام تشبثات و مساعی پادشاه در جلوگیری این سیل مدهش و فرونشاندن این آتش سوزان و بلای ناگهان بی فائده ثابت میشود و تمام ملت به پیمانهٔ اخیر بر علیه حکومت امانی ایستاده اند - ناچار در پی تخلیص و نجات نفسش از ان محیط برآمد که اطراف آنرا لحظه به لحظه مرمی سارقین و هجوم خائنین و مخالفت علنی عمومی تهدید میکرد .

لهذا صورت نقل مکانش را از مرکز افغانستان تحت یک نقشه و پلان بسیار اساسی (که در ان بالنسبهٔ حال و استقبال خود و خاندانی خویش بسا دور اندیشی ها را زیر نظر گرفته بود) بصورت خصوصی و محرمانه تهیه و به ترتیب کردن آن داخل اقدامات شد .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 405 of 711

رفتن اعلیحضرت امان الله خان بقندهار و حکومت عنایت الله خان

این مانورهٔ حرب و ضرب، و تعرض و دفاع دزدان و حکومت اعلیحضرت امان الله خان که بعضی از زعمای بزرگ سلطنتی و صاحب منصبان معظم قشونی او با دزدان رازونیاز داشتند و هر کدام آنها برای نیل مطلوب شان بر ضد شاه و سقوط حکومت امانیه اقدامات اساسی را گرفته بودند و در عین زمان جذبات تخالف ملی و حسیات معاندت کارانهٔ عمومی در شدت و عظمت و وحشت آن می افزود و در هر ساعت یک شکل جدید اشکالات را برای پیشرفت مقاصد شاه میریخت، تا به سی و پنجروز دوام نکرد که حکومت امانی خود بخود منحل شد یعنی در ۲۴ جدی ۱۳۰۷ در شهر و اطراف مخصوصاً در محاذهای جنگ غلغله برپا شد که امان الله شاه به تغییر لباس مخفیانه و محرمانه بقندهار رهسپار شد. در حالیکه همین مسئله حرکتش را تحت یک پلان و نقشهٔ سیاسیه خودش بالذات طرح نموده بود یعنی اولاً عیال و اولاد و مادرش را با جواهر گرانبهای عالی العال ذریعهٔ طیارها بقندهار فرستاد و بعد از ان سه چهار یکماه شب و روز موترها را ذریعهٔ ملازمین مخصوص از طلا و دیگر ذخائر نقدی و اجناس گران بها

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 406 of 711

بلطائف الحیل بقندهار فرستاده متعاقباً مقام سلطنت را به برادرش عنایت الله خان معین السلطنهٔ سابق گذاشته خودش استعفانامهٔ خویش را از پادشاهی افغانستان بواسطهٔ عدم موافقت ملت تحریر کرده به علی الصباح ۲۴ جدی ۱۳۰۷ عازم قندهار شد.

درینمحل که از یکطرف خائنین ملی و از طرف دگر مهاجمین و مخالفین اعمال امانی از دیگر طرف قوهٔ فائقهٔ جمعیت دزدان (که به پول و اسلحه و انواع مراعات برخی از زعمای بزرگ عصر امانیه بدرستی تقویه و تنمیه شده بودند) بر موفقیت خود قانع شدند و هر واحد آنها میدانرا برای پیشرفت پلان خود مساعد دیدند ابداً سر تسلیم و اطاعت را به امر عنایت الله خان فرو نیاوردند درحالیکه جامعه و عموم احزاب ملیه با او نیز خوش بین نبودند و با همدیگر میگفتند که عنایت الله خان در اعمال و افعالش منزلهٔ استادی و بزرگی را بر امان الله خان داد ازین جهة بامارت او نیز اطاعت نخواهیم کرد.

معاهده بستن عنایت الله خان با جماعهٔ دزدان

خلاصه عنایت الله خان در ظرف پادشاهی (۷۴) ساعت خویش محصور و از هر طرف بمقصد تسخیر ارگ بروی مهاجمین جریان داشت تا اینکه نامبرده بحکومت انگلیز استدعا کرد تا ذریعهٔ طیاراتیکه هر روزه در آنموقع به سفارت انگلیز رفت و آمد داشت او را ازین ورطهٔ فنا نجات دهد سفارت انگلیز در مقابل انجام این تمنا اجازه و رضای ملیونرا شرط

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 407 of 711

نهاد که فعلاً علی الرغم خائنین دورهٔ امانی ریاست آنرا حبیب الله (بچهٔ سقو) در دست داشت، و نظم و ادارهٔ شهر و شش کروهی و تمام سمت شمالی را مینمود، سلاخی، خون ریزی تاراج و یغماگری و فجائع لاتناهی دزدان بشدت جریان داشت و تمام نقاط حاکمه و اطراف و حوالی شهر را بشدت و قوت تسخیر، و ارگ را از هر طرف بزیر آتش های شدید توپ و ماشیندار گرفته، عزم کرده بودند که عنایت الله خان را دستگیر کنند

عنایت الله خان یک وفد اصلاحیه را از طرف خود نزد بچهٔ سقو فرستاد و استدعای رهائی و رفتن خود را بخارج نمود. بچهٔ سقو به این شرط تمکین نکرد و او را به تسلیم شدن و گذاشتن ارگ و یا دوام دادن جنگ دعوت داد زیرا بچهٔ سقو بنابر نمائی استادان ماهرش یقین داشت که حس نفرت عموم طبقات ملت بالنسبهٔ تمام خاندان امانی نظر به اجراآت مخالف اسلامی شان بلانهایه میباشد همچنانکه امان الله شاه نتوانست که وضعیت خود را اداره و در میدان جنگ قدری دوام میکرد عنایت الله خان هم نمیتواند با همین تجهیزات مکمل حربی خود باندازهٔ چند ساعت بمقابله با دوام کند لامحاله دستگیر شده بهر قسمیکه خواسته باشیم خودش را با طرافیان او جهت عبرت سائرین مجازات میکنیم.

ولی درینجا عدهٔ از اعزه و خوانین کوهستانی و بعضی از روحانیون منور

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 408 of 711

پافشاری کرده سقوزاده را بدلائل قانع ساختند تا عنایت الله خان را پس از قبولیت شرائط چند بگذارد که از افغانستان خارج شود لذا آنچه سقو گفت که عنایت الله را با دو سه نفر مردانه و اناثیهٔ متعلقه اش بعد از عهد و پیمان بستن در حاشیهٔ قرآن کریم باین مسئله که الی مادام الحیات دگر بار بافغانستان داخل نشود و برخلاف ملت اسلامی آن هیچ اقدامات ننماید رخصت میدهم که یک آن اولتر از افغانستان خارج شود اگر در ظرف ۲۴ ساعت از افغانستان نه برآمد البته بذلت تمام خودش و همراهان او بدار کشیده میشوند.

عنایت الله خان بکمال مسرت این شرائط را قبول و در صدد نوشتن آن بقران کریم برآمد ولی دیگر مأمورین و اعزهٔ که در ارگ با او محصور، والی تهیهٔ لوازم سفر به بودن افغانستان مجبور بودند ازین وضع نا ملائم او برآشفتند، باوی سر عربده را نهاده در او ریختند که لااقل تأمین حیات و شرط مأمون بودن آنها الی موقع اخراج شان از افغانستان باید درین عهدنامه الحاق شود زیرا نتیجهٔ اعتمادیکه ما بر شما و شاه مخلوع امان الله خان کرده و شما یانرا به پادشاهی خود برگزیدیم نباید اینطور شود که شما با پول و ذخائریکه از گوشت و خون ما اندوخته اید گل بیخار از افغانستان برائید و ما را مانند رمه بر رحم گرگان خونخوار بگذارید

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 409 of 711

بالآخر عنایت الله خان و عموم زعمای بزرگ سلطنت و اعزهٔ ملت که در ارگ بودند امارت سقوزاده را تسلیم و در قرآن عظیم باین شرائط با او بیعت کردند :-

۱ :- عنایت الله خان عهد میکند ابداً بمخالفت بچهٔ سقو و ملت افغانستان اقدامات ننماید و از القای فساد و اغوا در وطن الی الابد اجتناب میکند .

۲ :- عنایت الله خان تمام اولاد و عائلهٔ خود را با محمد ولی خان وکیل شاه مخلوع امان الله خان و عبد العزیز خان وزیر حربیه و احمد علیخان با مبلغیکه برای سفر خرج شان اعطا شود در طیاره می برد .

۳ :- باید تمام مأمورین ملکی و نظامی و افراد عسکری که در ارگ اند از مال و هستی خود مأمون باشند . لااقل الی یکماه ما بعد ازین تاریخ باو شان اجازهٔ رفتن با عائله داده شود .

در ذیل این عهدنامه عموم مأمورین و اعزهٔ که در ارگ بودند تصدیق و امضا کرده بروز جمعه ۲۸ جدی ۱۳۰۷ به بچهٔ سقو فرستادند و در عقب آن بصورت فوری عنایت الله خان با فامیل خود و عبد العزیز خان و احمد علیخان بمعرفت همفریز سفیر انگلیز ذریعهٔ طیاره به پشاور و از آنجا بقندهار

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 410 of 711

رفت مرکز حکومت چندین صد سالهٔ افغانستان را سرنگون ساخت
و میدان سفاکی و بی باکی و یغما و چپاول گری را برای دزدان کوهدامنی خالی
کرد، تا هر ظلم و وحشتی را که خواسته باشند اجرا و ملت را بمصائب مبتلا کنند.

حکومت ثانوی امانی در قندهار

پس از ورود اعلیحضرت امان الله خان در قندهار و وصول متعاقب عنایت الله خان
تکرار بدماغ امان الله شاه فکر استرداد تاج و تخت افتاد و بر شوت و تطمیع و عذر
و معذرت و فرستادن مادر و خانم و دیگر مستورات خود بنام ننگ، عرق
حمیت قندهاریهای غیور را بحمایت خود میشورانید و برای تسکین خاطر آنها در یکروز
جمعه در جامع خرقه علی رؤس الاشهاد در یکعالم گریه و زاری از خطایای ماضی خود توبه
و استغفار و جهراً کلمهٔ طیبه را تکرار خواند و برای القای جوش و خروش عمومی خرقهٔ نبویه را
کشیده و در صدد ازالهٔ توحش و بربریت دزدان که عالمی را به ستوه و فغان آورده
بود به اقدامات آغاز و تکرار حکومت ثانوی خود را اعلان کرد.

درینموقع بعضاً ازین ظاهرداری امان الله خان متأثر شده بحمایتش
کمر همت را بستند و عدهٔ از مظالم و فجائع سقوی که آوازهٔ آن تمام افغانستان را

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 411 of 711

بلرزه در آورده بود بعزم ازاله و امحای آن با او متفق شدند و در صدد تهیهٔ عسکر و لوازم حربی برای حمله بردن بر کابل آماده شدند. عدهٔ درین گیرودار بیطرفی خود را انسب دیدند و برخی نظر به بداخلاقی ها و بی دیانتی های عصر امانی علی الرغم امان الله خان دم از طرفداری سقوزاده و مخالفت قطعی حکومت امانیه میزدند و چند نفر به طرفداری پادشاهی علی احمد خان والی کله جنبانی داشتند.

پادشاهی علی احمد خان والی مشرقی

جناب علی احمد خان والی که بحیثیت رئیس تنظیمیهٔ مشرقی بعد از سقوط عموم قوای امانی در عرض راه و دستگیری محمود خان یاور بجای جناب شیر احمد خان در ماه قوس سنه ۱۳۰۷ از طرف حکومت امانی با اختیارات کافی بمشرقی رفته بود بعد از استیلای بچهٔ سقو بر کابل کوس امارت را بنام خود کوفت اکثری از اهالی مشرقی و دیگر مخالفین دورهٔ امانی را نیز طرفدار خود ساخت (۱) چنانچه عدهٔ از حامیان والی در قندهار هم در مقابل اعلان

(۱) با اینکه علی احمد خان والی مورد تنقید عامه بود چون بمقابل بچهٔ سقو اعلان پادشاهی کرد مردم بواسطهٔ نجات از مظالم سقویها با مارتش اطاعت کردند و دعای موفقیت او را مینمودند تنها جناب محمد گلخان فرقهٔ مشرقی و آقای سید حسن خان بر پادشاهی او تنقید کرده گفتند باید نجات حقیقی وطن کوشید و مواد تقریر را از بین قوم کشیدند علی احمد خان والی این سخن را نشنیده و در نتیجه بواسطهٔ اقدامات اسانسی سقویها و نزاع قومی و مطعون بودن والی بطرفداری حکومت امانی از طرف قبایل مشرقی به ۱۲ دلو ۱۳۰۷ در جگدلک لغمان تاراج شد خودش با چندی از رفقای خویش بطالقان فیل از راه مهمند عزیمت قریای پشاور شد باقی حالات حکومت ثانوی والی و امانی با فرار مخفی آن و دستگیر شدن والی در آتی ملاحظه شود

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 412 of 711

پادشاهی ثانوی امان الله خان تائید سلطنت والی را بالمقابل حکومت سقوی و امانی میکردند

انعکاس خبرهای افغانستان در خارج و اثرات آن بر جناب محمد نادر خان در فرانسه

اطلاعات این انقلاب که قطعیاً از قید و ضبط و ربط حکومت مرکزی خارج بود و ملت را در یک حرب خونین و قیام آهنین بنام ازاله خرافات عصر امانی و سقوط و امحای قطعی چیزهائیکه مخالف عرف و عادات و مذهب و ملیت آنها بر ایشان جبراً تحمیل میشد داخل کرده بود، مکملاً و موضحاً بدول و ملل خارجه یوماً فیوماً واصل و در مندرجات جرائد بزرگ دنیا شامل و بعامه مطالعین ازین خون ریزی و مجادله سهمگین افغانستان معلومات حاصل میشد .

وقتیکه جناب محمد نادر خان از بروز این انقلاب اطلاع گرفتند و روز بروز از شدت و افزونی مخالفت و ضعف ادارهٔ حکومت و افزونی خانه جنگی مطلع می شدند در بستر بیماری بچنان یک قلق و اضطراب و پریشانی گرفتار گردیدند که هیچیک قلم مقتدر به تعریف کردنش موفق شده نمیتواند .

بمجردیکه از خبر مخلوعیت و حرکت امان الله خان و اطلاعیهٔ عدم ثبات

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 413 of 711

عنایت الله خان و استیلای جمعه دزدان بر مرکز افغانستان مطلع شد.
طاقت این مرد وطنخواه طاق شده خود را در رسانیدن بسر وقت مملکت در نیوقت
مصیبت جهة خبرگیری و دستگیری از ملت محبوب شان وجداناً و ایماناً
مکلف و مأمور دید و در خون افغانی و عروق اسلامی او در همین
بستر بیماری یک جوش و حرارت فوق العادهٔ تولید و حسِ
اسلامی و جذبهٔ قومی با او این مطلب را خاطر نشان کرد که:

ای نادر! امروز وطن محبوبت محتاج خدمتگذاری و غمخواری
تست، ارواح پاکِ اجداد و نیاکانت برای ایفای خدمت
وجدیت در راهِ استخلاص و نجاتِ وطن و دور ساختن لکهٔ بدنامی
از دامن غیرت و حمیتِ افغانی منتظر ورود سعادت آمود تست
برخیز و در راه نجات او از این تلاطم خونین وطن که هر ساعت هستی
و موجودیت او را تهدید میکند صرف مجاهدت فرما. اگر در نجات
و خلاصی این کشتی طوفان رسیدهٔ قومت موفق شدی البته که
وظیفهٔ ایمانی و وجدانی خود را انجام دادهٔ، و اگر درین راهِ مقدس
کشته شدی البته که حق خدمت وطن و فرض منصبی خودت را که یک

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 414 of 711

عسکر سربازهستی بشرافت بجا آورده خواهی بود

هرچند که امروز تو در بستر بیماری خوار و زبون افتاده
اما چون نیت و قلبت پاک و دولت قوی و عزمت متین است
امکان دارد که لطف خدا رفیق طریق تو شده، از دست ناتوان
تو یک فائده و تسکینی برای وطن و ملتت برسد.

ای نادر برخیز و بآن قربانگاه فدویت و صحنهٔ سربازی
وحمیت و آن میدان امتحان گاه صداقت و شجاعت مردانه
وار حاضر شو که امروز در آن جا بهزاران پدر بی پسر! و چندین عائله
و خاندان خوار و زار و خاک بسر! و هزاران دختر و پسر بی پدر!
هزاران عمارت و قصور طعمهٔ آتش نیستی و خاکسترنشین ابدی گشته!
متاع و ذخائر هزاران خانه نصیب نهب و غارت دست ظلم پرست
چنگیزان بیرحم و دزدان سفاک شده! بیت المال مسلمین حصص
اخوان الشیاطین یعنی قطاع الطریقان پنجه آهنین رسیده و میرسید
سیلاب اشک و خون سر تا سر آنرا فرا گرفته و هیچکس از مال و جان
و حیات خود ایمن نیست. جَآءَتْ دَاهِيَةٌ تَنْجَحُ مِنْهُ دَهْيَآءُ.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 415 of 711

بعضی حضرات که دران داکترها و معالجین سپه سالار نیز شامل بود با وشان مشوره دادند که سفر شما درین وقت که صحت تان بدرجهٔ اخیر خراب است خالی از خطر و ضیاع نفس تان نیست علی الیقین این عزم و تصمیم شما که باین جسم زار و وجود ناتوان و بیمار آرزوی خدمتگذاری وطن را دارید بپایهٔ تکمیل نمیرسد و خدا ناخواسته در عرض راه طائر روح از قفس جسم شریف تان پرواز میکند، و این تمنای شما که میخواهید این جسد تان را که از آب و هوای افغانستان پرورش یافته و می باید در راه خدمت و نجات او در همان خاک پاک دفن شود ابداً بسر نخواهد رسید! بر علاوهٔ آن چون حکومت و زعمای امور افغانستان نه تنها بمشاوره و نظریات شما عمل پیرا نشدند بلکه از بی اعتنائی و عدم قدردانی خود شما و خاندانی تان را از کار بیکار و درین عالم غربت خوار و زار و پریشان و بیمار گذاشته اند چه لازم است که فعلاً شما با آن مملکت که بعضی رجال بزرگش با شما ظلم و اعتساف و بی انصافی را روا دارشده اند خدمت میکنید.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 416 of 711

فرضاً اگر شما از پنجهٔ این مرض مدهشی که دمبدم حیات شما را تهدید و مشکلات و موانع مزیدے را برای تان تولید میکند، نجات و شفا حاصل کنید چگونه خواهید توانست، درینموقعی که سرتاسر افغانستان مسموم و عموم ملت خواهانِ وطن دوست از اصلاح آن محروم، و هر لحظه شعله افشانیهای این آتش خانمانسوز در ترقی و تزائد حسرت اندوز است، و سکنهٔ افغانستان بالعموم نه تنها از شخص امیر امان الله خان بلکه از تمام مأمورین و منسوبین آن زمان بدرجهٔ اقصی دل گزیده و هراسان، و از همه آنها نالان میباشند، کاری کرده بتوانید و یا دران افغانستانی که فعلاً محشرستان است، مصدر اجراآت مطلوب، در فراهم آوری وحدت و اصلاح مرغوب شوید.

ممکن است شما بگوئید طوریکه در بغی منگل سنه ۱۲۹۱ شمسی آن آتش مخالفت را بهمت و فعالیت خود منطفی کردم، و قسمیکه در محاربهٔ سنه ۱۲۹۸ شمسی داد شجاعت و حماست را دادم و در تدویر و انضباط و امنیت مشرقی بعد از خرابی مدهش آن و تنظیم ولایت قطغن و بدخشان در یکفرصت پریشان موفق شدم، این واقعه را هم اصلاح و تنظیم خواهم کرد ولی موفقیت شما در انسداد این سیل موحش مخالفت حاضره با آن کامیابیهای سابقهٔ تان صریحاً قیاس مع الفارق است، زیرا که عموم تصور دارند احدی نمیتواند که این آتش سوزان افغانستان را خاموش کند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 417 of 711

عزم جناب محمد نادر خان برای خدمت نجات افغانستان

جناب محمد نادر خان بیمار، باین مشاوره وافکار اهمیتی نداده به حضرات سردار محمد هاشم خان و سردار شاه ولیخان امر داد که شما درین سفر خدمت وطن، با من رفیق شده سر از حالا به تهیهٔ لوازم سفر بپردازید، زیرا که بر ما و شما خدمت و صداقت کردن به مملکت و معاونت و راحت رسانیدن به ملت افغانستان درینموقع تاریک که تمام ملت محبوب ما در دریای خون شناوری دارند، و اوضاع و احوال آنها نهایت زار و زبون است فرض میباشد، من هرچند بیمار هستم، باز در دل خود قوت طپیدن را در راه نجات وطن بکمال شدت محسوس میکنم، و آخرین نفس و قطرهٔ خونم را آرزومندم که درین راه نثار کنم.

من این بشیر فی و بینا موسی را ابداً متحمل شده نمیتوانم که ملت عزیزم در امواج مصائب و بلیات گرفتار و انواع تکالیف و زحمات بر اوشان انبار باشد، و من در اروپا به معالجه و انتظار صحت خود خونریزی و پریشانی و محو و انقراض ملتم را تماشا کنم، نی من میروم و این سرم را که بار ما برای حفظ شان و شرف وطنم برای فدا کردن حاضر کرده ام، تکرار برای قیام امنیت و فراهم آوری اسباب رفع نفاق

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 418 of 711

والقای صلاحیت ملتم قربان میکنم، اگر قبل از رسیدن افغانستان در راه بعلت مرض موجوده ام که تاب و توان را از من مسلوب نموده است داعی اجل را لبیک گفتم باز هم افتخار خواهم داشت که در راه خدمتگذاری وطن محبوبم حیاتم را پدرود گفته ام.

بعد از تهیه لوازم سفریه بتاریخ ۵ دلو ۱۳۰۷ جناب سپه سالار با برادران شجاعت مدارشان از تیغس حرکت و کمر را برای خدمت وطن بستند، چون سپه سالار قابل حرکت نبود در مواقع تبدیل نواقل و سواری جهاز او شانرا ذریعهٔ چارپائی (استریچر) حرکت میدادند، در چند روز اول سواری جهاز حقیقةً که حسب پیش بینی داکترها حالت این مرد صداقت طویت خیلی مدهش و نازک واقع شد، از سخن گفتن بکلی قطعاً محروم و بجز از کلمات خارج از موضوع، و مباحثات در عالم خیال با ملت افغانستان از و چیزی شنیده نمی شد ولی در عین غشی و بیهوشی همفکر و همذکر و حواسش متوجه بسعادت و بهبود وطن بود، چنانچه در عین مخاطبه با برادرانش او شانرا بوظائف غمخواری و راهنمائی ملت هدایت میدادند، و از نتائج آن در همان حالت استفسار میکردند و بر حسن و قبح اجراآت شان که الی الآن از قوه بفعل نیامده بود، آنهارا توبیخ مینمودند ولی بنازم لطف خدایرا که باین سپاهی صادق و خدمتگذار لایق، نظر به این ارادهٔ پاک و عزم خجسته اش در عین سفر جهاز افاقه را نصیب و مرضش رو به بهبود گذاشت و در موقع ورود به بمبئی فی الجمله

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 419 of 711

وضعیت مرض او شان بالنسبه فرانسه تسلی بخش بنظر می آمد.

پذیرائی جناب سپه سالار در هندوستان

(۱)

در موقع وصول جهاز سپه سالار صاحب بتاریخ ۲۱ دلو در بمبائی مورد پذیرائی زیادی از طرف اهالی آنجا شدند، و یک مجلس بزرگ بتقریب ورود شان در قونسلگری افغانستان انعقاد شده جم غفیری از اعزه و مشاهیر محلی در ان شرکت داشتند.

در طی این مجلس از هر طرف بر اوضاع جگر خراش انقلاب افغانستان و مظالم حکومت دزدان و عزائم جناب محمد نادر خان بحث دائر شد. این ذات ملت دوست درین مجلس اجمال عزیمت شان را باین الفاظ به عموم ابلاغ فرمودند:

«من جهة قیام امن و مصالحت و وحدت بافغانستان میروم و در راه مصالحت کوشش بلیغ خواهم کرد.»

بعد از انحلال این مجلس سپه سالار صاحب جهة رفع کسالت و اقامت چند روزه به هوتل تاج محل اقامت گزین شدند، درینجا یک هیئت اهل قلم و مدیران جرائد حضور شان مشرف شده راجع بطرز عمل شان خواهان معلومات شدند.

(۱) این حالات و بیانات سپه سالار صاحب که در خاک هند واقع شده از جرائد اردو و انگلیزی اقتباس شده اند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 420 of 711

ارشادهای شفاهی سپه‌سالار غازی باهل جرائد

«شخص من و عموم افراد خاندانی من مقصدی جز این ندارند که برای قوم و وطن خود درین حالت نازک خدمتی را که موجب قیام امنیت و القای مصالحت باشد بکنند، ما در نظر داریم که بقوت بازو و دل و دماغ تمام مساعی خود را در راه سعادت افغانستان صرف کنیم، تا روح وحدت و اخوت را در تمام اقوام و طوائف افغانستان تولید و برای قیام و استحکام یک حکومت مقتدرهٔ اسلامی که مطابق میل و رضای عمومی باشد، زمینه را تهیه کنیم. تا ضامن دوام استقلال و بقای با شرف ابدی افغانستان بتواند زیرا اگر این اوضاع موجودهٔ وطن ما تا چندی دوام کند، نه تنها حریت و استقلال افغانستان خدانا خواسته ضائع و برباد بلکه برای امن جهان نیز خطرات بی پایانی را فراهم خواهد آورد، لذا من با وجود علالت، تکالیف زیاد این سفر طویل را بر خود گوارا نموده آرزومندم تا برای وطن خود خدمتی را انجام بدهم [درینجا جریده نگاران عرض کردند که با جازهٔ جناب سپه‌سالار میخواهیم که آن عزائم عالیهٔ شانرا که در طی این حرکت در خاطر دارند تحریراً جهت استطلاع عامه بنویسیم، لذا سپه‌سالار صاحب بیانات آتی الذکر را برای شان جهت انتشار اخبار اعطا فرمودند]

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 421 of 711

بیانات تحریری سپه سالار صاحب برای نشر جرائد

«یقین کنید که من با خلوص نیت پیام امن و مصالحت و خیر را گرفته جهة اصلاح حالات پریشان کن امروزهٔ افغانستان میروم و در انجام این مطلب مقدس هیچ یک مقصد شخصی از خود ندارم، در ضمن آن پیامات متعدد خیر مقدمی که بمن واصل شده از من دوستانم توقع کرده اند، که باید بقندهار بروم ولی این احبابم بایستی درین مسائل که تعلق بطرز عمل من دارد بر من اعتماد کنند و مرا بفکر و ارادهٔ خودم بگذارند تا هر طریقه را که خودم برای قیام امنیت و مصالحت لازم دانم کار فرما شوم»

«اولین مشغلهٔ من صرف مجاهدت در خاموش کردن این آتش سوزان است که موجب تباهی مادی و معنوی افغانستان میباشد، زیرا اگر حالت اضطراب انگیز کنونی افغانستان قدری دوام کند، خدانا خواسته موجب ضیاع استقلال و آزادی و موجب ممات ابدی وطن محبوبم شده، امنیت عالم را در خطره خواهد انداخت، حالانکه کوشیدن در قیام امنیت فرض ذمت تمام اقوام خود مختار و مستقل عالم است، عام از اینکه آنها عضویت جامعهٔ ملل را داشته باشند و یا نداشته باشند»

«این فدائی وطن با وجود ناسازی طبع و خرابی صحت با برادرهایم بحیثیت یک

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 422 of 711

فرزند باوفا و تابعدار وطن برای خدمت ملک و قوم خود از فرانسه آمده ام تا درین موقع نازک بقدر طاقت و توانِ خویش خدمتی برای ملت و مملکت خود انجام دهم، من و تمام خاندان من از خلوص نیت، این خدمت را بدون هیچ یک مدعا و مقصدیکه علاوه بر قیام امنیت و مصالحت در ملک باشد انجام میدهیم، و مدعی تاج و تخت نمیباشیم، بلکه میخواهیم که حکومت افغانستان برخلاف گذشته و حال، تابع فکر و ارادهٔ عامهٔ ملت بوده فعلاً از خانه جنگی و برادرکشی دست کشیده یک شخص صحیحی را بشاهی خود انتخاب کنند، در انصورت هر شخصی را که عامهٔ ملتم بشاهی خود برگزیدند، ما هم بمتابعتِ ملت محبوب خود و خیر وطنِ خویش برای اطاعتش و خدمت کردن برکاب او حاضریم ».

« برین غلط فهمی ها ئیکه موجب فتنه و فساد و بغض و عناد در داخلهٔ افغانستان شده من از حد زیاده متأثر و متأسفم، الله تبارک و تعالی حافظ و ناصر افغانستان باشد، و آزادی و استقلالش را دائم و قائم و تعلقاتش را با سائر دول معظم عالم خوشگوار و برقرار داشته باشد و بما چنان قوت و قدرت را عطا کند که خدمات بی غرضانهٔ خود را بحیثیت یک مصلح خیراندیش و ثالثِ بالخیر برای ملک و ملت خود اهدا کنیم و آن مشوره های مفیدهٔ ما را که برای رفع اختلافات و خانه جنگی حاضره و فراهم آوری

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 423 of 711

وسائل اخوت و اتحادیکه موجب عزت و عظمت و شرف افغانستان در آتیه است بر ملت ما مؤثر ثابت گرداند »

« من و خاندانم احوال رقت اشتمال موجودهٔ اعلیحضرت امان الله خان را بکمال تأسف و همدردی مینگریم و میدانیم که این همه حوادث اسفناک در اثر اقدامات ناعاقبت اندیشانهٔ اوشان که در جوش تجدد پسندی برخلاف حسیات عمومی بعمل آمده است ، باز هم ما برای خیر شخصی اوشان و منافع جامعه از مساعیات خالصانهٔ خویش خودداری نخواهیم کرد »

« در خاتمه من ذریعهٔ شما ارباب جرائد مشورهٔ بیغرضانه و صادقانهٔ خود را برای ملت محبوبم تقدیم میکنم ، تا آنها از جوش مخالفت فروشده بر حال و مآل خود دقت کنند و برای حیات باشرف و دائمی خود از اتحاد و اتفاق کار بگیرند و مملکت خود را ازین گرداب مخاطره نجات دهند ، و در انجام این مقصد از خدای پاک معاونت طلب کنند ، وقتیکه ملت محبوبم متحد و متفق و بمعاونت خداوندی متوسل شدند حتماً لطف ایزدی شامل حال شان شده اینطور یک حکومتی را قائم خواهند کرد که مطابق میل و آرزوی شان بوده ضامن حفظ آزادی و استقلال و شرف و سعادت ابدی شان خواهد شد » .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 424 of 711

نصیحت نامه‌های متحد المآل سپه سالار غازی بعنوان عموم اعزه و معارف افغانی

برعلاوهٔ این ارشادهای شفاهی و تحریری حضرت تعالی سپه سالار غازی که باهل جرائد و عامهٔ اهالی هند و افغان وغیره ذواتیکه بعز ملاقات شان نائل میشدند اظهار و اعلان فرموده اند یک یک نصیحت نامه‌های اصلاح ختامهٔ دگریرا که عیناً بر طبق همین مضامین فوق الذکر تحریر و بتعداد زیاد طبع شده بود بعنوان عموم اعیان و اشراف و کلان شوندگان اقوام و طوائف افغانستان فرستادند عنوانهای مرسل الیهم درین اعلانهای مطبوعه بقلم تحریر و هر واحدی ازین اعلانها بامضای سپه سالار غازی تصدیق میشد و درین اعلانها بدلائل مقنعه و عبارات مدلله و مضامین رقت افزا عموم ملت را باضرار نفاق و خانه جنگی و مفاد وحدت و اخوت و یگانگی دانانده، بمردم توصیه زیاد شده بود تا از جنگ و جدال و قتل و قتال منصرف بوده این آتش خانمان سوز را که دمبدم هستی وطن را بوادی عدم می کشاند بصورت بحث و مذاکره منطقی و این اختلال عمومی را بجرگه و اتفاق آرا عموم طبقات ملیه فیصله نمایند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 425 of 711

حرکت از بمبائی و وصول مخبر مانه سپه سالار غازی به پشاور

بالجمله سپه سالار غازی چند روز را در بمبئی گذرانیدند و هر روزه هم در هوتل، اعزه و معاریف بشرف ملاقات شان نائل و هم اوشان را در دعوتهای مخصوص که محض جهة پذیرائی و احترام شان انعقاد می یافت مدعو میفرمودند، و در همه مواقع ملاقات و باریابی نفری، در بمبئی و غیره شهرهای عمدهٔ هند و عرض راه عند الاستفسار جناب سپه سالار همین نظریات و افکار قیمتدار شان را بحضار خاطر نشان و تکرار میکرد و این نکته را بیشتر تذکر میداد که :

«من میخواهم که عموم نمایندگان ملت را در یک جرگهٔ عمومیه مدعو نموده آنها را به مصالحت و قیام امنیت و اتخاذ نظریات متحدانهٔ آنها، راجع به تاسیس یک سلطنتی که مطابق میل و آرزوی عامه باشد و شخصی بر آن انتخاب شود که نیک کردار و دیانت شعار و پاک باز و در همه صفات خود ممتاز باشد، من نه بر خلاف اعلیحضرت امان الله خان و نه بر علیه علی احمد خان، و نه بر ضد دیگران اقدام میکنم بلکه به خیر و مفاد ملت و مملکت مصروف اقدامات میشوم و جداً حامی و طرفدار و بازوی توانای همان قوم و یا شخص خواهم شد که در دلهای اوشان حسیات و طنخواهی و ملت پروری

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 426 of 711

وجذبات بهیخواهی وخیرسگالی عمومی موجود ودر نظر عامه بنظر محبوبیت دیده شوند.»

درمواقعیکه مردم هند راجع به استرداد تاج وتخت امان الله خان از اوشان معلومات میخواستند ویا از اوشان توقع میکردند که شما کوشش کنید که وی دوباره صاحب تاج وسریر شود، میفرمودند که :-

«من با اعلیحضرت امان الله خان کمال همدردی دارم، ومصیبت حاضرهٔ اورا که از دست عجلت پیوست خودش واقع شده است بنظر تأسف می بینم، امّا راجع به پادشاهی مکرر اوشان چیزی گفته نمیتوانم، زیراکه انتخاب امیر از وظائف اساسی ملت است، مردم هر آنشخصی را که بنظر محبت واعتماد ببینند وآنشخص هم واقعاً یک ذات خیراندیش ومدبّر وبهیخواه باشد، البته که همانشخص پادشاه خواهد شد»

بالجمله سپه سالار درایت مدار از بمبئی الی پشاور درمیان ازدحام پذیرائی کنندگان وهلهله های دعای موفقیت وکامیابی ورفع مصائب مملکت افغانی عبور میکردند ومخصوصاً در ان قرارگاه های ریلوی که بامصار کبار هند واقع است بیشتر جمعیت های پر از ازدحام اعزه ومعاریف وسائر انام موکب نادری را خیر مقدم گفته از سپه سالار گفتاریرا می شنیدند، که مفاد آن فوقاً مرقوم شد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 427 of 711

ملاقات سپه سالار غازی با علی احمد خان والی در پشاور و اعزام جناب سردار محمد هاشم خان (بطرف مشرقی)

بالجمله سپه سالار صاحب در میان جوش و خروش پذیرائی و دعاگوئی اهالی بتاریخ اول حوت وارد پشاور شد در اینجا هم از طرف اعزه و معاریف محلی و اقوام و قبائل سرحدی که قبلاً جهت پذیرائی شان حاضر شده بودند، مورد استقبال شایانی شده، عین همان بیانات و ارشادهائی را که قبلاً بین نگاشته شد ایراد نموده با نفیر سرحدی تبادل افکار کردند.

درینموقع جناب علی احمد خان والی که بعد از سقوط شاهی و تاراج شدن هیئت اداری و نفری معینی او در جگدلک نیز با چند نفر از رفقای شان وارد پشاور شده بودند، سپه سالار صاحب را ملاقات و از مجاری امور کماحقه باوشان اطلاعات دادند، برعلاوه آن دیگر محترمانی که از مظالم سقوبها بجان رسیده فرار را برقرار اختیار، و تازه در ان دیار آمده بودند نیز بحضور شان تشرف جسته، معلومات لازمه را بعرض رسانیدند، بعد از کسب اطلاعات موثقه راجع بجریان انقلاب و حسیات عامه جناب سپه سالار صاحب چنین پروگرام خود را معین فرمودند، که برادر دانشور شان سردار محمد هاشم خان را حسب هدایات مکفیه برای تنویر افکار اهالی مشرقی از راه دکه به جلال آباد بفرستند، زیرا که حضرت معظم له نظر بگذاره و سلوک خوبی که در دوران حکومتی اعلی و نائب سالاری نظامی شان در مشرقی فرموده اند خیلی زیاد بنظر عامه ملت دین دوست

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 428 of 711

شجاعت پیکر آنجا بنظر محبت و اعتبار دیده میشوند .

اغلبا از راهنمائی و ارشادات هاشمی نه تنها آن جوش مخالفت و جذبات معاندت آنها رو بسکون خواهد گذاشت که به طرفة العین ادنا حرکت آنها موجب وقوع یک انقلاب هدش و برهم زن شیرازهٔ سلطنت منظم گردید بلکه ممکن است که در راه وحدت عمومی ملت و فراهم آوری موجبات رفاه و امنیت وطن نیز مظهر خدمات خوبی بشوند .

هر چند بر جناب سردار محمد هاشم خان ازین مفارقت صوری سپه سالار غازی (در حالیکه تا هنوز در حال ضعف و نقاهت بیماری میباشند و دوره های ضیق النفس و ذات الصدر با آنها خیلی تکلیف و زحمت را عائد میکند) خیلی شاق و مشکل میگذرد اما تعمیل این امر و هدایت نادری که برای خیر قوم و بهبود وطن مفید است هم باید حتماً در محل اجرا و تطبیق گذاشته شود ، لذا این ذواتیکه جان و مال و هستی خود را برای نثار کردن در پیشگاه خیر جامعهٔ خویش اهمیت نمیدهند بکمال فعالیت و مستعدی با وجود علالت سپه سالار و دغدغهٔ که از جانب اوشان بخاطر داشت برای خدمت وطن بمفارقت صوری حاضر شدند و برادر معظم شان را بلطف ایزدی و در عالم اسباب تحت تیمارداری سردار شاه ولیخان سپرده بیک وضع رقت آوری همدیگر را

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 429 of 711

تودیع و دعای رفع بلیّات حاضره را از ملّت نجیبهٔ شان نموده جدا شدند.

عزم سپه سالار غازی بطرفِ سمتِ جنوبی

بالجمله سپه سالار صاحب در اوائل حوت ۱۳۰۷ (بعد از تودیع برادر مهرپرور شان محمد هاشم خان واعزام او شان بسواری موتر از راه دکه بطرف مشرقی) بصورت خصوصی از راه کوهات عازم سمت جنوبی شدند زیرا که طبع علیل شان مائل بدیدن تظاهرات و پذیرائی اهالی که قبلاً از ان به پیمانهٔ بزرگ تهیه گرفته اند نبود، ولی بمجرّد وصول او شان در هر شهر و قریه و قصبهٔ عرض راه جنوبی اعزه و مشاهیر هر محل، مقدم شان را گرامی دانسته مردم دقیقهٔ از مراتب اعزاز و احترام این مرد یرا که با این وجود بیمار و احوال زبون و زار خویش برای خدمت وطن و اشتراک در مصائب ملّتش در صدد اقدامات اند فروگذار نمیشدند.

حصص درمیانی کوهات و تهل را سپه سالار صاحب به آهستگی طی فرمودند و راجع بترتیب نقشهٔ حرکت و صورت اصلاحاتِ خود فکر و اندیشه میفرمودند و در عین زمان راجع به آمدن خود جهة اصلاح و خدمت افغانستان به اقوام جنوبی و اعزه اطلاعات میدادند و با آن ذواتیکه از دست مظالم دزدان تازه وارد سرحد شده بودند تبادل

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 430 of 711

افکار کرده و اخذ معلومات ثقه راجع بچگونگی اوضاع وطن و حسیات اقوام و طرز عمل سقوزاده صرف اوقات میفرمودند .

ملاقات سپه سالار صاحب با جنرال شاه محمود خان

بعد از استیلای بچه سقو بر مرکز بنابر توصیه خوانین و معتبرین کوهستانی و تعلیم اساتذه کاردان خود بچه سقو مکلف و مأمور شد که باید جهة تحکیم وحشت و پیشرفت مقاصد بربریت خود از ان اشخاص و اقوام در نموقع بیشتر کار بگیرد که آنها در عصر امانی مظلوم و زیاده تر مورد غیظ و غضب و اعتساف حکومت واقع شده باشند از ینجهة به اکثری از مأموریت های مهم و وظائف عمده بدون خواهش و رضا، همان اشخاص و اقوامی غائبانه از طرف سقوزاده انتخاب و معین شدند که شاه مخلوع با آنها شیوه بد اخلاقی و بی اعتنائی را مرعی و اسباب گزند خاطر و آزار شانرا فراهم آورده بود.

درین سلسله لازم دیدند که بجناب سپه سالار صاحب هم دعوتنامه در پاریس توسط سردار احمد شاه خان پسر عم معظم شان و سردار عبدالعزیز خان وزیر مختار اسبق افغانستان در طهران، بفرستند؛ چنانچه این ذوات علی الفور بذریعه طیاره اعزام و مأمور باوردن سپه سالار صاحب شدند و هم سردار شاه محمود خان را مکلف و مأمور داشت تا در سمت جنوبی رفته

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 431 of 711

آن اقوامی را که در سنه ۱۳۰۳ از دست امان الله خان تکلیف و زحمت دیده بودند نه تنها در ربقهٔ اطاعت سقوزاده بیاورند، بلکه آنها را وادار کنند که در قندهار جهة مقابله و جلوگیری از حرکات شاه مخلوع رفته مصدر اقدامات مخالفانه شوند.

چون جنرال شاه محمود خان اینطور یک مأموریتی را که باعث تخلیص او شان از نظام دزدان شده وسیلهٔ ارتباط شانرا با اقوام غیرتمند افغانستان فراهم آورد، از خدا میخواست بکمال مسرت آنرا پذیرفته با عدهٔ از رفقای هم مسلک خود، که درد وطن را بالنسبهٔ این فجائع بیشتر داشتند و حالات حاضره را بنظر تاسف میدیدند، عجالتاً عازم سمت جنوبی شدند، تاریخ حرکت شان از کابل در ۲۲ شعبان و خط سیر شان کلنگار، چرخ، پاتخواب شانه، خوشی، دوبندی، جاجی بود.

بمجرد خروج از منطقهٔ حکمرانی دزدان که درینوقت بیشتر از شش کروهی کابل نفوذ نداشت، باعزه و معاریف لوگر و چرخ و خروار و دوبندی و جاجی و چمکنی وغیره نقاط مجاور عرض راه کاملاً از حقائق اطلاعداده آنها را به وخامت این وحشت و فضیحت دزدان میدانانده راجع بوحدت و اخوت و سنجیدن یک چاره و مخلص ازین بلیه و فکر رفاه و سعادت آتیه توصیه میکرد.

در اثنای این حرکت افواهاً خبر ورود سپه سالار صاحب را بهند بغرض ورود

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 432 of 711

افغانستان شنید، با اینکه از مرکز رفتن سردار احمد شاه خان و عبدالعزیز خان را بعقب
او شان دیده بود ولی قلباً اطمینان داشت که سپهسالار صاحب با وجود بعد مقام
و عدم استطلاع از هویت و وحشت این دزدان ظلام رأساً عزم رفتن کابل را
نمیفرمایند و خود را در ان گرداب بلا که من بهزار مشکل از ان برامده ام غوطه ور نمیسازند،
الحق که دانشورهای افغانی بملاحظه وسعت نظر و عاقبت اندیشی و حس کنجکاوی که در وجود سپهسالار
صاحب سراغ داشتند کاملاً مطمئن بودند که هرگز این ذات ستوده صفات وطن پرور
ملت دوست غیور، متحمل و روادار نمی شود که دعوت یک دزد فضول
بی سروپا را که نظر به بداخلاقی و بی دیانتی امان الله خان و خیانت کاری رجال بزرگ
امانی و حس نفرت و مخالفت عمومی تخت و تاج را دزدیده است قبول کند باز هم جهة
ازاله اندیشه و در عین زمان ملاقات و اخذ نظریه این ذات با تجربه درین واقعه
هائله و خبر گرفتن از چگونگی صحت شان که قبل از بروز انقلاب از شدت دوران مرض
شان اطلاع گرفته بودند عزم و تصمیم کردند که از جاجی بغرض استقبال شان براه پاره چنار
عازم هندوستان شوند.

خوشبختانه در پاره چنار جنرال شاه محمود خان بشرف ملاقات برادر معظم خود
پیوستند و سر و روی همدیگر را بوسیدند و بملاقات هم اظهار مسرت، و قصه عالم فراق، و

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 433 of 711

مصائب حاضره را سرکرده و از مجاری امور و علل و اسباب بروز انقلاب، سقوط سلطنت امانی، فرار عنایت الله خان، استیلای دزدان، مظالم و فجائع اوشان و وجود حس نفرت و مخالفت عمومی نسبت بوحشت سقوی و تشبثات ثانوی امان الله خان راجع به استرداد تاج و تخت، و پیدا شدن حس مخالفت مکرر اقوام بالنسبه ازاله اثر امان الله خان و جزع و فزع عمومی از وحشت و بربریت دزدان فرستاده شدن سردار احمد شاه خان برای دعوت جناب سپه سالار، برامدن خودش از مرکز، و القای آن حسیات و جذباتیکه از لوگر تا اینجا جنرال در مردم تزریق نموده و اینکه این اجراآت من و ورود سپه سالار در سمت جنوبی موجب غیظ و غضب نفری سقوی شده تمام عائله ما را محبوس خواهند کرد و تعیین خط مشی آتیه راجع بفراهم آوری اتحاد و پیدا شدن روح مصالحت و اطمینان در عامه ساکنین وطن، و غیره جریانات مرکزی و اطراف و نواحی افغانستان معلومات مفصل و موثقی را بحضور سپه سالار صاحب اعطا نمودند و ازین اطلاعات در تأسف و حسرت سپه سالار افزودند و از ملاقی نشدن سردار احمد شاه خان که اغلباً در سفر بحر از همدیگر بیخبرانه گذشته اند تعجب کردند.

پس از اختتام این مذاکرات و تعیین طرز عمل جهة وحدت ملی و دفع مظالم سقوی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 434 of 711

که هر دقیقه دوام آن انواع تکالیف را برای ملک و ملت موجب است و دعوت نمودن عامهٔ ملت را بطرف انعقاد جرگهٔ عمومیه و سنجیدن خیر و منافع عامه بخیال شاه محمود خان از حضور سپه سالار امر شد که جهة اداره و تنظیمات جاجی و چمکنی و پس معاودت فرمایند و خود شان هم از راه خوست عازم افغانستان شدند.

ورود سپه سالار صاحب بخاک افغانستان و پذیرائی شان در سرحد خوست

در موقعیکه سپه سالار صاحب بسرحد افغانستان آمدند حسب اطلاعیه هائی که سابقاً به تبعهٔ داخله واصل شده بود جم غفیری از مردم افغانستان بغرض استقبال و شنیدن هدایات و نصائح این مرد دانشور حاضر بودند، حضرت عالی ازین حسیات قدردانانهٔ او شان اظهار مسرت و با هر یک طائفه و جمعیت علیحده علیحده اظهار ملاطفت مینمودند، آنها بالمقابل از دیدن این خیر اندیش و خادم حقیقی شان بمسرت تمام هم آغوش و بدعاگوئی موفقیت شان در نجات وطن ازین گرداب رنج و محن میپرداختند.

بالجمله سپه سالار صاحب به ۱۹ برج حوت سنه ۱۳۰۷ با سردار شاه ولیخان و سید شریف خان و حاجی محمد نواب خان و دیگر مشایعین که بغرض استقبال شان از

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 435 of 711

داخل بسرحد رفته بودند بفرصتی وارد خوست شدند که مراسم پذیرائی مکمل اوشان قبلاً از طرف نظامی و ملکی خوست باصول خوب گرفته شده بود .

غند عسکری زیر قوماندهٔ نور محمد خان غند مشر بکمال محبت و گرمجوشی رسم تعظیم و سلام را ایفا و ۳۱ ضرب توپ مژدهٔ ورود سپهسالار غازی را بخاک افغانی اعلان کرد .

مأمورین ملکی بریاست آقای محمد سرور خان حاکم اول این خطه مراسم استقبالیه را بجا آورده ، تمام اهالی نیز با خوانین و علما و سادات و مشایخ صمیمانه آداب پذیرائی را اجرا نمودند .

قبلاً در صفحات جرائد و یا افواهات از خرابی صحت و علالت مزاج جناب سپهسالار صاحب خیلی چیزها شنیده و خوانده میشد که اینجا بالفعل علامات منتهی ضعف و علالت در چهرهٔ شان دیده میشود ، و با همین حالت ضعف و علالت سعی میکردند با هر یک از مستقبلین ، ولو دور باشد منتهی لطف و گرمجوشی را نشان بدهند .

پس از اتمام مراسم پذیرائی نطق مؤثری راجع بحالت بحران موجودهٔ وطن و ارادهٔ که برای آن درین گوشهٔ مملکت خود را رسانیده اند ایراد داشتند ، که مفاد نطق قرار آتی بود :-

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 436 of 711

«در حالیکه در فرانسه مریض سخت بستری بودم خبر افروخته شدن آتش انقلاب در وطن و دچار شدن آن بمصیبت خانه جنگی و بی اتفاقی بذریعه جراید واقف شدم»

«چون بحالت داخلی وطن آشنا هستم و وخامت خانه جنگی را درین مملکت مسلح کم تعلیم مشتمل بر اقوام مختلف میدانم که تا کدام پایه برای وطنم خطرناک است و خدا نا کرده آنرا بکدام پایه فلاکت و تباهی میکشاند، ازینرو هرچند که حرکت کردن برایم از طاقت بیرون بلکه خطرناک بود، اما درد و بیطاقتی خود را ازین حالت مملکت بر خود مشکلتر دیده به برادران خود محمد هاشم خان و شاه ولیخان اصرار نمودم تا مرا بجهاز رسانیده بطرف وطن بیارند»

«چنینکه به پشاور رسیدیم بفضل خداوند صحتم اندکی از حالت بیقراری روبه بهی گذاشت لذا از آنجا محمد هاشم خان را بطرف مشرقی و خودم با برادر خود شاه ولیخان باین سمت آمدیم و از خداوند قادر یگانه آرزویم همین است که برای دفع این بلای منزل خدمتی کرده رفاهیتی را برای آتیهٔ وطن که ما فرزندان آن هستیم آماده و حاضر بسازیم»

«بعد از عید (که برای آن سه روز مانده است) باتفاق اقوام و خوانین و علما و اهالی اینجا یک مجلس تشکیل خواهیم داد، که در بارهٔ حالت حاضره مملکت و اقداماتی که

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 437 of 711

باید بشود، مذاکره خواهد شد» بعد از ختم این بیانیه جناب شان بطرف چهاونی رهسپار شدند، چون منزل امروزه و مراسم استقبال برای شان زحمت داده بود برای تجدید قوا بطرف اوطاقیکه جهة استراحت شان تهیه شده بود رفتند.

اجمال وضعیت عمومی افغانستان در موقع ورود جناب سپه سالار محمد نادر خان بخوست

در موقع ورود سپه سالار صاحب در تمام افغانستان یک بحران و بی نظمی و پریشانی عمومی حکمفرما بود که اجمالاً ازین وضعیت ذیلاً تذکر میدهیم :-

کابل : از سقوط سلطنت امانیه و تسلط سقوزاده بر مرکز الی الآن سه ماه گذشته مردم مرکز و اطراف قریبه از دست ظلم و وحشتگری دزدان نهایت پریشان اند، اعزه و معاریف ملت مخصوصاً از مرکز با انواع مظالم و فجائع گرفتارند، تشکیلات حکومتی از حیث اداره و پیشرفت صحیح امور کاملاً درهم و برهم و برای اجرای بربریت و سلاخی و انجام مقاصد ذیلانه سقوبچه هیئت اداری او باین قسم اربود .

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 438 of 711

حبیب الله بچهٔ سقو - امیر (۱)

حمید الله برادر حبیب الله بچهٔ سقو - معین السلطنه ملقب به سردار اعلی (۲)

سید حسین نائب السلطنه وزیر جنگ (۳)

ملک محسن کلکانی والی خود مختار (٤)

سید محمد قلعه بیگی خود مختار

چهل نفر دستهٔ دهارهٔ بچهٔ سقو حسب مراتبهم برگد، جرنیل، کرنیل، نائب سالار

سپه سالار خود مختار.

شیر جان وزیر دربار و معلم خصوصی سقو زاده..

---

(۱) بچه عبدالرحمن سقو نوکر ملک محسن کلکانی که اولاً بحیثیت یک دزد معمولی بروز کرد و باز در قطعهٔ نمونه جلب شده، در اثنای تکمیل دورهٔ عازمت گریخت و در عین گریز مرتکب سرقت و قتل شده از هم مشربان خود دارهٔ تشکیل داد در محاربهٔ سنهٔ ۱۳۰۳ تکرار در نفری قطعه نمونه جلب و با محمد ولیخان در گردیز بود بعد در جلال آباد بواسطهٔ مجادله، که با مردم کرده بود حبس و از بندیخانه محبوسین را با خود گریختانده، در جمعیت سابقهٔ خود افزود، و اغتیشمالی را بدرجهٔ مختل کرد که والی کابل با قوهٔ زیاد به تعقیبش برآمدی سقو زاده، بلطائف الحیل گریخته به تونگی رفته شاگرد یک سماوارچی شد و بعد از چندی بوطن برگشت و در وحشت و اختلال نفس به پیمانهٔ وسیع افزوده در عین زمان با خائنین وطن هم مناسباتی راه نمود حسب توصیهٔ آنها قطاع الطریقی خود را بلباس مذهبی و پلان سیاسی تحویل داده هر روزه نقشهٔ حرکات خود را از خائنین بزرگ امانی میگرفت و در فراهم آوری مشکلات حکومت میکوشید، تا اینکه از تهور جبلی و معاونت اعدای شرف ملی و حرکات فتنه زای امانی تخت افغانی را دزدید و بخود لقب مهدی وغیره تراشید و خائنین سلطنت خواه را بخاک سیاه نشانید.

(۲) برادر حبیب الله بچهٔ سقو که تا چندی شاگرد سماوارچی و نان بای و بعداً با دستهٔ سارنده ملحق شده بازنگری میکرد و در آخر به دارهٔ برادر خود شامل شد.

(۳) رفیق صمیمی سقو زاده و از جملهٔ زراعت پیشه گان چهاریکار است.

(٤) یکی از ملکان معمولی کلکان که دهقانی میکرد و با دزدان روابط داشت.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 439 of 711

محفوظ وکیل وزارت حربیه .

عطاء الحق وزیر خارجه .

عبد الغفور تگابی وزیر داخله .

عدلیه - چون لزوم نداشت از تشکیل خارج شده بود .

مالیه - میرزا مجتبی خان وکیل وزارت مالیه .

معارف - این طبقهٔ جاهل بمعارف احتیاج نداشتند لذا از تشکیل قطعیاً خارج شد ،

طبیه - زخم وجراحت چندان افزونی کرده که طبیه بآن رسیده نمیتوانست لذا لغو شد .

اعضای این وزارت ها بعضاً از مأمورین سابق و عدهٔ از معتمدین سمت شمالی وعلاقمندان سقوزاده است ، تشکیلات اداری او در بحران وتزلزل ودر یکروز صدها منصب داده وصدها منصب گرفته میشود ، امنیت من حیث المجموع (بعلت اینکه دزدان پادشاهی را دزدیده اند) خوب است ، ولی بصورت نهب وغضب ویغما بشدت تمام اخلال امنیت بیک شکل دیگری جریان دارد ، وبه بهانهٔ داشتن تفنگ وکارطوس ولاتی گری وتجدد خیالی وکارداری ومخالفت بحکومت سقوی وجرم مراوده ومخابره نمودن با وطنخواهان وغیره بمردم اذیت وانواع مصیبت وارد است واثر اقدامات وحشت وبدویت سقوی باطراف ونواحی نظر

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 441 of 711

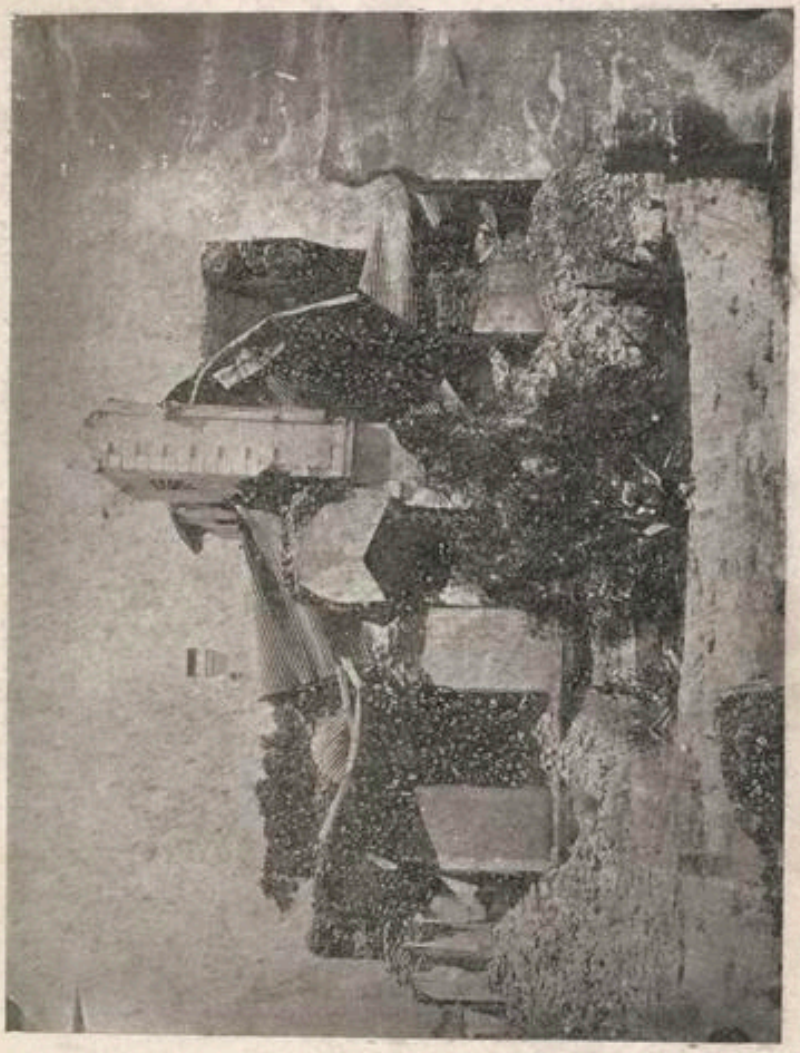

این قصر ازجملهٔ آن قصور عالی جلال آباد است که در اثر انقلاب ملک تودهٔ تراب شده است. حریق شهر وچاونی وخاره های واردهٔ دگر قصور مرکز وعرض راه مشرقی راهم برین باید قیاس کرد !

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 442 of 711

به ادعای غلط مهدی گری و تشهیر شدن بچه سقو بیک شخص خارق العاده روحانی و تشبثات ثانوی شاه مخلوع امان الله خان و حس نفرت عمومی که مردم از و شان دارند نیز روز افزون مشاهده میشود.

قندهار، فراه اگرچه در این تاریخ امان الله خان اعلان استرداد استعفای خود را نموده است و برای تجدید یک لشکر جهة اسقاط سقو کار میکند ولی مردم قندهار و فراه نه بحکومت سقو تسلیم کرده اند و نه بطرفداری امان الله شاه چندان اظهار دلچسپی میکنند و در گرفتن یک طرز عمل صحیح متردد و متذبذب میباشند.

هرات: هرچند ملحق بقندهار و زیر قیادت محمد غوث خان و محمد ابراهیم خان است ولی مواد مخالفت بشدت در ان موجود و امروز یا فردا انتظار یک زد و خورد مدهشی بر خلاف حکومت امانیه میرود.

ترکستان: بدست سقو افتاده بود ولی تنها شهر مزار، اما در اطراف آن امنیت مفقود و رعایا خود سر هستند، از حکومت امانیه جداً متنفر و از مظالم سقو مضطر بودند، اما چون سقو موجب نجات آنها از مظالم دوره امانی شده بود او را بر حکومت سابق ترجیح میدادند.

مشرقی: باستثنای چند نفر خوانین که مراد شان استفاده شخصی بود باقی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 443 of 711

تمام اقوام بچه سقو تسلیم نکرده اند ولی بدبختانه یگانه ولایتی است که در چنین وقت باریک بخانه جنگی شدید گرفتار شده است و بالمره نام و نشانی از تشکیلات حکومتی و قشله های نظامی و قصور و عمارات عالی را نگذارده اند، شهر جلال آباد با تمام محتویات آن خالی و در اثر احتراق ولیه انفلاق متعاقبه جباخانه ویران و خاکستر افشان است.

هزاره: بسقو زاده تسلیم نکرده و بترتیب دادن یک لشکر برای محاربه بچه سقو مصروف و راه هائی که از ان فکر تعرض سقویها میرفت بدرستی تسدید کرده اند.

تگاب: با بچه سقو مخالفت نموده حمله و لشکر کشی را بر کوهستانی ها بنا کرده اند. و ترتیبات درست دفاعیه را برای خود اتخاذ نموده اند.

وردک: با کمال شجاعت و فداکاری با عساکر سقوی که میخواستند طرف غزنی بروند مقابله کرده چندین قوای سقوی را سقوط و فعلاً با او مردانه وار محاربه، و از خود فعالانه مدافعه میکنند.

نورستان: بچه سقو را تسلیم نکرده در کمین فرصت و وضعیت هستند و تمام معابر خود را تسدید و جریانات عمومی انقلاب را تحت هدایت جناب عبدالوکیل خان مراقبت میکنند.

قطغن: به بچه سقو اطاعت و بیعت کرده است، ولی از توحش و بربریت سقویها

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 444 of 711

بجان رسیده اند و نسبت به آتیهٔ خود خیلی پریشان و متردد اند اما بواسطهٔ نهضت ثانوی امان الله شاه باسقوها مجبوراً موافقت میکنند.

لوگر: یکعده اقوام باثر هدایت ملای شاه مزار و بعضی افراد دیگر بسقوی اطاعت کرده اند ولی ازین اطاعت خویش ندامت دارند، یکعدهٔ دیگر اقوام بزعامت و تبلیغات آقایان جانباز خان و شیر محمد خان چرخی و آقایان میرزا محمد نوروز خان و حاجی محمد نواب خان و پسران شان و عبدالجمیل خان کلنگاری و عبدالغنی خان سرخ آبی و غیرشان مخالفت را باسقوزاده اختیار نموده ترتیبات حمله را بران عساکر و مأمورین سقوی که جهت تسخیر و ادارهٔ لوگر در صدد حرکت تصمیم نموده اند

میمنه: در اول بحالت تذبذب مانده بود ولی وقتیکه ولایت مزار بدست بچهٔ سقو افتاد و از اقدامات مکررهٔ شاه مخلوع مطلع شدند اهالی میمنه هم با و بیعت کردند اخیراً برین اطاعت خود حیرت و از اوضاع سقویها شکایت دارند.

جنوبی: چون بالنسبه همه نقاط افغانستان چهار سال پیشتر از اوضاع اشتعال آمیز حکومت امانی بمخالفت کمر بسته بودند و از طرف حکومت بشدت سرکوبی دیده متحمل انواع صدمات و تکالیف شده، تا مدت زیادی بزیر حکومت شدید عسکری امرار حیات داشتند، در تخالف و از پا در انداختن حکومت امانی که آنرا مخالف شریعت و جذبات ملیت خود تصدیق کرده بودند میکوشیدند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 445 of 711

چنانچه در اول بروز واقعهٔ شنوار مردم چمکنی و بعد از ان اهالی جاجی چهاونیهای عسکریرا تاراج و تشکیلات حکومتی را منحل، و تمام سمت جنوبی خودرا از قید حکومت آزاد کردند، تنها معسکرهای گردیز وارگون و خوست بحال دفاع ماند.

خوست: از وقتیکه حکومت امانی منحل شد تا دیروز یک نزاع بلکه یک مقاتله متوالی بین مأمورین ملکی عسکری و اهالی خوست جاری بوده است مدار نزاع یا مقاتله همین بود که اهالی منحل شدن هیئت اداری ملکی و نظامی را که در خوست بود مطالبه کرده مأمورین را میگفتند شما همه اموال و اسلحه را که بتحویل خود دارید، اعتماد کرده بما بسپارید هر وقتیکه یک حکومت تشکیل شد ما همه را با آن خواهیم سپرد.

اما مأمورین ملکی و نظامی این تسلیم را خلاف شان و شرف منصبی خود اعتبار کرده مرکزیت و مقام و حیثیت رسمی را دوام و محافظت میکردند و اهالی درین مطالبات خود بدو جنبه بودند: یکی از راه مذاکره و مسالمت پیش می آمدند، جنبهٔ دیگر از راه جنگ و محاربه پیش آمده جداً منحل شدن هیئت مأمورین را مطالبه و اطراف چهاونی را هر روزه حلقه های برزگی اهالی احاطه و هنگامه را بدرجهٔ محاربه میرسانیدند.

سپه سالار غازی خوستان و وحدت عمومیت

اهم ترین چیزیکه آنرا پیشتر از همه چیز باید دانست، خط حرکت سپه سالار غازی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 446 of 711

میباشد، زیرا مسلم است نظریهٔ یگانهٔ شان نجات دادن مملکت ازین گرداب تباهی میباشد نقشهٔ که این فرد خیر طلب در مخیلهٔ خود سنجیده است بحیات یک یک فرد این مملکت علاقه و مساس خواهد گرفت اگرچه تا الحال از نقشه و حرکت خود صریحاً چیزی بیان نداده اند ولی باز هم از روی قیاس دادن اوضاع عمومی مملکت و انداختن یک نظر به بیانات شان که تا اکنون گفته اند خط حرکت شان را اینطور استخراج میکنیم که «فلاکت امروزهٔ افغانستان خیلی مدهش است و اگر اندک طول کشید خدا نا کرده عاقبت بسیار وخیم دارد درحالیکه علاج این قضیه اگر به تدبر شود آسان است، یعنی همه ملت اولاً در رفع نفاق و خانه جنگی صرف مساعی کنند و متعاقباً عموم آنها نشسته راجع برفه الحالی آتی و سعادت وطنی خویش فکر درستی نمایند، بهر قسمیکه خیر خود ها را میدانند اقدام کنند، در موقعیکه این انقلاب بذریعهٔ اتحاد ملت برطرف شود و باصول صحیح برای سلطنت شخصی که برضای تمام ملت باشد انتخاب گردد»

سپه‌سالار صاحب ایام ماقبل عید فطر ۱۳۴۸ به ملاقات و اتخاذ افکار و نظریات اقوام و خوانین و پیدا کردن زمینهٔ وحدت و اتفاق و ترتیب دادن موضوعاتیکه در جرگه باید زیر مذاکره گرفته شود گذرانیدند، مکتوبهای متحدالمآل

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 447 of 711

قریباً بمفاد نطق شان بعموم خوانین جنوبی ولوگر و باقی اطراف دور و نزدیک که در ضمن آن اطلاع ورود او شان بغرض نجات وطن نیز مذکور بود فرستاده شد که در ان مکتوبها یک ندای عمومی برای لزوم وحدت و اتفاق داده همه ملت را بضرورت عقد یک جرگهٔ عمومی جهت تدقیق در مشکلات حاضره و رفع نزاع حالیه دعوت کرده مقصد خود را که پیدا کردن رشتهٔ اتفاق است ابلاغ نمودند.

حزن و اندوه عمومی بتقریب عید

یوم ۲۳ حوت که روز اول عید بود باستثنای مراسم مذهبی که بجا آورده شد باقی هیچ اثری از بودن روز عید در چهره ها دیده نمی شد، سردار والا سپه سالار صاحب نماز عید را با جم غفیری که جهت ملاقات شان آمده بودند در میدان گلف خوانده بعد از ادای نماز برای تبلیغ افکار و نظریات خود شان موقع را مناسب یافته با تأثر حسی که در انوقت برای شان پیش آمده بود، راجع به اینکه این عید عوض سرور و خوشی بالعکس بروز غم و حزن تصادف کرده است یک نطق مؤثری ایراد نموده بچهٔ سقو و پادشاه شدن او را کما حقه بیان و تصویر کرده مآل و نتایج وخیمه که از دوام این شخص پیدا میشود بیان فرمودند، بعد از ادای نماز و اختتام این نطق

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 448 of 711

که بطور مخصوص در آن روز یک تاثیر خیلی زیادی داشت جمعیت پراگنده شدند سردار سپه سالار صاحب نیز بطرف چهاونی عودت نمودند (۱).

اثراتِ ورود و خط حرکتِ سپه سالار صاحب

امروز اولین روزیست که گرد و نواحی چهاونی که در اغلب روزها خطوط محاربه بوده عبور و مرور از آن قطعیاً ممکن نمیبود، بشرف ورود سپه سالار صاحب غازی از مهاجمین خالی، و مأمورینیکه قریباً از دو نیم ماه باینطرف محصور بودند قرین خوشحالی بوده آزادانه بهر طرف گشت و گذار کرده یک نوع تبدیل عمومی از هر حیث درین سرزمین دیده میشود.

بطور مجموعی میتوان گفت از ساعتیکه سپه سالار غازی درین سرزمین رسیده اند اوضاع خیلی فرق پیدا کرده است، و این تغییر بزرگ را میتوان نشانهٔ قوی موفقیت نادری در مستقبل گرفت، مخصوصاً درین موقعیکه اهالی مملکت همه سمیات را شکستانده میروند ولی به ایشان عقیده مندی و حرمتِ مخصوص دارند.

(۱) اکثر این وقایع سمت جنوبی از روزنامچهٔ عزیز درایت بنیان آقای محی الدینخان مدیر و صاحب امتیاز جریدهٔ «انیس» کابل، و یادداشت های مدیر صاحب اخبار «غازی» سمت جنوبی، و مدیر صاحب اخبار «صبح» حاجی جنوبی که شرف همرکابی سپه سالار غازی را داشتند و دگر رفقای همسفرشان اقتباس و جمع آوری شده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 449 of 711

تشرفِ اقوامِ جنوبی بحضورِ سپه سالار غازی

خبر ورود سپه سالار صاحب بهر نقطه که میرسید اقوام آنجا یک جماعه بزرگی تشکیل داده خود را بحضورش میرسانیدند چنانچه بروز دوم عید هم جماعهٔ بتعداد هزار نفر تخمیناً آمده سپه سالار صاحب قراریکه دیگر اقوام را درین چند روز می پذیرفتند، بمیدان گلف رفته با این اقوام بازدید نموده قریباً با یک یک نفر آنها عبارت تبریک عید را تبادله فرمودند.

این اقوام هم بنام شادیانه ساعتی را به آتش کردن گذرانیدند، بعد ازان سپه سالار صاحب برای اتمام کارهائیکه جهت امروز تعیین شده بود واپس بقرارگاه خود عودت نمودند.

برعلاوهٔ این دگر اقوام هم از دور و نزدیک آمده میروند و سپه سالار صاحب هرکدام را ملاقات میفرمایند، و اقوام هم هرکدام گرمجوشی خود را بذریعهٔ خواندن نشیده ها و قصائد مدحیه نشان میدادند و در امید مزید جمع آوری اقوام به دور سپه سالار صاحب غازی روز بروز می افزودند، که منتها امید و آرزوی هر خیرخواه وطن درآنوقت دیدن همین مناظر گرمجوشی و علائم وحدت ملی بود.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 450 of 711

سردار شاه محمود خان که از حضور سپه سالار در پاراچنار برای انجام بعضی خدمات جدا شده بودند امروز از جاجی بخوست رسیدند .

فیصلهٔ منازعهٔ وزیریهای مهاجر و اقوام جنوبی

درینموقع مناقشه که بین وزیریهای مهاجر و اقوام محلی بالنسبهٔ آن زمین سرکاری که از طرف حکومت امانی بآنها داده شده بود و فعلاً صاحب کاران آن استرداد او را بقوهٔ جبریه خواستار بودند و وزیریها تمکین نمیکردند، واقع بود، بمجادله کشید اگر سپه سالار صاحب در اصلاح آن عطف توجه فوری خود را نمیکرد، البته مسئله بوخامت کشیده اسباب خانه جنگی و گند و گند بازی زیاد را فراهم می آورد، لذا از حضور سپه سالار یک هیئت اصلاحیه از اعزه و اشراف قومی و هیئت همرکابی شان مقرر و بعد از بحث و گفت و گوی زیاد بنا بر مساعیات جان فشانانهٔ هیئت اصلاحیه و ایثار و گذشت وزیریها از زمین متنازع فیه مسئله بمصالحت انجامید، و طرفین صورت فیصله را باقناع خاطر بحضور سپه سالار حاضر کردند در یک مجمع عمومی بین شان عهد قرآن گذاشته شد که من بعد کسی نام گندبازی و تفرقه و نزاع را نگرفته، هیچگونه جنگ و نفاق را در بین خود راه ندهند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 451 of 711

یک نوع اطمینان و خوشنودی در باشندگان چهاونی و اقوام و لشکرهای زیادیکه در بیرون آن هستند دیده میشود زیرا این قضیهٔ وزیریها که امروز فیصله شده اهمیت بزرگی داشته، چنانچه درعین زمان اگر باین زودی فیصله نمی یافت یقین است خدانا کرده و خامت بزرگ درین سرحد مملکت پیدا میکرد چه اگر نزاع بین وزیریها و باقی اقوام واقع میشد، البته وزیریهای دیگر که خارج خط افتاده اند ازین قوم خود طرفداری میکردند، حاجت بتوضیح ندارد که این نزاع تا کدام درجه طولانی و وخیم می افتاد ولی از فضل خداوند و حسن تدبیر نابغهٔ خیرخواه ما بود که ازین مصیبت بزرگ جلوگیری کرد، پس جای اینست که همه خوشنود و ممنون میبودند.

تشرف جرگهٔ احمدزائیها به حضور سپه سالار صاحب

در اول حمل ۱۳۰۸ طرف عصر میر غوث الدینخان که از خوانین معروف احمدزائی پسر جانداد خان مشهور است با (۶۰۰) نفر و یک عده خوانین احمدزائی و غیر آن رسیده قرار گذشته استقبال نمودند، و خوانین هر کدام جداگانه معرفی گردید، این تشرف و استقبال خیلی پرجوش درعین زمان از اهمیت خالی نیست زیرا آمدن خان احمدزائی ها با یک عدهٔ زیاد نفری ایشان دلیل بزرگ بر محبوبیت سپه سالار صاحب در قلوب افراد

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 452 of 711

ملت این سمت شده میتوانست، مخصوصاً اینکه نجات و خاتمهٔ فلاکت مملکت درحقیقت بسته ببودن چنین محبوبیت است، چه کسانیکه درحقائق این انقلاب تعمق کرده باشند این را باما تائید خواهند نمود که ملت از همه کسانیکه بنام کارداری معروف بودند سخت رمیده است، پس درچنین وقت جمع شدن این اقوام بگرد این ذات نیک رفتار و نیکنام وطن، حلقهٔ بزرگ امیدواری عمومی بود.

نفرت عمومی از حکومت امانی

به دوم حمل جرگهٔ از عموم خوانین و موسفیدان اقوامیکه حاضر هستند منعقد شده است درین جرگه قراریکه سپه سالار صاحب در نطق روز اول تشریف آوری خود بیان فرمودند مسئلهٔ مملکت و چیزیکه باید تعقیب شود مطرح مذاکره قرار داده شد، بعد از دلائل و مذاکرات خیلی دور و دراز که مسائل از هر حیث زیر بحث آمد، اقوام چنین فیصله و قرار را بحضور شان تقدیم کردند که ما بخطرناکی حالت حالیهٔ مملکت قانع شدیم، و برای رفع این خطرناکی شما را پیشوا و قائد میگیریم، که این اطاعت ما بشما محض از نقطهٔ نظر عقیده مندی ما اقوام بشما است ولی شرط ما همین است که قبل از حرکت کردن از ینجا بیعت ما اقوام را قبول کرده بما اطمینان بدهید که غیر از خودتان دیگرے

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 453 of 711

اشغال سلطنت نکند، مخصوصاً با عهد بکنید که با امان الله خان که خبر داریم در قندهار مصروف تشکیل حمله میباشد، هیچ ارتباط و مراوده نداشته باشید زیرا که ما از اجراآت مخالف عرف و عادات ملی و فاسد العقیده گی او ایمن نیستیم و بهیچصورت نه با او و نه بمنسوبین او اعتماد داریم و محض علاقه مندی و ارتباط را با او جرم سنگین غیر قابل عفو میدانیم .

توصیهٔ سپه سالارِ غازی

درین جرگه معلوم شد چیزی که راجع بخط حرکت سپه سالار پیشتر گفته میشد صحیح برآمد زیرا با منتها اصرار مسئله تکلیف سلطنت را رد کرده میگفتند که « آرزوی من گرفتن سلطنت نیست بلکه میخواهم نزاعی را که راجع بسلطنت در مملکت پیدا شده است رفع کنم، و این هر دو نظریه باهم توافق نمیکند، اما در باب سلطنت این را بشما، و بهر کسیکه صدای من برسد نصیحت میکنم که بدون موافقت عموم ملت بهیچکس بیعت و اطاعت نکنید، والا باز اسباب بی اتفاقی را در مملکت زیاد خواهید کرد، و ازین روست که بشما اطمینان میدهم که من نه برای شخص خود و نه برای شخص دیگری کار میکنم، تنها آرزوی من، رفع نفاق و تشکیل دادن یک سلطنت صحیح برای مملکت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 454 of 711

باتفاق عمومی میباشد» .

اگرچه این اصرار ورد کردن این پیشنهاد اقوام دران جرگه پیچیدگی های زیاد پیدا کرد ولی بیانات پر خلوصیت وصراحت حتی پر دلیل سپه سالار باز افکار حاضرین را براه می آورد تا اینکه در اخیر روز همهٔ حاضرین این نظریات شان را چنین قبول کردند ، فعلاً باید بطرف گردیز حرکت شود و در آنجا جرگهٔ عمومی را از کل اقوام تشکیل داده ، درین خصوص بحث میکنیم .

تولید جوش و خروش در مردم

این ۱۴ روز است که سردار سپه سالار درین سرزمین نزول فرموده اند و در تمام ساعت های این روزها باتمام قوای منطقی و استدلالی که داشتند بذل مساعی نمودند که وخامت خانه جنگی و نتایج سوء اوضاع کنونی را کما حقه باهالی و اقوام بفهمانند و در عین زمان تا اندازهٔ که میتوانستند این صدا و ندا و دعوت خویش را به اقوام دور و نزدیک بذریعهٔ مکاتیب فرستادند ، از تاثیر همان دعوت های ایشان است که امروز گرد و نواحی چهاونی را که ایشان اقامت دارند اقوام و لشکرهای زیادی گرفته و صدای جوش و آتن و هیاهوی شان فضای این سرزمین را فرا گرفته و بهیجان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 455 of 711

آورده است، کسیکه از بیرون آمده این وضعیت را مشاهده کند یعنی بوسط چهاونی زعیم یا قائد بزرگی و اطراف وی چنین لشکری را با یک چنین جم و جوش به بیند ضمناً مصیبت امروزهٔ مملکت را که یگانه علاج آن اجتماع و اتفاق خلق است بتصور بگیرد حتماً فال خوبی برای حل شدن قضیهٔ فلاکت مملکت بدل خواهد پرورانید، هر صبح مردم جوق جوق تا شام بعضاً تجدید سلام و برخی عرض سلام مینمایند، و هر جوق که خارج میشود یک عالم جوش و تاثر بافتاده گی و خطرناکی حالت امروزه بدل گرفته بر طرف کردن بچهٔ سقو را حتماً و ضرورًا معتقد است، زیرا درون چهاونی شخصاً سپه سالار صاحب و هر دو برادر محترم شان هر یک صدر یک اطاق بزرگی را اشغال کرده در عین مشغولیات مهم و بزرگی که داشتند، وظیفهٔ وعظ و تبلیغ را برای فهماندن اضرار خانه جنگی و نفاق بر عهده گرفته اند که فی الحقیقت هر یک ازین اطاقها شکل درس خانه را گرفته است.

اشکال در مسلح شدنِ اقوام

ولی با این پر جوشی و عقیده مندی یا قناعت اغلبیه بخطرناکی حالت باز هم مسئلهٔ حرکت که نجات مملکت بسته بآن است آسان دیده نمیشود، زیرا بعد از فیصله شدن قضیهٔ وزیریها یک مسئلهٔ دیگری در پیشروی مانده (که پر از مشکلات جزئی بود)

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 456 of 711

وآن عبارت از تقسیم کردن اسلحه در بین اقوام موجود و حاضر است .

اگرچه اولاً این امر چندان اهمیت نداشت ولی اخیراً بچندین علت در بعض اوقات تیرگی پیدا کرد و برای چند روز حرکت را بتعویق انداخت ، مشکلات این قضیه نه تنها مراعات تناسب عددی اقوام و اندازهٔ لشکر جنگی هر قوم و انواع تفنگی که در جبا خانه موجود است و دیگر جزئیاتیکه ازین قبیل اند میباشد ، بلکه علاوه بران اشکالات جزئی و کلی دیگری از بی اتفاقی اقوام در مسائل قومی و غیر آن حوادث زیادی رخ داده میرود که بعض اوقات به تیرگی و تعطیل کار منجر میشد .

برای ثبوت حقیقت و تاریخ اینقدر را هم باید گفت که این عوامل و اشکالیکه بموجب منع و یا تعطیل حرکت شده میروند ، اینها طبیعی و بجا پیدا نمیشوند ، بلکه چنان حس میشود که یکدست مخفی برای پیدا کردن اشکالات کار میکند ، ولی بیقین نمیتوان گفت که آیا منشأ این تحریکات محمد صدیق فرقهٔ مشر است ، که اصلاً حزب سقو بوده و حالا در گردیز تمرکز دارد و بمقابل حسیات قابل قدر و عاقبت اندیشی گردیزیهای غیور در انجا بمنافع سقویها کاریرا از پیش برده نمیتواند لذا در تشتت و اختلاف دیگر اقوام جنوبی جهت نیکنامی خود و برادرانش که ارکان اعظم حکومت سقوی بودند ، میکوشد ؟ و یا اینکه دست کدام مغرض دیگری هم کار میکند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 457 of 711

حل تقسیم اسلحه و تصمیم مدبرانه بحرکت از خوست

در سوم حمل قضیهٔ اسلحه تقریباً فیصله و حصهٔ هر قوم جداگانه تعیین شد، لذا فکر پیش رفتن مدنظر است زیرا هر دقیقهٔ که میگذرد در وخامت حال مملکت می افزاید بدترین همه اینکه برای بچهٔ سقو فرصت و مجال کارکردن پیدا میشود.

بناءً علیه پروگرام حرکت زیر بحث گرفته شد، که انهم وقت و سنجش عمیق بکار داشت. مخصوصاً که بعد ازین تاریخ بدو موجب پیش بینی و احتیاط لازم دیده میشود، اگرچه اقوام به سپه سالار صاحب تا درجهٔ اخیر علاقمندی و ایشان در نزد آنها محبوب میباشند، اما باز هم پیدا شدن بعض تحریکات این را نشان میدهد که درین سینه های پر عقیده و اخلاص، بعض اهل غرض و مفسد هم موجود است.

همینکه علاقهٔ اقوام در مهمانداری و همرکابی به سپه سالار صاحب بحدی دیده میشود که احتمال زد و خورد اقوام را در بین خود داشت.

پس سوال دو چیز بود: یکی اینکه از کدام راه باید رفت؟ دیگر اینکه با کدام اقوام حرکت باید کرد؟ با ملاحظهٔ اینکه منزل مقصود شهر گردیز است، بالآخر قرار برین گرفت، که سردار سپه سالار با جدرانیها از راه جدران، و جناب شاه ولیخان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 458 of 711

با نفری منگل از راه منگل برنده اما آقای شاه محمود خان چنین تجویز شد که از راه جاجی به نزدیکی های لوگر خود را رسانیده در آنجا تمرکز نماید درین بین مسئله تقسیم اسلحه از قرار تناسبیکه پیشتر تعیین شده است جاری بود، و انتظار میرفت که تقسیم اسلحه فردا قبل از ظهر تمام و بعد از ظهر حرکت شود.

تشرف منگلها بحضور سپه سالار غازی

تا ساعت ۱۱ - ٤ عمل ترتیبات حرکت گرفته میشد، درین اثنا اطلاع رسید که لشکر منگل برای تشرف بحضور سپه سالار صاحب آمدند، جناب ایشان هم برای دیدن این قوم که قریبًا بتعداد ٦۰۰۰ هزار بیکوش مؤثر آمده بودند با عدهٔ از همرکابان خود خارج چونی رفتند، منگل ها صف بسته بتقسیم قومی ایستاده اند، مجردیکه سپه سالار صاحب از یکطرف صف برای جور پرسانی روانه شدند، اقوام تفنگها را روبهوا گرفته بهر حدیکه از صف میرسیدند شلک میشد، و برای اتمام تظاهر خوشی هیاهوی میکردند، باران قطره قطره بالآخره با رعد زیاد شدت گرفت از آسمان غرسباس رعد و از زمین ترقص تفنگ و هیاهوی خلق محشر را از جوش و خروش بوجود آورد.

سپه سالار صاحب وسط قوم قرار گرفته نطق مفصلی از فلاکت و مصیبت مدهشیکه نصیب این مملکت شده است ایراد نموده دلائل و براهین مقنعی نسبت بضرورت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 459 of 711

اسقاط بچه سقو گذشتاندند، نطق درین باران بیست دقیقه دوام کشید، درین اثنا خطیبی از قوم منگل برخاسته بعد از اظهار عبارات مانده نباشی از طرف ملت یک تمهید مطول راجع به قدح و مذمت دورهٔ سلطنت امانی نمود، مدار شکایت و نالش او رشوت خواری حکام، عیاشی مأمورین، غفلت حکومت از حال رعایا و پیچیدن در اعمال ناروا، و رفع حجاب نسوان بود که بعد تذکر اکثر ازین عیبها نتیجه را بتکفیر امان الله شاه رسانید، خطیب بعد از ذکر کردن تمهید سابق خود از جناب سپه سالار صاحب اظهار کردن یک قرار قطعی را خواهان شد که پیشروی این جمع بزرگ حاضر بیان کنند که با امان الله خان طرفدار نبوده و برای او شاکل نکنند.

البته این بیانات، سپه سالار را خیلی متأثر آورد، اخیراً برای اطمینان خاطر این جمعیت بزرگ که متهیج شده است تاکید فرمودند که من غیر از خیر مملکت هیچ منظور و مرادی ندارم، در باب طرفداری و غیر طرفداری کس هیچ فکری نکرده ام، اولین مرادم نجات دادن مملکت ازین آتش خانه جنگی است، اما مسئله سلطنت امریست که میخواهم قرار اتفاق عموم فیصله شود، گویا غیر از رفع خانه جنگی و پیدا کردن امنیت عمومی از طرف هیچکس و بهیچ فکر دیگری نیستم.

در خاتمه نطق علاوه فرمودند که بعد از مذاکرات زیاد چنین تجویز شده است که پس از

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 460 of 711

فارغ شدن از تقسیم اسلحه من بطرف گردیز حرکت مینمایم و آنجا را مرکز قرار داده جرگهٔ عمومی میکنیم آنچه بفکر عموم موافق آمد آنرا متابعت و اجرا خواهیم کرد، از هر طرف صدای موافقت و دعاها بلند شد و جناب اعلی بطرف چهاونی روانه شدند.

باران امروز حرکت سردار شاه ولیخان را برای فردا معطل ساخت ساعت دو لشکر قوم صبری رسید، جناب اعلی برای دیدن شان برآمدند.

وقوع مجادله بین مردم صبری و منگل، و مناقشه بین جدرانیها و مصالحه آن

ساعت چهار و نیم ۴ حمل دفعتهٔ صدای فیرها از بیرون چهاونی بلند شده بدو بدو در صحنهٔ باغ چسپیده نعره ها از هر طرف بلند شد، اینقدر فهمیده میشود که هر قوم فرقهٔ خود را صدا دارد، دروازه های چهاونی بسته و قوم احمدزائی که داخل چهاونی بودند برای حراست و حفظ ما تقدم مورچل های سر را اشغال کردند، فیرهای بیرون شدت کرده میرود، ولی قضیه چیست؟ بعضا میگویند راجع به تقسیم اسلحه غلط فهمی شده است برخی میگویند کدام قومی برای هجوم بر چهاونی از کدام طرفی آمده است که معلوم نبودن حقیقت، افکار را مشوش ساخته بود، فیرها تا ۲۰ دقیقه شدت داشت، چند نفری که برای کشف

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 461 of 711

رفته بودند، بالآخره آمده و بیان نمودند که بین قوم (صبری و منگل) که هر دو امروز آمده اند دائر بیک کینهٔ قدیم جنگ واقع شده است. از داخل چهاونی وفدها برای اصلاح فرستاده شد و قضیه تا شام بمصالحه انجامید.

به روز پنجم حمل یک حادثهٔ دیگری پیش آمد که قریب بود یک نزاع مانند دیروز و یا وخیم تر از ان تولید کند که مجبوراً بسبب آن حرکت بتعویق افتاد، حادثهٔ مذکور این بود که قوم (دریخیل جدران)، بعد از گرفتن تفنگهای حصهٔ خود یک هیاهو و گفت و شنید سختی را بدروازهٔ چهاونی انداختند علت این شر و شور همین بود که قوم (ببرک خان) که (آنهم جدران است) بیشتر از ما تفنگ گرفته است، ولی این غال مغال بحدی شدت گرفت که گوئی میخواهند این را بهانه گرفته یک نزاع بسازند.

این حوادث بزرگ و کوچک که پیدا شد و سر و تحمل آنها خارج از حوصله بود و باز هم اگر حوصله طاقت کرد بتواند، اما اداره و تدبیر کردن این حوادث در چنین اوقات باریک تا نگذارد که قضایا باندازهٔ وخامت برسد و یا اینکه سرایت کرده صورت قومی بگیرد البته قوهٔ تدبیر خیلی رسا میخواست که مجرد پیدا شدن هر قضیه سپه سالار و یا یکی از برادران شان آنرا اداره کرده حل مینمودند.

امروز سردار شاه ولیخان با فرقهٔ منگل از راه منگل حرکت کردند و بعد از ظهر سردار شاه محمود خان بطرف جاجی عزیمت نمودند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 462 of 711

یک حادثهٔ دیگر بعصر ۵ حمل صدای هیاهوی از بیرون چاوفی بلند شده در داخل آن آدم ها طرف دویدن گرفتند معلوم نبود که بازچه قصه پیش آمد، بالآخره معلوم گردید که دستهٔ از شورشیان پسند ها در صدد دست اندازی شهر خوست میباشند، حال عجب است: بعد ازین هیچ شکی نماند که یکدست خفیه برای مختل ساختن امنیت دائره که سپه سالار صاحب میباشد جداً کار میکند.

خصوصاً چیزیکه این گمان را بیقین می آورد همینکه اخلال امنیت و فساد پیشگی همیشه از طرف یک یا دو قوم مخصوص میشد در حالیکه باقی اقوام با منتها گرمجوشی و اخلاص عقیده گرد و نواحی ایشان جمع میبودند، ولی یک دو قومی که فساد می انداخت همیشه از فرصت استفاده کرده حرکت بیجای مینمودند، که تازه ترین اقدام شان همین فکر چور انداختن در شهر خوست بود.

۹ بجه شب بازصدای فیرها شنیده شد ولی چند دقیقه بعد معلوم گردید که خیریت است واین فیرها بواسطهٔ غلط فهمی است که از طرف مستحفظین و گزمه شهر واقع شده است.

نزد سپه سالار صاحب این ثابت شد که تا زمان تقسیم شدن اسلحه بودن شان حتمی است. ازینرو با اینکه حوادث زیاد میشد و قصهٔ تقسیم اسلحه بعض احیان خامت پیدا میکرد، اما باز هم مجبور شده حوصله را بیش از حد دیگر در تخمین داشتند کلان گرفته بانتظار ختم شدن مسئلهٔ تقسیم اسلحه منتظر ماندند، چنانچه دو روز دیگر در انتظار تقسیم گذشت به ۶ حمل احمدزائیها با خان شان میرغوث الدین روانه شدند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 463 of 711

حرکتِ سپه سالار صاحب بطرفِ گردیز

در ۷ حمل ساعت یک بعد از ظهر بارها بسته و جناب سپه سالار صاحب از راه (تنی) رهسپار (المره) شدند .

در راه یکنفر دری خیل بر یک سپاهی برای پراندن تفنگ او حمله آورد از دیگر طرف چند فیر بالای دری خیل مذکور شد . گویا درین جا ثابت گردید که در اقوام جنوبی بعضی مغرضین است که در مقابل برای منع و یا تعطیل حرکتِ سپه سالار صاحب جان فشانی دارد .

امشب مسئلهٔ عبور از دره ، مدار صحبت تمام افراد هیئت است خوانین جدران که با سپه سالار شامل اند تعطیل حرکتِ فردا را تا زمانیکه از دری خیل نسبت بحرکت دست اندازی که یکنفر شان امروز تفنگِ یک سپاهی را بزور پراند ناغه گرفته شود) مصلحت دادند . مراد این خوانین ازین ناغه دو چیز بوده است ، یکی تلافی ازین وضعیت دست اندازی و دیگر تأمین آتیه .

—✤—

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 464 of 711

اشکال پسندی در یخیل

در ۸ حمل مشرها یعنی خوانین برای فیصلهٔ که هیئت قرار داده بودند بطرف دریخیل رفتند، جمعیت هم بانتظار ایشان در قلعهٔ بزرگ و متین ببرک خان ماند.

(سپه سالار صاحب این ایام انتظار را در تحریر و طبع اعلاناتیکه مشتمل بر مواد اصلاحیه و وحدت ملیه بود گذرانیدند) اگرچه بحیث مجموعی اوضاع عمومی اطمینان بخش بوده و بهمان صورتی که تصور میشد چه در استقبال شخص زعیم ملی و یا در پذیرفتن افکار و نظریات شان منتهی درجه پرجوشی و محبت را نشان داده اند اما باز هم بروز کردن بعض دسته های مغرض که مکدر ساختن صفای وحدت و اتفاق و امنیت را نشان میداد، باوجود آمادگی و علاقه مندی اقوام پیش رفتن بدون عوارض ممکن نخواهد شد - و از جملهٔ دسته های مغرضین بعضی نفرتی در یخیل، است .

بارسوخ ترین آدم های دریخیل لوانی نام فقیری است که مریدان خود را باچال و فریب های مخصوص صنعت ملنگی که نشان میدهد خیلی بقبضه آورده است همیشه بعد از شام یک دوره وجد و های و هوی دارد درین وقت (وجد)

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 465 of 711

ادعا میکند که در عوالم روحانیت پرواز کرده والعیاذ بالله معلومات از عالم غیب کشف میکند. مخصوصاً با علوم و علما خیلی مخالفت دارد ولی حال عجب است که نفوذ این ملنگ در تمام سمت جنوبی تنها محدود افراد در پخیل میباشد و دیگر اقوام مخصوصاً علمای کرام او را بنظر نفرت می بینند زیرا که کردار و گفتار او همیشه خلاف اوامر شریعت اسلام است و درین روزها علاقه مندی مریدانش باو بیشتر شده چرا که کیسه اش از پول محمد صدیق فرقه مشر که برای استخدام او میداد پر شده و او هم برای پیش بردن مطالب ناجائز سقوی کوتاهی نمیکند.

اینک امروز عدهٔ از خوانین برای فیصله کردن با دری خیل ها رفته اند ولی از ان طرف جوابهائی را که عناد و اصرارشان را نشان میداد با خود آورده اند و درین مقاومت ظاهر، از طرفداری سقوی هیچ نمیگویند ولی این دلیل را تراشیده اند که سپه سالار صاحب بطرفداری امان الله خان کار میکند لذا ما او شانرا واگذار نمیشویم.

سه روز خیلی مشکل گذشت، نماینده های اقوامیکه بجمعیت شامل شده بودند وقتیکه اصرار و پافشاری در پخیل ها را مشاهده کردند تهیج شده ترتیب

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 466 of 711

جنگ را با آنها نموده بالفعل زد و خورد هم شروع گردیده، در نتیجه درخیل ها مغلوب آمده مجبوراً راه مفاهمه را باز کردند .

در ۱۲ حمل خوانین و نمایندهای که با سپه سالار اند شرائط خود را برای درخیل ها پیش کردند که شما تا وقت گذشتن ما از دره باید یرغمل بدهید و نیز تفنگیرا که گرفته اید با چیزی ناغه اعاده کنید .

مسئله طول و پیچیدگی پیدا کرد و هر چند که معامله طول میکشید همانقدر موجب گرفتگی خاطر سپه سالار میشد زیرا چیزیکه حیات خود را برای آن وقف کرده بودند . جلوگیری از اینچنین منازعات داخلی است در حالیکه پیش روی نظر خودشان منازعه جاری میشود . .

حرکت از المره براه زیروک

طرف شام جلسه خصوصی منعقد شد و در مجلس چنین فیصله یافت که فردا صبح از راه زیروک وارگون حرکت شود .

ساعت ۷-۱۳ حمل بارها بسته جمعیت از راهیکه دیروز تعیین شده بود بحرکت افتاد ، چند قدمی از قلعه دور نشده بود که سواری چند رسیده

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 467 of 711

مکاتیب متعدده بنام خوانین جدران و در یخیل از طرف اقوام منگل که با آقای شاه ولیخان هستند آورده بودند درین مکاتیب واقف شدن خودرا از این وضعیکه با اردوی جناب سپه سالار صاحب شده است اشاره کرده بعضاً عبارات تهدید و بعضاً عبارات نصیحت را داشت بهر حال خواه بسبب اینکه فرصت استفاده کردن از این مکتوب ها گذشته بود و یا اینکه نشان دادن این مکتوب ها بکسانیکه برایشان فرستاده شده است دل زدگی و نفرت را درین دو قوم سبب میشد. (که اصلاً مراد و مقصد از توحید و تجمع اقوام منظور اساسی است) باین سبب جناب سپه سالار صاحب از طرف خود جواب تشکری باقوام منگل نوشته - هیئت راه خود را پویان شد منزل پر کوتل و پرچی بود و سپه سالار صاحب در شام (غورمه) رسید صبح ۱۴ حمل از راهیکه بنام راه ارگون معروف است روانه شده ساعت ۲ بعد از ظهر به (زیروکی) که علاقه بزرگ خرم آباد است رسید

اجمال موانع و اشکالات در راه وحدت عمومی

این منازعاتیکه قبلاً مذکور شد و باز سقوی بودن بعض خوانین یا اقوام انسانرا خواه مخواه در اندیشه می انداخت که اگر در گردیز هم اینچنین وضعیت پیش شود یقین است که جمع آوری اقوام برای اسقاط سقوی بزودی نخواهد شد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 468 of 711

علاوه بران امروز در گردیز بعضی قضایای کوچک و بزرگ موجود است که حل شانرا ازینجا باید اندیشید :-

۱، از وقتیکه سلطنت امانی منحل شد و بچهٔ سقو کابل را گرفت احمدزائی و بعضی اقوام دیگر که ملحق بگردیز هستند از هیئت اداری گردیز کارطوس و تفنگ های خود را مطالبه کرده میروند (۱) و این مطالبه چی های اسلحه ؛ دور گردیز حلقه نموده خواه مخواه قبول شدن طلبات خود را بزور یا برضا باشد اصرار میکردند و این حلقه تنها از کسانیکه تفنگ در گردیز داشتند نبود . زیرا گر تنها صاحبان تفنگ میبودند، دائرهٔ این حلقه مختصر میماند . مگر چون موقع انقلاب بود و اداره و انضباط معدوم است . ازین رو اقوام و افراد زیادی این حلقه را برای خود مشغولیت خوبی دیده ؛ حق و ناحق به آن شامل میشدند . مثلاً کسیکه از او تفنگ گرفته شده بود ؛ تفنگ خود را مطالبه میکرد و کسانیکه از او تفنگ گرفته نشده بود ؛ (البته به تفنگی خود را مستحق میدانستند) دیگری شاید کدام روزی از حکومت اذیت یا سزائی دیده بود لذا این را فرصت خوبی

(۱) اسلحهٔ احمدزائیها همان است که در جنگ منگل ۱۳۰۳ بعد از مطیع ساختن شورشی ها این احمدزائی ها خلع اسلحه شده بودند و همان اسلحهٔ شانرا در جاغانه گردیز گذاشته بودند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 469 of 711

برای انتقام میشمرد .

بهر حال و هر معنی که باشد گردیز از این قبیل اشخاص محاصره شده چون حاکم ملکی و افسر نظامی و اهالی گردیز از قبول طلبات این اقوام ابا کرده بودند مسئله درین روزها بتعرض شدید و مدافعهٔ مزید کشیده بین عساکر گردیز و اقوامیکه گرد آن حلقه زده اند جنگ های متعدد واقع شده است، گویا تطبیق دادن کلمات اتفاق و جمع کردن اقوام در یک شاهراه اتفاق در آن سرزمینکه اینست حال آن آسان نبوده به تدبیر خیلی عمیق احتیاج دارد .

۲ : در گردیز دو پروپاگندچی موجود است ، یکی حاکم اعلی که در آنوقت عبدالحکیم خان برادر عبدالعزیز خان وزیر حربیهٔ سابقه بود و اهالی را به فتح و موفق شدن امان الله خان امیدوار ساخته ایشانرا بر ثبات عهد و پایه داری در بیعت اول خود همیشه ترغیب مینمود .

پروپاگندچی دوم محمد صدیق فرقه مشرقوای جنوبیست که اصلاً سقوی بلکه از دستهٔ اصلی بچه سقو بود ، زیرا برادرش شیرجان است که در نزد بچه سقو مقام وزارت دربار را اشغال داشته رکن یا اساس بزرگی بود که سلطنت بچه سقو بران قیام داشت ، و از وقتیکه جناب سپه سالار صاحب بخوست

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 470 of 711

رسیده اند تا این دم به یقین کامل رسیده که برای ناکام ساختن سپه سالار صاحب یا اقلاً تعطیل دادن حرکت شان تمام مواهب فطری و تجربه های کسبی که در جنوبی حاصل نموده بود صرف نموده است و در گردیز و باقی سمت جنوبی بجهه اینکه برای سقوط طرفداران پیدا کند جداً سعی و عمل میکرد .

این را هم باید گفت اهمیت دادن ما - محمد صدیق فرقه مشر را درین یادداشت نه ازین نقطهٔ نظر بود که اهل تجربهٔ این سمت است ، و یا اینکه در تشخیص روح و مزاج اقوام و صورت استفاده و استعمال شان مهارت دارد زیرا اگر ازین نقطهٔ نظر بگیریم میتوان گفت برای پیشرفت جناب سپه سالار صاحب محمد صدیق مذکور هنوز انقدر بنا بر دو سبب مانع بزرگ محسوب شده نمیتوانست یکی بسبب حلقه که دور گردیز برای جنگ افتاده که او را برای خدمت کردن بچهٔ سقو کاملاً فارغ نمیگذاشت ، دیگر اینکه اعلانات و مکاتیبیکه از طرف جناب سپه سالار صاحب برای خوانین و اقوام اینجا آمده بود چنین تأثیر کرده است که مردم نه مخالف سقوی و نه طرفدار او شده بلکه ورود ایشانرا بطور مصلح یا رهبر یا یک مستشار عمومی قوم انتظار میکشیدند تنها چیزیکه مسئلهٔ محمد صدیق را قابل اندیشیدن و پیش بینی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 471 of 711

مساحت همین بود که در قطعهٔ عسکری گردیز قریب نصف آن کوهدامنی صرف وباقی از نقاط مختلفهٔ افغانستان است گویا باین سبب داخل شدن در گردیز بی اشکال نیست . با ملاحظهٔ اینکه بردن یک قوهٔ قومی از خارج گردیز هم سبب نزاعیکه پیشتر جاریست از خطر خالی نمیباشد . این است قضیهٔ پر پیچ گردیز که سپه سالار صاحب خیال مرکز گرفتن آنرا دارد .

۳: پروگرام سپه سالار صاحب همین است وقتیکه در گردیز رسیدند در آنجا متمرکز شده در بین اقوام جنوبی عموماً و اهالی لوگر نیز یک وحدت فکری راجع به نجات وطن پیدا کرده ، حلقهٔ اول سعی شان همین باشد که بدون خون ریزی واجبار خلق به برادر کشی بقوت همین وحدت فکری اقوام سقو را به صرف نظر کردن ازین غاصبیت جاهلانه مجبور سازند واگر نشد لاچار از راه استعمال قوت پیش بیایند .

ولی بدبختانه چیزیکه تا اینجا دیدیم واز پیش روی خبر داریم نشان میدهد که یکدست مخفی برای نفاق وجنگانیدن اقوام ومغشوش ساختن امنیت جنوبی ابلیسانه وجدیانه کار میکند . ولی قرار سابق معلوم نیست آیا این همه فساد تنها کار محمد صدیق فرقه مشر بوده یا اینکه کدام دست دیگری این نقشه را

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 472 of 711

انجام میدهد. بهر حال هر که باشد ولی اوضاع چنین نشان میدهد که چون تا الحال در هر نقطه یک یا دو قومی با هم جنگیده اند ازین رو مسئله از پیدا کردن اتفاق فکری در بین اقوام گذشته بلکه تنها جمع کردن چند قوم در یکجا از خطر خالی دیده نمیشود.

٤: وقتیکه جناب سپه سالار صاحب بگردیز برسند؛ از آنجا یک لشکری باید تشکیل بدهند این لشکر اسلحه لازم دارد که اسلحهٔ آن بیشتر تصور میشد که در جباخانهٔ گردیز طبعاً آماده و موجود خواهد بود.

ولی حالا معلوم شد وقتیکه محمد صدیق فرقه مشر از ورود جناب سپه سالار صاحب و باز موفقیت شان به پیش رفت مطلع شد یک حصه را بین اقوامیکه طرفداری او را بمقابل ایشان وعده داده بودند تقسیم کرد. حصهٔ زیاد دیگر را عموم اهالی گردیز از هر صنفیکه بودند؛ به بهانهٔ مدافعه از حملهٔ افغان های که میخواستند بقوت در گردیز در آیند از جبه خانه ربوده اند اگر چه عدهٔ اسلحه که گردیزیها گرفته اند خیلی وافر است. و اگر از ایشان جمع شود برای سد احتیاج لشکر کفاف میکند. اما حالا بعد از پیدا شدن نزاع و جاری شدن محاربه بین گردیزیها و افغانهائیکه حمله بر دن را بر گردیزی ها تصمیم کرده اند و وجود نزاع و بودن کینهٔ گردیزیها را خلع اسلحه کردن باید خیلی مشکل باشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 473 of 711

۵ : یک پروپاگند قوی بر خلاف جناب سپه سالار صاحب خیلی بسرعت روز بروز بین اقوام شائع شده میرود که ایشان طرفدار امان الله خان هستند ؛ وخفیتاً بین شان روابط موجود است که این پروپاگند مضر حقیقةً ملتی را که مخالف امان الله خان هستند بر خلاف شدید جناب سپه سالار صاحب میسازد واثر زیاد بخشیده میتواند و در پیش رفت شان هم طبعاً اثر بدی تولید میکند .

این بعضی اشکالاتیکه ازینجا بنظر میآید بر علاوهٔ عوائقی است که در آتی توجیه خواهد شد وفعلاً بخاطر نمیآید ، نظریهٔ اساسی همین است که اگرچه این عوارض پیش روی باشد واگر عوارض دوچند این پیش روی بیاید ولی پیشرفت باید کرد زیرا وطن در هلاکت وخطر مدهش است .

از زیروک بعضی مکاتیب بنام منصبداران ارگون که در آنجا یکقطعه عسکریست نیز فرستاده شد .

مخالفت اقوام خروتی با حکومت امانی

در (۱۵) حمل از زیروک به چانخواه حرکت شد ، ساعت ۱۲ بچانخواه رسیدند درینجا یک زمزمهٔ شدیدی شنیده شده که اقوام زرمت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 474 of 711

وسرروضه پیشتر فیصلهٔ خود را بران نموده اند که ما هیچگاه سپه سالار صاحب را نمیگذاریم که ازین راه حرکت نمایند و دلیل این فیصلهٔ شان همین است که ایشان طرفدار امان الله خان هستند و برای استرداد تاج و تخت امان اللهی مصروف مساعی میباشند .

اگرچه موضوع از اهمیت خالی نبود، امّا بعد از قدری سنجش سپه سالار صاحب چند نفر از خوانین احمدزائی را بطرفِ سرروضه و زرمت فرستادند؛ که این هیئت نقشه و خط حرکتِ شان را به این اقوام دانانده آنها را ازین مسئله مطمئن بسازند که ایشان قطعاً طرفداری هیچ شخص یا حزب را درینوقت ندارند در اهالی این علاقه فرق محسوس نسبت بدیگر علاقه ها دیده میشود تا این جا افغانهای جدران بود ولی اینجا قوم (خروتی) است ؛ اغلباً تجارت پیشه اند چون در سرحد واقع هستند رفت و آمد شان در هند زیاد است ، باین سبب چه در طرز تعمیر و یا فرش خانه ها و یا لباس و خوراک و یا اوضاع عمومی شان باشد رنگ و رونق مخصوصیکه بانتظام و تمول دلالت میکند واضح است .

شب خوانین و معروفین این علاقه خواسته شده درس و بیان مطولی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 475 of 711

از حالت مملکت و نتیجهٔ دوام بچه سقو برای شان داده شد. امروز بعضی منصبداران عسکری ارگون برای ملاقات آمده آنها هم از بیانات مؤثر سپه سالار صاحب متأثر شدند.

پذیرائی سپه سالار غازی در ارگون

در ۱۶ حمل از چانخواه بطرف ارگون حرکت شد، عسکر ارگون برای استقبال و سلامی بیرون چاونی صف بسته سلامی رسمی را با فیرهای توپ گرفتند طرف شب بعضی قضایای اداری چاونی از قبیل غلهٔ عسکر و دیگر ضروریات آن فیصله شد برای منصبدارها یک رتبه ترفیع و برای عسکر دو ماهه معاش به مقابل استقامتی که تا امروز نموده اند وعده داده شد.

بعضی برات ها برای جدرانیهائیکه به اردو بودند داده شد تا از ارگون اسلحه گرفته متعاقب اردو بگردیز بیایند.

اشکال افگنی اهالی در اجراآت نادری بنام طرفداری شان از حکومت امانی

در ۱۷ حمل بطرف سروضه حرکت شد چیزی که بیشتر از مخالف بودن اقوام این علاقه شنیده شده بود علانیةً آشکار گردید، که در بین اهالی سروضه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 476 of 711

وزرمت وکتواز چنین مشهور شده که جناب محمد نادر خان بطرفداری امان الله خان بوده میخواهند که سلطنت را برایشان بگیرند، لذا بالاتفاق درین خود فیصله کردند که ما ایشانرا بگذشتن ازینجا واگذار نمیشویم .

مشکل امروز از پیچیدگیهائیکه از طرف دریخیل ها واقع شده بود بیشتر است زیرا وقتیکه مفاهمه با دریخیل ها ممکن نشد اردو ازین راه حرکت داده شد حالاکه اقوام زرمت وسلیمانخیل وکتواز درین راه هم مخالفت میکنند گویا نه تنها مشکلات نبودن راه دیگری پیش روی است بلکه این وضعیت همان حلقهٔ امیدواری راکه درخوست گفته بودیم کاملاً ساقط میکرد .

درینجا باید بگوئیم شاید پیش بینی همین حالت مملکت بود که سپه سالار صاحب راقبلاً برای این وادار میساخت که نقشه وحرکت خودرا بهمان اساسیکه پیشتر بیان دادیم گذاشته جز از وحدت واتفاق ملت دیگر هیچ چیز را در عملیات وتبلیغات ونطق ها وصحبت ومکاتبات خود تذکار نمیفرمودند .

در ۱۸ حمل خوانینیکه آمده اند واضحاً میگویند گذشتن سپه سالار ازین منطقه نه تنها مشکل است بلکه از خطر هم خالی نخواهد بود زیرا بالفرض اگر ما بگذاریم اقوامیکه در پیش روی میباشند نخواهند گذاشت، در اطراف این ممانعت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 477 of 711

ومتیقن بودن اقوام باینکه جناب سپه سالار صاحب طرفدار امان الله خان هستند زمزمهٔ زیاد است افراد هر کاب همه این زمزمه و افکار مخالفت مردم را با فکر پریشان میدیدند تنها سپه سالار صاحب بهمان اندازه که انتظار میرفت ازین حادثه پریشان دیده نمیشدند. واگر در دل های افراد همسفر امیدی باقیمانده بود، از مشاهدهٔ همین ثبات و بی تشویشی جناب اوشان بود و بس.

موافقت اهالی با نظریات عالی سپه سالار غازی

امروز جناب محمد نادر خان سپه سالار عموم خوانین سرروضه را به نزد خود خواسته با ایشان در مذاکره و مفاهمه آمدند. بعد از ختم شدن این مذاکره علت بی تشویشی و ثبات فکر نادری برای همه کسانیکه این قضیه را بدقت معاینه میکردند واضح گردید زیرا درین مذاکره ذات عالی نقشه و مرام اصلی خود را توضیح داده اند یعنی برای عموم خوانین و حاضرین همان مجلس با عبارت منطقی و استدلالی بعد از توضیح دادن حالت مملکت این را بیان فرمودند که درچنین وقت نازک و باریک که مملکت را خطر پاشانی و پارچگی تهدید میکند نه من بلکه هر کدام اندک احساس و شعور دارد نمیتواند عقب شخصیات برود زیرا شخصیات تنها خطر مملکت را میافزاید

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 478 of 711

بلکه علاوه بران در اینچنین وقت منتج هیچ ثمر هم نمیشود ازین رو در چنین وقت من نمیخواهم که بمفاد شخصی کسی کار کنم زیرا یگانه آرزو و مرام و خیالیکه دارم دور کردن بی اتفاقی و خانه جنگی است اما در قصهٔ سلطنت هیچ خیال و فیصله ندارم بلکه این قضیه را برأی انتخاب عموم واگذار میشوم، زیرا که اگر مسئلهٔ سلطنت برضامندی عموم فیصله نیافت باز هم مملکت را خطر تهدید خواهد کرد پس بهمین خیال و نقشه و خط حرکت پیش آمده میخواهم به مملکت و وطن خدمت کنم.

بعد از ختم شدن این مجلس به یقین رسید؛ اعتماد بزرگیکه جناب محمد نادر خان سپه سالار در خط حرکت و همه اقدامات خود دارند همانا خالی بودن نقشهٔ شان از اغراض است؛ چنانچه درین مجلس ثابت شد که این اعتماد شان خیلی بجا بوده است زیرا صحبت مطولیکه ما اختصار آنرا فوقاً بیان دادیم در اهالی اینجا اثر واضح و نمایانی کرده بود.

همان اهالی که صبح دیروز زمزمهٔ مخالفت را داشتند بعد از مجلس امروز خوش بختانه قدری طرفدار و مائل دیده میشوند، باوجود آن دو روز دیگر بمزید اقناع اهالی گذشت. رفته رفته خیالات اهالی سرروضه تبدیل یافته طرفدار پیش رفتن جناب اعلی گردیدند. گویا نقطهٔ امیدیکه از نظر رفته بود باز بنظر آمد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 479 of 711

میر غوث الدینخان که در ۱۵ حمل با بعضی خوانین دیگر برای اصلاح کردن فکر اقوام زرمت وکتوا از حرکت کرده بود در ۲۱ حمل چند نفر از خوانین آنجا را به سر روضه فرستاد گویا میر غوث الدینخان موفق شد که اقوام آنجا را به بی طرف و بغرض بودن سپه سالار صاحب قانع بسازد و باتفاق این خوانین و خوانین سر روضه فیصله شد که سپه سالار صاحب باید حرکت کنند زیرا اهالی از مخالفت و عنادیکه داشتند صرف نظر نموده اند یا اینکه پروپاگندیکه نسبت بطرفداری جناب محمد نادر خان از حکومت امانی درین سرزمین شده بود از دماغ آن ها رفع شده بالعوض متیقن شدند که اوشان تنها خدمت مملکت را مد نظر دارند نه شخص خود و نه شخص دیگری مراد ایشان است . بعد ازین تیقن خوانین و اهالی که حاضر بودند حرکت برای فردا قرار داده شد .

حرکت سپه سالار از سر روضه به زرمت تردد اهالی بظن طرفداری حکومت امانی نسبت به سپه سالار غازی

در ۲۲ حمل حضرتعالی سپه سالار با نفری همرکابش براه افتادند چیزیرا که تمام اراکین اردو ناممکن میدیدند امروز میسر شد . یعنی بارها بسته

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 480 of 711

وارد و مستعد حرکت است. منزل پیش روی در وسط اهالی زرمت خواهد بود. یعنی همان اقوامیکه محض به مخالفت امان الله خان با هر دشمنش آماده و حاضر کمر بستن هستند. چنانچه بهمین باعث طرفداریهٔ سقو شده در چندین میدان با عساکر امان الله خان محاربه کردند و حالا هم بگمان اینکه سپه سالار صاحب طرفدار امان الله خان است بین خود قرار داده بودند که ایشانرا نمیگذاریم که ازین منطقه بگذرند.

برای اقامت اردو در زرمت قرار داده شد که در قلعهٔ (نیکنام) بجای محمد رفیق خان منزل شود ولی در وقت حرکت از شخص مذکور مکتوبی رسید که فکر اهالی اینجا را موافق نمی بینم. ازین رو از ترس بدنام شدن خودش خواهش کرده بود که اردو بجای او نیاید. رسیدن این مکتوب فکر اراکین هیئت را قدری به تشویش انداخت و همان اطمینانی را که دیروز و امروز قبل از حرکت پیدا شده بود سلب نمود. ولی این مکتوب در چهرهٔ سپه سالار هیچ تأثیری پیدا نکرده تصمیم خود را که بحسن نیت و بی غرضی و وحدت پسندی تحکیم شده بود بدل نه نمودند و بحرکت خود دوام دادند.

اما اراکین هیئت باوجودیکه چند نفر خوانین زرمت که دیروز آمده اند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 481 of 711

به هیئت شامل بودند از راه احتیاط وضعیت را بصورت استعداد مقابلهٔ خطر اگر پیش شود ترتیب داده راه میرفتند .

با عمله و هیئت سپه سالار صاحب از افراد و اقوام مسلح قرار تعداد ذیل نفری شامل بودند . که خود این افراد و اکثریت غالب اقوام شان مطلقاً فدائی و طرفدار نظریات جناب سپه سالار صاحب بوده و در حین پیش آمدن یک خطر برایشان اعتماد کلی در مدافعه و فداکاری میتوان نمود :-

حاجی ۱۳- قوم ببرک خان جدرانی ۴۵- عبدالله خان نکه جدران ۴۰- میرو و اختر جدرانی ۴۰- طوطاخیل ۱۵- احمدزائی ۸۰- عمله مسلح ۱۰- جمله ۲۴۳ نفر .

باین عدهٔ مسلح که به وضعیت آمادگی مدافعه از خطر راه نوردی داشتند چنین امر داده شد که نفری همرکاب سرراست به (ابراهیم خیل) که از گردیز سه کروه فاصله دارد برود . دشت دور و درازی که بین سرروضه و ابراهیم خیل است بهمین وضعیت بی اطمینانی طی شد . الحق که سپه سالار غازی به این قضیهٔ چهار روزه که پیش آمده است اهمیتی نداده آنرا بمانند امور عادی گذشتاندند ولی طبعاً این بی اعتنائی شان دلیل متانت و بزرگی ایشان بوده است

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 482 of 711

اما اگر بخواهیم قضیه را بحوصله و نظر عادی بشر ملاحظه کنیم فی الحقیقت قابل تأثر وجای تنگ حوصله گی و بیزاریست . برای توضیح مطلب وضعیت و حالت هیئت همرکاب را درین ساعت هائیکه این دشت دراز را می پیمایند برای خوانندهٔ ترسیم میکنیم :-

وضعیت رقت افزای امروزهٔ وطن

در مملکت اغتشاش پیدا شد . پادشاه آن از شاهی مخلوع و بالعوض برادر خود را بر تخت گذاشت . مردم او را هم قبول نکرده سلطنت را یک دزد ظالم بی شرف غصباً تصرف کرد . ولایات و اطراف افغانستان در یک تشتت و تذبذب عجیب افتاده است . در این بین طبقهٔ که مضرترین طبقات و افراد جامعه هستند و همیشه بودن شورش به مفاد شان تمام میشود در این وقت از استفاده و کشال کردن مواد فساد کوتاهی نمیکنند . رابطه و مخابره در بین ولایات هم موجود نیست که یک ولایت از فیصله و خط حرکت ولایت دیگر واقف بوده باین ذریعه در این چنین وقت خطر اقلاً یگانگی و اتفاق در مملکت بماند و الحاصل از هر طرف پارچگی و تشتت و خودسری پدید و ظاهر است

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 483 of 711

ونزدیکترین نتیجهٔ وخیمیکه خدانا کرده ازین اغتشاش برای مملکت پیش شود پاشانی وپارچگی وازهم گسیختن است . درین عالم خطر وبحران واختناق و آتش جناب محمد نادرخان سپه سالار دریک گوشهٔ دور عالم منزوی بودند ازشنیدن همچه حوادث تباه کن جامعهٔ وطن عزیز خود خیلی متأثر وبیتاب شده ازحس ملت پروری وفرط وطنخواهی خود را دراین گوشه جنوبی مملکت درمیان آتش سوزان افغانستان انداخت ذاتی است که بنام کارداری آمده اند، بل حیثیتِ ملّی رابخود گرفته ازنقطهٔ نظر اصلاح برای نجات مملکت آمده اند نه امارت ، نه وزارت ونه منصبی رابخود مستدعی است ، ندای شان همین است که مملکت درخطر میباشد .

الا ای اقوام افغان بیائید تاخود را ازمصیبت پراگندگی ونفاق رهانیده همگی متحدا ومتفقاً معاملات مملکتی خود را فیصله کرده نگذاریم که تشتت وپارچگی دربین ما راه یابد .

ولی بیائیم درین دقیقه که این زعیم خیرخواه برسر این هیئت همسفر وهمفکر خویش قرار گرفته به وضعیت احتیاط ازخطر حملهٔ بعضی ازهمین اقوامیکه ایشان برای خیر وراحت آنها خود را باین عالم تهلکه وزحمت انداخته این دشت را می پیماید

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 484 of 711

بینیم آیا وضعیت شان چنین نشان میدهد که زعیمی ازین مملکتی که بآن احتیاج دارد میگذرد ؟ نه والله بلکه این وضعیت چنین نشان میدهد که گوئی کارداری از کارداری های سلطنت منحل شده ئیست که میخواهد ازین منطقه عبور کند واهالی بعضاً بعبور شان موافق و برخی بظن طرفداری از حکومت امانی مخالف است

الحق این منظرهٔ خیلی اندوهناک است که بینندهٔ باحس را بتأثر میآرد . و مدار تأثر تنها این است که چرا یک فرد خیرخواه در بین خود ملت ، سرگردان از ملت شود ؟

بلکه علاوه بران چیزیکه حزن و تأثر را زیاد میساخت همین است که هر وقتیکه که از سلطنت سقوی بگذرد در حقیقت گامی است که افغانستان بطرف بربادی می بردارد .

عزم خلل ناپذیر نادری

بهرحال چیزیکه آن حزن و تأثرات را کم میساخت عبارات تسلی واطمینان جناب محمد نادرخان سپه سالار بود زیرا هر وقتیکه در موضوع این اقوام که در حقیقت مخالفت خیر خود را میکردند و در راه نجات وطن خویش سنگ عارضه میشوند بحث رانده میشد . ایشان بتعرض آمده میفرمودند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 485 of 711

« اینچنین اقوام درحقیقت بسیار ملامت نیستند زیرا چون طبقهٔ کاردار وکلانهای مملکت تا به امروز بسا مظالم وتکالیف را بر ملت تحمیل وشاه مخلوع برخلاف عرف وعادات ملی تعمیل داشت لهذا اکثر حصهٔ این مخالفت نتیجهٔ همان حرکات دل آزار امانی است ، ازینجهت وقتیکه کدام شخص یا قومی مخالفت میکند من اورا بنظر دشمنی ورقیب نمی بینم ؛ بلکه یقین دارم که آنها بمطالب ومقاصد اصلی من پی نبرده اند ، لذا تکراراً به ترسیم وفهماندن مطلب خود قیام میکنم ، اگرچه دربین بعضی مغرضین پول خور وفساد پیشه موجود است ولی عموم یکجماعه طبعاً مغرض نیستند . ازاین رو اگر دلیل انسان صحیح باشد میتواند همه عوارض را رفع کند چنانچه بتائید این قول خویش مثلاً حادثهٔ چهار روزهٔ سر روضه را میگذشتاندند . »

اگرچه دل ها باین کلمات تسلی داشت امّا باز هم خطرهٔ پیش روی که فرودگاه بین اقوام زرمت است ؛ درحالیکه اهالی آنولا خاصةً وخوانین آن علاقه مخصوصاً مخالفت جدی امان الله خان را گرفته ، جناب سپه سالار را ازجملهٔ طرفداران او میدانند ، بیشتر افکار را مشغول میساخت .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 486 of 711

مواصلتِ موکب نادری در مرکز جنوبی

نفری همرکاب طرف عصر بابراهیم خیل که بفاصلهٔ چهار کروهی گردیز واقع است رسید لیوانی فقیر که در صحیفهٔ (۳۹۰) مذکور است با عدهٔ از مریدهای خود درینجا ظاهر شد و برای چند دقیقه بحضور سپه سالار صاحب فائز گردید، مدار صحبتش درین مجلس خواستن تفنگ و کارطوس و پول بود بمقابل اینکه او حاضر است قوم خود را بذریعهٔ فتوی دادن طرفدار بسازد.

در صبح ۲۴ حمل خان احمدزائی میر غوث الدین که از چانخواه برای انجام بعض کارها پیشتر حرکت کرده بود با یک عدهٔ قومی و خوانین احمدزائی بابراهیم خیل آمدند.

اولین کاریکه مدنظر بود تشکیل دادن و انتخاب مرکز است که آیا گردیز را مقر و مرکز اتخاذ کنند و یا اینکه کدام جای دیگری برای مرکزیت انتخاب شود در حالیکه عرائض زیاد خوانین و معروفین گردیزی که مشعر از طرفدار و منتظری بود نیز بحضور سپه سالار صاحب رسیده است.

ولی مناسب تر دیده شد که در مقام بالاده مرکز گرفته شود، ازین

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 487 of 711

مرکزیت برای محمد صدیق و حاکم اعلای گردیز اطلاع و دعوت فرستاده شد تا در آنجا بیایند درین روز اعزه و خوانین و اقوام اینجا جوقه جوقه برای تشرف و اظهار موافقت با خط حرکت و نقشهٔ سپه سالا صاحب بحضور شان حاضر میشدند .

قرار فیصلهٔ دیروز بطرف بالاده حرکت شد و آنجا بطور مرکز موقت برای جمع شدن اقوام و جرگه کردن در اموریکه قابل بحث باشد تعیین گردید.

اثر ورود موکب نادری در گردیز

رسیدن خبر دعوت سپه سالار محمد نادر خان در گردیز با جوش و حمیت زیادی تلقی شد و حاکم اعلی هم آنرا نظر باینکه عموم پذیرفته اند قبول کرد، اما محمد صدیق فرقه مشرالی یکشبانه روز آنرا باسانی قبول نکرد چنانچه خوانین گردیز رفتن را ببالاده بر سر او بتحریک آقای الله نواز خان که جرأت کرده بگردیز داخل شده بود باین دلیل جبراً قبولانیدند. چون بین ما و شما راجع به قبول و عدم قبولیت بچه سقو مباحثه موجود میباشد بهتر است که جناب محمد نادر خان خیرخواه را که تا اینجا آمده و میخواهد این چنین منازعات را از مملکت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 488 of 711

رفع نماید درینموضوع حکم قرار دهیم .

سپه سالار صاحب شب را بنابر دعوت احمدزائیها در قلعه های شان گذرانیده صبح واپس ببالاده تشریف آوردند .

در ٢٦ حمل آقای شاه ولیخان که پیشتر از خوست جدا شده بودند ببالاده رسیدند - حاکم اعلی و محمد صدیق و باقی مأمورین و عموم خوانین و روشناسان گردیز نیم ساعت ٩ ببالاده آمدند ولی محمد صدیق که طرفدار جدی بچه سقو است باخود ٣٠٠ نفر سوار و پیادهٔ نظامی آورده بود که اغلب اینها کوهدامنی و عموماً سقوی هستند .

چون اساساً نقشهٔ سردار سپه سالار صاحب پیدا کردن رشتهٔ توحید ملی میباشد لذا طبعاً سر و کارشان بیشتر با اقوام و افراد ملت است ازین رو بعد از یک ملاقات مختصر با حاکم اعلی و محمد صدیق و باقی مأمورین و خوانین و کلان شوندگان گردیزی که باتفاق و انتخاب عموم بانجا آمده اند در یک مسجدیکه قریب بود منفرد شدند . درین مجلس گردیزیها با حرارت زیاد و صمیمیت طرفداری خود ها را با افکار خیرخواهانهٔ سپه سالار نشان داده آمادگی خود را بانجام و متابعت هر نقشه و امری که برایشان داده

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 489 of 711

شود اظهار کردند درینجا بهتر است که جهة استطلاع ناظرین از مجاری عمومی این سرزمین ذیلاً تبصرهٔ را بنویسیم تا در اذهان حوادث آن سامان خوبتر خاطرنشان شود ؛

اجمال وضعیت امروزهٔ جنوبی و موقعیت محمد صدیق تستقوی

در صحیفهٔ (۳۹۵) قبلاً نگاشته شد که از اشکالات آتیه یکی اینست که بین گردیزیها و اقوامیکه در گرد و نواحی گردیز اند از چند ماه باینطرف مقاتله جاریست و خود همین نزاع احتمال دارد در آینده مشکلات زیادیرا سبب شود ، کنون بفضل الهی و حسن تدبیریکه دیروز برای اطمینان دادن گردیزیها بخرج رفته بود می بینیم یک عدهٔ بزرگ از معتبرین و کلان شوندگان گردیز در بین احمدزائی ها با کمال گرمجوشی و همدردی ملاقات و باز دید دارند که علاج این فقیره را همان مکاتیب خوانین احمدزائی کرده بود که برای گردیزی ها قبلاً فرستاده بودند و در ان اطمینان و صرف نظر از عداوت گذشته را بمناسبت ورود جناب محمد نادر خان سپه سالار داده بودند .

دوم محمد صدیق فرقهٔ مشر بعد از مغلوب شدن اقوام جنوبی در محاربهٔ ۱۳۰۳

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 490 of 711

درین سمت بصفت منصبدار عسکری معین شده فقرات جزائیهٔ چندین قبیله وخانواده را تنفیذ داده ، و با چند قبیله بطور مخصوص ظلم وشدت جابرانه استعمال کرده بود ، پس آمدن او درین علاقه قبل از اینکه یک حکومتی تشکیل شود ، وامنیت وتصرف مطلقاً بدست اهالی باشد از تصور خارج بود ولی اینک در بالاخانه نشسته آزادانه هر طرف سیر وتماشا میکند

سوم : در تمام این حوادث مرقومه کلمات حرکت وسفر باسهولت استعمال گردید . درحالیکه درآنوقت از یک دِه بدیگر دِه بهمانقدر آسانی که نوشته شده مسافرت ممکن نبود زیرا درین میدانها ودره ها وقریه ها وقصبه ها که از اقوام وقبائل متعدد آباد اند البته در وقت بودن سلطنت چون این اقوام تابع قانون امنیت بوده ، باهم خواه مخواه خوب میباشند سهل است . اما در موقع فتور چون این اقوام بمنازعات دیرینهٔ چندین ساله گرفتار میشوند . امریست نهایت صعب ومشکل .

خوشبختانه کنون درهمین سرزمین که تا دو روز قبل بکلی غیر مأمون و عبور ومرور از ان خطرناک بود . سکون وآرامی است ! وخیلی افراد وجماعه ها بطرف بالاده آمده میروند یا از یک دِه بدیگر دِه رفته میتوانند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 491 of 711

این امر فوق العادهٔ ایست که فکر همه را و رود سپه سالار صاحب مشغول ساخته و بعضاً بشوق اشتراک در دعوت شان برخی دیگر بمیل اطلاع یافتن از دعوت شان مطلقاً عداوت و منازعات فردی یا قومی را برطرف کرده اند

چهارم: درین منطقه بعضاً در مسئلهٔ سلطنت منتظر و بیطرف، و حصهٔ مهم آنها که از حکومت امانی منزجر و خسته خاطر بودند جداً به مخالفت شاه مخلوع ایستاده بودند و هر شخصی را که اندک یک نسبت با شاه میداشت بنظر اشتباه میدیدند - وعدهٔ در اثر رشوه و تطمیع بچهٔ سقو و نفرت از حکومت ماضی چشم و گردن خود را بسته سقو را و کابل را غیر از ان چیزیکه دیده و شناخته می بودند نشان میدادند.

وقوع یک حادثه از طرف عناصر فساد پیشه

در عصر ۲۶ - حمل بغتةً صدای فیرها از هر طرف بلند شد در حالیکه به زیر تپهٔ بالاده مخلوط عجیبی از اقوام دوست و دشمن حاضر است و در بین آن سه صد نفر عسکری که حصهٔ اعظم آن کوهدامنی و باقی آن سقوی میباشد نیز موجود اند که البته بودن سقویها در این بین از خطر زیاد خالی نبود.

فیرها شدت گرفت و صداهای تفنگ مترقی و مرمی از هر طرف

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 492 of 711

بمیدان اصابت، ولحظه بلحظه در شدتش افزوده میرود. که فیر میکند؟ مراد او چیست؟ از خود است؟ یا بیگانه؟ هیچ معلوم نیست!

درین بین تنه چندین زخمی ومقتول بر زمین خورده وضعیت فوق العاده کسب وخامت ودهشت کرد.

گرد باد شدید اطراف را گرفت ۳۰۰ نفر عسکر فرقه مشر از بین غیب شد شاید طرف گریز را گرفته باشند. هر کس در هر کنجیکه هست خود را در همانجا مستحکم ساخت. هر حزب بر حزب مقابل خود بدگمان بود.

وضعیت حادثه قریب ۲۵ یا ۳۰ دقیقه دوام داشت، وقتیکه فیرها آرام شد روی میدان غیر از مجروحین ونعش های مقتولین دیگر کسی نبود. درینجمله ٤ نفر سواران همرکابی هم جام شهادت را نوشیدند - اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ سپه سالار از دیدن این حال چون اصل ماده وعلت نزاع معلوم نبود که از کدام طرف؟ وبچه قصد بوده است؟ بملاحظه ناوقت بودن روز تحقیق این حادثه را بآتیه موکول داشته از مسجد به قلعه مراجعت فرمودند. در اثنای این فیرها محمد صدیق فرقه مشر وحاکم اعلی در یک بالاخانه نشسته بودند که برین میدان که در ان این قیامت برپا شده بود

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 493 of 711

حاکم است وضعیت آرام شد و مردم از هر طرف برآمده میرفتند
از هر طرف همین سوال است که (این فساد از کدام طرف بود؟) بعضی از
احمدزائی ها گفتند محمد صدیق فرقه مشر از بالاخانه این فیرها را کرده که شاید
کدام نشانی برای نفری خودش بوده است. اما کسانیکه با او در اطاق
بودند این شهادت را نمیدادند، فریق دیگر میگویند تیره وال ها این فساد را
برپا کرده اند، همچنین هر کدام و هر قوم بحق یا بناحق این حادثه را بپای رقیب
خود تمام میکرد. تحقیقات هیچ فائده نمی بخشید، زیرا باصطلاح قومی
درین میدان مردم ارجل شریک بود، معلوم شده نمیتواند که از کدام
طرف و بچه قصد (این فساد شوراند شده است، بهر حال هر که بود
ولی طبعاً مفسد بزرگ بوده است) زیرا امروز یک قضیه اصلاح قومی
بین گردیزیها و دگر اقوام (که از چند ماه باهم نزاع و مقابله داشتند و خیلی
با اهمیت است) روی کار بود. علاوه برین، چیزیکه میتوانست
قضیه را خیلی تیره بسازد همین که خوانین و معتبرین گردیز اعتماد و دل کرده
بمجرد دعوت شدن بدون اهمیت دادن مقاتله های چندین ماهه آمده اند
و فعلاً درین میدانیکه این فساد شده است حاضر هستند، مگر فضل خداوند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 494 of 711

بود که بهیچیک از گردیزیها درین مصیبت آسیبی نرسید. تاریکی رسید و شب شد هر کس در هر نقطه که بود همان جا ماند. شب هم به تردد و وسواس گذشت زیرا که علت و محرک واقعهٔ عصر دیروزه معلوم نبود ازین رو هر کس احتمال میداد که شاید باز آن واقعه طرف شب تکرار شود. علاوه برین توهم میسر نشدن خوراک و پوشاک در این اندیشه و تکلیف می افزود.

قبلاً مرقوم شد به سبب ظلم و جبریکه محمد صدیق با بعضی اقوام احمدزائی کرده بود نسبت بخود خیلی دلهای پرکینه و عداوت پیدا کرده است جناب سپه سالار صاحب مخصوص برای اینکه کدامی از ان دشمنان انتقام جوی محمد صدیق از موقع استفاده کرده اذیتی بوی نرساند. چند نفر از خوانین احمدزائی را برای محافظت و نگهداری او از طرف شب معین فرمودند شب در قلعهٔ که سپه سالار صاحب قیام داشتند خیلی خوانین جمع بودند؛ مذاکرات زیادی دائر شده است از انجمله (قوم بازوخیل احمدزائی) بود که محمد صدیق فرقه مشهر را مطالبه میکردند تا قصاص و انتقام مقتولین و مظلومین خود را از وی بگیرند. فریق دیگر حاکم اعلی را میگفت که طرفدار امان الله خان است ما او را نمیخواهیم که در گردیز بماند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 495 of 711

نظربندی محمد صدیق فرقه مشر سقوی

بالآخر، بعد از مباحثات زیاد فیصله برین شد که حاکم اعلی و محمد صدیق نباید بگردیز پس عودت کنند. زیرا هر کدام بیک مفاد و نقشهٔ جداگانه که منافی وحدت ملیه است عمل میکند لذا هر دو در وسط یک قوم بیطرف محافظت شوند.

در ۲۷- حمل طرف صبح اولین کاریکه اجرا شد بردن حاکم اعلیٰ و محمد صدیق فرقه مشر بطرف رود احمد زائی بود. که قوم متعهد حفاظت آن برای اینکه از کدام طرفی بر محمد صدیق فیری نشود قرآن های شریف را برسر گرفته بودند. ساعت- ۱۰- اردو بطرف رود احمد زائی انتقال کرد.

وجود مصروفیت تازه در اثر این حادثه

معلوم میشود مراد از تحریک فساد پریروزه در بالاده منحل کردن اقوام و پیدا کردن یک مقاتله بین آنها بوده است. ولی اگرچه به فضل خداوند مسئله باندازه مقاتله و منازعهٔ قومی نکشید و دران واقعه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 496 of 711

بدون از نفریکه اجل شان درینواقعه مقدر بود کسی تلف نشد چون قاتل یا مفسد اصلی معلوم نبود ازین رو این کشتگان و مجروحین در پیدا کردن یک فساد قومی اثر بدی را وارد نکرد. با اینکه این حادثه بخیر گذشت ولی طبعاً بعضی اشکال و تأثیرات معنوی در نقشهٔ سپه سالار صاحب که عبارت از توحید اقوام و جمع کردن شان در یک نقطهٔ فکری است تولید کرد.

از انجمله اینکه اقوام جدران که تا حال با نفری همرکاب شامل بودند این حادثه را تحریک احمدزائی گفته خود را ازین کشیدند. همچنین در منگل ها این حادثه یکنوع بی اعتباری پیدا و در جماعه های خورد و بزرگی که دران روز حاضر بودند تأثیرات مختلفی بخشیده است عوض اینکه امروز از مصالحات قومی و دیگر جزئیات که درین است باید فارغ بوده در اقدامات اساسی شروع میشد. از اصلاح تأثیرات این واقعه یک مشغولیت ابتدائی سر از نو پیدا شد. چنانچه روز ۲۸ حمل در تحقیق و تدقیق و انجام دادن این مسئله و تحریر بعضی مکاتیب و معاملات تبلیغیه گذشت. در عین زمان به گذاشتن یک خط حرکت و نقشهٔ موافق تری برای جمع کردن اقوام و تمرکز در گردیز و تشکیلات دیگر تصمیم کرده شد برای ادارهٔ ملکی گردیز

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 497 of 711

آقای عبدالغنی خان پسر لعل گلخان و برای مراقبت امور نظامی آقای سید محمد خان بتصویب گردیزیها انتخاب و تعیین شدند .

سقوط طیارهٔ حامل اعلانهای سقوی

در ۲۹ حمل یک طیاره از طرف کابل آمده بعد از انداختن چند قطعه اعلان در حدود گردیز و نواحی آن بطرف خوست پرواز نموده وقت عودت بکابل گردیزیها فیرهای زیادی بر آن نمود بسبب خوردن گوله به نل چه تیل آن مجبور به فرود آمدن گردید . اعلانیکه در بخدود می انداخت دران باعبارات بریده اتهامات فضول و جمله های مضحک از قبیل اینکه سپه سالار در ملک کفر رفته است مرقوم و در آخرش اعلان جوائز متعددی برای کسیکه بایشان و یا یکی از برادرهای ایشان اسیبی برساند تعیین کرده بود ولی از چنین اعلانات مجال هیچ خوف یا اندیشیدن نبود زیرا از روی احساسات عمومی که اقوام این سرزمین نشان میدهند . یقین کامل حاصل بود که عموم اقوام اینجا با یک خلوصیت صمیمی اطراف سردار سپه سالار مجموع و ایشانرا کما هو حقه یک زعیم و یا رهبر ملی خود قرار داده اند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 498 of 711

چنانچه تا عصر صدها ازین اعلانات را مردم آورده وعبارات انتقام ونفرین را بالنسبهٔ بچهٔ سقو اظهار میداشتند حتی بعضیها همین اعلانات را در دیوارها نصب کرده چانماری مینمودند. خود طیاره در گردیز محفوظ وپیلوتهای آن تحت النظر گرفته شدند.

امروز جناب سپه سالار صاحب با آقای سردار شاه ولیخان بطرف قلعهٔ گل منگل که بفاصلهٔ سه کروهی این قلعه واقع است برای دیدن اقوام حرکت نمودند. شب را در جای محمد گلخان تولیمشر قوم طوطاخیل گذشتاندند. فردای آن سردار شاه ولیخان را برای تسویهٔ بعضی امور سر راست بطرف کوه سین فرستادند.

زهر طرف که شود کشته نقص اسلام است

خبر سقوط طیاره از طرف خوانین وعموم اقوام بخوشی زیاد تلقی شد ودر حقیقت هم جای خوشنودی بود زیرا سقوط این طیاره عبارت از کم شدن یک جزئی از قوای سقوی بوده است.

اما چیزیکه درین انقلاب موجب تأسف وحسرت است همانا اگر یک دو طیارهٔ از طرف امان الله خان بکابل می آمد البته سقو آنها را زخمی و

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 499 of 711

معطل ساخته بزمین می انداخت و البته خوشنود هم میشد. هکذا هر قدر ذخائریکه تلف میگردید - و کارطوس و عمارات و غیر آن که برباد و خراب میشد هر جهة هر قدر تلفاتیکه بجهة مقابل میرسانید همانقدر باید خوشنود و خود را کامیاب میدانست و حق بطرف هم بود زیرا دشمن خود را ضعیف ساخته است بیائیم در حقیقت قضیه که آیا جوانهائیکه در این محاربات خون های شان به بسیار بیرحمی هدر و تلف شده و میشود و نیز جبا خانه و اسلحه و توپ ها و عمارات و طیاره هائیکه تلف شده و خواهد شد آیا مال کیست ؟ و خسارهٔ آنها عائد بکیست ؟ و گریهٔ این خساره ها را در آتیه که خواهد کرد ؟ این امور یست که از دل های حساس خون میچکانید !

ولی سیلابیست که آمده البته تا زمانیکه سیلاب جوش و هجوم خود را پوره نکند جلو آنرا نمیتوان گرفت . از یکطرف این اوضاع با چشم گریان دیده میشد و از طرف دیگر یک طبقه افرادی بنظر می آمد که محض برای آب خت کردن و ماهی گرفتن آنقدر سرگرم تیره کردن وقائع هستند که تحسر و حزن را هزار چند میساخت .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 500 of 711

آقای محمد گل خان مهمند رئیس وفد مشرقی که بمعیت جناب سردار محمدهاشم خان در تمام آن مجاهدات وطنخواهانهٔ شان که به سمت مشرقی مصدر شده‌اند، خدمات مهمی را انجام داده‌اند و در موقع فتح کابل بهمراهی سردار شاه‌ولیخان فاتح و سردار شاه‌محمود خان غازی مظهر کار روائیهای درخشان گردیده اند. و تذکرهٔ مساعی جمیلهٔ این ذات فهمیده در صفحات ٤٣٣ و ٥٤٧ و ٥٥٠ و ٥٥٦ و ٥٥٧ و ٥٥٩ و غیره مذکور است

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 502 of 711

ورود وفدِ مشرقی بحضور سپه سالار غازی

به ۳۰ حمل یک مسئلهٔ تاریخی خیلی با اهمیت و قیمتداری روی کار شد که در تاریخ مشرقی و جنوبی مثیل نداشت . و آن همینکه از طرف مشرقی یک وفدیکه عدهٔ آنها ۱۳۰ نفر بود و نمایندهٔ تمام اقوام مشرقی بودند که جهت سلام حضرتعالی سپه سالار و مذاکره و تبادلهٔ افکار با اقوام جنوبی آمده اند .

کلان این وفد و یا موکل عمومی اقوام علاوه برین نمایندهای قومی آقای محمد گل خان مهمند بودند سپه سالار صاحب برای استقبال این وفد چند قدمی بیرون قلعه برآمدند - نطق پر منطق و تبریک ورود این وفد را بجنوبی که (برای بار اول در تاریخ این دو سمت چنین تمایل ملی و همفکری و همدردی واقع میشود) گفتند و شکریهٔ این استقبال و ایرادیه را از طرفِ عموم مشرقی و نمایندهای آنها جناب محمد گل خان ادا نمودند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 503 of 711

لایحهٔ مرتبهٔ وکلای مشرقی

طرف شب یک لایحه که دران مفکورهٔ اهالی مشرقی برای اهالی جنوبی راجع باین انقلاب ترتیب شده است برای مذاکره پیش شد مشرقی ها درین لایحه بعد از ذکر کردن یک تمهیدی (راجع بسبب انقلاب کردن خودشان مخصوصاً خروج امان الله خان از قید عرف و عادات ملی و دچار کردنش ملت را به این تشتت و بحران بسبب افراط کاری که در تعقیب پروگرام و خیالات خود کرده بود و غیر آن) اساسیات و مطالب زیادیرا بقید تحریر آورده بعد از ان عقیدهٔ خودها را در باب بچهٔ سقو که غاصب است و میخواهد برغم رضای ملت سلطنت نماید و نیز معایب و نواقصیکه بچهٔ سقو باضرر هائیکه سلطنت کردن او دارد تبیان داده بالآخره فیصلهٔ قطعی خود را نشان دادند که باید صورت این نارضائی خودها را با امضاهای عموم اهالی جنوبی و مشرقی برای بچهٔ سقو بفرستیم تا بموجب این اخطار از سلطنت برطرف شده مسئلهٔ پادشاهی را به رأی و انتخاب عمومی واگذار شود و اگر این اخطار را قبول نکرد ما اقوام بالاتفاق هیچ استراحت و هیچ

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 504 of 711

مشاغل حیاتی متوجه نخواهیم شد تا زمانیکه این شخص غاصب و سافل را باعموم طرفداران اصلی و بقصاص اضرار و تباهی وطن که موجب شده اند رسانیم چون هیچ حرکت اجتماعی بدون از داشتن یک زعیم و قائد یا پیشوا بانجام رسیده نمیتواند از آنرو ما عموماً زعامت و پیشوائی جناب محمد نادر خان سپه سالار صاحب را که تا امروز در صحنهٔ وطن مظهر خیلی احساسات خیرخواهانه و همیشه در اجراآت و عملیات خویش نمونهٔ بزرگ اعتدال و دور اندیشی بوده اند و هستند تعهد میکنیم، منفرداً و مجموعاً در زیر نقشه و هدایت شان برای هر نوع مجاهدت حاضریم

این انذار نامه از طرف عموم که غالباً از خوانین و کلان شوندگان جنوبی هستند تائید و تصدیق شد، گویا این حسن تلقی نشان میداد که آمدن وفد مشرقی برای فرد اتأثیر خود را کما هو حقه خواهد کرد.

اثر ورود وفد مشرقی در جنوبی، مخالفت جدی با حکومت امانی

در اول ثور خوانین و جماعه های افراد از هر طرف برای دیدن وفد مشرقی آمده میرفتند. روز بیک گرمجوشی مرغوبی گذشت. هر وقتیکه مجلس تجدید می گردید همان لایحهٔ انذار که از مشرقی آمده است قرائت میشد

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 505 of 711

وسامعین بآن موافقت کرده در ذیلش امضا میکردند.

از فیصلهٔ اقوام اینجا بمردم زرمت وکتواز که سلیمانخیل هستند بالزوم شمولیت شان درین اتحاد قومی خبر داده شد که آنها در جواب این انذار حرب چنین پیام فرستادند چون امان الله خان از طرف قندهار حمله کردنی است ما اول کشیدن اورا از صفحهٔ مملکت ضروری میدانیم بعد ازین اگرچه سقو لایق سلطنت نبود میتوان اورا علاج کرد. این جواب و دیگر جوابهائیکه از طرف سلیمانخیل میرسید خیلی حیرت آور بلکه در بعض اوقات مستوجب تشویش هم میشد زیرا هر وقتیکه یک جواب از طرف آنها میرسید واضحاً آثار اعتنا و دقت در چهرهٔ جناب سپه سالار صاحب دیده میشد بحدیکه احیاناً به تفکر خیلی عمیق میرفتند. در کتواز زرمت یک هیجان و جمع و جوش خیلی جدی شنیده میشود و همه بطرف غزنی و کلات و مقر برای مقابله با عساکر امان الله خان که طرف کابل حمله کردنی است میروند، گویا انقلاب است. هر که هر طرفیکه دلش خواست میرود روز بروز اوضاع تیرگی پیدا کرده، حالت خطرناک مستقبل مملکت و زیادت خانه جنگی واضح تر شده میرود. تا حال سعی میشد یک گونه وحدت فکری در اقوام تولید شود ولی تکرار اثرات مخالفت و شکستاندن این نقشه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 506 of 711

روی کار شده است . الی الآن هرچه اشکالاتیکه پیش آمده است اگرچه مهم و کلی بود اما بهر حال تأثیر محدود داشت ولی در این دفعه مسئله وخیمتر و اثر مطول و عمیقتر دارد . زیرا بذریعهٔ این اقدام زرمتی وکتوازیها یکنوع هیجان و تشتت در عموم اقوام دیده میشود و بالعموم نمیخواهند که امان الله خان پیشرفت نماید - جدرانی های دیخیل سرراست با اقوام زرمت شامل جنگیدن با عساکر امان الله خان شده اند - همچنین در دیگر اقوام هم حس مخالفت و انتقام مشهود است

تصمیم اهالی برفع وحشت سقوی

از قلعهٔ گی منگل بطرف رود احمد زائی به دوم ثور حرکت شد ، چون در این چند روز مسئلهٔ اصلاح اقوام و تلافی اساسی اثراتیکه از واقعهٔ بالاده در بعض اقوام پیدا شده بود زیر نظر است لذا درین مورد دو رود نمایندهٔ های مشرقی موثر افتاده و تکرار ایک جم و جوش خوبی در گرد و نواحی رود احمد زائی دیده میشود و تماماً امروز در خرابی و بد بودن بچهٔ سقو قانع شده اند بعد از تبلیغات زیادیکه از طرف سپه سالار صاحب میشد در ذهنیت اهالی این سمت این تأثیر پیدا شده که هرچند بچهٔ سقو دوام کند همانقدر تلافی اثرات

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 507 of 711

او در مملکت برای آتیه مشکل شده میرود - پس در رفع این مصیبت عجله باید کرد ولی از کدام راه باید پیش آمد! تا امروز جرگه میشد و با اینکه در این جرگه ها بارها برایشان فهمانده شده بود که راه آسان همین است که اقوام جنوبی متفقاً در لوگر، و اقوام مشرقی از راه تنخاک نیز به لوگر آمده یک اخطاری بسقوزاده بفرستند هر گاه آن اخطار تأثیر نبخشید ناچار از راه قوت پیش میرویم - این نقشه از طرف عموم تصدیق میشد ولی چون سوقیات قومیست تا زمانیکه مطلب یک نقشه در اذهان هر فرد تأثیر و تخمیر کافی نگیرد البته عزم کردن ممکن نبود - لذا تصفیهٔ صورت این اقدام که تا امروز معطل مانده بود کنون ازین انذار نامهٔ مشرقی فیصله شده مقرر شد که همین لائحه که بران مشرقی و جنوبی متحداً امضا و تصدیق کرده اند بلوگریها هم باید تقدیم شود تا سکنهٔ لوگر نیز بران امضا و تصدیق نموده بعداً به بچهٔ سقو روانه شود اگر تأثیری کرد خوب و الا بهمان اساس مقرره آغاز حمله بروی کرده خواهد شد گویا فعلاً سپه سالار صاحب در صدد بردن این لائحه بطرف لوگر میباشند و توقع میرود که اوشان یک حرکت قریبی محض بهمین مقصد خواهند فرمود

—)❖(—

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 508 of 711

دعوت اقوام جهة مقابله باقوای امانیه

جنگ چرخ چگونه آغاز شد

بوقت طلوع آفتاب ۳ ثور میر غوث الدینخان آمده با یک لهجهٔ خیلی وارخطائی خبر رسیدن افواج سقوی را در التمور گفته و اعلان کرد که فوراً یک عدهٔ اقوام را بآن طرف فرستادنی هستیم - این را گفته امر نواختن دهل های جمع آوری را داد - دهل ها در تمام رود بشدت نواخته میشد هر قدر نفر یکه جمع میشدند همه را بعد از اطلاع بطرف تیره میفرستاد بهمین صورت تا ساعت (۱۱) هر چه نفری جمع شد بطرف تیره و التمور برای گرفتن راه افواج سقوی که میگویند آمده است رفتند .

مکتوبی از اقوام زرمت رسید که اگر فی الحقیقت جناب سپه سالار صاحب طرفدار امان الله خان نیستند یکی از برادران محترم خود را برای ما بفرستند تا او شان بطور قائد یا سر مفرزه با ما در جنگ با عساکر امانی شامل شوند .

این یک دعوت خیلی مشکل بود زیرا یگانه نقشه و مرام و آرزوی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 509 of 711

سپه سالار بر طرف کردن مظالم بچه سقو بود چون شخصاً یک نظریه یا مفاد خصوصی در بین ندارند اشتراک را در مقابله با امان الله خان علاوه بر اینکه به نقشه شان علاقه نداشت البته در اینچنین اقدام مواخذه ضمیر و مانع وجدانی هم میدیدند ازین نقطه که رفع کردن بچه سقو اولی تر است.

تا امروز هر قدر دعوت که درین مورد از طرف زرمت میرسد جواب همه آنرا سپه سالار بحسن تدبیر میدهند، اگرچه این جواب های سپه سالار در رفع مظالم سقوی مشکلات را تولید، و در نقشه اصلی تأثیر وخیم داشت با وجود آن سپه سالار سلیمانخیل ها را ازین اصرار شان بازمیداشت، و به عموم اقوام و قبائل و مخالفین حکومت امانیه خفیه و علانیه میگفت که بچه سقو مضر تر و کشیدن او فعلاً اولی تر است.

نمایندهای مشرقی این پروپاگند غوث الدین را که نسبت بسوقیات سقوی میکرد شنیده باین خیال که ما هم بزودی رفته لشکرهای خود را بطرف کابل سوق میدهیم وداع کرده با آقای محمد گلخان که نمونه برجسته احساسات این وفد بود علی العجاله عازم محلات خود گشتند.

سپه سالار صاحب بعزم مفاهمه و مذاکره با لوگری ها و در عین زمان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 510 of 711

بغرض اطلاع گرفتن از سوقیات سقوی بطرف تیره حرکت فرمودند! باران
هم بشدت میبارید، آقای شاه ولیخان با دسته همرکابی شان بطرف
گردیز برای اداره کردن امورات مرکزی روانه شده در گردیز اهالی از وطنان
استقبال پرجوشی نموده نظامی اسلامی رسمی شانرا به فیرهای توپ
ایفا و عموم اقوام باحرارت ورود شانرا تبریک گفتند .

سردار سپه سالار صاحب شب را در قلعهٔ سفید که بدامنهٔ تیره
افتاده است گذرانیدند، صبح اقوام مغل بسرکردگی زلمی خان طرف لوگر
روانه شدند. غوث الدین حاکم اعلی و محمد صدیق فرقه مشر را بقلعهٔ سفید
تیره آورد. و نظر باینکه عائلهٔ حاکم اعلی در مچلغو از پیشتر آمده بود از این
رو سردار سپه سالار مصلحت دادند تا حاکم اعلی بطرف مچلغو برود
اما محمد صدیق فرقه مشر را در اردو گذاشته امر فرمودند، هرجا که
هیئت برود او هم به هیئت باشد. طره باز خان رئیس ارکان حربیه
فرماندانی عسکری گردیز که با فرقه مشر در اول نظربندی او از طرف
سپه سالار صاحب مقرر بود حالا نیز با اوست .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 511 of 711

حرکت بطرف چرخ

چهارم ثور ساعت ۹ و نیم از قلعه سفید بطرف کوتل تیره حرکت و منزل مقصود چرخ لوگر قرار داده شد. گویا امشب سپه سالار با مفرزهٔ خود در منطقه که اصلاً زیر نفوذ بچهٔ سقو است داخل خواهد شد.

جمعیت های قومی از دیروز بطرف لوگر حرکت کرده اند و امروز نیز جمعیتیکه بیشتر آن منگلی و احمدزائی است و در پیش روی موکب جناب سپه سالار صاحب با سرودن غزل های جنگی و نواختن دهل های بلند حرکت دارند ازین معلوم میشود که سپه سالار صاحب بعد از مجاهدات یکنیم ماههٔ خود که برای اقناع مردم در ضرورت اسقاط بچهٔ سقو صرف و حس وحدت را تولید کرده اند با وجود عوارض و اشکالات و تحریکات گوناگون که بارها مغرضین خفیةً و علناً مقابل شان می آوردند، امروز بر رغم همهٔ آن عوارض یک گام مهمی در دائرهٔ اصلی مراد یا نذریکه بر خود گرفته اند میگذرانند (و آن نظریه عبارت از سقوط دادن بچهٔ سقو، و مربوط ساختن مملکت است) لذا بد نخواهد بود اگر امروز از چندین نقطهٔ نظر حالات استعدادی ایشانرا زیر نظر و تشریح بگیریم

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 512 of 711

اشکال نبودن لوازم و ذخائر و دگر موانع :

این امر مسلم است که در حال منحل شدن یک حکومت فردی در تمام مملکت هیچکس رسمیت و آمریت ، و ما فوقی یک فرد دیگر را تسلیم نمیکند . گویا سردار سپه سالار صاحب از وقتیکه بسرحد داخل شده اند : هیچ حیثیت یا معنی از کلمات رسمیت ، آمریت ، و یا حکومت بخود نداشته . تنها بصفت یک زعیم یا رهبر ملی پیش آمده اند - چنانچه معنی زعیمیت است ، اقوام را بخیر و منفعت خودشان از راه دلیل و منطق و اقناع ، دعوت نموده حلقه دور خود برای پیش بردن منافع و تأمین خیر عموم تشکیل دادند .

اما باز هم یک زعیم برای اینکه مقام و حیثیت زعیمی یا رهبر برادرین یک ملت نائل شود از خیلی احتیاجات مادی و معنوی مهم و ضرور مستغنی نمیباشد ، مثلاً ، اعتبار و حسن شهرت ، مبالغ هنگفت پول خبرت و بلدیت تام در روحیات و مزاج اقوام ، مهارت زیاد در قوت بیان و ترسیم مطلب ، حسن نیت و قصد ، یا مهارت فوق العاده در نشان دادن حسن نیت . اسلحه و ذخائر حربی مخصوصاً اگر موقع جنگ و انقلاب باشد ، و غیر ازین ضروریات دیگر که یکنفر را مستعد و قابل زعیمیت بگرداند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 513 of 711

اینجا می بینیم که زعیم ما ازین ضروریات جنبهٔ معنوی شانرا بدرجهٔ کافی و وافر دارند. مثلاً به اعتبار و حسن شهرت نزد تمام افراد مملکت معروف هستند همچنین در بلدیت روح و مزاج اقوام زعیم ما خیلی اختصاص و شهرت دارند. چنانچه از قدیم مشهور بوده که ایشان و غالب افراد خاندان شان در معاملات الوسی فرد اول هستند.

علی هذا قوهٔ بیان و ترسیم مطلب درین نابغه بدرجهٔ اتم موجود است و بزرگ تر دلیل آن موفقیت شان در اقناع عوام، و پیش بردن نظریات خود را در بین شان است. چه می بینیم، گروهی که در اطراف برای بچهٔ سقو خدمت می کنند، مسئولیت اخروی را هیچ مد نظر نگرفته بچهٔ سقو را در فکر عوام یک رنگ مذهبی میدهند، معلوم است مقاومت کردن با یک مسئلهٔ که در ذهنیت عوام رنگ مذهبی بگیرد تا کدام اندازه مهارت بیان و قوهٔ اقناع بکار دارد. همچنین حسن نیت و قصد که شرط بزرگ موفقیت و پیش رفت مطالب یک زعیم و رهبر میباشد امر معلوم است، جناب سپه سالار در تمام عملیات خود نمونهٔ بزرگ حسن قصد و نیت بوده اند. خاصتاً درین اقدام بزرگ شان که عبارت از نجات دادن مملکت ازین فلاکت که بآن رفته بود.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 514 of 711

اما در جنبهٔ مادیات مانند پول خیلی کم بودند، بلکه اگر بگوئیم یک علت بزرگ دیر افتیدن کامیابی شان کم بودن پول است، مبالغه نخواهد بود چنانچه درین محاربه و از مجاری آتیه این امر علانیةً مشاهده میشود که از نبودن پول و ذخائر حربیه وغیره برای این مرد فرزانه بچه اندازه مشکلات عائد شده است.

علی هذا در باب اسلحه، جباخانه میتوان گفت از جهت خیلی نادر بودند، چنانچه در این مفرزه با ایشان ۲ توپ ۶ پن، ۴ ماشیندار، ۱۱ صندوق کارطوس بودیس.

موجب حرکت هیئت معیت نادری بطرف لوگر

بالجمله قوای قومی ساعت ۲ بود که بسر کوتل تیره رسیده و سردار سپه سالار با همرکابان خود فریضهٔ ظهر را در آنجا ادا نمودند. درین جا از مفرزهٔ که پیشتر برای کشف روان شده بود اطلاع رسید که عساکر بچه سقو در (درویش) متمرکز هستند، در حدود دشت بیدک و چرخ از نفری سقوی کسی نیست. ساعت شش و نیم شام بود که سپه سالار صاحب در چرخ رسیدند. میر غوث الدین که سر مفرزه است به بهانهٔ اینکه خاطر رنجی از پیشتر با چرخی ها دارد آنجا نرفته سر راست به (دبر) که مقابل چرخ افتاده است با احمد زائی های خود

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 515 of 711

برای توقف شب رفتند .

اینجا باید به نقشهٔ اساسی که جناب سپه سالار صاحب داشتند نظری اندازیم . تا در وقت تطبیق و یا استنتاج محتاج به معلومات اضافی نشویم .

در یادداشت (پیشتر) گفته بودیم که اقوام مشرقی آمده و یک لائحهٔ مطولی که تمام خوانین و مشاهیر مشرقی آنرا امضا کرده بودند با خود آورده آن لایحه را تمام خوانین جنوبی هم امضا کرده اند . گویا جناب سپه سالار صاحب این خیال دارند که در لائحهٔ مذکور امضای خوانین نزدیک لوگر را گرفته آنرا بطور اخطار آخرین به بچه سقو بفرستند ، هرگاه جواب اصرار و یا عنادی از طرف وی دیده شد دران حال این اقوامیکه درین لائحه امضا کرده اند بالاتفاق بذریعهٔ قوت او را بسزای این اصرار خواهند رسانید .

فی الحقیقت کسیکه دران تاریخ در سمت جنوبی و یا مشرقی می بود و پروپاگندهای متعاقب وجدی که از طرف بعضی ملانماها برای بچه سقو می شد و خوش باوری بعضی اقوامیکه بچه سقو را ندیده با او غائبانه اخلاص می پروراندند و تشتت فکری و پراگندگی اقوام را در مسئلهٔ استقرار سلطنت میدید ، به متانت و نیکوئی این نقشه خیلی تصدیق میکرد اگرچه بعضاً طرفدار عجلت و زودی بوده

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 516 of 711

میگفتند در صورتیکه یکعدهٔ اقوام برای حملهٔ جان نثاری حاضر هستند، هیچ حاجت باندار و اخطار نیست. بلکه سر راست باید حمله شود ولی چنانچه در اخیر ثابت شد که این نظریهٔ سپه سالار غازی از هر حیث و هر جهة متین و برای حصول اتحاد فکر عمومی و اقدامات اساسی حال و آتی یک نقشهٔ موافق و عالی بود

بصبح ۵ ثور خوانین چرخ با علمای که درینجا بودند یک جماعهٔ بزرگ تشکیل داده برای شرفیابی آمدند، جناب اعلی بعد از ملاقات یک بیان مفصلی (که بطور مخصوص گفته میتوانیم که بیانات شان دران روز بیش از حد مؤثر و رقت آور بود.) راجع به حالت خطرناکی وطن ازین مصیبتی که به آن دوچار شده است ایراد نمودند، نظر بلهجه و آهنگ خاصیکه در آنوقت عبارات شانرا پر تأثیر ساخته بود همه حاضرین بحالت رقت و تأثیر شدید دیده میشدند لائحهٔ اخطار اقوام شرقی، جنوبی به میدان آمده خوانده شد همه حاضرین از مظالم و فجایع حکومت سقوی نالش میکردند، و قصه های عجیبی از کارداران و محصلان او می سرودند، لائحه را بالتوالی امضا کرده میرفتند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 517 of 711

اولین اخطارنامهٔ نادری به نفری سقوی

ساعت (۱۰)، چنین سنجیده شد که محمد صدیق فرقه مشر برای بردن اخطارنامه بطرف کابل که بین این نقطه وحدود کابل قریباً (۲۶) کروه است برود. وشاید این منتها حسن اعتماد واطمینان پسندی جناب سپه سالار صاحب بوده است. ولی تمام حضار وافراد هیئتیکه با جناب سپه سالار صاحب بودند بالعموم رفتن محمد صدیق را بطرف کابل برای ایفای این مأموریت قبول دار نمی شدند، لذا صداهای اصرار سخت که از هر جانب بلند شد ایشانرا به تبدیل این فکر وادار ساخته مصلحت دادند تا طره بازخانیکه رئیس ارکان حرب گردیز بود برای رساندن مکاتیب به نزد پنین بیگ افسر بزرگ سقوی که دران وقت بفاصلهٔ هفت کروه دورتر ازینجا بدرویش است برود. ورسید یا جوابش را تا عصر از آنجا بیارد چنانچه بالفعل طره بازخان بطرف درویش رفت وهمان لائحهٔ انذار را باخود برد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 518 of 711

آغاز جنگ

مکتوب میر غوث الدین از دبز که بفاصلهٔ یک کروه است رسید که در شاه مزار چیزی عساکر سقوی موجود بودند، با اوشان محاربه شروع کردیم قوه وجباخانه بفرستید.

این اقدام غوث الدین که اساساً پیش از وقت و خارج نقشه شده بود فوق العاده جناب سپه سالار را متأثر ساخت واقعاً این تعرض که پیش از رسیدن اخطار به بچهٔ سقو و نیز قبل از رسیدن جباخانهٔ احتیاطی که در گردیز منتظر حکم بود واقع شده است در وقوع شکست چرخ یک عامل مؤثری بوده است اما چون لشکر ملی و محاربین تماماً قومی بود و جذبات مخالفانهٔ شان را بر خلاف سقویها ضبط کرده نمی توانستند ازین رو جلوگیری کردن شان از اینچنین پیش آمدها در حالیکه بمیدان جنگ هم داخل شده اند ممکن نبود، ناچار جناب سپه سالار صاحب به اقوام ملکی که در چرخ بودند امر حرکت کردن بطرف دبر فرموده دقیقه بدقیقه خبرهای میدان جنگ را میخواستند گویا علاوه بر دیگر مشاغلیکه دارند این یک مشغولیت مهم غیر منتظر بود که برای شان پیش آمد. بانتظار عودت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 519 of 711

طره باز خان دیروز بودند ولی حالا شب گذشت و نصف روز هم ولی او پس نیامد . (۱)

۶ ثور - روز و شب در مراقبت اوضاع محاربه گذشت . چون تا صبح نتیجه معلوم نشد سپه سالار صاحب خودشان بطرف میدان جنگ حرکت فرمودند وقتیکه بمیدان رسیدند دو طرفه فیر جاری بود ، ناچار سپه سالار صاحب مقام سرقوماندانی را بدست گرفته دو توپ شش پن را که در پیش روی اولین قلعهٔ میدان محاربه موجود بود پیشتر برده بشخص خود نشان بستن و فیر آنرا متکفل شدند تا برای لشکرها مجال پیشرفت و گرفتن قلعه های دشمن را پیدا کنند . بعد از چند فیر سه قلعه از قلعه های شاه مزار تخلیه شد . تا ساعت (۱۲) لشکرهای قومی متوالیاً پیش قدمی داشتند و اوضاع عسکر سقوی که در شاه مزار بود از مدافعه به پریشانی کشید ، زیرا متعاقباً قلعه ها و مواضع خویش را از دست میدادند . ولی بعد از ساعت ۱۲ دخول یک عدهٔ زیاد عسکری سقوی از راه عقب شاه مزار بدربین ها دیده شد . متعاقب آن چند فیر توپ از جهه مقابل به این طرف رسید که از شروع جنگ تا حال هیچ توپی از ان طرف فیر نشده بود . آن فیرهای توپ

(۱) اخیراً معلوم شد که طره باز خان را بچهٔ سقو محبوس کرده بود .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 520 of 711

ورزیاد شدن شلک . لشکر قومی راکه ازین طرف می جنگیدند قدری پسپا ساخت ساعت (۱) باز لشکرها تجدید حمله نمودند و میدان از دست رفته را قریباً استرداد کردند .

تا ساعت (۵) محاربه دوام داشت و جانبین مستحکم بودند امروز صبح اطلاعات سریع به گردیز روانه شده بود تا جباخانه و اسلحه وغیره لوازم ضروریه بفرستند که الی الآن بواسطهٔ بعد مقام جباخانه واصل نشده حالانکه جباخانهٔ که بالشکر بود کمی کرد . و از سنگرها متوالیاً اطلاعات درخواست کارطوس میرسید و از طرف کمی کارطوس که یک علت آن شروع شدن محاربه پیش از وقت بود وضعیت اندک پریشان میباشد . ساعت (٦) محاربه خفیف و طرف شام کاملاً خاموش شد . سپه سالار صاحب برای تقویت معنویات شب را در محاذ جنگ گذرانیدند . تمام شب در فکر کارطوس گذشت بحدیکه جناب سپه سالار صاحب لاچار از اقوام چرخی یک عده کارطوس به پول خود خریداری نمودند . یک چیزیکه در محاربات قومی تجربه شده و امشب به بیم آن گذشت همینکه لشکرهای قومی در حمله و تعرض نه تنها شجاع بلکه خیلی باتهور ند ولی در استقامت و حفظ مرکزیت دفاع چندان حوصله ندارند و این یک

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 521 of 711

فرق طبیعی است که بین لشکر قومی و عسکر منتظم موجود میباشد.

در (۷) ثور دفعتاً در بین لشکر خبر منتشر شد که احمد زائی ها مواضع خود را شب گذاشته به طرف تیره رجعت کردند البته باید هراس در لشکر واقع میشد؛ از غوث الدین که محل شبهه واقع بود خبر گرفتند معلوم شد که در اطاق خود افتیده است. ولی به یقین رسید که غوث الدین سر تا پا درین معامله طرف تشویش لشکر و شکستاندن نقشه های که تصویب میشود واقع شده بود. و پروپاگندهای مختلف و افواهاتی را که موجب تشویش افکار لشکر شود منتشر ساخته میرفت. (۱)

رجعت قهقری قوای قومی

ساعت (۶) در دشت پیش قدمی نفری از طرف دشمن دیده شد با ملاحظهٔ اینکه درین میدان تغرها خیمه زده بودند، وضعیت خیلی خطرناک دیده می شد. چه هجوم دشمن دقیقه بدقیقه قریب شده میرود و از ینطرف صدای فیرهای مدافعه خیلی کم است. برای طوطاخیل هائیکه موجود و بیشتر مدار اعتبار

(۱) چنانچه بعد از فتح کابل و بدست افتادن اوراق و دفاتر سقو معلوم شد، که برای غوث الدین چند هزار روپیه بخشش، و منصب نائب سالاری در همان تاریخیکه جنگ جاری بود، از طرف بچه سقو داده شده بود.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 522 of 711

هستند کارطوس تقسیم شده برای گرفتن موضع فرستاده شدند. توپ
و ماشیندار هم در نقاط بلند روانه شد. ولی چون مدافعین خیلی کم بودند
اثری بخشیده نتوانست. و گوله های دشمن از بام قلعه که دران سپه سالار
صاحب اقامت دارند مرور میکرد. از قرائن و امارات معلوم شد که در زیر
پرده یک خیانتی است لذا جناب سپه سالار صاحب اسپ خود را
سوار شده از عمله هم هر که اسپ داشت بران سوار شده ازین قلعه بدر
شدند و بالعوض خواستند در قلعه های اخیر دبر استحکام بگیرند، بعد از
توقف چند دقیقه در قلعهٔ اخیر که دشمن پیش قدمی داشت و بسبب آتش
شدید توپ ماشیندار که از بلندی فیر میشد پیشرفت شان را عقیم گذاشت
در اینموقع که افکار بطرف جمع کردن لشکر متشتت بود وضعیت نا منتظر و خطرناکی از
جبههٔ راست از وسط دشت بیدک بروز کرد. و آن همینکه قوم تغرهای کوچی که خود را
بی طرف اعلان و معرفی کرده بودند و دران دشت رمه چرانی داشتند ناگهان
هیئتی را که در راس آن جناب سپه سالار صاحب رفتار داشتند زیر آتش
گرفتند در حالیکه مسافه هم بیش از یکنیم هزار قدم نبود ازین وضع متیقن گشت
که توطئهٔ مهمی روی کار شده است لزوماً با سرعت زیاد بطرف التمور حرکت شد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 523 of 711

تمام دشت التمور زیر آتش قوم تغرکه پیشتر موضع گرفته بودند طی شد .

فضل خدا بود و اگر بحساب هندسی باشد در هر تنه مخصوصاً کسانیکه سوار هستند بیش از پنجاه، یکصد گوله باید میرسید، ساعت (۷) تقریبی بحال مشتت در التمور و از آنجا از راه رستی میدان به سیجینک حرکت کرد . (۱)

در علت این شکست غیر از ساخته کاری غوث الدین سبب دیگر تقریباً ظاهر نبود . لشکر هم از میدان جنگ که مشتت و پاشان شده بودند بعد از آن دیده نشدند . بدون از عده شخصی که بالطبع خود را جز اینکه بمقامی که جناب سپه سالار صاحب بود برسانند دیگر جای نداشتند کسی دیگر درین دائره دیده نمیشد . و نیز خوانینیکه قلباً مخلص و دلبستگی داشتند خود را بآنجا رسانیدند . بگردیز برای جناب نائب سالار صاحب شاه ولیخان از وقایع اطلاع داده شد تا از حوادث مطلع بوده اجراآت خود را از روی وضعیت حالیه داشته باشند .

تسخیر خوشی و تخلیه آن از طرف سردار شاه محمود خان

امروز (۸) ثور با وجود اینکه از طرف التمور شکست شده باز هم یک حلقه امیدیکه مانده همانا مساعی سردار شاه محمود خان است زیرا سردار شاه محمود خان

(۱) سیجینک آبادی مختصری متصل میرزکه و بفاصله (۹) کروه گردیز است در سیجینک این توقف به قلعه محمد جانخان شده بود .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 525 of 711

آقای سردار احمدعلیخان خلف الصدق سردارمحمد سلیمانخان بن سردار محمد آصف خان عم معظم سردار سپه سالار که در اواخر عصر سراجیه بمنصب سر خان ـ اسپوری فائز بودند و در اوائل عصر امانی حیثیت مصاحبی خاص را داشتند ـ در سنهٔ ۱۳۰۰ به معیت جناب محمد نادر خان سپه سالار در هیئت ریاست تنظیمیهٔ قطغن و بدخشان قسمیکه در صحیفهٔ ۲۳۳ این کتاب مرقوم است شامل و در آنجا مصدر خدمات خوبی شدند ـ در موقع مسافرت سپه سالار صاحب بجانب فرانسه نیز شرف معیت اوشانرا داشتند ـ بعد از چندی وارد مرکز شدند ـ در سنهٔ ۱۳۰٤ جهة معالجهٔ سردار معظم جناب محمد یوسف خان با سردار محترم آقای شاه ولی خان عزیمت فرمای هند شدند بشرحیکه در صفحهٔ ٦۰٥ مرقوم است نعش آن مرحوم را از هند بافغانستان رسانیدند و در جوار مرقد مهترلام صاحبش مدفون نمودند سپس از آن بریاست تنظیمیهٔ غزنی مقرر شده این عهدهٔ مهم را بچنان امانت و دیانت انجام دادند که بار غزنی نظیر آن خدمتگذاری وهمدردی اوشان را کمتر خواهد دید ـــ

درموقع حدوث انقلاب بمعیت جناب سردار شاه محمود خان غازی از مرکز کابل حرکت ودرجنوبی خودرا بحضورجناب سردار سپه سالار غازی‌رسانیده حسب‌او امر وهدایات اوشان مظهر مجاهدات نمایانی در راه نجات‌وطن شدند ـــ مخصوصاً شرکت این سردار محترم باحضرت عالی سردار شاه محمود خان غازی در تمام خدماتی که در راه مملکت ازوشان ظاهر شده اند بیشتر است . در ایام اخیر بواسطه علالت شدیدی که بطبع شان عائد شده بود حسب الامر سپه سالار صاحب جهة معالجهٔ خود تشریف فرمای هندشده تحت پرستاری خسر محترم شان سردار محمد موسی خان نواسهٔ اعلیحضرت امیر شیرعلی خان مصروف معالجه خود شدند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 526 of 711

مجردیکه از خوست حرکت نمودند، در علاقهٔ جاجی داخل شده، نظر بوحدت قومی جاجی و نبودن فرقه ها و اقوام متعدد در جاجی زمینهٔ برای شان مساعدتر افتاد و در یک مدت کمی لشکرها را جمع کرده به علی خیل اماده و منتظر تعلیمات بودند. وقتیکه معرفهٔ جناب سپه سالار صاحب بطرف چرخ روان شد، برای شان اطلاع داده شده بود ولی از مسئلهٔ تعرض چون در نقشه حرکت نبود سکوت و برای آنها امر شروع جنگ نرفته بود در روز ۶ ثور وقتیکه جنگ در چرخ بود لازم دیده شد که سردار شاه محمود خان هم از طرف دوبندی تعرض نمایند درین مورد اطلاع فوری برای شان فرستاده شد. اما بدبختانه اطلاع مذکور دو روز بعد در شام ۸ ثور بعد از شکست و برو قیام سجینک برای شان رسید. که ایشان هم فوراً شروع به تعرض نمودند، چون پیشتر ترتیبات خود را با بعضی از خوانین و اقوام لوگر نموده بودند، باین سبب از ان حمله نتیجهٔ بهتری گرفته شد، یعنی خوشی را از عساکر سقوی گرفته بعض جبا خانه و ذخائر حربی را از آنجا بدست آوردند از ان جا از راه (برک) و سرخ آب به زرغون شهر حمله برده افواج سقوی را از ان جا نیز وادار به ترک موضع نموده، در نظر داشتند که در همان شب بر تنگی و اغجان حمله آورده و آنرا مرکز بگیرند. این را هم باید گفت، در تمام

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 527 of 711

این مجاهدات جناب جرنیل صاحب شاه محمود خان و آقای سردار احمد علیخان (۱) و لشکر شاساعت بسا انتظار رسیدن حمله لشکر جنوبی را داشتند، زیرا تا آنوقت از شکست لشکرهای تیره اطلاعی نداشتند در سبحینک امروز چنین تصویب شد که یک عده که قریب هزار نفر باشد بطور فوری برای معاونت جناب جرنیل صاحب فرستاده شود برای این مطلب یک اندازه جباخانه از گردیز خواسته شد و هم اطلاعیه ها برای اقوام نزدیک مانند احمدزائی، طوطاخیل منگل میرزکه فرستاده شد، خوانین و کشرها آمده فی قوم ۴۰۰ صد نفر قبولدار شدند این قبولی علاوه برانیکه فائده موقتی برای اقوام حاجی داشت. از یکطرف نشان میداد اگرچه ظاهراً اقوام از گرد و نواحی جناب سپه سالار صاحب مشتت و پراگنده شده اند. ولی قلباً این تشتت واقع نشده است زیرا درین دعوت اقوام برای رفتن جنگ حاجت بزحمت و دلیل و استدلال نشد بلکه بزودی حرکت را بطرف حاجی قبولدار شدند هیئت معیت نادری با اشتیاق زیاد منتظر خبرهای لشکر آقای شاه محمود خان هستند و باین سبب پوسته ها متوالیاً میرود ولی تا ۹ ثور خبر موثوق از ان طرف نرسیده است و در جمع کردن هزار نفریکه برای کمک فرستاده شدنی بود عجله زیاد روی کار است

(۱) سردار احمد علیخان در تمام آن مجاهدات ملیه و اجراآت و طنخواهانهٔ حضرتعالی سپه سالار غازی که در راه نجات وطن مصدر شده اند، مشارکت داشتند. مخصوصاً با جناب جنرال شاه محمود خان بحیثیت یاور و معاون در تمام مواقع شامل و بکمال فعالیت در همه جا بذل مجاهدت فرموده اند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 528 of 711

تقریباً تمام کارها معطل همین حلقهٔ آخرین یعنی جنگ آقای شاه محمود خان مانده است
موعد معین شد که امروز چیزی نفری که جمع شده است بطرف لوگر حرکت نمایند.
ساعت (۱۱) یکعدهٔ نفری از طوطا خیل و منگل میرزکه آمادهٔ حرکت شده ساعتی
بعد بطرف لوگر روانه شدند طرف عصر مکتوب پریروزهٔ جرنیل صاحب رسید جریان
جنگ و حرکت کردن شانرا بطرف زرغون شهر نشان میداد طبعاً این خبر با خوشی
زیاد تلقی شد، ولی این مکتوب بعنوان چرخ نوشته شده معلوم میشد که از شکست
دَبَر مطلع نبودند، چنانچه در مکتوب خود تاکید زیاد از ضرورت سرعت حمله نموده اند
و فی الواقع بامید حملهٔ لشکریکه از طرف تیره میآمد لشکر حاجی مخاطره را قبول نموده
خیلی پیشقدمی کرده بودند ندامت اقوام اینجا بحدی رسیده بود که مجرد دعوت کردن
همه انعقاد یک جرگهٔ عمومی را برای بحث کردن در وضعیت حاضر و کاریکه در آینده
باید کرد تعیین دادند. اما بر خلاف توقع و انتظار بساعت ۹ روز دهم ثور جناب جنرال
شاه محمود خان و سردار احمد علیخان با چندی از رفقای شان از راه مچلغو وارد سجینک
شدند، واقعاً این ملاقات غیر منتظر باید افکار را پریشان میساخت زیرا با
اینکه از طرف التمور شکست واقع شده بود ولی یک روزنهٔ امیدی
بطرف حاجی بود مگر بدبختانه آنهم گسیخت.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 529 of 711

علل پیش رفت و شکستِ مفرزهٔ جاجی

قبلاً در صحیفهٔ (۴۴۸) مرقوم است که چگونه جناب جرنیل صاحب محاربه را در حدود خوشی آغاز کردند و نیز اینهم تذکار یافت که موفقیت و پیش رفت لشکر ایشان خیلی زیاد بود. زیرا مجرد یکه شهر خوشی را فتح نمودند لشکر اینها که بجوش و مستی فاتحیت آمده بود عقب دشمن را گرفته و تا زرغون شهر هم رفتند.

ولی درین پیشرفت یک خسارهٔ دیگر از طرفِ عقب کشیده شد. و آن همینکه چون افواج سقوی که در پاتخواب و درویش هستند از دیگر طرفها مطمئن بودند بر شهر خوشی حمله آورده و آنرا به خیلی آسانی به تصرف خود آوردند. وقتیکه این خبر در بین لشکر منتشر شد. طبعاً باید اوضاع ایشان را پریشان میساخت؛ زیرا خوشی بیک حساب خط رجعت اعتبار میشود. لذا موضعات خود را یعنی میدان فتح شده را گذاشته برای تأمین خط رجعت خود برگشتند. جناب جرنیل صاحب وقتیکه وضعیت را مشاهده نمودند لاچار یک عدهٔ را که با خود داشتند خواستند که آنها را به استقامت وادار بسازند. اما وضعیت (که در حقیقت خطرناک شده بود) لشکر متباقی را مجبور به عقب گشتن ساخت.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 530 of 711

ازینجهه بود که جناب جرنیل صاحب مجبوراً از راه های خیلی خطرناک و پر زحمت که شاید همان یک شب را که دران رجعت گذشتانده اند از مهلک ترین و پر مشقت ترین شب های حیات شان بود رجعت نموده بغتتاً بدون انتظار به بجینک رسیدند.

عزم آهنین و قیام متین نادری

درحقیقت این وقائع اسفناک خاتمهٔ دورهٔ اول مجاهدات فداکارانهٔ منجی و نابغهٔ بزرگ وطن سردار سپه سالار صاحب بود، که باوجود اینهم میفرمودند «من ازچنین ناکامی های جزئی هیچ مأیوس نمیشوم تا بحدے ایستاده هستم که اگر احدی هم بدور من نماند باز هم تنها با یک تفنگ خود برای حصول راحت ملی و فراهم آوردن سعادت و نجات دادن وطن خواهم رفت.» و همین ثبات و اصرار محکم بوده برای منعقد شدن یک جرگهٔ عمومی دیگر جهه تجدید مساعی وطنخواهانه خود بهر طرف دعوت فرستادند.

(۱۱) ثور را اگر بعقائد عمومیه ملاحظه شود هر کدام میگوید شکست شد (یعنی بعد ازین هر کار خلاص شد). این سخن مردم است. اما عقیدهٔ سپه سالار

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 531 of 711

درینحال چنین است که میفرمایند ناکامی در نیل مطلوب دلیل ناامیدی نیست، البته نامعقول یا ضعیف بودن مطلبی که انسان برای آن مجاهده میکند دلیل ناامیدی شده میتواند، چون مطلب من صحیح و به خیر عموم و منفعت جامعه علاقه دارد من بانیطور شکست را اهمیت نمیدهم. و همه حال در راه حصول امنیت و رفاهیت این ملت که بهزاران مصاعب و زحمت گرفتارند صرف مجاهدت میکنم:

دست از طلب ندارم تا کام من براید
یا روح دهم بملت یا جان زتن براید

در هیئت همرکابی دو فکر نقیض است یکی خوش بین هستند و میگویند اگرچه این شکست تشتت و پراگندگی اقوام را نتیجه داده است ولی باز علامات امیدواری درین موجود است. و احتمال کلی دارد که اگر دوباره تجدید عمل و سعی شود نتیجه بهتری بدست آید.

عدهٔ دیگری بدبین بوده، نتائج این شکست را بحدی وخیم تخمین میکنند که هیچ ممکن نیست بعد ازین سمت جنوبی لشکری جمع شده و برای مقاومت با محاربهٔ سقوی برود.

سردار سپه سالار که قناعت کامل بامکان موفقیت در آینده داشتند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 532 of 711

وقتیکه این مباحثه را درین هیئت دراز یافتند فیصلهٔ موضوع را برای شب گذاشتند تا تمام هیئت که عدهٔ اکثر آن عبارت از خوانین و روشناسان جنوبی میباشند مجموع شده دران اظهار افکار کنند.

ساعت (۷) شام قبل از نان مجلس منعقد گردیده و همین موضوع مطرح مذاکره شد که آیا بعد از وقوع این شکست صورت دارد یک جمع آوری عمومی برای بار دوم کرده شود یا نه؟ مذاکره خیلی طول نکشید زیرا سپه سالار برای فریقیکه امیدوار موفقیت نبود دلائل و براهین که مایوسیت آنها را دور گردانید نموده فرمودند: برای فیصلهٔ مطالبیکه بجماعه ها تعلق داشته میباشد تنها دیدن ظواهر کفایت نمیکند؛ در وضعیت روحی امروزهٔ اقوام تا جائیکه تعمق کردم برای من خیلی دلائل امیدواری در آینده پیدا شد. چنانچه در جرگهٔ آینده که دعوت به انعقاد آن نموده ام امکان موفقیت در تجدید عمل برایتان ثابت خواهد شد. و همین صورت در افرادیکه شامل این هیئت هستند و بعض شان مایوس شده است دوباره حس امید دمیده و همه منتظر انعقاد جرگه باشند

ورود جرگه قومی بحضور سپه سالار غازی

۱۲-الی ۲۲ ثور: خوانین و نمایندهای اقوام که درین ده روز آمده میرفتند امروز اکثریهٔ شان جمع آمدند. و برای فردا موعد مذاکرهٔ عمومی با ایشان قرار داده شد

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 533 of 711

صبح رسید و مجلس منعقد شد. موضوع هم که تجدید حرکت و جمع آوری برای قمع کردن بچه سقو است مطرح مذاکره شد. تا دو ساعت دوام کرد ولی نتیجه بدست نیامد. دلیل و استدلال از هر طرف پیش میشد که همهٔ این مباحثات نه قبول کردن است و نه رد کردن.

در تمام این مدت سپه سالار صاحب سعی دارند که بواسطهٔ مذاکرات مشتت و پراگندهٔ این محفل بزرگ محوری پیدا کنند. بالآخره بعد از دوام داد و گرفت افکار و مذاکرات موضوع بحث اساس گرفته نمایندها این جواب را دادند «چون مراد از جمع کردن جماعهٔ بزرگ اهالی برای رفتن بطرف کابل است لذا جواب حقیقی را نمایندها داده نمیتوانیم تا زمانیکه فکر خود اهالی را ندانیم.»

درینجا سپه سالار صاحب با مهارت و قوهٔ منطقی خیلی موثری مظالم بچه سقو را ترسیم نموده برای حضار قناعت کلی در اضرار خانه جنگی و خامت دوام سقویها پیدا کردند. و واقعاً توجه شان باین مطلب اثر خیلی خوبی هم داشت زیرا طبعاً بقدریکه این نمایندها در مطلب متأثر و فهمیده باشند همانقدر مطلب را بدیگران فهمانده آنها را متأثر ساخته میتوانند. بعد از ختم این بیانات جمعیت با جوش تمام تعهد کردند که بنام نجات وطن سعی خواهند کرد که اقوام خود را بهر نوعیکه باشد وادار بجمع آوری نمایند. و باهمین جوش مجلس منحل شده و هر یک بطرف قوم خود برای آوردن جواب اخیر رفت.

—x—

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 534 of 711

اثرات این جرگه و تشبثات سقائیه در جنوبی

۲۳ ثور: در چهره‌ها نوعاً آثار امیدواری دیده میشود زیرا این جرگه دیروز که اولین تهداب حلقهٔ دوم است اگرچه نتیجهٔ کامل را نداده است ولی باز هم بی نتیجهٔ قطعی نماند.

به حضرت صاحب نور المشایخ در مسئلت از وضعیت اخیر اطلاع و دعوت داده شد که در توحید افکار اقوام کار فرمایند. اطلاع رسید که محمد صدیق فرقه مشر که در جنگ چرخ موقع را مغتنم دیده بطرف کابل گریخته بود از طرف بچهٔ سقو رتبهٔ رئیس تنظیمیهٔ جنوبی و نائب سالاری گرفته با یک خزانهٔ وافر و عسکر منتظم به لوگر آمده و در درویش مرکز گرفته است.

خبر دیگر رسید که فقیر محمد نام احمدزائی در حدود میلن که بفاصلهٔ ۷ کروه بجنگ است رسیده و بمفاد بچهٔ سقو تبلیغات مینماید و ضمناً چند نفر را توانست که نزد محمد صدیق بدرویش بفرستد ولی آمدن او از نیطرف هیچ اعتنا داده نشد زیرا عقیده مندی و احترام اقوام به سپه سالار محبوب شان بحدی بود که ازین چنین اقدامات جای اندیشه نبود.

۲۴ ثور: زلمی خان مشهور منگل با چند خوانین دیگر آمده و با نفرت تمام مکاتیب محمد صدیق فرقه مشر را که برایشان رسیده بود کشیده نشان داد، بعد از خواندن این خطوط از هر طرف اوضاع تعجب و تاسف ظاهر شد. مضمون بی اساس و مزخرف بود. و از طرف دیگر جای خیلی تاسف بود شخصیکه بنام اصیل زادگی شهرت داشت محض بلحاظ مقام

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 535 of 711

و رتبه تا این درجه سفالت و سفاهت و گردن بستگی برای سقوی میکرد.

سقوزاده سپه سالار صاحب را باطاعت خود دعوت میکند

۲۵، طرف عصر مولوی عبداللطیف نام از مهاجرین کوهاتی که از دیر سال ها در افغانستان بنام هجرت سکونت داشت بطور نمایندگی از طرف سقوزاده رسید، پیام مخصوصی باخود آورد و ساعتی بعد اطاق تخلیه و نامبرده بحضور سپه سالار مشرف، چند دقیقه بعد بیرون آمده با تبختر تمامی قدم زدن گرفت، از وضعیت و چنین استنباط میشد که انتظار میرود که پیغام مخصوص او شاید مقام خوبی یافته سپه سالار صاحب هم در عین اینکه آنرا مکتوم میماند ساعتی بعد جوابش را خواهند فرمود. ولی از شام یکساعت نگذشته بود که اغلب همکاران سردار سپه سالار پیغام پوشیده و مخصوص او را فهمیده هر کدام باندازه مشاعر خود از آن پیغام میخندید، چه مجرد یکه این نماینده سقوبچه از حضور سپه سالار صاحب منصرف شد اعضای هیئت به حضور شان جمع آمده ایشانرا در یک حالت تأثر خیلی باوقت که دهشت و عزت نفس از ثنایای آن هویدا بود یافتند، چند دقیقه نگذشت که تبسمی فرموده گفتند برایتان پیغام بچه سقو را نقل میکنیم هر کدام باشتیاق فوق العاده منتظر شنیدن این پیغام بود سردار سپه سالار این را فرموده از پهلوی خود کاغذی برداشته بیک نفر دادند که آنرا باواز بلند قرائت کند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 536 of 711

کاغذچهٔ سقو بنام نامی محمد نادر خان غازی

اختصارش همین است که بچهٔ سقو سردار را بآمدن کابل و صرف نظر کردن از محاربه بمقابل اینکه او حاضر خواهد بود هرچه ایشان بفرمایند همیشه زیر فکر و ارادهٔ شان کار کند و وعده های رنگ رنگ درین مکتوب با پیغام خود فرستاده که در جملهٔ آنها یکی مسترد کردن املاک و آزاد ساختن افراد خاندان شان است . اینجا اسباب تأثر خیلی عمیق و باز تبسم ایشان در اثنای همان تأثر رقت آور معلوم گردید ! اهل مجلس هم هر کدام بنوبت خود تأسف و تأثر برچنین حالتیکه روزگار برای سقو بچه جرأت نوشتن اینچنین پیغام را داده است اظهار نمودند ، ولی هر کدام هرچند متأثر می شد باز هم از تبسم کردن خودداری نمی توانست ، چه این کم عقل رذیل بیچاره و یا استادش که او را بنوشتن این پیغام وادار نموده هیچ این را تصور نیاورده یک فردیکه عزیزترین اشیا را در راه خیر وطن و سعادت جامعه ایثار میکند بچنین پیغام هیچ یک سرکردهٔ ظلام که ملت و مملکت از وجود سراپا مضرتش هزاران مصائب و آلام واصل شده و پیشوا از ان نظریهٔ خود چگونه خواهد گذشت . چون سپه‌سالار صاحب از ین تبسم حاضرین خاطره های شانرا فهمیدند گفتند هرگاه جنبهٔ مضحک این بیان تحریری بچهٔ سقو باعث خندیدن شما شده باشد پس پیغام شفاهی او را که از همه مضحکتر است برایتان نقل میکنم و آن همینکه بچهٔ سقو نمایندهٔ خود را گفته که بمن بگوید : او حاضر است که بعد از رسیدن بکابل مسئلهٔ سلطنت را

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 537 of 711

بین من و خودش به (پشک) انداختن فیصله نماید - و در صورت عدم قبول این شرط همه خاندانش را از تیغ میکشد

جوابیهٔ سپه سالار صاحب به بچهٔ سقو

به صبح ۲۶ ثور، سردار سپه سالار جوابی باین مفاد بسقوزاده بقلم خود نوشتند:

«تهور نشان حبیب الله بچهٔ سقو! پیغام ترا گرفتم از آن معلوم شد که اطرافیان تو قطعیاً ترا از نظریه و مفکورهٔ من آگاه نساخته اند آرزوی یگانهٔ من رفع پریشانی و تشتت مملکت است که در نتیجهٔ منحل شدن حکومت برای آن پیش آمده است بزرگترین آرزو و مدعای من نشر شدن امنیت میباشد باین نظریهٔ من هر که موافق باشد اگرچه خودت هم باشی او را حزب و جزو خود میشمارم ولی بالعکس تو همان پیغام مرا که با موافقت عموم اقوام جنوبی و مشرقی فرستاده بودم قبول نکردی حال هم اگر با من مفاهمه داری تنها بیک شرط خواهد بود که در پیدا کردن امنیت و استقرار سلطنت صحیح همفکر شوی که ذریعهٔ اولین آن گذشتن تو از سلطنت طلبیست زیرا که نه تو لائق آن هستی او نه ملت بتو راضی است! بنابران تا دقیقهٔ اخیر با تو مقاومت میکنیم پس اگر میخواهی ذریعهٔ بربادی این مملکت باشی این پیغام مکرر مرا خواهی شنید. غیر ازین با تو مفاهمه ندارم. در این نزدیکیها جرگهٔ عمومی اقوام منعقد شده نیست البته هر چه رضامندی اقوام باشد و درین جرگه فیصله شده نیست نتیجهٔ آنرا برای تو اطلاع میدهم. در باب پیغام تو که راجع بشخص من بود است اینقدر مینویسم که من همهٔ افراد خاندان خود را بخدای عظیم و قادر سپرده خود و همهٔ آنها را

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 538 of 711

فداوند رانیت و دفع بلای تشتت و پارچگی این ملت قرار داده ام حال هم از این نذر و قربانی نادم نشده دست دعا و نیاز را بقبولی آن بدرگاه خالق عظیم مسئلت و تمنا دارم - در خاتمه برای تو و همدستان تو هدایت میخواهم . (محمد نادر خیرخواه و خیراندیش ملت)

الحق فرستادن این جواب برای سقوزاده حلقهٔ خیال و تصوری را که از فرستادن این پیغام بدل گرفته بود میگسلاند زیرا غالباً فکر او از این پیغام همین بود که چون در چند روز قبل جمع آوری که در این سمت پیدا شده بود در جنگ چرخ شتت شده است لذا قبل از اینکه تجمع دگری پیدا شود این پیغام را فرستاد ، ولی از این اصرار سپه سالار صاحب در دوام دادن مجاهدهٔ شان ، سقوزاده دانست که در این فکر یا آرزوی خودش تا کدام اندازه بخطا رفته بود .

۲۶ ثور صبح نمایندهٔ سقو با جوابیکه پیشتر تحریر یافت با یک بدرقهٔ محافظ بطرف کابل حرکت نمود

چون سپه سالار صاحب در تمام این مجاهدات خودشان حرکت علنی را یعنی هرچه میشود باید باتفاق و اطلاع اقوام باشد اساس پروگرام خود قرار داده اند ؛ لذا این پیغام سقو را با جوابیکه از طرف خود داده اند برای خوانین و دیگر اقوام که لازم بود اطلاع دادند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 539 of 711

آماده گی قوای قومی برای ازالهٔ مظالم سفوی
عزم وثبات در برابر مشکلات

۲۷ و ۲۸ ثور: خوشی زیاد در هیئت دیده میشود، زیرا عدهٔ بسیاری از نمایندهٔ های که برای آوردن جواب قومهای خود در باب قبولی یا نا قبولی تجدید حرکت رفته بودند آمده و در اطاق سپه سالار صاحب عموماً مجموع و هر کدام بنوبت جواب قوم خود را با یک لهجه و ذوق جداگانه بیان میدهند و تجدید جمع آوری و دوام مجاهدت شان را برای ازالهٔ فجائع حاضره (که مسبب آن جمعیت دزدان است) باتفاق آرا قبول نموده اند، اما اختلافیکه بود در باب موعد است یعنی بعضها موعد جمع آوری را روز سوم عید یعنی بعد از چهار روز قرار داده اند یک عدهٔ دیگر موعد را برای بیست روز بعد گذاشته بود.

زیرا موسم کشت آنها رسیده بود که این عذر ایشان تا یک اندازهٔ بجا بوده است زیرا اشکالات زراعتی درین سمت کوهستانی معلوم است که زیاد میباشد، و اگر از موسم خود اندک ناغه شود یقین است که خطر قحطی آنها را تهدید خواهد کرد، لذا در بین این نمایندها راجع به تعیین موعد، مباحثه طول کشید، آنهائیکه حاضر هستند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 540 of 711

سرعت را میخواستند، اما فریق دیگر عذر خود را توضیح میداد، بالآخر چنین قرار داده شد که مجرّد تمام شدن کشت باید عموم اقوام در سجینک آمده از اینجا بطرف لوگر حرکت شود.

گویا اگرچه کار قدری تعویق افتاد، اما باز هم یک موضوع مهم فیصله شد و معلوم گردید که اقوام در تجدید حرکت آماده و مستعد هستند، ولی این را هم باید گفت که اینچنین تعویقاتیکه در پیشرفت کارهای سپهسالار پیش میشود، در حقیقت نتیجهٔ نبودن پول کافی است و اگر میبود طبعاً تلافی اینچنین عذر اهالی را کرده میتوانست.

بهرحال جرگه براین منحل شد که مجرد تمام شدن کشت باید عموم اقوام در سجینک آمده از اینجا قرار نقشهٔ که وضع شود بطرف لوگر حرکت نمایند.

طرف عصر جناب جرنیل صاحب شاه محمود خان از جاجی آمدند تا فیصلهٔ اخیر این سمت را فهمیده پروگرام خود را که متعلق به لشکر جاجی است از روی آن وضع نمایند زیرا لشکرهای اقوام جاجی آماده شده و منتظر امر حرکت بودند.

۲۹ ثور: امروز اول عید اضحی است، صبح مراسم مذهبی بجا آورده شد جوقه های اقوام برای عرض تبریک آمده میرفتند، در وسط هر جماعه جوانهائیکه رشیدتر هستند، دائرهٔ آتنی تشکیل داده اند، و با سرودن غزلهای ملی هر طرف آتن و جوش و

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 541 of 711

دائر بود، واقعاً اگر حواس را فجائع حاضرهٔ مملکت افسرده نمیساخت، این عید از پرجوش ترین اعیادی بود، که درین سمت پیش آمده است.

روز دوم و سوم عید بهمین منوال گذشت، و آقای جرنیل صاحب در روز سوم واپس بطرف جاجی حرکت نمودند.

باز پیغام سقوزاده

ده روز از رفتن نمایندهٔ بچهٔ سقو گذشت، باز امروز شنیده میشود که در گردیز نمایندهٔ سقوزاده رسیده، فردا به بتجینک خواهد رسید، ولی درین دفعه بچهٔ سقو، با این پیغام خود واسطه را برای قبول شدن پیش کرده و آقای علی شاه خان (۱) را فرستاده است، نمایندهٔ سقوی درین دفعه هم همان مولوی عبداللطیف کوهاتی بود.

موضوع پیغام عیناً مانند سابق بود تنها این قدر فرق داشت که در دفعهٔ گذشته لهجهٔ دعوت را داشت اما درین دفعه سقوزاده خواهش و تمنا کرده بود، که

(۱) آقای علیشاه خان غنده شیر یکی جوان صاحب تعلیم و تربیه جدی نواسهٔ عم معظم سپه سالار است با آقای اسدالله خان پسر اعلیحضرت امیر شهید همشیرزادهٔ سپه سالار که از حیث اخلاق و تعلیم یک جوان دانشمند میباشند، و دگر افراد خاندانی شان در کابل محبوس و شدیداً تحت نظارت ظلام سقوی بودند، در موقع وصول جوابیهٔ نخستین سپه سالار بچهٔ سقو او را از بندیخانه کشیده بقسم الهی و قاصد به نزد مامایش (سپه سالار) فرستاد، تا او شان از دیدن وضع جگرخراش او متأثر شده احوال دگر افراد خاندانی خود را بر وجود زار و زبون او قیاس کند، و حتماً در برابر آن مطالب بچهٔ سقو تمکین کرده، لااقل جهت استخلاص آل و عشیرهٔ خود از آن بلیه از راه موافقت پیش آیند ولی بنا بر عزم و طنخواهانه و ارادهٔ ملت پرورانهٔ این سپه سالار فرزانه را که در مقابل راحت و سعادت ملت خود جان، مال، عیال، اطفال عموم خاندان خود را تهدیه کرد، و علاقشان را (که محمد نادر) در مقابل خیر ملت و مملکت از دنیا و مافیها قطع تعلق میورزد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 542 of 711

سردار سپه سالار آمدن کابل را بپذیرند، تا بهر کاریکه خواسته باشند، مقرر شوند، ولی در حقیقت این پیغام، از پیغام اولش مضحک تر بود، زیرا این بدبخت ازین غافل بود که مطالب ملی بعذر و زاری فروخته نمیشود، چنانچه درین دعوتنامه خیلی باغهای سبز و سرخ را به جناب سپه سالار نشان داده، بزبان آقای علیشاه خان غند مشر پیام فرستاده بود، که بچه سقو باز همان دعوتش را تجدید و عهد میکند که در موقع ورود سپه سالار بکابل بکمال اعزاز و احترام از اوشان پذیرائی و بکاریکه بلند تر ازان نباشد سپه سالار را مقرر میدارد، اگر با آمدن کابل راضی نباشند، پس بچه سقو را بحالش بگذارند، زیرا که وی در بدل این مراعات شان نه تنها آل و عیال اوشان را که محبوس اند رها و بکمال اعزاز و احترام بهر نقطه که معین فرمایند، میرساند، بلکه برای مصارف و لوازم سفری شان یک مبلغ گزافی را نقدهم تقدیم میکند، علاوتاً بهر کاریکه در خارج خواسته باشند بعد از دفع انقلاب داخلی و قبول شدن بچه سقو نزد دول خارجی اوشانرا مقرر و حاصلات ملک های شانرا هم قسط به قسط برای شان میفرستند، درصورت نکول از قبول این دو شرائط البته که تمام آل و عشیره و افراد خاندانی شانرا که (٦١) نفر اند با نواع مصیبت و زحمت خواهد کشت.

سپه سالار بجای اینکه از دیدن احوال زار و زبون آقای علیشاه خان و از تکلیف

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 543 of 711

و مصیبت دگر افراد خاندان خود متأثر و متردد میشد و یا بوعده و تطمیع آن مخرب وطن مانند دگرها فریب میخورد، درین مراتبه باز از همان خشونت مقدس خود کار گرفت و ازین تطمیع و وعده و عذر ولابه سقوزاده ابرو خم نکرد.

ناظرین محترم این ایثار و فدویت و حس وطنخواهی آن خاندان مظلوم نادر را که تحت شکنجهٔ مظالم سقویه بودند نیز ملاحظه فرمایند که آنها توسط آقای علیشاه خان بحضور سپه سالار صاحب عرض و تمنا کرده بودند که شما باین تهدیدات بچهٔ سقو اعتنا ندهید، زیرا همهٔ ما حیات خود ها را بالمقابل این کامیابی شما در راه نجات افغانستان ازین گرداب رنج و عنا نذر و فدا میکنیم.

۵ جوزا صبح یک عدهٔ خوانین و روشناسان جنوبی جهة اطلاع گرفتن از پیام بچهٔ سقو بحضور سپه سالار مشرف شدند، آقای علیشاه خان در حضور همهٔ آنها در حالیکه نمایندهٔ بچهٔ سقو هم نشسته بود، بیان رقت آوری از حال سلطنت و عمومیات اداره و دیگر بینظمی ها و فلاکت هائیکه از تسلط سقویان بملت و وطن پیش شده و میشود اظهار نمودند، این اظهارات شان، باندازهٔ صراحت داشت که در وقت شب این مذاکره، درین آمد که نباید دیگر آقای علی شاه خان در کابل برود، تا مبادا نمایندهٔ بچهٔ سقو او را ازین ماجرا مطلع ساخته اسباب اذیت

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 544 of 711

آقای سردار علیشاه خان بن سردار محمدسلیمان خان بن سردار محمد آصفخان عم معظم سردار سپه‌سالار صاحب‌اند که‌درمکتب فنون حربیهٔ کابل تحصیل فرموده اند ودرائر لیاقت وفعالیت ازتولیمشری باهلیت و کفایت طی مراتب بلند کرده ازسنهٔ ۱۳۰۲تا۱۳۰۳ درقطعات‌مرکزی کابل اظهار رشادت کرده‌اند ـ درمحاربهٔ ۱۳۰۳ بحیثیت قائد غند درجنوبی ، مخصوصاً در میدانغوله مصدر چنان شجاعت نظامی شده اند که تفصیلات آن وقتاً فوقتاً دراخبار « حقیقت »کابل‌ودگرجرائدوطنی مرقوم است ، درصلهٔ آن ازطرف حکومت به‌نشان استور ومنصب غند مشری‌اول وکفیل قرارگاه عساکر پیادهٔ کابل در سنهٔ ۱۳۰٤ فائز شده ازسنهٔ۱۳۰۵ تا سنهٔ ۱۳۰۷ دراعضای درجهٔ اول ریاست محاکمات قول اردوی مرکزی شامل بودند ، درموقع انقلاب چون سرپرستی تمام عائله ودودمان نادری باوشان‌مفوض شده بود درکابل ماندند ، بعد ازآغاز مجاهدات نادری درسمت‌جنوبی سردارعلیشاه خان وسردار اسدالله خان وسردار محمد نعیم خان وسردار غلام محمد خان‌ودگرافراد خاندانی شان درمحبس سقوی افتادند ـ عموم افراد این فامیل جلیل‌مخصوصاً سردار علیشاه خان آن ایام مصائب التیام محبس‌را بکمال صبرواستقامت ومتانت‌میگذرانیدند تااینکه سقوزاده آقای سردار علیشاه خان را بحیث قاصد بشر حبکه ازصحیفه ٤٦٣ تا ٤٦٦ مرقوم است درجنوبی به حضور سپه سالار غازی فرستاد بعد ازآوردن وشنوانیدن جواب دندان‌شکن نادری به‌بچهٔ‌سقو ، تکرار این جوان‌شجاعتمدار باعموم‌خاندان نادری گرفتار شکنجهٔ‌عذاب‌سقوی شدند ـ درایام عموم مجاهدین بر مرکز ذوات فوق الذکر باتمام فامیل شان ازمحبس مخصوصیکه برای آنها درباغ علیمردان مقرربودبه‌ارگ برده‌شده‌محبس شان در وسط همان نقطهٔ که شدیداً زیرآتش مجاهدین بوده تعیین گردید ولی ازلطف وکرم الهی به شرحیکه ازصحیفهٔ (٥٦٠) تا (٥٦٨) مرقوم است از آن زندان وآتش‌سوزان نه تنها اوشان بلکه عموم افراد خاندان شان نجات یافتند .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 546 of 711

برای شان بشود، چنانچه این مفکورهٔ عدم معاودت شان بکابل از طرف بعضی نفری برای آنها گفته هم شد مگر علی شاه خان این نظریه را برای خود بسیار شرم آور پنداشته فرمود، در صورت واپس نرفتنم، سقوزاده خواهد گفت که علیشاه خان خود را در ضمن پیام رسانی خلاص نموده، جواب من را نیاورد، حال آنکه (۶۱) نفر دیگر ما بدست اوست، من گاهی این ننگ را قبول نخواهم کرد، که مردم بگویند علی شاه خان موقع را غنیمت شمرده جان خود را خلاص کرده دیگر هیئت خاندانی خود را که با او در یک محبس افتاده بودند گذاشت، چنانچه علی الصباح ۶ جوزا آقای علیشاه خان برای حرکت کابل حاضر و در نموقع وداع که خیلی رقت آور و هیجان خیز بود، سپه سالار، علی شاه خان را مخاطبه کنان فرمود که بتمام خاندانی مظلوم و محبوس من سلامم را برسان و این نکته را خاطر نشان اوشان بکن، که محمد نادر ازین پیام با شرفانهٔ شما متشکر شده، برای شما صبر و اجر میطلبد و میگوید، که برای نجات وطن نه تنها شما را بلکه خودم را با هر سه برادرانم جهة قربانی تقدیم میکنم، خدا حافظ افغانستان و حامی ملت و ناصر شما جماعهٔ مظلومان باد

جواب ثانوی نادری: جوابی را که نمایندهٔ بچهٔ سقو باز از طرف سپه سالار با خود برد عیناً مانند جواب اول بود، که مطالب عمده و قابل تذکار این جواب ثانوی قرار آتی است:-

"حبیب الله خان باید یقین کند که من برای قیام امنیت و تحکیم رشتهٔ وحدت و اخوت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 547 of 711

در تمام طبقات ملت و بالا بودن بیرق مقدس افغانستان در تمام پایتخت های دول معظمه دنیا مجبورم که از مساعیات بشری خود کوتاهی نکنم و جهة حصول این مقصد مقدس از وقت حرکت خویش از پاریس جان و مال و آل و عیال و تمام افراد خاندان خود را وقف کرده ام اگر تو در امر وحدت ملی و استقرار یک سلطنت صحیح بر طبق آرای عمومی و رفع خانه جنگی حاضره که بنیان سلامت وطن را به تزلزل آورده است موافق من باشی همانا که بلای این نفاق و خانه جنگی فوری از وطن مرفوع میگردد، و اگر تو درین وضع خود که موجب هزاران فلاکت و مصیبت در تمام طبقات ملت شده و میشود و هر لحظهٔ افغانستان را بوادی عدم میکشاند اصرار نمائی البته که من هم تا آخرین لحهٔ حیات خودم با تو پیکار خواهم کرد و ابداً ازین قوت و قدرت ظاهری تو نخواهم اندیشید، و این سر دادن خویش و قربان نمودن خاندانی خود را برای راحت و سعادت ملیونها افراد خاندان های افغانستان بخوشی زیاد متقبل و نائل شدن این مقصد مقدس را فخر ابدی خود خواهم شمرد و دائماً مصدر اعمالی خواهم شد که بر طبق حسیات ملی و شرف عسکری من باشد.»

اثر ناگوار سقوط قندهار

درین اثنا که سپه سالار صاحب انتظار گذشتن موسم دو و رفع حاصلات اراضی را که عموم اهالی آن مصروف اند میکشیدند، و در رفع غلط فهمی و القاء وحدت ملی و گذاشتن نقشه های اساسی تأسیس ذرائع خبر رسانی مخصوصاً

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 548 of 711

بکابل و مشرقی مصروفیت داشتند، ناگهان بدگر اشکال و حوادثیکه در اثر حکومت ثانوی و فرار مخفیانهٔ امان الله خان از افغانستان (۱) واقع شده است برخوردند، و هم از شنیدن خبر قتل محمد ابراهیم خان نائب الحکومه و عبدالرحمن خان قوماندان نظامی و بعض مأمورین دیگر هرات، و پادشاهی مکرر علی احمد خان والی، با دستگیری او (۲) و استیلا نمودن سقویها بر نقاط مهم افغانستان خیلی متأثر شدند، زیرا که هر واحد این اطلاعات نه تنها در موفقیت و شوکت اهل سرقت خدمت بلکه حس نفرت ملت را بر ضد عموم مسئولین حکومت سابق می افزود و هم در راه موفقیت حزب نادری که بکمال شجاعت داخل میدان فداکاری میباشند، موانع بسیار را عائد میکرد، چنانچه بچه سقو بمجردیکه از هر طرف بموفقیت خود نائل و تنها در راه پیشرفت خود مجاهدات نادری را حائل دید، تمام قوتش را در ازالهٔ مساعی سپه سالار غازی و اسقاط مرکز جنوبی توجیه نمود.

(۱) اجمال این وقائع مهمه بعد مضامین صفحهٔ (۳۳۸) اینکه، شاه مخلوع با قوای مکفی در اوائل حمل جهة اعادهٔ تاج و تخت عازم کابل شد، در عرض راه حملهای شدید اقوام را دفاع کنان بسیار زحمت خود را تا غزنی رساند در اثر جنگ چند ساعته بواسطهٔ مخالفت جدی اقوام قبائل افغانی و سقویها در شب ۶ ثور بصورت مخفی در حالیکه اردوی او از هر طرف معروض حملهای شدید ملت در تمام عرض راه بود، فرار و چندی در مقر قرار گرفت، در اثر مهاجمهٔ مدهش مردم و تعقیب سقویها بصورت جنگ و گریز به قلات رسید، ولی در انجام بر علاوهٔ عقب گیری سقویها با انواع مجادلات افغانها مبتلا و در اردوی خود انواع تشتت افکار را پیدا دید.

(۲) وقتیکه شاه مخلوع بعلم الیقین خود را مغلوب و عامهٔ ملت را بر خلاف خود قائم و غالب یافت، در پی تخلیص خویش با سائر خاندانی خود افتاده به بهانهٔ تنظیم مرکز قندهار فرار و علی احمد خان والی را عوضش بکار گماشت، علی احمد خان تا دیروز بجرم آن اعلان پادشاهی خود که در مشرقی کرده بود و بمظنهٔ طرفداری از حکومت امانی در شاهی خود ناکام و از راه پشاور به قندهار وارد و در انجا زیر مراقبت بود، درین موقعیکه کار از کار گذشته است، قوماندان عمومی محاذ حرب کلات مقرر گشت، ولی بواسطهٔ فرار شاه و بدنظمی در سپاه و معاندت قوم ها ناکام مانده بقندهار می آید و ثانیاً شاهی خود را اعلان میکند، و پس از دو سه روزی به شکنجهٔ عذاب دزدها در موقعیکه به قندهار استیلا می یابند دچار میشود.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 549 of 711

تهیهٔ حملهٔ دهشت انگیز سقویها بر گردیز

باوجود عائد شدن این موانعی که ذکرش بطوالت می انجامد، سپه سالار صاحب بعد از اعطای جوابهای دندان شکن یاس آور در جواب مکاتیب و پیامهای بچهٔ سقو مجاهداتِ اساسیِ شانرا در راه آن اقداماتِ عالی خویش آغاز کردند که در نتیجهٔ آن ملک مسعود و ملت خوشنود شود، وقتیکه سقویها از این نظریات و عملیات نادری مطلع گشتند، لامحاله در صدد باز داشتن او شان ازین ارادت حسنهٔ شان بذریعهٔ قوهٔ جبریه شروع به تهیهٔ پیشقدمی نموده بنای حملهٔ بزرگی را بر مرکز جنوبی نهادند.

وضعیت عمومی قبل ازین حمله :-

کسانیکه باصول سوقیاتِ ملی آشنا باشند، این را بهتر میدانند، که جمع شدن یا تصمیم و اقدام کردن یک ملت یا جماعه بر یک شورش و هجوم یا امثال آن غالباً بسته به پیدا شدن اسباب و وقائع هیجان بخش میباشد، که از ابتدا تا الحال ازین قبیل حوادثیکه احساسات هیجان و تنفر را در جنوبی بر علیه سقوزاده برانگیخته دو حادثهٔ مهم میباشد.

اول داخل شدن جناب سپه سالار صاحب در جنوبی و ملتفت ساختن مردم را به نتائج و معائب و وخامت های سلطنت سقوزاده بود، چنانچه این تبلیغات و باز

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 550 of 711

اندازه اعتماد این مردم بنظریات و افکار ایشان قضیه را بحدی رسانیده بود که اقوام جمع شده و حملهٔ گذشته را برلوگر بردند و بدبختانه دران قراریکه در صفحهٔ (۴۴۵) بیان یافت شکست واقع شد که همین شکست دومین باعث هیجان احساسات اقوام جنوبی قرار داده میشود، چنانکه همگی در سقوط دادن بچهٔ سقو و گرفتن انتقام از او جدی و مضاعف از پیش میباشند، و در عین زمان سپه سالار در عملیات خویش اداره کردن این جوش و خروش را یک محور قرار داده اند و نمیگذارند با وجود عوائق تأخیریکه پیش آمده است، این تأثر و جذبات کم شود.

با وجود این وضع استعداد و آمادگی حتی، چیزیکه قضیه را بتعویق انداخته همانا مسئلهٔ پیش آمدن موسم کشت و درو است و بهمین واسطه ممکن نبود که فوراً ازین شور و هیجان موجوده استفاده نموده قضیه را بیک حملهٔ مرتب و بزرگتر دیگر فیصله کنند یا اقلاً برای حمله و مدافعه ترتیباتی بگیرند، اما دشمن در این بین مشغول کار بود، و محمد صدیق فرقه مشر که در درویش با یک عده عسکر و جباخانه و خزانهٔ وافر تمرکز داشت شبانروزی از همچگونه اقدامات تبلیغ و بخشش و فرستادن فرامین و عده ها بخوانین جنوبی کوتاهی نکرده در ظرف این مدتیکه در درویش افتاده است موفق شده توانست که بعضی ریشه دوانیها در بین اقوام جنوبی بنماید، همینکه بچهٔ سقو خود را از طرف قندهار کاملاً مطمئن

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 551 of 711

وازطرف مزار و اقدامات غلام نبی خان خاطرش مجموع شد(۱) برای تسخیر جنوبی و عقیم گذاشتن مجاهدات نادری این حمله را تهیه و تمام مجهوداتش را در موفقیت این حمله صرف نمود.

این حمله اگرچه از حیث استعدادات حربی تماماً مهیا بود، ولی اساساً بر نقشه صحیحی گذاشته نشده بود زیرا هر که بجای سقوزاده یا محمد صدیق فرقه مشیر میبود هیچگاه بچنین اقدام بی تهور فیصله نمیداد چه مسلم است که در این حمله شکست و تباهی مطلق عساکر سقو متحتم بود.

اگرچه سقوزاده (غالباً بمهارت استادان خود) رولهای عجیب محاربه سوقیات را در صحنهٔ وطن بازیده است اما غالباً یک اساس بزرگ سوقیات او قمار بازی بود در این بین هر چند مردم که قتل و تباه و یا بملت خسارتی عائد میگردید، چون اساساً قصه منی بر قمار است یعنی یا برد یا بای لذا هیچ نه خودش و نه اراکینش مانند محمد صدیق و پردل وغیره از ان متاثر و یا متحسس میشدند.

(سوقیات سقوی بطرف جنوبی)

همین بود که محمد صدیق تهیهٔ این حملهٔ خود را نموده و شاید بهمین نظریه که یا خوب شود و یا خراب بهر حال بر جنوبی حمله باید برد تا بذریعهٔ این حمله قصه یک طرف شود این عزم را

(۱) غلام نبی خان در اوائل ثور با چند نفر تبعهٔ افغانی و اقوام بربری و ترکانی که تماماً با اسلحه و سامان عالی مجهز بودند بر مزار حمله و قوهٔ سقو را در اثر مبارزه توپ و طیاره منتشر کرد، اما بچه سقو نسبت باین حمله اعلان طعن انگیز را شائع و در ان بملت خطاب کرد که غلام نبی خان با افسر و لشکر روس داخل خاک اسلامی شده برای استرداد سلطنت امانی با من جنگجوئی دارد، اگر شما در رد این هجوم نکوشید البته که باز بهمان جرائم افغانی عصر ماضی مبتلا میشوید، غلام نبی خان بعد از اثر انگلیس این اعلان و فرار مخفی امان الله خان در اوائل جوزا از افغانستان بخاک روسیه رفت.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 552 of 711

نموده بشب کوتل تیره را بهمراه یک قوهٔ مکمل سقوی عبور و علی الصباح در قلعهٔ سفید که در دامنهٔ تیره بر یک تپهٔ مستحکم افتاده است خود ها را رسانیدند .

نوتهٔ اخیر بگردیز : ۲۳ جوزا ساعت ۹ صبح بود که قاصد محمد صدیق فرقه شر یک پرزه اخطار او را بمنصبداران و اهالی گردیز ارائه میداد ، در پرزهٔ مذکور تحریر است « الی زمان سه ساعت ازین اطلاع اگر اطاعت و بیعت اهالی و عسکری گردیز رسید خوب ، والا شهر گردیز را زیر بمباردمان میگیریم » اندازهٔ دهشت این نوته را کسی بهتر میداند که وضعیت جغرافیائی شهر گردیز و موقعیت اطرافی آنرا دیده باشد گویا اهالی شهر بیخبر از دو جبهه محصور شده اند ، وقتیکه معاینه میکنند واقعاً می بینند که دامنهٔ راست تیره را خیمه های عسکر پر کرده است ، البته این افسر مهاجم که میخواهد براین شهر مستحکم هجوم بیارد البته ترتیبات مکملی با خود گرفته باشد ، علاوه بران مدت پنج سال درین سرزمین حکمرانی و از اوضاع تازهٔ این نواحی اطلاع کافی دارد و همه درک های خوب و خراب ، یا آسان و مشکل این علاقه ها را می شناسد ، حالا هم در میدان راست آمده ، با استعدادات مکمل حربی این نوتهٔ پر تهدید را در این فرصت تنگ پیش میکند ، اینها همه افکار مهیب بودند که در مخیلهٔ گردیزیها خطور کرده هر کدام می پرسید چه باید کرد ؟

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 553 of 711

اثر این نوته در گردیز: وقتیکه این خبر به بچینک رسید، سپه لار صاحب فوراً برای آقای شاه ولیخان موضوع را با هدایات لازمه اطلاع دادند، در حالیکه او شان هم دیشب را بیدار گذشتانده ترتیبات لازمه را برای احداث تاثیراتیکه در چنین وقت لازم بود گذرانیده بودند، صبح اهالی گردیز وقتیکه از قضیه مطلع شدند، باین ملاحظه به حضور شان حاضر شدند، که آنها را زعیم و مشیر و اختیار دار خود قرار داده بودند، و قبول کردن فکر شان را درین مورد برای خود نافع میدیدند.

آقای شاه ولیخان مسئله را باختیار عموم گذاشته گفتند: شما خود قضیه را فیصله کنید، از جهت من اگر باشد هرگز خود را تسلیم نکرده و تا دقیقهٔ آخرین از حیات خود مدافعه خواهم کرد، گردیزیها که باتفاق و مشوره و همفکری تا امروز متمسک بودند طبعاً درین فقره باهم جمع آمده و در مشوره در آمدند، اکثریه که ظاهراً حق بطرف هم بودند براین فیصله نمودند که بالفرض اگر مقابله هم بشود ثمری نخواهد داشت.

مقابله کردن گردیزیها: عادت طبیعی است انسان در حالت انفرادی مسائل را از روی تعقل فکر و اندیشیدن فیصله میکند، اما در جماعه قاعده است که مسائل از روی احساسات و مشاعر فیصله میابند، ازین روست که گویند: (فیصله های فردی از روی تعقل شده میتواند ولی فیصله های جماعه تنها از روی مشاعر و تاثرات میباشد).

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 554 of 711

چنانچه درینجا دیده شد که قضیه مدتی زیر بحث این جماعه افتاد، و از هر طرف دلیل و استدلال و تخالف افکار بلند شد، ولی درین مباحث تنها این بیانیهٔ هیجان و شهامت افزای عبدالغنی خان پسر لعل گل خان نهایت مؤثر ثابت شد که بین این جماعه صدا زده گفت: «سقوزاده مخرب وطن است ما و شما هم پیشتر فیصله نمودیم که با او طرفداری و یاوری نخواهیم کرد، چه جای که سخن به اطاعت و بیعت برسد، روزگار بما و شما میدان امتحان را پیش کرده است، و ما در هر دو حال تباه خواهیم بود، اما در بین همه مرگها آن مرگ آسوده تر است که با شرف باشد، هر که با ما درین عقیده شریک است و نمیخواهد درین امتحان بیازد با ما بیاید».

پس ازان جماعهٔ تفنگها را بشانه انداخته برامدند، زیرا که این ندا صدای مؤثری بود چند ثانیه نگذشت که هیجان در سامعین ظاهر شده گوئی از تذکر عهد گذشتهٔ خود بجوش آمده دوان دوان بطرف جائیکه آقای شاه ولیخان دران بودند رفته، اسلحه و جباخانه خواهان شدند، ایشان که اسلحه و تمام ادوات و ذخائر حربی را قبلاً تهیه داده بودند بران نفری که بجوش و خروش و حمیت می آمدند تقسیم نموده همه را بطرف میدان میفرستادند، ۲۰ دقیقه ازین حوادث نگذشته بود که در میدان چیزی نفری آماده و مستعد شد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 555 of 711

شروع محاربه : اول صدای تفنگ و متعاقب آن آواز توپ ها فضا را بجنبش آورد، منظرهٔ مدهش موحش هولناکی بود، دهشت این منظره نه تنها صدای توپ و تفنگ و یا افتیدن تنه ها بر زمین است، بل چیزیکه وحشت و دهشت این میدان محاربه را بنظر ها مجسم میساخت، تعداد قوای متحارب جانبین است زیرا تعداد محاربین از طرف سقو پنجهزار و از طرف گردیزیها تنها ۶۰ نفر بود، اما چطور شصت نفری که هر واحد آن مجسمهٔ شجاعت و حماست و بهترین مصداق غیرت و افغانیت بودند، حتی هر فرد این دسته بر خود معتمد بوده هیچگاه اتکال را بر غیر نمی پسندند، در حالیکه اعتماد بر نفس صفت بزرگیست که ملل متمدنه بصرف کردن ملیونها پوند و مجهودات خیلی زیاد اولاد خود را بآن تربیت میدهند، حقیقةً این اقدام مردانهٔ مدافعین بهترین شاهد اعتماد نفس و علو همت شان است .

آقای شاه ولیخان این وضعیت را که مشاهده نمودند مجلس و مذاکرات وغیره را گذاشته تمام آن قوه های عسکری و قومی را که در اثنای این دقیقه ها تهیه شده است بمیدان رسانیده رفتند و محاربه ساعت بساعت شدت گرفته میرفت .

جریان شدید محاربه : شاید این محاربه در قصهٔ جنگ ها از وقایع نادر باشد چه در تیزترین دقیقه های جنگ تعداد قوهٔ گردیزیها به ۶۰۰ رسیده بود .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 557 of 711

جناب سردار «شاه ولی خان» که بهمراهی حضرتعالی سردار «محمد نادرخان» غازی در تمام آن اقدامات و طن پرورانهٔ شان که در راه نجات مملکت فرموده اند، مظهر خدمات بزرگ شده اند - مخصوصاً درشکست دادن آن قوای زبردست سقوی که قصد هجوم را بر سمت جنوبی نموده بودند جلادت و رشادت تاریخی از اوشان بظهور پیوسته است - اجمال حیات این ذات کار آگاه در صحیفه (٦٠٢) ضمیمهٔ این کتاب مطالعه شود.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 558 of 711

اما انصافاً باید گفت ، اگر در این محاربه گردیزیها و عساکریکه با آنها بودند در شجاعت امتحان بزرگترین داده باشند ، از طرف مقابل افواج سقوی هم کمتر از آنها در ثبات و دلاوری نبودند ، زیرا بمجردیکه برایشان حکم سوق داده شد ، مانند یک عسکر صحیح بحکم ، اطاعت کرده و بدون از هیچ تردد سر راست از کاریز درویش تا دانهٔ قلعهٔ سفید را که عبارت از ۱۶ کروه میشود ، در یک شب پیموده در صبح یعنی بمجرد رسیدن به مرکز جنوبی فوراً بمحاصرهٔ گردیز پرداخته صف اولین شان تا میدان طیاره خود را رسانیده همچنین در مقابله و مقاومت هیچ کوتاهی و اهمال نکرده هر کدام تا دقائق آخر ینکه میتوانست استقامت میکرد .

محاربه مخصوصاً در اطراف وسط روز شدت گرفت ، صدای مهیب توپهای سریع آتش سقوی با صدای توپهای بزرگ گردیز تمام دشت را با فضای آن میجنبانید جانبین سرگرم فیر ، آرزوی هر کدام شکست مقابل بوده یکدیگر را کشته میرفتند ، الحق که این محاربه پردهٔ از پرده های پرعبرت این دورهٔ مصیبت بوده است .

وقوع ضعف در مجاهدین : جناح چپ محاربین گردیز ضعیف شده از محاذ خود پس پا شدند ، و عسکر سقوی میدان طیاره را عبور کرده به قلعه های گردیز نزدیک آمدند ، این پیشقدمی سقویان اثر خیلی مدهش در قلب و جناح راست پیدا کرده

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 559 of 711

ولی چون این محاربینی که از طرف گردیزی جنگند، بزرگترین شرائط فتح و موفقیت (یعنی قلباً فداکاری و سرفروشی را) بنظر گرفته بودند، ازین رو عوض اینکه این پس پائی جناح چپ دران دو حصه اثر اضمحلال و ضعف معنویات را میبخشید، بالعکس وضعیت را که خطرناک دیدند هجوم متفقانه بردند، اگرچه این حرکت شان اصولاً مخاطره بود، ولی فوق العاده مفید افتاد، زیرا در نتیجهٔ آن جناح راست و قلب پیشرفت نمود در عین زمان جناح چپ از این وضعیت استفاده کرده تلافی آن پس پائی را کرد.

حسن ادارهٔ سردار شاه ولیخان طبیعی است هر انسان در عین لیاقت عمومی خود در بعض امور تخصص و یا استثناداشته میباشد، چنانچه در اینجا می بینیم آقای شاه ولیخان از وقتیکه خبر این حمله را شنید، هر طرف موضوع را سنجیده ترتیبات جزئی و کلی را خود متکفل شدند، ولی استثنا و تخصصیکه اینجا نشان داده اند، مسئله واری به امور، و انتظام در عمل است که الحق رعایت این دو اساس در چنین حالت منتهای بیداری میخواهد، چنانچه غالباً نتیجهٔ همین دو امتیاز و یا استثنای شان بود که این حمله بیخبر و بموقع دشمن به فتح و ظفریت شان انجامید چه اوامر شان در هر چند دقیقه بعد بمیدان میرسید و از انجا در هر چند دقیقه بعد اطلاعات مفصل را میگرفتند، و علی العجاله مجاری محاربه را یکی بعد از دگری به حضور سپه سالار صاحب هم ترسیل میفرمودند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 560 of 711

از طرف دیگر در انتظام آذوقه و تهیه دادن لوازم حربی میدان هم تا دقیقهٔ آخرین هیچ کوتاهی نشده است، داخل شهر گردیز اوضاع پریشانی قابل دقت موجود بود، زیرا بعضی کسانیکه از طرف سقوزاده ماجور بودند، آوازه ها و تبلیغات مخوف وغیر موافق نشر کرده میرفتند، از قبیل اینکه سقوزاده را خدا داده است یا اینکه تمام اقوام با محمد صدیق فرقهٔ مشر متحد شده اند و او حتماً گردیز را گرفتنی است وغیره آن افواهات مختلف دیگر ازین قبیل.

وقوع تزلزل در قوای سقوی: فیر از جانبین شدت داشت و محاربه از هر دو طرف بجوش بود، مخصوصاً صدای ماشینداربیشتر خود را بگوش میرسانید که ناگهان در صف اول عسکر سقوزاده سستی و ضعف محسوس شد، متعاقب آن اندک پس پائی هم برایشان واقع گردید، محاربین گردیز هم از موقع استفاده کرده پیشقدمی نمودند - عسکر سقو با اینکه در دوام و شدت فیر صرف مجاهده مینمودند اما باز هم ضعف و تشتت قوای شان نسبت به چند دقیقه پیش واضح و نمایان بود زیرا که درین دقیقه ها محمد صدیق فرقهٔ مشر قوماندان کل قوای سقوزاده زخم خورده بود.

حصول امیدواری بمجاهدین جنوبی: در موقعیکه ۳۰ دقیقه از ۲ گذشته است مخبری آمده به حضور سردار شاه ولیخان رقعهٔ تقدیم کرد، بعد از قرائت آن در چهره شان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 561 of 711

اوضاع اطمینان پدیدار شد، خواندن این تمام نشده بود که مخبر دومی آمده او هم پاکتی داد در این دفعه علامات خوشنودی در چهرهٔ شان واضحتر شد، که رقعهٔ اول از محاذ بود و کیفیت پیشرفت را مفصلاً توضیح داده بود، اما دومش از احمدزائیها بود که آماده گی خود را برای شمولیت در محاربه بطرف گردیزیها اطلاع میداد، گویا این هر دو رقعه در این وقتیکه هیچ خبر آن بیش از چند ثانیه اعتبار و تقرر ندارد قدری باعث امیدواری گردید، مخصوصاً رقعهٔ احمدزائیها، زیرا تا این دقیقه گردیزیها چنین گمان میکردند که درین میدان تنها خواهند بود، ولی این رقعه در عین اینکه یک اشتباه بزرگ را رفع کرد، از طرف دیگر برای گردیزیها باعث اطمینان هم شده میتوانست.

رجعت قهقری قوای سقوی: ساعت (۳) هنوز پوره نشده بود که حصهٔ اعظم میدان محاربه بقبضهٔ گردیزیها و عساکر گردیزی افتاد، و افواج سقوی سنگرهای خود را بالمتوالی و تدریج گذاشته میرفتند، تمام ساعت (٤) بود که میدان را کاملاً گذاشته و پس در قلعهٔ سفید خود را رسانیدند، و در آنجا بفیر متراليوزها و توپهای سریع آتش خود را از هجوم گردیزیها نگاه میداشتند.

ساعت ٤ و ۲۰ راپورت آخرین منصبدار محاذ بعبارت ذیل رسید

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 562 of 711

«میدان کاملاً از دشمن گرفته شد، قوه های شان بر تپه های قلعهٔ سفید استحکام دارد اگرچه مواقع شان مستحکم است، ولی ما چنان نقاطی را که برای هجوم مساعد است بدست داریم، تفصیل خطوط آتش را حامل مکتوب میدهد امر چیست؟»

جناب سردار شاه ولیخان بعد از گرفتن تفصیلات از وضعیت میدان با اینکه تعقیب هجوم برای محاربین ساعد بود، امّا به سببیکه روز قریب بآخر شده هجوم را موافق ندانسته، امر استحکام و تمرکز دادند، و همچنین شد که محاربین گردیزی در نقاط خود مستحکم مانده و جانبین فیر تفنگ و مترالیوز مینمودند.

نظارت و اعطای هدایت سپه سالار: از وقتیکه اطلاعات و پیش بینی لازم را سپه سالار صاحب پریروز بگردیز فرستاده بودند، با اینکه مسئلهٔ حمله کردن محمد صدیق در آنوقت متیقن نبود، امّا باز هم برای حفظ ما تقدم دو مسئله را از دیشب تهیه فرمودند، یکی مرتب نمودن یک سلسله سوار چپار بین سجینک و گردیز، دوم آماده ساختن اقوام طوطاخیل و منگل میرزکه را در صورت وقوع جنگ برای شمولیت در مدافعه از گردیز چنانچه بمجرد وصول اطلاع جنگ سپه سالار صاحب این اقوامی را که آماده ساخته بودند، بطرف گردیز سوق نمودند.

الحق این تدبیر فوق العاده مفید و بوقت مناسب و باریک بدرد خورد، زیرا

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 563 of 711

در نصف اخیر این محاربه همین اقوامیکه برای کمک فرستاده شده بودند، شجاعت بزرگی را انجام دادند، این قوهٔ ارسالی سپه سالار، مسافهٔ درمیانی گردیز و سیجنک را که ۹ کروه است، باسرعت قطع نموده در راه با اقوام احمدزائی که آمادهٔ جنگ بودند مصادف شده هردو خودرا بالاتفاق در اطراف ساعت ۵ ونیم بحدود محاذ رسانیده بدون تأنی وتعطیل سنگر گرفته شروع بمحاربه نمودند در ساعت مذکور عسکر سقوی که با این حملهٔ ناگهانی دچار شده بودند، روی توپ ومترالیوزهای خودرا از طرف گردیزیها کم کرده وفیرا بطرف بالاده که جبههٔ هجوم این اقوام بود گشتانده باشدت زیاد آتش باریرا بنا کردند .

محاربه تا ساعت ۹ از جانبین بشدت دوام داشت ولی از فیرهای خیلی سریع که در آن تاریکی شب مینمودند معلوم میشد که این افواج بحملهای مشتت افغانها که مهارت مخصوصی در حملات شبینه دارند دچار شده بودند .

شکست مدهش قوای سقوی در برابر مجاهدین جنوبی : این محاربه در ساعت ۹ بشکست کلی افواج سقوی خاتمه یافت وقلعهٔ سفید را تخلیه کرده توپ وجباخانه وسامان حربی که برای این حملهٔ بزرگ ترتیب نموده بودند برای این افواج ولشکرهائیکه هیچ منتظر همچه وضعیت نبودند، گذاشته فرار نمودند، گویا اقوام احمدزائی وطوطاخیل

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 564 of 711

و منگل که از طرف سپه سالار صاحب با نقشه و پلان مخصوصی آمده بودند، از طرف جناح دشمن حمله آور شدند و ازین آتش شدید و حملهٔ جناحی خود سلسلهٔ این محاربه را بالمرّه طوری خاتمه دادند که قوای سقوی در هیچیک محاذ نظیر اینطوریک شکست مدهش و سقوط فاحش را ندیده بودند.

این اطلاعیهٔ فتح و ظفر در اسرع اوقات به حضور سپه سالار در بیجینک آمد و از حضور شان هدایات و وصایای لازمه که مستلزم آن وقت بود گرفته شد.

ساعت ۱۰ شب بتعداد ۵۰۰ نفر اسیر که در اثنای تصرف قلعهٔ سفید بدست افتاده بودند با توپها و دیگر ادوات حربی که بدست آمده بود بگردیز حاضر کرده شد در حین تحقیقات از اسیرها معلوم شد که محمد صدیق فرقه مشر وقتیکه در ساعت ۲ زخمی شده بود خود را بر اسپی انداخته با ۴۰۰ نفر توصیه نمود که او را به سهاک برسانند گویا اگرچه تمام افواج سقوی شکست خورده اند، اما محمد صدیق باز در سهاک که بفاصلهٔ ۳ کروه گردیز است خود را مستحکم داشته است.

جوش و خروش عجیبی درین علاقه ها پدیدار است، پیشروی گردیز غنائم جنگ کوت شده میرود، توپ های سریع آتش دو دانه ۹ پن صحرا ۳ دانه ۶ پن جبل ۲ دانه موترلاری عراده عالمهای جباخانه و اسپ و یابو و جزئیات دیگر، هر خان و یا جماعه که چیزی غنیمت آورده

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 565 of 711

باشد آنرا برین کوت بزرگ گذاشته دوان دوان به نزد آقای شاه ولیخان خود را رسانیده بایکعالم شغف و سرور راپورت غنائم خود را تقدیم کرده تصدیقی بطور یادگار ازین خدمت میگیرند .

تهیهٔ ترتیباتِ تعقیبیهٔ سپه سالار : ۲۴ جوزا اگرچه فتح کامل بنصیب طرفداران نادری شده است و این حملهٔ خطرناک بیخبر را کاملاً رد کرده اند . و اهالی انقدر مسرور و شادان هستند ، که از حد تصویر خارج است ، اما با وجود اینهمه در این موقع که دشمن شکست خورده است و اهالی ازین فتح در جامه های خود جا نمیشوند و متمادیاً بیکدیگر تبریک میدهند دیده میشد که اراکین لشکر در فکر عمیقی بوده گویا که بوضعیت موجوده هیچ متأثر نبوده مانند ۱۰ و ۱۲ ساعت پیش هنوز وضعیت را خطرناک می پندارند .

زیرا سپه سالار صاحب که از یکطرف بپذیرفتن وفد هائیکه برای تبریک می آمدند مشغول بودند ، از طرف دیگر با سرعت زیاد مصروفِ تهیهٔ یک قوهٔ مکملی برای نگاهداشت و بهره دادن بر سر کوتل تیره بودند ، چنانچه نفری مچلغو را با یک حد نظر مسلح از راه مچلغو بر سر کوه بطرف تیره فرستادند ، از طرف دیگر برای سردار شاه محمود خان که در جاجی با لشکرهای خود آماده بودند ، مکتوبی فرستادند که یکی ازین دو کار را با سرعت تمام باید تعقیب و اجرا کنید :-

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 566 of 711

۱:- با لشکر خود سر راست از راه دوبندی بر لوگر حمله ببرید.

۲:- یک حصه لشکر خود را به دوبندی بفرستید و همراه بقیهٔ خود شما اینجا بیائید تا بالاتفاق از راه تیره حمله ببریم.

هر یک ازین دو تجویز که بنظر شما و لشکرتان موافق باشد بطور فوری اجرا نمائید.

عموم اسیرهای حرب را سپه سالار صاحب معائنه و آنها را بیک نطق مؤثر رقت افزای شان از وخامت این اوضاع و مذلتیکه ازین حرکت آنها که بر ضد سعادت وطن و نفع یک دزد واجب القتل مینمایند، بدرستی دانانده تمام شان را تحت تأثیرات عمیق این وضعی که از او شان سرزده و میزند آورد، پس ازان امر دادند تا باستثنای نفری ۶ ده کوهدامن که تحت الحفظ نگهداشته شوند، باقی نفری مرخص و برای شان فی نفر پنجروپیه خرچی هم دادند، و برای اقوام عرض راه هدایت فرمودند تا احدی به اوشان مزاحمت نکند.

شمولیت بچهٔ سقو در جنگ جنوبی: ۲۵ جوزا مجردیکه پریروز عصر محمد صدیق فرقه مشر وضعیت اخیر قشون خود را دید فوراً کیفیت را بکابل اطلاع داد طبعاً خبر این شکست برای سقوزاده خیلی ذی اهمیت و مهیج یا مدهش واقع شد، زیرا تمام امیدهای آخرین را که در پیشرفت و نشر تسلط داشت، مبنی بر فتح سمت جنوبی و یا سقوط دادن

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 567 of 711

سپه سالار صاحب میدید، چه تا زمانیکه ایشان در جنوبی میبودند، طبعاً عموم ملت بسقوط بچه سقو امیدوار بوده و با و بیعت و اطاعت نخواهند کرد.

همین بود که این حمله را تهیه نموده خواست تا سمت جنوبی را بقبضه بیارد باین ذریعه بتواند آن رشته امید اهالی افغانستان را که بسمت جنوبی دارند بگسلاند و باین ذریعه مالک تمام مملکت شود.

پس خبر این شکست را بمنزله پیام زوال خود پنداشته با تمام تهور و هیجان چند نفری متباقیه را که در کابل داشت بموترها سوار کرده خودش هم بر سر آنها در موتری قرار گرفته با تمام سرعت بطرف التمور شتافت.

مع الاسف در موقع تعرض بچه سقو عموم اقوام در گردیز و سبحینک در یک عالم بیهوشی و مستی که بر ایشان در اثر فتح عائد شده گرفتار بند، خوش بختانه در اینجا همان قوه که علی الصباح سپه سالار صاحب فرستاده بودند بدرد خورد، و این خطر مدهش ناگهانی را رد نمود.

زیرا وقتیکه سقو زاده در التمور ترتیبات خود را مکمل و بطرف تیره بالا رفتن میخواست تا استحکام سر تیره را مرتب بسازد، همان نفر زه ۸۰ نفری، آمدن این قوه سقوی را از دور دیدند مخفیانه دو طرف آنها را گرفته دفعتاً او شان را تحت آتش شدید خود گرفتند، سقو زاده که هیچ این وضعیت را انتظار نداشت و غالب خیال او همین بود که خودش متعرض خواهد بود

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 568 of 711

ازاین تصادف پریشان شده خود را در یک سنگر انداخته متر الیوز را خود بدست گرفت، جانبین با مهارت میجنگیدند، مدت دو نیم ساعت گذشت و فرقی در قوت هیچکدام ظاهر نشد، رفته رفته غالبیت بطرف افغانها شده رفت زیرا این مجاهدین سنگ بسنگ این کوتل خود را بلد هستند .

پریدن بچهٔ سقو از چنگال مجاهدین : وقتیکه این مفرزهٔ هشتاد نفری نادری با فشاری استقامت حریف های خود را دیدند از درک های دیگر چند نفر خود را بی خبر نزدیک سنگر بچهٔ سقو رسانیده بر آنها فیر شدید نمودند. میدان بر بچهٔ سقو منحصر شده و وضعیت خود را در این سنگ لاخ های پر پیچ، خطرناک دید با چالاکی فوق العاده که شهرتش بود با یک دو نفر خود را بموتری انداخته رو بفرار گرفت و خود را بکابل رسانید و هر چند که قبل از فرار به نفری خود امر استقامت داده گفت میروم دیگر نفری می آورم مگر نه حکم و نه تسلی او فائده بخشید زیرا چند دقیقه نگذشته بود که عدهٔ بزرگ این نفری تسلیم و باقی اسلحه را انداخته فرار نمودند .

محاربین هم بتعقیب شکستیها تا التمور رفته جباخانه و متر الیوز و دو دانه توپ که در آنجا مانده بود با خود آوردند .

گویا حلقهٔ اخیر امید سقو زاده باین شکست گسیخت و تصورات او که در بدست

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 569 of 711

آوردن سمت جنوبی، بعبارت صریحتر در سقوط دادن سپه سالار صاحب داشت همه خام و هدر رفت .

فکر حمله بردن بر سهاک یا کابل

نظر باین شکست مدهش قوای سقوی و ملاحظات اوضاع کنونی که جداً قابل تدقیق میباشد در پیش روی فاتحین این دو جنبهٔ نقیض موجود است :-

اول - در نتیجهٔ این شکست مهمیکه برای سقوزاده پیش آمده است طبعاً تمام معنویات عسکری و احساسات شخصی او خیلی مضمحل و ابتر شده است ازین رو در نیوقت حمله بردن بر کابل خیلی موافق و نتیجهٔ آن اغلباً حسب مطلوب بنظر می افتید بنا بران یک نظریهٔ تسریع حمله بر کابل را ایجاب میکرد .

دوم - چون سهاک نزدیک گردیز و محل پافشاری محمد صدیق و قوای متباقی سقوی است ازین رو تا زمان فیصله کردن معاملهٔ آن، بدیگر طرف رفتن خالی از خطر نیست باید اولتر در سقوط قوای سهاک کوشید این دو سوال مهم موجب مباحثه و اختلاف آرا است .

سردار شاه ولیخان برای فیصله کردن این دو نظریه جرگه از خوانین منگل و طوطاخیل و احمدزائی و گردیزی منعقد نمودند . این جرگه وفدی برای همان اقوام سهاکی فرستادند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 570 of 711

که محمد صدیق فرقه مشر را در بین خود جا داده اند تا ایشانرا از ان معاندت شان منصرف سازند. این وفد چنین جواب آورد که « محمد صدیق پناه گزین است ما بهیچ صورت او را بدست کسی نمیدهیم » اما اقوامیکه از ینطرف مذاکره میکردند علاوه براینکه محمد صدیق را خائن مملکت میدانند او را بطور مخصوص نظر به اجراآت گذشتهٔ او دشمن اقوام سمت جنوبی میشمارند.

چون اقوام سهاک و سلیمانخیل در این موضوع معاندت و اصرار نمودند لذا غالباً خطر پیدا شدن منازعه در بین اقوام احتمال میرفت اگرچه سردار سپه سالار و سردار شاه ولیخان باستعمال قوت در این میدان راضی نبودند، چون محور قضیه مبنی بر عناد قومی بود جلوگیری از آن صعب افتاد.

حملهٔ اقوام بر سهاک: چنانچه به صبح ۲۵ جوزا جرگه فیصله حمله بردن قطعی خودها را بر سهاک و دستگیر نمودن محمد صدیق را قرار دادند. همین بود که اقوام احمدزائی و منگل و طوطاخیل زیر قیادت میر غوث الدینخان (۱) که بیشتر در این جنگ اصرار داشت

(۱) طرفداران این حمله بر قوم سهاک و سلیمانخیل که نزاع بزرگ قومی را تولید و مشکلات زیاد را در مشرقستان دری افگند، سردار سپه سالار و سردار شاه ولیخان و دگر اراکین اردو نبودند، زیرا که محمد صدیق باصول قومی بخانهٔ آهنانگ افغانی برده بود و دستگیری آن بقوه موجب غلط فهمی میشد بلکه در نظر داشتند این قضیه را بصورت جرگه فیصله نمایند، در اول نظر یه مردم سلیمانخیل و زرمتی هم درین موضوع همین قرار بود و میخواستند که این مسئله بمصالحه تصفیه شود مگر غوث الدین قوم احمدزائی و منگل و طوطاخیل دگر دیزیها را خود سرانه بقابل این اقوام بنام گرفتار کردن محمد صدیق سوق داد و ازین بی فکری خویش چنین یک نزاع بزرگ قومی را پیدا کرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 571 of 711

وعسکر و لشکر گردیزی در زیر قیادت عبدالغنی خان گردیزی برای شروع جنگ بطرف رباط سرکاری برآمده بنفری سهاک اطلاع دادند که « یا محمد صدیق برایشان داده شود و یا اینکه خواهند جنگید » .

ساعت دو روز محاربه از طرف اقوام مذکور دائر شد، شام نرسیده بود که چندین قلعهٔ متعدد از علاقه های سهاک را متصرف شدند، افغانها جنگ را در تاریکی شب دوام داده رفتند - از طرف سهاک فیراتواپ سقوی بشدت شنیده میشود

سپه سالار قبلبرین این حوادث فتح گردیز را بصورت متحد المآل بعموم اقوام فرستاده آنها را به اتمام امور خانگی و جمع آوری سریع شان دعوت نموده، هیئتی از همرکابان خود را تشکیل داده بطرف منگل جانی خیل برای آوردن لشکر شان فرستاده بودند (که به تاریخ ۲۶ همان هیئت واپس آمده خبر جمع شدن و روانگی لشکر منگل را اطلاع دادند)

پسته خصوصی از کابل رسید معلومات اخیر چنین نشان میدهد که سقوبچه در کابل قوه کم دارد چیزی نفری بر شش کروهی حواله نموده، که امروز آنرا بطرف لوگر فرستادنی است (۱) مخبر دگر

(۱) - برعلاوهٔ این اطلاعات از دگر مقامات نیز وقتاً فوقتاً به سپه سالار صاحب اطلاعها حاصل میشد و سلسلهٔ مخابرات و نشریات اوشان هم قریباً در تمام افغانستان جریان داشت مخصوصاً بمشرقی و جنوبی و دیگر حصص نزدیک بصورت منظم قائم بود .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 572 of 711

اطلاع میدهد که عسکر مسلح زیاد سقوی از راه خروار و درنگ بطرف سهاک بکمک محمد صدیق اعزام و در اقوام مخالف پروپاگند طرفداری سپه سالار از حکومت امانی بشدت جاریست.

در صبح ۲۷ جوزا سپه سالار صاحب امر فرمودند که باید هیئت یکقدم پیشتر بطرف گردیز برود، تا برای هر قبیل پیش آمدها مستعد تر باشد زیرا نتیجهٔ این جنگ که مع الاسف برخلاف مقتضای وقت حسب ذوق و میلان بعضی هنگامه جویان جریان دارد از دو حال خالی نخواهد بود، اگر اقوام سهاک پیش قدمی و گردیز را متصرف شوند، در آنحال این گوشهٔ جنوبی که عبارت از گردیز و نواحی آن است باید ترک شود و اگر مردم سهاک مغلوب شدند بکمال سرعت باید نقشهٔ تعرض کابل را تطبیق نمود.

سپه سالار صاحب بساعت ده با هیئت خویش از سیجینک که در ان مدت یکماه و بیست روز توقف نموده بودند حرکت کرده بکاریزگی که در راه گردیز واقع است مواصلت و از آنجا بعد از توقف هفت روز بطرف مچلغو یعنی بگردیز قریب تر شده رفت. یک عدهٔ از لشکر منگل که برای تمام کردن کشت و زراعت خود معطل بودند امروز آمده بعد از شرفیابی بحضور سپه سالار صاحب سر راست بطرف گردیز برای شمولیت در محاربه رفتند.

سردار شاه محمود خان از جاجی آمده بعد از ملاقات یک ساعت و مذاکرات

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 573 of 711

مختصر که در جمله آن کاملاً مهیا بودن لشکر جاجی را نشان دادند، بعض تعلیمات ضروریه گرفته واپس بطرف مرکز خود عودت فرمودند.

اطلاعات جنگ سهاک در هر نیم ساعت بعد مرتباً رسیده میرود راپورها این را نشان میدهد که اقوام احمدزائی و منگل و طوطاخیل بر اقوام سهاک غالب هستند ساعت ۲ از لوگر اطلاع آمد که از طرف پچه سقو چیری نفری ترتیب شده است و خیال دارند که فردا از راه درنگ و خروار آنها را بکمک سهاک برسانند.

این خبر در حقیقت اهمیت زیاد داشت زیرا نشان میدهد که سر از فردا اهالی سهاک بکمک سقو قوی تر خواهند شد.

چهارم سرطان: چند روز میشود که جنگ جاری است. در نتیجه اقوام سهاک پریشان شده و بقلعه های خود عودت کرده از ان حدود جنگ میکردند. ساعت دو نماینده اقوام سهاک آمده اطلاع داد که «ما بمصالحه حاضر هستیم. در باب محمد صدیق فرقه مشر وعده میدهیم که او را از بین خود خارج سازیم» این پیغام اقوام را خیلی مطمئن ساخت.

عقب نشینی قوای قومی از سهاک: نزدیک شام در حالیکه انتظار میرفت وفد مصالحه از طرف اهالی سهاک خواهد رسید، بالعکس دیده شد که محاربه را

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 574 of 711

شدید تر ساختند . حقیقت این قضیه چنان بود که امروز صبح اهالی سهاک ازین محاربه که آنها را با عموم اقوام دشمن ساخته است بیزار آمده حتی بخود محمد صدیق گفته بودند که تو باید از بین ما خارج شوی و هم پیغام مصالحه را برای اقوام احمدزائی و ننگل وگردیزی فرستادند - اما بعد از ظهر قوای زیاد سقوی که پیشتر راپورت آن وصل شده بود بسهاک با ذخائر زیاد رسیدند ، فرقه مشرهم گوئی دم در تن مرده اش درآمده باشد فوراً بمیدان آمده و ریاست میدان جنگ را ذمه وار شده محاربه را سر از نو گرم ساخت - چون اقوام گردیز و دیگرها این محاربه شدید را در اخیر روز انتظار نداشتند ، ناچار تاب مقاومت نیاورده پس پا شدند .

با اینکه سردار شاه ولیخان باین جریانات اصلاً راضی نبودند زیرا علاوه بر اینکه اصل جنگ از طرف سرکرده های اقوام جاری شد این سرکرده ها یک نقشه منظمی برای این محاربه خود نگرفته بودند) اما باز هم ناچار شده ترتیبات شئونات این ها را بعهده گرفته نمیگذاشتند چه از حیث ذخائر و مادیات یا معنویات و تدبیر احتیاجی پیش شود . تمام شب محاربه جاری بود . صبح وقت شفق لشکر تا حدود رباط سرکاری یعنی فاصله یکنیم کروه گردیز پس پا و اهالی سهاک پیش قدمی کرده بودند بصبح پنجم سرطان سردار سپه سالار صاحب امر بستن بارها را دادند - ساعت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 575 of 711

دوازده بود که یک سوار از گردیز آمده مکتوبی از جناب شاه ولیخان آورد که مضمونش حسب ذیل است :

«بکمال تأسف عرض میکنیم در نتیجهٔ محاربهٔ بی سر و پا و بی انتظامیکه اقوام درین خود جاری کرده بودند گردیز در خطر معروض است و در این دقیقه های که این سطرها را مینویسیم خطر سقوط دقیقه بدقیقه نزدیک شده میرود. اگرچه من یک و یا دو ساعت قبل باید گردیز را میگذاشتم ولی چون در پیش روی خود یک منظرهٔ رقت آور دارم و آن عبارت از هجرت نمودن اهالی گردیز از مسکن های خودشان میباشد که متهما مرا محزون میسازد. لذا نمیخواهم این میدان را باین حالت خودش بگذارم چه آخرین تسلی و دلداری که از طرف خود باین مصیبت زدگان اظهار کرده میتوانم همین خواهد بود که آخرین نفرشان باشم که این میدان را بگذارم.

درباب صورت شروع این جنگ و عناد و اصراریکه این اقوام محارب نموده اند بیشتر تفصیلات داده بودم، برین مسئله بیشتر متحسرم که اقوام احمدزائی و طوطاخیل و گردیزی که تا دیروز به خساره های زیادی معروض بودند امروز در اثر غلبهٔ اقوام سهاک متحمل نقصان های زیادی شده اند، مهاجمین لحظه بلحظه خود را بگردیز نزدیک، و مدافعینیکه میجنگند، قدم بقدم سر از امروز صبح پس شده میروند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 576 of 711

گردیزیهای بیچاره میگویند ما بهیچصورت حکومت سقوی را قبول نداریم و اینک مسکن های آبا و اجداد خود را گذاشته هجرت را اختیار نمودند، من تا آخرین دقیقه این فاجعه را انتظار میکشم، و بعد ازین خود را بسیجنک میرسانم. محل امضا (شاه ولی)

حرکت سپه سالار صاحب بطرف جاجی

در ساعت دو نیم روز ۶ سرطان جناب سپه سالار صاحب با رفقای خویش جانب جاجی عزم سفر فرمودند، این مسافرت از پر مشقت ترین سفره بواسطه معین نبودن محل توقف و حرکت لیلیه دره تاریک پر از سنگ و آب که در همان شب پیموده شده بود؛ در حالیکه خطر وقوع کدام حادثه غلط فهمی از طرف ساکنان دره بیشتر مسافرین را در وسوسه می انداخت، زیرا، آنها خبر نداشتند که این مسافرهای شبینه که خاموشی مهیب این دره را برهم میزنند، از چه قبیل اشخاص اند، بهر حال این جمعیت در اطراف ساعت ۱۱ شب بیک قریه از قریه های هزار درخت رسیده، بقیه شب را در یک تخت بامیکه اقامت کردن آن بالنسبه مسافرت آرامتر بود گذشتاند.

صبح ۷ سرطان وقت فجر هیئت بحرکت افتاد، بوقت طلوع آفتاب باولین حدود جاجی رسید، دو ساعت در حسن خیل برای تناول ناشتا توقف شده باز در

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 577 of 711

ساعت ۹ دوباره بحرکت افتاده، تا عصر بطی کردن منزل از بین زمین های سبز و خرم و آباد جاجی مصروف بودند، ساعت ۴ و نیم به (شگه) مواصلت شد.

در شگه یکعالم جم و جوش است که تنها مشاهدهٔ آن تمام زحمات این سفر را فراموش میساخت، عموم اقوام و سرکرده های جاجی بدور جناب جرنیل شاه محمود خان حاضر بوده میدان دور و دور را لشکرهای آمادهٔ جاجی پر ساخته هر طرف آتن و هیاهوی غزل و دهل شنیده میشود.

زیرا از وقتیکه جناب جرنیل صاحب در حدود جاجی داخل شده اند، خوانین و سرکردگان جاجی را جمع نموده، از ان افکار سپه سالار صاحب که راجع به نجات وطن دارند و موجب این حرکت شان بسمت جنوبی شده ایشانرا مطلع کرده است خوانین جاجی این مطلب را با کمال سرور استقبال کرده، جمع نمودن یک لشکر را بزیر فرمان ایشان قبول نموده اند، چون در جاجی اقوام مختلف یا تنازعات قومی کمتر وجود دارد و یا اینکه نادرست ازین رو در جمع شدن لشکر جاجی مشکلات و یا موانع پیش نیامده هم در دفعهٔ اول و هم در این دفعه با کمال استعداد و آرامی مجتمع شده و منتظر اوامر بودند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 578 of 711

اثر ورود سپه سالار صاحب در جاجی

هیئت نادری در عین همین جوش به شگه رسید و ورود ایشان با عموم هیئت آنقدر موجب دهشت و حیرت اهالی گردید که هر کدام صورت این ورود را میپرسید، سپه سالار از چگونگی جنگ سهاک که بواسطه عناد قومی تولید و منجر بچنان محاربه بزرگی شده موجب این حرکت شان بجاجی گردید بیانات دادند.

از هر طرف عبارات تأسف و نفرین بر بی اتفاقی بلند شده عموم خوانین بالاتفاق اظهار تسلیت و آمادگی بتلافی این حوادث نموده گفتند ما نسبت باین ورود شما و تعیین خط مشی خود ها در آتی جرگه را منعقد و پس از ان قرار آخرین خود را بحضورتان تقدیم می کنیم.

توجیه مشکلات به سپه سالار غازی بطن طرفداری از حکومت امانی

اگر بنظر سرسری دیده شود یگانه علت این ناکامیابی ها و فراهم آمدن اشکالات در پیشرفت نظریات خیر اندیشانه نادری همین یک مسئله بوده است که یک حصه بزرگ اقوام همه این مجاهدات او شانرا بشاه مخلوع نسبت میدادند، و ازین پهلو تهی نمی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 579 of 711

اوشان از قبولیت سلطنت (درحالیکه در تمام افغانستان احدی مستحق تر و جامع تر هم از اوشان موجود نیست) متردد و بدظن بودند، حالانکه سپه سالار از نقطهٔ نظر خیرخواهی و وحدت پسندی معذور بودند، که از تقبل پادشاهی بدون اتفاق آرای عمومی ملت افغانستان پهلوتهی کنند، و باوجود این تصادم بانواع موانع و ناکامی، صبر و استقامت و توکل را پیشهٔ خود گرفته از لطف خدا و معاونت ملت موفقیتش را امیدوار باشند.

ازین منسوب بودن سپه سالار غازی بحکومت امانی و استنکاف ورزیدنش از قبولیت نام پادشاهی و صرف مجاهدتش در راه وحدت ملی، بنام مصالحهٔ عمومی اکثری از اقوام مشتبه شده پیهم در راه پیشرفت شان موانع و مشکلات را تولید میکردند تا اینکه رفته رفته این اشتباه عمومی و تشتت افکار باندازهٔ ترقی نموده که مردم در مقابل شاه مخلوع و تمام کارداران حال و ماضی عصر امانی، بچهٔ سقو طاغی را ترجیح داده در همه مملکت قوت و نفوذ سقویها قائم شد، حتی یگانه سبب تسلط یافتن سقوها بر گردیز و اکثر قسمت های ارگون و خوست و دگر حصص و موجب موفقیت بچهٔ سقو و محمد صدیق و امثال آنها در سمت جنوبی، ازهمین پروپاگند جعلی سقوی بود، که سپه سالار برای استرداد تخت و تاج امان اللهی خدمت میکند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 580 of 711

ولی سپه سالار صداقت مدار، با همهٔ این مشکلات شانه داده جدیانه و مردانه برای نجات وطن با وجود این موانع و اوضاع دلشکن قیام و ثبات میفرمودند.

استمداد از اقوام سرحد آزاد

برعلاوهٔ این قدرت کامله و استیلای متنفذانه که سقویها در نقاط مهم جنوبی پیدا کرده بودند از اطلاعات وصلهٔ کابل و لوگر معلوم میشد که بچهٔ سقو بالنسبهٔ تمام حصص افغانستان، حصهٔ زیاد عسکری مکمل و قوای منظم خود را که با توپهای بزرگ و ماشینداریهای هر رقم و اسلحهٔ عالی به پیمانهٔ کافی مجهز و مسلح شده بودند، برای مقابله و تعرض نمودن برقوای نادری تهیه کرده است، ازین جهة نه تنها سپه سالار غازی جهة دفاع بلکه برای پیشرفت اساسی و ازالهٔ مظالم سقوی و نجات دادن افغانستان ازین بلای عمومی مجبور بود، که این لشکرهای قومی شان را که با وجود آنهمه مشکلات و موانع جمع آوری شده اند و یا بعد ازین امید تجمع آنها کرده میشود با یک عدهٔ از اقوام سرحد آزاد تقویه کند.

لهذا اولاً سپه سالار صاحب باتفاق رفقای معیت خود و تصویب نمایندگان اقوام جنوبی تصمیم فرمودند تا از اورکزائی استمداد نمایند، چون خط عبور اورکزائی بدست انگلیزها بود، سپه سالار بالنسبهٔ راه دادن اورکزائی ها توسط آقای حاجی محمد اکبر خان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 581 of 711

با انگلیسان مفاهمه نمودند، ولی آنها نسبت به عبور ارگزائی بخاک افغانی اظهار موافقت ننمودند، وگفتند که ما نظر بآن اعلان بیطرفی خود که راجع به معاملات داخلی وانقلاب کنونی افغانستان کرده ایم مجبوریم که در هیچیک از شئونات آن مداخله نکنیم، ازینجهة ممکن نیست که ما باورگزائیها اجازهٔ عبور بدهیم، چنانچه جواب این استمزاج سپه سالار را تحریراً نیز بهمین مفاد همدست حاجی موصوف فرستادند.

ولی سپه سالار ازین مشکلات داخلی واشکال اندیشی های خارجی مایوس نشده طریقه های دیگر را جهة موفقیت خویش در نجات مملکت ازین گرداب مصیبت سنجیدند که از جملهٔ آن یکنظریهٔ نافعهٔ شان همین بود که حتماً باید او شان جهة رفع توحش دزدان وقیام امنیت در افغانستان از هر قوم وقبیلهٔ افغان که امداد گرفته میتوانستند تشبث بفرمایند، لذا بفکر گرفتن استعانت از وزیریهای غیور که الی الآن چندین معروضات شان راجع به آرزومندی شمولیت آنها درین مسئلهٔ قومی که بشئونات ملی آنها هم تماس داشت رسیده بود، افتادند (۱) وهم راجع به پیدا کردن رشتهٔ وحدت واخوت ورفع غلط فهمی وخانه جنگی باساسیکه در صفحات آتی مذکور است شروع بکار نمودند

(۱) زیراکه در راه موصلت آنها بجاجی بجز از بعض مخدورات داخلی که شرح آن در آتی میآید هیچیک اشکال نبودن راه موجود نیست وهم انگلیزها نمیتوانستند که علی الفور از دخول وزیریها بافغانستان جلوگیری کنند، حتی بواسطهٔ اتصال وزیرستان بافغانستان ووقوع خط عبور آنها بر وزیرهای کابل خیل که از جملهٔ رعایای افغانی میباشند بر ایشان تسهیلاتی هم موجود است.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 582 of 711

معروضهٔ اقوام جاجی بحضور سپه سالار غازی

در صفحهٔ ۴۹۶ از انعقاد جرگهٔ قومی در جاجی تذکر دادیم، این است که آنها بعد بحث و مذاکره فیصلهٔ اخیرهٔ خود ها را قرار آتی بحضور سپه سالار غازی تقدیم کردند:—

« ما بالوکالت از طرف عموم اقوام جاجی در برابر این زحمت کشی های متوالیهٔ سپه سالار غازی که برای نجات وطن فرموده اند، اظهار ممنونیت داشته مخصوصاً از زحماتیکه به سبب نادانی و یا اصرار بعض اقوام برایشما پیش شده باشد تأسف و صادقانه عرض میکنیم که اکثری از اهالی درین مخالفت کردن خود باشما مرتکب غلط فهمی شده تصور میکنند که این مجاهدات مصلحانهٔ شما به امان الله خان منسوب خواهد بود از ینجهة شما متأثر نشوید و در رفع این مغالطه بکوشید، این آمدن شما را بجاجی ما عموم یک مفخرت بزرگ تاریخی شمرده بیش از پیش با براز هر نوع فداکاری و جان نثاری و پیشرفت افکار و آرزو های شما که در حقیقت سعادت عمومی افغانستان است آماده و حاضر هستیم، چون لشکر های ما مجتمع و حاضر است، تمنا داریم که علی الفور اوامر تانرا اصدار و مفکورات خود را یک آن اولتر اظهار نمائید، تا بتعمیل آن علی العجاله بپردازیم، شاید بتوانیم، در زیر سایهٔ مجاهدات و هدایات شما ذریعهٔ خیر برای وطن شویم »

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 583 of 711

الحق این اظهارات آنقدر مسرت بخش و موجب تسلیت میشد که مطلقاً عموم تأثرات ماضی را از دل میبرد.

صرف مجاهداتِ نادری در فراهم آوری وحدتِ عمومی

سپه سالار صاحب بعد از اظهار ممنونیت ازین احساسات اقوام جاجی مفکورهٔ خود را چنین بیان فرمودند: «من یک گوشه نقشهٔ خود را بشما میگویم اگر در آن چیزی را قابل بحث دیدید بگوئید، و اگر موافقت عمومی حاصل شد باید بالاتفاق بمتابعتِ آن بپردازیم»

«همچنانکه من الی الآن بار بار اظهار کرده ام که این خدمات همدردانه ام صرف جهت پیدا کردن وحدت و اتفاق بوده به احدی منسوب نیست، کنون نیز همان مطلب را تکراراً خاطر نشان میکنم که من بجز از اصلاح وانیت وطن و تشکیل دادن یک سلطنت حسب موافقت ملت مقصدی ندارم»

«سقوط دادن بچه سقو یک امر بی اهمیت است که الآن اگر بتعداد دو هزار ازین لشکر یکه حاضر هستند بطرف کابل بروند، بشما یقین میدهم که بعون الهی در کابل داخل میشوند ولی من در مملکت یک خطر قویتر دگر را می بینم که فکر مرا رفع آن بیشتر مشغول ساخته است و آن عبارت از تشتت و نزاع قومی است که بواسطهٔ آن

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 584 of 711

تمام سوقیات و اقدامات ما معطل مانده است، تا زمانیکه یک وحدت عمومی قومی را در سمت جنوبی نه بینم و در لشکر من نماینده گان تمام اقوام حاضر نباشند من هیچ آرزو ندارم که بکابل بروم »

« بنا برین نظریه پیشتر از حمله بر کابل یک وظیفهٔ دیگری در پیشروی داریم و آن عبارت از اصلاح کردن تشتت و پراگندگی است که در نتیجهٔ جنگ گردیز و بین اقوام پیدا شده، پس اولین کاریکه بنمائید همین است که یک وفد عمومی و بزرگی تشکیل داده فوراً آنرا بطرف گردیز بفرستید، تا دوباره یک وحدت قومی عمومی بین اقوام این سمت پیدا شود، علیهذا القیاس وفد دیگرے بطرف مشرقی ارسال شود، زیرا از اطلاعات اخیرهٔ برادرم محمد هاشم خان معلوم میشود که اقوام مشرقی متفق و لشکرشان آماده است، پس این وفدیکه میرود برای اینست که نقشهٔ حمله را طرفین باتفاق موافقت کرده لشکر عمومی که از همه اقوام مرکب باشد در یک تاریخ بر کابل حمله برند، تا آنچه مقدور باشد پیش آید. »

« سومین کار همین است که یکحصهٔ این لشکر جاجی که حاضر است بطرف دوبندی برای جلوگیری از حوادث ناگهانی رفته در آنجا منتظر اوامر باشند »

سرکرده ها برای تعمیل این اوامر سپه سالار که مفید بودن آن از طرف عموم تصدیق

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 585 of 711

وتائید شد، یک شب مهلت خواستند.

اعزامِ وفودِ بگردیز و مشرقی

وسوقیات بطرف دوبندی

به صبح ۸ سرطان سرکردگان آمده وفدهای خود را معرفی نمودند و نیز لشکری را که بتعداد دو نیم هزار بود، برای رفتن طرف دوبندی که راه آمد و رفت لوگر میباشد تعیین کردند.

سپه سالار صاحب افراد وفد را بنزد خود طلبیده با آنها الی دو ساعت ملاقات و تعلیمات لازمه را با ایشان عطا فرمودند، و بالفعل وفدیکه طرف گردیز میرود مشایعت شده حرکت کرد.

جناب شاه محمود خان به سرکردگی لشکریکه طرف دوبندی میرود معین شده، مسائل مخابرات و ارتباط با مشرقی نیز بایشان مفوض گردید و لشکر ایشان در همین روز حرکت نمود.

بهمین منوال سپه سالار صاحب باوجودیکه منزل دور و دراز و خیلی پرمشقت را طی کرده بودند، از همان دقیقهٔ ورود خودشان تا الحال متوالیاً کار کرده رفتند.

از ۸ الی ۱۴ سرطان معاملات تحریریهٔ سپه سالار صاحب خیلی کسب افزونی کرده است

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 586 of 711

وبعموم اقوام جنوبی و سرکردگان معروف اطلاعات و نصائح و هدایات ضروریه را فرستاده و میفرستند، مخصوصاً توجه شان بطرف جرگهٔ که بنواحی گردیز رفته است معطوف میباشد مراسلات و مخابرات آنطرف را زیاده تر اعتنا میدهند امروز که روز هشتم حرکت وفد است چند سواری آمده و نتائج اجراآت آن وفد را اقرار آتی باخود آوردند :-

وفد مذکور مجردیکه رسید اطلاع بعموم اقوام فرستادند، اجتماع عموم مدعوین در حدود طوطاخیل بیک وضع شیرین بعمل آمد، بعد از یک مذاکرهٔ طولانی معاهدهٔ بدین قرار و در حاشیهٔ قرآن مجید تحریر و بامضاء عمومی تصدیق شد، اینک ما آن قرآن کریم را که بحضور شما اهدا کرده اند باخود آورده ایم .

(مضمون معاهدهٔ وحدهٔ قومی)

وقتیکه جناب محمد نادر خان سپه سالار این قرآن پاک را زیارت فرمودند، در آن این معاهدهٔ آتیهٔ اقوام را دریافتند :-

ما اقوام منگل، احمدزائی، جاجی، گردیزی، در بین خود ها مدعی داری نداشته متفقاً باتفاق دیگر اقوام افغانستان برای پیدا شدن و انتخاب یک پادشاه صحیح عمل میکنیم، ما اقوام ملک وزیر خان جاجی را بمنزلهٔ حاکم و سرکردهٔ خود انتخاب مینمائیم،

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 587 of 711

واز هر طائفه بتعداد ۴۰ نفر بزیر دستی حاکم مذکور مقرر میکنیم تا لشکر اقوام را جمع آوری نمایند هر فرد و هر قوم باطاعت همه اوامر سپه سالار صاحب مکلف میباشد اگر کسی ازین عهد تخلف نمود، بدادن سه هزار روپیه جریمه مجازات خواهد شد علیهذا اگر کسی بمال و جان دیگرے تعرض نماید قیمت مال دو چند از او گرفته خواهد شد واگر بجان احدی تعرض نمود قصاص میشود.

یکتعداد لشکر از عموم اقوام برای محافظت گردیز تعیین شده باقی یک لشکر عمومی دیگر با لشکر حاجی که زیر قیادت جناب جرنیل صاحب شاه محمود خان و امر جناب سپه سالار محمد نادر خان باشند، میفرستیم، اگر کسی خلاف این عهد رفتار نمود کلام الهی خصم او باشد (امضای عموم نماینده های اقوام).

رئیس وفد مکتوب مفصلی با این نسخهٔ قرآن مجید فرستاده بود که دران کیفیت انعقاد جرگه را با مذکرات طولانی آن شرح داده ضمناً نوشته بود: چون اقوام آنجا از محاربات درمیانی و خانه جنگی نادم و نتائج بد آنرا حس نموده بودند، ازین رو در اقناع آنها و پیدا کردن اتفاق عمومی چندان تکلیف ندیدیم، و بکمال موفقیت در عقد این معاهدهٔ کامیاب شدیم اهالی آنجا برای وحدت آماده، و از رفتن سپه سالار صاحب ازین خود شان اظهار تاسف بسیار میکنند، خیلی تشریحات دیگری ازین قبیل در مکتوب خود تذکار نموده بود جناب

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 588 of 711

سپه سالار این معاهده و خبر را با منتهای خوشی تلقی نمودند، چه عادت شان بود که خبر اتفاق اقوام یا چیزی را که با اتفاق اقوام تعلق میداشت به خیلی خوشی می پذیرفتند.

تعیین قوای قومی در قاسم خیل

آن مفرزهٔ که در ۸ سرطان بتعداد دو و نیم هزار نفر بطرف دوبندی بقیادت جناب جرنیل صاحب شاه محمود خان اعزام شده بودند به ۱۰ سرطان در قاسم خیل وصل و بخدمات محولهٔ خود شاغل شده منتظر تعلیمات سپه سالار صاحب بودند.

جناب جرنیل صاحب هم در موقع ملاقات با آن وفدیکه از طرف سپه سالار غازی با هدایات کافی برای رفتن مشرقی تعیین شده بود، تعلیمات لازمه داده مرخص شان فرمود که بریاست شاه جی صاحب بسرعت طرف مشرقی حرکت نمودند، خود جنرال تا زمان آمدن وفد به تنظیم دادن امور لشکر از قبیل اجرای مانوره های حربی و ورزش دادن و دیگر ترتیبات ضروریهٔ عسکری و باز کردن راه مخابره با سرکردگان لوگر که طرفدار سقو نبودند مصروفیت داشتند.

۱۱ سرطان بتعداد ۲۵۰ نفر احمدزائی های (ارز) که در حدود لوگر ساکن هستند با خوانین خود آمده اظهار موافقت و همراهی را بحضور جناب جرنیل صاحب نمودند بشرطیکه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 589 of 711

در حمله سرعت شود، چراکه ایشان بقرب لوگر بوده از ظلم سقویها خائف میباشند، لذا اگر سقویها ازین موافقت شان مطلع شوند طبعاً با ایشان اذیت میدهند جرنیل صاحب بعد از اطمینان دادن بآنها علت معطلی محاربه را که رسیدن لشکر بقیه اقوام و وصول نتیجهٔ وفدیکه بمشرقی رفته است فهمانده وعده دادند که در روز حمله بر ایشان خبر داده خواهد شد تا آماده باشند.

فتح و تسخیر ثانوی خوشی

از ۱۲ تا ۱۹ سرطان حادثهٔ نوی پیش نیامد، تنها در این چند روز در بین لشکریکه در قاسم خیل افتاده خیال حمله بر خوشی که بفاصلهٔ ٤ کروه از انجا است پیدا شد، زیرا در خوشی یک عده عسکر مکملی از بچهٔ سقو موجود است و روز بروز این خیال افزوده میشد در ۲۶ سرطان سرکردگان لشکر بحضور جرنیل صاحب جمع آمده و باصرار خواهش کردند که برای شان اجازهٔ حمله داده شود، در نتیجه یک حصهٔ لشکر آمادهٔ حرکت شده در ۲۷ سرطان مفرزهٔ از این لشکر بطرف خوشی حمله برده بعد از محاربهٔ ٦ ساعت خوشی را تصرف و اسلحه و جباخانهٔ زیادی با یکصد و هفتاد و هفت نفر اسیر بدست آوردند، و بعد از آن لشکر مذکور میخواست بطرف کاریز درویش که مرکز عمومی عسکر سقوی در لوگر بود نیز حمله برند اما گرمی مهلک دشت که دو نفر را بشهادت رسانده بود مانع شده واپس بخوشی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 590 of 711

و از انجا بقاسم خیل مرکز سابق خود آمدند، اسیرها و غنائم جنگ را بحضور جناب محمد نادر خان سپه سالار به علی خیل فرستادند.

حملهٔ مشرقی بر کابل

۲۹ سرطان جرگهٔ که بمشرقی رفته بود واپس آمده اطلاع داد که حصهٔ زیادی از اقوام مشرقی لشکری تشکیل داده و بطرف تیزین حرکت نمودند، تا در آنجا برای روز حمله آماده و تیار باشند، حتی پیشدارهای این لشکر مشرقی نقاط حاکمهٔ خود کابل را هم تحکیم کرده اند، مجردیکه بچهٔ سقو ازین لشکر مشرقی مطلع شد فوراً قوای خود را بطرف منار چکری فرستاده و به اندازهٔ ازین لشکر مختصر مشرقی که هنوز کامل نشده بود مشوش گردید که ادارهٔ محاربهٔ آنرا خودش میکرد، و مسئله را طول نداده مستقیماً در حدود منار چکری بر لشکر مشرقی تعرض کرد، اگرچه برای لشکر مشرقی امر جنگ تا آنوقت صادر نشده بود، وقتیکه تیاری عساکر سقوی را دیدند ناچار بمقابله برآمده و تا حدود کوه هائیکه بر بینی حصار مشرف است (یعنی ۳ کروهی کابل) عساکر بچهٔ سقو را پس پا ساختند، بچهٔ سقو وقتیکه این حالت را دید ناچار ترتیبات محاصرهٔ خود را در ارگ گرفت، اما وقتیکه پیش نیامدن لشکر مشرقی را حس نمود خودش در صدد حمله بردن بر آنها شد، اما در انوقت لشکر مشرقی واپس بجاهای خود عود نموده بودند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 591 of 711

۳۰ سرطان اطلاعات لوگر از چند روز باینطرف این را نشان میدهد که در کاریز درویش بر قوای سقوی افزوده شده است، ازینرو لازم شد که قوای جاجی که در قاسم خیل افتاده است زیاده شده یک حمله هم بطرف خوشی بشود همین بود که این نقشه به جرنیل صاحب فرستاده شد، ایشان که آماده بودند فوراً ترتیبات خود را برای فردا گرفتند.

تشجیع و تحضیض اقوام افغانستان برای نجات وطن

اعزام هیئت ها، تهیهٔ محاربه، خرید ارزاق وسعت تبلیغات

در اوائل اسد برای اهالی قندهار (۱) و هزاره و دیگر نقاط افغانستان حتی باقوام و عشائر سرحد آزاد مکاتیب متحد المآل و نماینده ها فرستاده شد تا بر علیه بچه سقو اقدامات نموده باو معاونتی نمایند و ازینطرف مطمئن باشند که مجاهده دوام خواهد داشت و از عموم شایعات عقب نشینی و مایوسی که بالنسبه سپه سالار صاحب

(۱) سپه سالار صاحب اعلانهای شجاعت آور خود شان را که اسمی اهالی قندهار را مشتاد داده بودند، بواسطه آقای عبدالغنی خان از راه چمن فرستادند هر چند که ابلاغیه های مذکور در وقت مطلوب بدیگر ذرائع بقندهار وصل و اثرات خوبی از ان حاصل شد، ولی مع الاسف آقای عبدالغنی خان را نه تنها حکومت هند از رفتن قندهار مانع شد، بلکه انسداد شدید را در راه پیشرفت او حائل نمود.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 592 of 711

از طرف مغرضین اشاعه یافته بود، تردید و بعموم دانانده شد که بهیچ پروپاگند باور نمایند و منتظر و آماده باشند که عنقریب حملهٔ خیلی مرتب و منتظمی بر کابل شدنی است.

در بیانیه هائیکه در محضر اقوامیکه دسته دسته بحضور شان مشرف میشدند نیز میفرمودند موعدیرا که برای شروع کار تخمین کرده بودم رسیده است، باید سرازین هفته بترتیب حملات اخیر پرداخته شود، برعلاوهٔ آن سپه سالار صاحب مجلسی را از هیئت عمله و سرکردگان اقوام ترتیب داده دران قرار آتی باظهار افکارشان پرداختند:-

پیشتر اظهار کرده بودم که منظور مهم من پیدا کردن یک وحدت عمومی میباشد و یگانه مقصودم در هر کاریکه اقدام مینمایم همین میباشد که عموم اقوام و یا اغلبیهٔ شان دران شرکت و موافقت داشته باشند، اینک بفضل خداوند می بینم که وضعیت امروز باهمان آرزوهای من موافق آمده است.

در حدود طوطاخیل و رود احمدزائی و دیگر اقوامیکه با آنها متصل میباشند اتفاق تام پیدا شده لشکرهای شان که پیشتر برای تنظیم آنها سید شریف خان را فرستاده بودم جمع شده و متوالیاً مکاتیب آماده گی و استعداد اقوام رسیده میرود.

علیهذا القیاس امروز لشکر چمکنی و جانی خیل قراریکه خود دیدید با جوش و استعداد تمام حاضر شده اند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 593 of 711

تمام اقوام قندهار مخصوصاً اچکزائی های شجاع تمدار بسرکردگی مهردل خان برای نجات وطن و تعمیل اوامرم بنای تجمع و توحد گذاشته اند.

مردم هزاره که از اول بمخالفت دزدان تصمیم کرده اند از گرفتن ابلاغیه های من خیلی جدی شده اند.

در اقوام مشرقی هم از مساعی اخوی محمد هاشم خان و محمد گل خان یک روح و روان تازهٔ دمیده شده به سقوط فجائع سقوی داخل اقدامات اند.

اغلباً آن دعوتنامه های من که به فراه، هرات، میمنه، مزار، قطغن وغیره فرستاده ام نیز بی اثر نخواهد ماند.

همچنین در دیگر اقدامات خود که بهر طرف نموده ام آثار موفقیت و کامیابی را بفضل الهی مشاهده میکنم.

لذا باید سر از فردا الشکر جاجی بجمع آوری شروع کنند تا بمعاونت خدای قدیر بتطبیق دادن نقشهٔ اخیر خود بپردازیم، فی الحال از نقشهٔ خود اینقدر توضیح داده میتوانم که حمله بر کابل باید از چند طرف مختلف شروع شود، زیراکه امروز قوای سقوی از خود کابل تا لوگر و گردیز در نقاط مختلف منتشر و متمرکز هستند.

از ینرو ما هم مجبور هستیم که میدان محاربه خود را وسیع بگیریم، همین است

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 594 of 711

که فردا مع الخیر یک هیئتی بطرف میرزکه برای خریداری غله و آذوقه حرکت نماید فعلاً مبلغ ۴۰ هزار روپیه را (۱) ارزاق خریداری و در میرزکه گدام نمایند.

بعد از رفتن این هیئت، لشکر چمکنی و جاجی که فردا میرسد بطرف میرزکه رفته و در آنجا باتفاق دیگر لشکرها، گردیز و نواحی آنرا از پنجهٔ قوای سقوی خلاص نموده از انجا از راه تیره به لوگر بیایند و نیز باید یک هیئتی برای آوردن لشکر اقوام وزیری عزیمت کند (۲) این نقشه از هر طرف به تهلیل و تکبیر و دعای موفقیت تلقی شده بعد از ان در اطراف تقسیم وظائف و تعیین اعضای هیئتی که صبح باید برای خریداری غله برود و دیگر مطالب مذاکره شد، ریاست مفرزهٔ میرزکه به جناب جرنیل صاحب شاه محمود خان تفویض گردید.

به صبح ۵ اسد هیئتیکه برای خریداری غله معین شده اند حرکت نمودند، جرگهٔ عموم اقوام جاجی برای گذاشتن قواعد جمع آوری لشکر منعقد گردید، طرف عصر مبلغ چهار هزار روپیه به نور محمد خان غند مشر عسکری خوست (۳) برای

(۱) این مبالغ و دیگر وجوهیکه سپه سالار صاحب از ان مصارف ضروریه را انجام میدادند اغلباً از اعانهٔ ذوات، وطن دوست قروض تشکیل شده بود که بعد از فتح کابل تمام آن با ممنونیت یکی بعد از دیگری از طرف حکومت تادیه شد.

(۲) هیئت عبارت از جنابان مولوی اسد نواز خان و محمد نواب خان، جانگل خان، عبدالرحیم خان و فیض محمد خان بود که در ۱۴ اسد از جاجی رفتند.

(۳) در چهاونی خوست ذخیرهٔ مکمل اسلحه و جباخانه موجود و سپه سالار صاحب را مع بصیرت آن از تعرض و تصرف سقویها ترغیبات زیاد دیر اگرفته بودند و حتی الامکان غله و دیگر ضروریات عسکری خوست را تهیه و ترسیل مینمودند در اثر این مراقبت نادری و فعالیت صاحبمنصبان نظامی آن، سقویها با وجود جد و جهد الی اخیر توانستند که از ان مخزن توانگر استفاده بنمایند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 595 of 711

مخارج عسکری آنجا و دیگر مصارف ضروریه فرستاده شد.

امروز جناب محمد گل خان با یکعده نماینده های جاجی برای تجدید حرکت در مشرقی عزیمت نمودند.

نشر و اشاعهٔ اخبارِ "اصلاح"

هرچند حضرت عالی محمد نادر خان غازی از بدو نزول شان از جهاز به خشکه سلسلهٔ نشریات شانرا آغاز، و چندین دعوتنامه های اصلاحیه را بالسنهٔ مختلفه در جرائد متنوعه راجع باصلاح حال و آتی مملکت افغانی انتشار داده اند، ولی بمجرد دخول در خاکِ وطن بیشتر سلسلهٔ نشریات و تبلیغاتِ شانرا ترقی داده دائماً مواعظ و نصائح نافعهٔ وحدت ملیه را بعامهٔ اهالی تبلیغ و اعلانهای خیر اندیشانه و مکاتیب مصلحانه را بعموم نقاط افغانی ترسیل میفرمودند که قارئین محترم در اثنای خواندنِ واقعات گذشته ازین منشوراتِ نادری مطلع شده اند.

درینموقع که مغرضین پروپاگند طرفداری امان الله شاه را (که جداً در انظار عمومی منفور بود) به سپه سالار غازی زیاده تر مشهور نموده بودند و محض بهمین اتهام عصبهٔ دزدان ظلام قوه و قدرت تامی را اشغال کرده بودند و در راه موفقیت و کامیابی سپه سالار غازی انواع اشکال از هر طرف دیده میشد، جناب محمد نادر خان سپه سالار

(c) ketabton.com: The Digital Library

این عکس ازهان ماشین « سانیکلوستائل » است که در طول مجاهدات جناب « محمد نادر خان غازی » در راه نجات وطن خدمات بزرگی را در نشریات وامور تبلیغیهٔ نادری انجام داده است برعلاوهٔ آن تمام شمار های جریدهٔ شریفهٔ « اصلاح » را هم در موضع « جاجی جنوبی » چهاپ می نمود. این ماشین که یك نفر آنرا با تمام لوازمش بدرستی حمل ونقل کرده میتواند ، از هر کاپی خویش الی سه هزار نسخه را بخوبی طبع میکند.

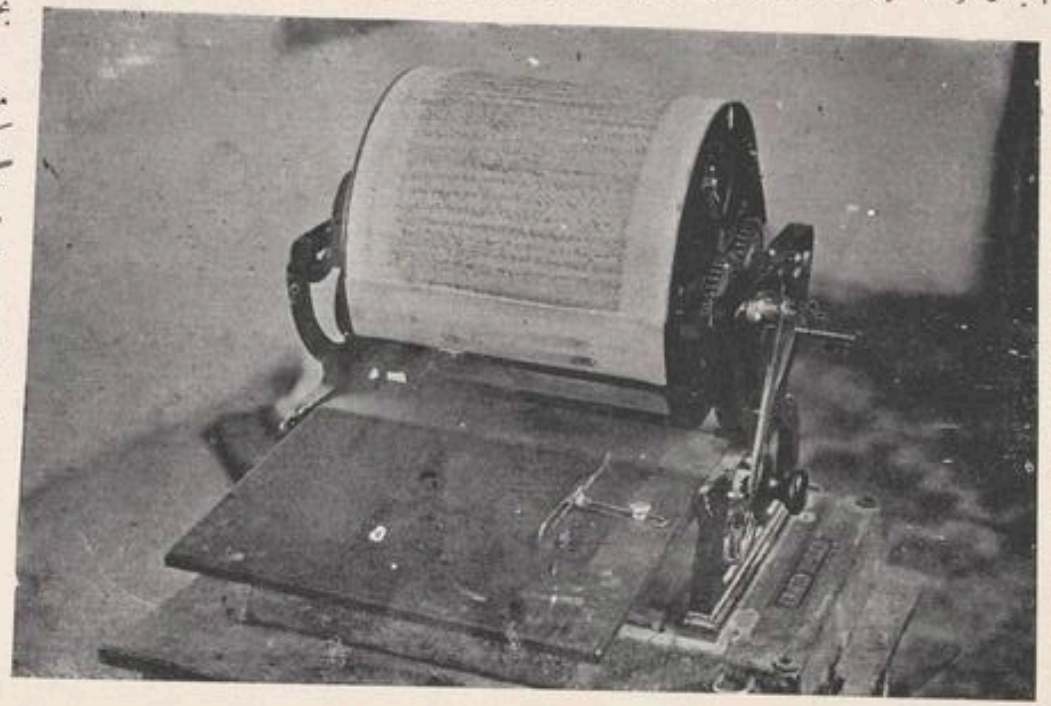

همهٔ آن تحریرات و منتشراتی که ازین مطبعهٔ کوچك در منصهٔ اشاعه گذاشته می شد حسب هدایات وطنخواهانهٔ جناب محمد نادر خان خیر اندیش از قلم آقای میرزا محمد یعقوبخان و آقای میرزا محمد نوروز خان تراوش میکرد ـ وتنظیفهٔ کتابت و طباعت آنرا مولوی محمد یعقوب صاحب هندی انجام و اهتمام می نمود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 598 of 711

عزم و تصمیم نمودند تا در حلقهٔ مجاهدات شان نسبت به پیشتر وسعت افزونتری بدهند و سلسلهٔ تبلیغات شانرا به پیمانهٔ بلندی در منصهٔ اشاعه بگذارند از اینجهة از اول برج اسد طوریکه قبلاً مرقوم شد در نشر و اشاعهٔ اعلانهای شجاعت آور و مکاتیب متحد المآل غیرت افزای که عامهٔ ملت و تمام متنفذین افغانستان را بسوی نجات وطن دعوت مینمود بیک تعداد مکفی افزودند بر علاوهٔ آن یک اخبار قیمتداری را بنام «اصلاح» که هفته وار از جاجی بصورت مجانی بتعداد کافی در مطبعهٔ دستی (سایکلوستائل) طبع میشد در محل افادهٔ عمومی گذاشتند.

اگر از نقطهٔ نظر انصاف گفته شود این اخبار در تشجیع اهالی و تحریص عمومی رفع توحش سقوی خدمات بزرگی را انجام داد. مراتب محبوبیتش ازین مسئله قیاس کرده میشود، که با وجود سخت گیری و مظالم لایتناهی حکومت سقوی که بالنسبهٔ عامهٔ تبلیغات نادری مخصوصاً نسبت باین اخبار اصلاح داشت، بمجردیکه کدام نسخهٔ آنرا یکی از احرار افغانی بکدام ذریعهٔ مخفی میگرفت، علی الفور از روی آن بقلم و چاپ و غیره وسائل نشر به نقل ها و کاپیهای متعدد را گرفته به اشخاص و نقاط لازمه نشر میکردند.

اینک راقم الحروف جهة استطلاع ناظرین از جذبات قابل قدر نادری

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 599 of 711

و خدمات مهمهٔ قلمی "اصلاح" اولاً آن سرمقالهٔ افتتاحیهٔ او را که الآن خواندنش هر وطنخواه را دلفگار میسازد و در عین زمان از آن طرز عمل و گفتار سپه سالار که از بدو ورود شان الی الآن تقریراً و تحریراً از آن تذکار میفرمودند نیز بعامهٔ ناظرین اشعار میدهد ذیلاً نقل و اقتباس میکنم :-

بسم الله الرحمن الرحیم

«اغراض و مقاصد»

جریدهٔ ما برای اصلاح افکار، و خیالات عوام (که حقیقتاً اطفای آتش خانمانسوز انقلاب و فراهم آوردن امنیت و رفاهیت عامه در افغانستان مقصود است) هفته وار رایگان نشر و اشاعه میشود، جریدهٔ ملی ما اصلاح افکار ملت، خاتمهٔ انقلاب، انسداد مسلمان کشی، نصب امام، بوجود آمدن حکومت عادلانهٔ اسلامیانه، اتحاد و اتفاق اقوام را خواهشمند است، از احزاب موجوده طرفدار هیچیک نیست، و نه طرفداری اشخاص را در نظر دارد تازه ترین حالات انقلاب را قارئین محترم ازین جریده گرفته میتوانند، بنابرین مسلک جریدهٔ ملی ما که خود را خادم ملت و طرفدار اسلامیت و حقانیت و خیرخواه قوم دانسته برای وطن و ملت خود اصلاح طالب، و خود را بمعاصرین خویش بعنوان "اصلاح" معرفی کرده

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 600 of 711

از خدای کریم برای تحمل این خدمت بزرگ توفیق و استعانت میطلبد. وبالله التوفیق»

انقلاب و مفاد آن

«انقلاب کلمه ایست که در موقعیکه در وضعیت اشیا تبدیلی واقع یا فیما بین عوام آثار هیجان و شورش پیدا شود، در اثر این حوادث کلمهٔ انقلاب را استعمال مینمایند در صفحهٔ دنیا طلبیکه انقلاب میکنند اجراآت زمامداران حکومت خود را برخلاف مسلک و مفاد خود دانسته بر علیهٔ آن شورش مینمایند، تا زمامداران و رؤسای حکومت اجراآت خود را تبدیل نموده موافق مفاد ملت رفتار کنند.»

حوادث نامرضیهٔ انقلاب افغانستان

«انقلاب موجودهٔ افغانستان ممکن است ازین اسباب سببی خواهد داشت ما به علل و اسباب انقلاب موجوده بحث نمیرانیم، زیرا که صفحات جریدهٔ ما گنجایش آنرا نداشته و درینوقت وظیفهٔ مهمتر از آن که اصلاح انقلاب است موجود داریم اما تکلیف افراد ملت را درینوقت ایضاحات و بیان میکنیم تا ازین نقطه بطرف مقصد خود پیشرفت کرده بتوانم.»

«انقلاب موجودهٔ افغانستان از هر جهت و هر سببیکه بود از افق مشرقی کابل رونما گردیده ملت بر علیه حکومت شورید.»

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 601 of 711

متعاقباً اهالی سمت شمالی هم شورش نموده از جهة قربت اوشان به مرکز حکومت بشهر کابل حمله آور شدند، دیگر اهالی افغانستان اگرچه علناً انقلاب نکردند اما بحکومت نیز امداد نکرده پادشاه خود را به خلع کردن مجبور ساختند.

اهالی سمت مشرقی باوجودیکه مصدر انقلاب و در وسعت و قوت و تعداد نفوس بیشتر از سمت شمالی بودند، بلحاظ اینکه سرکردگان شان اشخاص با مسلک و با دیانت و فی الجمله عالم بودند به خلع پادشاه اکتفا کرده از حد خود تجاوز ننمودند اهالی سمت شمالی که درین انقلاب باوجود دارائی اشخاص فعال و عالم و با ناموس بچه سقو دزد شیر مشهور بالفساد قطاع الطریق معروف، نادان جاهل را برافراشته در تحت لوای سارقین بکابل حمله آورده در حالت ضعف حکومت، کابل را اشغال کردند، به اطاعت این دزد فاسق مجبور مانده به امامت این رذیل نیز طوعاً کرهاً تن داده خود را بدنام عالم و تاریخ افغانستان ساختند.

بچه سقو شیر طامع که سالها در کوه ها و صحرا ها مسکن گزین بود و بحالت سبعیت امرار حیات کرده از طرف شبها نیز به آبادی آمده نمیتوانست، درین وقت اهالی یک سمت را بخود طرفدار یافته و مرکز حکومت و خزائن و ذخائر بیت المال را بدست خود دید، پادشاهی مسلمانها و حفظ جان و مال و شرف و ناموس اهالی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 602 of 711

ملت و حراست مملکت و تأمین امنیت و رفاهیت عامه را امر آسان پنداشته خود را پادشاه اعلان و دست بخزائن و مال حکومت دراز کرد، هم مسلکان خود را روی کار آورده بعضی صاحبان رسوخ ملت را که از حکومت سابق آزرده گی داشتند نیز با خود رفیق ساخت.

چون اطاعت تمام ملت افغانستان به این شخص رذیل از غیر ممکنات بود به اطراف واکناف افغانستان به سوقیات عسکر شروع نموده تا جائیکه به تحت تصرف این ظالم غدار آمد، در چور و چپاول و بیناموسی اهل و عیال و قتل نفس مسلمانها دریغ نکرده ملت را تباه و حکومت را برباد، و مال بیت المال را تلف ساخته افغانستان را در انظار ملل عالم بدنام و منفعل ساخت.

نه ماه میشود که در افغانستان انقلاب برپا است، و هفت ماه شده که این دزد ظالم شهر کابل را اشغال و اعلان امارت نموده، در دو ماه اول انقلاب به سمت شمالی و سمت مشرقی محدود بود و بعد از اثر اعلان امارت این مخرب حقیقی افغانستان در تمام افغانستان آتش انقلاب افروخته شده خزانه ها، جبا خانها میکزین ها، جمیع مال بیت المال مسلمانها تلف، جوانان رشید ملت به خاک و خون غلطان، مامورین و شرفای ملت به انواع مظالم مقتول و محبوس

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 603 of 711

زندان، مال و ناموس افراد ملت چور و تاراج دزدان و فاجران گردید امنیت ورفاهیت از تمام نقاط افغانستان سلب، خاندانهای شریف پناه گزین کوهها و صحراها شدند، امروز در تمام نقاط افغانستان سکون و آرامی نیست کدام خانه خواهد بود که دران ماتم نباشد؟ کدام فرد از افراد افغانستان مانده است که متأثر نشده باشد؟ سرمایهٔ تجار تباه و برباد، تجارت مسدود، کاروبار بند، کاسبین بیکار، طرق و شوارع ملک مساکن دزدان واره مار شده، سیاحت و مسافرت از مشکلات، شب خوابیدن در خانه از تعجبات است.

اینست نتیجهٔ زمامداری دزد فاسق که افغانستان عزیز ما را به غرقاب فنا سوق داده بکلی محو و نابود مینماید (لاوقع الله)

ازین وضعیت ظاهر است که در انقلاب، دیگر ملل عالم مفاد میگیرند ما از انقلاب خرابی و تباهی حاصل کردیم، پادشاهی ما آلهٔ ظلم و ستم دزدان و فاسقان گردید، به عبارتِ دیگر حکومت مقدس ما را بچهٔ سقو دزدیده بورطهٔ بربادی انداخت فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ.

تکلیف ملت افغانستان

ای ملت افغانستان! وای برادران مسلمان! وای اخوان اهل ایمان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 604 of 711

بشنوید و از خواب غفلت بیدار شوید ، روز بروز وطن و ملت ما بطرف خرابی میرود، برای مفاد شخصی مخربان وطن و قوم خود، جان و مال خود را نثار کرده خود را در پنجهٔ استبداد دزدان و فاسقان گرفتار مینمائید، چرا بحال خود نظری و در حق برادران مسلمان خود رحمی و بجان فرزندان و برادران جوان که بدون سبب هدف گلولهٔ تفنگ میشوند ترحمی نمیکنید، تا کی بخرابی خود و وطن خود کمر بسته اید؟ تا کدام موقع این دزد شیر رتباه کنندهٔ بنی نوع خود را وقت و فرصت داده اید؟ چرا در حق خود و برادران مسلمان خود ظلم میکنید آیا خصلت و وصف امام مسلمانان را میدانید؟

اوصاف لازمهٔ امیر

امام یعنی پادشاه باید بخصائل حمیده و اوصاف پسندیده متصف باشد، عالم، عامل، متدین، متقی، خیرخواه قوم، ماهر سیاست سلطنت، مدیر ادارهٔ حکومت بوده به ملت همدردی داشته مفاد خود را بر مصالح ملت ترجیح نداده در آبادی ملت و ارتقای مملکت بکوشد.

آیا لائق پادشاهی کسی شده میتواند که جوانان ملت را قربان اغراض شخصی خود نموده برای استحکام مقصد نامشروع خود آنها را با برادران مسلمان شان جنگانیده ملت را خراب و مسلمان کشی را رایج نماید؟ آیا سزاوار امامت کسی است که خزانهٔ

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 605 of 711

وذخائر اسلحه و جباخانهٔ بیت المال را بمصارف قتل و قتال مسلمین رسانیده در داخل وطن فیمابین اقوام دشمنی ابدی را تولید کند .

آیا امارت مسلمانها بچنین شخصیکه بتکلیف ملت متأثر نشود و بخرابی و تباهی وطن باک نداشته باشد، بچه معنی جائز و مشروع خواهد بود ؟ آیا ریاست مسلمین بشخصیکه به مأمورین و عسکر خود نفوذ نداشته باشد، مأمورین و عسکر خارج دائرهٔ اطاعت او باشند بچه صورت داده میشود ؟ آیا سلطنت اسلامیان بکسیکه جاهل مطلق باشد امین و خائن را تفریق نتوانسته در امور جزوی و کلی بشخص دیگر محتاج بوده امورات مهم سلطنت را بدون واسطهٔ دیگری دیده نتواند سزاوار است ؟ آیا شخصیکه در عین تصرف زمام حکومت فعل شنیع سرقت را اجرا نموده خانه های رعیت ثروت دار را دائماً غصب و نهب و تاراج نماید ادارهٔ حکومت را چه سان متکفل میشود ؟ آیا کسیکه مصروف خواهشات نفسانی و مقاصد شهوانی خود بوده جبراً و کرهاً بمال و ناموس مسلمانها تصرف مینماید، چطور ملت را از فاسقان و فاجران محافظه کرده میتواند ؟ آیا صاحب تصرفیکه دزدان و غداران و فاسقان و بدکرداران را که عمرشان برذالت گذشته باشد، و صلاحیت و اهلیت در وجودشان موجود نباشد، به عهده های بزرگ حکومت مقرر کرده هریک را بمأموریت مختار تعیین نموده رمهٔ را بدست گرگان و اختیار قتل را بدستشان داده است از تکلیف ملت چه واقفیت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 606 of 711

حاصل خواهد کرد؟ امروز ملاحظه کنید که دزدان و فاسقان مشهور بالفساد و قطاع الطریق معروف که هزارها نفس را قتل و هزارها خانه را غارت کرده اند، و در محاکم شرعیه بقتل و اعدام شان حکم صادر شده فرار و کوه گریز بودند، عهده های بزرگ را اشغال کرده نگهبانِ ملت سارقان و نگهبانانِ رمه گرگان گردیده اند.

صورت انتخاب امام

شما به اساس اسلامیت و قرن اول اسلام نظر کرده غور کنید، که انتخاب امام برضای قوم است یا قبولیت امام به جبر و اکراه؟ بدانید که امام از صلحای قوم انتخاب میشود، نه که از اشقیا و جهال امام باوجود دارائی اخلاق و اوصاف نیک برضای قوم از طرف قوم انتخاب میشود، و اجرآآتش موافق حکم کتاب الهی و سنت رسالتپناهی صلی الله علیه وسلم میباشد.

بعد از رحلتِ حضرتِ رسالتپناهی صلی الله علیه وسلم که جناب سیدنا حضرت ابوبکر صدیق رضی الله تعالی عنه به امامت مسلمین انتخاب گردیدند، انتخاب شان برضای صحابهٔ کرام رضی الله عنهم و اتفاق و اجماع امت بود؟ یا کدام فرد از افراد یا نقطه از نقاط اسلامی را به زور شمشیر به اطاعت مجبور ساخته بودند؟ بعد از وفات حضرت صدیق اکبرؓ خلافت و امامت حضرت سیدنا عمر فاروق رضی الله عنه به اتفاق و اجماع امت بود

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 607 of 711

یا مسلمانها را کرهاً به اطاعت شان مجبور کرده بودند؟ انتخاب امام برضای قوم وشخص امام از صلحا و شرفای قوم که اعتماد عامه را دارا بوده محل اطمینان قوم واقع شود لازم است .

ضرورت اتفاق به ملت

درصورتیکه در دین ما و شما انتخاب امام برضای قوم مشروط و برای شخص امام اهلیت و صلاحیت امامت لازم است و در انتخاب امام جبر و کره نیست، ما و شما چرا این سفاک رذیل معروف بفساد را جبراً و قهراً مطیع شده خانهٔ خود را بدست خود خراب نمائیم، و برادران مسلمان خود را به اطاعت و انقیاد این مخرب دین و دنیای خود مجبور کرده برای تقویت مقصد نامشروع این ظالم، مسلمان کشی و تباهی ملت خود را روادار شده حیات خود و برادران مسلمان خود را در تهلکه اندازیم و بدست خود جان و مال و ناموس خود را بدست گروه اشقیا بدهیم که اغراض شخصی و مقاصد شهوانی خود را در معرض اجرا بیاورند .

وسیلهٔ که ما و شما را از شر این ظالم نجات داده میتواند اتحاد و اتفاق است، ما ملت افغانستان مجبور هستیم که متحد و متفق شده به عزم راسخ و ثبات و استقامت برای حفظ شرف و ناموس و جان و مال و وطن و ملت خود کمر همت بسته کنیم درصورت اتفاق و اتحاد

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 608 of 711

همانروز گوهر مقصود در کف و شاهد مطلوب در آغوش ماست، و همانروز این دزد شیر بدست ما گرفتار شده بکیفر کردارش خواهد رسید، امروز که این طاغی بدبخت مرکز سلطنت ما را اشغال نموده و در افغانستان نائرهٔ جدال و قتال را گرم کرده برادران مسلمان ما را قربان اغراض نامشروع خود مینماید، از بی اتفاقی ما ملت استفاده کرده است، اگر مثل حالت موجوده ما ملت بی اتفاق بوده به غم و درد یکدیگر شریک نشویم و از مفاد ملت مفاد خود را بجوئیم شک نیست که تا مدت طویل این آتش انقلاب خاموش نخواهد شد.

ای ملت با غیرت دلاور! اتفاق کنید متحد شوید! ای علمای کرام و مشائخ عظام و سادات ذوی الاحترام! و ای صلحای قوم، ملت را به اتفاق و اتحاد توصیه کنید! ای محررین و صاحبان قلم، ملت خود را به مقاله های مؤثر بیدار کرده بمنافع و مضرت شان بفهمانید! ای ثروتمندان وطن، ملت را برای حصول مقصد مقدس شان که فرونشاندن آتش انقلاب است امداد نمایید! ای خوانین و ملکان و صاحبان رسوخ قوم، ملت را به خرابی و بربادی شان فهمانده و از مفاد جزئی صرف نظر نموده مظالم فاسقین و خرابی مسلمین را به ملت خاطرنشان نمائید! محضاً لله هر کدام تان وظائف مهمهٔ خود را اجرا نموده، اتفاق و اتحاد حاصل کرده به یکباره گی هجوم برده این دزد ظالم

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 609 of 711

بدخواه وطن و قوم خود را بجزای اعمالش رسانیده باساس شرع شریف و دین حنیف اسلام در مرکز سلطنت اجتماع نموده یکشخص صالح شریف متدین مسلمان صادق وخیرخواه قوم را که ادارهٔ افغانستان را کفالت کرده بتواند به پادشاهی خود انتخاب کرده جان و مال و ناموس خود و برادران مسلمان خود ها را در امن آورده این انقلاب نامرضیهٔ افغانستان را خاتمه بدهید و به استراحت و آرامی و رفاهیت زندگانی کرده این ایام تاریک و منحوس را ختم نمائید، تا از نزاع خانگی فارغ شده با دوستان خود دوستی و از شر و ضرر دشمنان خویش خود را محافظه کنید، از گرداب فنا بساحل نجات رجعت کنید، بدانید که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: "اَلَا کُلُّکُمْ رَاعٍ وَکُلُّکُمْ مَسْئُوْلٌ عَنْ رَعِیَّتِهٖ" ترجمه: هریکی از شما چوپان است و هر چوپان در باب رعیت خود مسئول میباشد. (۱)

جرگهٔ اقوام

خوانین، ملکان، ریش سفیدان، نمایندگان اقوام بابکرخیل، جبارخیل کروخیل، سائر شعبات احمدزائی، موسی خیل، جانی خیل منگل، گردیزی، چکنی، مقبل، استیا، اقوام جاجی، خوشی، و بعضی اقوام لهوگر، نمایندگان

(۱) منقول از شمارهٔ اول جلد اول اصلاح تاریخی یکم ربیع الاول ۱۳۴۸ مطبعهٔ جاجی جنوبی، این سرمقاله از خامهٔ رقت اندوز آقای میرزا محمد نوروز خان میباشد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 610 of 711

اقوام خوست و وردک و مشرقی بتاریخ ۲۵ صفر المظفر در علی خیل حاجی جرگه انعقاد نموده تجاویز ذیل را به اتفاق آرا منظور نمودند :-

(۱) - همهٔ این اقوام از جملهٔ سه نفر دو نفر را برای شمولیت به لشکر قومی بفرستند.

(۲) - برای اجماع لشکر (حربکی) از مجلس قومی انتخاب و مقرر شد.

(۳) - کسانیکه در داخل شدن به لشکر معطلی کنند به تجویز مجلس مرتبهٔ اول و دوم جزا داده میشود و در مرتبهٔ سوم سه هزار روپیه جزای نقدی.

(٤) - اشخاصیکه نزد بچهٔ سقو یا سقاویان بروند، یا ارسال و مرسول نمایند و با آنها روابط قائم کنند، یا در لشکر بصورت خفیه از سقاویان طرفداری کنند، و اینرا اقوام محسوس کنند و قرائن پیدا شود یکهزار روپیه جزای نقدی و اخراج از قوم.

(۵) - اشخاصیکه اطاعت حربکی قومی را نکنند از مجلس قومی جزای شدید تعیین و به اینچنین اشخاص تطبیق داده میشود.

(٦) - کسانیکه علناً طرفداری سقو یا را نماید و بصورت قطعی به اثبات برسد، اعدام

(۷) - کسانیکه به قتل دیگری بنا بر کدام خصومت اقدام نماید قصاصاً اعدام، اگر خود را پنهان و فرار کند از اقربایش هفت هزار روپیه جزای نقدی.

(۸) - اشخاص فراری که درینوقت به لشکر قومی شمولیت بخواهد بعد از دادن ضمانت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 611 of 711

قبول میشود، اما بقبول مواد فیصلهٔ هذا خودش و ضامنش مکلف خواهد بود.

(۹)- کسانیکه بشخص فراری ضرر برسانند جزایش مثل مادهٔ ۷.

(۱۰)- اگر کسی بمال کسی دست درازی کند یا در وقت گرفتن مال غنیمت بر کسی تعدی نماید وجبراً وجه دیگر را بگیرد یکهزار روپیه جزای نقدی.

(۱۱)- اشخاصیکه پیش ازین مال کسی را گرفته باشند فی الحال بمالک آن مسترد نمایند اگر مسترد نکردند فیصلهٔ آن بعد از کامیابی میشود، زیرا که اینوقت امر مهم پیش رو داریم و مشغولیت باین امور مناسب دیده نمیشود.

(۱۲)- از مال غنیمت تفنگ و کارطوس را هر کس را با خود گرفته میتواند برای مال ها تحویلدار مقرر و مال غنیمت اشخاص بتحویل تحویلدار میشود، اگر کسی برای آوردن مال غنیمت از لشکر جدا شود و بطرف خانهٔ خود بیاید پنجصد روپیه جزای نقدی.

(۱۳)- انتظام خوراک لشکر را هر قوم حتی الامکان مینماید.

(۱۴)- از اقوام سمت جنوبی نمایندگان شان بسمت مشرقی بروند، تا اتحاد و اتفاق اقوام جنوبی را با اقوام و لشکر سمت مشرقی استحکام بدهند (۱)

---

(۱) منقول از صفحهٔ ٤ شمارهٔ اول جلد اول (اصلاح) منطبعهٔ جاجی، مورخهٔ غرهٔ ربیع الاول سنه ۱۳٤۹ قمری

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 612 of 711

مرحوم علی احمد خان والی که در قوس ۱۳۰۷ رئیس تنظیمیهٔ

سمت مشرق مقرر شد و در اواخر جدی دراینجا اعلان سلطنت نمود و بعض ملوقداری از حکومت امانی
در ۱۲ دلو ۱۳۰۷ سلطنتش سقوط کرده ازراه هند عازم قندهار شده درآنجا ازطرف شاه مطلوع تحت مراقبت گرفته شد
در موقع حرکت امان الله شاه خارج قوماندان عمومی عساکر جنگ مقرر شده تکرار اعلان پادشاهی
خود را درقندهار هم نمود ولی بازدراثر عمل مظنونیت والی بطرفداری حکومت امانی که تا ملت بالوشدیداً مخالفت داشتند
بدست سقویها گرفتار شده بشرحیکه در حاشیهٔ صفحهٔ ۵۲۸ مرقوم است شهید شد .

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 614 of 711

چند مواد خبری دگر (اصلاح) را هم که بلا نهایه درد انگیز و رقت افزا است بطور مثال فعلاً انتقال میکنم، تا شاهد و نمونهٔ عموم مندرجات آن بوده ناظرین دگر مندرجات آنرا بهمین دیده قیاس کنند.

شهادت علی احمد خان والی (۱)

جناب سردار علی احمد خان که یکشخص با غیرت و فدائی وطن بود، در اثر مجاهدت و فداکاری در راه وطن از دست این دزدان غدار جام شهادت را نوشید، انا لله وانا الیه راجعون از خدای متعال برای این شهید راه ناموس و استقلال وطن طلب مغفرت و برای بازماندگانش اجر و صبر جمیل مسئلت مینمائیم.

اگرچه این شهادت شهید ممدوح یکی از قربانی هائی است که در جملهٔ پروانه ها و عاشقان سوختهٔ وطن یک حصهٔ بزرگی را در تاریخ دنیا حاصل و حیات ابدی را نائل گردیده، ما او را در جملهٔ اموات حساب نمیکنیم ؎ زندهٔ جاوید ماند هر که نکو نام زیست.

(۱) در صفحهٔ (۴۶۸) از تقرر والی بحیثیت وکیل شاه مخلوع و عدم موفقیتش بواسطهٔ فرار شاه و منفعلی قوای ملکی و سپاه و از جهت او بطرف قندهار تذکار دادیم همان بود که والی تکرار اعلان پادشاهی خود را انتشار داده در صدد دفاع از آن دیار با قدامات قیمتدار آغاز کرد ولی بواسطهٔ تنفر عمومی اهالی قندهار که از شاه مخلوع بواسطهٔ فرار مخفی او پیدا و خدمات والی را بر له حکومت او می پنداشتند بجز موهلت قوای سقوی، بعد از جنگ شدید که طرفداران والی با او در مهند نمودند اهالی آنجا نه تنها از معاونت او منصرف شدند بلکه افراد که شدیداً از امان الله خان متنفر بودند، او شانرا مع الاسف دستگیر و بدشمن سپردند و از قندهار این شخص شجاعت مدار بشرحیکه قلم را اشکبار میسازد کابل اعزام و بیک وضع رقت افزا بعد از انواع تحقیر و تشهیر لقمهٔ توپ شده این دزدان وحشت میان این او ضلع چنگیزی خود بر حزن و تأثیر عمومی افزودند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 615 of 711

ولی افسوس ما به اینست که جناب علی احمد خان شهید یکی از جملهٔ اشخاص فعّال و وسر برآورده های ذیقوم افغانستان و از افاغنهٔ درانی بود، و پس از خارج شدن امیر امان الله خان (برای حفظ شرف و ناموس اقوام درانی و دیگر افاغنه و پایتخت حضرت احمد شاهی سر سلسلهٔ سلاطین درانی) شهر قندهار را که به بیعت وقبولی خود قوم درانی میخواست ازین غاصبان و خائنان حفاظت نماید اقوام آنجا بعوض اینکه با معاونت و به پیمان و بیعت خود استواری، ثبات مجاهدت نمایند، معزی الیه را تنها گذاشته اسیر غاصبان و دزدان سقوی ساختند، تا که آن خائنان بیرحم خراب کنندهٔ وطن و ملت افغانستان او شانرا شهید کردند، بلی این دزدان کجا میگذارند که اشخاص مهم مملکت که برای وطن خدمتی میتوانند در قید حیات باشند.»

مگر نمیدانیم که بعض ناعاقبت اندیشان ازین بیروتی و دون همتی که تا حال تاریخ دنیا از هیچیک قوم بی نام و نشان این را نشان نمیدهد، چه منفعت را زیر نظر گرفته بودند(۱) امید است که اکنون حالات و واقعات چشمدید خودتان شما اقوام باغیرت درانی را

(۱) اخیراً معلوم شد که این مخالفت قندهاریها محض بواسطهٔ مخالفت و معاندت عمومی که با حکومت امانی در اثر اوضاع اخیره و رفتن مخفیانهٔ او بوجود آمده بود واقع شده است.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 616 of 711

دارای جذبهٔ ایثار و برای رفع این لکهٔ بدنامی تاریخی که از دون همتی چند نفر شهریهای قندهاری بدامن پاک همه اقوام درانی رسیده مستعد و آماده ساخته باشد.»

«اصلاح: از ایزد منان برای قندهاریها توفیق میخواهد که نام ناقوم درانی را در تاریخ افغانی لکه دار نگذاشته با آب غیرت و همت خود آنرا بشویند و نام آبا و اجداد خود شان را که صفحات تاریخ شرق از غیرت و فداکاری شان درخشان است محافظه نمایند، و این حکومت دزدان ظالم را از افغانستان دور کرده باتفاق آراء عموم اقوام افغانستان یک امام متصف بصفات امامت و دارای اهلیت را انتخاب و یک حکومت عادلهٔ شرعیهٔ اسلامیه را در افغانستان قائم نمایند(۱)

قربانی وطنخواهان افغانستان

«از سرکردگان و نام آوران افغان سردار حیات الله خان وزیر عدلیه، سردار عبدالمجید خان، سردار محمد عثمان خان رئیس دارالعلوم دینی، حبیب الله خان معین حربیه، قاضی القضاة، ملا عبدالواسع خان رئیس العلماء، قاضی محمد اکبر خان را که اشخاص فعال و اراکین ملت افغانستان بودند بچه سقوط ظالم بشهادت رسانید(۲) انا لله و انا الیه راجعون»

«جریدهٔ اصلاح، این خبر وحشت اثر اتلاف رجال بزرگ افغان و ظلم و ستم

---

(۱) منقول از شمارهٔ دوم جلد اول اصلاح تاریخی ۸ ربیع الاول ۱۳۴۹ مطبعهٔ جاجی جنوبی.

(۲) در عین همین موقع که سقوزاده این ذوات را بصورت سفاکانه شهید ساخت، عبدالغفور خان تگابی را هم بیک وضع بی رحمانه بشهادت رسانید، زیرا که عبدالغفور خان با وجودیکه وزیر داخلهٔ سقوزاده بود، اما از غم وطن و درد ملت دائماً در اذیت میبود و با سائر ملت افغانستان مخصوصاً اهالی تگاب که جدا بمخالفت سقویها داخل اقدامات و محاربات بودند محرمانه اظهار همدردی و همنوائی داشت.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 617 of 711

وحشیانهٔ بچهٔ سقو را بعموم ملت افغان و علاقمندان افغانستان رسانیده اظهار تأسف مینماید، و به اقوام غیور افغانستان خاطرنشان مینماید که بچهٔ سقو ظالم مقصودش خرابی حکومت و معدوم ساختن رجال بزرگ افغانستان است، که این افعال وحشیانه را ارتکاب نموده از هیچگونه ظلم و تعدی دریغ نداشته ذوات بزرگ را قتل و اهل و عیال شان را اسیر و محبوس و مال و هستی آنها را چور و تاراج گردانید، ما از خدای کریم برای این ذوات محترم طلب مغفرت نموده برای بسماندگان شان از ظلم بچهٔ سقو نجات میخواهیم

جشن استقلال

اطلاع رسید که سقاویان در حدود گذرگاه و دهمزنگ سررشتهٔ جشن را دارند و خیمه ها در اطراف دریای کابل برپا کرده انتظام میله و ساعت تیری را شروع کرده اند.

انعقاد این جشن، حماقت، نااهلیت و جبلت اصلی بچهٔ سقو و سقاویان را عیان کرده، تمام عالم واقف است که بچهٔ سقو در ملت غیور افغانستان بامارت خود قبول نکرده بلکه بر علیه او مصروف پیکار اند، مگر این جشن ملی اجتماعی را سقاویان وقتی برپا کرده اند که کل افغانستان در خاک و خون غلطان، امنیت عامه گم، کسب و کار معدوم است و از قتل عدهٔ زیاد مؤمنان بحکم بچهٔ سقو خانه ها ماتم سرا گشته گویا بچهٔ سقو از انعقاد این جشن بر زخم های سینه های اهالی کابل و نواحی آن که از ظلم، وحشی گری

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 619 of 711

جناب سردار «شاه محمود خان» که با حضرت عالی سردار «محمد نادر خان» سپه سالار غازی در تمام آن مجاهدات شان که در راه نجات وطن ابراز نموده اند، مظهر مساعی و مجهودات عالی العال عسکری شده اند ـ مخصوصاً در اداره کردن جوش و خروش قوای قوی جاجی و در ترتیب و اجرا کردن حملات متعدد تعرضیه بر قوای سقوی در خوشی و بالاده و دگر مواقع ، و رد کردن حملات عنودانهٔ اشرار داد شجاعت و حماست را داده اند ـ و ملخص حیات این فخر عالم عسکریت افغانستان در صحیفهٔ (۶۰۶) ضمیمهٔ این کتاب موجود است .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 620 of 711

وغارت پیشه گی سقویان حیران و پریشان اند، نمک پاش داده اضطراب و بیقراری آنها را ملاحظه کرده برای خود و رفقای پست فطرت خود سامان مسرت و عشرت را پیدا میکند (۱) .

آثار شورش در قندهار بر علیه فجار

کوهستانی و کوهدامنی سقوی که در شهر قندهار توقف دارند، از جور و رفتار آنها اهالی شهر بتنگ آمده خیلی پریشان اند، اقوام قندهاری مثل زمینداور و گرم سیل و جمیع اهالی محالات آن تدارک و تهیه لشکر را بر علیه سقویها دارند .

سقویها در داخل شهر تهیه استحکامات و پیش بینی محصوریت خود را دارند، قندهاریها را چیزیکه بیشتر متأثر و مشتعل ساخته پشیمانی اعمال خودشان است و از بی همتی خود که سقاویها را در شهر قندهار داخل ساختند خیلی نادم اند .

دو کندک از شش کروهی کابل که بقندهار فرستاده شده اند آنها در منزل باغ توقف دارند، قوماندان عسکر سقوی در قندهار کوشش دارد که آنها داخل شهر و با دو کندک کوهدامنی و کوهستانی یکجا شوند، ولی کندکهای شش کروهی که از افعال و سوء رفتار کوهدامنی ها متنفر اند، داخل شهر نمیشوند، اختلافات زیادی در بین عسکری سقوی هم است

(۱) منقول از شمارهٔ (۳) اخبار اصلاح تاریخی ۱۵ ربیع الاول ۱۳۴۸ سنه مطبعهٔ جاجی .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 621 of 711

امید است که عنقریب اقوام قندهاری ازین موقع استفاده و ازین خجالت خود را برهانند، بعون الله تعالی (۱)»

اعزام جنرال شاه محمود خان با قوای قومی بمیرزکه و وقوع محاربه

به ۱۴ اسد صداهای دهل و غزلهای جنگی لشکرهای قومی با اشعهٔ آفتاب یکجا بلند شده این قوای ملی در زیر قیادت سرافسر غازی خود جناب شاه محمود خان بطرف میرزکه بعد از انجام مراسم تودیع و غلغلهٔ تکبیر بحرکت افتادند.

جناب شاه محمود خان با لشکرشان در ۱۷ اسد بمیرزکه رسیده شروع بکشف مناطق و وضعیت عمومی آنجا نمودند، لشکرهای اقوام طوطاخیل و احمدزائی وغیره که پیشتر آماده بودند خود را بنزد ایشان رسانیده، سرکردگان اقوام مجلسی برای تعیین نقشهٔ تعرض تشکیل نمودند، سقویهائیکه در گردیز بودند، ازین ترتیبات مطلع گردیده، قوای خود را در سه کرم رسانیده، مقابلهٔ ازین طرف هم سوقیات آغاز و در ۲۴ اسد محاربه بین قوای ملی و سقوی جاری گردیده این محاربه دو روز دوام داشته در روز ۲۶ اسد عساکر سقوی طاقت

(۱) منقول از شمارهٔ ٤ جلد اول اصلاح تاریخی ۲۲ ربیع الاول ۱۳٤۸ منطبعهٔ حاجی جنوبی.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 622 of 711

مقاومت را نیاورده موضع را گذاشته بطرف بالاده که بفاصلهٔ سه کروهی گردیز است رهسپار شدند (۱)

در ۲۷ اسد لشکرهای مرتب شده یک حملهٔ قویرا بر بالاده مصمم شده طرف عصر دورا دور بالاده را که بالای یک تپهٔ مرتفع افتاده محاصره نمودند محاربه بشدت جاری شد، تمام شب صدای تفنگ از هر دو طرف بلند بود، فی الواقع متصرف شدن موضعات سقوی [بملاحظهٔ اینکه بودن شان در یک قلعهٔ مستحکمی که بر تپه آباد است تمرکز داشتند] از اشکال خالی نبود، چنانچه بمجرد دمیدن روشنی صبح ۲۸ اسد این اشکال بیشتر شد و سقویها توانستند که بروشنی روز موضعات لشکر را تعیین نموده

(۱) شمارهٔ ٤ اخبار اصلاح حاجی تاریخی ۲۲ ربیع الاول این محاربه را چنین ترسیم میکند :-
ساعت ٤ صبح محاربه شروع گردید، محاربه خیلی بشدت تا یک مدت دوام نمود، بساعت ۸ سقویها تاب مقاومت را نیاورده بعقب نشینی مجبور شدند، ۲ توپ ایطالوی و یک توپ ۹ پن صحرائی و ماشیندار، و خیلی اسلحه و جبخانهٔ شان غنیمت مجاهدین گردیده تا اندازهٔ پنجصد نفر شان زنده اسیر و تا (۶۰۰) نفر سقوی مقتول و مجروح شدند، لشکرهای مجاهدین، سقویانرا تا حدود بالاده که از استحکامات مذکور چهار کروه مسافهٔ آن است دو کروه بگردیز قریب است تعقیب کرده استحکامات و نقاط مهم را مجاهدین اشغال نمودند، شب محاربه معطل و لشکرها استراحت داشتند.

(پسپائی عارضی مجاهدین)

فردای آن لشکرها باز تعرض شروع نمودند، ولی درین روز نظر به بی اعتباری که در بین بعضی طوائف لشکری پیدا شده، مجاهدین به پیشرفت اقدام نکرده وضعیت مدافعه را اختیار نمودند، بعضی نفری فوق الذکر که پیشتر بسقوزاده بیعت داده بودند برای اینکه معنویات لشکری خراب شود به پسپائی شروع کردند، اقوام دری خیل و سقوی ها ازین موقع استفاده کرده به پیشرفت طرف رود احمدانی اقدام کردند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 623 of 711

آنها را زیاده تر زیر آتش بگیرند، ناچار ساعت ۹ بعد از اینکه لشکرها اشکال وضعیت را از هر طرف فهمیدند موضعات خود را گذاشته واپس بمرکز خود یعنی میرزکه آمدند.

در ۲۹ اسد حینیکه جناب جرنیل صاحب و هیئت شان نقشه و ترتیبات نوی برای حمله می سنجیدند، برای شان اطلاع رسید که قوهٔ خیلی مکمل سقوی از رود عبور کرده امشب درین حدود خواهد رسید فوراً ازین طرف هم ترتیبات گرفته شد و بحدود غندیهای تور واسپین (که بین میرزکه و مچلغو واقع است) لشکرها رسیده راه پیش آمد را بر عسکر سقوی گرفتند، اگرچه این مفرزهٔ جناب جرنیل شاه محمود خان در چندین میدان با سقویها مقابل شده بودند اما در هیچیک از ان میدانها محاربهٔ شان بقدر این محاربه شدید نبود.

بتاریخ ۳۰- اسد عساکر سقوی تاب مقاومت نیاورده، بعد از دادن تلفات و اسیرها (۱) و ذخائر زیاد فرار نمودند، چنانچه بعد ازین شکست بی انتظام عموم آن قوای که در گردیز و اطرافش متمرکز بودند، در هیچ میدان استقامت نکرده لشکرهای شانرا

(۱) جریدهٔ اصلاح جاجی راجع به اسیرها و مجروحینیکه عموماً گرفتار شدند، در شمارهٔ ۴ تاریخی ۲۶ ربیع الاول مینویسد که معالجه و تیمارداری این مجروحین بکمال دقت و اهتمام دوام دارد ادویه و اغذیه برای شان به کمال نظافت داده میشود، برای اسیران جایهای مخصوصی معین و غوراکه شان مثل سائر افراد ملی میباشد اگر راست بگوئیم اقوام محلی با این اسیران سلوک معاندانه نمی کنند، بلکه آنها را مهمان خود میدانند در مقابل وحشت و مظالم سقوی را دقت باید کرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 624 of 711

تماماً عقب نشین و در معسکر گردیز مجموع و بالاده را لشکرهای قومی از اوشان متصرف شدند، در دیگر محاربات که مکرراً واقع شد نیز دائماً فتح و ظفر بنصیب اردوی سردار شاه محمود خان میرسید.

اطلاع جمع آوری لشکر وزیریها

در صفحهٔ (۵۱۲) نوشته شد که برای آوردن لشکر وزیر یک هیئتی اعزام شده بود هیئت مذکور وقتیکه در علاقهٔ وزیریها رسیدند هر فرد آنها در حصص مختلف بجمع آوری لشکرها داخل اقدامات جدی شدند.

در ۲۴ - اسد معروضهٔ این هیئت بحضور سردار سپه سالار رسید و مشعر است که لشکرهای وزیر مجتمع شده و قریباً خواهیم رسید درین مورد با راکین معروف خوست که با ما موافقت دارند نیز مکاتیب فرستاده ایم، اینک بحضور شما عرض کردیم تا مطلع بوده از فراهم آوری تسهیلات مضائقه نفرمائید.

واقعاً راه عبور این وزیریهای مجاهد از خطره خالی نبود، زیرا در صفحهٔ (۳۷۶) قبلاً مرقوم شده که یک منازعه بین وزیریها و اقوام خوست واقع بود و از مساعی سپه سالار دران موقع بمصالحه انجامید، از طرف دیگر در حدود خوست نماینده های سقو هم وجود دارد که اینها البته در استفاده از هر فرصت کوتاهی نخواهند کرد، از نیز و آمدن لشکر

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 625 of 711

وزیری اگرچه آماده هم شده باشد و حرکت هم بنماید از بعض مشکلات خالی نیست لذا ترتیبات لازمه برای سهولت گذشتن آنها از منطقهٔ خطر گرفته شد.(۱)

توسیع ذرایع خبررسانی و پیش بینی تجمع قوای قومی و تعرض بر قوای سقوی

الی الآن مرکز تبلیغات و منشورات تنها منوط به مقاماتی بود که جناب سپه سالار صاحب در آنجا اقامت میداشتند اما سر از اول سنبله یک مرکز تبلیغی در دوبندی زیر ادارهٔ

(۱) میگویند که سپه سالار صاحب بالتکرار اظهار میفرمودند که در منطقهٔ خوست بسیار موانع در راه لشکر وزیری موجود است، مغرضین بذرایع ممکنه در راه مواصلهٔ این قوای معاونه مشکلات را تولید میکنند، حتی بچهٔ سقو بسیار مبلغ خطیری درین راه صرف کرده تا از آمدن وزیری ممانعت کند، بر علاوهٔ آن بین اقوام وزیر بذرایع مختلفه اسباب نفاق را پیدا میکنند، وسقویها نیز تمام قوت و قدرت خود و نفوذ عموم طرفداران شانرا بر علیه سپه سالار، استعمال و بالنسبهٔ دلتکنی وزیرها از اقسام پروپاگند و نشریات خودداری نمیکردند، و از عدم قوت و پول سپه سالار قصه ها گفته میشد.

از دگر طرف بعضی علما که از دست امان الله خان ستم دیده و درد کشیده بودند پروپاگند میکردند که بمقابل بچهٔ سقو که (مهدی آخر زمان است این حرکت شما بغاوت است) مگر سپه سالار چاره های آنرا که لازم دانسته بود قبل از ورود وزیرها اندیشیده زلمی خان منگل را در منگل، و زمرک خان پسر برک خان جدرانی را در جدران مقرر نمود، تا یک تعداد کافی را در خوست ازین دو قوم بزرگ منگل و جدران آماده ساخته هم از وزیرها استقبال و در عین زمان نگذارند که مخالفین حکومت امانی بر علیه وزیرها و خوستی ها چیزی بگویند، بر علاوه یکعده سرکرده های جاجی را مقرر نمودند که در چکنی رفته در انجا سررشتهٔ خوراک و انتظام راه را نمایند چراکه چکنی هم در جوش مخالفت شاه مخلوع زیر اثر سقاوی آمده بودند.

چنانچه این تجویز سپه سالار برای عبور وزیرها نهایت مفید ثابت گردید اگرچه تعرض در خوست واقع شد مگر اهمیت زیاد پیدا نکرد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 626 of 711

غلام حیدر خان کلنگاری مقرر شده برای آنها اختیارات تمام در استخدام مبلغین و دادن بخشش و انعامات داده شد، چنانچه این هیئت تبلیغیه کارروائی های مفیدی نموده از کابل مخصوصاً حرکات قوای سقوی را در لوگر خیلی زیر مراقبت گرفته همیشه اطلاعات مفصل بدست می آورد، خاصتهً اعلانات و نسخه های جریدهٔ اصلاح که در کابل و دیگر نقاط مهم افغانستان رسانده و تقسیم میشد از اثر مساعی این هیئت تبلیغیه بود.

چون رسیدن لشکر وزیر نزدیک شده بود تجویز چنین شد که مجرد رسیدن لشکر مذکور لشکرهای دیگر با آنها ملحق شده سر راست باید بحمله شروع شود، از ینرو جناب سردار شاه ولیخان را به تشکیل دادن یک مرکز در دوبندی، مأمور نمودند، تا آنها پیش رفته و با اقوام ازرو دوبندی و دیگر اقوام مذاکره و مفاهمه نموده، ترتیبات لازمه را اتخاذ نمایند، تا مجرد رسیدن لشکرها شروع بکار شود، گویا دو مرکز حربی برای سقوط قوای سقوی در جنوبی بمقام میرزکه و برای لوگر در موضع دوبندی تشکیل شد.

جناب شاه ولیخان با یک تعداد نفری مسلح در ۹ سنبله از جاجی حرکت و ۱۱ سنبله بقاسم خیل رسید، مجرد رسیدن برای اقوام ازرو سرخ آب و دوبندی نماینده ها و مکاتیب دعوت بجمع آوری فرستادند.

در ۱۲ سنبله اطلاع سردار سپه سالار صاحب بجناب شاه ولیخان رسید که از

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 627 of 711

اقوام جاجی صد نفر و از اهالی دوبندی صد نفر استخدام نموده و آنها را بطور پهره‌های احتیاط در نقاط لازمه تقسیم نمایند، زیرا در جملهٔ اطلاعات یکی این بود که نفری کشاف سقوی از بعضی راه‌ها برای استطلاع خبر میگذرند و نیز میگفتند که قوای سقوی متعینه در درویش ترتیبات حمله را بر جاجی دارند، در ینموقع طیارهٔ نمودار و بعضی اعلانات بی منطق و رکیک بچهٔ سقو را انداخت، ولی در هر نقطه که میرسید هدف فیرهای زیاد اهالی میشد، طیاره ران از ترس سقوط بدیگر نقاط جنوبی گردش نکرده سر راست رخ بطرف کابل گرفت.

۱۶ سنبله مکتوب دیگر از هیئتی که برای آوردن لشکر وزیر رفته بودند رسید اطلاع وصول شانرا بخوست دادند، قراریکه سابقاً پیش بینی شده بود لشکر مذکور از طرف بعض اقوام خوستی که با شاه مخلوع مخالفت داشتند، و مساعی جناب محمد نادر خان غازی را بر لهٔ حکومت امانی توهم مینمودند بمقابله دچار شده در نتیجه بمعاونت نفری منگل و جدران که جهة استقبال و همراهی این لشکر حاضر بودند وزیریها آنها را شکست دادند

در صفحهٔ (۵۳۵) نوشتیم که جناب سردار شاه محمود خان سقویها را در حدود غنیها تورواسپین شکست دادند، اینک امروز اطلاع شان رسیده که لشکر قومی، سقویها را تعقیب نموده با آنها در حدود قلعهٔ گدمنگل و بالاده چند میدان محاربه کرده و در هر محاربه

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 628 of 711

توپ و دیگر ذخائر حربی و اسیر گرفتند، بالآخر افواج سقوی عموماً در گردیز داخل شده تقریباً محصور شده اند .

در اثر جرگه و مفاهمهٔ که از ۱۷ تا ۲۶ سنبله از طرف جناب شاه ولیخان در دوبندی با مردم (ازر) و دیگر اقوام دائر بود، ملکان و کلان شوندگان ازر و دوبندی از جمع آوری لشکر خود اطلاع دادند، گویا از ینطرف زمینه کاملاً مهیا شده و همهٔ عملیات معطل برسیدن لشکرهای دیگر است (۱)

تجمع قوای قومی و وصول لشکر وزیری

به ۲۹ سنبله سردار محمد نادر خان سپه سالار به جناب والاشاه ولیخان اطلاع دادند که لشکر قومی و وزیر بتعداد ده هزار (۲) عنقریب جهت کمک شما میرسند شما ترتیبات لازمهٔ خود را نموده آمادهٔ انجام دادن نقشهٔ مخصوصهٔ تعرض باشید .

به ۳۰ سنبله جناب شاه ولیخان بطرف دوبندی حرکت فرمودند ساعت چهار موکب جناب والاشاه ولیخان بدوبندی رسید، نظر به اطلاع مرکز که لشکر وزیر قریباً

(۱) - در ۲۸ سنبله محمد امین جان برادر امان الله خان که در هزاره جات بر علیه سقویها مصروف تشبثات بود، بواسطهٔ عدم موفقیت حرکت کرده به دوبندی رسیده مورد تلطیف جناب سردار شاه ولیخان گردیده متعاقباً بحضور سردار سپه سالار صاحب در جاجی مشرف شد و بعداً بخاک انگلیز پناه برد.

(۲) - درین لشکر تعداد لشکر وزیری از سه تا چهار هزار تخمین میشد که ثلث آنها اسلحه نداشتند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 629 of 711

حرکت کرده نیست، بلوگر برای عبدالغنی خان سرخ اطلاع داده شد تا تهیهٔ آذوقهٔ پانزده هزار نفر را برای سه شب بنمایند و نیز پول برای خریداری فرستاده شد، در همین موقع مبلغ پنجاه هزار روپیه از پول دولت که در نزد عبدالحکیم خان وکیل التجار بود رسید.

امر نامهٔ سردار سپه سالار صادر شد که برای ملکان لوگر اطلاع داده شود، نظر به قرار و فیصلهٔ آخر ینکه در جرگهٔ عمومی اقوام شده است بموجب امر و هدایت مخصوصی که بسرکردگان اقوام داده ام لشکرهای جنوبی بمنطقهٔ لوگر قریباً داخل میشوند باید از طرف شما لوگریها تهیهٔ تسهیلات لازمه آنها کرده شود، چون این لشکرها [باستثنای قوای محارب سقوی آنهم در صورتیکه سقویها سد راه آنها نشوند] با وگری غرضدار نمیشوند، ازینجهة باید بسیار دقت کنید که کدام غلط فهمی در بین واقع نشود، تا این مجاهدین ملی بنقطهٔ مطلوب خود بمدد الهی مواصلت کنند، عیناً بهمین مفاد اعلانهای مفصلی را که در عین همین وقت طبع شده بود توأم این اطلاعیه بغرض انتشار فرستادند.

طلیعهٔ موفقیت نادری از تزلزل قوای سقوی در کاریز درویش و قندهار

قائد عمومی عسکر سقوی در ریش دل سپه سالار و محمد عمر خان فرقه مشر است که محمد عمر خان قبلاً اطلاع طرفداری خود را به سپه سالار غازی فرستاده بود کنون نیز پیام وی حاصل شده مشعر است که وی حتی الامکان در فراهم نمودن تسهیلات قوای مجاهدین صرف مساعی میکند.

۳۰ سنبله قوای قومی متعینهٔ دوبندی یک مفرزهٔ خود را به لوگر سوق داد که آنها یک

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 630 of 711

پل بزرگ را حریق و لین تیلفون را قطع کردند و باین وسیله و وسائل دگر در سلسلهٔ مواصله و مخابره سریع سقویها اشکال را عائد نمودند.

باول میزان لشکرهای مجموع شدهٔ جاجی بدوبندی و اصل و ترتیبات و تنظیمات اقامت شان گرفته شد، هیئت استخباری، دو نفر جاسوس سقوی را دستگیر نموده بعد از جستجوی زیاد چندر اپور مستوره شان ظهور کرد که دران بنام بچهٔ سقو اطلاعیه های مهمی مرقوم و ضمناً خبر روانه شدن لشکر وزیر بطرف کابل نیز خوانده شد، درین فرصت از اقوام و قبائل قندهاری مخصوصاً اقوام غیرتمند اچکزائی ها معروضاتی بحضور سردار سپه سالار صاحب واصل شد که دران نگاشته بودند، که بمجرد رسیدن اعلانها و مکاتیب شما بکمال مسرت همهٔ ما حسب وصایای وطنخواهانهٔ شما در ازالهٔ مظالم سقوی و اسقاط تسلط دزدان داخل اقدامات شده در اثر یک شورش و هیجان شدید خود زیر اثر مهردل خان قوای سقوی را سقوط دادیم کنون منتظر رسیدن اوامر و هدایات شما میباشیم، تا حسب ارشادهای ملت پرورانهٔ شما اجرا نمائیم.

۲ میزان مجردیکه لشکر وزیر در علی خیل بحضور جناب محمد نادر خان غازی مشرف، از طرف اوشان بمحبت قبول و در یک نطق موثر رقت افزا اوشانرا ازین احوال تباه مرکز افغانیت و فخر جهان اسلامیت آگاه کرده آنها را بمعاونت و همدستی باد گر

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 631 of 711

قوای قومی که برای حملهٔ کابل حاضر و منتظر امر بودند تشویق و تشجیع نموده لشکر مذکور را دو تقسیم نمودند، یک قسمت برای محاربه و محاصرهٔ گردیز که الی الآن سردار شاه محمود خان غازی دران نواحی مصروف اقدامات و طنخواهی بودند فرستاده شد و قسمت دیگر جهة تقویهٔ آن قوای همرکابی سردار شاه ولیخان غازی که جهة حمله آوری بر کابل تخصیص شده اند سوق داده شد.

۳ میزان - در نظم و نسق اردو و اعطای دستور العمل امور تعرضیه و دفاعیه و طرز عمل با اهالی که در عرض راه واقعند و نشر اعلانات لازمه باطراف و نواحی ضروریه راجع بفراهم آوری معاونه و تسهیلات مقتضیه گذشت که تماماً برحسب مقررات همان جرگه عمومی بود که از نمایندگان تمام اقوام تحت ریاست جناب محمد نادر خان غازی تشکیل شده بود و اکثر این امور تحریریه و اداریه را آقای میرزا محمد یعقوب خان و آقای میرزا محمد نوروز خان باتفاق دگر هیئت معیت نادری حسب اوامر و هدایات سپه سالار غازی فعالانه و همدردانه انجام و در معرض انصرام میگذارند. ٤ میزان لشکر وزیر(۱) که باقوای

(۱) بی لزوم نیست که درینجا از ان مخالفت و اشکال آفرینی که حکومت انگلیزی نسبت بآمدن این اقوام وزیری در حاجی جهة امداد سپه سالار غازی نموده است تذکر کنیم، طوریکه در سطر (۱۱) صفحهٔ (۴۹۹) نوشتیم که وزیرها خواهشمند اشتراک شان در خدمت نجات افغانستان بودند، سپه سالار هم مجبور بود که از تمام افاغنه بهر نقطه که باشند معاونت بخواهد لذا وفدی را که اسمای شان در حاشیهٔ (نمبر ۲) صفحهٔ (۵۱۲) مرقوم است جهة جمع آوری قوای وزیری فرستادند وزیرها بمسرت این دعوت را اجابت کرده حاضر شدند انگلیزها ازین آمدن وزیرها جهة معاونت افغانها برآشفتند و بنای گفت و شنید درشت را با سپه سالار غازی نهادند و بالنسبهٔ اخراج وزیرها از خاک افغانستان اصرار بسیار نمودند اما سپه سالار باین خواهش آنها تمکین نکرده دلائل بیشمار یرا راجع به عدم معاودت آنها تکرار کرد حتی حاجی صاحب محمد اکبر خان را با دلائل به نزد آنها نسبت بعدم امکان واپس فرستادن وشان فرستاد، ولی هیچیک از ان مفید نیفتاد و خلص این تیرگی و پیچیدگی بین سپه سالار غازی و حکومت انگلیزی

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 633 of 711

جناب سردار «محمدهاشم‌خان» نائب‌سالار که درتمام آن مجهودات حضرت عالی سردار «محمد نادر خان» سپه سالار غازی که در راه نجات وطن‌فرموده اند، تشریك مساعی‌داشتند مخصوصاً در اصلاحات لازمه و فرو نشاندن آن آتش مخالفت عمومی که سرتاسر مشرق را بمصیبت افگنده بود، مصدر اجراآت عالی شده اند — و اخیراً برای اصلاح و تنظیمات پایدار عزیمت فرمای صوب قندهار گردیدند واجمال سوانح درخشان شان درصحیفهٔ (٥٩٩) ضمیمهٔ این کتاب مرقوم است.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 634 of 711

سردار شاه ولیخان غازی در دوبندی ملحق و بعز ملاقات این ذاتیکه در دوران فتح وزیرستان با اوشان عقد محبت نموده اند و از عزم مردانهٔ اوشان معلومات صحیحه دارند نائل شده علی العجاله وصایای اوشانرا که آنهم بصورت جرگهٔ ملی تصفیه شده بود، شنیده ازین تصمیم حمله بردن شان بر کابل که محرمانه بر سرکردگان فهمانیده شد، شادمان شدند، و در عین زمان از طرف عموم قوای همرکاب و اقوام با جوش و خروش زیادی این لشکرها استقبال شدند.

ه میزان عدهٔ دیگری از لشکر وزیر به دوبندی رسید، و بهمراه آن دیگر احرار افغانی از اقوام و قبائل مختلف آن نواحی جهت شرکت در نجات این خاک باردوی سردار شاه ولیخان غازی داوطلبانه حاضر و خودها را بگرفتن اوامر و هدایات او مفخر و مباهی میفرمودند.

برای قوهٔ احتیاط و یک هیئت استخباریه اطلاعداده شد که بطرف خوشی حرکت و مصروف وظائف مفوضهٔ شان بکمال جدیت شوند، و بر هیئت تحریریه هدایت داده شد تا راپور واقعات عمده را علی الفور و از امور عادیه را سه سه ساعت بعد متوالیا و منظماً بحضور سپه سالار صاحب غازی در جاجی مضافات سردار شاه ولیخان بفرستند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 635 of 711

عزیمت سردار محمد هاشمخان نائب سالار بطرف قندهار

چون قوای قومی سمت مشرقی بنا بر القای جوش و خروش حضرت تعالی محمد هاشمخان نائب سالار طاقت نفری سقوی را طاق و از هر طرف تضییق و فشارهای مستقیم و غیر مستقیم آنها تکالیف مالایطاق را بروشان عائد کرده بودند. حتی راه عبور و مرور و نفوذ سقویها را طوری تسدید و تحکیم کرده بودند که از بدو استیلای دزدان بر مرکز افغانستان و دگر نقاط مهمهٔ آن الی الآن سقویها را اینقدر مجال هم نداده بودند که سرحد مشرقی خود را از تنخاک که به شش کروهی کابل واقع است پیشتر ببرند بلکه در محاذ مشهور چکری که در صفحهٔ (۵۰۸) مندرج است یکحصه از قوای منتظم مشرقی الی منار چکری که به سه کروهی کابل افتاده هم خود را رسانیده ارگ را بحالت محاصره آورده بودند - از ینجهت سقویچه در اوائل میزان (بتحریک چند نفر سقویهای مشرقی که از حکومت امانی بعذاب بودند و در جوش مخالفت امانی از تمام منسوبین او رم مینمودند و بچهٔ سقو برشوت و تطمیع آنها را طرفدار خود کرده بود و از طرف عامهٔ اهالی مشرقی بجرم طرفداری بچهٔ سقو احوال آنها از بد بدتر شده میرفت) عزم تسخیر مشرقی را یک پیمانهٔ وسیع کرده هر قدر نفر و عسکر و افسریکه در دست داشت همهٔ آنرا

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 636 of 711

تحت اداره برادرش حمید الله و دگر دزدان خونخوار بصورت ناگهانی برفتار جبری ذریعه موترهای تیز رفتار و لاری و گادی وغیره سوق داد .

با اینکه سردار محمد هاشم خان نائب سالار ازین سوقیات ناگهانی و فوری سقویها در موقع لازمه آن مطلع نبودند ، بمجرد گرفتن این اطلاع علی الفور اعلان جمع آوری را بعموم اقوام و اهالی مشرقی داد .

درین اثنا که نائب سالار صاحب درصدد تجمع قوای قومی از نفری خوگیانی و شنوار و افریدی و مهمند حتی کنرها و نورستان و سرخرود و لغمان بود و در نظر داشت که اولاً راه سقویها را از حدود جگدلک و گندمک قطع و باز یک حمله شدیدی را از چار طرف بر آنها اجرا کند از باعث اختلاف قومی که زیاد حصه آن در دو جنبه خوگیانی پیدا شده بود . سقویها با یک جنبه خوگیانی متفق شده بقوت قومی یک تشتت و انقلاب را در اقوام آنجا پیدا کردند .

ازین پیشرفت سقویها آن قوه جزویه قومی را که سردار محمد هاشم خان نائب سالار الی الان برای حمله کابل ترتیب داده بود پراگنده و سقویها بطرف جلال آباد تعرض نمودند .

بنابرین مسموم شدن بعض حصص خوگیانی و پیدا شدن نفاق در اقوام و پیشرفت سقویها سردار محمد هاشم خان و محمد گل خان مصلحت دیدند که خود ها را موقتاً از مشرقی کنار و برای مجاهدات شان یک راه بهتری را اختیار و از یک منطقه دیگری داخل کار شوند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 637 of 711

در اول میخواستند که از راه سفید کوه خود ها را بلشکر مهمند و یا قوای قومی افریدی ملحق نمایند که تماماً بامر او شان جهة مقابله با قوای سقوی حاضر و منتظر امر سردار محمد هاشم خان بودند - لیکن بواسطهٔ موانع و توجیه مشکلاتیکه ذکرش بطوالت می انجامد برفتن مهمند و افریدی موفق نشدند .

لذا سردار محمد هاشم خان بنابر اطلاعیهٔ اخیریکه از سردار سپه سالار نسبت بقندهار گرفته بود عازم اصلاحات آنجا شدند و آقای محمد گلخان[1] مستقیماً به جاجی بحضور سپه سالار غازی حاضر شده درین حملهٔ مرتبه بر کابل اشتراک ورزید .

اعزام قوای نادری جهة تسخیر دار السلطنهٔ افغانی فتح تنگی واغجان و محمد آغه و پریدن بچه سقو از میدان محاربه

به ۶ - میزان بنابر امر سردار محمد نادر خان از یکطرف سردار شاه ولیخان با آقای محمد گلخان و متعاقباً سردار شاه محمود خان با سرکردگان اقوام و لشکر وزیر و یک یک عدهٔ از اقوام جاجی و منگل و احمد زائی و طوطاخیل و گردیزی برای محاربه کابل از

(۱) - باندازهٔ که سردار شاه ولیخان و سردار شاه محمود خان در سمت جنوبی با سپه سالار غازی تشریک مساعی نموده اند بهمان اندازه در سمت مشرقی آقای محمد گل خان با سردار محمد هاشم خان در خدمت وطن مظهر مجهودات عالی شده اند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 638 of 711

دو بندی حرکت و با قوای قومی مستقیماً بخوشی رفتند ۷ میزان را در آنجا به تنسیقات واخذ ترتیبات لازمه گذشتاندند در ۸ میزان یک مفرزهٔ بتعداد یکهزار نفر بطرف تنگی واغجان که بمنزلهٔ گلوگاه راه عبور و مرور لوگر و کابل است فرستاده شد تا آن قوهٔ سقوی را که در آنجاست سقوط بدهند، مفرزهٔ مذکور طرف عصر به تنگی رسیده بعد از محاربهٔ یک شب طرف صبح عسکر سقوی را از چار طرف محاصره نموده تقریباً همه آنها را با تمام اسلحه و جباخانه که داشتند اسیر و غنیمت گرفته واپس بخوشی آمدند

۹ میزان چون این قوه بحضور سردار شاه ولیخان رسیدند مورد تحسین و آفرین شده فوراً مفرزهٔ دیگری را برای نگهبانی تنگی واغجان که یک نقطهٔ مهمی است فرستادند. در موقع وصول این مفرزه به تنگی قوهٔ زیاد سقوی از کابل و درویش آمده باز تنگی را به تصرف آورده بودند با این مفرزهٔ قوی تکرار بمحاربه اقدام کرده تمام شب جنگ را دوام دادند.

۱۰ میزان اطلاع رسید که در محمد آغه دو غند سقوی تمرکز دارد لذا جناب مولوی الله نواز خان با یک قوهٔ قومی بطرف محمد آغه فرستاده شد، در آنجا هم بمثل محاربهٔ واغجان جنگ شدیدی جریان یافت، بالآخر در صبح (۱۱) میزان محمد آغه فتح و قوای سقو از آنجا کاملاً مشتت و ذخائر شان را مجاهدین ملی بغنیمت بردند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 639 of 711

بساعت ۹ در تنگی هم قوای سقوی باین وسیله فیصله شد که سردار شاه ولیخان یک قوهٔ دگرے را مأمور بهجوم بردن از عقب تنگی فرمود.

درینموقع خود بچهٔ سقو هم با دستهٔ مخصوص و زنانش درین محاربه شرکت داشت بمجردیکه ازین هجوم دو طرفهٔ لشکرهای قومی برخود متحسس شدند فوراً بموترها سوار و بطرف کابل گریختند و مابقی قوای سقوی نیز هر کدام راه فرار را برای خود می پالیدند تا اینکه تماماً گریختند - قوای قومی این منهزمین را تا چار آسیا و درویش تعقیب کنان همه را در قلعهٔ که معسکر شان بود محاصره نمودند.

سردار شاه ولیخان درینفرصت بسیار مصروف، و افکارش در نظارت امور معطوف است زیرا قوماندانی این محاذ را که اوشان بکف با کفایت خویش گرفته اند خیلی وسیع و پاشان میباشد درحالیکه خود را بهدف مطلوب (که سقوط قوای مرکزی سقویه و نجات وطن ازین بلیه میباشد و تمام خاندانی شان درین راه مقدس همه چیز حتی حیات را هم ایثار نموده اند) بفاصلهٔ ده کروه به نزدیک کابل می بینند و سعادت تمام مملکت نیز مربوط همین است که حتماً بایستی این مسافه را عبور نمایند.

۱۲ میزان درین روز آن ظلام سقوی که برخلاف قانون شریعت غرای اسلامی و برضد اساس قواعد انسانیت بر نسوان دست

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 640 of 711

اندازی کرده بودند بعد از اثبات بمجازات واصل شدند (۱)

ماشینداروتوپ و اسلحه و جباخانه هائی را که بدست آمده بود سرکردگان لشکر شادان و فرحان بمراجع معینهٔ آن تحویل میدادند. اسیرهای حرب با اطلاعات اخیرهٔ میدان های محاربه بحضور سردار محمد نادرخان سپه سالار بجاجی فرستاده میشد.

تصرف چار آسیا و چهل ستون از طرف سردار شاه ولیخان

۱۳ و ۱۴ میزان مفرزهٔ که زیر قیادت جناب مولوی الله نواز خان بود در ۱۳ میزان خبر مواصلت خود ها را به چار آسیا برای سردار شاه ولیخان فرستادند. ایشان که منتظر همین خبر بشیرفت قوای قومی بودند علی الفور بدیگر سرکردگان قوای قومی امر فرمودند تا همه آنها به متابعت شان عازم چار آسیا شوند بمجرد وصول سرکردگان مجلسی منعقد و بعد از مذاکرات و معاینهٔ راپورهای اکتشافیهٔ سردار شاه ولیخان عموم قوای ملی را بدو قسمت منقسم، یک قسمت را که رؤسای آن جناب مولوی الله نواز خان و محمد گلخان بودند از راه سنگ نوشته و بنی حصار بطرف شرق جنوب کابل فرستادند و یکقطعهٔ دیگر را خودشان گرفته از راه چهل ستون بطرف غرب جنوبی کابل به حمله بردن تصمیم فرمودند.

(۱) در موقعیکه مجاهدین ملی با خذ سنگرهای متقوی موفق میشدند دران زنهای مظفورهٔ بحالت پریشانی باقیمانده .....

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 641 of 711

اردوی سردار شاه ولیخان بدون اشکال چهل ستون را اشغال، افراد لشکری شان نقاط مهمه و استحکامات لازمهٔ حربیه را (بمقابل قلعه و کوه شیر دروازه که بدست سقویها و بدرجهٔ نهائی تحکیم و تسدید شده بود) علی الفور استحصال فرمودند در حالیکه آذوقه و دیگر ضروریات لازمه از حسن مساعدت سکنهٔ چاردهی و چار آسیا و اطراف و حوالی این منطقه بدرستی تهیه و انجام می یافت و بدون اینکه باهالی محلی ادنا اذیتی برسد مردم تمام احتیاجات اردو را بمیل و رضای خود تکمیل و ازین فداکاری قوای قومی که موجب رهائی آنها از مظالم سقوی و اعادهٔ شرف افغانی است بسیار زیاد عرض امتنان نمودند

یک تقریب عجیب یاس و امید در کابل

درین شب ۱۵ میزان اهالی کابل و اطراف و نواحی آن در یک کشمکش عجیب یاس و امید و یک حالت غریب مدوجزر گرفتار بند، مردم درین اواخر پریشانی انتهائی بچهٔ سقو و سقویانرا می بینند - بالعموم از مفاد اعلانهای هجوم آوری قوای ملی جهت استخلاص مرکز افغانی از توحش سقوی در هر گوشه و خانه مخفیانه مژده رسانی های خصوصیه جاری است - عموماً از گرفتن این خبر شیرین فرحت اثر مسرورند که بحمدالله سپه سالار محمد نادر خان غازی درین تصمیم عظیم خود موفق شده و اینک

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 642 of 711

امشب یا فردا شب اردوی مظفر شان داخل کابل خواهد شد. از کلانها گذشته حتی مادرها اطفال ریزهٔ معصوم خود را بسجده می انداختند که شاید دعای این معصوم ها مستجاب تر باشد بچهٔ سقو و کارکنان او چند شب میشود که از یکطرف هیچ خواب نکرده اند کوه های شیر دروازه و تخت شاه و آسمائی را به توپ های خورد و بزرگ مسلح مینمایند و بقوای جسیمه نه تنها قلل این جبال را تحکیم بلکه حصص برجسته و تیغه های حاکمهٔ آنها را هم بنفر و عسکر و افسر و تجهیزات بیشتری تسدید نموده و می نماید.

سقو بچهٔ آخرین رول ظلم خود را صادر کرده امر اکید داده است که اهالی کابل بالعموم بکوزه ها آب و جباخانه و نان و غیره لوازم حربیه را برای اسقویها محارب بالای کوه ها برسانند از جانب دیگر هر قدر موتر و گادی و دیگر بارگیر را که می یافتند به حمل و نقل کردن اسلحه و جباخانه و نقل دادن عائله و سامان مغصوبهٔ ملی و حکومتی بطرف سمت شمالی بکمال پریشانی و حواس باختگی مصروف مینمایند.

هر طرف بد و بد و چسپیده است. آن غاصب های سقوی که خانه های دیگرانرا به جبر گرفته و بگمان این رفته بودند که دست عدالت غیبی از رسیدن بآنها قاصر است و ازین غافل بودند که «دست از غیب برون آید و کاری بکند» درین شب ها وارخطا شده اند، خانه های مغصوبه را گذاشته بیک حالت سراسیمگی اکثر

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 643 of 711

بشمالی و بعضاً بدیگر اطراف و نواحی مختفی شدن و گریختن را اختیار کرده اند .

این اوضاع پریشانی و تشویش سقویان از یکسو ، و شدت فیر توپ و تفنگ و متراليوز و غریو تکبیر مجاهدین ملی و یا چاریار گفتن قوای سقوی از دگر سو یک محشر و هیاهوی و بد و بد و عجیبی را در شهر پیدا کرده بود . تصویر کردن این منظرهٔ یاس و امید و تب و تاب اهالی کابل و شش کروهی که امروز دیده میشود از قوهٔ قلم محررین خارج است

منظرهٔ آخرین توحش و بربریت بچهٔ سقو

۱۵ میزان محاربهٔ خیلی شدیدی در اطراف بالاحصار و تخت زنبورک و شیر دروازه و آسمائی و دگر نواحی کابل دائر است باستثنای جبههٔ شمالی که آنرا سقویها جهة مأمون بودن راه گریز خود بدرستی تحکیم کرده بودند .

سقو بچه ساعت های اخیر نفوذ جبروت خود را درک کرده است که اشدترین مظالم و سبعیتش را اجرا و بی محابا هر کسی را که اندکی بر خلاف میل خود مشاهده میکند مورد قهر و غضب خود قرار داده بیدریغ میکوبید و می خائید .

سرتاسر شهر شیرین کابل منظرهٔ حقیقی میدان حرب را بصورت رقت افزائی گرفته ، دقیقه بدقیقه مورد تهدید و تخویف شدید بود .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 644 of 711

سقو زاده بهر کوچه و بازار تقریر میکرد و بقتل عام و نفی بلد عموم اهالی کابل و شش کروهی را بمجرد رد کردن این حملهٔ جنوبی انذار مینمود. تمام قوه و مهارت و چالاکی خود را صرف مدافعه مینمود. در تپهٔ مرنجان و بالاحصار و کوه شیر دروازه توپ های سریع آتش و عساکر خود را مستحکم ساخته نوبت بنوبت بر آنها گردش میکرد.

چون بچهٔ سقو از طرف چاردهی اگرچه قوای قومی کاملاً آنرا متصرف شده بود - به اعتماد دو کوه آسمائی و شیر دروازه مطمئن بود ازین رو خودش در جبههٔ تپهٔ مرنجان رفته ادارهٔ محاربه را میکرد، از طرف روز سه هجوم شدید از طرف لشکرهای قومی پیش آمد ولی در هر سه دفعه نتیجه بدست نیامد. در جبههٔ بالاحصار محاربه خیلی شدت داشت و تمام روز مداومت کرده قوای سقوی درینجا خیلی جدی و استوار مصروف پیکار بوده بالآخر قوای قومی را موقتاً بعقب نشینی در شام ۱۶ میزان مجبور کردند. تمام اهالی ازین رجعت قهقری قوای جنوبی در سمت بالاحصار بیک اختناق شدیدی گرفتار شده زار میگریستند و دعای مظفریت قوای نادری را درین حالت مایوسیت بهم مینمودند

پیشرفت موفقانهٔ قوای ملی بر شهر کابل

مجرد یکه شب رسید لشکرهای قومی در پردهٔ تاریکی خود را تا حدود جباخانه و حصهٔ نزدیک تپهٔ مرنجان رسانیدند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 645 of 711

قائد مظفر جناب سردار شاه ولیخان بعد از آنکه استحکامات خود را در قلل جبال حاکمهٔ چاردهی گرفتند طرف عصر به باغ بابر شاه و ده مزنگ قوای خود را با وجود اینکه از کوه آسمائی گلوله های توپ و مشین گن و تفنگ همچو ژاله میبارید رسانیدند در عین زمان از کوه شیر دروازه و گذرگاه هم بالای قوای قومی فیر متراليوز و تفنگ شروع گردید.

قوای قومی حسب هدایت سردار شاه ولیخان بعد از نصف شب از اطراف عقب تپهٔ مرنجان که مرکز محکم ترین قوای سقوی بود باتفاق قوای محلی آنجا با کمال مهارت و چابکی پیش آمده در عین محاربه و قبول هر نوع زحمت و مخاطره خود ها را در حدود (زند دوانان) و چمن رسانیده بگرفتن سنگر و ترتیبات تعرض و دفاع و اشغال نقاط مهم کابل انضباط و ادارهٔ امنیت شهر متوجه شدند.

در عین حال دهل های مخصوص مجاهدین (که حلاوت نغمه های آن در سامعهٔ تمام اهالی شهر روح میدمید و از هر صدای آن بر خود می بالیدند و لمحه بلمحه مراتب شکران خدای منان بجا می آوردند) اعلان فتح کابل و مظفریت قوای نادری را مینواخت.

سقویها قبل از طلوع صبح به محصوریت خود متیقن شده مزید مقاومت خود ها را در شیر دروازه و تپهٔ مرنجان نه تنها مفید بل مهلک دیده تمام قلعه ها و استحکام ها را

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 646 of 711

تخلیه کرده رو بفرار گذاشتند، گویا وقت صبح از یکطرف نقطهٔ مهم و مستحکم تپهٔ مرنجان بدست آقایان محمد گل خان و الله نواز خان و لشکرهای قومی معیت شان افتاد و هم قلعه و سنگرهای کوه شیر دروازه را جناب سردار شاه ولیخان با قوهٔ همرکاب شان متصرف شده شخصاً فاتح کابل آن قوای جسیمهٔ سقوی را که در کوه آسمائی هنوز موجود و با دیگر قوای مفرور تحکیم شده میروند تا خط رجعت سقویها را بطرف شمالی حفاظه کنند زیرا آتش آن توپ های قلعهٔ شیر دروازه گرفت که چندی پیشتر این توپ ها را سقویها بالای خود این سردار فاتح عنودانه و سفاکانه استعمال میکردند تا اینکه آسمائی را هم بشدت از سقویها تخلیه نمودند.

ورود جنرال شاه محمود خان غازی بکابل

درهمین موقع جناب سردار شاه محمود خان بعد از مقرر داشتن قوای مکفیهٔ ملیه با هدایات و دستور العمل کافی باطراف آن قوای سقوی که در گردیز و کاریز درویش وغیره مواقع مهم بی خبر گذاشته شده بودند (۱) و تعیین یک قوهٔ درست در حدود خورد کابل و تنگی غار و جهه جلوگیری از ان قوهٔ زبردست سقوی که بمشرقی رفته بودند

(۱) قوای ملی جهه محاصرهٔ گردیز تحت سرکرده گی عبدالله خان شاه جی و دگر معسکرهای سقوی تحت حراست یک یکقوم گذاشته شده بود.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 647 of 711

در حدود شش کروهی کابل داخل و به تعیین تهانه ها و تقرر مفرزه ها در نقاط لازمه مصروف شدند چون راپور این فتوحات و پیشرفت مانند دیگر راپورهائیکه سه سه ساعت بعد بحضور سپه سالار صاحب ارسال میشد و از ان طرف هم متوالیاً هدایت مرحمت می شد، به حضور سپه سالار غازی ارسال گردید - جواباً در ضمن دگر وصایای مهمه هدایت تازهٔ از حضور محمد نادر خان سپه سالار واصل شده امور مرجوعهٔ نظامی به سردار شاه ولیخان و آقای محمد گل خان - و امور ملکی به سردار شاه محمود خان و آقای الله نواز خان مفوض شد، تا این ذوات مجاهد در امور مهمهٔ ملکی و نظامی مشترکاً و در باقی قضایا منفرداً بکمال مجاهدت بذل مقدرت نمایند چنانچه آنها سرازحالا بهمین اساس اجراآت نافعهٔ شان را آغاز فرموده اند .

فتح شهر کابل یا نجات وطن

۱۶ میزان تارهای روشنی با علائم امید و کامیابی در افق کابل یکجا پدیدار و در سرتاسر کابل قوای مظفر نادری نمودار بوده اقوام و عشائر افغانی تمام بازارها و کوچه های کابل را پر کرده پیهم از افراد سقوی سراغ میکردند - اما بچهٔ سقو خود را در ارگ محصور نموده به توپهای بزرگ و ماشینداره های سریع النار بیرق ها و مرچل های

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 648 of 711

ارگ را تحکیم کرده متوالیاً حوالی قلعه را زیر آتش شدید گرفته از هجوم متعرضین دفاع شدید می نمود .

در همین شب که دفاع قوهٔ ملی را بچهٔ سقو متعسر دید، وفد های خصوصی و مکاتیب و تلگرام و تیلفون های ضروری را بعموم قوای خود که در مشرقی و جنوبی و غزنی و سرچشمه و مزار و قطغن بودند فرستاد « تا بهر سرعتی میتوانید خود ها را برای مقابلهٔ قوای نادری که مرا محصور کرده اند برسانید من حتی الامکان از آنها دفاع میکنم و اگر ممکن نشد در شمالی عقب نشسته تکرار بر قوای نادر حمله آور میشوم » .

در داخل شهر هیاهوی عظیم برپاست . اهالی کابل ازین نجات خود خوشنود و مهاجمین از مسرت این فتح بر خود می بالند، بالمقابل سقویهائیکه هنوز در شهر هستند بچال های رنگارنگ سعی میکنند که ازین هرج و مرج استفاده کرده فرار نمایند ویلا اقل در شهر یک بینظمی و وارخطائی پیدا کنند .

گردش سردار شاه ولیخان در کابل

پوره ساعت ۸ بود که قائد مظفر و فاتح نامور سردار عالی آقای شاه ولیخان از کوه شیر دروازه مانند فرشتهٔ رحمت با هیئت معیت شان و یک جم غفیری از مستقبلین شهر که پروانه وار خود ها را بقلهٔ کوه بحضور شان فائز نموده بودند نزول نموده

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 649 of 711

برای ادارهٔ وضعیت شهر در سرک و کوچه ها و معابر کابل دوره کنان تقرب مسجد شاه دو شمشیره مرکز گرفتند، همچنین بعد از وقفهٔ سردار نامدار جناب شاه محمود خان مظفرانه وارد مسجد چوب فروشی را مرکز گرفتند، این دو فرزندان صادق وطن عموم اعزه و معاریف و کلانتران شهر و ملکان شش کروهی را که تماماً جهة شرفیابی و اخذ هدایات شان حاضر شده بودند ملاقی شده همه را از ان افکار سپه سالار غازی که راجع به نجات وطن ازین گرداب رنج و محن و تشکیل یک سلطنت صحیح مطابق ذوق و آرای عمومی باشد استحضاریت داده تکالیف هر واحد شان را بالنسبه سلب قوای سقوی پیش نهاد میکردند مردم بکمال مسرت اوامر شانرا اطاعت و از این فدا کاری و مردانگی این خاندان بسیار زیاد اظهار شکران و امتنان میکردند .

ادارهٔ امنیت و انضباط و ترتیبات محاصرهٔ ارگ

اراکین این لشکر مانند آقای محمد گلخان و الله نواز خان و امثال شان بکابل جدیت و فعالیت در حفظ امنیت و انتظام مهام امور و محصور داشتن اطراف ارگ مشغول بودند .

۱۷ میزان اگرچه نجات یافتگان از مظالم سقوی و عموم اهالی کابل این ورود

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 651 of 711

مظفرانهٔ قوای نادری را بمرکز مشلیکه باهم آنرا فوقاً در تحریر خود نگاشتیم فتح کابل یا نجات افغانستان میگویند ولی از مصروفیت و انهماک سپه سالار موقر در جاجی و از مشغولیت زیاد باقی قوماندانهای مظفر و سرکرده گان قومی در مرکز افغانی چنان فهمیده میشود که الی الآن باندفاع حقیقی این بلیه موفق نشده اند و بسیار مراحل دگر خطر هم در پیش است .

واقعاً که درین فرصت نه تنها مسئلهٔ کابل بلکه مقدرات تمام مملکت به بازیکترین درجه ها رسیده است زیرا در داخل ارگ بچهٔ سقو و تمام طرفداران قوی و خونخوارش محصور میباشند و در شمالی شیرجان وزیر دربار و ملک محسن والی با چند نفر امثالش مصروف جمع آوری نفری و ترتیبات لازمهٔ تعرض اند . علاوه براین چیزیکه هجوم بردن را بر ارگ در نزد قائد مظفر صعب و پیچیده قرار داده همین است که بچهٔ سقو آخرین نشانهٔ خست و یا اینکه آخرین چارهٔ امید خود را چنین سنجیده است که تمام افراد خاندان شریف و معزز این سرداران فداکار را از محبس ساتهٔ شان گروی برده در ارگ محبوس نگاهداشته است .

قائد مظفر آقای شاه ولیخان این مسئلهٔ مشکله را علی الفور مفصلاً با سریعترین ذرائع بحضور جناب محمد نادرخان سپه سالار معروض داشتند که واگذاشتن

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 652 of 711

بچهٔ سقو را در ارگ هر لحظه بر وخامت فتنه در مملکت و فلاکت ملت می افزاید و در صورت بمباردمان ارگ قطعیاً تمام عائله و دودمان ما که متجاوز از شصت نفر بداخل ارگ محبوسند با محتویات آن تلف میشوند لطفاً درین موضوع مشکل هدایت فرمائید .

جلوگیری از هجوم قوای پردل سقوی

بساعت ٤ عصر راپوری رسید که پردل سپه سالار سقوی که در لوگر بود از راه پغمان خود را با یک قوهٔ مکفیه که عجالةً از طرف ملک محسن و شیرجان تهیه شده بود به نزدیک باغ بلند رسانده محاربه کنان عزم هجوم را بر سر کابل دارند فوراً جناب شاه ولیخان مفرزهٔ را تشکیل داده و بمقابلهٔ پردل ترسیل نموده بر علاوهٔ آن خودشان با سردار شاه محمود خان و دیگر اراکین محترم نیز برای رد این حمله مدهشه مصروف شدند .

چون رضای الهی به راحت این ملت و نجات این وطن رفته بود لشکرهای قومی باتفاق اهالی اطراف و نواحی کابل این قوای مهاجم پردل را که بیش از دو هزار نفر بودند و بیک هجوم عنودانه تصمیم کرده بودند منهزم و خود پردل را کشته بحضور قائدین معظم خود حاضر آوردند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 653 of 711

یک امتحان قیمتدار و ایثار پر افتخار نادری

۱۸ میزان قاصدی از نزد جناب محمد نادر خان غازی آمده و قیمتدارترین امتحان نامهٔ ایشان را که نمونهٔ بزرگترین ایثار و قربانی شخصیت و فردیت در راهِ نجات و سعادت وطن به صحائف تواریخ است با خود آورد و آن عبارت از حکم قطعی بمبارد و هجوم بردن بر ارگ بود .

واقعاً جناب محمد نادر خان که دائماً مظهر انواع ایثار و فداکاری برای حفظ شأن و شرف ملی خود شده اند درین مرتبه هم مراتب اقصی و پیمانهٔ فوق التصور وطنخواهی و ملت پروری شانرا داده بدون تردد امر بمبارد مان ارگ را که ازان لامحاله افراد عائله و فامیل شان قتیل میشدند محض جهة راحت هزارها فامیل و خاندانهای افغانستان بطیب خاطر دادند .(۱)

همین بود که بمجرد رسیدن این فیصلهٔ نادری سردار شاه ولیخان و سردار شاه محمود خان

(۱) عین مضمون این احکام قرار آتی است : (من که برای حفظ شرف افغانیت و استقلال و اعیت وطن محبوبم جان شیرین خود را دائماً نثار کرده ام به مقابل مفاد ملت و وطن خود جان ، اولاد ، برادر ، عیال هیچیک فرد را اهمیتی نمیدهم و اینهمه خاندانی خود را بپاس حفظ سلامت وطن و شرف قوم قربان کرده بشما امر مینمایم که اگر برای دفع این جمعیت خائنان وطن حیات خاندانم حائل میگردد بکمال خورسندی بمبارد خود را شروع نموده هیچ خود را پریشان نسازید ، خوشا مرگیکه حیات ملت خود را تأمین نماید ، من قبولی این قربانیهای خود را موجب سعادت خویش میدانم ، محل امضا (محمد نادر)

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 654 of 711

هم بنوبهٔ خود مراتب بلند وطنخواهی وملت دوستی را داده توپ های سریع آتش را که قبلاً بر سر پل باغ عمومی مقابل جنوبی ارگ تهیه کرده بودند با یک وضع رقت افزای که هیچ چشم برای مشاهده کردن این منظره حاضر نبود وعموماً از یک جانب این ایثار و قربانی عظیم را تقدیر، واز جانب دیگر از هلاک شدن عائله و فامیل این وطنخواهانیکه صرف جهة راحت ملت و امنیت مملکت هرگونه مخاطرات را بر خود تحمیل نموده، بالآخره جمهور متعلقین شان را قتیل قرار داده خیلی متأثر و دلگیر میباشند امر فیر دادند.

بمباردمان ارگ

چند دقیقه نگذشت که توپچی امر را تعمیل نموده بکوبیدن آن حصهٔ دیوار جنوبی که متصل دروازه است آغاز کرد.

برای شام مفرزهٔ جهة مهاجمهٔ ارگ تشکیل شد. وقتیکه بچهٔ سقو این بذل وایثار نادری را دید که بهترین مظاهر ملیت و وطنخواهی واعلی ترین نمونهٔ فدویت وملت پروری را تثبیت میکرد، بدهشت فرو رفت ودر پی چارهٔ استخلاص خود افتاد.

در سرتاسر کابل و اطراف ونواحی تمام اشخاص ازین قربانی نادری که ابراهیم وار آل وعیال خود را نثار امنیت وجهة راحت ملتش ایثار نموده در حال رقت شدید

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 655 of 711

وانرجار بسیارند .

امابنازم عدالت خداوندی راکه بعدازین امتحان صادق درراه حب وطن وراحت جامعه تمام افراداین خاندانی رادرعین همان مواقعیکه هدف بمباردمان نادری بودند باینصورت نجات داد که درخود نفری سقوی یک جماعه برای حمایت این خاندان باذل سرفروش پیداشده جداً برای مدافعه ازایشان آماده شدند.

شب ازطرف قوای قومی به پیمانه کافی برارگ حمله برده شد امابواسطه دفاع شدید سقویهای محصور که بوحدت آتش توپهای بزرگ سریع النار و مترالیوز وتفنگ ازمهاجمین مینمودند بی نتیجه ماند .

در ۱۹ میزان روزجمعه بازبشگافتن دیوارارگ بذریعهٔ توپ ازنقاط حاکمه بمباردمان جریان گرفت ، بچه سقوهم بمدافعهٔ ظالمانه وعنودانهٔ خود شدیداً دوام داده ازهرطرفیکه برارگ فیرمیشد اوهم به مترالیوز وتوپ جواب گفته بشدت زیاد مقابله میکرد حتی دراثنای این توپ وتفنگ جنگی چندگلولهٔ شرینل توپهای سقوی درعمارات نوآباد ترکیده خانه هارا ویران وبچندی ازسکنهٔ آن نواحی تلفاتی راعائد کرد تاانیکه بوقت غروب ازهردوطرف بمباردمان فوق العاده شدت گرفت .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 656 of 711

انفلاق جبه خانه و احتراق ارگ

دفعتاً یک حرکت و جنبش شدید در زمین پیدا و توأمش طراقهٔ هولناکی خوف و سهم این زلزله را دوبالا و متعاقب آن یک منظرهٔ هولناک و محشر نمائی برپا شده نه تنها مهاجمین را از تعرض و مدافعین را از دفاع شان باز داشت بلکه عموم اهالی کابل و شش کروهی از احساس این زلزلهٔ قوی و دیدن این منظرهٔ بدبختی بورطهٔ حسرت و حیرت افتاده تماماً از هویت این منظره وحشت افزای قیامت زای در عین خوف و خشیت و شور و غوغامی پرسیدند مع الاسف بعد از وقفهٔ معلوم شد که از جباخانهٔ داخلی ارگ این صداهای مهیب ترکیدن و کفیدن و احتراق مدهشه محسوس و انعکاس این احتراق و منظرهٔ مهیب ستون زرد و سیاه و لهیب آن خارج از حد دران شب تار هولناک و توحش آثار مینمود، همه کس متیقن شد که از دست این دزدان ظلام ثانیه به ثانیه انواع بدبختی و خسارهای مادی و معنوی عائد شده میرود.

فرار دزدانهٔ بچه سقو از ارگ

در عین همین موقع یک طوفان شدید باد که با قطرات باران آمیخته بود از طرف غرب جنوب الی شمال شرقی بجریان افتاد و یکسر شعله و نهیب داخگر

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 657 of 711

وشرارهٔ آنرا در سرتاسر خط سیر باد منتشر ساخته ارگ و حوالی آن، خاصةً حصص باغ ارگ و میدان طیاره را چنان ظلمتکده ساخته بود که در مغرب انسان فرق زمین و آسمان را کرده نمیتوانست .

بچهٔ سقو با همراهانش که ساعت های آخرین حیات خود را می شمرد درین هیاهوی مهاجمین و انفلاق و انفجار پیهم صندوق های کارطوس توپ و تفنگ و بم های دستی و دمهٔ غلیظی که از احتراق جباخانه و طوفان باد تولید شده بود فرصت را غنیمت شمرده بلباس مخصوص مجاهدین از دروازهٔ شمالی ارگ مخفیانه خارج شده اند و بواسطهٔ دود و غبار شدید ممظلم و شباهت ظاهری این مفرورین باقوای ملی اکثری از محاصرین آنها را نشناخته تصور کرده اند که اینها هم از زمرهٔ ماست و عدهٔ از مهاجمین که براین نفری مشتبه شده اند هویت شانرا استفسار کرده اند .

بچه سقو بلطائف الحیل چنان اظهار نموده که مایان از ان معاونین سردار سپه سالار غازی میباشیم که از شش کروهی کابل برای کمک و معاونت شمایان آمده ایم و از حضور سردار شاه ولیخان فاتح و جنرال شاه محمود خان غازی موظف شده ایم تا اطراف باغ ارگ و میدان طیاره را از ان نفری سقوی

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 658 of 711

محافظه کنیم که برای استخلاص بچهٔ سقو از کوهدامن بتعداد زیاد می آیند (۱)

نجات خاندان سپه سالار غازی از محبس سقوی

یکساعت بعد از خروج و فرار بچهٔ سقو همهٔ این گریزش، در ارگ که الی الان بکمال شدت مصروف گوله باری و دفاع جدی است می افتد و علی الفور آتش توپ و تفنگ و ماشینداران ارگ خاموش و بجای آن یک غلغلهٔ شادمانی در ان حکمفرما میشود که با انفلاق و انفجار بیهم و متوالی جباخانه توأم، و از طرف همان حزبی که از خاندانی سپه سالار حمایت میکردند شنیده میشد. در اندک فرصت

(۱) - واقعاً که از کوهدامن درین فرصت یک لشکر زیاد سقوی باستوای پایهالین عمومی برق بطرف کابل در حرکت بودند که بچهٔ سقو علی العجاله خود را با آنها ملحق و بمعاونت ایشان شبا شب خود را بشش ده کلکان رسانیده، فردای آن در ارگ جبل السراج مرکز گرفته بنای تجمع و حمله آوری را بر کابل میگذارد و علی الفور قوای کافی جهت حفظ خطوط مواصلهٔ کابل و شمالی معین میکند، درین موقع قوای یکفی همراه جباخانه و اسلحه با سید حسین از مزار هم میرسد و نیز قوای سقوی از مشرقی و سرچشمه و غزنی و جنوبی دسته دسته بصورت جنگ و گریز خود ها را به نزد بچهٔ سقو میرسانند و از کوهدامن هم قوهٔ زیادی جمع آوری شده لحظه بلحظه در قوهٔ عمومی خود می افزایند و در عین زمان پروپاگند میکنند که سپه سالار تخت را برای امان الله خان که عنقریب بذریعهٔ طیاره آمدنی است تصرف کرده است چون باسبب سقوط و فرار امان الله خان شده ایم حتماً درین مرتبه همهٔ ما را از تیغ خواهد کشید، لذا باید یک آن اولتر سپه سالار را منهزم و تکرار باید تخت را اشغال کنیم، تا از شر دینی و دنیوی امان الله خان مطمئن باشیم.

از یکطرف رفتن ناز و نعمت و تاج و تخت از دست این اشقیاترین اهل سرقت، و از جانب دگر خوف انتقام آن مظالم و تجاوزی که از دست این اهل بدعت بهر طبقات ملت حاصل شده بود، و در عین زمان این پروپاگند جعلی اراکین سقوی که نسبت به پادشاهی مکرر امان الله شاه مخلوع مینمودند و تمام این مساعی قیمتدار سپه سالار را برای او خاطرنشان میکردند، لحظه بلحظه در وخامت این قضیه تزئید و در خرابی اوضاع می افزود.

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 660 of 711

جنابان معظم سردار شاه ولیخان قاتع و شاه محمود خان غازی بعد از فتح کابل و فرار دزدانهٔ بچهٔ سقو مصروف نظم و تنسیق و ادارهٔ امنیت و انضباط شهر و تعقیبات اساسیهٔ قوای سقوی و اعطای هدایات ضروری به سرکردگان قوای مجاهدین ملی میباشند.

(کابل - ۲۰ میزان ۱۳۰۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 661 of 711

این راز هویدا میشود که بچه سقو گریخت و خاندانی سپه سالار خوشنخت نه ازین آتش طوریکه رب جلیل حضرت ابراهیم خلیل را نجات داده بود سالماً خلاص شده ، اینک بهر نقطه که قائد معظم میفرماید ذریعهٔ موترهای تیز رفتاریکه در داخل ارگ موجود است فرستاده میشوند و ارگ هم بنام نامی سپه سالار غازی مفتوح است

تعاقب ابچه سقو در اثنای فرار

سرداران عظام آقایان سردار شاه ولیخان و شاه محمود خان بجای اینکه ازین مژدهٔ نجات خاندانی شان مسرور میشدند فوق العاده از فرار بچهٔ سقو متألم و متأثر شده بسرعت تمام در همین ظلمت و دود و طوفان یکحصه قوای مهاجم را امر دادند تا از بچهٔ سقو تعاقب کنند و خودشان فوراً از اکین لشکر و سرکردگان اقوام را خواسته راجع به تعاقب و جلوگیری از تعرض سقویها بر کابل که یقیناً به پیمانهٔ بزرگ خواهد بود مباحثه دائر نمودند .

در اثر مذاکره و رسیدن اطلاع عدم دستگیری بچهٔ سقو در سه کروهی کابل که سنگ سنگ آنرا متعاقبین می پالیدند این مفکوره باتفاق مطلقه تصویب شد که چون قوای مکفیه و ذخائر زیاد حربی در شمالی موجود است بایستی ما فعلاً

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 662 of 711

از مزید تعاقب و اجرای تعرض منصرف شده تنها ترتیبات متین دفاع را گرفته این آتش جانسوز ارگ را خاموش، و به نظم و نسق اساسی شهر و اطراف توجه و در عین زمان سپه سالار را با آمدن مرکز دعوت و یک قوهٔ جسیمه را از دگر اقوام ترتیب کرده، از هر طرف شمالی را تحت تضیق و فشار بگیریم.

اخذ ترتیبات دفاع، انطفای آتش، انتظار ورود سپه سالار غازی

روز ۲۰ میزان: یکروز فرحت اندوز و مسرت عمومی بواسطهٔ سلامت برآمدن عائلهٔ نجات دهندهٔ ملت و وطن و فرار و تشتت قوای سقوی از مرکز افغانی در کابل بود.

سرداران عظام از یکطرف بگرفتن ترتیبات لازمهٔ دفاع از حملهٔ سقوی ها اوامر میدادند و از جانب دگر اقدامات موثرهٔ را نسبت به انطفای آتش ارگ که دقیقه بدقیقه شدت کرده میرود مصدر شدند و هم بنظم شهر و اطراف بصورت صحیح عطف توجه نمودند و نیز بحضور سپه سالار معروضهٔ را نگاشتند که علی الفور جهت رهنمائی و دستگیری از مشکلات رونق افزای مرکز شوند.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 663 of 711

ضمیمهٔ صحیفهٔ (۵۷۰) جداول کتاب «مادر افغان»

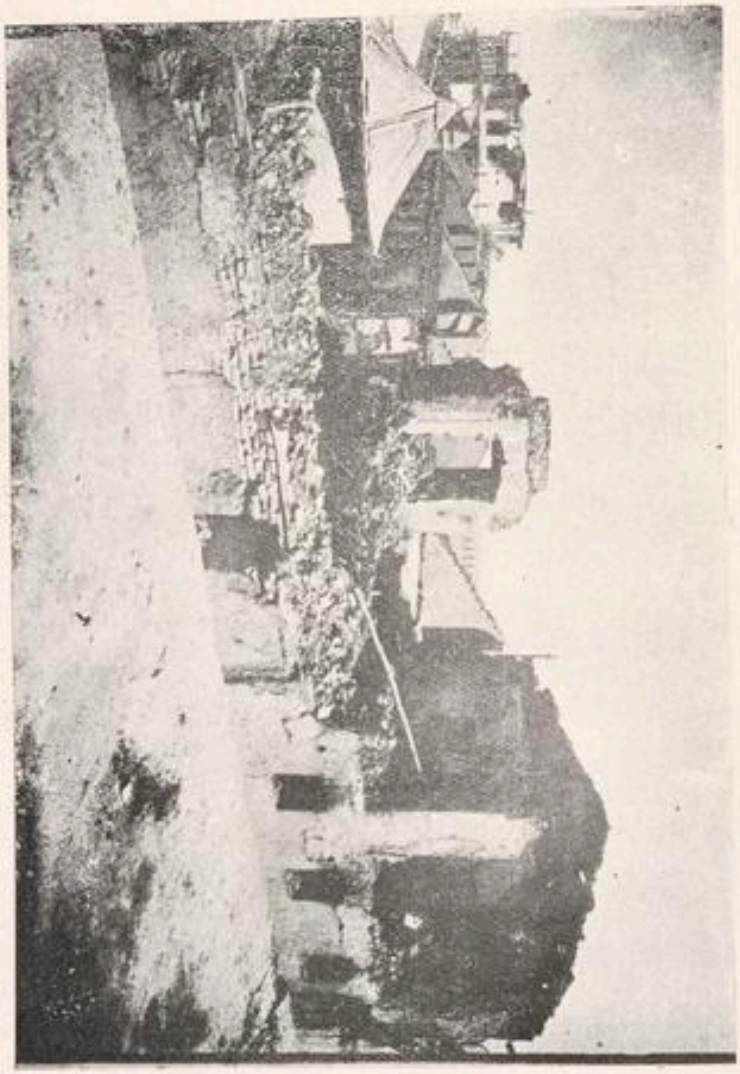

از جملهٔ مناظر روح گداز انقلاب که احتراق سر دروازهٔ بزرگ جنگی و یک حصهٔ جنوبی و شرقی اردک شاهی دار الامتهٔ کابل را نشان میدهد! (کابل ۲۳ میزان سنه ۱۳۰۹)

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 665 of 711

امروز ارگ که نمونهٔ عظمت مملکت و در عمارات پایتخت افغانی مرکز شان وشوکت است: بفلاکت ترین اوضاع ویرانی وخرابی وانمود، و در عین زمان همین هیولای متباقی واستخوان بندی ظاهری او هم طعمهٔ آتش شده میرود، مشکل ترانیکه بواسطهٔ ترکیدن متوالی جبا خانه خموش کردن آتش بکار؛ حتی نزدیک شدن باطراف آن گرده وجگر بکار دارد.

بهزار مشکل و فداکاری سردار شاه ولیخان و سردار شاه محمود خان ودگر اراکین و سرکردگان قومی بمعاونت خداوندی وقوای ملی واهالی مرکزی اینقدر کرده توانستند که سلسلهٔ دیگر عمارات را از منطقهٔ آتش زدگی منفک کرده بوسائل فنی از مزید سرایت آن جلوگیری کرده برعلاوهٔ آن شالوده های اساسی برای نظم و نسق شهر واطراف گذاشتند.

امروز وضعیت کابل ازین فرار سقوزاده وتجمع مکررش بی اندازه موهم وخطرناک است.

امروز سرداران مظفر وقائدین نامور مافوق العاده بزحمت ادارهٔ امنیت گرفتار و در اعطای هدایت وحسن مراقبت از تحریکات احزاب شرارت مشغولند.

بالجمله از اخذ ترتیبات دفاعیه وانطفای احتراق وادارهٔ امنیت بهزار مشکل

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 666 of 711

در ظرف کار کردن و تکلیف برداشتن چهل ساعته و حسن معاونت و مساعدت اهالی و اقوام و طوائف، تا یک اندازهٔ فراغ حاصل شد.

حرکت سردار سپه سالار غازی از جاجی بکابل

جناب محمد نادر خان سپه سالار که الی الآن در جاجی ادارهٔ امور حربی را مینمودند و از آنجا اطلاعات اخیره و خبرهای تازه ترین محاذ جنگ و غیره اجراآت را باسرع وسائل هم بداخل و هم بخارج نشر میفرمودند بروز ۲۲ میزان با رفقای همسفر و یک قوهٔ مکفی قومی در حالیکه الی سه هزار از ان اسیرهای سقوی را که (در محاربات اخیره آنها اسیر شده بودند) با خود داشتند وارد چهل ستون شدند.

اهالی اطراف و نواحی عرض راه و نقاطیکه بخط عبور حضرتعالی سپه سالار غازی واقع بودند بکمال محبت و صمیمیت موکب او شانرا به بهترین مظاهر اخلاص قدردانی و عموم سکنهٔ هر محل هم از و شان استقبال و هم مشایعت و هم منتهای مراتب خلوصیت و مسرت خود ها را به حضور شان تقدیم میکردند و هم عموماً بحضور شان تبریک موفقیت این مظفریت را داده میرفتند که سپه سالار ازین حسیات آنها اظهار خورسندی و مسرت می نمودند، و همان مضامین را که در نطق سلامخانهٔ

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 667 of 711

شان مرقوم است در همه جا تکرار میکردند .

مردم کابل هم برای استقبال این سردار با اجلال (بر علاوه اینکه بعض آنها قبل برین چند منزل پیشتر رفته بودند) امروز بعضاً الی چهار آسیاب وعموماً در چهل ستون حاضر شده و در برابر این موفقیت و مجاهدت و فداکاری این ذات استقلال ده نجات بخشای خود اظهار مسرت و تهانی میکنند و پروانه وار خود را بدست و پای این شمع نور افزای وطن میاندازند و مقابلتاً بدیده بوسی و مصافحه و معانقه و تلطف سپه سالار غازی نائل میشوند .

پذیرائی سپه سالار غازی در موقع ورود مسعود شان بکابل

در ۲۳ میزان اهالی کابل از هفت ساله الی هفتاد ساله و سکنهٔ اطراف و نواحی کابل که بعضاً از ۱۶ الی ۱۰ کروهی هم آمده بودند (در حالیکه عموماً هر هر فرد این مستقبلین خود ها را مرهون مجاهدات و فداکاریهای جناب محمد نادر خان سپه سالار میدانستند) دو طرفهٔ سرک را در فاصله بین کابل و چهل ستون ، در صفوف پیهم و متوالی خود طوری گرفته بودند که از حد سلامخانه الی چهل ستون در اطراف قریبهٔ سرک جای پای ماندن نبود انتظار ورود موکب ذات ستوده صفات نجات و استقلال بخش

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 668 of 711

خود ها را میکشیدند .

از دحام اهالی و مجاهدین باندازه بود که حقیقتاً کمتر نظیر آنرا دیده بودیم . اهالی کابل با دسته های گل تا نزدیک قصرهای دارالامان صف بسته بودند و بهمدیگر تبریک این روز سعید را میگفتند .

درین روز فیروز انواع شگفتگی و انبساط در طبیعت ها موجود بود . پارچه های ابرهای سفید چون امواج کف آلود اقیانوس در فضای لاجوردی آسمان کابل شناور بود - طبیعت با همه عظمت و بزرگواری خود در صدد استقبال این رادمرد بزرگ و نابغه معظم برآمده پای انداز لطیفی از برگ های نیم رنگ زرد و سبز درختان بر روی زمین گسترده بود . هلهله شادمانی ها و غریو شلیک های پیاپی مجاهدین ، صدای یک نواخت دهل های ملی آهنگ روح نواز نشید های افغانی ، با غرش های آسمان مخلوط گردیده و همه بیک آواز این نادر روزگار و این منجی حقیقی وطن جناب محمد نادر خان سپه سالار را خوش آمدید گفته می سرودند « ای بهارستان اقبال وی چمن پیما بیا »

احساسات اهالی درین روز بقدری لطیف و پر هیجان بود که من بچشم خود مشاهده کردم که از شدت خوشی در گوشه چشم ها اشک شادی میدرخشید ، آسمان هم جلوه مسرت های مالا نهایه خود را رها نموده قطرات لؤلؤش خویش را بر سر وی

(c) ketabton.com: The Digital Library

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 670 of 711

ضمیمهٔ صحیفهٔ (۵۷۵) جدول کتاب «نادر افغان»

یك منظرهٔ روح افزای مسرت آور که ازدحام عمومی را بقرب ورود مسعود حضرت عالی جناب محمد نادر خان غازی بدار السلطنه کابل نشان میدهد

این عکس در صحنهٔ خارجی سلامانهٔ عمومی کابل درموقعیکه تکالیف سلطنت بحضور حضرت عالی سپه سالار محمد نادر خان غازی از طرف عموم ملت کرده میشود بروز ۲۳ میزان در سنه ۱۳۰۹ گرفته شده است

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 671 of 711

اهالی مصیبت رسیدهٔ کابل نثار میکرد .

بالآخره دقائق انتظار بپایان رسید و در میان همهمه های مختلف صدای موزیک عسکری از دور بگوش رسید، و شلیک پیاپی شادمانی نزدیک شد.

طلیعهٔ فوج مظفر نادری نمودار گردید، در وسط اردو قائد اعظم ملت و محیی مملکت عزیز افغانستان سواره بنظر آمد، که با چهرهٔ خندان که آثار منتها ضعف و نقاهت دران هویدا بود جواب تعارف و خوش آمدیهای اهالی را میدادند در عقب این موکب دسته های متعدد اقوام آتن کنان و هلهله گویان با عساکر فراوان ملی در حرکت بودند .

اهالی کابل این منظرهٔ خوش آیند را بنظر حیرت و استعجاب میدیدند. و حالت روحانی و کیفیت وجدانی خود را باین دو کلمهٔ مختصر ادا میکردند :

زنده باد منجی حقیقی ما ! جناب محمد نادر خان غازی .

از هر طرف دسته های گل نثار میشد، و با کف زدنهای متوالی نجات دهندهٔ حقیقی و رادمرد واقعی وطن را خیر مقدم میگفتند .

از همین جم غفیر یکه از حساب بیرون بود هر کدام جداگانه سعی و کوشش می ورزید تا صدای شکریه و امتنان خود را بسمع جناب محمد نادر خان سپه سالار

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 672 of 711

برسانند - سپه سالار صاحب هم باشارهٔ سر و دست و تبسم این حسیات عالی العال را قبول و بهر طرف نگاه های الطاف و مرحمت را معطوف میفرمودند. تا اینکه حضرتعالی سپه سالار غازی در اثنای همین غلغله دعاگوئی و همهمه های شادمانی بکمال شکوه و احتشام لاینتهای در حالیکه عامهٔ اهالی متوالیاً تبریک و تهانی موفقیت جناب محرر نادر خان غازی را باهمدیگر تبادله میکردند وارد سلامخانهٔ عمومی شدند.

اجراآت سلامخانه

خلاصهٔ این موکب گرامی سردار محمد نادر خان سپه سالار غازی همین اوضاع مسرت و قدردانی که فوقاً نگاشتیم به خارج و داخل سلامخانهٔ عمومی نیز مورد احترام و تعظیم و پذیرائی عالی شدند - باین تقریب تمام سلامخانه از وزرای عصر امانی و کلاء ملت و اعزه و معاریف و عمائد و روشناسان کابل و اطراف آن مملو بود حتی اعضای کور دیپلوماتیک مقیمهٔ کابل نیز برای نظاره و مطالعهٔ جریانات و رویداد این مجلس ملی حضور آورده بودند.

درینجا تا نیم ساعت آوازهای تکبیر و تهلیل سامعه نوازی، و ادعیه و اظهار الفاظ شادمانی و قرائت عرائض شکرگذاری و نشیده هائیکه بتقریب این

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 673 of 711

مظفریت ملی و ازالهٔ توحش و تظلم سقوی و قیام سلطنت نادری سروده شده دوام داشت، تا اینکه سپه سالار درایت مدار از دیدن این مناظر اخلاص و تقدیر و مظاهر محبت و صمیمیت فنا ناپذیر حضار در ورطهٔ حیرت و تصورات ژرف رفته بودند این غلغلهٔ سرور را به مشکل امکات، و افکار و نظریات عالی خود را قرار آتی بعموم عالی فرمودند

اولین نطق سپه سالار غازی در سلامخانهٔ عام

«برادران و عزیزانم!»

«بتقریب این موفقیت قوای قومی افغانستان که بفضل الهی و مدد روحانیت حضرت نبوی در طرد نمودن و تشتت دزدان بیشرف و رفع نمودن آنهمه مظالم و وحشت و دفع نمودن آن مصائب و نکبت که از شامت اعمال بندگان خدا و سوء رفتار عمال ماضی شما و دگر علل واقع شده است کامیاب شده ایم هر قدر که بدرگاه الهی شکرگذاری کنیم کم است (غریو عمومی الحمد لله الحمد لله) اگر در انطفای این آتش که در افغانستان افروخته شده و تمام موجودیت وطن محبوب ما را در احتراق گرفته بود لطف الهی و باز در عالم اسباب شجاعت و غیرت ملی و وحدت پسندی شما ملت عزیزم بذل مجاهدت نمیکرد البته که این سیل موحش بنیان سلامت

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 674 of 711

ملت و استقلال مملکت ما را اگر کمی دگر دوام میکرد (لا وقع الله) از پای انداخت»
(غریو تصدیق عمومی)

«من از اینکه شما حضار محترم و باقی ملت شجاع غیرتمند در راه نجات وطن از این گرداب رنج و محن با من معاونت عملی و مالی و فکری کرده اید و یا تسهیلات لازمه درین مورد بمن فراهم آورده اید از حد زیاد اظهار مسرت میکنم و از خداوند برای همچه اشخاص موقع شناس خیر اندیش اجر جزیل را در دنیا و آخرت مسئلت دارم»

«البته همه تان مطلع هستید که من در موقع بروز این حوادث مؤلمه که دل ها را کباب و خانه ها را خراب و دیده ها را پر آب کرده است با دل فگار و تن بیمار در یک گوشهٔ فرانسه افتاده بودم بمجرد استماع این واقعات مدهشه مضطرب و سراسیمه بدون زاد و توشه و ضروریات لازمه بهمراه برادرهایم محمد هاشم خان و شاه ولیخان عازم افغانستان شدم و بعد از وصول وطن در طول (۷) ماه خودم و برادرانم قوم بقوم، قریه بقریه و سنگ بسنگ حصص جنوبی افغانستان را شب و روز محض جهة القای روح وحدت و دور کردن اثرات سوء شقاق و مخالفت و اسقاط وحشت گریهای اهل سرقت (که لله الحمد به خجلت و مذلت گرفتار شدند) طوری کوشیدیم که در هر لحظه انواع مشکلات و بلیه ها عائد میشد و در عین زمان

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 675 of 711

مال و هستی ما به یغما، و شصت و چند نفر عائله و اطفال خاندانی ما گرفتار حبس و اضرار دزدها بود.»

«چندین مراتبه تجمع قومی شد و حمله های متعددی بر قوای سقوی نمودیم ولی چندین مراتبه بنا بر علل و اسباب متضد شکست خوردیم در عین همین عقب نشینی و توجیه مشکلات مالی و اختلاف قومی و القای انواع غلط فهمی که هر کدام آن تنها موجب عقیم ماندن مطلوب و سبب دل سردی و سقوط من شده میتوانست من ازین عزم خود که نجات وطن و دمیدن روح وحدت در عامهٔ ملت بود دست نکشیدم زیرا تصمیم من درین مقصد باندازهٔ بود که هیچیک علائق دنیوی و مشکلات مادی و معنوی مرا از انجام آن باز داشته نمیتوانست حتی در قربانی تمام خاندان خود هم دریغ نکردم» (غریو عمومی: زنده باد غمخوار خیر اندیش افغان غازی نادرخان)

«همان است که در اثر مجاهدات خویش و مساعدت دیگر بهیخواهان ملک و ملت و معاونت اقوام افغانستان لله الحمد درین مراتبه در تشتت و ازالهٔ توحش این دزدان بی وجدان موفق و کامگار شدیم» (غریو عمومی الهی شکر).

«هر چند از روی سنجش و تدقیق موفقیت من درین اقدام بزرگ که همهٔ ملت خواهان و وطن دوست ها از اصلاح و ادارهٔ آن مایوس بودند و من هم در اصلاح

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 676 of 711

وتحلیل آن مشکلات عظیمی سر دچار شده ام فی هزار یک هم متصور نبود، با آنهم من مایوس نشدم، طپیدم وکوشیدم وبه رقم رقم ملت را بمفاد ومضرت شان دانانده تا اینکه از لطف خدا که یقیناً بران حال فلاکت اشتمال ما وشما ترحم فرموده است وتوبه های بصدق وگریه وزاری ما را قبول درگاه بینیازی خود کرده باینقدر یک موفقیت نائل شدم که امروز ما وشما بکمال مسرت در همچه ازدحام وجمعیت انبوه خوشبختانه جهة شکرگذاری ازین مراحم ربانیه اجتماع ورزیده ایم درحالیکه بهفته گذشته تجمع دو سه نفر در کنار حتی از تشدد واستبداد اشرار از سخن زدن وراز دل گفتن با یک عزیز وهم وطن خود، شما ملت محروم بوده بانواع کشمکش وفتن گرفتار بودید»

«چون این موفقیت ما وشما الی الآن بکلی تمام نشده وهنوز هم رگ وریشهٔ این خطرات واندیشه در هر کنار وگوشه موجود، وبه پیش روی ما وشما کارهای بسیاری است، لذا نباید که ما به نشأهٔ این مظفریت سرشار وبمظاهر فرحت گرفتار شویم، باید نه تنها ما وشما این اخگرهای شعله افروز انقلاب را بالمرّه خاموش کنیم، بلکه بتلافی این نقصانات وارده که از هر حیث وهر جهة وطن را بمشکلات انداخته است نیز صرف مساعی جدی ورزیم»

درین محل از طرف جمهور حضار غلغله های مسرت باری که با تکبیر وتهلیل ممزوج بود بالا شده تماماً تکلیف سلطنت را بجناب محمد نادر خان غازی تقدیم کرده در قبولیت آن اصرار

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 677 of 711

و این موضوع از هر گوشه و کنار تکرار میشد، و تائید این تکلیف از جانب تمام اعیان و معاریف ملت یکی بعد از دیگر به حضور جناب محمد نادر خان مظفر معروض میگردید تا اینکه متفقاً و متحداً آوازهای زنده باد اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی نجات و استقلال بخشای افغانستان طنین انداز فضا شد.

جناب سپه سالار که از دیدن این اوضاع و اصرار عموم بحیرت و دهشت فرو رفته بودند بعد از تفکر و تعمق این غلغله را باصرار آرام، و قرار آتی در موضوع عدم تحمل بار گران سلطنت بر نطق خود دوام کردند.

«قصد من گاهی شخصیت نبوده و نه هست من خیال سلطنت را نداشته و ندارم، پادشاهی یک امر انتخابی است، و بایستی اجماع امت یکنفر را اولی الامر خود انتخاب کنند، البته تا وقت تشکیل لویه جرگهٔ افغانستان من بحیث وکالت کار خواهم کرد، اما پادشاهی را متقبل شده نمیتوانم بگذارید تا نمایندگان ملت از تمام افغانستان جمع شده در اطراف انتخاب پادشاه آینده خود مذاکرات مکفیه نموده هر کسی را که باکثریت مطلقه انتخاب کنند البته که ما هم اطاعت آنرا از اسباب مفخرت خود دانسته بکمال مسرت با او بیعت میکنیم و در تحت اوامر او خدمت ملک و ملت را مینمائیم. مطلب من از ابتدا چنانچه در جرائد دنیا اعلان نموده ام رفع این بحران و خانه جنگی و مظالم مفقود و بوجود آوردن وحدت ملی عمومی بوده است که خوشبختانه بآن

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 678 of 711

موفق شدیم کنون باز من همان مطلبم را که در فرانسه و هند و در همه حواشی سرحد و نقاط افغانستان بصورت تقریری و تحریری خاطرنشان کرده ام تذکار داده میگویم که من و برادرها و خاندانم براین افتخار داریم که بمسرت ملت خود شادان و در مصائب آن قرین اندوه و خفقان بوده، آن وظائف ملیت و اسلامیت خود را که بر هر فرد وطن فرض است انجام میداریم همین افتخار و اعتبار بما کافی است که بمانند یک عسکر فداکار افغانستان من و عامهٔ افراد خاندانم تفنگ را بشانه گرفته، همان وظیفهٔ مقررهٔ خود مانرا انجام دهیم و امر سلطنت را باتفاق عمومی و آرای ملت بگذاریم - هر شخص را که ملت انتخاب میکند ما نیز بکمال مسرت باو بیعت میکنیم ..»

جوابیهٔ عمومی

(غلغلهٔ عمومی: «پادشاه ما شمائید که همیشه از ما دستگیری کرده اید و در حصول مفاخر ملی وطنی ما دائماً فداکاری کرده اید.

درینجا غوغا بلند و از هر طرف نسبت باین استنکاف سپه سالار از سلطنت نطق ها و عرائض شنوانیده میشد و بدلائل و شواهد اهلیت و لیاقت این ذات صاحب درایت و غمخوار ملت را ثابت میکردند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 679 of 711

واو را به قبولیت سلطنت مجبور مینمودند و میگفتند :

ما در افغانستان همچه کسی را سراغ نداریم که طاقت تحمل این بار گران را داشته باشد زیرا تقریباً در دورهٔ یکسالهٔ انقلاب رجال خود را بخوبی آزمودیم و تجربیاتی حاصل نمودیم از تمام ولایات افغانستان کم و بیش اشخاص درین محضر حضور دارند و همه معتقد اند که جز از ذات شما سزاوار این مقام دیگری نیست شورش های چند ماهه و خرابیهای وارده که از دست اشخاص خائن بر این مملکت جوان وارد شد و مصالح وطن بیش ازین اجازه نمیدهد که این وضع دوام کند، اگر ما چندی دیگر بانتظار (لویه جرگه) امور سلطنت علیهٔ افغانستان را معطل بگذاریم اولاً یقین داریم که از شخص شخیص شما گروه ذاتی بهم پیدا نخواهد شد و نمایندگان ملت جز ذات سامی والاحضرتان دیگری را به پادشاهی قبول نخواهند فرمود، زیرا سوابق درخشان شما ما را امیدوار میسازد که در آیندهٔ قریبی اصلاحات عمده در اوضاع پریشان اجتماعی این ملت ستم رسیده وارد شود؛ و ثانیاً احتمال دارد در صورت عدم انتخاب شاه دامنهٔ شورش های داخلی وسعتی پیدا کرده و صفحهٔ مقدس افغانستان میدان خونریزیهای مدهش تری واقع گردد در صورتیکه بچهٔ سقو با تمام قوای خود در جبل السراج مصروف به اقدامات تعرضیه است

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 680 of 711

بالآخر بنا بر خواهش بار بار و تمنای تکرار سپه سالار به مشکل این هلهله خاموش و باز جناب شان نطق خود را دوام داده گفتند :

جواب الجواب ملت

"تأسف میکنم که نه شما و نه دگر اقوام و اشخاصیکه الی الآن مرا تکرار به بردا شتن بار گران سلطنت این دوره که از مشکل ترین و صعب ترین امور است تکلیف کرده و میکنند و درین باب اصرار بسیار دارند مطلب اساسی مرا نفهمیده اند - من میخواهم همچنین که بفضل خدا و همت شما وطن را از گرداب مصائب و بلا نجات داده ام تاج و تخت افغانستان را نیز از زیر سلطهٔ متنفذین خلاص کرده یک اساس صحیح اسلامیت را طرح کرده انتخاب شاهی را به آراء عمومی اتکا داده و از ان ضرورت صرف قوه و قدرت و استعمال توپ و تفنگ را سلب کنم ازین جهه است که اصرار دارم که شما این امر مهم را که به تمام ملت تماس دارد و فیصلهٔ تمام مقدرات آتیهٔ وطن بآن منوط میباشد بآراء عمومی اتکا بدهید و از عجله و چالاکی کار نگرفته ، دقت کنید و بسنجید - و بعد از تبادلهٔ افکار با عموم و خواستن

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 681 of 711

وکلای جدید از عموم ولایات وحکومات افغانستان هر ذات کامل الصفا را
که عامهٔ ملتم بشاهی خود برگزیدند من هم بکمال مسرت دستش را بوسیده
مانند یک عسکر فداکار در رکابش خدمت میکنم .

معروضهٔ مصرانه والحاح مسکتانهٔ ملت بحضور

سپه سالار شجاعت طویت

حضار ، حتماً شما درینموقع هرج ومرج ودرین فرصتیکه مریض
محتضر افغانستان از حالت نزع برگشته تجدید حیات کرده واحوالش
نازک است باید این بار گران را محض خدمت وطن وخیر جامعه قبول
کنید وما را دانه وابرین دو سنگ آسیای این قوای سرشور
آشوب پسند مهاجم ومدافع نگذارید - درحالیکه بجز از قندهار وجنوبی ومرکز
کابل درهمهٔ افغانستان قوه واقتدار سقویان الی الآن مکمل وبرعلاوهٔ
آن درشمالی ترتیبات بزرگی جهة استرداد کابل گرفته فی الحال درحدود
دوده مست وخرس خانه وکوتل منار جنگ هم جاری است .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 682 of 711

وقت و سنجش و مشورهٔ ما در طول انقلاب دوام داشت، مخصوصاً در اثنای فتح کابل که هشت شبانه روز از آن منقضی است موضوع بحث عمومی ما همین امر بوده، ما حاضرین تماماً و متفقاً باین نتیجه واصل شده ایم که حتماً شما خادم صادق وطن این وظیفهٔ مهمه را متحمل شوید.

اینکه شما نسبت به اخذ نظریهٔ وکلای سائر ولایات و محلات افغانستان فرمودید تکرار عرض میکنیم که درینجا هم وکلائی که در عصر امانی در مرکز بودند و بواسطهٔ بروز انقلاب الی الآن ماندند و هم وکلائیکه در عصر سقوی بنابر مغالطهٔ که اهالی دور دست، در شناختن آن مشهور بالفساد خورده بودند، حاضرند و هم به معیت شما وکلای مشرقی و جنوبی و قندهار و کابل موجود است ما و آنها عموماً بالاتفاق این قبای سلطنت را لائق وجود شما دانسته رجای با اصرار میکنیم، که حتماً شما ادارهٔ امور وطن را بحیث شاهی متقبل شوید و بلحاظ خدا و رسول اضافه برین از تردید خود احساسات ما را مجروح نکنید و ازین ملت مصیبت دیدهٔ انقلاب کشیدهٔ خود که زورق چار موجهٔ شانرا بمساعی خود قریب ساحل رسانیده اید دستگیری اساسی بفرمائید تا حیات آتی ما مسعود و خدا و رسول و ملت از مساعی خداپسندانهٔ شما خوشنود گردد.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 683 of 711

حضرت عالی سردار « محمد نادر خان » سپه سالار غازی

در موقع الحاح و اصرار عمومی ملت که بر اوشان بار گران سلطنت را تحمیل و اوشانرا به پادشاهی انتخاب میکنند ، در اندیشه های عمیق وبحر تفکر فرو رفته درقبولیت امارت درین موقع پرنزاکت که هزاران تکلیف ومصیبت بملك و ملت عائد، وحکومت تمام لوازم ملکی و نظامی خودرا فاقداست تردد دارند .

(سلامخانهٔ عمومی کابل ۲۳ میزان ۱۳۰۸)

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 684 of 711

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 685 of 711

مایقین داریم وبشما هم خوبتر معلوم است که بجز از شما دگر اینطور یکشخص جامع الاوصافی در طول وعرض افغانستان موجود نیست که همهٔ احزاب ودسته ها واقوام وقبائل بروی متفق وبالمره بکندن ریشه های نفاق وخانه جنگی موفق شوند، لذا ما از حضور شما که به عذر والحاح وکمال مسرت ورضا شما را پادشاه واولی الامر خود قبول میکنیم رجا وتمنا داریم که ضرور بصدور این خدمت مملکت را قبول کنید وباین حس قدردانی ما صدمهٔ وارد نکنید (غریو عمومی: مبارکباشد، مبارکباشد) زنده باد شاه منجی واستقلال بخش ما اعلیحضرت نادرشاه، پاینده وبرقرار باد حریت واستقلال افغانستان! (غلغلهٔ تکبیر وتهلیل).

بیعت اهالی به اعلیحضرت محمد نادرشاه

درینموقع سپه سالار صاحب درایت مدار درچنان افکار عمیق وتصورات ژرف فرورفته بودند که این وضع متحیرانهٔ شان علانیهٔ تردد زیاد شانرا در برداشتن این بار گران درینموقع ابتری وپریشانی نشان میداد.

درینجا عموم اعیان ومعاریف کابل وشش کروهی وتمام وکلای افغانستان که در عصر امانی وسقوی بکابل آمده بودند، برای دادن دست بیعت واطاعت بحضور این ذات دیانت طویت هجوم آوردند وپروانه دار

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 686 of 711

اطراف این شمع ضیا بار افغانستان را در حلقه گرفته عموماً به حضور شان عرض فدویت و اخلاص و صمیمیت را مینمودند، و بهمین صورت گویا افغانستان ازین بحر پر از طغیان انقلاب این گوهر گرانمایه را بدست آوردند، و این پادشاهی بالاستحقاق اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی که بطیب خاطر و اتفاق آرای عمومی و اکثریت مطلقه و اصرار و الحاح متمادیه که ما بشمهٔ از آن اشاره کردیم مصداق صحیح این آیهٔ شریفه گردید که،

إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 687 of 711

معلومات عمده راجع بمدارج حیات اعلیحضرت محمد نادر شاه سلمهم الله تعالی

نمبر	وقوعات	سنه هجری قمری	سنه هجری شمسی	سنه عیسوی
۱	ولادت سردار محمد نادر خان	۱۳۰۲	۱۲۶۲	۱۸۸۵
۲	ورود سردار محمد نادر خان بکابل	۱۳۱۹	۱۲۸۰	۱۹۰۱
۳	کند کمشری سردار محمد نادر خان	۱۳۲۱	۱۲۸۲	۱۹۰۳
٤	غند مشری " "	۱۳۲۳	۱۲۸٤	۱۹۰۵
۵	سیاحت هند " "	۱۳۲٤	۱۲۸۵	۱۹۰٦
٦	سیاحت افغانستان " "	۱۳۲۵	۱۲۸٦	۱۹۰۷
۷	جنرالی " "	۱۳۲٦	۱۲۸۷	۱۹۰۸
۸	حرکت جهت قیام امنیت و اصلاح جنوبی	۱۳۲۹	۱۲۹۰	۱۹۱۱
۹	عودت مظفرانه از سمت جنوبی	۱۳۳۰	۱۲۹۱	۱۹۱۲
۱۰	نائب سالاری سردار محمد نادر خان	"	"	"
۱۱	تأسیس مکتب ملک زاده ها	"	"	"
۱۲	" " جدید الاسلام	"	"	"
۱۳	اصلاح و نظارت از مکتب حربیه	۱۳۳۱	۱۲۹۲	۱۹۱۳
۱٤	افزودی تنخواه غلگی نظام	"	"	"
۱۵	سپه سالاری سردار محمد نادر خان	۱۳۳۲	۱۲۹۳	۱۹۱٤
۱٦	ظهور اصلاحات عصری و تشکیلات اساسی نظام	۱۳۳۵	۱۲۹٦	۱۹۱۷
۱۷	ابتلای خاندان نادری در سمت مشرقی	۱۳۳۷	۱۲۹۷	۱۹۱۸
۱۸	عزیمت سردار محمد نادر خان بجهاد استقلال	۲۱ رجب ۱۳۳۷	۳ ثور ۱۲۹۸	۲۳ اپریل ۱۹۱۹

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 688 of 711

معلومات عمده راجع بمدارج حیات اعلیحضرت محمد نادر شاه سلمهم الله تعالی

نمبر	وقوعات	سنه هجری قمری	سنه هجری شمسی	سنه عیسوی
۱۹	فتح وقبضهٔ (دانا)	۲۰ شعبان ۱۳۳۷	۳۱ ثور ۱۲۹۸	۲۱ می ۱۹۱۹
۲۰	تسخیر کوتل پیوار	۲۱ " "	۱ جوزا "	۲۲ " "
۲۱	فتح (شهر تهل)	۲۷ " "	۷ " "	۲۸ " "
۲۲	متارکه	۳ رمضان "	۱۲ " "	۲ جون "
۲۳	معاودت سپه سالار از خاک انگلیز بعد از متارکه	۸ " "	۱۷ " "	۷ " "
۲۴	حصول استقلال افغانستان	۲ ذیقعده "	۲۶ اسد "	۱۸ اگست "
۲۵	معاودت مظفرانهٔ سپه سالار از جهاد استقلال بکابل	۲۵ محرم ۱۳۳۸	۲۸ میزان "	۲۱ اکتوبر "
۲۶	تقرر سردار محمد نادر خان بوزارت حربیهٔ افغانستان	صفر "	عقرب "	نومبر "
۲۷	عزیمت " " جهة اصلاحات مشرقی	ربیع الاول "	قوس "	دسمبر "
۲۸	تأسیس اخبار اتحاد مشرقی ومکاتب در جلال آباد	" "	حوت "	" "
۲۹	معاودت موفقانهٔ نادری از سمت مشرقی	ذیقعده "	اسد ۱۲۹۹	اگست ۱۹۲۰
۳۰	اصلاحات مهمهٔ نادری در وزارت حربیه	۱۳۳۹-۱۳۴۰	۱۲۹۹-۱۳۰۰	۱۹۲۱-۱۹۲۲
۳۱	تأسیس مجلهٔ مجموعهٔ عسکریه وطبع نقشهٔ افغانستان وتأسیس مکتب طبیهٔ ملیهٔ علی آباد	" "	" "	" "
۳۲	عزیمت سپه سالار برای اصلاح وتنظیم قطغن وبدخشان	جمادی الاول "	جدی "	جنوری ۱۹۲۳
۳۳	تأسیس جریدهٔ اصلاح خان آباد	"	"	"
۳۴	معاودت کامیابانهٔ سپه سالار از خان آباد	ربیع الثانی ۱۳۴۱	قوس ۱۳۰۱	دسمبر "
۳۵	انطباع کتاب رهنمای قطغن وبدخشان	"	"	"

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 689 of 711

معلومات عمده راجع بمدارج حیات اعلیحضرت محمد نادر شاه سلمهم الله تعالی

نمره	وقوعات	سنه هجری قمری	سنه هجری شمسی	سنه عیسوی
۳۶	استعفای سپه سالار از وزارت حربیه	ربیع الثانی ۱۳۴۲	قوس ۱۳۰۲	دسمبر ۱۹۲۳
۳۷	تقرر سپه سالار بوزارت مختاری افغانستان در پاریس	۸ شعبان "	۲۴ حوت "	۱۵ مارچ ۱۹۲۴
۳۸	حرکت سپه سالار بوزارت مختاری افغانستان در پاریس و بلژیک	ذیحجه "	سرطان ۱۳۰۳	جولائی "
۳۹	انفصال سپه سالار از وزارت مختاری افغانی در پاریس	۲۴ جمادی الاولی ۱۳۴۵	۸ قوس ۱۳۰۵	۳۰ نومبر ۱۹۲۶
۴۰	حرکت سپه سالار جهة نجات وطن	شعبان ۱۳۴۷	دلو ۱۳۰۷	فروری ۱۹۲۹
۴۱	مواصلت سپه سالار بخاک افغانستان	۲۰ رمضان "	۱۹ حوت "	۱۱ مارچ "
۴۲	حرکت " از خوست	۲۱ شوال "	۱۳ حمل ۱۳۰۸	۲- اپریل "
۴۳	مواصلت " در بالاده گردیز	۴ ذیقعده "	۲۵ " "	۱۴ " "
۴۴	ورود وفد مشرقی بسرکرده گی آقای محمد گلخان	۱۱ " "	۱ ثور "	۲۱ " "
۴۵	جنگ دَبَر	۱۶ " "	۶ " "	۲۶ " "
۴۶	" خوشی	۱۸ " "	۸ " "	۲۸ " "
۴۷	آمدن اولین وفد بچه سقو	۶ ذیحجه "	۲۵ " "	۱۵ می "
۴۸	" دومین " " با آقای علیشاه خان	۱۷ " "	۵ جوزا "	۲۶ " "
۴۹	جنگ گردیز	۶ محرم ۱۳۴۸	۲۳ " "	۱۳ جون "
۵۰	سقوط گردیز	۱۸ " "	۴ سرطان "	۲۵ " "
۵۱	وصول سپه سالار بجاجی	۲۱ " "	۷ " "	۲۸ " "
۵۲	معاهده وحدت اقوام	۲۸ " "	۱۴ " "	۵ جولائی "
۵۳	فتح مکرر خوشی	۴ صفر المظفر "	۱۹ " "	۱۰ " "

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 690 of 711

معلومات عمده راجع بمدارج حیات اعلیحضرت محمد نادر شاه سلمهم الله تعالی

نمبر	وقوعات	سنه هجری قمری	سنه هجری شمسی	سنه عیسوی
۵۴	حمله مشرقی کابل	۴ صفر ۱۳۴۸	۱۹ سرطان ۱۳۰۸	۱۰ جولائی ۱۹۲۹
۵۵	اجرا و تاسیس اخبار اصلاح در جاجی	۲۳ " "	۶ اسد "	۲۹ " "
۵۶	اعزام قوا بعزم فتح کابل	۱۳ ربیع الثانی "	۲۵ سنبله "	۱۷ ستمبر "
۵۷	فتح تنگی و اغجان	۲۶ " "	۸ میزان "	۳۰ " "
۵۸	فتح کابل	۵ جمادی الاولی "	۱۶ " "	۸ اکتوبر "
۵۹	تخلیه ارگ و فرار سقوزاده	۹ " "	۲۰ " "	۱۲ " "
۶۰	ورود سپه سالار بکابل	۱۱ " "	۲۲ " "	۱۴ " "
۶۱	جلوس میمنت مانوس اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی	۱۲ " "	۲۳ " "	۱۵ " "

(c) ketabton.com: The Digital Library

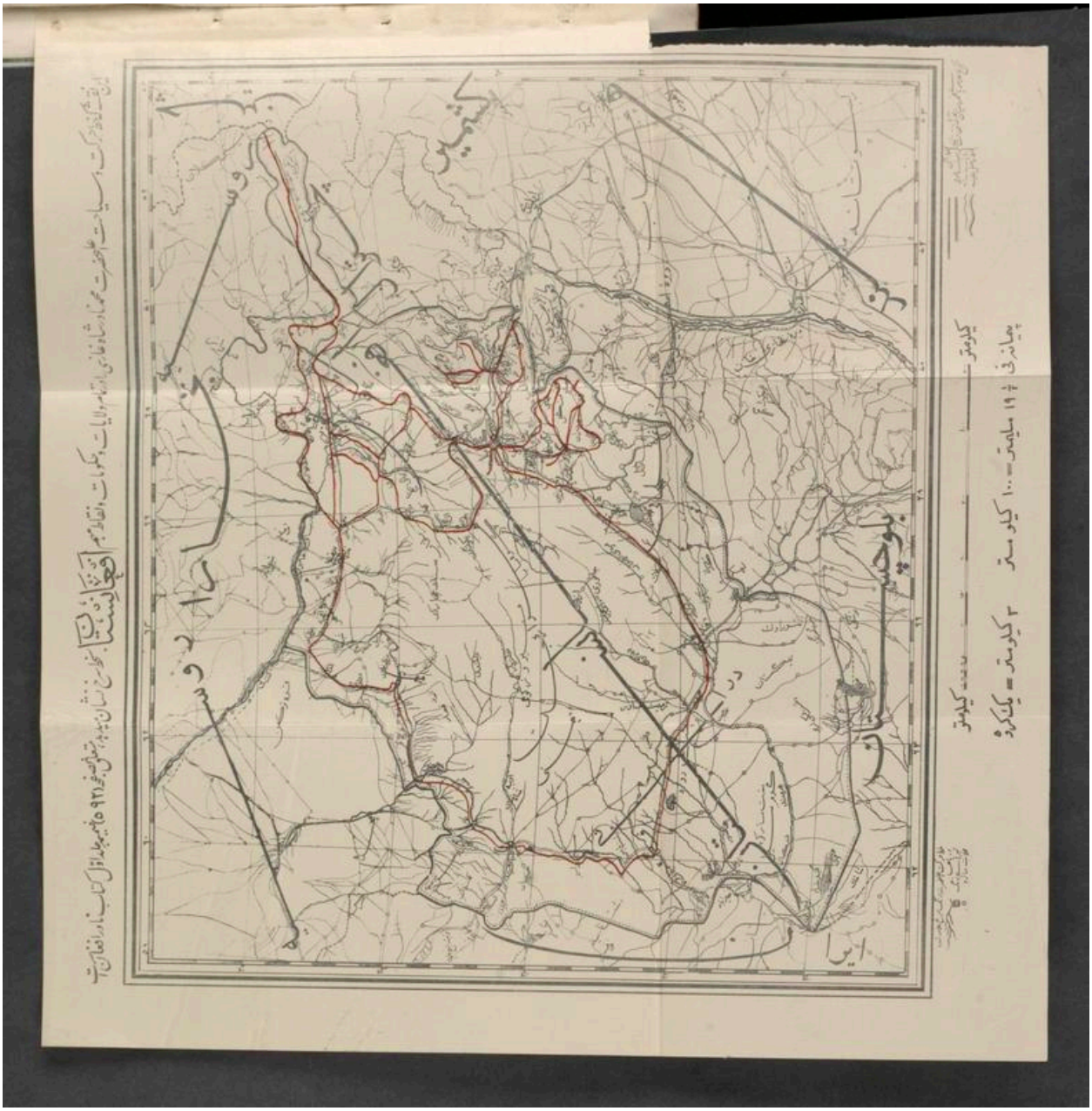

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 692 of 711

معلومات مفیده راجع بسیاحت اعلیحضرت محمد نادر شاه که در نقشهٔ افغانستان بمقابل صفحهٔ هذا بخط سرخ اشاره شده

افغانستان

اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی سیاحت مقامات آتی را بمعیت اعلیحضرت امیر حبیب الله خان شهید در سنه ۱۳۲۵ قمری فرموده اند:

غزنی، مقر، کلات، قندهار، فراه، هرات، میمنه، بلخ، مزار، قطغن و بدخشان بامیان وغیره حصص مربوطهٔ ولایت کابل.

بسمت مشرقی از سنه ۱۲۸۲ شمسی تا سنه ۱۲۹۷ شمسی همه ساله با موکب اعلیحضرت شهید رونق افزای جلال آباد میشدند و در سنه ۱۲۹۸ و سنه ۱۲۹۹ شمسی جهة اصلاح و تنظیم مشرقی تشریف فرما شدند بکذا در سنه ۱۳۰۱ بمعیت شاه مخلوع اقامت گزین آن سمت بودند.

در سمت جنوبی در سنه ۱۲۹۱ جهة ادارهٔ امنیت، و در سنه ۱۲۹۹ برای جهاد استقلال و در سنه ۱۳۰۷ و سنه ۱۳۰۸ شمسی جهة نجات وطن مصروف اصلاحات و مساعی و مجاهدات بودند.

خارج

اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی ایام طفولیت و سن رشد را در ڈیره دون اقامت داشته و دیگر حصص هندوستان را ضمناً مشاهده فرموده اند، تکرار در سنه ۱۳۲۶ قمری بمعیت اعلیحضرت شهید شهرهای بزرگ هندوستان را سیاحت کرده اند.

در اروپا بوقت تقرر او شان بسفارت مختاری افغانستان در پاریس و بلژیک چه در اثنای مأموریت و چه در موقع سیاحت و معالجه و تبدیل آب و هوا شهرهای ذیل را سیاحت فرموده اند:

مصر، فرانسه، بلژیک، ایطالیا، جرمنی، استریا.

یادداشت

ذات شاهانه علاوه بر زبان افغانی و فارسی که در افغانستان رائج است، بزبان اردو، انگلیزی، فرانسوی نیز تکلم و تحریر کرده میتوانند.

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 693 of 711

سلسلهٔ نسب انسب اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی

سلسلهٔ نسب پدری شان بسلاله محمد زائی منتهی میشود به این صورت :-	سلسلهٔ نسب مادر کلان پدری اعلیحضرت محمد نادر شاه	سلسلهٔ نسب مادری شان بسلاله سدوزائی منتهی میشود به اینقرار :-
اعلیحضرت محمد نادر شاه بن	اعلیحضرت محمد نادر شاه بن	اعلیحضرت محمد نادر شاه ولد
سردار محمد یوسف خان بن	سردار محمد یوسف خان بن	بنت شهزاده احمد علی خان
سردار یحیی خان بن	بی بی همدم بنت	شهزاده احمد علیخان بن
سردار سلطان محمد خان بن	وزیر محمد اکبر خان غازی بن	ایوب شاه بن
وزیر پاینده خان بن	اعلیحضرت امیر کبیر دوست محمد خان بن	اعلیحضرت تیمور شاه بن
حاجی جمال خان بن	وزیر پاینده خان بن	اعلیحضرت احمد شاه (درانی) بن
حاجی یوسف خان بن		محمد زمانخان بن
بارو خان بن		دولت خان بن
محمد (زائی) بن		سرمست خان بن
عمر خان (زائی) بن		شیر خان بن
اسمعیل خان بن		خضر خان بن
نیک بن		سعد الله خان (سدوزائی) بن
دارو بن		عمر خان بن
سیفل بن		معروف خان بن
نور (زائی) بن		بهلول خان بن
بارک (زائی) بن		کته خان بن
		بامی (زائی) بن
		حبیب خان بن
		پوپل (زائی) بن

سلیمان (معروف به زیرک) بن

عیسی بن

زختر بن

ابدال بن

ترین بن

شرفدین (معروف به شرخبون) بن

شکر بن

قیس عبد الرشید

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 694 of 711

سلسلهٔ اولادهٔ سردار معظم یحیی خان جد امجد اعلیحضرت محمد نادر شاه

نام پدر	اولاد ذکور	اولاد اناث
سردار معظم (یحیی خان) مرحوم	سردار محمد آصف خان مرحوم سردار محمد یوسف خان مرحوم	حرم امیر محمد یعقوب خان حرم سردار فتح محمد خان حرم سردار محمد رحیم خان

سلسلهٔ اولادهٔ سردار محمد آصف خان عم معظم اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی

نام پدر	اولاد ذکور	اولاد اناث
سردار محمد آصف خان مرحوم	سردار محمد سلیمان خان مرحوم سردار حمد شاه خان سردار محمد کریم خان	ملکهٔ افغانستان والدهٔ شهزاده محمد طاهر خان حرم سردار محمد رفیق خان حرم سردار محمد عزیز خان حرم عبد الغنی خان حرم محمد اکبر خان حرم نور احمد خان بنته

سلسلهٔ اولادهٔ سردار محمد یوسف خان والد امجد اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی

نام پدر	اولاد ذکور	اولاد اناث
سردار محمد یوسف خان مرحوم	اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی سردار محمد عزیز خان سردار محمد هاشم خان سردار شاه ولیخان سردار شاه محمود خان سردار محمد علیخان مرحوم	مرحومه علیا جنابه والدهٔ حرم اعلیحضرت شهید والدهٔ شهزاده اسد الله خان حرم سردار محمد سلیمان خان مرحوم حرم سردار شیر احمد خان مرحومه حرم سردار محمد یونس خان پسر امیر محمد یعقوب خان حرم محمد حیدر خان

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 695 of 711

سلسلهٔ نواسه‌های سردار محمد آصف خان مرحوم عم معظم اعلیحضرت محمد نادرشاه

نام پدر	اولاد	
	ذکور	اناث
سردار محمد سلیمان خان مرحوم	سردار احمد علیخان سردار علی شاه خان سردار غلام محمد خان سردار عبدالقادر خان سردار عبدالله خان	پنج نفر
سردار احمد شاه خان	سردار تیمور شاه خان	چهار نفر

(c) ketabton.com: The Digital Library

http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 696 of 711

سلسلهٔ نواسه های سردار محمد یوسف خان مرحوم والد امجد اعلیحضرت محمد نادر شاه

نام پدر	اولاد	
	ذکور	اناث
اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی	شهزاده محمد طاهر خان	چهار نفر
سردار محمد عزیز خان	سردار محمد داود خان سردار محمد نعیم خان	یک نفر
سردار شاه ولیخان	سردار احمد ولیخان سردار عبد الولیخان سردار ولی شاه خان	
سردار شاه محمود خان	سردار زلمی خان سردار سلطان محمود خان	پنج نفر
سردار محمد علی خان مرحوم	سردار محمد ولیخان	دو نفر

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 697 of 711

اجمال حیات رجال معظم دورهٔ نادری

هرچند حالات مفصل و جامع هریکی از رجال آتی الذکر خاندان عالیشان نادری درخور نگاشتن یک یک کتاب جداگانه است ولی محض تقدیر مساعی وطنخواهانهٔ شان درینجا بالاختصار باجمال حیات شان که تماماً در مساعی و خیالات ملت پرورانهٔ اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی اشتراک داشتند قرار آتی میپردازیم:

جناب سردار محمد عزیز خان

مراتب تعلیم و تربیهٔ معظم له بهمراه ذات شاهانه انجام یافته، در سنه ۱۳۲۱ ق شاغاسی خارجهٔ افغانستان مقرر شدند و این کار را نظر باقتضای وقت و زمان و مطابق بسیاست حکومت عصر اعلیحضرت امیر حبیب الله خان بنهایت صداقت و امانت انجام میدادند، و در دورهٔ هند و افغانستان بمعیت اعلیحضرت شرکت داشتند.

در عصر امانیه در موقع ورود قوافل مسلسل مهاجرین همدردانه از ان هندوستانیهای مظلوم که نظر بدعوت ناعاقبت اندیشانهٔ شاه مخلوع بافغانستان هجرت میکردند پذیرائی و خبرگیری میکرد، و طوریکه در صفحهٔ (۲۱۵) مرقوم شد مشار الیه باتفاق یکعده از دیگر افاغنهٔ حساس و هندیهای مقیم کابل در فراهم آوری تسهیلات و معاونتهای

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 698 of 711

اخلاقیهٔ آنها میکوشیدند .

در سنه ۱۲۹۹ اش بهمراه اولین دستهٔ محصلین افغانی که جهة اخذ تعلیم علوم و فنون عالیه بخارج اعزام شدند بحیث نگران و مربی به اروپا تشریف بردند و دقیقهٔ از دقائق نظارت و حسن مراقبت و تطبیق دادن همهٔ مراتب تعلیم و تربیه را بر طلاب افغانی فروگذار نشدند .

در سنه ۱۳۰۳ بحیث نائب وزیر مختار افغانی در پاریس و بلجیک بمعیت برادر موقرش (اعلیحضرت محمد نادر شاه که در انوقت وزیر مختار بودند) مقرر شده بر علاوهٔ نگرانی از طلاب افغانی این وظیفه را هم بصورت صحیح و اساسی ایفا میکردند .

در سنه ۱۳۰۵ بهمراه چند نفر طلابیکه موقتاً از پاریس بمرکز خواسته شده بودند وارد کابل شده چندی بواسطهٔ عدم موافقت بطرز عمل حکومت در خانه بیکار، از اراضی و املاک خود و اعلیحضرت غازی خبرگیری مینمودند .

در سنه ۱۳۰۶ بواسطهٔ گرفتن خبر شدت علالت اعلیحضرت و استماع بیماری شدید پسرش محمد داود خان تکرار جهة تیمارداری آنها در حالیکه از دیدن اوضاع اشتعال آمیز حکومت امانی در وطن خیلی متأثر بودند، عازم پاریس شدند، و در آنجا بمعالجه و پرستاری برادر موقر و فرزند نور بصرش پرداخته الی حدوث انقلاب به حضور جناب

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 699 of 711

سپه سالار (اعلیحضرت موجوده) ماندند.

در موقع حدوث انقلاب هرچند حضرت معظم له زیاده تر میل و خواهش داشتند که با سپه سالار غازی (اعلیحضرت) و دگر اخوان نامی شان، در رفع بلای انقلاب و خانه جنگی از خاک پاک افغانی صرف مساعی کنند، ولی سپه سالار (اعلیحضرت) بر او شان امر و تاکید فرمودند تا در فرانسه بوده از تعلیم و تربیهٔ خلف الصدق اعلیحضرت غازی آقای محمد ظاهر خان و فرزند ارجمند خود شان محمد داود خان نگرانی کنند چنانچه حضرت ممدوح با دل شکسته در فرانسه بموجب امر برادر فرزانهٔ شان الی ختم انقلاب مانده در دوران انقلاب از اعطای معلومات تازه و غیره معاونتهای اخلاقیه با این برادران مجاهد شان کوتاهی نکردند

جناب سردار محمد هاشم خان

حضرت ممدوح مراتب تعلیم تربیوی خود را با اعلیحضرت غازی معاً انجام و در اواخر سنه ۱۲۸۲ اثر منصب سرادسی حضور نائل و در دورهٔ هند و افغانستان با اعلیحضرت شامل بوده وظائف خود را با کمال صفائی و درستی ایفا و در سنه ۱۲۹۶ بقوماندانی عمومی قوای نظامی هرات بصفت نائب سالار افتخار یافتند، و این خدمت را بکمال فعالیت و صداقت انجام و روح صحیح عسکریت و نظم و نسق زیادیرا در نظام آنجا تزریق نمودند

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 700 of 711

که شمهٔ ازین مجاهدات شان در صفحهٔ (۹۰) این کتاب مرقوم است .

بعد از شهادت امیر شهید از انجا منفصل و پس از کشیدن ابتلای مقرره ، بدار السلطنهٔ کابل واصل شدند ، در موقع رفتن سپه سالار غازی (اعلیحضرت) برای اصلاح و تنظیم امور مشرقی جناب اوشان هم بحیث نائب سالار نظامی حاکم اعلای مشرقی بمعیت شان عازم آن سامان شدند .

از بدو این مأموریت مهم خویش که در ۱۲۹۸ آ بود الی ۱۳۰۰ بچنان فعالیت و امانت و صداقت وظائف ملکی و عسکری خود را انجام داده اند ، که الی الآن تاریخ افغانستان نظیر آنرا نشان نمیدهد ، شمهٔ ازین اجراآت نافعهٔ شان در شمارهٔ (۹۳) سال (۲) اتحاد مشرقی تاریخی ۹ دلو ۱۳۰۰ مرقوم است ، بر علاوهٔ آن ناظرین درینمورد معلومات اجمالی را از صفحهٔ (۲۰۱ ، ۲۰۴ ، ۲۱۴ ، ۲۱۶ ، ۲۲۱) این کتاب استحصال فرمایند .

بنابر لزوم مشرحه صفحهٔ (۲۲۹) این کتاب در اواخر ۱۳۰۰ جهة وکالت امور وزارت حربیه آمدند از انوقت الی معاودت موفقانهٔ سپه سالار از تنظیمات ولایت قطغن و بدخشان بکمال همدردی و دلسوزی کفالت وزارت حربیهٔ افغانستان را بیک اساس صحیح عالیشان می نمودند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 701 of 711

در موقع اشتراک در مجلس وزرای امانی اطلاع حقائق و نقائص مرئیه را کما
میفرمودند و بر آن اجراآت ناصواب و افکار و نظریات پر از آفات حکومت که
دران وقت تازه به اقدام کردن آن از طرف حکومت تصمیم کرده می شد، دائماً تنقید
مینمودند و در همه امور از روی عقل و شعور داد حقانیت و اسلامیت خود را بظهور میرسانیدند
و بسیار میکوشیدند، تا زعمای امور آن عصر را از اختیار نمودن راه غلط دور فرمایند

بعد از اینکه سپه سالار (اعلیحضرت) ادارهٔ امور حربیه را بکف کفایت شان
گرفتند، بنا بر وجوهی که در صفحهٔ ۲۶۵ مرقوم است حضرت معظم له دست از کار کشیده
بغرض معالجه و تیمارداری والد امجد شان که بمرض صعب العلاجی گرفتار بودند، در اوائل
سنه ۱۳۰۲ عازم پاریس شدند.

در وسط سنه ۱۳۰۲ بوزارت مختاری افغانستان، بنا بر امر فوری الاجرای تلگرامی در
موقعی مقرر شدند که در پاریس به پرستاری و معالجهٔ والد ماجد شان مصروف بودند و
بنا بر امر و اجازهٔ والد امجد شان از انجا عازم ماسکو شده الی سنه ۱۳۰۴ بدرستی
این عهدهٔ مهمهٔ سیاسیه را انجام داده، بعداً از ان وزارت مختاری مستعفی و بحضور سپه سالار
غازی که مریض بستری بودند در پاریس حاضر شدند.

در موقع حدوث انقلاب بشرحیکه در صفحهٔ (۳۴۵) مرقوم است با اعلیحضرت عازم

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 702 of 711

افغانستان شده از پشاور قسمیکه در صفحهٔ (۳۵۵) این کتاب موجود است برای اصلاح و تنظیم مشرقی حرکت فرمودند.

در مشرقی باندازهٔ که اعلیحضرت غازی در جنوبی زحمت کشیده اند بهمان مراتب خدمت کرده اند (که شرح تفصیلات آن یک کتاب جداگانه بکار دارد) بالجمله بعد از یورش ناگهانی سقویها بر مشرقی در اثر نزاع و اختلاف قومی طوریکه در صفحهٔ (۵۴۵) کتاب مشروح است برای اصلاح و تنظیم ولایت قندهار (که بنام نامی سپه سالار غازی (اعلیحضرت) از سقویها بشدت استرداد و فتح شده بود) تشریف برده و امور از هم گسیختهٔ آن سامان را به اصول مطلوب ربط دادند.

جناب سردار شاه ولیخان

اوشان نیز مراتب تربیه و تعلیم خود را بهمراه سپه سالار غازی (اعلیحضرت) تکمیل و در سنه ۱۳۲۴ بمنصب رکاب باشی حضور نائل گردیده دران دوره که اعلیحضرت شهید در هند و افغانستان اجراء فرمود، شامل بودند و وظائف محوله خود را بکمال امانت و صداقت ایفا میفرمودند.

در موقع جهاد استقلال بمعیت برادر موقرشان طوریکه در صفحهٔ (۱۰۴) این کتاب مرقوم گردیده عازم سمت جنوبی شده در تسخیر (وانا) و (سروکی) و گرفتن دیگر تهانه های

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 703 of 711

انگلیزی چنان خدمات شانداری از وشان نمایان شد که الی الابد موجب افتخار جهان شجاعت افغانستان است اجمال رشادتهای شان در صفحهٔ ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۶، ۱۵۲، واز ۱۶۶ تا ۱۷۴ مرقوم است .

متعاقباً به قوماندانی قوای جاجی مقرر شده، بعد از ایام متارکه در موقع معاودت مظفرانهٔ سپه سالار صاحب غازی بمرکز افغانی طوریکه در صفحهٔ ۱۷۶ تحریر شده کفالت امور نظامی و ملکی جنوبی را میفرمودند، چنانچه در صلهٔ این خدمات شاندار خود از طرف حکومت برتبهٔ لوامشری ارتقا، و به نشان (سردار اعلی) و (نشان حمیت) و (وفا) نائل شدند .

در فرصتیکه سپه سالار صاحب جهة اصلاح و تنظیم امور شرقی تشریف فرما شدند مشار الیه در مرکز وزارت حربیهٔ افغانستان بحیث وکالت وظائف محولهٔ خود را به نهایت صفائی و درستی الی معاودت سپه سالار غازی (اعلیحضرت محمد نادر شاه) از شرقی انجام میدادند (ملاحظه شود صفحهٔ ۱۹۲) این کتاب در مذاکرات صلحیهٔ افغانستان حیثیت نائب رئیس هیئت اصلاحیهٔ افغانستان را داشته افکار عالی را مظهر شدند (ملاحظه شود صفحهٔ ۲۲۹) این کتاب .

از سنه ۱۲۹۶ الی سنه ۱۳۰۳ قوماندانی قول اردوی مرکز را به حیثیت نائب سالاری

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 704 of 711

بکمال امانت و دیانت داری انجام میدادند، بعد از علالت و استعفای سپه سالار (اعلیحضرت) از وزارت، جناب اوشان هم در اثر عدم موافقهٔ شان با اجراآت وزارت حربیه از منصب و رتبهٔ خویش به نهجی که در صفحهٔ (۲۶۶) این کتاب مسطور است مستعفی شدند.

در موقع بروز حوادث شرر انگیز سنه ۱۳۰۳ جنوبی بعد از شهادت عبدالحمید خان رئیس ارکان حربیهٔ عمومیه و چند برگد و کرنیل و سقوط تمام قوای نظامی محاذ بیدک و محصوریت محمد ولیخان در گردیز (با اینکه در خانه بیکار و اوضاع پر از اضرار حکومت امانی را باول افکار میدیدند، محض از نقطهٔ نظر خدمت بوطن و سد باب اختلال رنج و فتن) داوطلبانه برای انجام خدمت و دوام امنیت حاضره شده نه تنها در انضباط و تأمین مرکز که شدید تحت خطر بود کوشیدند و بقیام امنیت در اطراف و نواحی مرکز و تمام لوگر موفق شدند بلکه کوتل صعب المرور تیره را که از مدتی مسدود بود صاف و محمد ولیخان را که در قشلهٔ حاکمه گردیز با قوای جسیمهٔ عسکری و تجهیزات مکملهٔ حربی محصور بود نیز از قلعه بندی رها کرد که شمهٔ ازین رشادتهای تاریخی شان در صفحهٔ (۲۷۳) این کتاب مرقوم است. صلهٔ آن از طرف حکومت برای شان نشان "تاج افغان" و یاوری حضور اعطا شد.

در سنه ۱۳۰۴ جهت معالجهٔ والد امجد شان بهند تشریف فرما شده، در عین مصروفیت او

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 705 of 711

بمعالجهٔ پدر بزرگوار بنا بر امر فوری الاجرای مرکز مأمور به آوردن محمد عمر خان عم شاه مخلوع که از برادرزاده اش قهر کرده بود شد، چنانچه مشار الیه که از حق تلفی و مظالم امانی خیلی دلگیر و متاذی بود، بوعده و ضمانت و تسلیت سردار شاه ولیخان اعتماد، و بافغانستان آمد و بواسطهٔ اوشان بین شاه و کاکایش مناسبات منقطعه دوباره مربوط شد.

درهمین سفر هندشان که در عین معالجهٔ والدشان (در آوردن و آشتی دادن عم شاه هم میکوشید) مع الاسف وفات حسرت آیات سردار بزرگوار جناب محمد یوسف خان واقع شد، که مشار الیه باتفاق سردار احمد علیخان نعش اوشان را از پرستارخانهٔ لاهور با اعزاز و احترام حمل کرده در اسرع اوقات بخاک پاک افغانستان رسانیدند و در جوار زیارت حضرت مهتر لام صاحب (که مدفن اکثری از دگر اجداد شان است) در اول حوت ۱۳۰۴ مدفونش ساختند، اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ (۱)

در ۱۳۰۵ بواسطهٔ تأثر و اندوهیکه از اجراآت فتنه زای حکومت داشت، و در عین زمان از خبر علالت شدید سپه سالار (اعلیحضرت محمد نادر شاه) کسب استحضار نمود عازم پاریس شد و در انجا به پرستاری برادرش الی حدوث انقلاب صرف مساعی میکرد.

(۱) مراسم عزاداری این سردار عالی بیک اعزاز و احترام لایتناهی از طرف عامهٔ ملت افغانستان مخصوصاً در نقاطیکه نعش شان عبور میکرد، از جانب حکومت و تمام طبقات مملکت بعمل می آمد، خاصتهٔ در مرکز مجلس فاتحه گیری شان به پایهٔ بلندی منعقد و در ان شخص شاه و عموم وزرا و اعزه و معاریف افغانستان احضار شدند که تفصیل آن جرائد و ضمیمه مفصلاً مرقوم است.

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 706 of 711

در دوران انقلاب در سمت جنوبی بهمرکاب سپه سالار غازی (اعلیحضرت) مصدر خدمات عمدهٔ عالی شد، که حد بحد درین کتاب مذکور است، در موقعیکه حضرت معظم له با آقای محمد سرور خان و آقای سید شریف خان و آقای محمد لطیف خان از حضور سپه سالار غازی به نظم ادارهٔ گردیز به تشریحیکه در صفحهٔ (۴۳۴) مرقوم است مقرر شدند، در انجا مظهر مجاهدات عالی العال گردید، مخصوصاً هنگام تعرض قوای بزرگ سقوی بر گردیز چنان داد شجاعت و مردانگی را دادند که شمهٔ از ان در صفحهٔ ۴۹۷ - الی ۴۹۴ - این کتاب موجود میباشد.

هکذا در فتح کابل و تشتت سقویها از مرکز دار السلطنه مساعی جمیله و رشادتهای تاریخیهٔ این ذات فرزانه قابل افتخار عالم عسکریهٔ افغانستان است که تشریحات آن در خاتمهٔ این کتاب در صفحات ۵۳۸ و ۵۴۰ و ۵۴۷ تا ۵۵۷، مکملاً مرقوم است.

جناب سردار شاه محمود خان

این سردار شجاعت مدار مراتب ابتدائیهٔ تعلیم و تربیهٔ خود را با حضرت عالی سپه سالار (اعلیحضرت محمد نادر شاه)، آغاز، و بعداً تعلیمات شان را در مکتب حبیبیه اکمال فرموده اند، در سنهٔ ۱۳۲۴ ق بمنصب سرخان اسپوری فائز شدند و در دوره های خارج و داخل شرف معیت اعلیحضرت را داشته وظائف خود را دائماً بخوبی

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 707 of 711

انجام میدادند، چنانچه در سنه ۱۳۳۵ ق ترفیعاً بمنصب سرلوسی از حضور اعلیحضرت شهید مقرر شدند و در عین این مراتب یک مکتب را برای تعلیم مخابره بنام ستارهٔ دولت و یک یک درس خانهٔ عسکری را برای تعلیم سرلوسها و قطعهٔ پروانه تاسیس نمودند.

در اوائل امارت امان الله خان طوریکه در صفحهٔ (۱۰۴) مرقوم است با سپه سالار (اعلیحضرت غازی) بعزم جهاد حرکت کرد، بتفصیلی که در صفحهٔ (۱۱۱) نگاشته شده بقوماندانیت محاذ جاجی مقرر شدند.

چنانچه حضرت ممدوح درین محاذ خدمات مفوضهٔ خود را طوریکه بعموم معلوم است بدرستی انجام دادند.

در موقع متارکه چندین هجوم های شدید قوای انگلیز را که بعزم استرداد تندی مینمودند با کمال متانت مدافعه نمودند (تفصیلات این مطلب را در صفحهٔ (۱۲۱ و ۱۲۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ ملاحظه کنند.

و در برابر این خدمات از طرف حکومت امانی بمنصب جرنیل نظامی ارتقا و بر ایشان نشان (سردار اعلی) و (حمیت) اعطا شده قراریکه در صفحهٔ ۱۸۶ مرقوم است بصفت جنرال نظامی حاکم اعلای جنوبی برای تنظیم و اصلاح ادارهٔ امور قشونی کشوری بسمت جنوبی اعزام شده و درین مأموریت خود بر علاوهٔ حسن اجراآت و تدویر امور

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 708 of 711

یک اخبار را هم بنام «غازی» در خوست دائر، و مکاتب متعدد را در جاجی، خوست و گردیز وغیره نقاط تاسیس نمودند، چنانچه در موقع فراغ از ان نواحی باتخاذ نشان حسن خدمت و تحسین و آفرین حکومت امانی مباهی شدند

در سنه ۱۲۹۹ شمسی بصفت معاونی ریاست تنظیمیه قطغن و بدخشان همرکاب جناب سپه سالار غازی (اعلیحضرت موجوده) قسمیکه در صفحهٔ ۲۳۳ مرقوم است عازم و در انجا مصدر خدمات مهمی شدند که اجمالش در صفحهٔ ۲۳۹ موجود میباشد.

پس از مراجعت سپه سالار (اعلیحضرت) از ریاست تنظیمیه مشار الیه بصفت قوماندانی فرقهٔ قطغن و بدخشان در انجا مصروف خدمت شدند.

در سنه ۱۳۰۴ شمسی در انطفای نائرهٔ بغاوت شغنان مظهر خدمت بزرگی گردیدند که تفصیل آن مکملاً در شمارهٔ (۱۱۹) سال اول اخبار "حقیقت" کابل بتاریخ ۲ جوزا سنه ۱۳۰۴ منشور شده و دران دورهٔ شاه مخلوع که در سنه ۱۳۰۴ بطرف غزنی و قندهار اجرا شد، در رفقای همسفرش شامل و بسا خدمات مهمی را دران زمینه اجرا فرمودند.

در سنه ۱۳۰۴ بحکومت اعلای مشرقی انتخاب و نظر به علل معلومه که معرضین منجمله استند از خدمات بی آلایش این ذوات بملت رفاهیتی عائد شود، تا یک مدتی معطل ماندند بالآخر نسبت به نکته گیری اهالی که نسبت به بیکاری این جنرال غازی مینمودند، و

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 709 of 711

برعلاوهٔ آن بدامنی و برهمی و پریشانی امور مشرقی که در ان اواخر باندازهٔ مختل شده بود که بروز روشن از یک ده بدیگر قریه کسی حرکت کرده نمیتوانست، و اصلاح و تنظیم آن یک عامل مقتدری مثل سردار شاه محمود خان میخواست در سنه ۱۳۰۵ بحکومت اعلای مشرقی مقرر و اعزام گردیدند، چنانچه جناب ممدوح بیک وقت اندک به نظم و نسق امور عمومیه و اعادهٔ امنیت تامهٔ آنولا مظهر مجاهدات بزرگی شدند.

در سنه ۱۳۰۶ شمسی به تنظیم و اصلاح امور کنرها و اسمار بوجه احسن پرداختند و ضمناً اقوام مهمند مسکونهٔ شالی، ولی، سرگند و قوم صافی متوطن دره شنگری و اقوام ماموند و باجوری ساکنین چغه سرای، اسمار، حصار، مرور، دره شلتن را که بعد از آمدن جناب محمد هاشم خان نائب سالار حاکم اعلای مشرقی بکابل الی الآن از اعطای مالیات و حقوق دولت آباد و در جنگ و قتال و میانی مبتلا و از احکام حکومت تمرد مینمودند با نصائح مفیده و قوهٔ عسکری تهدید و بحکومت مطیع و منقاد ساختند و چندین ساله مالیات را که بالای شان مانده بود تحصیل کردند.

در اواخر همین سال آن مغرضین عصر امانی که سعادت و مرفه الحالی ملت را قربان اغراض شخصی و مقاصد نفسی خود میکردند و خدمات و مجاهدات امثال این رجال صادق

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 710 of 711

فعال را در برابر پیشرفت مطالب نامشروع خود همچو یک سد متین می پنداشتند
او شان را از حکومت اعلای مشرقی معزول و به معینی دوم وزارت داخله منصوب
فرمودند، تا مغرضین بخاطر جمعی زمینهٔ را برای کاشتن تخم این انقلابی که افغانستان را
آتش فشان ساخت تهیه کنند .

بلی اگر سردار شاه محمود خان بحکومت خویش در مشرقی دوام میکرد
ابداً این آتش خانمان سوزیکه از شنوار شروع شده سرتاسر وطن را بیک
سرعت محیر العقولی در داد او لاً باین شدت و سرعت بروز نمیکرد، و فرضاً
اگر ظهور هم مینمود طوریکه بغاوت شغنان را در سنه ۱۳۰۲ و حوادث مولمهٔ کنرها و اسمار را
در سنه ۱۳۰۶ بکمال فعالیت منطقی و امنیت عمومی را بکلی درین دو منطقهٔ مهمه جاری فرمودند
درینجا هم مصدر و مظهر اقدامات مؤثری میشدند و نمی گذاشتند مبدأ این انقلاب
که حتماً واقع شدنی بود از مشرقی میشد (۱)

بعد از سقوط حکومت امانی و استیلای بچهٔ سقو بشرحیکه در صفحهٔ ۳۵۸، ۳۵۹
و ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲ مرقوم است عازم سمت جنوبی در عین بدنظمی و اختلال

(۱) مع الاسف در همین سال ۱۳۰۶ وفات حسرت آیات سردار معظم جناب محمد آصف خان عم افخم شان و جناب
محمد سلیمانخان نائب الحکومهٔ قطغن و بدخشان واقع شد که جنابان سردار شاه محمود خان، سردار احمد شاه خان در انجام مراسم تجهیز و تکفین
و عزاداری و فاتحه گیری آنها که بکمال همدردی و سوگواری از طرف حکومت و ملت بعمل آمد پرداختند .

(c) ketabton.com: The Digital Library
http://hdl.handle.net/2333.1/wstqjq94 Image 711 of 711

امنیت و شیوع خانه جنگی و شدت سرما و برف باری مصروف مجاهدات ملی شده اضرار حکومت سقوی و مواد اخوت و وحدت ملی را بمردم تلقین کنان در پاره چنار شرف ملاقات (اعلیحضرت غازی را) نائل شدند .

در طول محاربات هفت ماههٔ مجاهدین ملی زحمات و کارروائی این مرد شجاع تاریخی دوام داشت که تفصیلات آن جابجا درین کتاب مسطور است مخصوصاً زینت افزای صفحات ۴۴۸ و ۴۵۱ و ۴۹۵ و ۵۰۳ و ۵۰۶ و ۵۰۷ و ۵۳۳ تا ۵۳۶ و ۵۳۹ و ۵۵۶ و ۵۵۷ میباشد .

عزم و ثبات و استقامت و زحمت کشی و فعالیت این جوان کار آگاه موجب افتخار افغانستان ، و همهٔ اجراآت این مرد دانشور چه در محاربات جنوبی و چه در دوران فتح کابل بمفاد ملک و ملت شان تمام شده است .

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library